

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چکیدهٔ مقاله‌های
هفتمین همایش بین‌المللی
انجمن ترویج زبان و ادب فارسی
۱۵-۱۷ شهریورماه ۱۳۹۱
دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

دبیر علمی همایش
دکتر نعمت‌الله ایران‌زاده

بسم الله الرحمن الرحيم

هست کلید در گنج حکیم

خداوند حکیم و خبیر را سپاس گزاریم که هفتین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی با اقبال چشم‌گیر پژوهش‌گران و استادان فرهیخته مواجه شد و پس از اعلان فراخوان، حدود ۱۹۶۰ عنوان مقاله به دبیرخانه رسید. استقبال شگفت‌انگیز پژوهشگران موجب خوشحالی شورای علمی همایش شد.

در داوری مقالات، استادان ارجمند زیادی از سراسر کشور به ما مدد رساندند. دانش‌پژوهان و دانش‌جویانی که نامشان در ذیل این صفحه آمده، صمیمانه یاری‌گر ما بودند و گاه تا پاسی از شب‌ها به ویژه در ماه مبارک رمضان و در آستانه برگزاری همایش، امور داوری و اعلام نتایج و آماده‌سازی چکیده‌ها را پی‌گیری کردند، از همه این بزرگواران صادقانه سپاس گزاریم:

خانم‌ها: نصرت‌بانو سهرابی، الناز شکوری، ساناز باروتی، محدثه- سادات موسوی ایرانی، سیده سمیه یوسفی‌پور، آگیتا محمدزاده، رقیه کاردل ایلواری، زهره کافی، مونا رستا، و الهام شکوری. آقایان: نعیم محمدی، هیوا حسن‌پور، محمد امامی، علیرضا رفعت- نژاد، سینا قرائی، محمدباقر چاردولی، داریوش همتی، محمد مهدی زمانی، خیام جوکار، و منصور مقدم.

مجموعه حاضر چکیده مقاله‌های پذیرفته شده (برای ارائه و چاپ) چکیده‌های تأیید شده است. به سبب حجم مقالات و انبوه کارها، فرصتی برای ویرایش علمی چکیده‌ها نداشتیم. برخی از نویسندگان، ویراست مقالات خود را به دبیرخانه فرستاده‌اند.

امید است سایر پژوهش‌گران ویراست نهایی مقالات پذیرفته شده خود را به دبیرخانه همایش بفرستند تا آماده‌سازی و انتشار مجموعه مقالات سریعاً انجام گیرد.

در برگزاری همایش، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، انجمن ترویج زبان و ادب فارسی، دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی (به ویژه دبیر محترم شورا، دکتر عباسعلی وفایی)، پژوهشگاه

فرهنگ و هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (به ویژه دکتر یحیی طالبیان)، معاونت پژوهشی و ریاست محترم دانشگاه علامه طباطبایی، رئیس محترم دانشکده زبان و ادبیات فارسی و مدیر محترم گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی (همکار گرامی آقای دکتر محمدحسن حسن‌زاده نیری) و استادان گروه، همکاری شایسته و ارزنده‌ای داشته‌اند؛ از همه آنان سپاس گزارم.

دانش‌جویان و پژوهش‌گران جوان با نگارش مقاله‌های علمی به خصوص در مطالعات بینارشته‌ای، نقد ادبی، ادبیات تطبیقی و ادب داستانی از این همایش استقبال خوبی کرده‌اند. این جنبش ادبی را باید به فال نیک گرفت. امید است در آینده نزدیک شاهد شکوفایی بیش‌تر آنان باشیم.

فاتحهٔ فکرت و ختم سخن نام خدای است برو ختم کن

دبیر علمی همایش

نعمت الله ایران‌زاده

رویکردی تطبیقی بر تصویرگری در لالایی های فارسی و عربی

*دکتر مرضیه آباد

*محمد نگارش / الهام خادمی

لالایی ها، نخستین نمونه ی ادبیات شفاهی زنانه هستند که زیر مجموعه ی ادبیات عامیانه و ادبیات کودک محسوب می شوند. این مقاله در صدد آن است تا هنر تصویرگری مادران را در لالایی های فارسی و عربی مورد پژوهش قرار دهد. بررسی ها، حاکی از آن است که عنصر غالب بر لالایی های هر دو زبان تشبیه حسی است و به ندرت، دیگر انواع عناصر بلاغی در آنها دیده می شود، چرا که در این ترانه ها مادران خود را مکلف به تصنع نمی کنند و هدف موزون بودن لالایی ها است. در غالب لالایی های فارسی مادران فرزندان خویش را به گل تشبیه می کنند. در لالایی های عربی، نمی توان مشبه به غالبی را یافت که فرزند بدان تشبیه شده باشد. گاه فرزند به گل، گاهی به کبوتر، گاهی به انگور و ... تشبیه شده است. در بررسی تصویرگری در لالایی های فارسی و عربی، شش عنصر مهم رنگ، طعم، رایحه، حجم، حرکت و صدا مورد بررسی قرار گرفته است.

کلید واژه ها: مادر، لالایی های فارسی، لالایی های عربی، تصویرگری.

* دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد

* کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی - دانشگاه آزاد اسلامی - واحد کاشمر

متون عرفانی مقایسه‌ی تأویل‌های صوفیانه‌ی «انالحق» و «سبحانی ما اعظم شأنی» براساس

* دکتر حشمت الله آذر مکان

* پروانه رویین اهلی

شطحیات «انالحق» حسین بن منصور حلاج و «سبحانی ما اعظم شأنی» بایزید، شطحیاتی هستند که از همان ابتدا تأمل زیادی رابه خود معطوف داشته است، آن چنان که تأویل‌های زیادی از آن، در متون عرفانی وجود دارد، این مقاله می‌کوشد پس از معرفی هفت دیدگاه از هفت عارف برجسته و استفاده از نکات اصلی نظریات آن‌ها و مقایسه‌ی این نکات، به تفاوت و تشابه تأویل‌هایشان و اساسی‌ترین اصول اعتقادی که در تأویل این شطحیات به کار رفته است، دست یابد و علاوه بر آن مشخص کند که این عارفان با تأویل‌های خود، تلاش زیادی در جهت اقناع ذهنی خواننده و شناسایی بنیان‌های فکری خود داشته‌اند. تأویل‌هایی که به دلیل حساسیت آن گروهی، غیر مستقیم و گروهی مانند شبستری آشکارا به تبیین آن پرداخته‌اند؛ مقایسه‌ی این دیدگاه‌ها نشان می‌دهد که نکات مشترک - این تأویل‌ها، دلیل بر هماهنگی نظریات آن‌ها در دوره‌های گوناگون است و برجستگی این شطح توانسته است سهم زیادی در معرفی دیدگاه‌های عرفانی آنان داشته باشد زیرا علاوه بر آن که دلایل زیادی در تأویل آن‌ها به کار گرفته شده است، توانسته است به عنوان شاهدی در تبیین نظریات عرفانی‌شان نیز دخیل باشد و در پایان مشخص می‌کند که کدام یک از این عارفان نقش بیشتری در اقناع ذهنی خواننده داشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: تأویل، شطح، وحدت نوری، حلاج، بایزید.

* استادیار دانشگاه هرمزگان

* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه هرمزگان

سیمای قوم ترکمن در آثار احمد شاملو، نادر ابراهیمی و صادق هدایت

*کمال الدین آرخی مدرس

این پژوهش چگونگی انعکاس قوم ترکمن و فرهنگ و باورهای این قوم را در آثار چهار تن از بزرگان ادبیات معاصر ایران بررسی می نماید. به عبارت دیگر نوع نگرش آنان به این قوم چگونه بوده است، دیگر این که فرهنگ و آداب و رسوم ترکمن چگونه در آثار آن ها نمود یافته است. احمد شاملو اشعاری درباره زنان ترکمن و مختومقلی فراغی (شاعر ترکمن) دارد. و شیفته این قوم است. نادر ابراهیمی رمان بلند "آتش بدون دود" و چند داستان دیگرش را با توجه به افسانه ها و آداب و رسوم ترکمن نگاشته و سال ها در بین ترکمن ها زیسته است. صادق هدایت در بوف کور چشم های زن اثیری را به چشم های مهربان ترکمنی تشبیه می کند و داستان کوتاه لاله را نیز با تأثیرپذیری از لاله های ترکمن (آوازهای دسته جمعی دختران ترکمن) نوشته است.

کلید واژه ها: قوم ترکمن، مختومقلی فراغی، ادبیات معاصر، آتش بدون دود، لاله.

اساطیر قوم ترکمن در نمایشنامه "دلی بای و آهو"

کمال الدین آرخی*

در ادبیات معاصر ایران قومیت‌ها جایگاه ویژه‌ای دارند. انعکاس فرهنگ و باورهای مردم در آثار شاعران و نویسندگان گوشه‌ای از اوضاع اجتماعی را جلوه‌گر می‌سازد. در این بین قوم ترکمن هم دارای فرهنگ و اسطوره‌های خاصی هستند که در ادبیات معاصر ایران نمود داشته‌اند. این اساطیر بازتاب نوع زندگی اجتماعی یا تعصبات قبیله‌ای آنان است. عباس معروفی نویسنده معاصر در نمایشنامه «دلی بای و آهو» تلاش می‌کند با گرته‌برداری از باورهای قومی ترکمن از بطن واقعه‌ای ملموس افسانه‌ای بیافریند تا از تکاپوی صحنه به اسطوره برسد. اسطوره‌های این نمایشنامه مربوط به دوران قبل از اسلام ترکمن‌ها و دوره‌ی شامانیسم است. شامان‌ها کسانی بودند که برای رهایی مردم از پنجه‌ی مرگ و نیستی تدابیری می‌اندیشیدند. در تفکر شامانی یا شمنی اعتقاد به آسمان و پرستش طبیعت جایگاه خاصی داشتند.

کلیدواژه‌ها: نمایشنامه، معروفی، اسطوره، شامان، ترکمن

* مدرس دانشگاه پیام نور بندر ترکمن

جایگاه زن در مرزبان نامه

*نعیمه آرننگ

یکی از آثار ارزنده نثر پارسی مرزبان نامه است که سعدالدین وراوینی در اوایل قرن هفتم آن را از گویش طبری به پارسی دری درآورد. مولف آن مرزبان بن رستم یکی از شاهزادگان طبرستان است که حدود دو قرن پیش از سعدالدین در آنجا می زیست. این کتاب از جنبه های گوناگون لفظی و معنوی مورد توجه و بررسی قرار گرفته و تا کنون موضوع بحث کتاب ها و مقالات بسیاری بوده است. در این میان موضوعی که تاکنون به آن پرداخته نشده، نقش زن و دیدگاه نویسنده به این قشر می باشد؛ اینکه زنان تا چه اندازه و با چه کیفیتی در کتاب مطرح شده اند؟ و اینکه آیا نگاه نویسنده به زنان منطقی و معقول بوده است؟ در این کتاب در هجده مورد زنان مطرح شده اند که هر یک به گونه ای وارد داستان ها و مضامین شده-اند. تمامی زنان مطرح شده در مرزبان نامه را در چهار گروه می توان قرار داد. زنانی با نقش های: لف - مثبت و نسبتاً مثبت ب- کاملاً منفی پ- منفعل و زیردست ت - کاملاً فرعی. در این مقاله ابتدا خلاصه و چکیده داستان به زبانی امروزی بیان شده که به تناسب موضوع مورد بررسی، گاه داستانی با تفصیل بیشتر و گاه به صورت مجمل آمده است. سپس به نقد داستان پرداخته شده و زن از جنبه های مختلف مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

کلید واژه ها: زن، مرزبان نامه، داستان، مرد.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات پارسی از دانشگاه اصفهان

تحلیل حکایت اختلاف کردن در چگونگی و شکل پیل

فاطمه آزاد کردمحلله*

داستان «اختلاف کردن در چگونگی و شکل پیل» که در دفتر سوم مثنوی به آن پرداخته شده است، از حکایت‌هایی است که پس از داستان «جمع آمدن ساحران پیش فرعون...» آمده است و مولانا به شیوه حکایت در حکایت سعی کرده است با استفاده از زبان سمبلیک ریشه اختلافات را بررسی کند و بعضاً راه حل‌هایی ارائه دهد. او به وسیله این تمثیل در پی بیان این نکته است که گاه تفاوت در نگاه و برداشت، ریشه تمام اختلافات است، و اگر انسان به جای توجه صرف به شکل و صورت هر امری به معنا و باطن آن نیز بیندیشد عملاً اختلافی به وجود نخواهد آمد. او در ادامه این حکایت تمثیلی، داستان توفان نوح را آورده است. در این مقاله کوشیده شده است، ابتدا تمثیل‌های به کار رفته در این حکایت رمزگشایی شود و حکایت‌های فرعی که در ظاهر چند جزء جدا ولی در اصل یک رشته به هم پیوسته را تشکیل می‌دهند و هر بیت برای توضیح و تبیین بیت بعد آمده است، مورد بررسی قرار گیرد. مولانا معتقد است که این اختلاف در مدرکات به علت چند لایه بودن حقیقت همیشه وجود دارد و همه ادیان وحدت گوهری دارند و به دنبال یک حقیقت واحد هستند که با حمایت رهبری آگاه که بر تمام زوایای یک امر احاطه دارد می‌توان انسان را از سقوط در ورطه اختلاف و حیرت نجات بخشید و در امور دنیایی راهی فراسوی انسان قرار داد که در نهایت به کمال و معنویات منتهی شود.

کلید واژه ها : پیل، توفان نوح، اختلاف دیدگاه، صورت و باطن، رهبر.

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان

روانشناسی رنگ در کتاب «در آستانه» احمد شاملو

فاطمه آزاد کرد محله *

عنصر رنگ از عناصر ویژه‌ای است که از طریق شناخت ویژگی‌ها، خاصیت‌ها و تأثیرات آن می‌توان رمزها را آشکار ساخت، و به راز درونی آن‌ها پی برد. روانشناسان با دقت در کاربرد رنگ‌ها به بازشناسی لایه‌های پنهان شخصیت افراد می‌پردازند. دقت در عنصر رنگ و شیوه کاربرد آن در کتاب «در آستانه» شاملو، می‌تواند پنجره تازه‌ای را برای شناخت بیشتر این اثر نمایان سازد. در این مقاله ضمن توصیف کارکرد رنگ واژگان در اشعار «در آستانه» شاملو و به کمک مبانی روانشناسی رنگ ماکس لوشر می‌توان رابطه میان روان و شعر شاعر را رمزگشایی کرد و شخصیت شعری او را به دیگران شناساند. در اشعار این کتاب شش رنگ را می‌توان مشاهده نمود که شاعر علاوه بر کاربرد آن‌ها، صفاتی را که تداعی کننده این رنگ‌ها هستند نیز آورده است و سعی شده در این مقاله به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود.

۱- آیا می‌توان از روانشناسی رنگ‌ها به شخصیت شاعر پی برد؟ ۲- چه تعدادی از رنگ‌ها در کتاب «در آستانه» شاملو به کار رفته است؟ ۳- آیا شاعر در این کتاب از رنگ‌های تیره استفاده بیشتری کرده است یا روشن؟ ۴- آیا رنگ می‌تواند روی شخصیت افراد تأثیر بگذارد؟ ۵- آیا رنگ به القای مفاهیم مورد نظر شاعر کمک می‌کند؟ ۶- بسامد کدام رنگ در این کتاب بیشتر است؟

کلید واژه ها: روانشناسی رنگ، رنگ تیره، رنگ روشن، احوال روحی شاملو، «در آستانه» شاملو.

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان

پرنندگان نمادین در شعر نیما

رقیه آزاد کردمحلّه*

نیما شاعری نمادگراست و بسیاری از نمادهای مورد استفاده‌ی خود را از طبیعت و اشیای موجود در اطرافش گرفته‌است. او شاعری است که برای بیان افکارش حتی خود را نیز در قالب نماد قرار می‌دهد تا صدایش راحت‌تر به گوش دیگران برسد. نیما با توجه به شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه، نماد را برای بیان افکارش برمی‌گزیند و این توانایی را می‌یابد که آن‌ها را نه به طور مستقیم و توصیف واقعی بلکه با شیوه‌ی تشبیه آشکار آن افکار به تصویرهای عینی و ملموس در اختیار مخاطب قرار دهد. وی شاعری برخاسته از روستاست و به خاطر زندگی و پرورش در محیط طبیعی و آشنایی نزدیک با پرنندگان، برای ساخت مضامین شاعرانه از آن‌ها برای رساندن پیام در قالب نماد بهره می‌برد. در این مقاله به بررسی نماد در شعر نیما پرداخته شده و نویسنده کوشیده است پرنده‌گانی را که در اشعار نوی نیمایی به عنوان نمادی از خود نیما، مطرح شده‌اند مورد بررسی و تحقیق قرار دهد و خوانندگان را با این نوع از شعر نیمایی آشنا گرداند.

کلید واژه‌ها: نیما، نماد، پرنندگان، ققنوس، مرغ.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

سبک شناسی موسیقی شعر فروغ

رقیه آزاد کردمحله*

فروغ شاعر موسیقی و احساس و عاطفه است. او از موسیقی در شعرش بهره‌ی فراوان برده است و گاهی تصرفاتی در شکل قالب اشعار و وزن نیز نموده است. در این مقاله، موسیقی شعر فروغ فرخزاد، با نگاهی سبک شناسانه مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. با توجه به این که طبیعی بودن، جزء مؤلفه-های اساسی در همه‌ی عناصر شعری اوست موسیقی نیز در بافتی کاملاً طبیعی و حسّی ارائه شده که در این مقاله برجستگی و تمایز وزن شخصی فروغ (موسیقی بیرونی) شعرش و نیز به نقش قافیه و ردیف به عنوان ارکان موسیقی کناری و برجستگی خاص موسیقی درونی، علی‌الخصوص تکرار در همه اشکال، پرداخته شده است.

کلید واژه ها: سبک شناسی، شعر، فروغ، موسیقی شعر، تکرار

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

بررسی کارکرد عنصر گفتگو در ساختار روایت در داستان های کوتاه سیمین انشور

پریسا آزاد*

محمد رضا صرفی*

آنچه اثری داستانی را از یک متن منثور غیرداستانی مجزا می کند، بهره گیری هنرمندانه نویسنده از عناصر داستانی است، به گونه ای که حوادث و وقایع داستانی در ساختاری روایی بازتاب داده شوند و علاقه مخاطب را به پیگیری و خواندن داستان افزایش دهند. بهره گیری از امکانات و ظرفیت های روایت در پیشبرد و پرورش طرح داستان یکی از ابزارها و شگردهایی است که هر نویسنده می تواند با استفاده مطلوب از آن به نوشته خود جنبه هنری و خلاقانه بیشتری بدهد. از دیگر سوگفتگو (dialog) یکی از عناصر بنیادین داستان است که نقشی بسیار مهم در تاثیرگذاری داستان بر مخاطب دارد و کارکردی موثر در ایجاد ارتباط میان اشخاص داستانی، افشای درون شخصیت ها، و گسترش طرح و عمل داستانی دارد. یکی از کارکرد های گفتگو، کمک به روایت داستان است، بدین شرح که نویسنده می تواند با بهره گیری مناسب از انواع گفتگو به روایت هنرمندانه داستان و پیشبرد طرح داستانی و بیان وقایع و حوادث داستانی بپردازد. سیمین انشور (۱۳۹۰-۱۳۰۰ ه. ش) بانوی داستان نویسی معاصر ایران، هر چند به رمان های ارزنده خود شهرت یافته است، داری ۴ مجموعه داستان کوتاه نیز هست که برخی از زیباترین داستان های کوتاه فارسی در این مجموعه ها فراهم آمده است. وی یکی از نویسندگان برجسته معاصر است که با اشراف بر عناصر داستان نویسی از «گفتگو» استفاده شایانی در روایت داستان هایش کرده است. در این مقاله کوشش می شود تا کارکرد عنصر گفتگو در روایت داستانهای کوتاه این نویسنده مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

کلید واژه ها: داستان نویسی معاصر، روایت شناسی، گفتگو، سیمین دانش

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی (محض) شهید باهنر کرمان

* دکترای زبان و ادبیات فارسی (استاد تمام) شهید باهنر کرمان

گویش کرجی

* رضا آقازاده

زمینه و هدف : این مقاله نخستین کار علمی - پژوهشی درباره گویش کرجی است. گویش کرجی به گویشی که سالیان متمادی در کرج و دیه های اطراف آن روایی دارد گفته می شود. از جمله ده کلاک، بیلقان، سیاه کُلان، دُرّوان، برغان، آتیشگاه، سرت آباد (سرحدآباد). اختلاف در گویش این نواحی بیشتر اختلاف آوایی است. ویژگیهای دستوری و گفتارها و واژه های آن این گویش را با وجود نزدیکی آن به گویشهای باختری یعنی مازندران و گویش موسوم به تاتی (نواحی قزوین) از این گویشها متمایز می سازد. لذا بر آن شدیم تا به بررسی این گویش بپردازیم. منابع و روشها: این پژوهش بر اساس تهیه پرسشنامه و گفتگو با مردمان میان سال - در بخش گویش - و نگرستن به نامها و آثار تاریخی بر جای مانده و همچنین مراجعه به کتابهای جغرافیای تاریخی - در بخش پیشینه - انجام شده است. یافته ها: گردآوری انبوه واژه های کهن که کم کم ب دست فراموشی سپرده میشود، یکسانی بیشتر افعال پر کاربرد در ناحیه البرز با اندک اختلاف آوایی، ارائه جدول مقایسه ای این افعال در پایان.

کلید واژه ها : کرج، گویش.

بالای دلاوران ، رخسار دلبران

زهرا آقابابایی خوزانی

قدرت تصویر آفرینی فردوسی تا بدانجاست که داستان های آن گاه پرده در برابر چشم خواننده ظاهر می شوند . قهرمانان سهی بالا ، خورشید چهره با کمان ابروان خمیده و دیدگان دژم گویی هنوز در کشاکش پیکار با نیستی ، طعم خوش هستی را در کام می ریزند. دختران شاهنامه با زلف گره بر گره ، نرگسان دژم بینی قلمی و انگشتان کشیده ، به خواننده بهشتی سرتاسر آراسته را می نمایند م. هر دلبری جلوه ای و هر پهلوی چهره ای دارد ، گاه ممتاز و متمایز از دیگری ، هر چه هست زنده است و رنگارنگ . از آنجا که در کتاب تصویرآفرینی شاهنامه ، در باب صور خیالی که در توصیف هر یک از اندام های قهرمانان شاهنامه به تفکیک سخن رفته است ، درین مقاله برای پرهیز از هر گونه تکرار ، به ناگفته هایی درین باب و نیز بررسی واژه هایی نظیر کرس و کرسی ، خط معقلی ، خوهل بینی و جز آن و درنهایت به تحلیل آبخورهای زیبایی پیکرین در شاهنامه و سنجش این اثر با آثار هم روزگار آن در باب جمال شناسی خواهیم پرداخت .

کلیدواژه ها: شاهنامه، زیبایی شناسی ، پیکرانسانی، اوستا ، ادب پهلوی .

کارکرد بلاغی افعال در داستان افشین و بودلف بر اساس علم معانی

سمیه آقابابایی*

تاریخ بیهقی یکی از جاودانه های تاریخ و زبان ادبیات فارسی است که وقایع تاریخی معین و دقیقی را در بر می گیرد. داستان افشین و بودلف از جمله ی این وقایع تاریخی است، که نویسنده برای گزارش آن از شگردهای داستانی هنرمندانه، بهره جسته است. از جمله ی این شگردها می توان به بسامد بالای فعل اشاره کرد. در این مقاله به دلالت و معانی ثانویه افعال در متن پرداخته می شود. از این رو ابتدا تعداد انواع افعال را از حیث زمان، ساخت، معلوم و مجهول، وجه فعل، لحظه ای و تداومی، نفی و اثبات، خبری و پرسشی، عام و خاص و... مشخص کرده و سپس بر اساس علم معانی دلالت مندی هر یک را در داستان با ذکر مثال بیان کرده ایم. یافته های پژوهش بیانگر آن است که داستان مذکور ساختاری روایی دارد و افعال موجود در متن سبب محسوس تر شدن جنبه روایتی، حقیقت ماندنی داستان و تاریخی بودن آن شده است.

کلید واژه ها: کارکرد فعل، روایت، علم معانی، داستان افشین و بودلف، تاریخ بیهقی

زیبایی شناسی بلاغی رمان جای خالی سلوچ

دکتر حسین آقاحسینی*

زینب رضاپور*

در تحلیل بلاغی یک رمان، مسائلی نظیر میزان استفاده از ابزار بلاغت (تشبیه، کنایه و استعاره و...)، چگونگی کاربرد این ابزار در جهت پیشبرد اهداف نویسنده و انتقال هر چه بهتر پیام ها و حس و حال داستان، همچنین بررسی مباحث مربوط به علم معانی نظیر ایجاز، اطناب، مقاصد ثانوی جملات پرسشی و خبری، میزان توفیق نویسنده در این زمینه و نیز تأثیر محیط زندگی، مسائل سیاسی، اجتماعی و افکار و اعتقادات نویسنده در استفاده وی از صور خیال، از اهمیت بسیار برخوردار است. برای مثال، فراوانی استعاره مکنیه در جای خالی سلوچ و در نظر گرفتن صفات انسانی برای اشیا، برآمده از این اعتقاد نویسنده است که انسان با طبیعت آمیخته و طبیعت و اجزای آن منظومه ای به هم پیوسته و غیر قابل تفکیک است و این تفکیک را تنها می توان به صورت مجازی در هستی در نظر گرفت؛ همچنین محیط خشک و کویری روستا موجب شده که تشبیهات دولت آبادی، نوعاً بر گرفته از اجزای این محیط و محسوس باشد. در واقع صور خیال او، تابع شرایط فضا و محیطی است که داستان در آن شکل می گیرد و رنگ اقلیمی و محلی تصاویر، در رمان او بسیار مشهود است. دولت آبادی صور خیال را به طور کاملاً طبیعی به عنوان ابزاری برای القاء حالتها، نمایش لحظه ها و جوانب گوناگون طبیعت و زندگی به کار می برد. نویسنده، به خوبی از هماهنگی تصویر با موضوع و نقشهای مختلف هر یک از انواع استعاره، کنایه و تشبیه، آگاهی داشته است. در این مقاله، به بررسی و تحلیل جنبه های زیباشناختی در رمان «جای خالی سلوچ» پرداخته می شود.

کلید واژه ها: جای خالی سلوچ، محمود دولت آبادی، صور بلاغی.

* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

جایگاه پرسش در غزل سبک عراقی و اهمیت آن از منظر سبک شناسی

دکتر حسین آقاحسینی*

الهام سیدان*

یکی از مهم ترین موضوعاتی که در بررسی های بلاغی و زبانی آثار ادبی تا کنون کمتر بدان پرداخته شده، ارتباط شاخه های مختلف بلاغت از جمله علم معانی با مقوله های سبک شناسی است. دو شاخه بلاغت و سبک شناسی از جنبه های گوناگون وابسته و مرتبط به یکدیگر است و در این میان ارتباط تنگاتنگی بین علم معانی و سبک شناسی مشاهده می شود. علم معانی علم ارتباط است و جملات در برقراری این ارتباط نقش اساسی و سازنده ای دارد. جمله در یک تقسیم بندی کلی به دو قسم خبر و انشا تقسیم می شود. در متون ادبی جمله های پرسشی از بسامد بالایی برخوردار است و در عین حال در شعر شاعران دوره های مختلف گاه با ظرافت ها و نکات ادبی ویژه ای همراه است. شاعران در ادوار مختلف از جملات پرسشی در راستای طرح پیام ها و نقش های معنایی متعددی بهره برده اند. بررسی جملات پرسشی و پیام نهفته در آن نشان می دهد که کارکرد جملات در پیام رسانی در ادوار مختلف سبکی همیشه یکسان نیست. تبیین نحوه کاربرد جملات پرسشی و نیز مقاصد مورد نظر شاعران در ادوار مختلف نه تنها به فهم بهتر اشعار یاری می رساند، بلکه در بررسی های سبک شناسی نیز کارگشا خواهد بود. با توجه به اهمیت و بسامد بالای این نوع جملات و نقش های معنایی متعدد آن در غزل سبک عراقی سعی بر آن است که در این پژوهش به بررسی پرسش و جایگاه جملات پرسشی در این دوره پرداخته شود. در سبک عراقی جملات پرسشی و اغراض ثانوی آن نه تنها نسبت به دوره قبل افزونی می گیرد، بلکه ظرافت های خاصی نیز با توجه به تغییر سبک ادبی در آن مشاهده می شود. در غزل عاشقانه پرسش گاه با نکات بلاغی و صنایع ادبی در هم می آمیزد، به گونه ای که اغراض متفاوتی مانند تشبیه تفضیل، حصر، حسن طلب و تجرید از مفهوم پرسش مورد نظر برداشت می شود. در غزل عرفانی این دوره نیز مضامینی مانند کتمان سر و حیرت در قالب پرسش مطرح می شود که خاص شعر عرفانی است. بنابراین در این

* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

* دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

پژوهش ویژگی های مختلف جملات پرسشی در غزل های عارفانه و عاشقانه سبک عراقی بررسی خواهد شد.

کلید واژه ها: پرسش، جملات پرسشی، سبک عراقی، غزل عارفانه، غزل عاشقانه.

سیمای زن در شعر مشروطه (با تکیه بر اشعار ملک الشعرا بهار و نسیم شمال)

مینا آقا زاده

یکی از مباحثی که امروزه مورد توجه منتقدان می باشد ، بررسی نگرش های مختلف به شخصیت زن در ادبیات است . رهیابی زنان به شعر نیز امری اجتناب ناپذیر است که نقطه اوج آن در شعر مشروطه تجلی می یابد . زن در شعر مشروطه جلوه ای دیگر می یابد . خرد ، شخصیت و انسانیت او مطرح شده و مورد بررسی شعرای آن عصر قرار می گیرد . شعر این دوره به انعکاس خواسته های زنان می پردازد و از آنجا که شعر در طول قرون متمادی تاثیر به سزایی در انتقال مفاهیم داشته است و یکی از ابزارهای بیان اندیشه است ، شعر مشروطه شعر سه شاعر عصر مشروطه (ملک الشعرا بهار ، میرزاده ی عشقی و نسیم شمال) مورد بررسی قرار گرفته است ما در این تحقیق برآنیم که به این پرسش ها و سوالات پاسخ دهیم که : تصویر زن در شعر شعرای مورد پژوهش و در کل شعر مشروطه چگونه است ؟ و آیا به راستی آمده حکمی از آن است که نگرش شاعران به زن در شعر دوره مشروطه تغییر کرده و برای اولین بار مضامین شعر این دوره به مسائل حقوقی زن می پردازد و زن از معشوقه بودن مطلق خارج می شود و عقلانیت ، شخصیت و انسانیت او مورد تبیین و تحلیل قرار می گیرد . و

کلید واژه ها: مشروطه ، زن ، شعر ، ادبیات مشروطه ، ملک الشعرا بهار و نسیم شمال .

ویژگی‌های ساختاری ادبیات داستانی کودکان در زبان فارسی

* فردوس آقاگل‌زاده

* اکرم رضوی‌زاده

پژوهش حاضر به بررسی و تحلیل ۵۷ نمونه کتاب داستانی در گروه‌های سنی "الف، ب، ج" (۱۷) نمونه گروه سنی الف، ۲۰ نمونه گروه سنی ب و ۲۰ نمونه گروه سنی ج) می‌پردازد. به‌منظور تحلیل جمله‌های نمونه کتاب‌های داستانی در سه گروه مذکور، ۵۰ جمله اول هر کتاب داستانی در هر گروه سنی انتخاب و در مجموع ۳۰۰۰ جمله در گروه‌های سنی "الف، ب، ج" مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند؛ ولی چون جمله‌های موجود در کتاب‌های گروه سنی "الف" کم هستند و در برخی کتاب‌ها حتی به ۲۰ الی ۳۰ جمله هم نمی‌رسند، در مجموع از ۱۷ نمونه کتاب در گروه سنی "الف"، ۱۰۰۰ جمله انتخاب و مورد تحلیل قرار می‌گیرد. از میان نمونه کتاب‌های بررسی شده، جمله‌های ساده بیشترین بسامد و جمله‌های ناتمام کمترین بسامد را در هر ۳ گروه سنی دارند. ترتیب سازگانی نامنظم در گروه سنی "الف" (۳۱/۹ درصد) بیشتر از دو گروه سنی "ب و ج" است که با بالا رفتن سن مخاطب از تعداد جمله‌هایی که دارای ترتیب سازگانی نامنظم هستند، کاسته می‌شود، این مقدار در گروه سنی "ب" برابر ۳/۳ درصد و در گروه سنی "ج" ۴/۶ درصد است. درصد جمله‌های امری در گروه سنی "الف" (۹/۹) است که بیشتر از دو گروه سنی "ب" (۲/۸) و "ج" (۴/۵) می‌باشد. جمله‌های پرسشی و ناتمام در هر ۳ گروه سنی "الف، ب، ج" تقریباً درصدهای نزدیکی دارند. جمله‌های پرسشی در گروه سنی "الف" (۰/۴)، گروه سنی "ب" (۴/۷) و در گروه سنی "ج" (۷/۴) و جمله‌های ناتمام در گروه سنی "الف" (۴/۶)، گروه سنی "ب" (۲/۷) و در گروه سنی "ج" (۳/۶) درصد می‌باشند و نتایج بدست آمده دیگر که همراه نمودار در متن مقاله عنوان شده است.

کلید واژه‌ها: ادبیات کودکان، ویژگی‌های ساختاری و نحوی ادبیات کودکان، داستان‌های کودکان.

* دانشیار دانشگاه تربیت مدرس E-mail: Ferdows@yaho.com

* دانش‌آموخته دانشگاه تربیت مدرس و مدرس زبان E-mail: razaviakram@yahoo.com

جایگاه عقل در داستان موش و گربه کليلة و دمنه

اسماعیل آقایی*

جواد صدیقی ليقوان / مهدی آسمی*

کليلة و دمنه کتابی است که داستان های آن از لحاظ فکر و اندیشه در حد اعلايی بوده زیرا که سیاست و تدبیر جز و لاینفک این داستان ها به شمار می رود. یکی از داستان های ارزشمند کليلة و دمنه داستان موش و گربه می باشد. تا جایی که در جای جای این داستان عقل از جایگاه منحصر بفردی برخوردارست. در این مقاله بر آنیم که جایگاه عقل را در داستان موش و گربه ی کتاب کليلة و دمنه را از تمام زاویه و جوانب بررسی کرده و این موضوع را به چالش بکشیم؛ تا با استفاده از این موضوع کنکاش کنیم که موش چگونه از قدرت تعقل خود استفاده کرده و خود را از بلاها می رهاند؛ تا اعمال موش را عبرت و الگویی برای عاقلانه زیستن خود نماییم.

کلید واژه ها: موش، گربه، کليلة و دمنه، عقل، دشمنی، دوستی.

* کارشناس ارشد ادبیات پارسی (دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز)

* کارشناس ارشد ادبیات پارسی (دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز)

نوآوری های هنری در داستان های مدرن فارسی

* زینب (آرام) آموزگار

* امیر جعفر پور

داستان ها و رمان ها یکی از انواع ادبی به شمار می آیند که به نوعی بیانگر زمان خود هستند. در برخی از داستان ها نویسنده اوضاع اجتماعی جامعه را به تصویر می کشد و قلمش را در خدمت بررسی مسائل روز جامعه قرار می دهد. داستان نویسان مدرن به پیروی از جمال زاده به سمت داستان نویسی مدرن کشیده شدند و تجربه و نوآوری های نوینی را در زمینه داستان نویسی به کار بردند. بسیاری از این نوآوری ها به تقلید از ادبیات غرب وارد ادبیات فارسی شده است؛ استفاده نویسندگان از این نوآوری ها نشانگر ارتقا ظرفیت وجودی داستان نویسی است و از آینده درخشان تر داستان نویسی در ایران خبر می دهد. سادگی، پویایی (به این معنا که شخصیت افراد در طی داستان تحول و تکوین می یابد بر خلاف داستان های گذشته)، غنای لفظ و معنا از برجسته ترین ویژگی داستان و رمان های نو هستند. از دیگر ویژگی ها، استفاده از شیوه جریان سیال ذهن، فلش بک، نظم گریزی، پایان نامشخص، لحن مناسب، شخصیت پردازی قوی، تلفیق فرهنگ بومی و غربی، روانشناسی افراد و ... است. مهمترین هدف این پژوهش آشنایی علاقمندان داستان نویسی به تکنیک ها و نوآوری های هنری داستان نویسی است. روش تحقیق در این پژوهش تحلیلی - توصیفی و روش گردآوری از طریق مطالعه و فیش برداری است.

کلید واژه ها : داستان مدرن، نوآوری های مدرن، جمال زاده، جریان سیال ذهن، فلش بک.

* کارشناس ارشد ادبیات

* کارشناس معدن

بررسی زمینه سازی در گفتمان روایتی کودکان فارسی زبان

*دکتر عباسعلی آهنگر

*ستاره مجاهدی رضاییان

زبان ها از ابزارهای زبانی مختلفی برای بازنمایی و سازمان دهی جریان اطلاعات^۱ گفتمان استفاده می کنند. یکی از این ابزارها، زمینه سازی^۲ اطلاعات است که از طریق آن روایت کننده اطلاعات اصلی و فرعی را در روایت^۳ مشخص می کند. اطلاعات اصلی که پایه و اساس روایت را تشکیل و از نظر زمانی ترتیب مهم ترین وقایع را نشان می دهند پیش زمینه^۴ هستند، اما اطلاعات فرعی، وقایع حاشیه ای روایت را نشان می دهند که از نظر ترتیب زمانی دارای اهمیت قابل ملاحظه ای نیستند و پس زمینه^۵ می باشند. این نوع سازمان دهی باعث انسجام^۶ بیشتر میان پاره گفتارهای گفتمان و همچنین انتقال موثرتر اطلاعات می شود. پژوهش حاضر درصدد است چگونگی تحقق زمینه سازی را بر اساس پیش زمینه سازی و پس زمینه سازی در گفتمان روایتی کودکان فارسی زبان با بررسی دو ابزار زبانی نمود^۷ (کامل^۸ / ناقص^۹) و صیغه^{۱۰} (معلوم / مجهول) و همچنین تاثیر سن بر بکارگیری این ابزارها مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. داده های زبانی این پژوهش را روایت های گفتاری تولید شده توسط کودکان ۷، ۹ و ۱۱ ساله تشکیل می

*دانشیار دانشگاه سیستان و بلوچستان

*کارشناس ارشد زبانشناسی همگانی دانشگاه سیستان و بلوچستان

^۱ flow of information

^۲ grounding

^۳ narrative

^۴ foreground

^۵ background

^۶ coherence

^۷ aspect

^۸ perfective

^۹ imperfective

^{۱۰} voice

دهند. به این منظور، ۳۰ دانش آموز کلاس اول، سوم و پنجم دبستان (در هر گروه سنی ۱۰ دانش آموز) با استفاده از دو داستان تصویری (هیگمن^۱، ۲۰۰۴) مورد آزمون قرار گرفتند. بررسی و تحلیل داده ها نشان می دهد بکارگیری نمود کامل برای بیان وقایع پیش زمینه که به اتمام رسیده با افزایش سن، کاهش می یابد و بکارگیری نمود ناقص برای وقایع پس زمینه در حال انجام با افزایش سن، افزایش می یابد. همچنین، استفاده از صیغه معلوم و صیغه مجهول برای پیش زمینه و پس زمینه در روایت های کودکان مشاهده می شود. بعلاوه، بررسی روایت های تولید شده سه گروه سنی بیانگر این حقیقت است که بکارگیری صیغه معلوم در روایت ها نسبت به بکارگیری صیغه مجهول غالب تر است و بکارگیری آن با افزایش سن کاهش می یابد.

کلید واژه ها: گفتمان، پیش زمینه سازی، پس زمینه سازی، انسجام، کودکان

تأثیر کاربرد "تعارف" در پردازش شخصیت های داستانی

دکتر فرشته آهنگری *

مهمترین شگرد نویسندگی در پردازش شخصیت های داستان، عبارات و جملاتی است که از قول قهرمانان به قصد بیان غیرمستقیم دیدگاه نویسنده آورده می شود. جملات تعارف آمیز که نوعی هنجار گفتاری و رفتاری در شئون مختلف زندگی ایرانیان است در گفتگوهای داستانی کاربرد مؤثری در ایضاح شخصیت قهرمانان دارد. این عبارات و جملات با توجه به معانی ثانوی یا معانی فرا واژگانی خود، بیانگر دیدگاه، نیات، خاستگاه پرورشی و درکل نمایاننده چگونگی شخصیت قهرمانان داستان هستند. فارغ از آن که کاربرد و بسامد واژگان و عبارات و ساختار دستوری آنان به سبک خاص هر نویسنده باز می گردد استفاده عامدانه، بهنجار، و یا فراتر از حد معمول عبارات تعارف آمیز در گفتگوهای قهرمانان داستان می تواند به توصیف شخصیت قهرمانان یاری رساند و دیدگاه خواننده را نسبت به آنان تغییر دهد؛ به طور مثال به پیشداوری، همفکری، و یا رد و قبول خواننده در باب شخصیت قهرمانان منجر گردد. کاربرد عبارات تعارف آمیز، خط فارق و چراغ راهنمای نحوه مکالمات اجتماعی در ایران است که طبقه اجتماعی، علائق شخصی و هدف طرف گفتگو را نشان می دهد. این ویژگی ها به طور مستقیم در پردازش شخصیت های داستان و گفتگوهای میان آنان نمایان و مؤثرند.

کلیدواژه ها: تعارف، شخصیت های قهرمانان، توصیف.

* استادیار بنیاد دانشنامه نگاری ایران

عناصر داستان در سه داستان کودک و نوجوان دوره‌ی دفاع مقدس

دکتر محمد آهی*

معصومه ابراهیمی هژیر*

با شروع جنگ بین ایران و عراق، نویسندگان برای ترسیم جبهه‌های جنگ و مقاومت مردم، دست به خلق آثاری با موضوع پایداری و مقاومت زدند. یکی از عرصه‌های مورد توجه، داستان کودک و نوجوان است. لازمه‌ی شکل‌گیری یک چرخه‌ی داستانی، مجموعه عواملی به نام عناصر داستانی است. پژوهشگران در این پژوهش به بررسی و بیان عناصر داستانی سه داستان کودک و نوجوان به نام‌های "عروج"، "فرشته‌ها می‌آیند" و "خواب‌هایم پر از کبوتر و بادبادک است" پرداختند. این داستان‌ها در دوره‌ی دفاع مقدس با موضوع جنگ و شهادت نوشته شدند. "عروج" دارای عمل داستانی منسجم با فضای داستانی شهر تهران و منطقه‌ی جنگی جنوب در سال‌های آغازین جنگ است. شیوه‌ی خاص نویسنده، مانوس کردن مرحله به مرحله‌ی فضا برای مخاطب است. صحنه‌پردازی در بخش‌های آخر داستان ضعیف است. "فرشته‌ها می‌آیند" با یک نکته‌ی مبهم آغاز می‌شود. لحظه‌پردازی ضعیف است. فضاسازی مناسب صورت نگرفته و پردازش داستان مطابق با طرح و موضوع اصلی داستان پیش نمی‌رود. زمان داستان مربوط به سال‌های آغازین جنگ است. ویراستاری داستان "خواب‌هایم پر از کبوتر و بادبادک است" ضعیف است. شخصیت‌های داستان به‌طور مستقیم به مخاطب شناسانده می‌شوند. سبک خاص نویسنده، بیان اصطلاحات جنوبی و لهجه‌ی خاص جنوبی است. گفتگوها ضعیف هستند و صحنه داستان شهر خرمشهر در روزهای اول شروع جنگ است.

کلید واژه ها: عناصر داستان؛ داستان؛ کودک؛ نوجوان؛ جنگ.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی سینای همدان ahi200940@yahoo.com

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی mehzhir@gmail.com

خوانشی سینماتیک بر یوزپلنگانی که با من دویده اند

*مینا آینده

هنر با دست مایه قرار دادن روح آدمی همیشه او را به آرامش رسانده است. از زمانی که انسان پی به هنر برد؛ موسیقی، نقاشی، تئاتر، سینما و دیگر شاخه های هنری راهی برای بیرون ریختن احساسات و غلیان عواطف انسانی بوده است. ادبیات نیز پیشتر از هنر با خلق شعر و داستان همین نقش را بر عهده داشته است. حتی سرودن شعر و نوشتن داستان خود نوعی هنر محسوب می شود. از زمان روی کار آمدن سینما، این شاخه از هنر پیوندی محکم با ادبیات به ویژه داستان نویسی پیدا کرد. ادبیات نیز بسیاری از ویژگی های سینمایی را با خود ترکیب کرد. بسیاری از بیان های ادبی با توجه به قابلیت آن ها تبدیل به بیان های سینمایی شد. این تبدیل هم در شکل و هم در مضمون رخ داده است. بسیاری از داستان ها، سیاق سینمایی و تکنیک های قابل کاربرد در سینما را در خود دارند و همین امر دلیل بر تصویری تر شدن این داستان ها شده است. داستان هایی تصویری با زبانی سینمایی. یکی از نویسندگانی که این نوع کاربرد در داستان هایش بیش از پیش واضح است، بیژن نجدی است. نجدی در مجموعه داستان *یوزپلنگانی که با من دویده اند* با به کار بردن تصاویر معکوس، بیان تصویری، فلاش بک های پی در پی، قاب بندی های سینمایی، چرخش و حرکت دوربین مانند راوی و مواردی از این دست، این پیوند (پیوند سینما و ادبیات) را به نحوی زیبا به تصویر کشیده است. در این مقاله داستان ها از منظر عناصر سینمایی در فرم ادبی آن بررسی شده اند.

کلید واژه ها: سینما، ادبیات، اقتباس، داستان.

بررسی جلوه های تشبیه در دیباچه های مثنوی

ابراهیم ابراهیم تبار*

مولوی از معدود شاعرانی است از که موهبت نبوغ هنری برخوردار است. گستردگی حوزه تخیل و نوآوری های او در شعر، نشان از مهارت و قدرت او در شعر و شاعری است، یکی از مهارت های مولوی در تصاویر بیانی، استفاده از گونه تشبیه است، دقت مولوی و ذهن خلاق او در ایجاد زمینه های مختلف تشبیه، به جهت تقریب معانی روحانی به افهام سالکان طریقت، علاوه بر تجربه های مستقیم حواس که در شعر به چشم می خورد؛ از جهات تصاویر و گونه های خیال دیدنی است. توانایی های او در ایجاد تصاویر و ثبت دقایق و ظرایف، و حتی حالات مختلف اشیا اعم از؛ رنگ ها و بوها و مزه ها و ... در شعرش زیاد است، تا جایی که بعضی از تشبیهات او دو بعدی و یا چند بعدی اند؛ و اگر تکراری در مواد تشبیهات او دیده می شود این امر نه تنها از ارزش آن نکاسته بلکه با هنرمندی خاص و امتزاج چند تصویر آن تشبیه را از تکرر و ابتدال دور نموده از واژگان مکرر، به طرق مختلف به عنوان کلید «واژگان تشبیه» بهره برده است؛ این پژوهش بر آن است، تا با شیوه تحلیلی و توصیفی، ارزش و اهمیت تشبیهات را در دیباچه های مثنوی بررسی نماید.

کلید واژه ها: مولوی، مثنوی، تشبیه، تصاویر بیانی.

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل

اخلاص در آینه تفسیر قرآنی و تأویل عرفانی

آرزو ابراهیمی دینانی*

دکتر محمدکاظم یوسف پور*

از جمله مقولات اساسی و کلیدی در شریعت و عرفان، اخلاص است که تفاسیر دینی و عرفانی، جایگاه ارزشمند این موضوع را در میان طالبان حقیقت نشان داده است. قرآن کریم با نگاهی دوجانبه به اخلاص و طبقه‌بندی مخلصان و مخلصان (که نظریه عرفانی سالک مجذوب و مجذوب سالک را تداعی می‌کند)، زیربنای استوار تفسیر و تأویل آن را برای اندیشمندان دینی و عرفانی فراهم می‌کند. در این نوشتار می‌کوشیم با بررسی نظرگاه قرآن، حدیث و آثار صوفیه - به‌ویژه تا قرن هفتم هجری - در موضوع اخلاص، به تحلیل این مقوله به عنوان مهمترین معیار قبول اعمال، اقوال و احوال آدمی در نزد حق بپردازیم. تفاوت نگاه تفسیری و عام شرعی با نگرش تأویلی و خاص عرفانی، منجر به چندمعنایی شدن اخلاص می‌گردد. رویکرد عارفان به مفهوم اخلاص را می‌توان در دو حوزه نظری و عملی مورد تأمل قرار داد. اجتناب از ریا و شرک برای رسیدن به خلوص، پیوند محکمی است که شریعت را با طریقت در مراتب مختلف مرتبط می‌سازد، اما اذعان به درجات و مراتب برای اخلاص از ابتدایی‌ترین مراتب و روی آوردن به کارکردهای عملی اخلاص، علاوه بر تبیین مفاهیم نظری آن، با گرایش به چله‌نشینی و همچنین تأسیس فرقه ملامتیه در تاریخ تطور عرفان، نگرش دینی را از گرایش عرفانی متمایز می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: اخلاص، قرآن، عرفان، ملامتیان.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی.

* عضو هیأت علمی دانشگاه گیلان.

تجلی اساطیر در دیوان ملک الشعراء بهار

دکتر ابراهیم ابراهیم تبار*

عبدالله رستم پور*

ملک الشعراء بهار، شاعر، روزنامه نگار، عضو فرهنگستان ادب و چند دوره نماینده ی مجلس، یکی از چهره های مهم عصر مشروطه است که از طریق پایبندی به سنت های گذشته شعر و سردادن شعارهای مورد نیاز جامعه، همگام با اوضاع زمانه اش پیش می رفت و ندای خود را در مسائل روز و حوادثی که هموطنان وی را دچار اضطراب و هیجان می ساخت، سر داد. بهار را شاعر ایران و ستایشگر آزادی لقب داده اند. شاعری که توفیق یافته است تا آلام و آمال ملت ایران را در برهه ای حساس از تاریخ آیینگی کند و در قالب اسطوره حقایق عصر را باز گو کند سؤالی که مطرح می شود این است که اسطوره در دیوان بهار به چه صورتی بازتاب داشته است؟ نگاه شاعر نسبت به اسطوره چگونه بوده است؟ برای پاسخ به این سؤالات به طور مختصر باید گفت که در اشعار بهار اسطوره ها به شکل های مختلف تجلی یافته اند؛ او گاه از اسطوره ها با زبان ادبی بهره می برد، و گاه اسطوره ها را برای افکار سیاسی یا انتقادات اجتماعی به کار می گیرد. در دیوان او انواع اساطیر ایرانی و سامی و یونانی و... وجود دارد. میزان بهره گیری بهار از اسطوره ها در هر دوره از زندگی اش و به فراخور شرایط اجتماعی یا سیاسی و اوضاع زمانه به گونه ای متفاوت است: الف- ابتدای دوران شاعری بهار؛ که به عنوان ملک الشعراء آستان قدس رضوی، مفتخر گردید بیشتر به مدح و منقبت پیامبر و امامان شیعه پرداخته است و اسطوره های ملی در آن چندان جلوه ای ندارد.

کلیدواژه ها: اساطیر، ملک الشعراء بهار، تجلی، افکار.

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی بابل

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی قائمشهر

اسالیب نسبت در عربی و فارسی

دکتر سید محمد رضا ابن الرسول

فائزه صفائیه

اسم منسوب در عربی و صفت نسبی در فارسی از نمونه‌های مشابه دستور زبان عربی و فارسی است. پژوهش حاضر با تکیه بر دستور زبان عربی و فارسی و با استفاده از روشی وصفی - تحلیلی به مقابله و مقایسه این دو مقوله صرفی در عربی و فارسی می‌پردازد. برای نمونه کاربرد یای نسبت در عربی و فارسی با اندک تفاوت از یک سو نشان مشابهت این دو زبان است و از سوی دیگر به وجه اختلاف نسبت در زبان عربی و فارسی اشاره دارد؛ و البته بیان وجوه افتراق و اشتراک این دو زبان در این موضوع، نقد و بازنگری در برخی از نگرش‌های دستوری و برگردان‌ها از اهداف و دستاوردهای این مقاله است.

کلید واژه‌ها: دستور تطبیقی، اسم منسوب، صفت نسبی، نحو عربی، دستور زبان فارسی.

وضعیت کنونی زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه های بنگلادش و پیشنهاد برای تقویت و گسترش آن

دکتر محمدابوالکلام سرکار*

زبان فارسی یکی از مهمترین زبان های دنیا است که از پشتوانه فرهنگی و تمدنی عمیق و قدیم برخوردارست، و زبان دوم جهان اسلام به حساب می آید. حدود هزار سال است که زبان فارسی به عنوان زبان علمی، ادبی و دینی مسلمانان شبه قاره هند از یک نفوذ معنوی برخوردار است. تمام میراث فرهنگی مسلمانان این سرزمین به زبان فارسی حفظ شده و به نسل های امروز منتقل گردیده است. ادباء، شاعران و صوفیان آثار ارزنده خود را به همین زبان به یادگار گذاشته اند. پژوهشگران و صاحب نظران می دانند که بیش از ششصد سال زبان فارسی در سرزمین بنگال به عنوان زبان رسمی و دولتی رایج بود. وقتی که اختیار الدین محمد بن بختیار خلجی، سپه سالار قطب الدین ایبک (در سال ۱۲۰۴م.) در این منطقه حکومت مسلمانان را تشکیل داد، از آن زمان در سرزمین بنگال زبان فارسی رواج یافت. اما از سال ۱۸۳۷م. انگلیسی ها با صدور اطلاعیه ای کاربرد زبان فارسی در ادارات دولتی را ممنوع کردند و در صدد بر آمدند تا ریشه های این درخت کهنسال را از میان بر کنند. اما علی رغم همه تلاش ها و با آنکه بیش از یکصد و هفتاد سال از آن ممنوعیت می گذرد، امروزه در مشهورترین دانشگاه های بنگلادش زبان فارسی تدریس می شود. دانشگاه داکا بزرگترین و قدیمی ترین دانشگاه بنگلادش است که در سال ۱۹۲۱م. تأسیس شد و اکنون نزدیک سی و پنج هزار دانشجو و هزار و ششصد استاد دارد. گروه زبان و ادبیات فارسی از زمان تاسیس این دانشگاه وجود داشت. لیکن فراز و نشیب های زیادی را طی کرد و پس از استقلال پاکستان از هند و تشکیل پاکستان شرقی (بنگلادش فعلی) زبان فارسی کم کم رو به افول گذاشت. اما پس استقلال بنگلادش از پاکستان به دلیل حساسیت مردم و دولت بنگلادش نسبت به پاکستان مجدداً زبان فارسی رونق گرفت. و به علاقمندان این زبان در کشور بنگلادش افزوده شد. بالخصوص پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران شتاب بیشتری پیدا کرد و با حمایت و کمک ایران تقویت شد و به همت و تلاش استادان اعزامی از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مانند دکتر کاظم

* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا، بنگلادش

کهدویی، دکتر ولی الله ظفری، دکتر احمد تمیم داری، دکتر سیروس شمیسا، دکتر محمود بشیری، دکتر سید حسین فاطمی، دکتر گیتی فروز و دکتر شاهرخ محمد بیگی زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه داکا رونق و تقویت یافت. در این مقاله وضعیت کنونی زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه های بنگلادش بررسی شده است و مسائل و مشکلات زبان و ادبیات فارسی در این دانشگاه ها مطرح شده و نیز برای تقویت و گسترش آن پیشنهاد هایی ارائه شده است.

کلید واژه ها: بنگلادش، داکا، دانشگاه، زبان فارسی، شبه قاره.

بررسی تطبیقی مضامین سیاسی-اجتماعی در اشعار فرخی یزدی و ابوالقاسم شابی

حسین ابویسانی*

عثمان اسماعیلی*

انصار سلیمی نژاد*

دیدگاه های شاعران به ویژه در مورد جهت گیری های سیاسی-اجتماعی در عصرها و جوامع مختلف اهمیت خاصی می یابد. در میان شاعران پارسی و عرب زبان معاصر، فرخی یزدی و ابوالقاسم شابی توجه خاصی به مضامین سیاسی-اجتماعی دارند و این گونه مضامین با زیباترین و عمیق ترین معانی در شعرشان جلوه می کند و بازگو کننده شرایط سیاسی جامعه جامعه شان را به تصویر می کشند. این پژوهش در راستای ادبیات تطبیقی به بررسی افکار سیاسی-اجتماعی این دو شاعر پرداخته است و اشعارشان را از جهت آگاهی و بیداری مردم در برابر ظلم و استعمار و بهره گیری آنها از سنبل و نماد، مورد بررسی قرار می دهد.

کلید واژه ها: فرخی یزدی، ابوالقاسم شابی، مضامین سیاسی-اجتماعی.

* استادیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه خوارزمی تهران (تربیت معلم)

* دانشجوی کارشناس ارشد زبان و ادبیات عرب دانشگاه خوارزمی تهران (تربیت معلم)

* دانشجوی کارشناس ارشد زبان و ادبیات عرب دانشگاه خوارزمی تهران (تربیت معلم)

تحلیل عنصر گفتگو در داستان شیر و نخجیران مثنوی

حسین احدی*

داستان شیر و نخجیران یک از داستان های مشهور مثنوی است که به دلیل اشتغال بر گفتگوهای مختلف و طولانی بین شخصیت های داستانی آن زمینه ی مناسبی است تا بتوانیم عنصر گفتگو را که یکی از ضروری ترین عناصر داستانی است در آن مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم. در واقع گفتگوی بین شخصیت ها عاملی است که از یک طرف باعث گسترش طرح داستانی می شود و از طرف دیگر با پردازش شخصیت های داستانی، آن ها را به خواننده معرفی می کند و با تحلیل گفتگوها می توان هم جنبه های پنهان شخصیت های داستان را کشف کرد و هم با هنر داستان سرایی نویسنده یا شاعر آشنا شد و این که چگونه و با چه هدفی از این عنصر داستانی استفاده کرده است.

کلید واژه ها: گفتگو؛ شیر، نخجیران و خرگوش؛ شخصیت؛ داستان؛ مولانا.

* (کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی)

نقد کتاب « ابیات عربی در متون ادب فارسی »

اسراءالسادات احمدی*

میان ادبیات فارسی و عربی پیوندی ناگستنی برقرار است. شاعران و نویسندگان فارسی گو از دیرباز امثال و اشعار عربی را به وفور در آثار خود به کار برده اند. بدین مناسبت کتابهای زیادی نوشته شده است که در آن به جمع آوری این ابیات و امثال پرداخته شده است. از میان یکی از کتابهایی که کامل تر از بقیه کتب به نظر می رسد است کتاب « ابیات عربی در متون ادب فارسی » نوشته دکتر حسین فقیهی است. این کتاب علاوه بر امتیازات فراوان از جمله گردآوری تمام ابیات عربی به کار رفته در متون پارسی تا قرن ششم و مآخذ و منابع آنها و همچنین الفبایی بودن آن، کار را بر دانش پژوهان هموار کرده است؛ اما همانند دیگر کتب از این دست، اشکالات و لغزش هایی از نظر ترجمه ابیات، حرکت گذاری، ترجمه لغات و اصطلاحات و اشکالات ویرایشی و نگارشی و تایپی زیادی در آن راه یافته است. در این مختصر برآنیم تا در حد توان خود این اشکالات را بررسی کنیم و تا آنجا که ممکن است صورت صحیح آن را ارائه دهیم، باشد که مورد استفاده دانش پژوهان قرار گیرد.

کلید واژه ها: نثر فارسی، نظم عربی، نظم فارسی، نقد.

* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

یاد وطن در شعر شاعران ایرانی مهاجر به هند در عهد صفوی

اخلاق احمد آهن*

در عهد صفوی بسیاری از شاعران ایران به هند مهاجرت کردند و بخصوص این روش مهاجرت پس از سفر همایون به دربار پادشاه طهماسب صفوی افزون گشت - اغلب آنان که به هند آمدند این سرزمین را وطن دوم خود دانستند اما دل آنان هیچگاه از یاد وطن اصلی خالی نبوده و به همین دلیل در اشعار برخی ذکر وطن و اشعار بعضی دلتنگی شدید برای میهن خود و توصیف و تعریف از آن نیز مشاهده می شود - در نزد مورخین و تذکره نگاران مهاجرت شاعران ایران به هند در عهد صفوی علل گوناگون داشته است و از میان این علل می توان از یکطرف رفتار و روش شاهان صفوی با شاعران و از طرف دیگر آوازه بخشش و انعامات شاهانه تیموریان هند و استقبال و تجلیل شاعران ایران به دربارهای شاهان و امیران هند نام برد - تمایل مهاجرت شاعران ایران به هند در زمان اکبر شاه بزرگ بیشتر بنظر می رسد زیرا که در عهد او نه تنها حکومت پایدار و در عین حال توأم با امنیت و خوشحالی تاسیس شده بود بلکه خود اکبر و جانشینانش و امیران ایشان دارای ذوق سرشار و قدردان سخن و شعر بوده اند - اکبر شاه علاوه بر این علاقه شدیدی به جذب عالمان و فرهیختگان ایرانی داشت و ایرانیانی که هنگام اقامت همایون در ایران به او محبت کرده بودند، مورد التفات قرار می داد - درین جهت، کسانی چون فیضی و ابوالفضل نیز سهم مهمی داشته اند - اینگونه شاعران ایران علاوه بر الطاف و عنایات وسیع نیز محیط آزادمنشانه و رقابتی برای اظهار خیال و پرورش شعر و سخنوری در هند بدست آوردند و ازینرو در کلام خود روش نوینی بوجود آوردند - آنان در اشعار خود ضمن یاد محبت آمیز وطن درباره وضعیت سیاسی و فرهنگی ایران نیز تذکر داده اند - بطور مثال:

درکارگاه چرخ اگر نیک و گر بدم این دولت‌مبس است که از خاک مشهدم

(غزالی مشهدی)

طالب این نشئه فیضی که ز هندوستان یافت شرم بادش که دگر یاد ز ایران آرد

(طالب آملی)

* استادیار، بخش مطالعات زبان و ادبیات فارسی و آسیای میانه، دانشگاه جواهر لعل نهرو، دهلی نو، هند، ۷۶۰۰۱۱

کلیم از هند اگر دستان رفتن می زند ای دل

ندانی خارج آهنگش که آهنگ حجازست این

(ابوطالب کلیم همدانی)

زهجران دیده ام حالی که کافر از اجل ببند خدا کوتاه سازد عمر ایام جدایی را (حزین لاهیجی)

صرف نظر از علل و اسباب مهاجرت، شاعران و نویسندگان مهاجر ایران در صحنه ادبی و فرهنگی هند نقش مهمی ایفا نموده اند- بویژه این تأثیر در زمینه زبان و ادبیات فارسی خیلی مهم و آشکار بوده است و نتیجه این مناسبات مشترک و بهم آمیزی روش و سبک تازه ادبی و فرهنگی را موجب شده است و حتی زبانهای هند را تحت تأثیر خود آورده است. اگرچه در آثار تاریخی و تذکره های معاصر و بعدی مثلاً تذکره الوقعات، منتخب التواریخ، آئین اکبری، طبقات اکبری، مآثر الامراء، مآثر رحیمی، مرآه العالم، مرآة الخيال، منتخب اللباب، عمل صالح، میخانه، ریاض الشعراء، عرفات العاشقین، یدبضا، خزانه عامره و غیره ذکر تعداد بزرگ شاعران مهاجر آمده است اما از میان ایشان باید بویژه نام شاعران مهاجر برجسته چون غزالی مشهدی، عرفی شیرازی، نظیری نیشاپوری، ثنائی مشهدی، میلی هروی، حیاتی گیلانی، عبدالباقی نهاوندی، ابوالفتح گیلانی، محتشم کاشی، طالب آملی، ابوطالب کلیم، صائب، حزین و غیره را برد- نکات جالب که گه گاهی در ضمن ذکر ایران در اشعار این شاعران آمده، خود موازنه بین ادب و زبان و فرهنگ هند و ایران است که دارای ارزش جنبه تاریخی و انتقادی می باشد-

پرتری عقلانی داستان اسفندیار بر دیگر داستان‌های روئین‌تان جهان

دکتر جمیله اخیانی*

اصغر بیرانوند*

ژرف‌کاوی در شاهنامه آشکار می‌سازد که داستان‌های این حماسه بزرگ، دارای لایه‌های تودرتو و به‌نهایت ژرف و رازآلود است. یکی از این لایه‌های رازآلود، ماجرای روئین‌تنی اسفندیار و آسیب‌پذیری چشم‌های وی است. گرچه درباره این داستان، کم سخن نرانده‌اند و آن را از زوایای مختلف کاویده‌اند؛ اما هنوز رگه‌هایی در این داستان می‌توان یافت که از دید پژوهندگان پنهان مانده است. این مقاله به بررسی تطبیقی داستان‌های روئین‌تان جهان و پرتری عقلانی داستان اسفندیار بر دیگر داستان‌ها از نظر منطق روایی داستان می‌پردازد، با تکیه بر این نکته که فردوسی به نوعی بر سیادت «چشم» به عنوان مظهر بینش و دیدگاه بر سایر اعضای بدن توجه داشته است.

کلید واژه ها: اسفندیار، روئین‌تان، دیدگاه، چشم.

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زنجان

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه زنجان

نگاهی به جایگاه زنان شوهر آهو خانم با تأکید بر نظریه ی به منزله ی دیگری

فاطمه ادراکی

میخائیل باختین از بزرگترین نظریه پردازان و اندیشمندان در عرصه ی نقد ادبی است. از مهمترین شاخص های قابل توجه وی، چند صدایی است که به چندین زیر مجموعه تقسیم می گردد: سبک بخشی، نقیضه، جدل و کارناوال. «شوهر آهو خانم» علی محمدافغانی، نیز از برجسته ترین آثار در عرصه رمان محلی اجتماعی این مرز و بوم است، که از دیدگاه منطق گفتگویی و به ویژه رویکرد جدلی باختین مورد توجه قرار گرفته است. در مفاهیم باختین، بهره های سیاسی پسااستعماری و فمینیستی بارز است. بدین ترتیب میان مفاهیم باختین و نگاه فمینیستی شوهر آهو خانم گفتگو برقرار شده است. در واقع نقطه ی اشتراک فمینیسم و باختین در مسئله ی حضور دیگری است طبق اندیشه حاکم بر اغلب جوامع، زنان پیرو و دومی و دیگری خوانده شده اند. اما باختین معتقد است که صدای زن می تواند به عنوان صدایی در موازات با صدای مرد قرار بگیرد. فمینیسم هم به صدای دیگر قائل است از دیدگاه آنان صدای زن حتی می تواند فراتر از صدای مرد باشد. حوادث این رمان، به عنوان یک رمان محلی - اجتماعی در کرمانشاه اتفاق افتاده که از سال ۱۳۱۳ آغاز شده و تا حدود ۱۳۲۰ یعنی ورود متفقین به ایران ادامه می یابد. این پژوهش بر آن است که پس از معرفی رمان شوهر آهو خانم و نیز تعریف و تشریح آراء و نظریات باختین به کار بست مؤلفه جدل به عنوان یک مشخصه بارز در رمان پردازد.

کلید واژه ها : شوهر آهو خانم، رمان، چند صدایی، جدل، دیگری.

نقد روانشناختی قصیده ای از خاقانی

مینا ادیب*

کهن الگوها مفاهیمی هستند مشترک و جهانی که از دیرباز نسل به نسل منتقل شده اند و در ژرفای ضمیر ناخودآگاه انسان جای گرفته اند. مهم ترین این کهن الگوها از نظر روانپزشک بنام سوئیسی کارل گوستاو یونگ، شامل سایه، خود، پرسونا، آنیما و آنیموس می باشد. این کهن الگوها برای رسیدن به مرزهای خودآگاهی در نمادهای گوناگون جلوه گر شده اند و در آثار هنرمندان و بویژه شاعران به گونه های مختلف پدیدار شده اند. به طوری که می دانیم جایگاه آنیما در ناخودآگاه است بنابراین آیا می توان تاثیر این کهن الگوی مهم را بر آثار ادبی از جمله اشعار بارزش و ماندگار شاعران و بر ذهن و زبان خالق این آثار مشاهده کرد؟ از آنجا که خاقانی از بزرگ شاعرانی است که می توان تاثیر این صور مثالی از جمله بزرگ بانوی تلقین کننده ی اشعار، سایه، پرسونا و... را در آثارش جستجو کرد؛ هدف این مقاله بررسی تاثیر کهن الگوها از جمله سایه، پرسونا و آنیما در یکی از قصاید خاقانی و نقد روانشناختی این قصیده است.

کلید واژه ها: کهن الگو، آنیما، سایه و پرسونا، قصاید خاقانی، یونگ.

* مدرس دانشگاه پیام نور شیراز

بررسی تحولات زبان و شعر معاصر فارسی افغانستان

عبدالمجید ارجمندی*

زبان فارسی یکی از زبان های تاریخی جهان است که دربرگیرنده موضوعاتی باندیشه های مادی و معنوی بشریت می باشد. خاصه وجود اندیشه توحیدی و ظلم ستیزی در این زبان ، باعث دشمنی های زیادی علیه توسعه و رشد و تعالی این زبان درنثر و نظم گردیده است. کشور افغانستان از سرزمین های فارسی زبان می باشد که چندین دهه به جهت موقعیت ویژه اش مورد تهاجم استعمارگران شرق و غرب قرار گرفت و حاکمان این کشور، در اراده و تصمیم ضعیف ، و یا دست نشانده استعمارگران بوده اند که این موضوعات موجب تغییر و تحولات سیاسی و اجتماعی در این کشور گردید. این تغییرات در روند زبان و نظم معاصر فارسی افغانستان تاثیر قابل توجه داشته است. در این مقاله، این تحولات که قریب یک قرن و نیم به طول انجامید را به سه دوره ، اول: از ۱۱۲۵ تا ۱۳۰۸ هـ ش؛ دوره دوم: از ۱۳۰۸ تا ۱۳۵۷ هـ ش . دوره سوم: از ۱۳۵۷ هـ ش تا عصر کمونیسم و همراه با آن، تحولات زبان و نظم فارسی افغانستان مورد بررسی قرار می گیرد.

کلیدواژه ها: زبان فارسی، شعر معاصر افغانستان، ادب پایداری افغانستان.

* عضو هیأت علمی دانشگاه علمی دانشگاه علم و صنعت ایران

درآمدی بر روایت های شاعرانه معاصر

علی اصغر ارجی

شعر ژانری ترکیبی است و بیش از هر شکل بیانی قادر است، مولفه های دیگر هنرها را در درون خود جای دهد. روایت نیز به عنوان واحد اساسی زبان می تواند نفوذش را به هر مفهوم و نظام معنایی گسترش دهد و طبیعتاً روایت شاعرانه امروز ظرفیت تازه ای از زبان، شعر و شیوه های دیگری از داستان پردازی را پیش روی ما قرار می دهد. در این مقاله سعی می کنیم به بررسی عواملی که زمینه شکل گیری این نوع شعر را فراهم می آورند و نشانه های که آن را از اشعار روایی کهن متمایز می سازند، بپردازیم و سرانجام انواع روایت های شاعرانه را به تفصیل برشمریم.

کلید واژه ها: روایت، پیرنگ، شاعرانگی، نثر، ساختار و سینما .

کارکرد عنصر موسیقی و جایگاه رامشگران در شاهنامه‌ی فردوسی

*دکتر شمس الحاجیه

موسیقی ابزار پیشرفت زبان و آزادی اندیشه است، ارج نهادن و حرمت‌گذاردن به آن حرمت به زبان فارسی است، لذا نگرش بزرگان ادب پارسی، به این مهم، ارزشمند و شایسته‌ی کنکاش می‌باشد. اشارات صریح فردوسی به آلات موسیقی، حاکی از میزان دانش وی از این علم است. شاهنامه منبع عظیم حکمت و هنر، برای شناسایی تاریخچه‌ی موسیقی ایرانی اهمیت بسزایی دارد؛ این اثر ضمن معرفی سازهای موسیقی و کاربرد آن‌ها؛ مبین عادت‌ها و سنت‌های گذشتگان، در زمینه‌ی سازهایی است که در مناسبت‌ها و اوقات گوناگون، نظیر مراسم استقبال از شاهان و پهلوانان، مجالس بزم و سوگ، شروع کار و بازی، آغاز و میانه‌ی کارزار، نواخته می‌شده است، هرچند هرمناسبتی، ابزار و آلات ویژه‌ی خود را داشته، اما ابزار و آلات مشترکی هم وجود داشته؛ موسیقی رزمی در ابتدای حرکت سپاهیان به سمت دشمن، کاربرد داشته است؛ اما در میانه‌ی کارزار نیز برای تقویت روحیه‌ی ستیزه‌جویی و خشم‌جنگ جویان، نواخته می‌شده. موسیقی در دوره‌های اساطیری، پهلوانی و تاریخی شاهنامه، نمود بارزی دارد، اما اعتبار سندیت شاهنامه در شناساندن موسیقی دوره‌ی ساسانی به ویژه دوران خسرو پرویز انکار ناپذیر است؛ اهمیت و جایگاه اجتماعی خنیاگران دوره‌ی ساسانی از اشارات بسیار فردوسی به رامشگران آشکار می‌گردد.

کلید واژه‌ها: ساز، شاهنامه، موسیقی، رامشگر.

* اردلانی عضو هیات علمی دانشگاه آزاد واحد بوشهر

تحلیل بنیادهای نظری درباره فلسفه مثالی و نمودهای آن در تمثیل گرای مولانا

دکتر فرزاد قائمی*

سیما ارمی اول*

نظریه عالم مثالی پیش از افلاطون در اندیشه های زرتشت و اعتقاد او به جهان فره وشی وجود داشته است. چنین تفسیری از وجود دوگانه جهان (جهان "مثالی و عالم "سایه")، در اندیشه فلاسفه و عرفای اسلامی نیز نفوذ کرده، از آن به "اعیان ثابت"، "عالم مثل معلقه" و "لاهورت" تعبیر شده است. همه این نظریه ها بر پایه صدور معقول در محسوس و نزول از وحدت به کثرت و نظام سلسه مراتبی استوار است. چنین دیدگاهی وقتی به تبلور ادبی می انجامند، شکلی از ادبیات تمثیلی یا رمزی را به وجود می آورند که درونمایه ای دوگانه ("ممثل به" ملموس و "ممثل" مجرد) به اثر می بخشد. تمثیل گرای فلسفی بر پایه اعتقاد به دوگانگی جهان ناسوت و لاهوت، صدور معقول در محسوس و نزول از وحدت به کثرت استوار است. این فلسفه که بر ماهیت دو بعدی تمثیل - روساخت روایی و ژرف ساخت فکری - مبتنی است، ساختاری دو وجهی به حکایت تمثیلی می بخشد که یکی نقش ممثل به داستانی و دیگری نقش ممثل فلسفی را برعهده دارد. در آثار مولانا - به خصوص مثنوی - نیز پیوند میان تمثیل گرای فلسفی و ادبیات تمثیلی را در ساختار داستانی مثنوی مولانا می توان دید. در این جستار، ضمن مروری بر ریشه های تمثیل گرای فلسفی، تجلی این فکر در جهان بینی و آثار مولانا مورد نگرش قرار خواهد گرفت و جلوه های این پیوند میان نظام فکری و بیان ادبی در ساختار داستانی مثنوی مولانا مورد بررسی قرار می گیرد، در نهایت، اشکال ساختاری ظهور این گرایش در قصص مثنوی در سه عنوان تعلیق گریزی، مثل گذاری و تفسیر تمثیلی تحلیل خواهد شد.

کلید واژه ها: مولانا، تمثیل، تشبیه، نماد، مثنوی، فیه مافیه، جهان مثالی.

* هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

بررسی شاخصه‌های نحوی و عوامل پیوندی در تحلیل بلاغی اشعار سهراب سپهری

* سیما ارمی اول

بیشترین پژوهش‌ها در زمینه بررسی‌های نحوی در سبک‌های ادبی، بر پایه توصیف شاخصه‌های نحوی در قیاس با شاخصه‌های نحوی آثار دیگر بزرگان صاحب سبک در آن دوره است. این‌گونه پژوهش‌ها بیشتر براساس نحوستی صورت گرفته است. این مقاله، نخست با اشاره به اهمیت نحو نقش - گرا، افزون بر نقد سنتی به توصیف بالاترین بسامد شاخصه‌های نحو سنتی - نقش‌گرا در اشعار سهراب سپهری پرداخته، سپس به تبیین و تفسیر این عناصر می‌پردازد و نشان می‌دهد که این عناصر و شاخصه‌های نحوی کلام ادبی تا چه حد به شخصی‌سازی زبان و فراهنجار کردن زبان شعر سهراب می‌انجامد و به بررسی این موضوع می‌پردازد که این عناصر تا چه اندازه در اقبال مخاطب به شعر وی نقش‌آفرین بوده است.

کلید واژه‌ها: سبک ادبی، نحو سنتی، نحو نقش‌گرا، سهراب سپهری.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

چهره ایران در کتاب های درسی مدارس قزاقستان (سال ۲۰۱۰)

داود اسپرهم

ایران در ادوار میانی گستره ای به وسعت ایران امروز و کشورهای همسایه شرقی و شمالی داشته است. ترکان افتالیت در طول تاریخ طولانی ایران بزرگترین معارضان در جانب شرقی بوده اند. بارها خود را بر ایران تحمیل کرده انداما تسلط آنان همیشه ناپایدار بوده است. مفاخر این سرزمین چونان ابن سینا و رودی و فردوسی برگ زرین شناسنامه های ایرانیان بوده و هستند. دروه نخست صفویه شکوه و عظمت منطقه بل جهانی داشته است. این شکوه در دوره دوم صفوی فرو می ریزد و بدین ترتیب پای بیگانگان غرب به ایران باز می شود. رقابت ویرانگر صفوی و عثمانی شکوه شرق را به نابودی می کشد. در تمام این دوره ها مردم ایران بی نصیب ترین مردم جهان اند. آنان هیچ بهره ای نه از دولت های خود و نه از دول بیگانه نمی برند. اقتصاد ایران گر چه در مقاطعی رونق می گیرد اما به دلیل بی کفایتی حاکمان چندان دوام نمی آورد. ایران در آغاز قرن بیستم کشوری عقب مانده با اقتصادی وابسته و ویران است. پیمان نامه های استعماری یک جانبه نیز خود سنگی برگور شکوه تاریخی ایرانی می شود. اما ایران امروز با چه نارساییها و مشکلاتی دست به گریبان است؟ این ها مطالبی است که در کتب درسی مدارس کشور هماسیه (همسایه آبی) ما قزاقستان به فرزندانشان آموخته می شود. توجه به ارزیابی دیگران نسبت به دیروز و امروز ما و داوری آنان رانباید امری سهل انگاشت.

کلید واژه ها: ایران، قزاقستان، کتاب های درسی.

بررسی بازتاب شاهنامه فردوسی در آثار اخوان ثالث بر اساس نظریه ترامنتیت

دکتر داود اسپرهم*

امید سلطانی*

ژرار ژنت نظریه ترامنتیت را با توجه به آشنایی با نظریه بینامنتیت ژولیا کریستوا در نیمه دوم قرن بیستم میلادی مطرح کرد. نظریه ترامنتیت به پنج بخش تقسیم می شود: ۱- بینامنتیت. ۲- فرامنتیت. ۳- سرمنتیت. ۴- پیرامنتیت. ۵- بیش منتیت. یکی از شاخص های شناخت فرهنگ یک ملت، شناخت اسطوره متن های آن و تحولات و تأثیرات آنهاست. یکی از بهترین اسطوره متن های فرهنگ ایرانی شاهنامه فردوسی است؛ شاهکاری که در طول هزار سال گذشته بر صدها شاعر و نویسنده در ایران و جهان به طور مستقیم و غیر مستقیم تأثیر گذاشته است. مهدی اخوان ثالث از جمله این گروه عظیم متأثران شاهنامه است که در بسیاری از اشعار خود با الهام از مضامین عمیق و سبک بدیع شاهنامه دست به خلق اشعاری به پیروی از فردوسی زده است. نگارندگان در این مقاله بر آنند که بر اساس نظریه ترامنتیت، به صورت مدون و منسجم این تأثیرات را در اشعار اخوان ثالث مورد بررسی و تحلیل قرار دهند.

کلیدواژه ها: شاهنامه فردوسی، اخوان ثالث، ترامنتیت، بینامنتیت.

* استادیار دانشگاه علامه طباطبایی

* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی

آداب و رسوم خانقاهی (استقبال، بدرقه و درآمدن به خانقاه)

دکتر داود اسپرهم

مرضیه رستگار

خانقاه محلی برای زندگی، و مکانی برای انجام اعمال عبادی و اجرای مناسک صوفیان بود. این بُقعه‌ها آداب ویژه‌ای داشتند، که آن‌ها را از سایر امکنه عبادی متمایز می‌ساخت. رسوم استقبال و بدرقه و آداب ورود یا درآمدن به خانقاه نیز، در شمار یکی از همین آداب به حساب می‌آمدند. سفرکردن و همیشه مسافربودن، از آموزه‌های اصلی تعالیم صوفیان بود و خانقاه‌ها، مکان‌هایی که پذیرای این صوفیان مسافر می‌شدند. به‌طورکلی زندگی صوفیانه، به نوع خاصی از زندگی اطلاق می‌شد که با اعمال و رفتار مخصوص به این گروه، گره خورده بود. پس بدیهی است، برای آمدورفت مسافران به خانقاه‌ها نیز، آداب خاصی لحاظ شده باشد. در این مقال سعی بر این بوده، تا با ارائه شواهدی از متون، در بخش اول، به آدابی اشاره گردد که خادمان مقیم خانقاه، در قبال مسافران انجام می‌دادند و در بخش دوم نیز آدابی بیان شود که خود مسافر، در هنگام ورود به آن مکان‌ها، انجام می‌داد.

کلیدواژه‌ها: آداب و رسوم، استقبال، بدرقه، خانقاه.

در راستای توسعه و ترویج آن

زهرا استاد زاده*

ارسلان قربانی*

برنامه ریزی زبانی به کلیه تلاش های فری و جمعی برای تحت تأثیر زبانی سخنگویان یک زبان در داخل و خارج از کشور گفته می شود. شاید این کلی ترین و در عین حال جامع ترین تعریف برنامه ریزی زبان باشد که در برگیرنده انواع آن نیز می باشد. به طول کلی برنامه ریزی زبان به سه نوع برنامه ریزی پیکره شان و زبان آموزی تقسیم می شود. هدف برنامه ریزی پیکره تأثیر گذاری بر رفتار زبانی افراد جوامع در سطح پیکره یا ماده زبان در خارج و داخل کشور است. برنامه ریزی شان در راستای ارتقاء شان یک زبان از طریق گسترش نقشی و توزیعی زبان است^۱ در این حوزه مسائلی چون زبان به عنوان هویت ملی، زبان به عنوان یک سرمایه فرهنگی و زبان به عنوان ابزار انتقال و آموزش علوم و ... مطرح می شود. هدف برنامه ریزی پیکره به نوعی ابزاری است برای برنامه ریزی شان زبانی و این سه نوع برنامه ریزی نقش تنگاتنگی با یکدیگر دارند. نخستین اقدام مهم در برنامه ریزی زبانی برای کرسی های زبان و ادبیات فارسی در خارج از کشور، آگاهی از وضعیت موجود کرسی ها، استادان بومی، زبان آموزان و سرفصل های درسی، نگرش زبان آموزان و سیاست های دولتی هر کشور در خصوص زبان فارسی و امر گسترش آن است. دبیرخانه گسترش زبان فارسی و ایران شناسی با سابه درخشان در امر گسترش زبان فارسی یعنی اعزام ۲۰۰ استاد و مدرس زبان فارسی به بیش از ۷۰ کشور دنیا بی تردید یکی از منابع مهم برای گردآوری اطلاعات مذکور می باشد. دبیران هر دو سال یکبار به امر به روز رسانی اطلاعات مذکور می پردازد. در این مقاله وضعیت کرسی ها طی دو سال اخیر پرداخته شده است. در این مقاله با جمع آوری اطلاعات از نگرش های زبانی و سطح آگاهی مخاطبان کرسی های زبان فارسی در خارج از کشور و نظر سنجی از زبان آموزان و وضعیت کلی زبان فارسی در هر کرسی در واقع اولین اقدام بای برنامه ریزی زبانی جهت امر گسترش زبان فارسی در خارج از کشور صورت گرفته است.

* کارشناس ارشد آموزش زبان فارسی در دبیرخانه ستاد گسترش زبان فارسی و ایران شناسی در خارج از کشور مرکز

همکاری های علمی بین المللی، وزارت علوم، تحقیقات فناوری

* دانشیار روابط بین الملل، دانشگاه خوارزمی

موضوع سیاست های زبانی از جمله مباحث مهم برنامه ریزی زبانی است و سپس اجرایی آن که خود بخش بسیار مهم تری محسوب می شود .

کلید واژه ها: برنامه ریزی زبانی ، سیاست گذاری زبانی ، نگرش به زبان فارسی ، گسترش زبان فارسی ، وضعیت کرسی های زبان فارسی در خارج از کشور.

فرصت ها و تهدیدهای زبان فارسی

با تاکید بر مسایل پیرامون گویش ها و لهجه های مختلف زبان فارسی

زهرا استادزاده

فرج اله طالبی

زبان، احساس تعلق به سرزمین، دین، ادب و رسوم مشترک و از عناصر هویتی یک ملت است. گرچه سهم هریک از این عناصر را در شکل دادن هویت ملی نمی توان دقیقاً مشخص کرد، لیکن برخی از عناصر را می توان هسته اصلی و وجودی هویت ملی قلمداد کرد. زبان فارسی در شکل دادن و تداوم هویت ملی ایرانیان چنین نقشی را دارد. در این مقاله بعد از اشاره مختصری به زبان فارسی و موقعیت آن در کنار دیگر زبانهای رایج دنیا و اشاره ای به گویش های مختلف زبان فارسی به مسایل و مشکلات مربوط به گویش ها و لهجه های مختلف زبان فارسی و سو استفاده های احتمالی بیگانگان از این موضوع پرداخته شده است و سپس به ارائه راهکار از جمله تأسیس «پژوهشکده زبانهای ایرانی و گویش ها و لهجه های زبان فارسی» اشاره شده است. اهداف این پژوهشکده، برنامه ها و سرفصل های درسی، گرایش ها، تعریف مجموعه ای از سیاست های علمی در این زمینه و... از جمله مباحث مقاله مذکور می باشد.

کلید واژه ها: هویت ملی، گویش های ایرانی، لهجه های فارسی، زبانهای فارسی، سیاست علمی، برنامه ریزی زبانی، اتحاد ملی.

بررسی رند در دیوان حافظ و کلیات شمس تبریزی

خدابخش اسداللهی

هدی خرم آبادی

یکی از برجسته‌ترین و در عین حال نمادی‌ترین مفاهیمی که در شعر فارسی راه پیدا کرده است، واژه «رند» و «رندی» است. این واژه با شناسنامه مفصلی که در طول تاریخ بشری داشته است در سیر تاریخی خود گاهی منفور و گاهی محبوب بوده است، گاهی در اوج و گاهی در حضيض. یکی از شاعرانی که این لفظ را از پست‌ترین مقامات دنیوی به بالاترین ذروهی کمال و تعالی می‌رساند، خواجه حافظ شیرازی است. «رند» در شعر حافظ در مفهوم انسانی والا که دست از همه‌ی قیود بشری شسته است در مفهوم اسطوره‌ای و مثبت خود به کار رفته است. در این جستار بر آن شدیم تا رند خواجه حافظ را با رند مولانا در کلیات شمس تبریزی بررسی و مقایسه کرده و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها را تحلیل و تجزیه کنیم. در نهایت به این نتیجه رسیدیم که به کارگیری لفظ رند در دیوان هر دو شاعر (حافظ و مولانا) با توجه به دغدغه فکری و خط‌مشی اندیشه‌ی آنان، با وجود شباهت‌های بسیار، تفاوت‌هایی عمده دارد.

کلید واژه‌ها: حافظ، شمس تبریزی، رند، قلندر، مولانا، نماد.

فراهنجاری نحوی در گلستان سعدی

* دکتر خدابخش اسداللهی

* زینب علی محمدی کرکوق

موضوع مقاله، فراهنجاری نحوی در گلستان است. برای این منظور پس از طرح مباحث مقدماتی درباری آشنایی زدایی و برجسته سازی در مکتب فرمالیسم، بر مشخصه های همچون حذف فعل، جدایی معطوف از معطوف الیه، جابجایی ارکان جمله، جدایی اجزای فعل مرکب، پرش ضمیر و ... به-عنوان مؤلفه های نظم آفرین، گفته ایم که سعدی در گلستان سعی می کند ضمن ایجاد مکث هنری، خواننده را به توجه به زیبایی های خاص شعر خود تشویق کرده، در او القای مفهوم تنوع و کثرت معنی نماید و بدین ترتیب، صورت های ذهنی خود را به خوبی و با خلاقیت های ویژه به مخاطب انتقال دهد.

کلید واژه ها: فراهنجاری نحوی، گلستان سعدی، برجسته سازی، خلاقیت.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی

* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه محقق اردبیلی

بازتاب «زندگی و مرگ» در آئینه‌ی اشعار سهراب سپهری

*خدا بخش اسداللهی

*آذر خانی

زندگی و مرگ از دیدگاه سهراب سپهری، مسئله مهم تحقیق حاضر به شمار می‌رود. می‌توان گفت که دیدگاه سپهری از نظرگاه بیشتر شاعران هم‌عصر وی در این زمینه متفاوت است. ویسندۀ قصد دارد در دو بخش بازتاب زندگی و مرگ را در شعر سهراب سپهری بررسی کند. به همین منظور، در بخش اول ضمن بررسی زندگی از منظر سپهری، می‌گوید که وی، ابتدا هم‌نوا با شاعران معاصر خود، نغمه نومییدی و یأس سر می‌دهد. اما پس از آشنایی با عرفان شرق دور، بیشتر به سیر باطنی و تجربه‌های درونی، از جمله خلوت، خاموشی، تنهایی، تأمل و ... روی می‌آورد. در بخش بعدی، ضمن طرح مسئله مرگ از نگاه سهراب، بیان می‌کند که وی برخلاف شاعران هم‌عصرش که مرگ را پایان همه‌چیز می‌دانند، نه تنها از آن ناخشنود نیست، بلکه آن را برای کمال عالم هستی لازم و ضروری تلقی می‌کند. هدف مقاله این است که خواننده با دقت نظر در نمونه‌های شعری سهراب سپهری، بتواند دیدگاه سپهری را نسبت به زندگی و مرگ دریابد و بتواند تفاوت‌های عمیق و اساسی این دیدگاه را با دیگر دیدگاه‌های معاصر تشخیص دهد.

کلید واژه ها: زندگی، مرگ، شعر و اندیشه سهراب سپهری.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی

بررسی ویژگی های بلاغی صداقت، صمیمیت و ساده نویسی در گلستان

دکتر خدابخش اسداللهی*

زینب علی محمدی کرکوق*

موضوع مقاله ی حاضر ساده نویسی در گلستان است. این امر، به-نحو بارزی گلستان را از لحاظ درک و فهم عمیق و همراهی خواننده با نویسنده ی آن متمایز ساخته است. مراد از ساده-نویسی آن است که یک نوشته ، با وجودِ سادگی لفظی، از بسیاری از مظاهر ذوق و هنر و زیبایی بهره مند باشد. سعدی به خوبی و به طور اعجاب انگیزی توانسته است با بسیاری از ویژگی های نویسندگی، گلستان را به سبک ساده به خوانندگانش ارائه دهد. وی ضمن استعمال الفاظ، ترکیبات و عبارات مأنوس، از بیان مطلب به صورت پیچیده، مبهم و دور از فهم می پرهیزد. بدین معنی که وی تجارب و اطلاعات وسیع و گوناگون خود را در قالب حکایت های کوتاه و کلمات قصار، با صداقت، صمیمیت، ایمان و واقع نگری، به گونه ای به خوانندگان خود ارائه نماید که بسیار مؤثر و به درجه ی فهم آنان نزدیک باشد .

کلید واژه ها: سادگی، صداقت، صمیمیت، باور، واقع نگری، گلستان.

* استادیار دانشگاه محقق اردبیلی

* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه محقق اردبیلی

مناظره، منشأ تنوع و تحرک در گلستان سعدی

* دکتر خدابخش اسداللهی

* زینب علی محمدی کرکرق

موضوع مقاله، بررسی فن مناظره در گلستان است. این فن به دلایلی همچون داشتن فنون مختلف، تأثیر زیادی در اغلب حکایت‌های گلستان گذاشته است. در این تحقیق، پس از ذکر مقدماتی درباره ی تعریف، پیشینه، محتوا، انواع و اهداف مناظره، فنون مختلف آن، طی پنج مؤلفه به عنوان عوامل ایجاد تنوع و تحرک در مناظره طرح و بررسی می گردد. در مؤلفه ی اول با عنوان «وصف لحن گوینده»، به بررسی حالات گوناگون عاطفی گوینده می-پردازیم. در ویژگی دوم با مشخصه ی «زننده و پویا نگه داشتن فضای مناظره»، به استفاده از نقل قول ها و استشهادها توجه کرده ایم. در مؤلفه ی سوم نیز با عنوان «استفاده از سبک و زبان متنوع متناسب»، نحوه ی استعمال صفات، واژگان و اصطلاحات مختلف را بیان کرده ایم. در ویژگی چهارم تحت مشخصه ی «وصف واکنش های شرکت کنندگان» به ذکر تفاوت عکس العمل های اشخاص بر اساس موقعیت های اجتماعی آن ها پرداخته ایم. در مؤلفه ی پایانی هم با عنوان «نشان دادن موضع و حالت گوینده» به انواع حالات گوینده، همچون تأیید، اعتراض، امر و نهی و ... دست زده ایم و همه ی این فنون را موجب ایجاد تنوع و تحرک در حکایات گلستان دانسته ایم.

کلید واژه ها: مناظره، تنوع و تحرک، گلستان .

* استادیار دانشگاه محقق اردبیلی

* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه محقق اردبیلی

جلوه‌های سمبولیسم در اشعار شهریار

دکتر خدابخش اسداللهی*

عادل نورآذر*

در این مقاله پس از تعریف و بیان ویژگی‌های سمبولیسم و تأثیر آن در ادبیات فارسی و همچنین دل‌بستگی شهریار به جریان رمانتیسم و عناصر نمادین رمانتیک، که چون حلقه‌های پیوند، تار و پود اشعار این شاعر را به هم جوش داده و جلا بخشیده است، پرداخته می‌شود. همچنین ذکر می‌گردد که شهریار با فرو رفتن در جزئیات نمادهای جذّاب دیداری در بسیاری از اشعار خود، پویایی تصویری زیادی ایجاد می‌کند که با احوال رمانتیک شعر در تناسب کامل است و بر چنین بستری است که تصویرهای زنده‌ی سمبولیسم رایج و ابداعی شهریار جان گرفته است. در این مقاله به تعریف‌های سمبولیسم و اهداف آن، خاستگاه نماد و طبقه‌بندی آن‌ها اشاره خواهد شد و در نهایت، نمادهای مرسوم و همچنین، نمادهای ابداعی شهریار در اشعارش، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

کلید واژه‌ها: سمبولیسم یا نمادگرایی، سمبولیسم در ادبیات فارسی، خاستگاه نماد، سمبولیسم و شهریار.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی

بازتاب رمانتیسم در اشعار شهریار

خدابخش اسداللهی*

عادل نورآذر*

در این مقاله ابتدا، پیدایش اصول و مؤلفه‌های مکتب رمانتیسم در اروپا و نیز تأثیر آن در آثار رمانتیک ایرانی مورد بحث قرار گرفته است. پس از آن، دلبستگی شهریار به این مکتب و بازتاب آن در سروده‌های وی که با رقت احساس و عواطف انسانی عمیق همراه است، در ذیل عنوان‌های احساس‌گرایی، اندوه و افسردگی، تخیل، فضاسازی و صحنه‌آرایی، عامیانه‌نویسی، گرایش به طبیعت، توصیف زندگی روستایی، بازگشت به دوران کودکی و کشف شهودی و عرفانی مورد بررسی قرار گرفته است. نتیجه آن‌که شعر شهریار، عرصه‌ی مناسبی برای ظهور و بروز ویژگی‌های اصلی و فرعی مکتب رمانتیسم است که اغلب به شیوه‌ای احساسی، غنایی و منحصر به فرد بیان شده است.

کلید واژه‌ها: رمانتیسم ایرانی، شهریار، احساس‌گرایی، اندوه، تخیل، فضاسازی، عامیانه‌نویسی، بازگشت، کشف شهودی.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی

سهراب سپهری و سوررئالیسم

(بررسی تصاویر سوررئالیستی در هشت کتاب سهراب سپهری)

دکتر خدابخش اسداللهی*

مینا اسمعیلی پور لوکلایه*

با نگاهی به اشعار سپهری، می توان دریافت که اساس شعرش بر تصویر بنا شده است، تصویری که خواننده را به تأمل و اندیشه وا می دارد. همچنین بر اساس شباهت ها و مشترکاتی که بین مکتب سوررئالیسم غرب با شعر او وجود دارد، نگارنده بر آن شد تا به بررسی ویژگی های تصویری اشعار موجود در هشت کتاب سهراب سپهری از نگاه مکتب سوررئالیسم پردازد. مقاله ی حاضر در نگاه اول به بررسی ویژگی ها و توانمندی های نهضت سوررئالیسم از قبیل: تکیه بر کشف و شهود به جای خرد، خواب و رؤیا، نگارش خودکار، لحظه ی روانی، غبار روبی ادراک، هزل، دیوانگی و عشق... و سپس به تطبیق و معادل سازی برخی از این ویژگی ها با اشعار سپهری می پردازد. سرانجام با شواهدی که در اشعار سپهری وجود دارد، به این نتیجه می رسد که سبک شعری سپهری بسیاری از اصول و مبانی شعر سوررئالیستی را داراست. هدف از این پژوهش، تعیین کردن میزان ارتباط سپهری و تصاویر شعری اش با مکتب سوررئالیسم و همچنین ذکر و تحلیل شواهدی که بیانگر این پیوند می باشد.

کلید واژه ها: سهراب سپهری، تصویر، سوررئالیسم، ناخودآگاه.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی

جادو پزشکی در شاهنامه و ایران باستان

فاطمه اسفندیاری مهنی

پزشکی و روش های گوناگون درمانی آن قدر با جادو در پیوند بوده است که امروزه نیز کتابی راجع به ادعیه دینی و علوم غریبه نیست که از موارد جادو پزشکی تهی باشد. پزشکان کهن و درمانگران همان کاهنان و جادوگران بوده اند و در تمدن های گوناگون جهان این امری رایج بوده است. شناخت خواص گیاهان، به ویژه خواص جادویی و درمانی آن ها با گیاه شناسی در پیوند است. دانش خواص سنگ های گرانبه (احجار کریمه) و کاربرد آن ها در جادوگری جایگاه ویژه ای دارد. در این مقاله سعی شده است به بررسی موارد جادو درمانی از جمله جادوی هومیوپاتیک در درمان یا پیشگیری از بیماری ها در شاهنامه فردوسی پرداخته و موارد آن نشان داده شود.

کلید واژه ها: شاهنامه، فردوسی، جادو، پزشکی.

طبقه‌بندی و تحلیل ساختار رؤیا و نقش آن در متون صوفیه

کتایون اسفندیاری*

اهل تصوف رؤیا را پنجره‌ای به عالم غیب می‌دانند و در آثار خود، رؤیا را به عنوان جلوه‌ای از مدرکات غیبی مورد توجه و بحث قرار داده‌اند. از آن‌جاکه شهود و ادراک‌های غیبی از موضوعات بنیادین تصوف است، بررسی رؤیا در این متون اهمیت می‌یابد؛ از سوی دیگر، بخش قابل توجهی از زیبایی‌های نوشته‌های صوفیان، مرهون نگارش و گزارش‌های آنان از عوالم رؤیا و به‌طور کلی تجربیات عارفانه آن‌هاست. به نظر می‌رسد تبیین دیدگاه صوفیه درباره موضوع رؤیا و بررسی رؤیاهای شخصی صوفیان در فهم بهتر و عمیق‌تر آثار صوفیه مؤثر باشد. نمونه‌های رویاهای ذکر شده در آثار ادب عرفانی در هر اثر با توجه به نوع اثر - گفتمان غالب متن - کارکردی خاص یافته‌اند. برای نشان دادن این کارکردها، تفاوت‌ها و شباهت‌هایشان و نیز دست یافتن به ساختاری مشابه برای نگارش رؤیا در متون صوفیه، نمونه‌های انتخاب‌شده در متون عرفانی از نظر ساختاری بررسی، تحلیل و طبقه‌بندی شده است.

کلیدواژه‌ها: عرفان، تصوف، رؤیا، خواب دیدن، گفتمان، رده‌بندی متون.

نگاهی دوباره به کرامت و انواع آن

بهاءالدین اسکندری*

حمید عباسی*

پدیده‌های شگرف و خارق عادت، همیشه برای انسان‌های خو گرفته با عادات و دل‌مرده از روزمرگی‌ها، جذاب و خواستنی و گفتنی بوده‌اند. این پدیده‌ها آن‌گاه که بین‌ای و نشانه‌ای بر وجود جهان یا جهان‌هایی ماوراء این عالم محدود و فناپذیر و کسالت‌آور بوده‌اند و دل‌های نگران از آینده‌ای نامعلوم را به ارتباط کسانی با خداوند و عالم ماوراء و استمرار آدمی تا ابدیت و حیاتی پایدار اطمینان می‌بخشیده‌اند، خواستنی‌تر و گفتنی‌تر شده‌اند. حکایت حواریون حضرت عیسی (ع) و داستان حضرت ابراهیم و نیز یاد کردن خداوند از معجزات به عنوان بینه، خود برهانی است بر میل و نیاز آدمیان به این مهرهای تأییدبخش و اطمینان‌آور. ادبیات صوفیانه و عارفانه ما در پاسخ به همین نیاز و به عنوان تأییدی بر ولایت اولیا و سالکان، مشحون است از ذکر شگفت‌ها و شگفت‌کاری‌ها و سرشار از کرامات و خوارق عادات. تنوع گسترده این کرامات به تدریج نیاز به ارائه تقسیم‌بندی منطقی و علمی از آن‌ها را به وجود آورده است. در میان کوشش‌هایی در این جهت، دو تقسیم‌بندی مطرح است: یکی از آن سبکی که عمدتاً ناظر به پدیده‌های عینی و ملموس است و تقسیم‌بندی دیگر از مناوی که ریشه در تفکرات ابن عربی دارد و بیشتر ناظر به کراماتی است که کمتر جنبه‌ی عینی دارند و غالباً مرتبط‌اند با پدیده‌هایی که راهی می‌گشایند به عوالم مختلف غیب. در این مقال، ضمن بررسی انواع خوارق عادات، دیدگاه عرفا نسبت به کرامات، انواع خواب و واقعه و مکاشفه، با عنایت به دو تقسیم‌بندی مذکور و با توجه به آثاری از قبیل نفحات الأنس جامی و تذکره الاولیاء عطار، نگاهی دوباره خواهیم انداخت به انواع کرامت و فراوانی آنها در میان عارفان و سالکان طبقه‌های مختلف.

کلید واژه ها : خارق عادت، کرامت، عرفا، تقسیم‌بندی کرامت، نفحات الانس، تذکره الاولیاء.

* استادیار دانشگاه قم

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم

صفت فاعلی در شاهنامه ی فردوسی

مسعوداسکندری*

کمال الدین یموتی*

صفت فاعلی از جمله مقوله های دستور زبان فارسی است. نتیجه ای که از بررسی کتاب های دستور زبان حاصل می گردد این است که در این کتاب ها تنها به تعریف این مقوله پرداخته شده است و به جنبه های کارکردی آن چندان که باید توجهی نشده است. حال آنکه یکی از مباحث مهم زبانشناسی نوین بررسی کارکردهای زبانی است. بر این اساس می توان نتیجه گرفت که نگرش دستورنویسان به این مقوله، عمدتاً، ایستا بوده است. از این روی بررسی کارکردهای آن به عنوان یکی از مباحث دستور زبان فارسی ضروری به نظر می رسد. در این مقاله کارکردهای صفت فاعلی در شاهنامه ی فردوسی، به عنوان متنی که در آن زبان به شکلی عالی به کار گرفته شده است، مورد بررسی قرار گرفته است. حوزه کار این تحقیق به دو بخش «کارکرد تصویری» و «کارکرد معنایی» تقسیم می شود. در بخش اول بر خلاف کتاب هایی که در آن ها برای تصویرسازی شعری صرفاً قائل به عناصر بلاغی بوده اند، تصویر زبانی مورد توجه قرار گرفته است. بخش کارکرد معنایی این تحقیق رویکردی زبانشناختی و معنی شناختی دارد، و خصوصاً از مبحث «نشانداری التزامی» بهره گرفته شده است. پس از بررسی کارکردهای صفت فاعلی در شاهنامه ی فردوسی می توان به این نتیجه رسید که: اولاً حوزه تحقیق و شناخت آن تنها به مباحث دستور زبان محدود نمی ماند، در ثانی نشان داده می شود که تصویرسازی شعری در شاهنامه فردوسی به وسیله خود زبان نیز صورت گرفته است، ثالثاً مشخص می گردد که فردوسی از صفت فاعلی به عنوان «مؤلفه معنایی»، برای اهدافی چون نشان دادن اختلاف معنایی، تخصیص موصوف برای اهداف خاص و نشان دادن جهان بینی خویش، بهره گرفته است.

کلید واژه ها: صفت فاعلی، شاهنامه فردوسی، تصویر زبانی، معنی شناسی، مؤلفه معنایی، نشانداری التزامی.

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران

نقد اجتماعی رمان هزار خورشید تابان

دکتر علی رضا اسلام*

دکتر زینب نوروزی*

سید علی رضا جعفری*

جنگ در افغانستان تحولات عظیمی در ابعاد اجتماعی و فرهنگی این کشور پدید آورد و این مسئله در آثار ادبی خود را نشان داد. در این مقاله پیوند ادبیات و جنگ در جامعه ی افغانستان بر اساس رمان هزار خورشید تابان از خالد حسینی نشان داده شده است و سعی شده که از منظر نقد جامعه شناختی شیوه ی انعکاس تحولات اجتماعی در جامعه ی مذکور ارائه شود. این مقاله با بررسی مختصر جریانات سیاسی بالاخص جنگ و طالبان نشان می دهد که هزار خورشید تابان تا چه حد متأثر از این امور است. از طرف دیگر، در این رمان به سیر تحول موقعیت زنان در جامعه ی افغانستان در طول سه دهه نیز می پردازد. این پژوهش با تکیه بر مولفه های نقد اجتماعی و به روش تحلیلی-توصیفی، رمان هزار خورشید تابان را بررسی می کند.

کلید واژه ها: رمان، جامعه شناسی، جنگ، هزار خورشید تابان، افغانستان، زن.

* استادیار جامعه شناسی دانشگاه بیرجند

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند

رمزشکافی نمادها در سروده‌های حمید مصدق

سیدمرتضی اسماعیل پور سیفی*

نماد و نمادپردازی یکی از ویژگی های مهم شعر معاصر است که در گسترش دامنه تأویلی شعر، نقش به سزایی دارد. در آثار شاعران معاصر، اشعاری پربها وجود دارد که دارای معانی نمادین هستند؛ به این معنی که در پس معنای ظاهری آنان، معنا یا معناهایی پنهان وجود دارد که دست‌یابی به آنها مستلزم تلاش و کوشش فراوان است. در واقع دشواری‌هایی که خوانندگان این گونه اشعار از دیرباز تاکنون از جهت تفسیر و تأویل نمادها جهت دریافت معنی و مفهوم مورد نظر شاعر داشته اند خود گواه دشواری نمادپردازی و پیچیدگی حاکم بر آثار نمادگراست. حمید مصدق (۱۳۷۷ - ۱۳۱۸ ه. ش)، یکی از شاعران مطرح معاصر است که در اشعار خود ضمن بهره‌وری از تمهیدات هنری، از واژه‌های نمادین در طیف وسیعی از اشعارش بهره جسته است؛ که بررسی آنها می‌تواند روشنگر وجوه امتیاز او از دیگر شعرای معاصر باشد. مقاله حاضر برآن است که برخی نمادها را در مجموعه اشعار مصدق (درفش کایان، آبی خاکستری سیاه، در رهگذریاد، از جدایی‌ها، سال‌های صبوری و شیرسرخ) مورد بررسی و مذاقه قرار داده و ارزش و زیبایی این ترفند هنری را در شعر وی بنمایاند و برای دست‌یابی به این هدف نگارنده می‌کوشد تا به بیان شواهدی در این باب بپردازد.

کلید واژه ها : حمید مصدق، نماد، ادبیات معاصر، مجموعه اشعار مصدق.

* کارشناس مهندسی کامپیوتر دبیر دبیرستان های شهرستان لاهیجان

تأملی در اشعار دیداری علیرضا پنجه ای

دکتر یوسف اسماعیل زاده*

عذرا نصیبی باطنی

شعر دیداری *concreet verse* گونه ای ادبی از ادبیات معاصر است که شاعر با استفاده از هنر گرافیک و به هم ریختن اسلوب شعری، دست به آفرینش سبکی نوین می زند. در شعر دیداری، شاعران، زبان را به گونه ای دیگر به کار می برند و از جنبه های بصری و دیداری در شعر استفاده می کنند و به این ترتیب، شعر دیداری، شعری است نوشتاری- دیداری؛ یعنی در آن، از طریق بازی با کلمات، حروف و واژگان شعر را به گونه ای می نویسند که ظاهر شعر به صورت طرحی دیداری در می آید و به این ظاهر گرافیکی شعر، معمولاً بیش از مفهوم پرداخته می شود. بنابراین برای تأثیر گذاری بر مخاطب، نمی توان آن را با صدای بلند خواند بلکه برای درک مفهوم آن و لذت بردن، فقط باید به آن نگرست و با دیدن ساختار شعر، به معنای آن پی برد. (انوشه، ۱۳۷۶: ۸۹۶) در ادامه ی تفنن طلبی های شعر امروز و به تبعیت از شعر کانکریت، برخی شاعران با نقاشی کردن شکل معنایی برخی از واژه ها به جای حروف نگاری آن ها، گونه ای جدید از شعر معاصر را پدید آورده اند؛ علیرضا پنجه ای، از سرایندهگان این نوع اشعار، آن را «شعر توگراف» نامیده است؛ البته این شیوه به دلیل برخی تفنن های افراطی، گاه شدیداً لوث می شود. علی رضا پنجه ای از شاعرانی است که به طور گسترده به شعر دیداری پرداخته و در آثارش نمونه های فراوانی از این گونه ی شعری یافت میشود. شعر توگراف جنبه ای از شعر است که تمایل و گرایش بین تصویر و کلام را برای خواننده مجسم می سازد. شعر توگراف استفاده از همه ظرفیت های شعری است. با تأکید بر این نکته که پرداختن به شعر توگراف نافی دیگرگرایش های شعر نیست؛ بلکه پیشنهاد وضعیت و ظرفیتی نو از شعر امروز ماست. هدف از این مقاله، بررسی شعر دیداری و شعر توگراف در ایران با رویکرد به اشعار علیرضا پنجه ای است. این نوع شعر، گونه ای هنجار گریزی و سنت شکنی در شعر نو محسوب می شود و شاعران این نو شعر سعی می کنند با هنر نقاشی و خوشنویسی شکلی را که با مضمون شعرشان مناسبت دارند خلق کنند و بین این دو ارتباط برقرار کنند.

کلید واژه ها: ادبیات معاصر ایران، شعر دیداری، کانکریت، توگراف، علی رضا پنجه ای.

* استادیار گروه ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور

در معرفی و شناخت تذکره السالکین ادهم عزلتی خلخالی

یوسف اسماعیل زاده*

مهرنوش اسرافیل زاده

مولانا ادهم عزلتی خلخالی، از نویسندگان، شاعران عارفان پرکار سده یازدهم هجری است. از احوال و زندگی شخصی او در منابع هم عصر و یا پس از وی، اطلاع مفیدی به دست نمی آید. پدرش از درباریان منتفد بوده و ادهم خلخالی نیز در آغاز بر روش پدر، منصب درباری داشت. مدتی منصب مدرسی دارالارشاد را برعهده داشت. گویا همچون دیگر عرفا، به درویش خیر اندیشی دچار شده و از بند حرص و آز رسته است. قصص الخاقانی شاملوی هروی، قدیمی ترین مأخذی است که مطالبی در باب علتی نوشته است. و مطابق آن وفات عزلتی در سال ۱۰۵۲ در اردبیل اتفاق افتاده است. از عزلتی بیش از ۲۴ کتاب و رساله مختصر و مفصل بر جای مانده است. تذکره السالکین کتابی است برای تعلیم صوفیه که مؤلف آن را بر اسلوب پرسش و پاسخ تدوین کرده است. مؤلف در اصل آن را برای کسانی نگاشته که دانش کافی در باب اسلام و تصوف ندارند. روش مؤلف استناد به آیات، احادیث، روایات و سخنان مشایخ و ذکر حکایات است. با توجه به قرائن موجود، احتمالاً عزلتی این کتاب را بعد از سال ۱۰۳۰ نوشته باشد. این مقاله در دو بخش نوشته شده است: بهره اول به معرفی ادهم خلخالی، بررسی حوادث زندگی، موقعیت علمی و آثار وی می پردازد. در بهره دوم به معرفی نسخه خطی تذکره السالکین پرداخته شده است. در این بخش از سبب تألیف کتاب، موضوع و مباحث مطرح شده در آن، تقسیم بندی کتاب، شیوه نگارش آن و دیگر مسائل مرتبط، به اجمال سخن به میان آمده است.

کلید واژه ها: نسخه خطی، ادهم عزلتی خلخالی، نثر فارسی، تذکره السالکین.

* استادیار گروه ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور، ایران

مطالعه تطبیقی موتیوخط در دیوان نظیری و غزل‌های صائب

*دکتر عصمت اسماعیلی

یکی از عناصر خیال‌آفرین و معنی‌ساز در شعر شاعران طرزنو یا سبک هندی، موتیوها هستند. واژگان کلیدی معنی‌آفرینی که در مرکز شبکه‌های زبانی قرار می‌گیرند و با ارتباط مفهومی و زبانی با واژگان یک مجموعه، ضمن استفاده از صنعت مراعات نظیر با شبکه تداعی‌های زبانی، مفاهیم دقیق و باریکی می‌آفرینند که در پیشبرد گفتمان معنایی شاعر با مخاطب، بخصوص در غزل بسیار موثر است. در دیوان نظیری نیشابوری برخی واژگان و ترکیب‌های وصفی و اضافی، از دایره معنای عادی و قاموسی خود خارج شده و با قرار گرفتن در مرکز شبکه‌های زبانی به شاعر مدد رسانده‌اند تا ضمن پدید آوردن تصاویر خیال‌بدیع و نو مفاهیم ذهنی خود را نیز به خواننده منتقل کند. مثلاً واژگانی مثل سپهر با ۵۱ مورد استفاده یا خط با ۷۴ مورد و خاک با ۱۶۶ و کعبه با ۱۲۵ بار کاربرد در معنی‌سازی‌های شاعرانه به نظیری مدد رسانده‌اند. در این مقاله ضمن اشاره به برخی موتیوهای غزل‌های نظیری کاربرد بن‌مایه و موتیوخط در غزل‌های نظیری و صائب با هم مقایسه شده‌اند.

کلید واژه‌ها: موتیو، نظیری، صائب، تصویرآفرینی، خط.

تأثیر شاهنامه حکیم فردوسی در شبه قاره هند

دکتر شیخ اشتیاق احمد*

در بیان شعر حماسی فارسی تاکنون کسی به پایه ابوالقاسم فردوسی نرسیده است. فردوسی با سرودن شاهنامه نه فقط شاهکاری در ادبیات فارسی خلق کرد بلکه یک نظم حماسی بی همتا و بی نظیر سرود که تأثیر بسیاری بر زبان و ادبیات جهان گذاشت. در این تأثیرات سرزمین هندوستان هم بی بهره نماند. پیوند میان ایران و سرزمین پهناور هند - که امروز به سه کشور هند، پاکستان و بنگلادش تقسیم شده است - به روزگار پیش از تاریخ می رسد. شاعران، نویسندگان، فیلسوفان و متفکران این دو کشور سازنده دو تمدن و فرهنگ عمیق و ریشه دار و همچنین خالق شاهکارهای ادبی بوده اند. کتاب ملی ایران یعنی شاهنامه که بهترین شاهکار ادبیات حماسی در سراسر جهان شناخته می شود، تأثیر عمیقی بر ادبیات فارسی هند گذاشته است و به همین سبب شاهنامه نویسی در هند رواج بسیار پیدا کرد. با رواج زبان و ادبیات فارسی در هند شاهنامه فردوسی شهرت و مقبولیت فوق العاده ای بدست آورد، و شعرای متعددی نظیر مسعود سعد سلمان، ابوالفرج رونی، تاج الدین ریزه و دیگران در سرزمین هند از شاهنامه فردوسی الهام گرفتند. امیر خسرو دهلوی اثری به نام آینه اسکندری یا نامه اسکندری یا اسکندر نامه خسروی دارد که آن را در چهار هزار بیت در وزن شاهنامه فردوسی سروده است. بدرالدین چاچی در شرح کارنامه محمد بن تغلق، پادشاه دهلی، مثنوی ای به نام شاهنامه در سی هزار بیت سرود. خواجه عبدالملک عصامی، فتح السلاطین را به سبک شاهنامه به نظم کشید. فیضی دکنی ملک الشعرا جلال الدین محمد اکبر، پادشاه گورکانی، همایون نامه نخستین تاریخ منظوم فارسی را در دوره تیموریان هند را در وزن شاهنامه فردوسی نوشت. همچنین پادشاهان قطب شاهی برای حفظ و نگهداری تاریخ و فرهنگ مملکت خویش به تبعیت از شاهنامه فردوسی برای تدوین شاهنامه دستور دادند. شاعری به نام غلام حسین، فتحنامه تیپو سلطان را که شرح جنگاوری های تیپو سلطان، حکمران میسور بر ضد انگلیسی ها از است در سال ۱۱۹۸ ق به نظم کشید. حمید الله کشمیری، معروف به فردوسی کشمیر نیز منظومه حماسی تاریخی اکبر نامه را که در شرح جنگ های افغانان، سیک ها و انگلیسی ها است به تبع شاهنامه فردوسی به پایان رسانید. پادشاهان هند خواندن شاهنامه را هنگام جنگ و کارزار، برای برانگیختن احساسات رزم و

* استادیار، مرکز زبان فارسی و مطالعات آسیای میانه، دانشگاه جواهر لعل نهرو، دهلی نو
skishtiaque@yahoo.co.in

دلآوری جنگجویان بسیار لازم و ضروری می دانستند. به همین علت شاهنامه نویسی در ادوار مختلف مورد توجه قرار داشت.

در این مقاله تلاش شده است که به تأثیرات مختلف شاهنامه فردوسی در ادبیات فارسی هند پرداخته شود و جوانب مختلف آن مورد بحث قرار گیرد.

کلید واژه ها : شاهنامه نویسی، ایران، هند، ادبیات فارسی هند.

درونمایه و مضامین غزلیات کلیم کاشانی

محبوبه اظهري*

بررسی درونمایه و مضامین به کار رفته در اشعار یک شاعر نشانگر افق فکری و جهان بینی آن شاعر است. در این مطالعه نگارنده بر آن است تا با مشخص ساختن بسیاری از موضوعاتی که کلیم کاشانی شاعر قرن یازدهم ه.ق در اشعار خود به کار برده است ساختار شخصیتی و ابعاد مختلف وجودی او را معرفی سازد. کلیم کاشانی (همدانی) از شعرای معروف به سبک هندی است. غزلیات کلیم بخش قابل ملاحظه ای از اشعار او را شامل می شود. اشعاری که به راستی بیان کننده ی آمال، آرزوها و دیدگاه های اخلاقی و اجتماعی اوست. بیشتر ابیات غزلیات کلیم بیانگر احساس او نسبت به ظلم و جور روزگار، گله مندی از بی قدر دانسته شدن علم و آگاهی اش، تنفر او از افراد ریاکار و زاهدنما، نداشتن ایمان حقیقی و همت والاست. این شاعر آزاده بیش از هر مضمون و اندیشه ای، به بیان دردهای درونی خود پرداخته است. دردهای عمیقی که توان ایستادگی در مقابل ظلم روزگار را از او سلب کرده است. از موضوعات دیگری که او به وفور در اشعارش به آن ها پرداخته؛ بیان موضوعات اخلاقی است. کلیم شاعر والاهمت و بزرگ اندیشه ای است که در برابر هیچ بنده ای سرتسلیم فرود نمی آورد. او در عین شکایت کردن از اوضاع و احوال نابسامان خود، دست نیازش را به سوی هیچ کس دراز نمی کند و دیگران را نیز به غنا و بی نیازی نسبت به انسان ها فرا می خواند. دعوت او به بخشندگی و ترک حرص و طمع، از بزرگ ترین دغدغه های فکری اوست. فقر، والاترین صفت نزد اوست و از داشتن آن به خود مفتخر است. خموشی و کم سخنی از دیگر تعالیمی است که کلیم به خوانندگان خود می دهد. عشق و بیان حالات درونی مربوط به هجران و گله از دوری یار از موضوعات غزلیات عاشقانه ی اوست.

کلید واژه ها: کلیم کاشانی، غزلیات، درونمایه، شکوه و گله مندی، مضامین اخلاقی.

* پژوهشگر پژوهشگاه هنرهای اسلامی اصفهان کارشناس ارشد ادبیات فارسی

تأثیر اسطوره در ساختار و محتوای مصیبت‌نامه‌ی عطار

دکتر اسماعیل تاج بخش*

محمّدجواد اعتمادی گلریز*

مصیبت‌نامه یکی از زیباترین و هنرمندانه‌ترین آثار عطار است که در ساختار و محتوای خود وابستگی زیادی به اسطوره دارد. پیوند میان اسطوره و عرفان در متن مصیبت‌نامه به وضوح قابل مشاهده است. هدف مقاله‌ی حاضر تأمل در این موضوع است که چگونه اسطوره در شکل گرفتن منظومه‌ی مصیبت‌نامه تأثیر داشته و چگونه ساختار و محتوای آن به یاری اسطوره شکل گرفته و سامان یافته است. به همین منظور پس از ارائه‌ی تعاریفی از اسطوره، و نکاتی پیرامون ارزش و اهمیت مصیبت‌نامه‌ی عطار، در قسمت اصلی مقاله دو پدیده‌ی باد و پرندگان به عنوان نمونه از دیدگاه اسطوره‌شناسی بررسی شده و حضور آن دو در متن منظومه نیز تحلیل شده است. در پایان مقاله نیز جدول مفاهیم، شخصیت‌ها و عناصر اسطوره‌ای در متن مصیبت‌نامه آمده است. با تأمل در مطالب ارائه شده، این موضوع روشن می‌شود که چه پیوند عمیقی میان عرفان و اسطوره وجود داشته و چگونه این پیوستگی، یاریگر آفرینش کتاب بار ارزشی همچون مصیبت‌نامه شده است. باید به این نکته اشاره کرد که در میان شاعران قدیم ما، عطار از اسطوره‌شناس‌ترین و اسطوره‌آگاه‌ترین شاعران بوده است. در آثار گوناگون او به ویژه در دو منظومه‌ی زیبای منطق‌الطیر و مصیبت‌نامه، مفاهیم و موضوعات و شخصیت‌ها و موجودات اسطوره‌ای حضوری کارساز و نقش آفرین دارند. عطار در این دو اثر خود، آگاهانه و هنرمندانه اسطوره و عرفان را پیوند زده و از هم‌نشینی این دو، مجموعه‌ای زیبا آفریده که هم خیال‌انگیز است و هم معرفت آفرین. به عبارت دیگر عطار زبان سمبلیک و نمادین اسطوره را به کار گرفته است تا رمزپردازی عرفانی خود را سامان بخشد و این چنین، اسطوره در متنی عرفانی حضوری زیبا یافته است. تخیل پویا و هنر شاعری شگرف عطار سبب شده است که بتواند عناصر آفرینش را همچون موجوداتی زنده، که در عشق و جستجوی آفریدگار خود سرگردانند، ببیند و بپردازد. در این مسیر او از اسطوره مدد جسته و به یاری آن توانسته منظومه‌ای زیبا و سرشار از تصاویر بدیع و مفاهیم عارفانه‌ی عمیق بیافریند

کلیدواژه‌ها: اسطوره، عطار، مصیبت‌نامه، عرفان، نماد، ساختار، محتوا.

* دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی

* دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی

تاریخچه روابط سه هزار ساله ایران و حوزه شبه قاره

*محمد اقبال ثاقب

ایران و حوزه شبه قاره ، از روزگاران بس کهن باهم روابط فرهنگی و مذهبی و نژادی و سیاسی و هنری و صنعتی داشته اند- دو ملت آریایی هند و ایران، هر دو خویشاوند و همخون و از یک گوهرند و حتی پیش از آنکه نیاکان این دو قوم آریایی به خاک ایران و هندوستان پای بگذارند، درکنار یکدیگر می زیستند و زبان و مذهب و نژاد واحد داشتند و پس از آن که از آسیای مرکزی، محل اولین خود کوچیدند و به سوی سرزمین های ایران و هند روی آوردند و هر یک در کشوری جداگانه وطن گزیدند-

کلید واژه ها: ایران، شبه قاره، تاریخ، روابط، مذهبی، نژادی، فرهنگی، سیاسی، هنری، صنعتی.

* دکتر رئیس بخش فارسی، دانشگاه جی سی لاهور

بررسی مراکز آموزشی و تحقیقی

محمد اقبال شاهد*

شهر بهاولپور مرکز و پایتخت والیان شکوه مند ایالت عباسیان بوده است. این شهر در جنوب پنجاب بزرگترین و حاصل خیزترین شهر پاکستان و درکنار رودخانه ستلج واقع است و در زمان محمد بها ول خان، دومین حکم فرمای خانواده "داوود پوتای سند" که به نام مورث اعلی خود، عباس "خانواده عباسیه نامیده می شود بهاولپور در سال ۱۷۴۷/۱۱۶۰ ق تاسیس شد. حکمرانان عباسی فارسی دان و دوستانان فرهنگ و علوم اسلامی بودند. برای تدریس علوم اسلامی و زبان های اسلامی مراکز مختلف در سراسر ایالت بهاولپور بنا نمودند و از زمان قدیم "اچ شریف" در نواحی بهاولپور مرکز بزرگ علم و ادب فارسی بوده است و اولین تذکره شعرای فارسی "لباب الالباب" محمد عوفی ۱۱۷ م / ۵۷۲ قق - ۱۲۳۲ م / ۶۳۵ ق) در دوره ناصرالدین قاجار (حک: ۶۲۴ ق) در همین شهر نوشته شد. امروز هم تعداد یادی از نسخه های دستنویس در کتاب خانه گیلانیه اچ شریف محفوظ است و فهرست آن ها نیز به کوشش پروفیسور دکتر غلام سرور به چاپ رسیده است. همین طور خیر پورتامپوالی و صادق آباد از مراکز مهمی حوزه بهاولپور می باشند و دارای هزاران نسخه های دستنویس و کتاب های چاپی فارسی هستند. جامعه عباسی بهاولپور و دانشگاه اسلامی بهاولپور، مراکز بزرگ این منطقه بانشد که مشغول تحقیق و تدریس زبان فارسی، حتی تا درجه دکتری زبان و ادبیات فارسی می باشند. در این تحقیق از مراکز نامبرده و روال و رواج زبان فارسی نیز تدریس و آموزش این زبان مورد بررسی قرار داده شده است.

* دانشگاه پنجاب لاهور - پاکستان

بررسی نسخه شناسی و سبک شناسی رساله مرآه التائبین میرسیدعلی همدانی

آذر اکبرزاده ابراهیمی*

دکتر زهرا اختیاری*

میرسیدعلی همدانی (۷۱۳-۷۸۶ ه.ق) عارف توانای قرن هشتم؛ پرورش یافته مکتب نجم الدین کبری است. وی که تأثیر فراوانی در گسترش اسلام و تصوف ایرانی در هند داشت، بالهام گرفتن از تعالیم عارفان و عالمان دینی قبل از خود، بیش از صد اثر عرفانی به زبان فارسی و عربی تألیف نمود. مرآت التائبین یکی از رسالات عرفانی همدانی است که به موضوع «توبه» اختصاص دارد. هرچند این اثر خلاصه و ترجمه ای از باب توبه *احیاء العلوم غزالی* است؛ اما برخی ویژگی های سبکی و نظریات عرفانی مؤلف در این اثر قابل توجه است. نگارنده پس از مقدمه ای کوتاه در دو بخش ابتدا به معرفی نسخ مختلف این رساله از جمله نسخ کتابخانه های ملک، مجلس، ملی، آستان قدس و یک نسخه از کتابخانه گنج بخش پاکستان پرداخته و در ادامه به بیان ویژگی های سبکی و بلاغی این اثر همّت گماشته است.

کلیدواژه ها: میرسیدعلی همدانی، مرآت التائبین، نسخه خطی، عرفان قرن هشتم.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی
* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی

بررسی واژه سازی اقبال لاهوری در «اسرار خودی» و «رموز بی خودی»

محمد علی اکبرزاده*

شایسته شفیع*

در همه ی زبان ها چیزی که زبان ادبی را از زبان عادی متمایز می کند برجسته سازی است. هنجارگریزی یکی از روش های برجسته سازی زبان است که خود به انواع مختلف تقسیم می شود؛ یکی از انواع هنجارگریزی، هنجارگریزی واژگانی است که موجب آفرینش واژگان جدید می شود. این مقاله نشان داده است که یکی از شگردهای اقبال لاهوری در برجسته سازی زبانی، هنجارگریزی واژگانی است به گونه ای که این امر باعث تشخیص سبکی او شده است. در بررسی تک تک ابیات این دو اثر مجموعاً ۱۳۳ واژه ی برساخته ی اقبال یافت شده است. این واژه ها ضمن افزایش گنجینه ی لغات زبان فارسی موجب ایجاز در سخن، خلق کنایه های جدید و تصویرسازی های زیبا شده اند. در آفرینش همه ی واژه ها در این دو اثر اصول حاکم بر واژه سازی رعایت و به اصل رسانگی توجه شده است. اقبال برای ساختن کلمه های جدید از روش ترکیب بیشترین بهره را برده است به گونه ای که بسامد این نوع از واژه ها به مراتب بیشتر از واژه های مشتق است.

کلیدواژه ها: اسرار خودی، رموز بی خودی، هنجارگریزی، هنجارگریزی واژگانی.

* دبیرآموزش و پرورش منطقه ی دودانگه ی ساری

* مدرس دانشگاه پیام نور و موسسه غیرانتفاعی ادیب ساری

مقایسه ی داستان سیاوش از شاهنامه با داستان شیر و گاو از کلیله و دمنه

* محمد علی اکبرزاده

* چشایسته شفیع

در این مقاله سعی شده است تا دو داستان از دو اثر مهم ادب فارسی بررسی و با یکدیگر مقایسه شوند؛ داستان «سیاوش» از کتاب ارزشمند شاهنامه ی فردوسی با داستان «شیر و گاو» از کتاب وزین کلیله و دمنه ی نصرالله منشی - که البته در اصل متعلق به زبان و ادب کشور هندوستان است. میزان و نحوه ی تاثیر و تأثر این دو داستان بر یکدیگر و بیان شباهت ها و تفاوت های آن ها از نکاتی است که در این مقاله به آن پرداخته شده است. شباهت های بی نظیر این دو داستان در ده عنوان مختلف بررسی و در هر مورد شاهد مثال هایی از دو کتاب شاهنامه و کلیله و دمنه بیان شده است. محور اصلی این جستار مقایسه ی کنش ها، گفتار و رفتار شخصیت های موازی دو اثر است؛ مقایسه ی افراسیاب، سیاوش و گرسیوز با شیر، گاو و دمنه. در برخی از موارد شباهت ها غافل گیر کننده و حیرت آور است؛ نظیر دو به هم زنی های گرسیوز و دمنه یا ترفیع مقام سیاوش و گاو. البته اختلاف هایی هم بین دو داستان وجود دارد که در قیاس با شباهت ها بسیار ناچیز است. شاید اشتراکات فرهنگی ایران و هندوستان و آگاهی فردوسی از داستان شیر و گاو یا حتی تسلط نصرالله منشی بر شاهنامه ی فردوسی از دلایل این شباهت باشند.

کلیدواژه ها: شاهنامه، سیاوش، کلیله و دمنه، ادبیات تطبیقی.

* دبیرآموزش و پرورش دودانگه ی ساری

* مدرس دانشگاه پیام نور ساری

ادراک بصری و نقش رسانه های دیداری در آموزش و یادگیری زبان فارسی

*دکتر فریدون اکبری شیلدره

در این نوشته ، نخست زبان و مهارت های اصلی زبانی معرفی و در پی آن ، مهارت های زبان در دو شاخه ی دریافتی و پرداختی طبقه بندی و بررسی شده اند . پس از آشنایی با ابزارهای خدادادی زبان آموزی و سپه سالاران عقل و علم (حواس پنجگانه)، به کارکرد هر یک در فرایند یادگیری و آموزش زبان پرداخته شد . سپس چگونگی پرورش و تقویت یادگیری و فربه سازی ذهن و زبان فراگیران از راه دریچه های چشم و گوش ، نقش و حضور فیلم ، تصویر و نگاره به عنوان رسانه های دیداری به گستردگی ، مورد بحث و پژوهش قرار گرفت . در بخش پایانی این جستار ، موضوع ادراک بصری و سواد دیداری در یادگیری علوم و جایگاه آن در آموزش های مدرسی امروز و تحلیل نشانه شناختی رسانه و فیلم های آموزشی به عنوان یک زبان، بررسی شده است . این نوشته ، نشان می دهد که بهره گیری از درگاه چشم در نخستین گام زبان آموزی و نیز دیگر حواس، تاثیر بسیار بر گسترش دنیای ذهن و مانایی آموزه ها و تعمیق یادگیری دارد .

کلیدواژه ها: آموزش ، زبان آموزی ، ادراک بصری ، تربیت دیدن انتقادی ، رسانه های دیداری، سواد بصری ، نشانه شناسی.

* مدیرگروه زبان و ادب فارسی دفتر برنامه ریزی و تالیف کتاب های درسی

گاهنبار ششم (همسپهدیم)

مهناز اکبری*

این پژوهش درباره یکی از مراحل خلقت در اسطوره آفرینش آریایی است یعنی ششمین گاه خلقت که به گاهنبار همسپهدیم موسوم است، که شاید مهم ترین و محوری ترین بخش این اسطوره باشد، چرا که ریشه های آنرا میتوان در بسیاری از آیینهای بومی، ملی مانند سوشون و حاجی فیروز، چهارشنبه سوری مشاهده نمود و از آنجاییکه در آثار حماسی ملی مانیز مورد اشاره قرار گرفته است، درخور توجه میباشد. آنچه در این گفتار بدان توجه شده است وجه تسمیه این گاهنبار با توجه به برخی متون قبل و بعد از اسلام و آئینهای مربوط به این گاهنبار از جمله جشن فرودگان و سوگ سیاوش و مقایسه ای کوتاه شده است بین اسطوره خلقت آریایی و ادیان ابراهیمی.

کلید واژه ها: گاهنبار، همسپهدیم، کیسه، فرودگان، کتب آسمانی، سوگ سیاوش.

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

بازخوانی رمان «تهران مخوف»

(تاملی در پیرنگ و شخصیت های داستانی تهران مخوف)

دکتر میر جلیل اکرمی*

محمد پاشایی*

در اواخر دوره قاجار رمان در ایران ظهور کرد و نویسندگانی چون خسروی، صنعتی زاده و حسن بدیع در این زمینه طبع آزمایی کردند و رمان های تاریخی به وجود آوردند. این شیوه ادبی در اثر تغییر و تحولات عمده ای که در ساختار اجتماعی و سیاسی ایران به وجود آمد، جنبه اجتماعی به خود گرفت. مشفق کاظمی در عصر رضا شاهی نخستین رمان اجتماعی فارسی را با محور قرار دادن حقوق و آزادی های زنان به رشته تحریر در آورد. رمان های اجتماعی که بعد از این رمان در دهه اول و دوم قرن حاضر نوشته شد، هر چند از نظر موضوع و مرتبه هنری قابل قیاس با «تهران مخوف» نیستند ولی براساس ساختار اجتماعی رمان مذکور طرح و پی ریزی شده اند. این پژوهش از بین عناصر داستانی در پی واکاوی پیرنگ و شخصیت پردازی «تهران مخوف»، پیشرو رمان های اجتماعی، و نقد و تحلیل آن است.

کلید واژه ها : رمان اجتماعی ، تهران مخوف ، انتقاد ، شخصیت پردازی ، پیرنگ.

* استاد دانشگاه تبریز

* دانشجوی دوره دکتری دانشگاه تبریز

بررسی آموزش مهارت قصه گویی در دانش آموزان مدارس ابتدایی شهر ایلام

دکتر محمودالیاسی *

امیرکریمی پور *

یکی از مهم ترین نقش های زبان نقش ارتباطی آن می باشد. از دیدگاه جامعه شناختی زبان، سخنگویان از طریق تعاملات زبانی منظور و مقصود خود را به مخاطبان منتقل می کنند. مهارت قصه گویی بخشی از مهارت ارتباطی زبان به شمار می آید و از این رو با سنجش این مهارت می توان جنبه هایی از مهارت زبانی اهل زبان را آزمود. متأسفانه در آموزش زبان فارسی در مدارس کشور ما آموزش این مهارت زبانی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در مقاله حاضر مهارت قصه گویی تعدادی از دانش آموزان دختر و پسر مدارس ابتدایی شهر ایلام (کلاس های دوم و چهارم) مقایسه می شود. در این پژوهش، مهارت قصه گویی از عناصر مختلفی چون حفظ پیوستگی قصه، حفظ چهارچوب اصلی قصه، بیان حالات درونی شخصیت های قصه، به کارگیری زمان دستوری مناسب، استفاده از کلمات ربط مناسب، به کارگیری واژه های مرتبط، و غیره را در بر می گیرد. ابزاری که برای تولید قصه به کار گرفته شده، کتاب مرسر مه-یر (۱۹۶۰) موسوم به "داستان قورباغه" است که شامل ۲۴ تصویر بدون شرح می باشد. نتایج به دست آمده از این تحقیق نشان می دهد که تاثیر سال تحصیلی آزمودنی ها بر نمرات مهارت قصه گویی و به کارگیری بسیاری از عناصر فوق خنثی و گاه حتی منفی است. این امر را می توان هشدار برای برنامه ریزان آموزشی و مؤلفان کتاب های درسی دانست. بر این اساس، ضرورت تدوین مواد درسی مناسب که تاکید بیشتری بر نقش ارتباطی زبان داشته باشد، احساس می شود.

کلید واژه ها: مهارت زبانی، زبان ارتباطی، مهارت قصه گویی، عناصر داستان.

* استادیار گروه زبان شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد elyasim@um.ac.ir

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد Karimipoor.amir@yahoo.com

تحلیل گفتمان اجتماعی و انتقادی رمان غرور و تعصب «با نگاهی به دیدگاه نورمن فرکلاف»

*حسن امامی

*مریم رضایی

تحلیل گفتمان یکی از مباحث مهم در حوزه نقد زبان‌شناسی و ادبی است و از این منظر می‌توان بسیاری از کدهایی را که نویسنده در داستان خویش ارائه می‌کند، رمز گشایی کرد. برخی از بحث‌های مطرح شده در متن موضوعاتی هستند که به فرامتن تعلق دارند و بکارگیری و نقد این مباحث فرامتنی که موضوع گفتمان اجتماعی است، می‌تواند تاثیر زیادی در درک داستان داشته باشد. موضوع جالبی که مورد توجه منتقدان در چند دهه‌ی گذشته قرار گرفته است، توجه به اندیشه‌ی جین استین رمان‌نویس مشهور انگلیسی می‌باشد، که در رمان‌هایش به تصویر درآمده است. او بسیاری از مسایل عصر خود را به شکل‌های مختلف در رمان‌هایش مطرح می‌کند و درک این مسایل با توجه به مباحث سیاسی اجتماعی عصر او قابل فهم می‌گردد. استین بیشتر به موضوعاتی می‌پردازد که روابط زن و مرد را نشان می‌دهد. در این جامعه مرد از تمامی حقوق برخوردار بوده و نگاه وی به زن تحقیرآمیز و نگاه به جایگاه پایین تر اجتماعی است. نگارنده در این مقاله تلاش نموده است با استفاده از دیدگاه‌های اجتماعی و انتقادی نورمن فرکلاف تحلیل گفتمان اجتماعی و انتقادی از رمان غرور و تعصب اثر معروف جین استین ارائه کند. در نهایت بر طبق یافته‌های پژوهش می‌بینیم زنان برخلاف تصور مردم زمانه، کوله فکر و کوله بین نبوده و مردان نیز همیشه «دانای کل» نیستند.

کلید واژه‌ها: جین استین، فمینیسم، غرور و تعصب، تحلیل گفتمان انتقادی، فرکلاف.

* استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه بیرجند

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی

مفهوم صلح و دوستی در شعر فریدون مشیری و محمود درویش

محمد امامی

فریدون مشیری و محمود درویش از شاعران متعهد شعر معاصر فارسی و عربی هستند. عشق و دوستی، سختی‌ها و مصائب انسان‌ها، جنگ‌ستیزی و دوری از خشونت و حق‌خواهی و ظلم‌ستیزی، ادب‌پایداری و مقاومت از بارزترین مضامین شعری این دو است. اما شاید بتوان گفت ستایش صلح و نکوهش دشمنی و نفی خشونت و ریا و هم‌نوایی با انسان در بند یکی دیگر از عناصر غالب اشعار این دو باشد. در این مقاله بر اساس مکتب ادبیات تطبیقی آمریکایی، که شرط ورود به تطبیق‌گری را تأثیر و تأثر تاریخی نمی‌داند، به تحلیل و بررسی و مقایسه‌ی بن‌مایه‌های صلح و دوستی در اشعار این دو شاعر پرداخته‌ایم. مقاله شامل دو بخش نظری و عملی است در بخش نظری معرفی کوتاهی از مفهوم ادبیات تطبیقی و مکتب‌های آن و مراحل شعری مشیری و درویش سخن به میان آمده است. و در بخش عملی، مفاهیم، موضوعات و درون‌مایه‌های صلح و دوستی در اشعار درویش و مشیری به صورت تطبیقی بررسی و تحلیل شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد صلح و دوستی، نفی خشونت، ظلم و جنگ‌ستیزی و محبت به هم‌نوعان از جایگاه بالایی در شعر این دو شاعر برخوردار است و و شاعران مذکور برای این موضوع‌ها در شعر خود اهمیت خاصی قائل شده‌اند.

کلید واژه‌ها: فریدون مشیری، محمود درویش، صلح و دوستی، شعر فارسی و عربی، ادبیات تطبیقی (مکتب آمریکایی).

فواید تاریخی قصاید ستایشی خاقانی

دکتر نصراله امامی*

آرش امرایی*

از گذشته ای دور به واسطه ی بار منفی مدح و اغراق در ستایش دیگران، همواره به سروده های ستایشی یا مدایح با دیدی بدبینانه نگریسته شده است . حال آن که این نوع شعر صرف نظر از برخی شعرهای سراپا اغراق و ستایش های غیر معقول ، کارکردهای بسیار ارزشمند و قابل توجه دارد . شاید اگر شعر ستایشی نبود بسیاری از دیوانهای شعرا اکنون در دسترس ما نبودند . علاوه بر این خدمت ارزشمند ، شعرستایشی ، دارای کارکردهای ارزشمندی است که بررسی آنها موجب اصلاح نگاه محققان و ادیبان شناسان و دیگران نسبت به مدایح، می شود . گفتنی است که فواید تاریخی ، یکی از بهره هایی است که از شعر ستایشی حاصل می شود. شعرا در هنگام سرودن مدایح خواسته یا ناخواسته نکات تاریخی فراوانی را در شعر خود داخل می کردند که بسیاری از آنها را در هیچ کتاب تاریخی نمی توان یافت . در این مقاله به استخراج بخشی از این کارکردها در قصاید ستایشی خاقانی خواهیم پرداخت و در آن اشارات تاریخی موجود در قصاید ستایشی خاقانی را نشان می دهیم تا دریافته شود که برخی از آنها در روشن کردن زوایای تاریک تاریخ مفید فایده هستند .

کلید واژه ها : خاقانی ، قصاید ستایشی ، کارکردهای تاریخی .

* استاد دانشگاه شهید چمران اهواز . nasemami@yahoo.com

* دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران . amiri_۸۷۹@yahoo.com

بررسی تطبیقی "بوف کور" صادق هدایت و "پیکر فرهاد" عباس معروفی

بهناز امانی*

صادق هدایت، دگرگون کننده ی ادبیات داستانی ایران زمین، اولین نویسنده ای بود که داستان نویسی را به شکل امروزی آن رواج داد و با داستان "بوف کور" خود، دیدگاه غالب نویسندگان/داستان ها را نسبت به زنان متحول کرد. برای نخستین بار، هدایت بود که به شخصیت پردازی های دقیق پرداخت و داستان های خویش را دارای ابعاد وسیع و لایه های روان شناختی کرد. هم او بود که "جریان سیال ذهن" را - که شیوه ای است برای نفوذ در ذهن شخصیت های داستان و روایت داستان بر همان مبنای جریان سیال تفکر- برای پیش برد گستره ی داستان های خویش، به ویژه در داستان "بوف کور"، به کار گرفت. از این رو شاید بتوان او را مدرن ترین نویسنده ی دوران خویش نام نهاد، زیرا که تحت تاثیر ادبیات اروپا، پایه گذار ادبیات نوین، و سنت شکن ادبیات کهن بود. "بوف کور" او دارای لایه های معانی مختلف، از زبان مرد راوی، "روی قلمدان کشی بدبخت" بیان می شود که در عشق بانویی اثری "می سوزد و می گدازد". سال ها بعد، یعنی "شبی در اوایل پاییز ۷۲" بازنویسی این داستان را، این بار از زبان "زن اثری" داستان "بوف کور"، به قلم عباس معروفی، نویسنده ی ایرانی مقیم آلمان، در کتابی با عنوان "پیکر فرهاد" می خوانیم. هرچند که او، در نو آوری و پیش گامی در عرصه ی ادبی، هم پای صادق هدایت نیست، اما به انصاف باید گفت قلمی شیوا، به سبک و سیاق هدایت دارد.

کلید واژه ها: بوف کور، زن اثری، پیکر فرهاد، جریان سیال ذهن.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه آزاد کرج

چگونگی دگردیسی اسطوره سیاوش در شاهنامه

حجت اله امیدعلی*

شهرام القاصی چکنی*

هرچند ممکن است بنیادهای اسطوره - تاریخی متون حماسی در ظاهر تفسیرناپذیر باشند ولی با تأمل و توجه، می توان بافت های این گونه داستان ها را تأویل کرد و به منشأ و آبشخورهای آنها، نزدیک شد. اسطوره سیاوش یکی از محوری ترین و اصلی ترین بخش ها در زنجیره اساطیر ایران محسوب می شود که یکی از پشتوانه های ساختاری شاهنامه به شمار می آید. او دارنده والاترین شخصیت انسانی در اساطیر ایرانی؛ به ویژه شاهنامه است. سیاوش در اسطوره، از ایزدان نباتی بوده است که به تدریج در طول زمان از جنبه های خدایی آن کاسته شده است و در متون حماسی شخصیتی زمینی به خود گرفته است. در این مقاله ما سعی داریم بن مایه این اسطوره و نحوه دگردیسی آن را در شاهنامه نشان دهیم.

کلید واژه ها: سیاوش، ایزد نباتی، شاهنامه، اسطوره تطبیقی.

* دانشجوی دکتری دانشگاه اراک

* کارشناس ارشد ادبیات فارسی

ناصر خسرو دیگر

بر اساس نظریه روانکاوی ژاک لاکان

ابوالقاسم امیر احمدی

احمد یزدی

امروزه بررسی خصوصیات و شیوه های رفتاری انسان به عنوان موجودی پیچیده که همواره در تلاش است تا با درک و شناخت کامل تری از خود و جامعه ای که در آن زندگی می کند بهتر بتواند استعداد های نهفته اش را شناسایی کند ، از اهم مباحث مورد توجه روانشناسان دنیاست که سبب ارائه نظریات بسیاری گردیده است . در این میان ، نظریه روانکاوانه ژاک لاکان فرانسوی از اهمیت بسیار بالایی در شناخت شخصیت برخوردار است . در این مقاله سعی شده است تا بر پایه نظریه "ساختمان نفسانی انسان" از این روانشناس مشهور که در آن به جای تاکید بر فرآیندهای بدنی از نقش خارق العاده زبان در پرورش روانی سخن می رود ، شخصیت ناصر خسرو ، بررسی و با استناد به اشعار او تصویری دیگر از چهره این شاعر حکیم ، ارائه گردد .

کلید واژه ها : لاکان ، ناصر خسرو ، روانکاوی ، شخصیت.

از هیرمند تا تیر

نگاهی دوباره به آب و رمزگشایی اسطوره ای آن در شاهنامه و انه اید ویرژیل

عاطفه امیری فر*

آب، عنصری اسرار آمیز است که خاستگاه قدسی و حیات بخش آن همواره مورد توجه بوده و دارای جایگاه خاصی در اساطیر است. گذشته از اهمیت آن در منابع دینی، در تمام متون حماسی و اساطیری می توان ردپای آن را در هیأت رودها، دریاها و نیز ایزدان گوناگون و با کارکرد های گوناگون در اساطیر ملل و مسیر داستان پردازی و حماسه سازی دنبال کرد. آب، رمزی است که از جنبه اسطوره ای در شاهنامه فردوسی و انه اید ویرژیل (نه به افزونی شاهنامه)، حضوری ویژه و قابل تأمل دارد و اگرچه تنها یک یا دو کارکرد کلی آن را در برمی گیرد اما با توجه به ارتباط تنگاتنگ و ظریفی که با مفاهیمی مانند نیایش خدایان، ضمیر ناهشیار، بیم و امید، تولد و مرگ و... دارد؛ می توان نگاه تازه و عمیق تری نسبت به حضور آن در دو منبع مذکور به ویژه داستان رستم و اسفندیار داشت. در آثار مورد نظر ما، آب در قالب رود و دریا ظاهر شده و به ظاهر کامل کننده عناصر طبیعی سازنده داستان هستند، اما در بررسی رمز شناسانه و اسطوره شناختی آن می توان به ارتباط عمیق و منسجمی پی برد که با ژانر داستان، پایان کار آن، شخصیت و احساسات قهرمانان، فضای رویدادها و... پیوند دارد و ما را به درک دقیق و درست ساختار حماسی، اسطوره ای و روانشناسی دو اثر مورد نظر رهنمون می سازد. در نوشته های بسیاری پیش از این، به کارکردهای اساسی آب در اساطیر اشاره شده و در باب آن به تفضیل، تحقیقاتی وجود دارد که همه آنها مد نظر ما در این نوشته بوده اند و البته در این نوشته سخن از جنبه های دیگر رمز آب است. در این مجال کوتاه نقش اسطوره ای آب در داستان های رستم و اسفندیار و حماسه انه اید بررسی و تحلیل کرده و نیز شواهدی ارائه می دهیم.

کلید واژه ها: رمزآب در اساطیر، آب در رستم و اسفندیار، آب در انه اید، نمود اسطوره ای آب (در ارتباط با نیایش، ترس و تردید، ضمیر ناهشیار).

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

نقد و بررسی جایگاه رئالیسم و ناتورالیسم در سنگ صبور صادق چوبک

سپیده امینی*

محمود زحمتی

رئالیسم، مکتبی ادبی - هنری است که در اواسط قرن نوزدهم میلادی یعنی در فاصله سال‌های ۱۸۵۰ - ۱۸۸۰ در اروپا و آمریکا رواج یافت. مهم‌ترین ویژگی آثار رئالیستی آن است که انسان را به عنوان موجودی اجتماعی مطرح می‌کند و ریشه‌ی همه‌ی رفتارهای نیک و بد او را در اجتماع جست و جو می‌کند. به دنبال آن مکتب ناتورالیسم شکل گرفت که چهارچوبه‌ی تنگ‌تر و محدودتری دارد که امیل زولا و طرفدارانش بنا نهادند و مدعی شدند که هنر و ادبیات باید جنبه علمی داشته باشد و کوشیدند که روش تجربی و جبر علمی را در ادبیات رواج دهند. صادق چوبک، یکی از پیشگامان ادب فارسی معاصر ایران، برای توصیف واقعیت‌های زندگی و سواست زیادی داشت. وی را به سبب همین دقت نظر در جزئی‌نگری‌ها و درون‌بینی‌ها، با اختلاف نظر، رئالیست و گاهی ناتورالیست خوانده‌اند. آنچه در این مقاله مورد بحث و بررسی قرار گرفته، جایگاه و غلبه‌ی رئالیسم و ناتورالیسم در سنگ صبور چوبک است و انطباق و ویژگیهای این دو مکتب در سنگ صبور مورد نقد و تحلیل قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها : رئالیسم، ناتورالیسم، صادق چوبک، سنگ صبور.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

بررسی تطبیقی دیدگاه های شعری شفیعی کدکنی و آدونیس درباره شعر معاصر فارسی و عربی

دکتر ابراهیم اناری بزچلوئی

سکینه رنجبران

گسترش روز افزون درد ها و مصیبت های اجتماعی در سراسر سرزمین های اسلامی موجب شده که اغلب شاعران معاصر از دایره «من» فردی خارج شوند و سرنوشت جمعی یا سرنوشت نوع انسان را بر سرنوشت شخصی خویش مقدم بدانند؛ از این رو در جهان معاصر، کمتر شاعری یافت می شود که نسبت به رسالت شعر و شاعر بی تفاوت باشد؛ این طرز تفکر در دیدگاه شاعران نسبت به مفهوم شعر هم تأثیر داشته است و اغلب شاعران معاصر، دیدگاه های شعری خویش را در خلال اشعارشان بیان نموده اند. حجم عظیمی از این نظریه های شعری (مانیفیست های شعری)، به جایگاه شعر و رسالت شاعر اختصاص دارد. شفیعی کدکنی و آدونیس دو تن از شاعران منتقد معاصر هستند که در زمینه شعر و رسالت شاعر دیدگاه های گوناگونی ارائه کرده اند. ما در این جستار برخی دیدگاه های شعری شفیعی کدکنی و آدونیس و همانندی ها و تفاوت های این دیدگاه ها را بررسی خواهیم نمود.

کلید واژه ها: ادبیات تطبیقی، دیدگاه های شعری، رسالت شعر و شاعر، شفیعی کدکنی، آدونیس.

سهم وارسته در جریان ادبی میان ادیبان هندی و ایرانی

انجم طاهره*

مهمترین حوزه نقد ادبی در طول تاریخ ادبیات فارسی در هند به وجود آمد. حضور دراز مدت فرهنگ ایران در هند - از عهد غزنویان تا اندکی پیش از سلطه انگلیسیان بر هند - سرانجام در پایان عمر ثمری خوش داد. نهضت ادبی میان ادیبان هندی و ایرانی در باره نحوه زبان فارسی و سخن سنجی پیشینه طولانی دارد. ظاهراً این منازعه از حضرت امیر خسرو آغاز شده تا عرفی شیرازی (۹۹۹ ه ق) و فیضی (د: ۱۰۰۴ ه ق) و منیر لاهوری (۱۰۱۹ - ۱۰۵۴ ه ق)، و حاجی محمد جان قدسی (د: ۱۰۵۶ ه ق) و ملا شیدا (د: ۱۰۸۰ ه ق) می رسد. معروفترین مناقشه ادبی بین شیخ علی حزین (د: ۱۱۸۰ ه ق) - شاعر برجسته و نویسنده بلند فکر - و سراج الدین علی خان آرزو (د: ۱۱۶۹ ه ق) - ناقد بزرگ و ادیب اریب - موجب شد پیدایش چند کتاب که عبارتند از: تنبیه الغافلین از آرزو، ابطال الباطل از فتح علی خان گردیزی، قول فیصل از امام بخش صهبایی، محاکمات الشعرا از میر محسن اکبر آبادی، نقد محمد عظیم ثبات و کتابهای بعدی درین زمینه مثل شاعری در هجوم منتقدان از شفیع کدکنی و غیره. سیالکوتی مل وارسته (اسم کاملش - لاله اندر بهان معروف به سیالکوتی مل وارسته - فقط از یک ماخذ «چار باغ پنجاب» از «گنیش داس ودیره» معلوم می شود) سهمی بزرگ در این جریان ادبی دارد. او استاد سخن شناس و نقاد نکته دان شبه قاره به شمار می رود. آثار نقدی وارسته احقاق حق (در پاسخ به خرده گیری های آرزو در دفاع از شیخ علی حزین، تألیف پیش از ۱۱۵۲ ه ق) و جواب شافی (در پاسخ به ایراد های آرزو بر شعر عبد الحکیم حاکم تألیف: ۱۱۶۳ ه ق) و مهارت منتقدانه وی در تالیفات دیگر (مصطلحات شعرا، مطلع السعدین، {منشآت وارسته}، بیاض وارسته) به آشنایی زدایی نقد ادبی در سبک هندی راه داده است. در پاسخ ایرادها وارسته با کشف مفاهیم ترکیبها و اصطلاح های بلاغی، دستوری، فلسفی و موسیقی و وزن و قافیه شعر گنجینه ای پر بار برای نقد ادبیات فارسی فراهم کرده است.

کلید واژه ها: جریان ادبی در شبه قاره، حزین لاهیجی، سراج الدین علی خان آرزو، وارسته، احقاق

حق، جواب شافی

* عضو هیأت علمی و معاون بخش فارسی، دانشگاه بانوان آل. سی. لاهور، پاکستان

کتاب حضرت آدم(ع)

رحیم هادی انداد جدید

عیوض هوشیار

دانشجویان دوره ی دکترای تخصصی رشته ی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز شیخ آذری طوسی در کتاب ارزشمند خود به نام جواهرالاسرار که جزو متون چند دانشی است و در سال ۸۴۰ ه.ق نوشته شده است، در باب اول اثر خود به بیان اسرار حروف مقطعه پرداخته است و در این باب همه ی نظریات را گردآوری نموده است و علاوه بر آراء مفسران، به بیان عقاید ارباب عقول و متکلمان و متصوفه و پاره ای از فرقه ها همچون معتزله و ارباب علم جفر و نیز آراء علمای ظاهر پرداخته است و در نهایت نظر خود را در این مورد بیان کرده است یکی از جالب ترین نظریه ها در این زمینه این است که از حروف مقطعه به عنوان کتاب حضرت آدم (ع) یاد شده است علاوه بر این مطالب، این نوشته ها به لحاظ آن که در بردارنده ی آراء صوفیان و متکلمان نیز هست در حیطه ی ادبیات عرفانی و کلامی حایز اهمیت می باشد و مطالبی که در آن به کار رفته نشان از وسعت دانش شیخ آذری طوسی دارد و وی اطلاعاتی دست اول در این زمینه ارائه می کند که پاره ای از آن ها در نوع خود منحصر به فرد و بی سابقه است ما در این مقاله که قسمتی از پایان نامه ی نگارندگان است به تصحیح باب اول این اثر بر اساس ۸ نسخه پرداختیم و متن مصحح آذری را در مقابل دیدگان دانش دوستان محترم گذاشتیم سعی بر آن بوده است تا متنی انتقادی و مصحح به دست بدهیم. و ما توفیقی الا بالله.

کلیدواژه ها: تصحیح ، جواهرالاسرار ، حروف مقطعه ، تفسیر ، متصوفه.

تاملی بر شیوه های پرورش تفکر انتقادی در قالب ادبیات کودکان

مریم انصاری*

شقایق نیک نشان*

فعالیت های فکری دقیق مستلزم مهارت های شناختی پیچیده و گرایشاتی است که منجر به تفکر انتقادی می شود. هدف مقاله حاضر دستیابی به شیوه های آموزش تفکر انتقادی به کودکان است. در این مسیر آنچه می تواند ما را یاری سازد تا به این مهم نایل شویم بهره گیری از ادبیات کودکان است. لذا در این پژوهش ابتدا رویکردهای مربوط به تفکر انتقادی مورد بررسی قرار می گیرد و پس از آن به تحلیل آن در ادبیات کودک پرداخته می شود. این پژوهش با شیوه ی تحلیلی-استنتاجی صورت می گیرد و سعی بر آن است تا با بررسی نظریات متعدد متخصصان فلسفه به چرایی و امکان آموزش تفکر انتقادی برای کودکان از طریق ادبیات کودکان پرداخته شود. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که رشد تفکر انتقادی در کودکان از طریق گفتگوها و حلقه های کندوکاو با تمرکز بر داستان های کودکانه صورت می گیرد. شرکت کودکان در اجتماع های ادبی و کندوکاو پیرامون مفاهیم معمول زندگی در قالب قصه گویی و بحث پیرامون شخصیت های داستانی، می تواند مهارت های استدلال، تخیل و قضاوت درست، تفکر انتقادی و اعتماد به نفس و توانایی حل مساله را به طور قابل توجهی در کودکان ارتقا بخشد. در نهایت پیشنهاد می گردد که فلسفه برای کودکان در مباحث و متون مربوط به ادبیات کودکان به صورت تخصصی وارد گردد.

کلید واژه ها: تفکر انتقادی، حلقه های کندوکاو، تخیل، ادبیات کودکان.

* مدرس دانشگاه پیام نور اصفهان و دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت

* مدرس دانشگاه پیام نور اصفهان و دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت

بررسی شگردهای طنز پردازی در شعر کودک و نوجوان دههی هشتاد

نعمت الله ایرانزاده

انسیه موسویان

خنده و شادی در زندگی کودکان و نوجوانان نقش بسزایی دارد. شادمانی و شوخ طبعی با سرشت و ذات زندگی کودکان عجین شده است. رشد چشمگیر ادبیات کودکان و نوجوانان و به ویژه شعر در سالهای اخیر این انتظار را ایجاد می کند که شاعران و نویسندگان کودک و نوجوان از کارکردها و قابلیت های این گونه ی ادبی در آثارشان بهره ببرند. موضوع این پژوهش نیز به بررسی و تحلیل نمونه ی اشعار طنزآمیز کودک و نوجوان در دهه ی هشتاد، اختصاص یافته است و هدف آن شناخت شگردهای مورد استفاده ی شاعران مطرح برجسته ی کودک و نوجوان در سروده هایشان و نیز چگونگی استفاده از این شگردهاست. در این مقاله ابتدا مفاهیمی چون کودک، نوجوان، ادبیات کودک و نوجوان، شعر کودک و نوجوان، گونه های مختلف آن و گروه های سنی تعریف شده و سپس تعریف و ویژگی های طنز و فکاهه و تفاوت های آنها بیان گردیده است؛ آن گاه با اشاره به ضرورت وجود طنز در ادبیات کودک و نوجوان و تفاوت های طنز در ادبیات کودک با ادبیات بزرگسال، نمونه های طنزآمیز از سه جنبه بررسی شده است: ساختار شعر طنز کودک و نوجوان، معنا و مضمون و شیوه ها و شگردهای ایجاد طنز در شعر کودک و نوجوان.

کلید واژه ها: ادبیات کودک و نوجوان، شعر معاصر، طنز، فکاهه، شگردهای طنز آفرینی.

نقدی بر شرح جامع مثنوی معنوی

محمدحسین ایران منش*

ژرفای اندیشه مولانا از یک سو و ابهام ذاتی عرفان از سوی دیگر، مثنوی معنوی را محتاج شرح و توضیح ساخته است. از این رو طی قرون متمادی اندیشمندان متعددی به شرح مثنوی پرداخته اند. در این بین «شرح جامع مثنوی معنوی» به واسطه برخورداری از ویژگی هایی چون: شرح یک به یک ابیات و ایجاز در عین جامعیت نسبی، مورد توجه بزرگان ادب فارسی و مجامع دانشگاهی قرار گرفته است. با احترام به ساحت استاد کریم زمانی، مؤلف اثر، و اذعان به ارزش های فراوان شرح گران سنگ ایشان، این مقاله به بعضی از سهوها و لغزش های اندک شماری که - به نظر نگارنده - در مجلد ششم این اثر واقع شده است اشاره می کند.

کلید واژه ها: مثنوی معنوی، شرح مثنوی، کریم زمانی، نقد و بررسی.

نگاهی به واژه های مهجورِ فارسی در گویشِ بختیاری

* دکتر اورنگ ایزدی

* سید مهدی دادرس

گویشِ بختیاری از گویش های ایرانیِ غربیِ جنوبی و خویشاوندِ نزدیکِ فارسی است. این گویش بسیاری از ویژگی های آوایی، صرفی و واژگانیِ فارسیِ دری را که به فارسیِ امروزِ ایران نرسیده، حفظ کرده است. همچنین پاره-ای عناصرِ فارسیِ میانه (پهلوی) که به فارسیِ نو نرسیده است، در این گویش دیده می شود. در این مقاله فهرستِ بلندی از واژه های مهجورِ فارسی که در گویشِ بختیاری زنده هستند، به همراه توضیحاتِ ریشه شناختیِ لازم، ارائه شده است. منظور از واژه های مهجور، واژه هایی است که در متونِ کهنِ فارسی به کار رفته اند اما در فارسیِ تهران کاربرد ندارند.

کلیدواژه ها: فارسیِ دری، گویشِ بختیاری، واژه ی مهجور، ریشه شناسی.

* استادیار فرهنگ و زبان های باستانی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

تکنیک های شخصیت پردازی در رمان دالان بهشت

حکیمه ایزدی*

ابراهیم رنجبر*

شخصیت پردازی یک از مؤلفه های اصلی داستان است. به طوری که تمامی عوامل داستان بر مدار آن می چرخد. در این نوشته قصد داریم تا به شیوه های شخصیت پردازی در رمان دالان بهشت که جزء رمان های پرخواننده ی اخیر محسوب می شود بپردازیم به نحوی که بتوان یکی از علل اقبال عموم به آن را در طرز شخصیت پردازی ملاحظه کرد. نویسنده در این رمان از شیوه های مستقیم و غیر مستقیم برای نشان دادن نوع شخصیت ها بویژه شخصیت های زن رمان استفاده کرده که هم ذات پنداری عمیقی با مخاطب ایجاد می کند. همچنین استفاده از شیوه ی روایتی داستان در داستان که به نظر تودوروف داستان درونه ای در داستان درونه گیر است و تضادهای درون شخصیتی، از روش های مهمی است که در شناساندن اشخاص این داستان بخصوص قهرمان آن نقش موثری دارد. و به واقع گرایي داستان کمک می کند.

کلید واژه ها: رمان، شخصیت پردازی، دالان بهشت.

* دانشجوی کارشناسی ارشد

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی

تنوع مضمون در غزل و ارتباط آن با انسجام متن

طاهره ایشانی*

تغییر و تحوّل در شعر فارسی از قرن ششم به بعد، نه تنها در شکل غزل، بلکه مضمون را نیز دستخوش تغییرات و تحولات قرار داد. در واقع، از قرن ششم به بعد که غزل به کمال خود از نظر شکل و قالب رسیده بود، اولین گام های تغییر و تحوّل در مضمون غزل نیز ایجاد شد و به تدریج، مضامین تازه ای وارد غزل گردید و آن را از یکنواختی و تک مضمونی بودن دور ساخت. بر همین اساس، برخی از پژوهشگران بر این باورند که تنوع مضمون در غزل سبب شده تا متن از انسجام کافی برخوردار نباشد و یا حتی به دور از انسجام باشد - نکته ای که در باب غزل حافظ آشکارا بیان شده است - همچنین گفته شده که در غزل سایر شعرا از جمله سعدی چنین تنوع مضمونی وجود ندارد. در این مقاله برآنیم ضمن بررسی تحلیلی سیر تحوّل و تنوع مضمون در غزل چند شاعر برجسته (قرن ششم تا هشتم) از جمله سنایی، انوری، جمال الدین محمدبن عبدالرزاق اصفهانی، خاقانی، عطار، سعدی، مولوی و حافظ، وجود و یا عدم تنوع مضمون در غزل سایر شعرا را نشان دهیم و سپس با استفاده از تحلیل گفتمان و نظریه ی انسجام و پیوستگی هلیدی و حسن (۱۹۸۵) غزلی از حافظ را تحلیل نموده، بر اساس آن اثبات نماییم تنوع مضمون در غزل حافظ - به عنوان نمونه ی کاملی از غزل متنوع المضمون - سبب نامنسجم شدن آن نگردیده است.

کلید واژه ها: غزل، مضمون، حافظ، تحلیل گفتمان، انسجام، پیوستگی، هلیدی و حسن.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سبک شناسی در ادب فارسی

آلینا ایواشچنکو*

خلاصه مقاله سبک شناسی ادب فارسی شامل مقدمه از کلیات مباحث بوده و همچنین با تشریح سه علم معانی، بیان، بدیع بعنوان ملزومات سبک شناسی زبان فارسی بتشریح و تحلیل این علوم می پردازد و مقررات و شرایط به هر کدام از این علوم سه گانه می بایست برخوردار باشد را مورد بررسی خواهد داد تا بعنوان مشخصات زبان فارسی بویژه معنای فصاحت و بلاغت را در آن درک نمود.

کلید واژه ها: سبک، ساختار، سخنور، بیان، سخن آرای، کلام، استعاره، جمله.

* اوکراین شهر کیف

پازتاب کهن‌الگوی آزمون قهرمان در شاهنامه فردوسی

دکتر مصطفی باباخانی*

یکی از بن‌مایه‌های تکرارشونده اسطوره‌ای که در *شاهنامه* فردوسی بازتاب ویژه‌ای یافته، آزمونهای قهرمان است. موضوع آزمون افراد، به‌خصوص جوانانی که آهنگ همسرگزینی و ورود به جامعه‌ای جدید را دارند از موضوعاتی است که جزء اعتقادات جوامع ابتدایی و باستانی به‌شمار می‌رفته است. قهرمان و یا پهلوان برای اثبات لیاقت و توانایی خود و ورود به جرگه دلاوران، ناگزیر به گذراندن آزمونهای سخت و دشوار و حتی فرورفتن در کام مرگ بوده است. همچنین پیامبران و اولیاء الهی نیز برای اینکه آماده دریافت وحی و خطاب خداوند و عهده‌دار وظیفه رسالت و نبوت گردند می‌بایست یک سری امتحانات و آزمونها را با موفقیت از سر بگذرانند. این مضمون از آن نظر که خود الگویی کهن و نمونه‌ای ازلی است که در ناخودآگاه جمعی ملل مختلف وجود دارد و به‌عنوان موتیف و یا بن‌مایه در اسطوره‌های ملل مختلف تکرار شده و در ادبیات رسمی و عامیانه هم بازتاب یافته است، با کهن‌الگوی (archetype) یونگ - روانشناس مشهور سوئیسی - نیز قابل تطبیق و مقایسه است. آزمونهای قهرمان را در *شاهنامه* می‌توان به‌صورت گذر پهلوان از خان یا خان‌های دشوار گوناگون که در برخی موارد از آن به «هفت‌خان» تعبیر می‌شود و یا گذر از آب و آتش و... مشاهده کرد.

کلید واژه ها: شاهنامه فردوسی، اسطوره، کهن‌الگو، آزمونهای قهرمان، هفت‌خان، آب، آتش.

* مدرس ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور بوشهر babakhani.mostafa@gmail.com

بررسی تطبیقی آرای لانگینوس در نمط عالی با دیدگاه نظامی عروضی در چهار مقاله نظامی عروضی

علی بازوند*

این مقاله به وجوه شباهت های بین کتاب چهارمقاله ی نظامی عروضی و رساله ی لانگینوس می پردازد. لانگینوس یکی از بزرگترین منتقدان است که تالی ارسطو دانسته می شود. او در نظریه ی ادبی و انتقادی خود با طرح مقوله ی نمط عالی به طرح ویژگی های یک اثر ادبی برجسته می پردازد و در واقع خصیصه شاهکار ادبی را باز می نماید. لانگینوس بر این باور است که اثر ادبی با داشتن ویژگی هایی می تواند به عنوان نمونه و نمط عالی مطرح شود و این نمط عالی هم منحصر به یک ژانر ادبی نمی شود. نظامی عروضی سمرقندی صاحب چهار مقاله هم در مقالات های دبیری و شاعری کتاب، معتقدست که شرایطی خاص می تواند به اثری ادبی تعالی بخشد. نوشتار حاضر تبیین آراء لانگینوس و انطباق آن با دیدگاه نظامی عروضی است؛ در این میان البته باید توجه داشت که دیدگاه های هنری و انتقادی شاعران و ادیبان ایرانی تابع اصول و مبانی بلاغی خاصی است، که ممکن است با مبانی فکری و بلاغی ادیبان غربی تفاوت هایی نیز داشته باشد. اما این پژوهش صرفاً در پی دریافت شباهت هایی است که در این دو اثر دیده می شود. شاید تحلیل این مشابَهت ها بتواند گویای سرچشمه های مشترک در دو اثر و بیان کننده نشانه هایی از حضور و تاثیر آراء ارسطو در هر دو کتاب باشد.

کلیدواژه ها: آراء، لانگینوس، تطبیق، چهارمقاله، نظامی عروضی.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران

کارکرد اجتماعی «ضمایر شخصی» در اشعار سیاوش کسرایی

علی اکبر باقری خلیلی

مریم بختیاری

انقلاب مشروطه سرفصل مطالبات سیاسی - اجتماعی را گشود و تجدّدطلبی در حوزه های مختلف، از جمله ادبیات راه یافت و شاعران بسیاری به طبع آزمایی در زمینه های نوگرایی به ویژه در شکل و فرم پرداختند تا این که نیما، گوی سبقت از همگان ربود و نه تنها در فرم، بلکه در محتوا نیز سرآمد شد و شعر نو اجتماعی را با نام خود پیوند زد. بعد از نیما، پیروان او نظیر شاملو، اخوان، شفیعی کدکنی، کسرایی و... حتی شفاف تر و شیواتر از نیما به بازتاب مسایل سیاسی - اجتماعی در اشعارشان دست یازیدند. سیاوش کسرایی به شدت پایبند بازگویی دردها و دغدغه های اجتماعی است و زبان گرایي و توجه به جنبه های هنری، هرگز او را از تمرکز بر محتوای اشعارش باز نداشته و ذوق برانگیختن لذت ادبی او را از شوق بیدارگری مردم، دور نکرده است. از این رو، او در اشعارش اندیشه های اجتماعی را جانشین احساسات فردی می نماید و به دفاع از آزادی، دادگری و مبارزه با استبداد و فقر می پردازد و نقش انسان را در طرح سرنوشت خویش ترسیم می نماید. کسرایی برای نیل به مقاصد سیاسی - اجتماعی می کوشد تا با کاربرد واژگان مناسب و خلق تصاویر مؤثر، روح انقلابی و حماسی را در کالبد اشعارش بدمد و با استفاده از ترفندها و شگردهای زبانی و ادبی، مردم را به خیزش، ایستادگی و پایداری در راه دست یابی به آرمان های شان وادارد. از این رو، با طرح مشکلات طبقات محروم و تأکید بر ضرورت تبلور آزادی و دادگری در قالب زبان هنری، آحاد مردم را به وحدت و همبستگی ترغیب می نماید. از جمله شگردهایی که کسرایی برای حصول بدین مقصود به کار می بندد، کاربرد ضمایر شخصی «من»، «تو» و «ما» به اشکال متفاوت و برجسته سازی آن ها به دو روش قاعده افزایی و قاعده کاهی است. شیوه ی خاص کسرایی در کاربرد ضمایر، موسیقی کلام، چینش واژگان، شکل دیداری و فضا سازی اشعار برای نشان دادن چگونگی پیوستن «من» و «تو» به «ما» به منظور ترغیب و تشویق افراد به توده و حرکت انقلابی از محورهای اصلی کارکردهای ضمایر شخصی در اشعارش می باشند. با توجه به گرایش های سیاسی - اجتماعی کسرایی، به خصوص سروده های او در حوزه ی شعر نو مقاومت - که از برجسته ترین چهره های این نوع شعر به شمار می آید - می توان گفت کاربرد ضمایر شخصی «من» و «تو» در اشعارش که غالباً آن را به «ما» تبدیل می نماید، دارای طرحی خودآگاه است و او بر اساس معنای مرکزی

ضمایر «من و تو» که دربردارنده ی تضاد درونی و تقابل شخصی اند، می کوشد تا با تغییر و تبدیل آن ها به «ما»، تقابل را به تعامل و تضاد را به تفاهم بدل نماید و بدین طریق وحدت را محقق سازد.

کلید واژه ها: سیایش کسرای، ضمایر شخصی، کارکردهای اجتماعی و فضا سازی.

نگاهی به زندگی شفایی اصفهانی و ویژگیهای سبکی او در حوزه ی زبانی و ادبی با تکیه بر قصاید

مهدی باقری*

شرف الدین حسن شفائی، معروف به حکیم شفائی، شاعر برجسته و طبیب دانشمند صفوی است که بسیار محل توجه و مورد احترام بزرگان معاصر و نسلهای پس از خود بوده است. سبک هندی در دوره ی شفایی به دو شاخه ی تمثیلی و اعتدال گرا و دیگر شیوه ی افراطی و انتزاعی که محور آن خیال گرایی می باشد، تقسیم شده است جالب آنکه در هر دو شیوه استادان و شاعران جریان سازی قرار داشتند، نظیر حکیم شفایی از گروه اول و زلالی خوانساری و جلال الدین اسیر از گروه دوم که هیچکدام حتی برای یکبار هم پا به هند نگذاشتند و اغلب خود از منتقدان حوزه ی ادبی هند و ایرانیان پناهنده به هند بودند. البته دیوان اشعارشان در هند دست به دست می گشت و به نوعی همپای آثار انقلابیون این جریان ادبی، نظیر ظهوری، عرفی و طالب آملی شد و نهضتی را پدید آورد که هیچگاه زوال نیافت و گران- گوهرائی چون بیدل و غالب و اقبال را به خزانه ی ادب فارسی افزود. به بیانی دیگر در این دوره، ادیبان و شاعران برجسته ی ایرانی و هندی بسیار قرار دارند که جامعه ی ادبی امروز ما یا آنها را اصلاً نمی شناسد و یا بسیار کم و سطحی به آنها وقوف دارد. نمونه اش شاعر دانشمند و تأثیر گذار دوره ی صفوی حکیم شفایی است که حتی توجه و تحسین آذر بیگدلی و رضا قلی خان هدایت، از ادبای بازگشتی را برانگیخته است. شعر وی با وجود برخورداری از ویژگیهای سبک هندی تا حد قبولی از افراط کاریهای شعرای آن دوره در خیال و زبان عاری است و پاره ای اطلاعات مهم اجتماعی و زبانی از آن مستفاد می شود. به همین دلیل قصاید که در تحقیقات ادبی جایگاه شایان خود را نیافته از نظر ویژگیهای سبکی و ادبی در این جستار مورد توجه قرار گرفته است.

کلید واژه ها: شفائی، زندگی، ویژگیهای سبکی، مختصات زبانی، مختصات ادبی، سبک هندی، ادبیات عرب.

* کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور قزوین

تحلیل سبکی قصاید عبدالباقی طیب اصفهانی

مهدی باقری*

شاعران و نویسندگان برجسته صاحب سبک خاصی هستند که در تاریخ ادبیات به نام آنها ثبت است. از پیشگامان نهضت بازگشت ادبی و از اعضای انجمن ادبی مشتاق اصفهانی طیب اصفهانی است که برای نجات ادبیات از تزلزلی که در اواخر سبک هندی دچار آن شده بود، تشکیل یافت و هدف آن احیای دوران باشکوه ادبیات در دوره ی سامانیان و غزنویان و دوره ی سعدی و حافظ بود، تلاشهای بسیاری انجام داد. در این مقاله سبک و شیوه ی شاعری این شاعر شوریده ی اصفهانی با تکیه بر قصاید او در سه حوزه ی زبانی، ادبی و فکری مورد بررسی قرار گرفته است. طیب از کسانی است که در پژوهش های ادبی به او و آثارش توجه نشده است. گرچه اکثر ادبا و محققان او را به خاطر غزلیاتش می شناسند اما قصاید او نیز جزو بهترین آثار شعری دوره ی اول بازگشت ادبی می باشد که ویژگیهای مختلف سبکی در خود جا داده است.

کلید واژه ها: طیب اصفهانی، قصیده، مختصات زبانی، ویژگیهای ادبی، سطح فکری، غم و اندوه.

* کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور قزوین

عوامل اجتماعی دخیل در ایجاد ترجمه ناپذیری و ترجمه-ناشدنی دینی و ادبی

* بشیر باقی

* دکتر محسن مبارکی

* نیره جنگی

بحث پیرامون ترجمه ناپذیری و ترجمه ناشدنی، در میان ارباب نظر بسیار است. زمانی باور این بود که شعر عرفانی ایران ترجمه-ناپذیر است. شاید این نظر در زمانی خاص و برای قشری خاص در فرهنگی خاص پذیرفتنی باشد اما بسیاری از منتقدان معتقدند "شاهکارهای ادبی متعلق به تمام ملتها و زبانهاست" (رادفر)؛ پس همه ی ملتها می توانند به قدر فهم و لیاقت خود از گنجینه-های بشری بهره برند. ترجمه چنین آثاری صرفاً در بستر آماده شده نتیجه بخش خواهد بود، و صرفاً افرادی که آگاهی های لازم را کسب کرده اند می توانند از ترجمه ی شاهکارهای جهان بهره برند. از طرفی می دانیم که "پیشرفت هر کشور در امور مادی و معنوی ثمره ی برخورد درست و منطقی با فرهنگهای دیگر و بهره وری از آنهاست" (همان، ص ۱۵۳). در این میان افرادی هستند که ایمان به فرهنگ غنی را سدی در مقابل غربزدگی از طریق ترجمه های ادبی می دانند (دانشور)؛ بنابراین با شناخت و اعتقاد به فرهنگ ملی می توان ترجمه را هدفمند و هوشمندانه کرد و تأثیرات منفی آن مثل نشر خرافه پرستی و ... را خنثا کرد و از آن برای غنا و نیز نشر فرهنگ ملی بهره برد. جهل، خودپسندی، ترس از بیگانه، غرور، تعصب، مدگرایی و ... عواملی هستند که آثاری را در "ذهن" افراد ترجمه نشدنی جلوه می دهد و حال آنکه روحیه ی کسب علم و دانش آزادی خواه بوده، سبب می گردد افراد، کمتر اثری را ترجمه نشدنی بدانند. همچنین ناشناس بودن افراد و مشکلات جامعه، عدم آشنایی خوانندگان با آثار اندیشه پرور، اقتصاد نابسامان، و زمان نیز از دیگر عواملی هستند که آثار زیادی را ترجمه نشده باقی می گذارد. در این مقاله سعی شده تأثیر عوامل اجتماعی مختلف در انجام یا عدم انجام ترجمه دینی و ادبی و نتایج آن بر فرهنگ به طور اجمالی بررسی گردد.

کلید واژه ها: جامعه، ترجمه ناپذیری، ترجمه ناشدنی، فرهنگ، ترجمه ی ادبی، ترجمه ی دینی.

* کارشناس ارشد مطالعات ترجمه، مدرس دانشگاه

* استادیار دانشگاه بیرجند

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بیرجند

فراسوی ترجمه: ادبیات ملی و ادبیات تطبیقی

* بشیر باقی

* نیره جنگی

ترجمه پیوند نزدیک و ناگسستنی با ادبیات ملی و ادبیات تطبیقی، در مفهوم عام، دارد و با توجه به ماهیت آن و کنشها و واکنشهایی که ایجاد می کند با آنها رابطه ی تأثیر و تأثری متقابل برقرار کرده است؛ طوری که می توان این رابطه، و کنشها و واکنشها را جزئی از ماهیت ترجمه (ادبی)، ادبیات ملی و ادبیات تطبیقی محسوب کرد. نظریات متأخر در رشته ی ادبیات تطبیقی و مطالعات ترجمه نیز بدین موضوع پرداخته اند؛ آنها معتقدند "ترجمه" ادبیات ملی را غنی می -کند، در تحقیقات ادبیات تطبیقی عنصری لاینفک است، و همچنین در پیشرفت و گسترش ادبیات جهانی تأثیری بسزایفاء می کند. بدین ترتیب ترجمه به موضوعی تبدیل شده است که در مطالعات ادبی توجهات بیشتری را به خود جلب کرده است.

کلید واژه ها: ترجمه، ادبیات تطبیقی، ادبیات ملی.

* کارشناس ارشد مطالعات ترجمه، مدرس دانشگاه بیرجند

* دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بیرجند

ادبیات تطبیقی و مطالعات ترجمه: افقهای جدید پژوهشی

بشیر باقی*

نیره جنگی*

ادبیات تطبیقی را می توان شاخه ای تجربی از مطالعات ادبی در نظر گرفت که بر تطبیق یا مقایسه یک ادبیات با ادبیات (های) دیگر یا حتا انواع بیان بشری تمرکز دارد. امروزه، به دلیل اختلافات و تنازعات موجود بین رویکرد تاریخی و نظری در این رشته، ادبیات تطبیقی درگیر فرایند نوسازی نظری و عملی می باشد که باعث ایجاد تحقیق و جستجو برای یافتن افقهای جدید می شود و این خود مستقیماً بر رابطه ی ادبیات تطبیقی با مطالعات ترجمه تأثیر می گذارد.

کلید واژه ها: ادبیات تطبیقی، مطالعات ترجمه، پذیرش، متن ادبی.

* کارشناس ارشد مطالعات ترجمه، مدرس دانشگاه بیرجند

* دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بیرجند

پارودی سوگند نامه ی خاقانی نمونه ای از پارودی نویسی قرن ششم

دکتر بهروز بامدادی*

پارودی یکی از قالب های ظریف ادبی است که هدف نویسنده، تمسخر یا مضحکه ای به قصد انتقاد یا هزل و هجو است. هدف، طرح یک سؤال و ایجاد یک اندیشه و تغییر در وضع فکری رایج است. اگر چه ایرانیان ظاهراً آن را در قرن اخیر از اروپاییان یاد گرفته اند و مطابق قواعد و تعاریف آنان - و حتی با نام اروپایی آن آثاری آفریده اند؛ مثل پارودی های دوره ی مشروطه که برخی از آن ها بسیار مشهور شده اند. مانند پارودی مشهوری که صادق هدایت برای دماوندیه ی ملک الشعراء بهار سروده است. به نظر می آید که ایرانیان در قرون گذشته با چنین قالب ادبی آشنا بودند و برای طنز و تمسخر یا انتقاد و تأدیب افراد از چنین روشی بهره می بردند. اگرچه نامی برای آن نگذاشته بودند یا از نام هایی مثل طنز یا نقیضه استفاده می کردند. در این مقاله قصد نویسنده این است که نشان دهد چگونه خاقانی شاعر برای یک قالب مؤثر و جدی مثل سوگند نامه، نظیره ای خنده دار و آمیخته به شوخی سروده است و در آن به جای سوگند خوردن یا قسم دادن به مقدسات و مقدّسان و صلحا به بازیچه های کودکانه یا بز و میش و خرس یا به افرادی که از قراین ابیات می شود فهمید که افراد معمولی یا مهمل و لوده بوده اند؛ سوگند خورده یا سوگند داده است. اهمیت ادبی این سوگند نامه زمانی بر ما روشن می شود که شاعربه خاطر سعایت سخن چینان، در موقعیت اتهام به خیانت قرار گرفته است و با سوگند نامه ای قصد اثبات بی گناهی خود و برائت از اتهام را داشته است. بعد از مدح وزیر و ادای سوگند نامه، شاعر ناگهان بابی شگفت از طنز و شوخی باز کرده و پارودی ای جالب برای سوگند نامه - که یک قالب جدی است - آفریده است که موضوع این مقاله معرفی همین پارودی است.

کلید واژه ها: پارودی، سوگندنامه، پارودی، قرن ۶، پارودی، خاقانی.

* مدرس مجتمع آموزش عالی پیامبر اعظم (ص)

جایگاه نظریه ادبی در آراء و اشعار شفیعی کدکنی

محمد بامدادی

قبل از پیدایش نظریه ادبی، ادبیات همانند دنیایی ناشناخته و مبهم به حساب می آمد که هرکسی قادر به ورود و درک این دنیا نبود. با پیدایش نظریه و رشد و گسترش آن، چهارچوبی منظم به دست آمد تا این دنیای ناشناخته بررسی و کنکاش شود. برای نخستین بار در سال های ۱۹۱۵-۱۹۱۴ در روسیه، فرمالیست ها، نظریه ادبی خود را مطرح کردند. آنها در صدد بودند تا با رهیافتی تجربی، ادبیات را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند و بدینوسیله توانستند تحولی شگرف در ادبیات و نقد ادبی به وجود آورند. استاد شفیعی کدکنی از زمره شاعران موفق نیمایی است که سخت تحت تأثیر آراء فرمالیست ها قرار گرفته و در کتاب موسیقی شعر خود این را به وضوح نشان داده است. بررسی اشعار و آراء او از این دید، می تواند ناگفته های زیادی را در مورد زبان شعری اش بیان کند. در این پژوهش سعی شده تا مقدمه ای در باب نظریه ادبی و پیشینه آن در ادبیات فارسی بیان گردد؛ سپس آراء و اشعار شفیعی کدکنی _ تمام ۱۲ دفتر شعری- از این حیث مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

واژگان کلیدی: نظریه ادبی، شفیعی کدکنی، فرمالیست ها، شعر معاصر.

ترجمه ی رباعیات عمر خیام و قاضی نذراالاسلام

خانم شمیم بانو*

قاضی نذراالاسلام شاعر ملی بنگلادش است. وی در شعر خویش سودی زیاد از واژگان فارسی جسته است و تحت تأثیر حافظ، عمر خیام و شاعران دیگر فارسی بوده است و چندین رباعی عمرخیام و چندین غزل حافظ را به زبان بنگالی برگردانیده است. متعددی شاعران بنگالی رباعیات عمرخیام را به زبان بنگالی ترجمه کرده اند، و بیشتر متقدان ادبیات بنگالی متفق اند که ترجمه نذراالاسلام از حیث زبانی، محتوا و فنی بهترین ترجمه رباعیات عمرخیام در زبان بنگالی می باشد. سعی ما در این مقاله پژوهش و سنجیدن ترجمه رباعیات عمرخیام از نذراالاسلام در سیمای خود رباعیات عمرخیام و مقایسه آن با تراجم رباعیات عمرخیام از مترجمان دیگر بنگالی زبان است.

کلید واژه ها: نذراالاسلام، رباعیات عمرخیام، ترجمه های بنگالی، مکارم فنی و زبانی ترجمه.

* دانشیار زبان فارسی مؤسسه ی زبانهای نوین دانشگاه داکا، بنگلادش

تحلیل نشانه‌شناختی حکایت «دختر کعب، شعر او و عاشق شدن وی»

محسن بتلاب اکبرآبادی*

نشانه‌شناسی با طرح مفاهیمی چون: نظام، رمزگان، هویت ارتباطی و افتراقی نشانه‌ها و... روشی دیگرگون را در خوانش متون بنیان نهاده است. این علم که ریشه در آرای زبان‌شناسی سوسور دارد با تأکید بر عناصر درونی نظام، سازکار شکل‌گیری معنا را در پی فرایند دلالتی نشانه‌ها به تصویر می‌کشد و به نحوی به طبقه‌بندی و سازماندهی جریان به ظاهر آشفته و بی‌نظم متن می‌پردازد. الهی‌نامه عطار از جمله متونی است که سهم بسزایی در شکل‌گیری روایت عرفانی دارد. بررسی نشانه‌شناختی روایت در حکایت‌های این متن می‌تواند تا حدودی زمینه را برای نحوه ساماندهی روایت در متون عرفانی مهیا کند. تحلیل نشانه‌شناختی حکایت دختر کعب، شعر او و عاشق شدن وی - که به لحاظ ساختار و معنا ارتباط مستقیمی با ساختار روایت جامع الهی نامه دارد- نشان می‌دهد که پیشرفت پیرنگ روایت در این حکایت از طریق تباین و تنش در عناصر دو رمزگان قدرت و عشق صورت می‌گیرد، یعنی هر عنصر با قرار گرفتن در ذیل این دو رمزگان هم به لحاظ روایی و هم از نظر زبانی، شکل و معنایی متناسب با آن رمزگان می‌گیرد و پردازش عناصر روایی حکایت در ضمن این تقابلها انجام می‌پذیرد. با در نظر گرفتن این موضوع و توجه به این نکته که خود این حکایت در ضمن روایت جامع و عرفانی الهی‌نامه بیان شده است می‌توان گفت که تمامی نشانه‌های موجود در این حکایت از لحاظ معرفت‌شناختی، در یک فرایند جانشینی و تطبیقی، ذیل ساختار و نظام گسترده‌تری به نام عرفان به معنا می‌رسند و این قواعد و قراردادهای عرفان است که نحوه شکل‌گیری و صورت‌بندی روایت را تعریف می‌کند.

واژگان کلیدی: الهی‌نامه، نشانه‌شناسی، نشانه، رمزگان، عرفان، روایت.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان

برخورد فرهنگ ها و شکست سمبل ها

معصومه بخشی زاده *

دکتر خیال الله محمودی *

نماد ، مفهوم پویایی است که تحت تأثیر شرایط اجتماعی و فرهنگی، دچار تحول گردیده و معمولاً در شکلی نوین ظاهر می شود. عمده ترین تحولات نماد را می توان تحت عنوان " شکست سمبل ها " مورد بررسی قرار داد. در این فرآیند ، به واسطه ی تغییر شرایط فرهنگی جامعه، نمادهای فرهنگ مغلوب، جای خود را به نمادهای فرهنگ غالب می دهند ؛ به عنوان مثال، تحت تأثیر ورود افکار یزیدی به عرفان اسلامی، برخی از نمادها دچار تحول مذکور گردید؛ به این صورت که رنگ سیاه که پیش از این ، نماد ظلمت بود، به عنوان نماد نور مطرح گردید . همچنین در اثر ورود عناصر عربی به زبان و ادبیات فارسی، نمادهای عربی جانشین نمادهای ایرانی گردید؛ بنابراین ، شاهد به کار بردن سمبل های عدل عربی - اسلامی در ادب پارسی هستیم. این فرآیند که در بخش های گسترده ای از ادب پارسی و تحت تأثیر فرهنگ های بیشماری صورت پذیرفت، عامل به کارگیری برخی مصادیق در دو معنای متفاوت گردیده است که خود، عامل گسیختگی در کاربرد سمبل ها گردیده است؛ مثلاً عقل همچنان که در ادب پارسی، نماد نور است، در برخی متون نماد ظلمت نیز هست. ظاهراً این رویه، تحت تأثیر جدال فلاسفه و متکلمان ، بر عقاید مسلمانان اثر گذاشت و عقل که در پیشینه ی فکری ایرانیان، سمبل نور نخستین بود، به عنوان نماد ظلمت معرفی گردید. در این پژوهش، ضمن بررسی موارد برخورد فرهنگ ها و اندیشه ها، به تأثیر این فرآیند بر سمبل های به کار رفته در زبان فارسی پرداخته می شود.

واژگان کلیدی: نماد، برخورد فرهنگ ها، تحول نمادها، شکست سمبل ها.

* دانش آموخته ی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی.

* دانشیار بخش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سلمان فارسی.

بررسی برخی از آراء بهاء ولد در حوزه علم النفس

* دکتر محمود براتی

* سهیلا کدیوری

بهاء ولد به عنوان عارف و صوفی بزرگ اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم، بیشتر از حیث آنکه یکی از کبار مشایخ صوفیه و پدر مولانای کبیر است، مورد توجه و تحسین بوده است؛ وی با تنها کتاب بی نظیرش - معارف - که نمونه اعلائی ساده نویسی و مهارت نگارنده در آماده ساختن الفاظ برای ادای معانی لطیف و زیباست؛ و نیز بیان نکات دشوار و ظریف در لباسی جذاب و دلپذیر در حیطه ادبیات مورد توجه و مثال بوده است. پرداختن به آراء و نظریات وی در باب روح و نفس آدمی در کتب علم النفس قدیمی دیده نشده است؛ حتی امروز هم، به آراء تربیتی بهاء ولد در مورد روح و روان انسان کمتر بها داده شده است این مقال سعی کرده است؛ با توجه به نظریات و عقاید مستخرج از معارف، در این خصوص، وی را به عنوان یکی از نظریه پردازهای حوزه علم النفس اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم معرفی نماید.

کلیدواژه ها : بهاء ولد، روح، علم النفس، نظ.

* استادیار و عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه اصفهان

نقش شرایط احساسی-عاطفی در ایجاد تعامل

بین نظام گفته ای-روایی با نظام گفتمانی (با تکیه بر داستان نبرد رستم و سهراب)

اعظم برامکی*

در تفاوت دو نظام گفته ای - روایی و گفتمانی، باید گفت که ویژگی بارز هر نظام گفته ای - روایی، معناهای تثبیت شده ای است که در پی آگاهی از نقصان یا خلل معنایی به وجود می آیند و مجموعه ای از کنش ها در جهت رفع نقصان اولیه شکل می گیرند. در حالی که در نظام گفتمانی، با معناهای سیال و از پیش تعیین نشده ای روبرو هستیم که بر اساس شرایط احساسی- ادراکی و عاطفی دخیل در جریان تولید معنا، شکل می گیرند. اما چنین مرزبندی میان این دو گونه زبانی، همیشه به طور قطع و یقین ثابت نمی ماند؛ زیرا در نظام های گفته ای- روایی، گاهی نوع حضور عوامل گفته، سبب شکل گیری نوعی حضور عاطفی می شود که می تواند هر لحظه گفتمان را دستخوش تغییر قرار دهد. این گونه حضور حساسیتی را رقم می زند که سبب می شود شوشگر احساسی- ادراکی جایگزین کنشگر برنامه روایی شود. زیرا دنیای عاطفی سبب توقف دنیای کنشی یا نظام منطقی و شناختی و خروج از فرایند پویا و حرکت مداری است که با برنامه ای معین در پی وصال به هدفی مشخص است. حضور جسمانه در مرکز گفته سبب می شود تا تمام اتفاقاتی که در میدان حضور او رقم می خورد بر او تاثیر گذارد و سبب ایجاد احساس، عاطفه، هیجان و در نهایت تنش در او گردد؛ عاطفه، هیجان و تنش شوشگر، قطب های تثبیت شده معنا را در هم می ریزد و ساختار گفته ای- روایی داستان را به مرز گفتمان نزدیک می کند. در داستان نبرد رستم و سهراب " قدرت و شهرت " فراارزشی است که بنیانهای نظام ارزشی گفتمان بر اساس آن استوار است. اما حضور جسمانه و به تبع آن احساس و عاطفه و نوع ویژه رابطه بین شوشگرها، روند شکل گیری این فرا ارزش را با تنش و گسست مواجه می کند. در نتیجه برنامه روایی عامل فاعلی برای دست یابی به مفعول ارزشی یا معنا دچار تغییر می شود. در پژوهش حاضر سعی بر آن است تا فرآیند شکل گیری فرا ارزش قدرت، تعامل و تقابل شبکه در هم تنیده ارزشهای گفتمان و حرکت نظام گفته ای- روایی داستان به سمت نظام گفتمانی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و از این رهگذر به این نتیجه دست می یابد که نوع حضور شوشگرها، شرایط

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم تهران)

احساسی-عاطفی که در آن قرار دارند و هویتی که در جستجوی رسیدن به آن هستند در نزدیک گرداندن نظام گفته ای - روایی داستان به نظامی گفتمانی نقش موثری دارد.

کلید واژه ها: گفتمان، نشانه، معناشناسی، فرارزش قدرت، جسمانه، گونه های عاطفی، رستم و سهراب.

جلوه های نمادین و کهن الگویی مار و اژدها در شاهنامه

دکتر غفار برجساز*

منصوره شاه محمد میراب*

نمادها طی گذشت زمان و با شکل گیری ملیت ها و آیین های جدید ممکن است تغییر یابند و معنای تازه ای به خود گیرند. نماد مار نیز این گونه است. مار در دوره ای به عنوان نمادی مثبت، گرمی و مورد احترام بوده است ولی با ظهور دین زردشت جنبه منفی یافته و به موجودی خبیث و اهریمنی تبدیل شده است. هدف پژوهش حاضر بررسی نماد مار و جلوه های مختلف آن از جمله ارتباط آن با اهریمن در شاهنامه است. بدین منظور به شناخت ایننماد و بررسی ارتباط آن با اهریمن در اساطیر کهن پرداخته شده است. بر همین اساس و با استناد به برخی از اساطیر ایران باستان در روایات زردشتی و پهلوی و همچنین تورات و انجیل جنبه اهریمنی مار بررسی و سپس به انطباق آن در شاهنامه پرداخته شده است. تجلی این ارتباط اساطیری در برخی از ابیات شاهنامه این مطلب را روشن می سازد که داستان های شاهنامه بر اساس این روایات کهن سروده شده است. ضمن اینکه حاصل پژوهش نشانگر این است که حکیم توس درصدد آن بوده است تا این نماد طبیعی را با دیگر نمادهای فرهنگی ایرانیان و عناصر کهن الگویی آنان، همچون نبرد با اهریمن و گرامیداشت آتش به عنوان رمزی از حیات جاودان و عنصری هستی بخش پیوندی معنادار ببخشد.

واژه های کلیدی: نماد، مار، اژدها، اهریمن، شاهنامه.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شاهد

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شاهد

نوآوری های رویایی در شعر حجم

شهرام بزرگی

نعمت الله پناهی

با ظهور شعر نوی نیمایی و تثبیت آن در صحنه ی ادبیات رسمی کشور، خواه ناخواه شعر از دیدگاه های متعدد مورد بررسی قرار گرفت. تعریف شعر و اساس آن تا حال بر نظر ارسطو استوار بود تا این که بعد از مشروطه شعر از منظر منتقدان مورد بررسی قرار گرفت و حتی شاعران نیز حق خود دیدند تا خود در مورد اثر خود نظر بدهند و این بر ابهام شعر افزود. در این میان با توجه به انشعاب شعر نوی نیمایی، بعضی از شاعران سعی کردند تا معیارهایی جدید به دست دهند که یدالله رویایی یکی از آنهاست. وی پس از سال ها شاعری به همراهی چند تن از شاعران پیشرو آن زمان، وجود جریان شعری "شعرحجم" را با چاپ بیانیه ای به گوش نوجویان رساندند؛ خود رویایی در این میان، همواره به عنوان شاعری آوانگارد مطرح بوده و این را در آثارش به خوبی نشان داده است. رویایی در آثار خود آشنایی زدایی را در وسعت زیادی انجام داده و بسیاری از هنجارها را شکسته و در عوض هنجارهای جدید ایجاد کرده است در این مقاله، سعی شده است تا حد امکان نوآوری های رویایی بررسی شود.

واژگان کلیدی: شعر، کلمه، حجم، آشنایی زدایی و وزن.

بررسی منابع آموزش زبان فارسی به خارجیان و آسیب شناسی آن با تاکید بر آسیای میانه

دکتر حسن بساک*

آسیب شناسی، ساماندهی و احیای کرسی ها و امکانات و متون و مواد آموزشی زبان و ادبیات فارسی، از ضرورت های فارسی آموزی است. کتاب های فارسی آموزی موجود حتی آن دسته از متونی که برای فارسی آموزی انگلیسی زبان ها نوشته شده است؛ گاه پاسخ گوی مشکلات دانشجویان همه ملیت ها به عنوان مثال در مناطق آسیای مرکزی قزاقستان نیست. نداشتن مجموعه ی کامل و متناسب با کتب آموزشی فارسی، کتاب کار و امکانات چند رسانه ای، فرصت های زبان آموزی را در آن دیار سلب خواهد کرد. تجدید نظر اساسی در کتابهای فارسی آموزی به ایرانیان مقیم خارج و خارجیان فارسی دوست، آنهم به صورت یک کارگروهی و سازمان یافته با مشارکت وسیع نهادهای دست اندر کار، ضرورت اجتناب ناپذیر است. از میان ضعفها و مشکلات فارسی آموزی، ضعف در بخش آموزش فارسی گفتاری است به طوری که فارغ التحصیلان زبان فارسی و بعضی از استادان زبان و ادبیات فارسی از کشورهای آسیای میانه - بجز تاجیکستان که این مشکل کمتر است - هندوستان، بنگلادش و... به خوبی نمیتوانند به فارسی صحبت کنند و یا بنویسند و گاه رساله و پژوهش های ادبی را به زبان انگلیسی می نویسند. بنابراین ریشه بسیاری از این مشکلات در زبان آموزی، به منابع درسی، متون و مواد آموزشی و برخی نیز به شیوه های آموزش زبان فارسی بر می گردد. به اعتقاد نگارنده، رفع موانع و پرکردن خلا های موجود تنها با تقویت کرسیهای زبان فارسی در دانشگاههای خارج با تاکید بر کلاسهای دانش افزایی برای فارسی آموختگان به همراه استفاده از امکانات و شیوه های نوین آموزش از راه دور و امکانات نرم افزاری و چند رسانه ای و نیز حمایت از پژوهشهای فارسی آموزی به خارجیان از طریق پژوهش های کاربردی و سازمان یافته در دانشگاههای داخل نظیر رساله های کارشناسی ارشد و دکتری، تحقق می یابد.

کلید واژه ها: آسیب شناسی، فارسی آموزی، نقد و بررسی، منابع آموزشی، تکنولوژی آموزشی، امکانات چندرسانه ای.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور مشهد

نقد داستان سیاوش بر اساس نظریات نورتروپ فرای در نقد تاریخی

*دکتر محمود بشیری

*ندا حاج نوروزی

تشخیص نوع ادبی هر اثر، گامی اساسی در نقد آن به شمار می رود، زیرا در برخورد با آثار ادبی به شیوه ای نقادانه نیازمندیم که آن ها را، به شیوه ای علمی، در گروه هایی محدود تر دسته بندی کنیم. نظریاتی که نورتروپ فرای در کتاب "تحلیل نقد" در چهار مقاله تاریخی، اخلاقی، آرکی تایی و بلاغی خود در این زمینه ارائه می دهد، می تواند در نقد متون ادبی گوناگون مؤثر واقع شود. در این مقاله تلاش کرده ایم به بررسی داستان سیاوش از شاهنامه فردوسی بر اساس برخی دیدگاه های فرای بپردازیم. به این منظور نخستین مقاله از چهار مقاله او را که به نقد تاریخی اختصاص دارد، در نظر گرفته ایم و ضمن معرفی مختصر نقد تاریخی از منظر فرای، شیوه کاربرد آن را در تحلیل یک متن ادبی نشان داده ایم.

کلیدواژه ها: نوع ادبی، اسطوره، رمانس، تراژیک، کمیک، روایت مدار، مضمون مدار

* دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی

شهبانوی عشق

(بررسی شخصیت شیرین بنابر نظریات روایت‌شناسی در منظومه خسرو و شیرین نظامی)

* نوشین بهرامی‌پور

* علی محمدی

یکی از ارمان‌های روش ساختگرایی برای ادبیات، روایت‌شناسی است. روایت‌شناسی به منتقد یاری می‌رساند تا با بررسی نقش هر کارکرد و کنش در ساختار روایت، داستان‌های گوناگون را در دو سطح داستان و کلام تحلیل کند. تحلیل شخصیت‌ها در داستان، نشان می‌دهد که چه روابط متقابلی بین عملکرد شخصیت‌ها و سیر روایی وجود دارد. در داستان خسرو و شیرین از نظامی گنجوی جایگاه شخصیت شیرین قابل توجه است. نظریه‌های روایت‌شناسی این امکان را فراهم می‌آورد که تأثیرات متقابل اعمال شیرین و پیرنگ داستان بررسی شود. در سطح کلام روایت از منظر تحلیل گفتمان می‌توان موقعیت نظامی را به عنوان راوی مشخص کرد و دیدگاه او را نسبت به شخصیت شیرین مورد تحلیل قرار داد تا در سطحی فراگیرتر از نگرش او نسبت به زن آرمانی ایرانی آگاهی یافت.

کلیدواژه‌ها: روایت خسرو و شیرین، شخصیت داستانی، نظامی، کلام.

* دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

* دانشیار دانشگاه بوعلی سینا

تحلیل محتوایی شکوائیه در قصاید خاقانی

دکتر محمد بهنام فر*

سیده سمیه موسوی فرد*

تحلیل محتوای اشعار شاعران و آشنایی با مبانی فکری و اندیشه های آنها از مباحث مهم در پژوهش های ادبی است. قرن ششم یکی از دوران های پرتلاطم تاریخ ایران است. از موضوعات بسیار مهم در شعر این قرن که آن را از شعر دوره های پیشین متمایز می سازد شکوه و شکایت است. خاقانی، از شاعران برجسته ی این دوره، شکوائیه هایی در زمینه های مختلف شخصی، فلسفی، اجتماعی و سیاسی سروده است. نگارندگان در این مقاله کوشیده اند تا به شیوه تحلیل محتوا شکوائیه ها و مضامین مرتبط با آن را مورد بحث و تحلیل قرار دهند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که نمود محسوس روح پریشان شاعر در قصاید ویدر بیان سوز و گدازهای شخصی شکل پیدا می کند. نمونه ی بارز این شکوائیه ها ناله از پیری، ضعف و ناتوانی، خواری و بی کسی، نداری، سوگ عزیزان، بی قدری اهل فضل و هنر و موضوعاتی نظیر اینهاست. خاقانی همچنین در شکوائیه های فلسفی خود به شکایت از فلک، بخت و دنیا و در شکوائیه های اجتماعی اش به شکایت از دشمنان و حاسدان و بی توجهی مردم روزگار به اهل خرد و اندیشه می پردازد. مهم ترین مضامینی که همراه شکوائیه ها در قصاید خاقانی آمده، می توان به مفاخره، مدح پیامبر(ص) و ممدوح شاعر، بیان امیدها و آرزوها و گاه ناامیدی از زندگی، اشاره کرد.

کلید واژه ها: خاقانی، قصاید خاقانی، شکوائیه، انواع ادبی

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند

صاحب دل در مثنوی

دکتر محمد بهنام فر*

صدیقه رستمی*

از آن جاکه مولوی خود ، عارف صاحب دلی است که هدفش از سرودن مثنوی رهایی و وارستگی انسان های سرگشته از قید تعلقات می باشد ، در این پژوهش به بررسی مقام و جایگاه صاحب دل (اهل دل) در مثنوی که از نظر او همان انسان کامل و اهل معنا و باطن اند که به مقام معرفت الهی دست یافته اند ، ضمن بیان دیدگاه های سایر عارفان پرداخته شده است. این پژوهش به روش توصیفی و شیوه تحلیل محتوا انجام شده است و نتایج تحقیق حاکی از آن است که مولانا صاحب دلان را انسان هایی می داند که نگرش عقل آنان تا نفخ صور و برپایی رستاخیز و فراتر از عالم ماده و زمان و مکان است. او همچنین تنها جویندگان علم راه حق را ، صاحب دلان می داند که از رازها و اسرار آگاهی دارند و قادر به درک و احساس نطق آب و خاک و گل هستند. مولوی تنها شرط تبدیل سنگ وجودی را به گوهر معنا رسیدن به عارفان صاحب دل و همنشینی با آنان می شناسد و روح آدمی را گوهری می داند که فقط اهل معرفت و صاحب دلان قادر به شناخت آن می باشند.

کلید واژه ها: مولوی ، مثنوی معنوی ، صاحب دل ، اهل دل.

* استادیار دانشگاه بیرجند

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

نقش "ترجمه و مترجمان" به عنوان عامل های موثر در پیشبرد ادبیات تطبیقی در حوزه ی نمایشنامه

فاطمه بیات فر*

"ترجمه" را می توان از راه های پیشرفت و تقابل فرهنگی و ادبی دانست و نمی توان نقش ملموس آن را در حیطه ی ادبیات تطبیقی نادیده گرفت. نهضت ترجمه در ایران، همزمان با تاسیس مدرسه دارالفنون به وجود آمد و اوضاع این دوره باعث شد که علاوه بر ترجمه ی آثار علمی و فنی، گروهی به ترجمه ی آثار ادبی روی بیاورند. در این دوره بود که هنرمندان ما با "نمایشنامه" به عنوان یک نوع ادبی آشنا شدند، هرچند از قبل، در میان ایرانیان آثار نمایش گونه ای چون (تعزیه، خیمه شب بازی، نمایش تخت حوضی، سیاه بازی و...) وجود داشت. در این دوره از راه آشنایی با نمایشنامه های غربی، به ساختار نظامند نمایشنامه به عنوان صحنه ای برای بیان مسائل سیاسی اجتماعی روزگارشان دست یافتند. در این مقاله، کوشش بر آن است که تا با سیری اجمالی در حوزه ی نمایشنامه نویسی در دوره ی مشروطه و پهلوی، به بررسی نوع ترجمه و نیز توان مترجم در ترجمه ی نمایشنامه های اروپایی پردازیم. ابتدا درباره ی "نوع ترجمه" از نمایشنامه های غربی سخن می گوئیم و سپس به بررسی نقش مترجم؛ (سبک مترجم، خطاهای مترجم، شگردهای او جهت ارائه ی ترجمه مورد پسند مخاطب و...) در پیشبرد این "نوع" ادبی، در ایران می پردازیم.

کلید واژه ها: نمایشنامه، ترجمه، مترجم، ادبیات تطبیقی.

* دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات تطبیقی دانشگاه علامه طباطبایی

کارکردها و نمودهای شراب در شعر حافظ

رضا بیات*

یکی از اصلی ترین مفاهیم شعر حافظ شراب و حوزه ی معنایی مربوط به آن است. شارحانی بر این باورند که حافظ به راستی شراب می نوشیده و در مقابل جمع کثیری از شارحان، شراب او را کنایی و دارای مفاهیم عالی عرفانی دانسته اند. اما نوع بررسی ها از این فراتر نرفته و بسیار کم به این نکته توجه کرده اند که شراب در دیوان حافظ، هم معانی گونه گونی دارد و هم کارکردهای متنوعی. تنها چند تحقیق در این زمینه انجام شده که آنها هم به هیچ وجه حق مطلب را چنان که باید ادا نکرده اند. در این مقاله ابیات مرتبط با شراب در غزلیات حافظ احصا و سپس مضامین این ابیات استخراج شده است. حدود یک چهارم ابیات حافظ شراب آلودند که ۱۶۲ کارکرد گوناگون را به نمایش در می آورند. در مرحله ی بعد این مضامین پرشمار در ۱۷ گروه اصلی دسته بندی شده و نهایتاً آمارها و نمودارهای فراوانی کارکردهای مختلف شراب در دیوان حافظ به دست داده شده است.

کلیدواژه ها: شراب، حافظ، مضامین خمیری، تحلیل محتوایی، طبقه بندی موضوعی، تحلیل آماری.

موجودات وهمی در شاهنامه

گل بیاتی*

در مقاله حاضر به معرفی موجودات وهمی و شگفت‌انگیز در شاهنامه پرداخته شده است. فردوسی از موجوداتی سخن می‌گوید که برای ما موهوم و ناشناخته‌اند. شاهنامه در مقام اسطوره‌ای و افسانه‌ای از موجودات شگفت‌انگیز و انسان‌هایی با قدرت‌های خارق‌العاده سخن می‌گوید که گاهی به عنوان قهرمان و شخصیت اصلی داستان مطرح و معرفی می‌شود. موجودات شاهنامه را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: الف) حیواناتی با صفات خارق‌العاده: اسب‌هایی چون رخس و شبرنگ بهزاد، ماران برآمده بر دوش ضحاک و کرم هفتواد... ب) موجوداتی کاملاً وهمی و ناشناخته‌اند. ج) انسان‌هایی با خصوصیات عجیب و باورنکردنی مانند گوش‌بستر.

کلیدواژه‌ها: اسطوره، وهم، موجودات وهمی، چهره‌های اهریمنی و وهمی، پیکرگردانی.

تحلیل جامعه شناختی رمان باغ بلور اثر محسن مخملباف

فاطمه بیرانوند*

هر اثر ادبی به عنوان بخشی از فرهنگ یک ملت در چارچوب و محیطی اجتماعی تحقق می یابد و می توان با بررسی رابطه آن با جامعه، تأثیر متقابل آن دو را با استفاده از شواهد موجود در اثر هنری گردآوری کرد. آثار ادبی با ساختار اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، و اقتصادی جوامع و تحولات ناشی از آن‌ها ارتباطی متقابل دارند و می توان با بررسی دیدگاه های جامعه شناختی مطرح در آن‌ها به شناخت اجتماع نایل آمد. از میان شاخه های متنوع ادبیات، ادبیات داستانی از جایگاه ویژه ای برخوردار است، زی را سیمای واقعی جامعه را منعکس می کند و بدون هیچ واسطه ای مخاطب را از واقعیات موجود در جامعه مطلع می سازد. رمان به عنوان زیر مجموعه ی ادبیات داستانی، نقش مؤثری در بازنمایی حیات اجتماعی ملت‌ها دارد. لذا این پژوهش با استناد به چنین دریافتی این پیشنهاد را مطرح می کند که رمان با توجه به ظرفیت هایش می تواند بستری برای درک بهتر جامعه باشد. از این جهت می کوشد با بررسی شاخصه های اجتماعی مطرح در رمان باغ بلور اثر محسن مخملباف، جلوه های مختلف جامعه از منظر رمان را معرفی کند تا دستاورد های آن در شناخت ابعاد جامعه و بازتاب آن در رمان آشکار گردد. آن چه در این اثر مطرح شده، تصاویری از جلوه های گوناگون زندگی اجتماعی مردم در بستر دوران جنگ تحمیلی است. از یافته های تحقیق می توان نتیجه گرفت که بررسی دیدگاه های جامعه شناختی در آثار داستانی تا حدودی آگاهی های بیشتری درباره ی جامعه در اختیار پژوهشگر قرار می دهد تا به شناخت بهتر اجتماع نایل آید.

کلید واژه ها: ادبیات داستانی، جامعه شناسی ادبیات، رمان، باغ بلور، محسن مخملباف.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

وطن، ممدوح و معشوق شعرای عصر بیداری ایران، افغانستان و تاجیکستان

محمد بیرانوندی*

درخشش سروده های آبدار روستا زاده ی سمرقندی (رودکی) بر تارک تاریخ ادبیات فارسی، نقل حکیمانه ی شکوه و عظمت ایران و ایرانی از زبان نجیب زاده ی توس ابوالقاسم فردوسی، شعر لطیف و حریروار فرخی سیستانی در دربار امیر چغانی، مناجات های لطیف و آهنگین و آراسته به شعر پیر هرات، سرود فارسی ملوانان چینی به روایت ابن بطوطه، نعره های مستانه ی مولانا از دیار قونیه، نازک اندیشی های بیدل دهلوی و دیگر نایقان و حاملان قند پارسی به هند و بنگاله، فرمانروایی و اعجاز سخن سعدی و حافظ در ملک فارس، همه و همه حکایت از وسعت حوزه ی نفوذ و گسترش و همچنین عظمت و شکوه پیشینه ی زبان و ادب فارسی دارند. متأسفانه برخی از این شاخه های شاداب و سرسبز به علت ظهور آفت استعمار و سایر تحولات جهانی در ساختار و واژگان کاملاً دگرگون شدند و برخی دیگر نیز به حکم تقدیر راه جدایی در پیش گرفتند بطوریکه حتی دو جریان ادبی باقی مانده ی آن یعنی فارسی دری (فارسی رایج افغانستان) و تاجیکی (فارسی رایج در ماوراء النهر) در برهه ای از زمان، حیات ادبی جداگانه ای را برای خود رقم زدند. سقوط نادر شاه افشار باعث شد افغانستان در سال ۱۷۴۷ میلادی به استقلال برسد و حیات سیاسی خود را با پادشاهی احمد شاه درانی ادامه دهد. تعاملات ادبی افغانستان با ایران از این زمان به بعد، روز به روز به حد اقل ممکن خود می رسید و بعضی مواقع نیز بطور کلی قطع می شد. بسیاری از پژوهشگران بر این باورند چون بعد از سده ی شانزدهم میلادی اختلاف های مذهبی میان ایران و فرارود بالا گرفت و مرزهای جغرافیایی از یکدیگر جدا شدند، کم کم ارتباطات سیاسی، اقتصادی و.. نیز به سستی گرائید و حیات فرهنگی این سرزمینها استقلال پیدا کرد. ادبیات آسیای مرکزی (تاجیک) نیز به همت شعرای آن دیار به عنوان شاخه ای مجزا از ادبیات فارسی راه تازه ای را در پیش گرفت. در نیمه ی دوم قرن نوزدهم و اوایل قرن بیست روشنفکران کشورهای ایران، افغانستان و آسیای مرکزی همگام با سایر کشورهای منطقه به تبعیت از تحولات جهانی در مسیر نو شدن قرار گرفتند. فعالیت های روشنگران ایران در این برهه از زمان منجر به انقلاب مشروطه شد و مردم افغانستان نیز در این زمان نهضت های مشروطیت اول و دوم را تجربه کردند و تلاش های مردم کشورهای آسیای مرکزی نیز موجب پیدایش نهضت معارف پروری و متعاقباً جدیدیه و در نهایت

* دکترای زبان و ادبیات فارسی و تاجیکی

انقلاب خلقی بخارا شد. در کنار هر یک از این تحولات سیاسی - اجتماعی شاعران هر کشور به عنوان عنصری فعال شعر را به شمشیری مبدل کردند و در خط مقدم این فعالیت ها قرار گرفتند. ادبیات به ویژه شعر این روزگار در ایران به شعر بیداری (مشروطه)، در افغانستان به شعر مشروطیت و در تاجیکستان به شعر جدیدیه معروف شدند. شعرای این سرزمینها علی رغم ضعف و یا در بعضی مواقع قطع ارتباطات در آثار عصر انقلابی خود از موضوعات و مفاهیم مشترکی استفاده کرده اند. وطن از جمله موضوعاتی است که در شعر بیداری ایران، مشروطیت افغانستان و جدیدیه تاجیکستان قابل مقایسه و مطابقت است که در این مقاله سعی شده مفهوم وطن در شعر شعرای سه کشور مورد مقایسه و مطابقت قرار گیرد.

کلید واژه ها: ادبیات بیداری، ادبیات جدیدیه، ادبیات مشروطیت، نهضت معارف پروری، وطن در معنای جدید.

انعکاس تعلیم و تربیت به شیوه ی نوین (مدرسه ودانشگاه) در شعر شعرای مشروطه ایران، افغانستان وجدیدیه تاجیکستان

محمد بیرانوندی*

در عصر نوزده میلادی جای خالی، مکاتب، مدارس، دانشگاه ها ومراکز دستیابی به تعلیم و تربیت نوین در ایران، آسیای مرکزی وافغانستان کاملاً معلوم ومشهود است که روشنفکران وترقی خواهان ضمن احساس ودرک این نیازرفع آن را با تمام وجود پیگیری می کردند. وبر همین اساس باید گفت تحولات مشروطه ی ایران،افغانستان وجدیدیه آسیای مرکزی پدیده هایی فرهنگی -سیاسی بودند که بر اثر آشنایی مردم این ممالک با توسعه وترقی کشورهای غربی اتفاق افتادند. کشورهای آسیایی نخواستند خود را با الگوپذیری از تحولات جهانی به کمک صنعت چاپ،انتشار نشریات وراه اندازی مدارس و مراکز تعلیم و تربیت نوین آغاز نمودند.اعزام محصل به خارج وهمچنین راه اندازی دارالفنون ومراکز جدید آموزشی از اقداماتی بودند که در ایران با موافقت وهمت دولتمردان راه اندازی شدند.عدم استقبال دختران وخانواده های آنان از آموزش به ویژه به شیوه ی نوین وکهنه بودن محتوای مواد درسی از جمله مشکلات ومعضلات نظام آموزشی ایران در عصر مشروطه بودند.شعرا به عنوان عناصر فعال پیش برنده ی انقلاب،این مسائل را در شعر خود منعکس نموده اند:

وطن افتاده به گرداب وجز به کشتی علم محال باشد جز بر شما نجات وطن

چو دختران وطن علم و دانش آموزند شوند از اثر دانش امهات وطن

بعد از مرگ عبدالرحمان خان حاکم جبار افغانستان فرزنداو به نام حبیب الله خان بر تخت شاهی نشست وبرای اولین باردرسال ۱۹۰۳میلادی سنگ بنای مدارس جدید را در افغانستان بنا نهاد. دیری نپاییدکه همین حاکم، تعلیم و تربیت نوین را در راستای حفظ قدرت خود ندید وبطور جدی به مخالفت با آن برخاست.شعرای افغان وضعیت های مختلف تعلیم و تربیت رادر شعر خود منعکس کرده اند. در آسیای مرکزی نیز وجه تسمیه نهضت های «معارف پروری»و«جدیدیه» هر دو به موضوع تعلیم و تربیت نوین بر می گردد وبه کسانی که مخالف مکتب های قدیم و طرفدار مدارس جدید بودند جدیدیه می گفتند.

* دکترای زبان وادبیات فارسی وتاجیکی

ملاها و حکومت هر دوازده مخالفین اصلی آموزش نوین بودند. شعرا مبلغان اصلی جدیدیه بودند و این نیاز جامعه را با تمام وجود فریاد می زدند:

زهی طریق جدید مقدس راه اصول جدید	پی وصول مقاصد چو سعی راه، حدید
ز حسن تربیتش در تمام یک دو ماه	ذکا و حدس فزاید به کودکان بلید
مگو جدید و مکن احتراز از درسش	که دلستان قدیم است در لباس جدید
ریاست است مراد و حکومت انشایی	وگرنه مقاصد چیست ز زجر و منع جدید

در این مقاله سعی شده مشترکات شعر شعرای سه کشور (ایران، افغانستان و تاجیکستان) را در موضوع تعلیم و تربیت با یکدیگر مقایسه کنیم.

کلید واژه ها : معارف پروری، جدیدیه، مشروطیت، دارالفنون، مکتب، مدرسه.

بررسی اهمیت و نقش زبان و ادب فارسی در گسترش اتحاد و همدلی میان طبقات گوناگون مردم ایران

محمد رضا بیرنگ

در این نوشتار، تلاش شده است تا از چهار پنجره، اهمیت و نقش ادب فارسی در گسترش اتحاد در میان مردم نشان داده شود. یکی از این چهار، زمانی است که ایران در مرحله «گذار» قرار داشت که همانا دو قرن ادامه یافت؛ پس از این مرحله است که زبان و ادب فارسی، نخستین بارقه‌های امید را در ایجاد یکدلی و اتحاد میان مردم شعله‌ور می‌کند که بخش معتنا بهی از این وظیفه را «ادبیات حماسی» سرزمین ما به‌دوش می‌کشد. دومین پنجره‌ای که زبان و ادب فارسی در جهت استقرار اتحاد میان مردم گشود، زمانی بود که تاریخ از آن با عنوان «انقلاب مشروطه» یاد می‌کند و ما در این مقاله، موضوع آن را نیز بررسی کرده‌ایم. هم‌چنین، این موضوع که شاعران ایرانی همواره از نظر اقلیمی در شرایطی قرار داشته‌اند که امروزه مدعیان دیگری _ و از سرزمین دیگری _ یافته‌اند نیز _ به‌عنوان یک جهت مستقل _ مورد بررسی این نوشتار قرار گرفته و نشان داده شده که ادعای موصوف، در نهایت به اتحاد مردم منجر شده است؛ بخش پایانی مقاله حاضر، جایگاه زبان و ادب فارسی را در پیروزی انقلاب اسلامی بررسی کرده است.

کلید واژه ها: زبان و ادب فارسی، ادبیات حماسی، وحدت و یکدلی، ادبیات مشروطه، ادبیات معاصر.

اتاق شماره ۶ در خانه آخر

اعظم بیژنی دلیوند*

پیرامون آثار متعدد محمود دولت‌آبادی بررسی‌های فراوانی صورت گرفته و امروزه کمتر کسی است که شاهکار او کلیدر یا جای خالی سلوچ را نخوانده باشد. در این مقاله برآنیم به بررسی اثری متفاوت از او (متفاوت از منظر ژانر ادبی) بپردازیم. موضوع حول محور تغییر و بازآفرینی دولت‌آبادی از اتاق شماره ۶ چخوف تحت عنوان خانه آخر است. البته نگارنده بدین مسأله توجه دارد که بین متن داستانی و زبان نمایش نامه سبا توجه به ظرفیت‌ها و توصیفات که لازمه اجرای نمایش‌نامه‌ای است - تفاوت وجود دارد اما بازتاب متن پس از پرورده شدن در ذهن دولت‌آبادی اثری در خور تحسین به وجود آورده است. جملات عمدتاً کوتاه خبری - که گویا مشخصه اصلی سبک خراسانی است) کاربرد لغاتی که بعضاً تنها در فرهنگ ایرانی معنا دارد و... خواننده را با اثری بعضاً متفاوت از نوشته چخوف روبرو می‌سازد.

کلید واژه ها: داستان، نمایش‌نامه.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

مشخصه های غزل گفتار گرای معاصر

دکتر خلیل بیگ زاده *

ماندانا کمرخانی *

شعر با ایجاد فضای گفتاری توان و تنوع تازه ای می یابد؛ چون استفاده از زبان گفتار یکی از روش های تنوع بخشی به شعر است. کاربرد افراطی زبان گفتار در غزل برخی از شعرای معاصر، موجب پیدایش غزل گفتارگرا شد؛ چنان که غزل گفتارگرا به عنوان شاخه ای از جریان گفتارگرایی با پیکره و محتوایی گفتارین و قالبی سنتی یا نیمایی نمودی دیگر از شعر معاصر است. مضامینی منحصر به فرد با استفاده از کلمات و اسم های معمولی و روزمره در غزل گفتار خلق می شود که احساس خاصی را در مخاطب برجای می نهد؛ حسی که معنی را چنان در خود جذب کرده که تفکیک آن دو از یکدیگر مشکل است. تعریف غزل گفتارگرا و مشخصه های آن از قبیل حقیقت نمایی روابط میان عاشق و معشوق، ارائه احساسات و فضاهاى عاشقانه با توجیهاى عقلانی، حضور واژگان گویشی، زبان شکسته و روزمره گویی، ورود الفاظ و تعبیری به غزل که با صمیمیت و ظرافت آن تناسب ندارد، کیفیت تحول گفتگو در غزل گفتار، دیگر گونی مضامین غزل و نمود پررنگ قواعد مکتب و اسوخت در آن، شرح عواطف و احساسات با لحنی مادرانه و مردد با تکیه بر فرهنگ عمومی و افکار خرافاتی در پروراندن غزل محور اصلی این پژوهش است. این مؤلفه ها بر اساس توصیف و تحلیل درون ساختی و روساختی زبان گفتار معرفی و تحلیل شده اند که دستاوردهای آن عبارت از معرفی انواع غزل معاصر، تعریف غزل گفتار، تبیین ویژگی ها و مشخصه های آن و نیز عملکرد واژگان در بستر غزل گفتارگرا می باشد.

کلید واژه ها: غزل گفتارگرا، شعر گفتارگرا، گفتارگرایی و شعر معاصر.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی

* کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

پژواک خاموشی مولوی در مثنوی معنوی

دکتر خلیل بیگزاده

عارفان و حکیمان همواره آفت زبان را در آثار عرفانی و اخلاقی گوش زد کرده و سالکان راه معرفت و حقیقت را به سنجیده سخن گفتن، کم گویی و سرانجام خاموشی توصیه کرده اند. مولوی علیرغم توانایی اش در سخن و گفتار برای بیان مفاهیم ذهنی بر گفتار صرف تکیه نمی کند؛ زیرا گستره اندیشه‌ی او چنان است که زبان گفتار یارای بیان آن را ندارد. بنابراین او خاموشی را در مثنوی معنوی برگزیده است؛ چنان که خاموشی و دعوت به آن از ویژگی های سبکی شعر او شده است. این پژوهش پژواک خاموشی مولوی را در مثنوی معنوی بررسی و تحلیل کرده و نشان داده است که دلایل روی آوردن و دعوت مولوی به خاموشی در مثنوی معنوی عبارت از حضور شمس تبریزی در زندگی مولوی و تاثیرش در شکل گیری اندیشه‌ی او، زیان زبان، خاموشی مرید در برابر مراد، رازپوشی، خاموشی در برابر ناهلان و نامحرمان، خاموشی در عشق، خاموشی برای استجاب دعا، خاموشی در مقام فنا و کشف و شهود می باشد.

واژگان کلیدی: مولوی، مثنوی معنوی، خاموشی مولوی، تخلص مولوی

اقوام و لهجه های ایرانی و نقش زبان فارسی در پیوند اقوام با تکیه بر هویت ملی

صبا بیوک زاده*

هیچ ملتی بی نیاز از داشتن هویت ملی نیست. برای شناخت ملیت و هویت ملی هر جامعه ای، ابتدا باید عناصر تشکیل دهنده آن را باز شناسیم، مهمترین این شاخصه زبان است. اشتراک زبان در میان جمعی از انسان ها موجب رشد ارتباط میان آنان و در نتیجه تولید مفاهیم مشترک می شود که این خود در ایجاد هم بستگی اجتماعی بسیار موثر است؛ به عبارتی می توان گفت بدون وجود زبان مشترک، هیچ جمعی از انسان ها تشکیل نخواهد شد. در میان مردم ایران از دیر باز تا امروز و به ویژه در عصر حاضر، زبان فارسی چنین نقشی را ایفا کرده است. این زبان به خاطر توانمندی های ممتاز خود توانسته است فراتر از زبان های قومی و محلی موجود، نه تنها به عنوان محور فرهنگ و تمدن ایرانی، بلکه به عنوان عامل وحدت بخش مردم ایران، در طی قرن های متمادی ایفای نقش کند. البته باید دانست که از آغاز مشروطه و با گسترش کار نویسندگان و اهل قلم، به ویژه با تأسیس مدارس جدید و گسترش سواد عمومی، نقش زبان فارسی، برجستگی خاصی یافته و امروزه به طور مسلم، جزئی انفکاک ناپذیر از هویت ملی ایرانیان شده است. زبان فارسی مهمترین عنصر هویتی ما ایرانیان است، چون هر عنصر دیگری که بخواهد خود را به عنوان یک عنصر مهم معرفی کند، باید از طریق این زبان کارش را انجام دهد.

کلید واژه: زبان فارسی، اقوام ایرانی، لهجه ها و گویش ها، پیوند اقوام.

* فوق لیسانس زبان و ادبیات فارسی مدرس دانشگاه پیام نور و علمی کاربردی

کاربرد مولفه‌های غنایی در توصیف شخصیت‌های منظومه خسرو و شیرین

دکتر شمسی پارسا *

مولفه‌های غنایی در شکل‌گیری شخصیت‌های غنایی منظومه خسرو و شیرین نظامی نقش بسزایی دارد. این نوشتار قصد بررسی کاربرد این مؤلفه‌ها را در منظومه مذکور دارد. در این بررسی انواع مؤلفه‌ها گردآوری سپس طبقه بندی شد و سرانجام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد مؤلفه‌های غنایی به دو دسته ظاهری و معنوی قابل تقسیم‌اند. در این منظومه بالاترین بسامد را مؤلفه‌های غنایی ظاهری دارا هستند که از این میان مؤلفه رخ و متعلقات آن چون زلف، لب و دهان، قامت و قد بالاترین بسامد را دارند. در بین مؤلفه‌های معنوی نیز ملاحظت و دلبری از بسامد بالایی برخوردار است. برخی از این مؤلفه‌ها فقط در توصیف شخصیت زنانه کاربرد داشته‌اند و برخی مؤلفه‌ها چون رخ، چشم و قامت در توصیف هر دو شخصیت غنایی به کار رفته‌اند. در مجموع بسامد بالای مؤلفه‌های ظاهری مخصوصاً رخ و متعلقات آن نشان می‌دهد که نقش این مؤلفه‌ها متناسب با آغاز پیدایش عشق است که از رهگذر دیدار صورت زیبای معشوق در عالم بیداری یا رویا و یا توصیف صورت وی به وسیله یک راوی پدید آمده است.

کلیدواژه‌ها: مولفه‌های غنایی، توصیف، شخصیت، نظامی گنجوی، خسرو و شیرین.

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد سمنان

بررسی جایگاه سازماندهی در نصیحت الملوک سعدی شیرازی

کامران پاشایی فخری*

ایران و ایرانی در طول تاریخ با فرهنگ نظم، رافت، تقسیم کار و تکلیف آمیختگی جدایی ناپذیر داشته‌اند. دلبستگی شدید مردم این کهن سرزمین به اصول انسانی و برمان‌های (مواریث) آن، والایی و مانایی را در این آب و خاک تثبیت کرده‌اند. موج فرهنگ ایرانی در قالب آیین‌های اداری و مدیریتی، آداب و رسوم، بیانگر نگرش عمیق فرهیختگان ساکن این سرزمین برای کسب سعادت واقعی بوده‌اند. در این مقاله، یکی از جلوه‌های مهم مدیریت (سازماندهی) در اثر گران‌قدر سعدی (نصیحت‌الملوک) مورد بررسی قرار گرفته است تا دیدگاه‌های ژرف این اندیشه‌مند ادب فارسی بیش از پیش به بحث گذارده شود تا شاید نتایج حاصل از آن در اصلاح رفتارهای مدیریتی جامعه‌ی بشری مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: سازماندهی، نظم، مدیریت، سعدی، ادبیات فارسی.

* (استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز)

الگوهای زایای واژه سازی (ساخت های زبانی) در مثنوی و ابداعات هنری مولانا از ظرفیت این الگوها

محمد پاک نهاد*

دستور نویسان و زبان شناسان روند شکل گیری واژه ها را به انحاء مختلف توضیح می دهند یکی از این الگوهای واژه سازی، استفاده از ستاک حال (بن مضارع) است که در ساختمان کلمات مرکب وجود دارد این ستاک حال، گاه بر اثر تکرار زیاد در واژگان مختلف در حکم پسوند به شمار می آید. اگر چه بسیاری از تکواژهای لغوی آزاد نیز می توانند این نقش را ایفا نمایند یعنی بر اثر تکرار، خصلت آزاد بودن را از دست می دهند و تبدیل به پسوند می شوند که می توان آن ها را شبه پسوند به حساب آورد. الگوی دیگر، ترکیباتی است که اجزاء آنها با حرف عطف « واو » به هم معطوف می شوند اجزای این ترکیبات ممکن است با همدیگر تناسب و روابطی مثل ترادف و تقابل و یا مناسبات صوتی داشته باشند مولانا از این ظرفیت های بالقوه ی واژه سازی استفاده می نماید و واژگان هنری بی شماری را ابداع می نماید. در پایان باید گفت این بخشی از هنر مولانا در ساخت های زبانی است. حتی موارد مذکور چند الگوی واژه سازی بیش نیست. موارد دیگری نیز در دست تهیه می باشد که بر اساس تقسیم بندی دکتر ایران کلباسی در کتاب ساخت اشتقاقی واژه قابل تقسیم بندی می باشد. از جمله واژگان مرکب می توان به مرکب پیوندی، جمله گونه، پیش وابسته ای، اضافه ای، حرف ندا دار، اتباع و..... اشاره نمود. که در مجال دیگر عرضه خواهد شد.

کلید واژه ها: واژه سازی، ستاک حال، تکواژ و سازه، نیمه کلمه، شبه پسوند، ترکیب، ابداع، مثنوی

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ایهام ساختاری در شعر حافظ

زهرا پاکدامن*

ایهام یکی از آرایه‌های بدیعی است که کاربرد هنری آن موجب برجسته سازی کلام می‌شود. بسامد بالای این آرایه در دیوان حافظ نشان‌دهنده‌ی علاقه‌ی او به بازی با گونه‌های متنوع این آرایه است. ایهام ساختاری (نوشتاری) یکی از انواع ایهام‌های مورد استفاده‌ی حافظ است. ایهام ساختاری: «آنجا است که واژه یا عبارتی را بتوان به چندگونه درست خواند و از هر خواندن معنایی برداشت، گاه واژه‌ای را می‌توان با تغییر تکیه دوگونه خواند تا دو معنی متفاوت از آن برآید.» (راستگو، ۱۳۷۰: ۵۲) این مقاله در پی آن است تا با بررسی ایهام ساختاری در نود غزل از دیوان حافظ جلوه‌های این آرایه و چگونگی استفاده‌ی هنرمندانه از آن را مورد نقد و تحلیل زیبایی‌شناسانه قرار دهد.

کلید واژه ها: حافظ، بدیع، ایهام، ایهام ساختاری.

* کارشناس ارشد ادبیات فارسی مدرس دانشگاه آزاد داریون استان فارس

تصحیح چند بیت از آثار عطار نیشابوری

دکتر مهری پاکزاد*

دکتر خاورقربانی*

یکی از مهمترین عواملی که سبب آشفتگی نسخه ها و بالتبع ابهام معنایی در متون نظم و نثر ادبی شده است، استعمال واژه های دیرینه و ناآشنای زبانی در آثار شعرا و نویسندگان است بالاخص زمانی که این واژگان در دست ناسخان بدون توجه به نقش معنایی و ارتباط زنجیره‌ای در سطوح کلی‌تر تبدیل به واژه های مستعمل و روزمره می‌گردند، این ابهام برجسته‌تر است. شاهد این سخن تصحیف واژه «براستاد» در ابیاتی از اسرار نامه و الهی نامه به واژه های «پُراستاد» و «اُستاد» می‌باشد که موضوع این مقاله است. بخش نخست این مقاله به کاربرد این واژه در متون کهن، بررسی و تصحیح این واژه اختصاص دارد و بخش دوم آن بررسی بیتی از مصیبت نامه و پیشنهاد نوعی حرکت در زمینه تصحیح متون باارزش ادب فارسی است که با عنوان بهسازی مطرح شده است.

کلید واژه ها: عطار، تصحیح، تصحیف، پراستاد، براستاد

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مهاباد، گروه زبان و ادبیات فارسی، مهاباد، ایران

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مهاباد، گروه زبان و ادبیات فارسی، مهاباد، ایران

تصحیح انتقادی شاه اسماعیل نامه

میرزا محمد قاسم گنابادی

خدیدجه پرستش*

دکتر محمدعلی خزانه دارلو*

شاهنامه ماضی یا شاه اسماعیل نامه که اثر گرانسنگ میرزا محمد قاسم گنابادی (قرن دهم) است، در شرح جنگاوری های شاه اسماعیل صفوی نگاشته شد و مؤلف سرایش این مثنوی بسیار متأثر از شاهنامه فردوسی، اسکندرنامه نظامی و پیروان او بوده است. البته در کنار ارزش ادبی اش، ارزش تاریخی نیز دارد که اهمیت آن را دو چندان می سازد. مقاله حاضر که باهدف تصحیح انتقادی این اثر با مقابله چهار نسخه موجود در موزه ایران، دانشگاه تهران، کتابخانه های ملک و مجلس شورای اسلامی تألیف شده است، می کوشد تا باروش انتقادی، ضمن معرفی مؤلف و کارنامه ادبی او و پرداختن به مشکلات این نسخه ها، ویژگی های ساختاری، سبکی و دستوری آن را نیز برشمارد.

کلیدواژه ها: تصحیح انتقادی، شاه اسماعیل نامه، قاسمی گنابادی، نسخه خطی.

* دبیر و کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان

عرفان و مذهب شیعه در اشعار شاعران شیعه عصر تیموری

حمزه پرنوئی*

در مقاله حاضر سعی بر آن است تا وضع شعر مذهبی شاعران شیعه در دوره تیموری مورد بررسی قرار گیرد. در ادامه نیز به دلیل رواج چشمگیر «عرفان و تصوف» در این دوران و اهمیت و تأثیر آن در افکار مذهبی شاعران، بحثی مبسوط درباره عرفان و تصوف این عصر صورت گرفته است. اما منظور از اشعار مذهبی چیست؟ اشعار مذهبی شعرهایی هستند که درباره معصومین (علیهمالسلام) سروده شده‌اند. در واقع پیش از این دوره هم اشعار مذهبی فراوانی سروده شده است اما باید توجه داشت که این اشعار عمدتاً از سوی شاعران سنی مذهب سروده شده و نیز بیشتر درباره پیامبر (ص) و خلفای راشدین و حضرت علی (ع) می‌باشد و می‌توان گفت که از عصر تیموری و به ویژه سده نهم است که شاعران شیعه به طور گسترده و ویژه بهمدح و منقبت اهل بیت پرداخته و در سوگ حادثه عظیم عاشورا، به مرثیه‌سرایی می‌پردازند. این رونق و شکفتگی در سرودن اشعار مذهبی توسط شاعران شیعه مذهب باعث ایجاد روندی مؤثر در تاریخ ادبیات مذهبی ایران گردید که تا به امروز هم ادامه دارد.

کلید واژه ها : عصر تیموری، شعر فارسی، عرفان، مذهب، شیعه

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

بررسی رمان «سمفونی مردگان» از منظر منطق مکالمه‌ی میخایل باختین

حسین پروانه دیر*

زهرآهواب حدادی زاده

جامعه‌شناسی ادبیات رشته‌ای است نوپا و یکی از پیچیده ترین و جدیدترین رشته‌های مربوط به فرهنگ و علوم انسانی محسوب می‌شود. لوکاچ، گلدمن، باختین و میشل کروژه از مهمترین بنیان‌گذاران این رشته به شمار می‌آیند. نظریه‌ی باختین در باب رمان چند آوا و منطق گفتگویی، از بدیع‌ترین نظریه‌ها در بررسی رمان و تحلیل گفتمان‌های شخصیت‌ها است. باختین، منطق گفتگویی خود را در ژانر خاصی مانند رمان جستجو می‌کند. رمان معانی ضمنی و تاریک چندگانه‌ی کلمات را می‌شناسد و از این مهمتر چند صدایی است. باختین، رمان نویس را کسی می‌داند که مضامین گوناگون اثر خود را سازآرایی می‌کند. به نظر او در رمان شخصیت‌ها هم ارز مولف حضور و اعتبار داشته و با نویسنده و سایر شخصیت‌ها وارد تعامل و گفتگو می‌شوند. عباس معروفی در رمان «سمفونی مردگان» از یک سو، با خلق شخصیت‌هایی که متعلق به گفتمان ایدئولوژیک ویژه، زمینه‌ی منحصر به فرد و زبان مخصوص (واژگان، نحو، لحن و ...) به پایگان ارزشی - اجتماعی خاص خود هستند و از سوی دیگر، با انتخاب راوی‌ای توصیف‌گر و نه تعیین کننده‌ی دلالت‌های معنایی شخصیتها و به کارگیری گونه‌های زبانی ادبی و غیر ادبی همچون زبان شعری (غنایی و اجتماعی)، روزنامه‌ای، آرکائیک و بعضی سبک پردازی‌های خنده‌دار موفق به آفرینش رمانی چند آوا شده است. مقاله‌ی حاضر در نظر دارد بعد از مروری اجمالی بر جامعه‌شناسی ادبیات، بر اساس تشریح آراء و نظریات باختین در حوزه‌های رمان چند آوا، منطق مکالمه و فرازبان‌شناسی وارد تحلیل مناسبات درونی در رمان «سمفونی مردگان» شده و جنبه‌های گوناگون نظریه‌ی باختین را بررسی نماید.

کلید واژه‌ها: جامعه‌شناسی ادبیات، سمفونی مردگان، باختین، رمان چند آوا، منطق مکالمه.

* کارشناس ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی

بررسی روانکاوانه و نمادشناسانه‌ی سه مرحله‌ی کیمیاگری در داستان سلمان و ابدال با توجه به نظریات کارل گوستاو یونگ

سوسن پسانین*

نیره جنگی*

داستان سلمان و ابدال داستانی رمزی و دارای ریشه‌ی یونانی است که از طریق ترجمه به شرق رسیده و در قالب روایت‌های مختلفی نقل شده است. از آنجا که این داستان دارای ریشه‌ای هرمسی است و کیمیاگری یکی از مهمترین اصول مکتب هرمسی به شمار می‌رود، بررسی مراحل کیمیاگری یونگ در این داستان، در تفسیر و رمزگشایی بهتر آن کمک بسزایی می‌کند. این مقاله به بررسی روانکاوانه و نمادشناسانه‌ی سه مرحله‌ی کیمیاگری در داستان سلمان و ابدال با توجه به نظریات کارل گوستاو یونگ پرداخته و در بین روایت‌های مختلف این داستان تنها به دو روایت جامی و حنین بن اسحاق نظر داشته است. با انطباق مراحل سیاهی، سفیدی و سرخی کیمیاگری بر این داستان، نظر شلومو پینس که در مقاله-ای، وجود مایه‌های هرمسی در این داستان را محتمل دانسته بود، تأیید شد. چنانکه برای تمام مراحل کیمیاگری و حتی جزئیات سیر سیاهی به سوی سرخی در این داستان، مصداق‌های فراوانی ذکر شد و تمام ویژگی‌های مراحل سیاهی، سفیدی و سرخی با این داستان کاملاً منطبق بود.

کلید واژه‌ها: سلمان و ابدال، یونگ، کیمیاگری، جامی، حنین بن اسحاق.

* کارشناسی ارشد ادبیات فارسی، دانشگاه الزهرا

* دانشجوی دکتری دانشگاه بیرجند

تأملی بر شعر و شاعری شیخ صفی الدین اردبیلی (با تکیه بر کتاب صفوة الصفا)

دکتر مهین پناهی*

ثریا کریمی یونجالی*

صفوة الصفا یا المَواهِبُ السَّئِيَّةُ فِي المَنَاقِبِ الصَّغَوِيَّةِ قدیمی ترین نسب نامه‌ی موجود درباره‌ی دودمان صفویه و یکی از معتبرترین کتابها درباره‌ی تصوف و گرانقدرترین منبع درباره‌ی حالات و کرامات و مناقب و مقامات شیخ صفی الدین اسحق اردبیلی است. در این مقاله با رویکردی توصیفی به بررسی شعر و شاعری شیخ صفی پرداخته می‌شود.

به تصریح کتاب صفوة الصفا شیخ صفی جز یک مصرع، شعری نسروده است. در دوبیتی های منسوب به شیخ صفی، شاعر خود را صفی و شیخ خود را زاهد نامیده و این شخص تنها شیخ صفی می‌تواند باشد و دیگر اینکه زبان دوبیتی‌ها به زبان شیخ صفی (آذری) است که انتساب این اشعار را به شیخ صفی تأیید می‌کند.

کلید واژه: صفوة الصفا، شیخ صفی، شعر و شاعری.

* دانشیار دانشگاه الزهرا(س)

* کارشناس ارشد ادبیات

اخلاق با خداوند متعال در صفوة الصفا

دکتر مهین پناهی*

ثریا کریمی یونجالی

این پژوهش با شیوهی تحلیل محتوایی در صدد پاسخ به این پرسش است که شیخ صفی کددام تعالیم اخلاقی را از حقوق خداوند تلقی کرده و در تعالیم اخلاقی خود سالکان راه حق را بر آن تحریض کرده است؟ شیخ صفی خُلق با حق را تبدیل صفات ذمیمه به صفات حمیده و پیراستن درون برای تجلی و عنایت حق تعالی دانسته است. به عقیده شیخ صفی، کسی آنچنان که حق معرفت خداوندست او را نمی‌شناسد و به اندازه‌ی خود معرفت کسب می‌کند و نتیجه‌ی این معرفت، عشق و محبت است؛ مواظبت بر ذکر مداوم نیز دل را در محبت حق تعالی مستغرق می‌کند و صوفی با چشیدن می‌محبت، از عشق مجازی به عشق حقیقی می‌رسد و هجوم آتش عشق، تمام خاشاک عقلی و نفسی را می‌سوزاند. شوق، خوف و رجا و شکر از ثمرات محبت و ملکه‌های روحی محبان حق تعالی بیان شده است. همچنین وی بر ذکر محبوب (خداوند متعال) - که از دیگر آداب و احوال مهم دوستداران حق تعالی است - پافشاری کرده و در این کتاب با عنایت ویژه به ذکر و اقسام آن: «ذکر اول»، «ذکر دوم»، «ذکر سوم»، «ذکر خاص»، «ذکر ربانی» و «ذکر دل» بر این حق محبوب اصرار کرده است. شواهد موجود در صفوة الصفا حکایت از آن دارد که شیخ صفی عمل به آداب شریعت و انجام عبادات را حقوق خداوند دانسته و راه رخصت و آسان‌گیری در شریعت را برای سالک راه حق خطر خیز توصیف کرده است. شیخ صفی بر انجام همپای فرایض و نوافل تأکید می‌کرد.

کلید واژه ها : اخلاق با خداوند متعال، تعالیم اخلاقی، شیخ صفی، صفوة الصفا.

* دانشیار دانشگاه الزهرا

بررسی سیر تکاملی شعر مفتون امینی

خدیجه پورزینی*

مفتون امینی یکی از شاعران مطرح در شعر معاصر از سال ۱۳۳۱ شعر را به طور جدی پی گرفت و آثارش در روزنامه‌ها و مجلات مختلف انتشار یافت. از سال ۱۳۳۳ که از تبریز به تهران رفت با بسیاری از شاعران همدوره خود ارتباط برقرار کرد و در جریان تحولات ادبی قرار گرفت. مفتون همواره به ضرورت تحول در شعر پی برده و مطابق با تحولات روز با جریان‌های ادبی جدید همراه شده است. او در مسیر تکاملی هنر خود سه دوره مشخص را پشت سر گذاشته است: مفتون در ابتدا از کهن‌سرایانی بود که شعر را در قالب کلاسیک و با مضامین عاشقانه و تغزلی شروع کرد. اما بعد از آن و در دومین دفتر خود تحت تاثیر تحولات جامعه و با پی بردن به ضرورت تحول ادبی به شعر نیمایی با مضامین اجتماعی روی آورد. این مجموعه یعنی دفتر کولاک و نیز دفتر بعدی او یعنی انارستان مفتون را به عنوان شاعری متعهد و شاعری برجسته در شعر اجتماعی معاصر مطرح کرد. مفتون در ادامه سیر تکاملی شعرش به شعر سپید روی آورد و امروز نیز کار خود را در این شیوه با نمونه‌هایی که جزو بهترین شعرهای سپید امروز است ادامه می‌دهد. مقصود نگارنده از نگارش مقاله حاضر آن است که شعر مفتون امینی در هر یک از این مراحل سه‌گانه و کیفیات هنری هر دوره را مورد بررسی قرار دهد و نیز نحوه تاثیرپذیری او از تحولات جامعه و به طور کلی نحوه تکامل هنری و کیفیات شاعرانه شعر او را بررسی نماید.

کلید واژه‌ها: مفتون امینی، شعر کلاسیک، رمانتیسزم، شعر نیمایی، شعر سپید.

* دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز

نقد ساختاری رمان «شازده احتجاب»

دکتر شکراله پورالخاص*

مهدی عبدی*

داستان نویسی در صد سال اخیر دچار دگرگونیهای بسیاری شده است. نویسندگان زیادی بوده اند که ادبیات داستانی را پیش برده اند و نامهای بسیاری در این زمینه ماندگار شده است. یکی از این نویسندگان، هوشنگ گلشیری است؛ نویسندهای که نه تنها در پیشبرد داستان نویسی مؤثر بوده، خود مسیری نو را نیز ایجاد کرده است. بعد از صادق هدایت که داستان مدرن را وارد ادبیات داستانی ایران کرد، گلشیری نیز این مسیر را ادامه داد و آن را به اوج رساند. نویسندهای که با استفاده از عناصر داستانی، داستان نویسی را با مولفه های معاصر و مدرن همراه و شیوه ای نو ایجاد کرد؛ کسی که به اصول فنی داستان نویسی در کنار مفهوم و مضمون اثر معتقد بود، بنابراین پرداختن به آثار وی و بررسی عناصر داستانی آنها، بیش از پیش سبک و ویژگیهای داستان نویسی او را آشکار می کند. در این مقاله سعی بر آن است تا پس از ارائه ی تعریفی مختصر از عناصر داستانی، بررسی یکی از آثار مهم و ماندگار هوشنگ گلشیری یعنی رمان «شازده احتجاب» پرداخته شود. در این بررسی تلاش می شود، سبک ویژه ای این نویسنده مورد توجه قرار گرفته، به تأثیر ادبیات غرب و پیشینه ی ادبیات ایران در اثر او که به شکلی مدرن و امروزی متجلی شده، اشاره شود.

کلیدواژه ها: هوشنگ گلشیری، شازده احتجاب، رمان، عناصر داستان، جریان سیال ذهن.

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

بررسی ساختاری و تطبیقی داستان‌های "پادشاه سیاه‌پوش" در هفت پیکر و "پادشاه ظالم" در مخزن الاسرار نظامی گنجوی

سیده معصومه پورسید*

هفت پیکر و مخزن الاسرار از آثار برجسته‌ی بزرگترین داستان‌سرای فارسی‌گوی، حکیم نظامی گنجوی است که در بیان مسائل حکمی و اخلاقی و نمایاندن جامعه‌ی آرمانی نهفته در اندیشه‌ی شاعر است. در این پژوهش به مطالعه‌ی داستان‌های آغازین دواثر، هفت پیکر و مخزن الاسرار توجه شده است. هدف تحلیل و تفسیر داستان‌های عرفانی-تمثیلی-تعلیمی نظامی از دیدگاه ساختاری می‌باشد. در نقد ساختاری و تطبیقی این متن به عناصر داستانی و فرم‌روایی آنها براساس الگوی ولادیمیر پراپ پرداخته می‌شود. تکیه اصلی بر جنبه‌هایی از وجوه اشتراک و تفاوت میان آن دو از حیث چینش عناصر داستان و ساختار آنها است که سبکی خاص و مختص نظامی است.

کلید واژه‌ها: هفت پیکر، مخزن الاسرار، ساختار، تطبیق، پراپ.

* کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

نگاهی انتقادی به کتاب " تأثیر شعر عربی بر تکامل شعر فارسی "

نوشته‌ی ع.م. دودپوتا

علیرضا پورشبانان - معین کاظمی فر*

یکی از معدود نویسندگان غیر ایرانی و غیر عرب که در حوزه‌ی ادبیات تطبیقی و در مورد تأثیر زبان و ادب عربی بر زبان و ادبیات فارسی، اثر مستقلی پدید آورده است، ع.م. دودپوتا نویسنده‌ی هندی کتاب «تأثیر شعر عربی بر تکامل شعر فارسی» است. در این نوشته تلاش شده است که با نگاهی انتقادی، این کتاب و ترجمه‌ای که دکتر سیروس شمیسا از این اثر ارائه داده است، مورد بررسی علمی قرار گیرد. روش تحقیق، بر مبنای مطالعه‌ی کتابخانه‌ای است که با محوریت اثر، از برخی منابع جانبی برای مستند کردن مفاهیم مورد اشاره، استفاده شده است. تا حد امکان تلاش شده به مفاهیم نقد شده در اثر، اشاره‌ی مستقیم صورت بگیرد و نقد نه به گونه‌ای کلی، بلکه به شکلی مصداقی و دقیق صورت پذیرد و با شیوه‌ای استقرایی و جزئی‌نگر، داوری نهایی در مورد مباحث نظری، ساختار و محتوای کتاب بیان شود.

کلید واژه‌ها: شعر عربی، شعر فارسی، ترجمه. بررسی انتقادی، مطالعه‌ی تطبیقی.

* دانشجویان دوره دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی تربیت مدرس

داستان زمان در رمانی از نادر ابراهیمی (بار دیگر شهری که دوست می‌داشتم)

سوسن پورشهرام*

داستان جریان سیال ذهن (Stream of Consciousness) به دلیل رویکرد ویژه به مفهوم زمان، «داستان زمان» نیز نام گرفته است. در این شیوه، نویسنده با به کارگیری تداعی معانی، یادآوری، درون‌نگری و توالی نامرتب زمانی، تصویری از اندیشه‌های درونی شخصیت‌های داستان ارائه می‌دهد. در حقیقت، این تکنیک روایی زمانشکل تکامل یافته رمان روان‌شناختی است. رمان *بار دیگر شهری که دوست می‌داشتم* به دلیل حرکت آزادانه ذهن راوی و توجه ویژه به عنصر زمان، منطقی دستورمند و جملاتی منسجم و منظم ندارد. نویسنده در این رمان کوشیده است با تداعی خاطرات و به یاری تصویرها و برش‌های واقع‌نما، مسائلی غیرواقعی را به قبول و باور مخاطب نزدیک کند. درحقیقت، ذهنیات ظاهراً آشفته و فاقد نظم راوی سبب شده است که داستان در نگاه اول، مبهم و پیچیده به نظر برسد. بنابراین، این مقاله با بررسی دقیق رمان می‌کوشد به پرسش‌های زیر پاسخ دهد: آیا می‌توان رمان *بار دیگر شهری که دوست می‌داشتم* را جزو رمان‌های جریان سیال ذهن قرار داد؟ این رمان بر لایه‌های پیش‌گفتاری ذهن شخصیت داستانتکیه دارد یا بر لایه‌های گفتاری ذهن او؟ آیا راوی داستان به وجود مخاطب خود کاملاً آگاه است؟ و ...

کلید واژه ها : رمان، روایت، جریان سیال ذهن، نادر ابراهیمی و ...

«بررسی کهن الگوی انیما: بازتاب تصویر زن آرمانی در آثار شاملو»

* صغری نوده

* فریده پورگیو

انیما، (برگرفته از واژه ی لاتین برای «روح») همان «روح جهان» نوافلاطونی است که چهره ی آرمانی افلاطونی از یک زن، به عنوان نیمه ی مونث و پنهان روح مرد، را تداعی می کند. این کهن الگو وجود تصویری آرمانی از جفت مونث را در ذهن مرد به نمایش می گذارد که به واقع تصویری سرکوب شده از مادر در ذهن فرزند مذکر در دوران کودکی اش است، که منجر به تحسین یک زن در واقعیت می شود، در حالی که فرد آن را با قوه ی تخیل خود ترکیب کرده است، تا اینکه با تصویر سرکوب شده ی ذهنی اش، یعنی انیما، سازگاری پیدا کند. به عقیده ی یونگ تخیل انسان که با همین درون مایه شکل گرفته است، این زن آرمانی را بر نمودهای مختلف این کهن الگو فرافکنی می کند. بازتاب چنین زن آرمانی ای را در آثار شاملو شاعر برجسته ی پارسی می توان یافت. شاملو در اشعارش تمایل به خلق تصاویری آرمانی از زنان دارد؛ زن آرمانی شاملو ابتدا در تصویر رویایی زنانی چون رکسانا دیده می شود و در نهایت در آیدا به واقعیت می پیوندد. از این رو، با تقسیم اشعار شاملو به دو دسته ی رکسانا و آیدا، این پژوهش به بررسی نشان های انیمای یونگ، به عنوان تصویر زن آرمانی سرکوب شده در ذهن مرد، در آثار شاملو می پردازد.

کلید واژه ها: کهن الگو، انیما، یونگ، شاملو.

* کارشناس ارشد دانشگاه شیراز

* استاد دانشگاه شیراز

استفاده از کهن الگوها در پویایی شخصیت در داستان زال

دکترمنیژه پورنعمت*

در برخی از ابعاد شخصیت داستان تحولی روی می دهد که نوع نگرش یا رفتارش را تغییر می دهد. این تغییرات مهم و بنیادی ممکن است خیلی زیاد یا کم و یا این که رو به خوبی یا بدی باشد. این تغییرات که شخصیت های داستان را از دیگر افراد اجتماع متمایز می سازد، بیشتر متکی بر منش انسان است. در این مقاله داستان زال از بخش پهلوانی شاهنامه بررسی می شود تا عوامل پویایی و تغییر شخصیت های داستان نموده شود. در این داستان از کهن الگوهای خواب، پاکشایی و رازآموزی، پیشگویی موبدان و آگاهی از سرنوشت استفاده شده است تا موجبات تغییر و پویایی شخصیت های اصلی و فرعی داستان فراهم و بیان گردد.

کلید واژه ها: شاهنامه، داستان زال ، پویایی شخصیت ، کهن الگو.

* عضو هیأت علمی دانشگاه خلیج فارس بوشهر

شیوه‌ی روایی مولوی در بسط و انسجام داستان پیر چنگی

* دکتر منیژه پورنعمت رودسری

* دکتر سید ناصر جابری اردکانی

در این مقاله شیوه داستان پردازی مولانا در داستان مشهور پیر چنگی مورد مطالعه قرار گرفته است. بر این اساس پس از مقدمه و ارائه خلاصه ای از داستان، جهت تبیین شیوه قصه پردازی مولانا به سه مقوله طرح یا پلات داستان، تحوّل و فنا در وجود قهرمان و بالآخره روش روایی فاصله گذاری پرداخته شده است. مثنوی دارای بوطیقای داستان متفاوتی است؛ البته قواعد و قوانین حاکم بر دیگر آثار داستانی نیز در آن قابل پی گیری است، اما علاوه بر آنها شیوه های دیگری نیز وجود دارد که باعث تمایز و برتری مثنوی می شود؛ یکی از آنها تحوّل شخصیت های داستان است که با مقوله فنا در ارتباط است و بر جزء جزء اثر تأثیر می گذارد. مقوله «فاصله گذاری»، دیگر مشخصه روش روایی داستان پردازی مولوی است که در ارتباط با چگونگی توسعه ی متن و سیر آفاقی- انفسی در این تحقیق به آن پرداخته شده است.

کلید واژه: داستان، مولوی، مثنوی، پیر چنگی.

* استادیار دانشگاه خلیج فارس بوشهر poornemat@pgu.ac.ir

* استادیار دانشگاه خلیج فارس بوشهر

بررسی کارکرد ادبیات و هنر در جامعه شناسی طبقات اجتماعی

دکتر مجید پویان*

مایدیه صافی اصفهانی*

رویکرد جامعه شناختی به آثار هنری و ادبی اگرچه زمینه ای نو ظهور برای پژوهش و تأویل و تفسیر آن به شمار می رود، دستاوردها و رهیافت های ارزشمندی نیز به همراه داشته است. جامعه شناسان هنر معتقدند که آثار هنری در حکم منشورهایی اند که جلوه ها و رنگ های مختلف و متفاوتی از ابعاد شخصیتی خالق اثر هنری و نیز محیط اجتماعی هنرمند را بازتاب می دهند. در سنت نقد جامعه شناختی هنر یکی از پرسش های کلان این است که چه ارتباطی میان خاستگاه طبقاتی هنرمند و نویسنده و فرایند تولید هنری وجود دارد؟ و برای بازشناخت تاثیر پایگاه اجتماعی خالق اثر هنری در آفرینش هنری چه ابزاری وجود دارد؟ به عبارت دیگر "من طبقاتی" خالق اثر هنری و اثر هنری چه ارتباط دو سویه ای دارند؟ به عنوان مثال آیا سرایش شاهنامه فردوسی به وسیله حکیم توس معلول علائق فردی او بوده است یا دفاع از منافع مادی و معنوی طبقه دهقانان؟ آیا توده ستیزی صادق هدایت فرافکنی اضمحلال طبقاتی او (اشرافی - بوروکرات) بوده است یا خیر؟ در این مقاله کوشش می شود، نقش مهم هنر و ادبیات در بازشناخت محیط اجتماعی پیدایش اثر هنری و خاستگاه طبقاتی نویسنده با اشاره به نمونه هایی از ادب فارسی تبیین شود.

کلید واژه ها: هنر و ادبیات، جامعه شناسی طبقات اجتماعی، نقد جامعه شناختی، مطالعات میان رشته‌ای.

* عضو هیات علمی و استادیار دانشگاه یزد

* عضو هیات علمی موسسه آموزشی و غیر انتفاعی صفاهان

بررسی ریشه یابی تاریخی و علل با هم آیی های واژگانی در خمسه نظامی

* دکتر محمد رضا پهلوان نژاد

* شیما ابراهیمی

مسائل همنشینی^۱ واژه ها که بر اساس تناسب رابطه معنایی کلمات صورت می پذیرد، یکی از مهمترین ویژگی های هر زبان به شمار می آید و با واژه شناسی و معناشناسی ارتباط ناگسستنی دارد. خلاقیت و ابتکار شاعر در بهره جستن از هم آیی واژگانی در محور همنشینی^۲ موجب می شود که سبک وی متفاوت از دیگر شاعران به نظر آید. از آنجاییکه بررسی سبک شاعر و نحوه استفاده او در به کار بردن واژگان هم آیند می تواند به شناخت نگرش او بینجامد، هدف از پژوهش حاضر، بررسی علل همنشینی واژگان و ریشه یابی آنان در اثر خمسه نظامی گنجوی می باشد. بدین منظور همنشینی واژگان از منظر های روابط مفهومی^۳ و استناد به قرآن و اساطیر زبان فارسی مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به معیارهایی که در بررسی با هم آیی های این اثر استفاده شده است، می توان علل همنشینی اغلب واژگان را در آثار شاعران دریافت و از این حیث یافته های این پژوهش می تواند در بررسی های مختلف در باب با هم آیی های زبان فارسی مورد استفاده قرار گیرد.

کلید واژه ها : با هم آیی، روابط مفهومی، محور همنشینی، ریشه یابی تاریخی.

* دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

* دانشجوی ارشد زبانشناسی

^۱ Collocation

^۲ Syntagmatic axis

^۳ Lexical Relations

جایگاه فاعل در زبان فارسی

دکتر محمد رضا پهلوان نژاد*

لیلا قونسولی*

فرضیه فاعل درون گروه فعلی و حرکت آن به جایگاه مشخصگر گروه تصریفی از فرضیاتی است که در نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی بیان شده است. بر اساس این فرضیه، فاعل ابتدا در جایگاه مشخصگر گروه فعلی، نقش تتا دریافت می‌کند و سپس برای دریافت حالت، به جایگاه مشخصگر گروه تصریفی می‌رود. این فرضیه در زبان انگلیسی و بسیاری از زبان‌های دیگر صدق می‌کند اما در زبان فارسی تنها کاری که بر روی آن انجام شده است، از سوی علیزاده می‌باشد که وی اعتقاد دارد فاعل در زبان فارسی، از همان ابتدا در جایگاه مشخصگر گروه تصریفی قرار دارد و در جملاتی که شاهد سورهای شناور هستیم و زبان‌شناسان از آن برای اثبات حرکت فاعل از جایگاه مشخصگر گروه فعلی به جایگاه مشخصگر گروه تصریفی استفاده می‌کنند، فاعل در این گونه جملات در فارسی، از جایگاه مشخصگر گروه تصریفی به جایگاه مشخصگر گروه متمم ساز حرکت می‌کند و یک فرایند ساده مبتداسازی رخ می‌دهد. در این مقاله، دلایل زیادی بر رد ادعای علیزاده بیان گشت که پایه تمام این انتقادات این بود که فرضیه علیزاده، علیرغم اینکه هر فرضیه‌ای در حاکمیت و مرجع‌گزینی باید توجیهی داشته باشد، هیچ توجیهی ندارد و همچنین بسیاری از اصول مطرح در حاکمیت و مرجع‌گزینی و بسیاری از پایه‌های آن را نقض می‌کند. بنابراین، این نتیجه حاصل گشت که فاعل در زبان فارسی در جایگاه مشخصگر گروه فعلی است و پس از دریافت نقش تتا در این جایگاه، برای گرفتن حالت دستوری به جایگاه مشخصگر گروه تصریفی می‌رود که با در نظر گرفتن این فرضیه، هیچ یک از ایرادات مطرح در فرضیه علیزاده پیش نخواهد آمد.

کلید واژه‌ها: زبان فارسی، گروه فعلی، فاعل، فرضیه علیزاده.

* دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

* دانشجوی دکتری زبان‌شناسی

گفتگو و شخصیت پردازی در حکایت های تذکره الاولیا

* آزاده پیروزخواه

* نجمه تاجیک

حکایات مجموعه وسیعی از آثار ادبی ما را به خود اختصاص داده اند و این وظیفه ای است خطیر بر عهده دانش پژوهان ادب فارسی که این آثار برجسته و ماندگار خویش را هم چنان که قرن ها از ظهور و پیدایش آنها می گذرد زنده و جاوید نگاه داشته و برای آیندگان باقی گذارند. تذکره الاولیا یکی از این متون برجسته می باشد که تا به حال بسیار مورد بررسی قرار گرفته است. مقاله حاضر این بار از منظر عناصر داستانی (قالب، زاویه دید، زمان و مکان، مضامین و...) به بررسی این اثر عطار نیشابوری می پردازد و ۲۰۷ حکایت را به منظور این بررسی برگزیده است. تردیدی نیست که دو روش گفتگوی ادبی و شخصیت پردازی از عناصر اصلی داستان نویسی به شمار می رود، و در اینجا سعی ما بر این بوده است که این دو مؤلفه را با جزیی نگری خاصی مدنظر قرار دهیم.

کلید واژه ها: تذکره الاولیا، حکایت، عناصر داستان، گفتگو، شخصیت پردازی.

امثال ترکی در آثار حکیم نظامی گنجوی

دکتر احد پیشگر*

حکیم نظامی گنجوی از بزرگترین شاعران ایران و یکی از ارکان شعر فارسی است. او مانند فردوسی و سعدی توانست به ایجاد یا تکمیل سبک و روش خاص توفیق یابد. اگر چه داستان سرایی در زبان فارسی به وسیله ی وی شروع نشده و در زبان فارسی سابقه داشته است، لیکن تنها شاعری که تا پایان قرن ششم توانست این نوع از شعر، یعنی شعر تمثیلی را در زبان فارسی به حد اعلای تکامل برساند، نظامی است. نظامی در آثار خود از فولکلور و ضرب المثل های مردمی آذربایجان به ویژه گنجه و اران بهره برده، به نحوی که تعداد قابل توجهی از سخنان حکمت آمیز یا کنایات و ضرب المثل هایی که در آثارش به کار رفته است عیناً ترجمه از زبان ترکی رایج یا مضمون کلی آنها می باشد.

کلید واژه ها: آثار نظامی، آذربایجان، فولکلور، امثال و حکم ترکی.

* استادیار دانشگاه محقق اردبیلی

تأثر امیر معزی از معلقات و اشعار دوره جاهلی

دکتر احد پیشگر*

ثریا کریمی*

امیر معزی از شاعران استاد نامبردار خراسان است که به ادب عربی ارادت می ورزید، به همین خاطر بسیاری از مضامین شعری خود را چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیر مستقیم از طریق شاعران پیش از خود از ادب عرب اخذ کرده است. از این روی امیر معزی در تعدادی از قصاید خود طرح کلی و ساختار عمومی و مضامین و تصاویر شعری قصاید عربی جاهلی را رعایت نموده است. هدف مقاله، این است که با بررسی چند قصیده از امیر معزی، تأثیرپذیری او را از معلقات و اشعار دوره جاهلی نشان دهد.

کلید واژه ها: ادبیات تطبیقی، شعر فارسی، شعر عربی، امیر معزی، معلقات، اشعار دوره جاهلی، مضامین و تصاویر مشترک.

* عضو هیأت علمی دانشگاه محقق اردبیلی

* کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

استقبال و تتبع فیاض لاهیجی از قصاید انوری

دکتر احد پیشگر*

حسن اسدزاده خانقاه*

تتبع و استقبال در لغت به معنی پیشواز کردن، به دنبال رفتن و روی آوردن است و در اصطلاح ادب آن است که گفته‌ی یکی از استادان شعر و سخن را سرمشق و سرلوحه قرار دهند و به همان ساختار و سیاق شعر بسرایند. اشتهار قصاید انوری در شعر ادب فارسی به دلیل جذابیت، شیوایی، سادگی و لطافت آن است. وی روانی کلام خود را با خیالات دقیق غنایی به هم آمیخته و زمینه‌ی استقبال شاعران بعد از خود را فراهم کرده و موجب شده است که قصاید او به وضوح مورد استقبال فیاض لاهیجی قرار گیرد. تسلط فیاض لاهیجی به زبان فارسی و مطالعه‌ی دواوین شاعران بزرگ و الگو قرار دادن اندیشه‌ها و اصطلاحات عرفانی و کنایات و استعارات و اوزان و قوافی اشعار و آثار آن شعرای نامی باعث شیوایی و رسایی و پختگی اشعار فیاض شد. یکی از شاعران بزرگ ادب فارسی که تأثیری شگرف بر شعر و شاعری فیاض بر جای گذاشت، بی شک انوری بوده است. به گونه‌ای که اگر دیوان اشعار فیاض لاهیجی را مد نظر خود قرار دهیم، متوجه تأثر فیاض از دیوان انوری خواهیم بود و این تأثر به شکل مشابهت مضمونی و مشابهت وزن و لفظ و قافیه با اشعار انوری در دیوان اشعار فیاض لاهیجی آمده است. هدف مقاله این است که با بررسی اشعار فیاض لاهیجی، تأثر او را از دیوان انوری که به شیوه‌ی استقبال و با حفظ وزن و قافیه آمده است، نشان دهد.

کلید واژه‌ها: شعر فارسی، انوری، فیاض لاهیجی، قصیده، استقبال، تتبع، مضمون مشترک.

* عضو هیأت علمی دانشگاه محقق اردبیلی

* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا

دانشنامه ی منظوم ایران

دکتر اسماعیل تاجبخش

دانشنامه منظوم ایران که می توان آن را شاهنامه امین نامید، اثری است منظوم از استاد سید حسن امین در بحر متقارب و به شیوه ی شاهنامه و در سلسله ی کتاب هایی چون شاهنامه نادری از میرزا محمد علی فردوسی ثانی و شهنشاه نامه از فتحعلی خان صبا و البته با تفألت فاحشی در محتوا و مضمون با چنان آثاری. این کتاب از چند منظر مورد مطالعه و مذاقه ی نویسنده این سطور قرار گرفته است. گفتنی است که در این مقاله از دو موضوع عمدا صرف نظر شده است: یکی زندگی نویسنده و آثار و مقالات او، و دیگر خصایص زروچی و اخلاقی شاعر.

کلیدواژه‌ها: دانشنامه منظوم ایران، سید حسن امین.

بررسی و تحلیل سبک شخصی خسرو فرشیدورد در دفتر شعر صلاى عشق

اسماعیل تاج‌بخش*

لیلا حسن‌زاده*

فرشیدورد، از ادیبان و پژوهشگران معاصر است که بیشتر در حوزه دستور زبان آثاری از خود به یادگار گذاشته است. اشعاری نیز به صورت پراکنده، در دفترهای مختلف از او به جا مانده است که نشان از ذوق شاعری، قریحه و روحیه حساس او دارند و با بیانی ساده و روان سروده شده‌اند. در این پژوهش، تنها دفتر شعری «صلای عشق» مورد سنجش سبک‌شناسانه قرار گرفته است. اشعار او، ساده، روان و دلنشین هستند و به صورت معمولی از آرایه‌های ادبی استفاده کرده است و آنچه در این تحقیق، بیشتر به آن پرداخته شده، سطح فکری اشعار اوست.

کلید واژه ها: فرشیدورد، صلاى عشق، سبک‌شناسی.

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی پست الکترونیکی: taninyasha@gmail.com

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی پست الکترونیکی:

l.hasan14@yahoo.com

نگاهی به برخی واژه های ترکی دیوان خاقانی

دکتراسماعیل تاج بخش*

بهنام صادقیان (نویسنده مسئول)*

وجود واژه های ترکی در زبان و ادبیات فارسی نشانه ی ارتباط این دو زبان با یکدیگر است. از آنجایی که دیوان خاقانی نیز تحت تاثیر این ارتباط زبانی بوده است؛ در این مقاله سعی شده است سی واژه ترکی از میان واژه های ترکی به کار رفته در دیوان خاقانی، معرفی و با استناد به منابع موجود از نظر ریشه شناسی مورد بررسی قرار گیرد. امید است این مقاله بتواند با ارائه تحلیلی درست از این واژگان، برای مطالعه کنندگان آثار خاقانی سودمند باشد.

کلید واژه ها: دیوان خاقانی، ارتباط زبانی، واژه ترکی، ریشه شناسی.

* دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی تهران

* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی

نقدی بر داستان "حرکت زیبا و آسان"

اسماعیل تاج بخش*

لیلا حسن زاده*

داستان «حرکت زیبا و آسان» داستان کوتاه پسامدرنی از ابوتراب خسروی است که در این مقاله سعی شده است با بحث بر روی تقابل‌ها و نشانه‌ها و نمادهای آن، نقد و بررسی شود. ابوتراب خسروی در این داستان با بیانی طنزگونه و نثری روان، به طرح موضوع فلسفی و نفی ثنویت پرداخته است.

کلید واژه‌ها: ابوتراب خسروی، داستان‌حرکت زیبا و آسان، نقد، تقابل، نشانه شناسی.

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی پست الکترونیکی: taninyasha@gmail.com

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی پست الکترونیکی:

l.hasan14@yahoo.com

مولانا یعقوب چرخی و تفسیر او

شریف جان تاجی بایوف

در این مقاله ضمن مروری به احوال و آثار یکی از عرفا و مشایخ معروف سده‌ی ۱۴ میلادی مولانا یعقوب چرخی، به بررسی «تفسیر سوره‌ی فاتحه و دو جزء آخر قرآن کریم» او که از میان آثار متعددش شهرت و محبوبیت پیدا نموده است، پرداخته می‌شود. مؤلف قید می‌نماید که تفسیر با لحن وعظ و اندرز نگاشته شده، اغلب مباحث و مطالب تفسیری در اثر بر محور آداب دین و مذهب سنت و جماعت چرخ می‌خورند. در تفسیر تأثیر طریقت نقشبندی بر اندیشه و آرای مفسر، که خود یکی از پیشگامان سلوک نقشبندی بود، برعلا [آشکارا] به مشاهده می‌رسد. در «تفسیر» ذوق شاعری، شعرفهمی و فکر دانشورانه‌ی مفسر به هم آمده‌اند. مولانا یعقوب در بعضی حالات برای افاده‌ی آرا و اندیشه‌ی خود پی در پی از شعر، خاصه از اشعار غنایی و عرفانی جلال‌الدین رومی، حکیم سنایی غزنوی، عراقی و سعدی مدد جسته است که این رنگ خاصی به گفتار او بخشیده است.

کلیدواژه‌ها: مولانا یعقوب چرخی، تفسیر قرآن، سبک و اسلوب بیان، ویژگی‌های تفسیر، شیوه‌ی پند و اندرزی تفسیر.

انسجام واژگانی و بسامد آن در کتاب تنگسیر

* گیتی تاکی

* امیرقیصی پور

متن شامل مجموعه جملاتی است که به نحو خاصی بهم مرتبط شده اند. به این معنا که ارتباط از طریق ابزار های خاصی صورت می گیرد که باعث بهم پیوستگی متن و اصطلاحاً انسجام متن می شوند. یکی از راههای ایجاد انسجام متنی، انسجام واژگانی است. در این نوع انسجام با انتخاب واژه هایی سر و کار داریم که به طریقی به مطالب قبل مربوط هستند، به عبارت دیگر انسجام واژگانی هماهنگی واژگان دو یا چند جمله با هم است که روابط مفهومی را در نظام معنایی برقرار می کنند. در این پژوهش تلاش شده است تا ابزارهای چندگانه ایجاد انسجام واژگانی از دیدگاه هلیدی و حسن (۱۹۷۶) در کتاب تنگسیر نوشته صادق چوبک بررسی و ارایه شود آنها انسجام واژگانی را تحت عنوان تکرار و با همایی تقسیم بندی کرده اند. بازایی یا تکرار کاربرد واژه هایی است که به نحوی به واژه های قبل ارجاع می یابد و شامل هم معنایی، تضاد معنایی و شمول معنایی است. با هم ای، هم نشینی واژه هایی است که که از نظر مفهومی و چه از نظر عرفی با هم مرتبط اند. در این پژوهش تمامی موارد انسجام واژگانی از این دیدگاه شناسایی شده و در جداول خاص همراه با بسامد آنها ارایه شده اند. با مقایسه میزان استفاده آنها باهم چنین بر می آید که در این کتاب، تکرار بیشترین بسامد در بین عوامل انسجام واژگانی را داراست. متن کتاب نیز با توجه به استفاده بجا از عوامل انسجام واژگانی از انسجام مناسبی برخوردار است.

کلید واژه ها: انسجام متنی، انسجام واژگانی، ساختار متن، تکرار، باهمایی.

* استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان

* کارشناسی ارشد

مقایسه دو مکتب امپرسیونیسم و اکسپرسیونیسم در دو داستان کوتاه ایرانی

منصوره تدینی*

در این جستار ابتدا مختصات دو مکتب ادبی امپرسیونیسم و اکسپرسیونیسم به اختصار تشریح شده و سپس با مقایسه نقاشی‌هایی از این دو مکتب، تفاوت‌های این دو جریان هنری، که هر دو متعلق به نیمه اول قرن بیستم و دوران موسوم به مدرنیسم هستند، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. پس از این بخش مقدماتی نظری، همین مختصات در عرصه داستان و در دو داستان کوتاه ایرانی کاوش شده‌اند. نتایج حاصل، با توجه به نمونه‌های مختلف داستانی، می‌تواند در رفع برخی ابهامات مربوط به این مکاتب ادبی راهگشا باشد. مثلاً تفاوت مهم بین دو مکتب امپرسیونیسم و اکسپرسیونیسم در بیرونی بودن یا درونی و انتزاعی بودن موضوع اصلی نهفته است. همچنین تلاش شده مرزهای مبهم و گاه مخدوش بین مکاتب اکسپرسیونیسم و رئالیسم جادویی، در عرصه ادبیات داستانی روشن شود. می‌توان گفت تفاوت مهم داستان اکسپرسیونیستی با رئالیسم جادویی - که اغلب در ایران با یکدیگر اشتباه شده‌اند - در این است، که امر غریب و شگفت در داستان اکسپرسیونیستی ربطی به عقاید عامیانه و خرافی و افسانه‌ای ندارد، حال آن‌که در رئالیسم جادویی - همان‌گونه که گابریل گارسیا مارکز، نویسنده آمریکای لاتین بنیان آن را گذاشت و در ایران نیز منیرو روانی‌پور با بهره بردن از عقاید بومیان جنوب ایران در داستان‌های خود ماهرانه این شیوه را به کار گرفت - امر عجیب و فراواقعی کاملاً براساس اعتقادات افسانه‌ای و خرافی بومیان مناطق مختلف شکل می‌گیرد.

کلید واژه ها: امپرسیونیسم، اکسپرسیونیسم، رئالیسم جادویی، منیرو روانی‌پور، شهرنوش پارسی‌پور.

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی ایران، واحد رامهرمز استادیار مدعو در دانشگاه علامه طباطبایی

بازخوانی مثنوی سلمان و ابدال از منظر نقد روانکاوانه

منصوره تدینی*

در این جستار داستان سلمان و ابدال سروده نورالدین عبدالرحمن جامی، بر اساس نظریه روانکاوی فروید، از دیدگاهی نو مورد واکاوی قرار گرفته و برای این تفسیر روان‌شناسانه مصداق‌هایی از ابیات داستان ارائه شده است. این داستان که منشأ یونانی دارد و روایت‌های متفاوتی از آن موجود است، تمثیلی است با رویه عاشقانه و بنا بر نظر جامی حاوی تفسیری عرفانی. ابدال زنی است که به‌عنوان دایه (جانشین مادر) سلمان را از کودکی پرورش و حتی شیر می‌دهد، او از همان کودکی عاشق سلمان است و عاقبت با رسیدن سلمان به‌رشد، عشق او را به‌دست می‌آورد. آن دو ملامت‌های پدر (قانون پدر و اجتماع = فرامن) را نمی‌پذیرند و با هم می‌گریزند، اما در فرجام داستان سلمان پند پدر را می‌پذیرد و تسلیم می‌شود (تشرّف). ابدال در گذر از آتش به‌سبب گناهکاری می‌سوزد و پدر تاج و تخت را به‌سلمان نادم تسلیم می‌کند. با توجه به‌نظر فروید در مورد تحولات روانی کودک در حدود ۶-۴ سالگی، که او آن را مرحله ادیپی می‌نامد، کودک در این دوره با قانون پدر و جامعه مواجهه پیدا می‌کند و پس از ستیزی کوتاه‌مدت بدان گردن می‌نهد. گذار از این مرحله، که به‌طور طبیعی منجر به‌پذیرش قانون پدر و جامعه و تسلیم بدان می‌شود، به‌منزله سلامت روانی فرد و انطباق او با عرف، مذهب و قوانین اجتماعی است. می‌توان این داستان را تمثیلی قدیمی برای این تحوّل روانی دانست. طبق قانون ویلهلم ديلتای در مورد دور هرمنوتیک، تمام اجزای این تمثیل با کل آن همخوانی دارند و قابل تفسیر روان‌شناسانه و انطباق بر این نظریه فروید هستند؛ همچنان‌که خود فروید نیز آثاری از شکسپیر، داستایوسکی و داوینچی را بدین طریق بازخوانی روان‌کاوانه کرد. این تفسیر روان‌شناسانه هیچ‌گونه منافاتی با تفسیر عرفانی ندارد و در واقع بسیار نزدیک و حتی منطبق بر آن است. همچنان‌که از قدیم گفته شده: «من عرف نفسه، فقد عرف ربه» و یکی از مهم‌ترین طرق خداشناسی را از راه خودشناسی دانسته‌اند.

کلید واژه ها: عبدالرحمن جامی، سلمان و ابدال، نقد روانکاوانه، فروید، مرحله ادیپی.

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی ایران، واحد رامهرمز و استاد مدعو در دانشگاه علامه طباطبایی

بررسی نقش جنسیت در برقراری ارتباطات در داستان " بهترین دوستان "

* ستاره ترابی

* محبوبه عباسی

پژوهش حاضر به بررسی نقش جنسیت در برقراری ارتباطات و به ویژه ارتباط دوستی در میان کودکان، شیوهی برقراری این ارتباط و همچنین تأثیر آن بر انتخاب نوع جنس همبازی (دختر یا پسر بودن) می‌پردازد. روش این پژوهش بر اساس جامعه شناسی جنسیت و در چارچوب نظریه‌ی یادگیری اجتماعی است. در مورد جنسیت و جامعه شناسی جنسیت، پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است اما مقاله‌ای به صورت ویژه در مورد نقش جنسیت در ارتباطات و به طور خاص در کتاب " بهترین دوستان " نوشته نشده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بسیاری از رفتارهایی که کودکان در ارتباطات خود با دیگران و به ویژه در شبکه‌ی همسالان و گروه‌های دوستی از خود بروز می‌دهند رابطه‌ای مستقیم با جنسیت آنها دارد. برخی از این رفتارها، غریزی و ناخودآگاه است اما در بیشتر موارد تحت تأثیر هنجارها و الگوهایی است که در جامعه شکل گرفته و تثبیت شده است.

کلید واژه ها : جنسیت، ارتباط، دوستی، بهترین دوستان، یادگیری اجتماعی.

* دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات کودک و نوجوان دانشگاه شیراز s.torabi_۳۰@yahoo.com

* دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات کودک و نوجوان دانشگاه شیراز mahboobehabbasi۲۰۱۲@gmail.com

زیبایی‌شناسی غزلی از حافظ با تکیه بر نقد فرمالیستی

دکتر منوچهر تشکری*

سارا رفیعی*

فرمالیسم یا صورتگرایی، نوعی نظریه و تحلیل ادبی است که در نیمه‌ی دوم قرن بیستم در مسکو و پراگ پدید آمد. این حوزه از تحلیل و نقد ادبی، ادبیات را از دیدگاه زبان‌شناسی بررسی می‌کند و اثر ادبی را یک مساله‌ی صرفاً زبانی می‌داند و فرم و شکل اثر را مبنای تحلیل زیبایی‌شناسی و راه رسیدن به معنای نهفته در اثر ادبی در نظر می‌گیرد و در حقیقت، شکل اثر ادبی را آفریننده‌ی معنا و مفهوم تلقی می‌کند. حافظ شاعر بزرگ کلاسیک فارسی، به شکل و صورت در غزلیاتش اهمیت فراوانی داده است. او با تسلطی که بر زبان فارسی داشته، عالی‌ترین نمودهای زیبایی در زبان را در شعر خود خلق کرده و صورت‌های بسیار متنوع را با کمک ذوق متعالی خویش آفریده است. همچنین وی با به کار گیری زبان ادبی، یعنی استفاده‌ی کامل از بدیع، بیان و ایجاد روابط متعدد موسیقایی و معنایی، توانسته است نقش زیبایی‌شناختی زبان را در کنار نقش معنا رسانی آن به کمال برساند. در این مقاله، کوشش بر آن است که غزلی از حافظ با توجه به دیدگاه‌های زیبایی‌شناسی یاکوبسن و شکلوفسکی بررسی شود.

کلید واژه‌ها: زیبایی‌شناسی، فرمالیسم، حافظ، برجسته سازی، عادت ستیزی.

* عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز tashakori@yahoo.com

* کارشناس ارشد دانشگاه شهید چمران اهواز

جلوه های پایداری در شعر کودک و نوجوان (مشروطه، پهلوی، انقلاب اسلامی)

• طاهره تقوی شوازی

از کهن ترین ایام پایداری در برابر دشمن درونی (نفس) حاکمان ستمگر و قوم بیگانه در شعر و نثر مردمان این سامان نمود داشته، اما توجه پررنگ تر به این قضیه و البته مخاطب کودک و نوجوان، بیش از گذشته، نتیجه‌ی عصر تحوّل و دگرگونی، عصر آزادی خواهی و ظلم ستیزی، دوران نفی سلطه‌ی بیگانه، مشروطه است. در این برهه از زمان، شاعران ضمن سرودن اشعار کودکانه، در اشعارشان آزادمنشی و ظلم ستیزی را فریاد زدند. آنان با این نگرش کوشیدند به کودک ایرانی پیاموزند در برابر بیداد و استبداد نباید تسلیم شد، بنابراین، عاطفه و احساس و اندیشه‌ی خود را برای رسیدن بدین منظور به خوبی به خدمت گرفتند. از این دوران به بعد، بر تعداد اشعاری که با تخیل و زبان و درک و هیجان کودکان و نوجوانان تناسب داشته باشد، افزوده شد؛ اشعاری ماندگار و تأثیرگذار که کودکان آنها را می فهمیدند و بزرگسالان هم می پسندیدند یا بالعکس؛ بزرگسالان می فهمیدند و کودکان از شنیدنش لذت می بردند. البته، ذکر این نکته ضروری است که در دوران مشروطه و پهلوی، برخی از شعرا شعرشان را در ظرف زبان کودکانه ارائه کردند تا از تعقیب و سانسور عوامل حکومت مصون مانده، اتهامی متوجه خود نسازند. بنابراین گاهی، شاعران اشعاری کودکانه با اهداف سیاسی و البته گاهی هم اشعاری صرفاً کودکانه، تنها برای خوشامد کودکان سرودند. این جستار بنا دارد جلوه های پایداری را در برخی از اشعار کودکانه دوران مشروطه، پهلوی و انقلاب اسلامی بررسی کند.

کلیدواژه ها: پایداری، شعر کودکان نوجوان، مشروطه، پهلوی، انقلاب اسلامی.

سیمای زن در اشعار فروغ فرخزاد و غاده السّمان

- دکتر حسین تقوی
- دکتر فرشته مؤمنی
- دکتر حسن گودرزی لمراسکی
- نادر ابراهیمیان

زن و حقوق زنان همواره در طول تاریخ تحت تأثیر حاکمان و قدرتمندان قرار داشته و دارد. در دنیای امروز با وجود حرکت های اجتماعی و فرهنگی به ویژه فعالیت های زنان ، مظلومیت زن همچنان در جامعه مدرن به چشم می خورد. در این مقاله نگاه و اندیشه ی دو شاعر بزرگ معاصر ایران و جهان عرب (فروغ فرخزاد و غاده السّمان) نسبت به زن بررسی شده است. این مقاله نشان می دهد که هر دو شاعر با زبانی ساده و روان و با نگاهی انسانی درباره ی زن شعر سروده اند. و با صراحت و شجاعت فریاد بر می آورند و هویت خود را به عنوان یک زن و یک انسان در جامعه ی مرد سالار آشکارا اعلان می کنند.

کلید واژه ها: زن، غاده السّمان ، فروغ فرخزاد، شعر

-
- استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه آزاد اسلامی چالوس
 - استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی چالوس
 - استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه مازندران
 - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی

پرسش از ادبیات تطبیقی

• احمد تمیم داری

آیا واقعا ادبیات تطبیقی وجود دارد؟ اگر بر پایه نظریه‌های امروزی ادبیات را بخشی از فرهنگ بدانیم و آن را با هنرهای دیگر پیوند دهیم و آن‌گاه فرهنگ‌ها را با یکدیگر مقایسه کنیم چه نتیجه‌هایی بدست خواهد آمد؟ منظور از ادبیات تطبیقی آن است که آثار نظم و نثر از چند زبان گوناگون کاملاً با هم تطبیق می‌شوند و هم‌چون چند مربع و مستطیل هم اندازه اضلاع و زوایایشان روی هم قرار می‌گیرند؟ آیا مطالعه تطبیقی در ادبیات کشورهای گوناگون رشد ادبیات ملی را موجب می‌گردد؟ از دو شیوه ادبیات تطبیقی فرانسوی و آمریکایی کدام مطلوب‌تر است؟ آیا نویسندگانی که به ترجمه آثار ادبی به فارسی پرداخته‌اند در جهت ادبیات تطبیقی گام برداشته‌اند؟ نقش ترجمه آثار ادبی و در توسعه ادبیات تطبیقی و ادبیات ملی چگونه است؟ مطالعات تطبیقی بی آن که موجب رشد ادبیات ملی شود به چه کار می‌آید؟ در رشته ادبیات تطبیقی صرف تحقیق و مقایسه مکتب‌ها و سبک‌ها و انواع و ادوار ادبی کافی است؟ یا اینکه در جهت تولید ادبی باید طرحی ریخته شود؟ آیا در گذشته ایام بی آن‌که نظریه پردازی رایج باشد ادبیات تطبیقی جنبه‌ی تولیدی و کاربردی داشته است؟ آیا ادبیات تطبیقی واقعاً برای تولیدکنندگان آثار ادبی جدید راهگشا بوده است؟

کلید واژه ها: ادبیات تطبیقی، مکتب فرانسوی، مکتب آمریکایی، ترجمه ادبی.

اقبال لاهوری و مفهوم وحدت

• احمد تمیم داری

علامه محمد اقبال (۱۸۷۷-۱۹۳۸) فیلسوف مسلمان، شاعر و رهبر سیاسی، در سیالکوت هندوستان (پاکستان کنونی) زاده گشت. در سال ۱۹۲۷ میلادی به عنوان قانونگذار در مجلس استان پنجاب انتخاب گردید و در سال ۱۹۳۰ میلادی رهبری حزب مسلم لیگ را به عهده گرفت. او در آغاز حامی وحدت هند و مسلم بود و از یک دولت واحد طرفداری می نمود، اما سپس مدافع کشور مستقل برای مسلمانان شد که در نهایت به استقلال پاکستان منجر گردید. اقبال علاوه بر داشتن فرضیه و فلسفه ی سیاسی، در روزگار خویش پیشروترین متفکر اسلامی به شمار می آمد. وی ادبیات و فلسفه خود را به زبان های اردو، انگلیسی و فارسی منتشر کرد و بر احیاء رستگاری اسلامی و معنوی از طریق خودسازی، صداقت اخلاقی و آزادی فردی، تکیه داشت. آثار فراوانی از خود به جای نهاد از جمله «اسرار خودی» (۱۹۱۵) به صورت شعری بلند، «پیام مشرق» (۱۹۲۳) و «احیاء فکر دینی در اسلام» (۱۹۳۴) را باید نام برد. اگرچه علامه اقبال زمانی طولانی در قید حیات دنیوی نماند تا تأسیس پاکستان را در سال ۱۹۴۷ میلادی شاهد باشد، با این وصف پدر معنوی و نمادین کشور پاکستان به شمار می آید. او در ۲۱ آوریل ۱۹۳۸ رحلت یافت. ملت مسلمان پاکستان این روز را به یاد علامه اقبال بسیار بزرگ می دارند.

بررسی تطبیقی نگرش به زن در شعر فارسی و عربی

(با تأکید بر اشعار ملک الشعراء بهار، جمیل صدقی زهاوی و معروف رصافی)

- محمودرضا توکلی محمدی
- بتول ملکی
- شهیده نوریها

ایران عصر مشروطه و عراق عصر نهضت را باید جامعه‌هایی در حال گذر بنامیم؛ هر دو کشور در حال عبور از جامعه‌ی سنتی و پای نهادن به دنیای جدید و مفاهیمی بودند که برای آنها تازگی و جذابیت داشته و پیش از این با آن بیگانه بودند. مفاهیمی چون آزادی، وطن دوستی، روشن فکری، استبداد ستیزی، آزادی زنان، سوسیالیسم، کمونیسم و... از جمله مسائلی است که در این جوامع در حال گذر خود را مطرح کرده و نتایج مثبت و منفی بی‌شماری را در این کشورها از خود برجای گذاشت. این شرایط تقریباً بر تمامی خاورمیانه حاکم بود، اما در مورد ایران و عراق نکته‌ی قابل توجه عبارت است از شباهت بیش از حد دو کشور در زمینه‌ی زیرساخت‌های اجتماعی و فرهنگی و رخدادهای سیاسی، اجتماعی و مذهبی که دو کشور با آن دست به گریبان بودند. این امر به نوبه‌ی خود در فرهنگ و ادبیات دو ملت نیز تأثیر گذاشته و به زبانی دیگر شباهت‌های موجود در گستره‌های دینی و فرهنگی و اجتماعی در ایران عصر مشروطه و عراق عصر نهضت باعث شد شعرا و ادبای دو کشور بدون اینکه از آثار ادبی یکدیگر اطلاع داشته باشند به بررسی موضوع‌ها و درون‌مایه‌های مشترک در اشعار خود بپردازند. اشتراک مضامین در ادبیات این دوره در دو کشور گاهی آنقدر زیاد است که خواننده را به شگفتی وامی‌دارد. یکی از اصلی‌ترین مضامینی که به عنوان زیرمجموعه‌ای از شعر اجتماعی در ادبیات این دوره رخ نمود، مباحث مربوط به زنان و بررسی مسائل و مشکلات مربوط به آنها در دل شعر و نثر بود. با توجه به آنچه گذشت مقاله‌ی حاضر در صدد است تا با بررسی دیدگاه ملک الشعراء بهار در ایران و جمیل صدقی زهاوی و معروف الرصافی در عراق به بررسی نگرش این سه شاعر ملی و میهنی به مبحث زن در جامعه پرداخته و با مشخص نمودن مضامین مشترک میان سه شاعر در این موضوع، به کنکاش در این نکته

• هیأت علمی دانشگاه قم و دانشجوی دکتری دانشگاه تهران

• کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه قم

• کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه قم

بپردازد که آیا میان معروف رصافی و جمیل صدقی زهاوی در عراق و ملک الشعراى بهار در ایران - که هم عصر بوده و بخشی از حیات ادبی آنها در یک زمان واقع شده - تأثیر و تأثری وجود داشته یا وجود این مضامین مشترک به خاطر شرایط سیاسى و اجتماعى مشابه حاکم بر کشور آنها بوده است. لازم به ذکر است که این تطبیق بر پایه‌ی مدرسه‌ی اروپای شرقی «سلافیه» در زمینه‌ی ادبیات تطبیقى به انجام رسیده است.

کلید واژه‌ها: ملک الشعراى بهار، جمیل صدقی زهاوی، معروف رصافی، مشروطه، عصر نهضت، زن.

بررسی تطبیقی نمادها در اشعار سهراب سپهری و فروغ فرخزاد

• صغیه توکلی مقدم

از آن جاکه نمادها دریچه ای از دنیای ناشناخته ذهن و درون شاعر را به روی مامی گشاید و ما را به معانی نهفته در پس واژه ها سوق می دهد، یکی از راه های دریافت وجوه اشتراک و اختلاف میان شعرا به حساب می آید. سهراب سپهری و فروغ فرخزاد از جمله شاعران نمادپرداز معاصر هستند که در این مقاله تلاش شده است با بررسی تطبیقی نمادها و دسته بندی آن در اشعار ایشان، به وجوه اشتراک و اختلاف اندیشه این دو شاعر که از نظر ساختار شعری به هم نزدیکند دست یابیم.

کلیدواژه ها: نماد، شعر، تطبیق، سهراب سپهری، فروغ فرخزاد.

جلوه‌های ادب پایداری در شعر علیرضا قزوه

• فاطمه تیمورپور و فریده خواجه‌پور

ادبیات پایداری که عبارت از مجموعه سروده‌ها و نوشته‌هایی است که مقاومت و پایداری یک ملت را در برابر عوامل استبداد داخلی و یا بیگانگان و دشمنان خارجی به تصویر می‌کشد، در ادبیات معاصر در قالب ادبیات دفاع مقدس تجلی یافت. مقاله حاضر به بررسی جلوه‌های ادبیات پایداری در سروده‌های علیرضا قزوه، یکی از گویاترین و شیواترین شعرهای دفاع مقدس، در سه سطح زبانی، ادبی و فکری می‌پردازد تا نشان دهد خصایص و جلوه‌های ادب پایداری در شعر این شاعر چگونه تجلی یافته است. این بررسی نشان می‌دهد جلوه‌های ادب پایداری در سطح زبانی در قالب الفاظ دینی - مذهبی؛ در سطح ادبی در قالب تصاویر تشبیه، تشخیص و تلمیح و در سطح فکری - معنایی در قالب مضامین حسرت، اعتراض و تمسخر و طنز از نمود و جلوه‌ی ویژه‌ای نسبت به سایر موارد برخوردار است.

کلید واژه ها : ادبیات پایداری، شعر دفاع مقدس، علیرضا قزوه.

تشخیص در سروده‌های علیرضا قزوه

• فاطمه تیمورپور

سروده های علیرضا قزوه که در پنج مجموعه‌ی شعری گردآمده‌اند، سروده‌هایی پویا و جاندارند. این تحرک و پویایی شعر قزوه نتیجه رسوخ و نفوذ صفات، افعال و حالات انسانی در اشیاء و عناصر بی‌جان طبیعت است که آن را تشخیص می‌نامند. پژوهش حاضر به بررسی تشخیص در سروده‌های علیرضا قزوه می‌پردازد تا نشان دهد تشخیص در شعر او چگونه تجلی یافته است و مشخصه‌های اصلی آن چیست. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که برجسته‌ترین مشخصه تشخیص در شعر قزوه، تشخیص‌های نادر و بکر اوست که بیانگر درد جامعه و مردم و اعتراض شاعر به بی‌عدالتی است. پویایی و تحرک شعر قزوه که ناشی از نسبت دادن فعل انسانی به امور بی‌جان است، رنگ دینی و مذهبی تشخیص، تلفیق این تصویر با سایر تصاویر و طبیعت زنده و پویا از دیگر ویژگیهای تشخیص در شعر قزوه است.

کلید واژه ها: تشخیص، شعر دفاع مقدس، علیرضا قزوه.

بررسی چند واژه ترکی در تاریخ بیهقی

بی بی صدیقه جاذبی

روانی و سلاست تاریخ بیهقی تا آن حد است که حتی بدون دانستن معنای چند واژه نامفهوم هم، آنرا می توان درک کرد و پی به شیرینی بیان نویسنده اش برد؛ اما بررسی و رمزگشایی از واژه های نامفهوم یا مبهم و یا دانستن معانی واژه هایی خاص و اعلام می تواند خوانندگان را به درک بهتر از کتاب راهنمایی کند و برای آنها مفید واقع شود. در تاریخ بیهقی لغات و به خصوص اعلام ترکی قابل توجهی وجود دارد که دانستن آنها می تواند برای خوانندگان این کتاب جذاب باشد. در رابطه با لغات ترکی تاریخ بیهقی کارهای ارزنده بسیاری انجام شده است. بیشتر لغات ترکی این کتاب معنی شده و مقالاتی نیز در راستای بعضی از واژه ها نوشته شده است. در این پژوهش، نویسنده چند واژه ترکی در تاریخ بیهقی را مورد بررسی قرار داده که تاکنون از سوی پژوهشگران رمزگشایی نشده است و اگر هم شده، نویسنده با توجه به مطالعاتی که انجام داده، نظر دیگری راجع به معنی آن دارد. لغاتی چون «دندانقان»، «آوار» و... از جمله واژگانی هستند که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت.

کلید واژه ها: تاریخ بیهقی، لغات ترکی، بررسی.

نقد فنی و روان شناسی اشعار همعصران رودکی

• دکتر ناصر جان نثاری

حیات دانش به نقد و رد آثار پدید آمده است. و شناخت ارزش آثار و خلاقیت های ادبی و تمیز درستی از نادرستی آنها به نقد ادبی است. به ویژه نقد فنی و روان شناسی آثار کلاسیک ادب فارسی. این مقاله درآمدی است بر نقد فنی و روان شناسی آثار حداقل هشتاد و دو شاعر معاصر رودکی، در این مقاله علاوه بر بررسی صورت شعر و هنرنمایی های فنی شاعران، به درون مایه های روان شناختی آنها نیز توجه شده است. در این مقاله پس از نقد نظریات فلاسفه یونان و تاثیر آنها بر آثار ادبی کلاسیک دوره اول (سبک خراسانی اول) آثار شاعران مذکور از دو منظر فنی و روان شناختی و درون مایه ها، بررسی شده است. در نقد فنی آثار این دوره، دانش های ادبی مورد نظر شاعران نیز، مورد توجه بوده است. بطوری که در آرایه های لفظی جناس و در آرایه های معنوی تشبیه و استعاره مصرحه کاربرد بیشتری داشته. در نقد روان شناسی شاعران این دوره، در ایجاد فضای شاد، دست توانایی دارند.

کلید واژه ها: درون مایه ها، آرایه های لفظی، آرایه های معنوی، همروزگاران رودکی.

ساختار فعل در گویش بککی

- عظیم جبّاره ناصرو
- بهرام شعبانی

گویش بککی، یکی از گویش‌های در حال نابودی استان فارس است. این گویش در روستای بکک- از روستاهای منطقه‌ی کوهمره سرخی شیراز- رواج دارد. با توجه به این نکته که در معرفی این گویش، تقریباً هیچ‌گونه تلاش علمی و پژوهشی انجام نگرفته است، گرد آوری اطلاعات برای به سامان رسانیدن مقاله‌ی حاضر، بیشتر بر پایه‌ی تحقیقات میدانی در منطقه صورت گرفته است. در بخش‌های گوناگون این مقاله، ساختمان فعل از نظر شناسه‌های فعل و ماده‌ی فعل، صفت مفعولی، پیشوندهای فعلی- که خود شامل پیشوندهای صرفی و ثابت می‌شود- و افعال کمکی در بخش‌های جداگانه‌ای با ذکر مثال‌های گوناگون بررسی شده است. همچنین ساخت فعل در زمان‌های گوناگون اعم از گذشته، حال و آینده، شامل ساختمان گذشته‌ی ساده، گذشته‌ی استمراری، گذشته‌ی دور، گذشته‌ی التزامی و حال ساده، حال کامل، حال التزامی و ساختمان فعل امر و ساخت فعل مجهول اعم از حال ساده‌ی مجهول، حال کامل مجهول، حال التزامی مجهول، گذشته‌ی ساده‌ی مجهول، گذشته‌ی استمراری مجهول، گذشته‌ی دور مجهول، گذشته‌ی التزامی مجهول با ذکر نمونه توضیح داده شده و در آخر مطالبی زیر عنوان عامل سببی و مصدر یاد شده است.

کلید واژه‌ها: گویش بککی، ساختمان فعل، شناسه، ماده‌ی فعل، ستاک.

بررسی سیر تصنیف سرایی در دوره ی قاجار

- عظیم جبارہ ناصرو
- بهرام شعبانی

از اواخر دوره ی قاجار و در آستانه ی جنبش مشروطه خواهی، تصنیف سازی در ایران رونق گرفت. بیشتر تصنیف های این دوره بازتاب آرمان های جنبش مشروطه خواهی و اوضاع سیاسی و اجتماعی این دوران است. تصنیف سرایی در این دوره به دو بخش تقسیم می شود: ۱- تصنیف هایی که به وسیله ی شاعران گمنام سروده شده است. در بیشتر این تصنیف ها پیوند چندانی میان شعر و موسیقی دیده نمی شود. ۲- تصنیف هایی که به وسیله ی شاعران و موسیقی دانان نامداری مانند علی اکبر شیدا و عارف قزوینی سروده شده است که پیوندی عمیق میان شعر و موسیقی در آن ها دیده می شود؛ این پیوند معلول دو علت است: ۱- آشنایی علمی و دقیق آن ها به تکنیک ها و مفاهیم دستگاه ها و گوشه های موسیقی ایرانی ۲- در بیشتر این تصنیف ها، سراینده ی شعر، خود آهنگ ساز بوده و پیوند میان شعر و موسیقی را به بهترین شکل رعایت کرده است. از سوی دیگر، دو گونه مضمون در این تصنیف ها دیده می شود: ۱- مضامین عاشقانه که ادامه ی طبیعی تصنیف سرایی در دوران گذشته است؛ سرآمد این گروه علی اکبر شیدا است. ۲- تصنیف هایی که برای بیان مقاصد ملی و وطنی و برای تجلیل آزادی سروده شده اند؛ پیش رو این گروه عارف قزوینی است که باعث شکل گیری جنبشی در تصنیف سرایی می شود که بعدها کسانی مانند امیر جاهد از سبک و شیوه ی او پیروی می کنند. در این جستار کوشش شده است به بررسی چگونگی تصنیف سرایی در دوره ی قاجار پرداخته شود.

کلید واژه ها: شعر، موسیقی، تصنیف، دستگاه، وطن، عشق.

• استادیار دانشگاه جهرم

• استادیار دانشگاه جهرم

بازتاب آیات قرآن در دیوان اقبال لاهوری

• مریم جعفرزاده*

دکتر محمد اقبال لاهوری (۱۳۱۶-۱۲۵۶ه.ش) متفکر و شاعر بزرگ پاکستان، به دو زبان اردو و فارسی شعر سروده و این هنر را برای رساندن پیام انقلابی و اخلاقی خود به مسلمانان جهان به کار گرفته است. با مطالعه‌ی اجمالی دیوان اشعار او، نشانه‌های گسترده‌ای از آشنایی شاعر با قرآن کریم و تأثیرپذیری او از آیات و حکایات و مضامین قرآنی به چشم می‌خورد. او ابیات متعددی در ستایش قرآن نیز دارد که در آن‌ها با استدلال و لحن حکیمانه به اهمیت قرآن اشاره می‌کند. در این پژوهش که به بازتاب آیات قرآن در دیوان اقبال لاهوری اختصاص دارد، پس از معرفی مختصر اقبال و جایگاه قرآن در اندیشه‌ی او، به جلوه‌های گوناگون تأثیرپذیری شاعر از آیات قرآن پرداخته می‌شود. در این بحث‌ها به نوع استفاده‌ی شاعر از آیه نظیر: اقتباس، حل، درج، تلمیح و نظایر آن‌ها نیز اشاره شده و متن آیات و ترجمه‌ی آن‌ها نیز در کنار بیت مربوط آمده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، اقبال لاهوری، شعر فارسی، تلمیح، اقتباس، حل.

تأثیرپذیری مآذون قشقای از فردوسی

ابوالفضل جعفری

علیرضا خادم الفقرا

ادبیات تطبیقی به بررسی تلاقی ادبیات و باز نمودن خط سیر پیوندهای ادبی ملل و اقوام گوناگون در زبان های مختلف و روابط پیچیده تاریخی از حیث تاثیر گذاری و تاثیر پذیری یکدیگر میپردازد. (سیدی، ۷، ۱۳۸۲) با یک نگاه واقع گرایانه مشخص می شود که همه اقوام و ملل تحت نفوذ فرهنگ یکدیگر و در سایه مشترکات فکری، علایق و پیوندها زیسته اند و همین داد و ستد های فرهنگی و ادبی سبب تحرک و پویایی و موجب دوام و قوام جوامع بشری گردیده است. در ادب فارسی حکیم ابوالقاسم فردوسی از شعرای توانایی است که در تاریخ هزار ساله پس از خود بر ذهن و زبان بیشتر شعرا تاثیر گذاشته و مقلدان بسیاری _ چه در زبان فارسی زبان و چه در زبان ترکی _ داشته است این گویندگان به صورت های مختلف از عناصر اساطیری و پهلوانی شاهنامه بهره برداری کرده اند. از جمله این شعرا در ادب ترکی می توان از شاعری قشقای به نام میرزا مآذون قشقای (۱۳۱۳-۱۲۴۶ ه.ق) شاعر ذولسانین (ترکی و فارسی) نام برد. او که یکی از بزرگ ترین شعرای زبان ترکی قشقای در عهد ناصرالدین شاه است در حقیقت واسطه العقد شاعران ایل است که با توجه به منشی گری و مکتب داری ایلخانان قشقای در عصر قاجار در این عرصه بسیار خوش درخشیده است. او در سرودن شعر حماسی از شاگردان حکیم فردوسی است. در اصل این مقاله کوشش نویسندگان بر این بوده تا با بررسی دیوان میرزا مآذون، میزان تاثیر پذیری او از شاهنامه فردوسی در ابعاد تفاوت ها، اشتراکات اندیشه، مضمون و درون مایه، لفظ و معنا و کاربرد آرایه های ادبی و... نمایانده شود. نتیجه قابل توجه این پژوهش این است که مآذون به دلایلی از مسائل کشوری کمتر سخن گفته و بیشتر به مسائل مربوط به ایل قشقای و اقلیم وسیع فارس پرداخته است. او اشعار ترکی خود را با استفاده از قالب های قوشما (۱۱ هجایی) و گرایلی (۸ هجایی) و شاختایی (۱۵ هجایی) سروده است. هر چند این شاعر در عرصه های دیگر شعری خود را به عنوان شاعری خلاق نشان داده است ولی در زمینه حماسه صرفا شاعری مقلد است که بیشتر تعابیر سرمشق خود را تکرار کرده و شاید به تفاوت هشتصد ساله زمان خود با فردوسی کمتر توجه نشان داده است.

کلید واژه ها: ادبیات تطبیقی، فردوسی، مآذون قشقای، شعر ترکی و فارسی.

انعکاس شاهنامه بر اشعار ملک الشعراى بهار

- دکتر حمید جعفری قریه علی
- دکتر سید علی قاسم زاده
- افسانه علی مندگاری

شعر عصر مشروطه به دلیل پیشگامی در انعکاس جهان بینی‌ها و کیفیت تحولات عمیق مضمونی در عرصه‌های فکری، فرهنگی و سیاسی- اجتماعی در تاریخ ادبیات ایران، شعری آوانگارد به شمار می‌آید. گرچه این نوگرایی در ظاهر می‌توانست راه هرگونه سنت‌گرایی را در پرداختن به انواع ادبی ببندد، به دلیل باورمندی شعراى سنت مداری چون ملک‌الشعراى بهار به بهره‌گیری از ظرفیت‌های ادبیات کلاسیک، پیوستگی سنت و تجدد ادبی را در بستر شعر مشروطه به جریانی مایه‌دار تبدیل کرد. در این میان شاید شاهنامه‌ی فردوسی بیش از هر اثر کلاسیک فارسی در شعر عصر مشروطه-چه در اوان پیدایش مشروطه و چه در هنگام استقرار آن- نمود داشته است؛ زیرا ماهیت انقلابی و پرهیجان مشروطه بیش از هر چیز نیازمند تقویت همگرایی جمعی و قومی بود و خصایص حماسی و ظرفیت‌های انگیزشی شاهنامه بهترین زمینه برای رسیدن به اهداف ساختاری به حساب می‌آمد. از این رو بخش قابل توجهی از اشعار مشروطه خواهان از جمله «بهار» به استفاده از شگردها و خصایص سبکی شاهنامه معطوف است، به ویژه آنگاه که شاعر می‌کوشد به تناسب دگرگونی در جهان بینی خویش به قصد تهییج احساسات ملی‌گرایانه و آزادی خواهانه از توانش حماسی شاهنامه در ایجاد هویتی جمعی و انقلاب فکری بهره‌گیرد. این پژوهش مبتنی بر رویکرد تحلیل بینامتنی کوشیده است، به کیفیت انعکاس شاهنامه در اشعار «بهار» پردازد. مطابق دستاوردهای این پژوهش، توجه به قهرمان پردازی‌های فردوسی به ویژه طرح تقابلی شخصیت‌های اشعار روایی «بهار» بر بنیاد اسطوره‌ای خیر و شر، بیشترین نوع پیوند بینامتنی را به خود اختصاص داده است.

کلید واژه‌ها: شعر مشروطه، حماسه، شاهنامه‌ی فردوسی، ملک‌الشعراى بهار، بینامتنیت.

• استادیار دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان

• استادیار دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان

• دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان

تجلی امشاسپندان، ایزدان و ایزدبانوان در منظومه خسرو و شیرین نظامی

• طیبه جعفری

ایرانیان کهن در تبیین جهان بینی خود از شش امشاسپند (جاودان مقدس) نام می‌برند که اهورامزدا ایشان را در ابتدای آفرینش، یعنی در سه هزاره نخست، از جوهر روشنی خویش آفریده است. هر امشاسپندی، گروهی از ایزدان و ایزدبانوان را در اختیار خود دارد که او را در خویشکاری اش یاری می‌دهند. اینان که محصول اندیشه گاهانی هستند و مینوان و ایزدان و ایزدبانوان دستیار آنها هر یک دارای صفتی هستند که به واسطه آن، آفرینش اهورامزدا را پشتیبانی می‌کنند. این آفریدگان مینوی که زمانی نسبتاً طولانی تقدیس می‌شدند و پاسداشت نمادهای گیتیان‌شان بر مردم واجب بود، با گذشت زمان و با پدید آمدن اندیشه‌ها و باورهای مذهبی نو، از زندگی روزمره ایرانیان رخت بر بستند و ساکن عمیقترین نسوج ناخودآگاه جمعی آنها شدند و از آن پس آثار مکتوب و غیرمکتوبی که ریشه در فطرت و ناخودآگاهی شاعران و نویسندگان و دیگر هنرمندان ایران زمین داشت، عرصه تجلی آنها شد. در میان این آثار برجسته، منظومه خسرو و شیرین نظامی، اثری است که پدیدآورنده آن در ترسیم شخصیتها و تبیین خویشکاری آنها از امشاسپندان، بهمن، اردیبهشت، شهریور، سپندارمذ، خرداد و امرداد و برخی ایزدان چون: سروش و ایزدبانو اناهیتا الگوبرداری کرده است. پژوهش حاضر، کوششی در زمینه تبیین و تحلیل تجلی امشاسپندان و ایزدان و ایزدبانوان در منظومه خسرو و شیرین نظامی است.

کلیدواژه‌ها: منظومه خسرو و شیرین، بهمن، اردیبهشت، شهریور، سپندارمذ، خرداد و مرداد.

فولکلوریک و ارتباط آن با فانتزی در ادبیات کودک و نوجوان

• دکتر مریم جلالی

پیوند واژه ی فولکلور که ریشه ای عمیق در سنت های قدیم دارد، با واژه ی فانتزی که کمتر با گذشته سر و کار دارد عجیب نیست. آنچه در این میان مهم است کشف رابطه ای است که می تواند بین فولکلور و فانتزی در ادبیات کودک و نوجوان وجود داشته باشد. نویسنده ی ادبیات فانتزی خالق دنیای محال است. او در خلق دنیای محالش گاهی نیازمند استفاده از فولکلور است و این کاربرد را در جهت ساختن واژه های خیالی و تاثیرگذار بر مخاطب استفاده می کند. کاربرد مطالب سنتی و فولکلوریک نیز در داستان های فانتزی این امکان را فراهم می سازد تا خوانندگان به طور ذاتی و ناخودآگاه، واقعیت و عمق فرهنگی دنیای محال ساختگی در داستان را درک کنند. در این ساختار از داستان ها، فقط به رفتار های خوب و بد اشاره نمی شود، بلکه ممکن است بازتابی نهفته داشته باشد و خواننده به طور غیر مستقیم به بازبینی نگرش یا عقاید سنتی دراز مدتی بپردازد که حداقل در یک دوره و زمان قابل قبول بوده است. در این مقاله به چند نمونه از این ارتباط در ادبیات کودک و نوجوان اشاره کرده و به تحلیل و بررسی آن پرداخته ایم.

کلید واژه ها: ادبیات. کودک و نوجوان. فولکلور. فانتزی.

استعاره از دیدگاه ابن سینا و جرجانی

- مصطفی جلیلی تقویان
- عبدالله رادمرد

به نزد ارسطو مجاز عبارت از این است که اسم چیزی را بر چیز دیگری نقل کنند. او جملات استعاری را کاذب نمی دانست چرا که زبان شعر از زبان روزمره جداست. از نظر او معیارهای صدق و کذب در شعر همان معیارهایی نیست که در نظریات سیاسی یا فنون دیگر به کار می روند. بنابراین نباید چندان در پی سنجش جملات شعری با ملاک صدق و کذب منطقی باشیم. ابن سینا استعاره را یکی از انواع محاکات می داند که به تشبیه نزدیک است. از نظر او نیز نباید شعر را به معیار صدق و کذب سنجید زیرا غایت شعر تلذذ نفس و ایجاد قبض و بسط در آن است. از دید جرجانی استعاره عبارتست از: استعمال لغتی توسط شاعر یا غیر شاعر در غیر اصلش در وضع لغوی. او نیز استعاره ها را کاذب نمی داند. اگرچه از نظر او یک گزاره شعری می تواند به لحاظ منطقی کاذب باشد اما شاعر هرگز قصد دروغگویی به مردم را ندارد بلکه قصد او مبالغه در یک ویژگی است تا بتواند شعاع انتشار مطلبی را که در نظر دارد گسترش دهد. باری این مقاله در پی آنست تا صدق و کذب گزاره های شعری را بر اساس نظر ابن سینا (۳۷۰-۴۲۸ ق) و جرجانی (۴۷۱ م) بررسی کند. از همین رو به تعریف استعاره می پردازد چنان که در *فن الشعر ابن سینا و اسرار البلاغه* جرجانی آمده است. سپس دیدگاه آنها درباره صدق و کذب گزاره های شعری توضیح داده می شود. از آنجا که دیدگاه آنها نزدیک یا مبتنی بر دیدگاه ارسطوست ناگزیر از طرح نظر او در این باب هستیم. هم از این رو در گام نخست به رای ارسطو درباره استعاره و مسئله صدق و کذب پرداخته می شود. این مقاله در پایان به این نتیجه می رسد که از نظر جرجانی و ابن سینا استعاره تعریفی مشابه دارد اما از آنجا که این دو اندیشمند ایرانی زمینه فکری متفاوتی دارند نظرشان درباره صدق و کذب گزاره های شعری با یکدیگر متفاوت است.

کلیدواژه ها: استعاره، صدق و کذب گزاره های شعری، ارسطو، ابن سینا، جرجانی

• دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

• دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

فانتزی و کلیشه های جنسیتی؛ با تحلیل مجموعه داستان فزانورد در کوره آجرپزی

• عاطفه جمالی

فزانورد در کوره‌ی آجرپزی نخستین اثر محمد محمدی نویسنده و پژوهشگر کودک و نوجوان است. این اثر ترکیبی از یک داستان واقع‌گرا با نام **فزانورد در کوره‌ی آجرپزی** و یک داستان فانتزی به نام **حقیقت در زمین تنهاست**، است. برخی از منتقدان زن‌گرا برآنند که فانتزی قالبی خاص و واژگون ساز است. در فانتزی می‌شود بسیاری از تعاریف ثابت و راکد را تغییر داد و بسیاری از مفاهیم را از نو تعریف کرد. از جمله مفاهیمی که در فانتزی باز تعریف می‌شود مفهوم «زنانگی و مردانگی» و «کلیشه‌های جنسیتی» است. در فانتزی به دلیل شکل گرفتن در دنیای غیرواقعی و برخورداری از شخصیت‌های خیالی می‌توان تعاریف مردسالارانه‌ی جهان واقع را تغییر داد؛ به عبارت دیگر چون در یک اثر فانتزی مؤلف متعهد به نمایش عینی واقعیت نیست و اساس آن مبتنی بر فراروی از جهان عادی روزمره است، می‌توان بسیاری از کلیشه‌های تبعیض جنسی را شکست و «جنس و جنسیت» را دوباره تعریف کرد. در این مقاله کوشش شده است با مطالعه‌ی تطبیقی دو داستان نام‌برده از دیدگاهی زن‌گرایانه، فرضیه‌ی کلیشه‌گریزی گونه‌ی فانتزی به آزمون کشیده شود. یافته‌ی نهایی مقاله حکایت از وجود کلیشه‌های جنسیتی در داستان واقع‌گرا و کمرنگ شدن آنها در داستان فانتزی و نگرش مبتنی بر برابری دو جنس دارد.

کلمات کلیدی: فزانورد در کوره‌ی آجرپزی، فانتزی، کلیشه‌های جنسیتی.

«جستاری در مبحث مقاصد ثانوی جمله»

فاطمه جمالی*

علم معانی که تحت تأثیر فن خطابه یونان باستان پدید آمده و در پرتو قرآن کریم شکوفا شده است، در میان فنون مختلف بلاغی از درونی ترین مسایل زیبایی شناختی و ظریف ترین شیوه های تأثیر کلام سخن می گوید. از جمله قابلیت های بلاغی این دانش، می توان به تحلیل و تبیین اندیشه و جهان بینی گوینده، بیان مقتضیات حال و مقام مخاطب و توسع زبان، اشاره کرد که مبحث «مقاصد ثانوی خبر و انشا»، به عنوان یکی از مهمترین ارکان این علم، نقشی کارآمد و ویژه در این زمینه ایفا می کند. با این حال در کتاب های معانی بحث مستقل و مفصلی به آن اختصاص نیافته است بلکه، در دو بخش؛ اسناد خبری ذیل اغراض ثانوی خبر، و انواع انشا ذیل اغراض ثانوی پرسش، امر، نهی و ندا به این مبحث پرداخته اند. نظر به اهمیت این بحث و نقش آن در بررسی کلام و رعایت اقتضای حال مخاطب و فوائد آن در نقد ادبی، سبک شناسی و فهم متون کهن و جدید، بازبینی آن ضرورت می یابد که پژوهش حاضر پس از تحقیق در امهات کتب بلاغی بدان پرداخته است. نتایج حاصل از بررسی کارکرد اغراض ثانوی جمله به همراه جداول مربوط به هریک، بیانگر مطالب درخور توجهی نظیر: نوع و تعداد اغراض، تفاوت و تنوع آن و اختلاف معنی دار در ذکر این مقاصد ثانوی است.

کلید واژه ها : علم معانی، مقاصد ثانوی جمله، خبر، انواع انشا.

آرزوی تحقق نیافته دانشور در سوشون، جزیره ی سرگردانی و ساربان سرگردان

- دکتر لیلی جمالی
- شکوفه ذریه حبیب

مقاله حاضر بر آن است تا شخصیت‌های اصلی زن را در رمانهای سیمین دانشور مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. هدف اصلی این مقاله تحلیل و تجزیه مادران این رمانها از دیدگاه نظریات ژولیا کریستوا است. اگر چه تحلیل و تجزیه آثار بانوی برجسته داستان نویس فارسی از چند دیدگاه مورد بررسی قرار گرفته است اما در این مقاله تلاش شده است تا زوایای تازه ای از رمانهای وی که تا کنون به آنها توجه چندانی نشده است مورد بررسی قرار گیرد. دانشور به عنوان اولین بانوی رمان نویس ایران علی رغم نداشتن فرزند روابط مادر و فرزندی را در تمام رمانهایش به بهترین شکل به تصویر کشیده است. طبق نظریات ژولیا کریستوا مادر بودن و زن بودن دو مقوله ی جدا از هم هستند و زنی که مادر نیست و "تحقیر" نشده است نمیتواند مادرانگی و روابط مادر و فرزندی را درک کند. اما چنین به نظر میرسد که مادر نشدن دانشور نه تنها مانع و سدی برایش نشد بلکه نقش پلی را ایفا کرد تا توسط آن به دنیای زیبا و خیالی مادر بودن در رمانهایش دست یابد. دانشور مادرانگی را از مادر هنرمندش آموخته و در زری و هستی (مادران رمانهایش) جاری و ساری ساخته است. هنر و نویسندگی نوشدارویی بود برایش تا قبل از مرگ و درماندگی روحی از سقوط نجاتش داده به قله های افتخار رهنمونش سازد.

کلید واژه ها: دانشور، کریستوا، تحقیر شدگی، مادرانگی.

-
- استادیار زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز
 - دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

بررسی تأثیرات نحوی نثر بیهقی بر زبان شعری شاملو

دکتر سید منصور جمالی

لطف‌الله سعیدی‌فر

از میان همه‌ی شاعران روزگار ما که از بند وزن و قافیه رستند و قدم در فضای «رهای مقید» شعر سپید نهادند، شاملو را شاید بتوان بزرگترین شاعری نامید که مسیر حرکت از «شعرِ خودی» تا کشف «خودِ شعری» را به گونه‌ای هوشمندانه و پرفراز و نشیب سپری کرده است. هوشمندی او آنجاست که زبان شعری خویش را از اصالت زبانی که بن مایه‌های آن در نثر قرن چهارم و پنجم به خصوص تاریخ جاودان ابوالفضل بیهقی به چشم می‌خورد، در آمیزه‌ای مبتنی بر قوتِ احاطه بر واژه و نیز جایگزینی «موسیقی واژه» به جای «موسیقی عروضی» را با استحکام و جسارت دریافته است. این پیوند در سطوح مختلف زبانی و ادبی واقع شده‌است، جدای از تأثیرات موسیقایی و مشابهت‌های واژگانی، بهره‌برداری نحوی که منتج به ظهور زبانی منحصر و بدیع شده است، همان چیزی است که در این مقال مجال بررسی می‌یابد.

کلید واژه ها: شاملو، بیهقی، سطح زبانی، شعر سپید، سطح نحوی.

بررسی اجتماعیات در اشعار فارسی و منظومه‌ی حیدربابای شهریار

• هادی جوادی امام زاده

بررسی اجتماعیات در آثار ادبی، شاخه‌ای از جامعه‌شناسی ادبیات است که می‌تواند نوع نگرش هنرمند به واقعیتهای جامعه، دلایل برجسته‌سازی هنجارها و ناهنجارهای اجتماعی و همچنین ابعادی از رابطه‌ی متقابل تأثیرگذاری و تأثیرپذیری اثر ادبی با جامعه را مورد بررسی قرار دهد. مقاله‌ی حاضر نشان می‌دهد که بیان ناهنجاری‌های اجتماعی یکی از محورهای اصلی اجتماعیات در اشعار فارسی شهریار است که وی تحت تأثیر تعهد ادبی خود در قبال جامعه، با نگاهی انتقادی سعی در بهبود شرایط موجود و تأثیرگذاری سازنده بر مخاطب دارد. همچنین این شاعر در منظومه‌ی حیدربابا، به بیان اجتماعیاتی می‌پردازد که ریشه در هنجارهای فرهنگی و آداب و رسوم سنتی روستاییان آذربایجان دارد؛ اما با تغییر این الگوها و تأثیرپذیری ذوق ادبی شهریار از این دگرگونی، نگاه نوستالوژیک وی در این منظومه نمایان شده که علاوه بر دلتنگی زمانی و مکانی، یادآور ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی نیز می‌باشد.

کلید واژه ها: جامعه‌شناسی ادبیات، اجتماعیات، رابطه‌ی متقابل ادبیات و جامعه، تعهد ادبی، شهریار، حیدربابا، نوستالوژی.

بدیعیه در شعر فارسی

- حمیدرضا جوادی نوش آبادی
- دکتر علیرضا فولادی

بدیعیه، یکی از انواع ادبی در شعر عربی و به تبع آن شعر فارسی است. به طور کلی بدیعیه قصیده ای است که در هر بیت یا (دو بیت) آن دارای یکی از صنایع بدیعی و بنای بیت بر آن صنعت باشد و همه یا عمده صنایع در آن قصیده به نظم آمده است و بیستی بدون صنعت در آن یافت نشود. رواج بدیعیه سرایی به قرن هشتم و نهم باز می گردد و در این سده ها بود که شمار بدیعیه سرایان افزونی یافت. نخستین بدیعیه سرا را می توان صفی الدین حلی دانست، اما ابتکار این کار از آن امین الدین اربلی بوده است. بدیعیه ها از نظر شیوه التزام به صنایع بدیعی به دو دسته ملتزم و غیر ملتزم تقسیم می شوند. نخستین بدیعیه سرای فارسی زبان، قوامی رازی است. در مقاله حاضر ضمن بررسی مقدماتی بدیعیه سرایی در زبان عربی، به معرفی بدیعیه سرایان زبان فارسی پرداخته ایم. این مقاله همچنین مباحثی چون نخستین بدیعیه سرا، انواع بدیعیه و ... را در برمی گیرد.

کلیدواژه ها: شعر، قصیده، بدیع، بدیعیه، بدیعیه سرا.

• دانشجوی کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کاشان / Javadi۹۰۰۹۶@yahoo.com

• استادیار دانشگاه کاشان / fouladi۲@yahoo.com

بررسی ساختاری و تاویل اسطوره شناختی رمان «سوغ مغان»

- علی جهانشاهی افشار
- مصطفی گیلانی

سوغ مغان، اثر محمدعلی علومی، رمانی است که مضمون اصلی آن را جدال روشنی و تاریکی و تلاش راوی برای تعیین نسبت خود با هر یک از این دو در اجتماع خویش، دربر می گیرد. نگارندگان برای دست یافتن به ساختار اساسی داستان و ارائه تاویلی اسطوره شناختی از آن، ابتدا نحوه شکل گیری متن بر پایه ساختار تقابلی X و Y را با بررسی شخصیت ها و کنش های خیر و شر نشان می دهند و در بخش دوم نوشتار با در نظر داشتن اصول نقد اسطوره شناختی، سعی می کنند پیچیدگی ها، گره ها، اشارات درون متنی و بینامتنی را با توجه به تاریخ، اسطوره های ایرانی و نمادها رمز گشایی کنند و تاویلی منسجم و یکدست از آن به دست دهند.

کلید واژه ها: تحلیل ساختاری، اسطوره های ایرانی، نقد اسطوره شناختی، سوغ مغان، نماد.

• استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان
 • دانشجوی دوره دکترای رشته زبان شناسی همگانی دانشگاه پیام نور مرکز

بررسی دیدگاه سنایی غزنوی و مولانا جلال الدین بلخی نسبت به ابلیس

- سوزان جهانیان
- نسیم جهانیان

یکی از بحث برانگیزترین ابهامات و شبهات میان مسلمانان دیدگاه دوگانه نسبت به ابلیس است که از همان سده نخست نزول قرآن در صدر اسلام ظهور کرد و موجب پدید آمدن مناقشات تفسیری و کلامی در میان مسلمان گردید. بر اساس آیات قرآن کریم و آموزه‌های دینی، مسلمانان ابلیس را متمرّد از امر حق، کافر شناخته و مستحق لعن می‌دانند و از شرّ او به پروردگار استعاذه می‌جویند. اما گروهی از عارفان مکتب سکر عرفانی مانند عین‌القضات همدانی؛ حلاج؛ خرقانی و احمد غزالی او را عاشقی موحد می‌خوانند که سجده بر غیر محبوب را دور از غیرت عاشقی می‌بیند. این‌گونه دفاعیات از ابلیس به عرصه ادب پارسی نیز راه یافته است. حکیم سنایی غزنوی و مولانا جلال الدین بلخی به عنوان استادان کم نظیر ادب پارسی و بزرگان تصوف چهره ابلیس را در آثار خود ترسیم کرده‌اند و این مقاله به مطالعه و مقایسه نظرات آنها می‌پردازد که دیدگاه این دو حکیم و عارف بزرگ در باب اختیار و اجبار، ایمان و کفر ابلیس چگونه است. آیا ابلیس متمرّدی است کافر یا موحدی است عاشق؟ آیا ابلیس سنایی با ابلیس مولانا تفاوت دارد؟ و سرانجام اینکه آیا این دو حکیم، مدافع شیطان‌اند یا مانند جمهور مسلمانان او را کافری نافرمان می‌شناسند؟

کلیدواژه‌ها: ابلیس، شیطان، سنایی، مولوی، عرفان، عزازیل، مدافعان ابلیس.

• دانشجوی دکتری زبان و ادب فارسی

• دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

بررسی اندیشه‌های دینی شاهنامه در ارتباط با روند زندگی اشخاص و کیهان‌شناسی فردوسی

• سوزان جهانیان

دنیای شاهنامه، پهنه‌ای است از دالان‌های تاریک اسطوره تا ایوان‌های روشن تاریخ؛ در این اثر حماسی گران‌قدر که همانا شناسنامه‌ی ملی هر ایرانی به حساب می‌آید، با فراز و فرودهای فراوانی مواجه هستیم که بررسی هر یک، نگارش چندین و چند کتاب را موجب می‌گردد؛ اما در میان این هزارتوهای داستانی، روند زندگی اشخاص از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چرا که از ابتدا تا انتهای این حماسه‌ی بزرگ، سرگذشت و زندگی قهرمانان، شاهان، شاهزادگان و پهلوانانی را شامل می‌شود که هر یک به زعم خود سهم به‌سزایی در رقم زدن تاریخ حماسی و اساطیری سرزمین ایران دارند. بررسی و تحلیل اندیشه‌های این انسان‌ها در کنار اعتقادات آیینی آن‌ها و هم‌چنین نگرش فردوسی به عوامل موثر بر زندگی و سرگذشت شخصیت‌ها، موضوعی است که این مقاله سعی در بیان و شرح آن دارد. این که آسمان و عناصر فلکی و موجودات فراسویی طبیعت تا چه اندازه در تعیین مسیر زندگی و البته سرگذشت و عاقبت انسان‌های شاهنامه دخیل بوده و این تأثیر تا چه حدی برگرفته از اندیشه‌های دینی حاکم بر شاهنامه و تفکر سراینده‌ی آن (فردوسی) است، موضوع اصلی نوشته‌ی حاضر را در بر می‌گیرد. در این راستا به تحلیل عقاید و اندیشه‌های چهار آیین اصلی و غالب بر شاهنامه، یعنی زروان، مهر، زرتشت و اسلام می‌پردازیم و موضع هر یک را در رابطه با مسأله‌ی تأثیر عناصر کیهانی در زندگی افراد و اشخاص شاهنامه بررسی می‌نماییم.

کلید واژه‌ها: شاهنامه، عناصر فلکی، موجودات فراسویی، زروان، مهر، زرتشت، اسلام.

زمان و اصالت آن در شاهنامه

• سوزان جهانیان

«زمان» و کشف اسرار افلاک و ماه و ستارگان، همواره ذهن بشر جستجوگر را به خود مشغول داشته است. از دیرباز تا کنون او برای دریافتن راز زمان، تلاش بسیاری کرده است. پیشینیان ما، از آن جا که هنوز درک منطقی و علمی از این مقوله نداشتند، به اساطیر دست می‌یازیدند. «زمان» نیز در گذشته‌های دور، اسطوره‌ای بوده تا از این رهگذر بشر بتواند آنچه را که از گردش روز و ماه و سال می‌بیند، نزد خود توجیه کند. در آثار کشف شده در طول تاریخ می‌توان به تلاش آدمی در این راستا پی برد. کتیبه‌ها، نگاره‌ها و متون کهن همگی گواه این امر هستند. اسطوره‌ی «زروان» یا خدای زمان از اساطیر کهن ایران باستان است که اعتقاد به آن تا مدت‌ها زروان‌پرستی را در میان ایرانیان رواج داد. شاهنامه به عنوان مهم‌ترین سند اساطیری و تاریخی ملت ایران، در برگیرنده‌ی مضامین مختلف دینی و اعتقادی است که یکی از آنها مسأله‌ی زمان و چگونگی شکل‌گیری و میزان اهمیت و تأثیر آن در طبیعت و زندگی بشر است. در این مقاله به بررسی عنصر زمان به عنوان یکی از اساسی‌ترین اصول اندیشه‌ی زروانی در شاهنامه می‌پردازیم.

کلید واژه‌ها: زمان، شاهنامه، زروان، تقدیر، جبر و اختیار.

نقش زبان در اندیشه و جنسیت زنان آثار شهرنوش پاریسی پور

• محمدرضا چراغی

فمینیستها معتقدند که اسباب تمایزهای جنسی زائیده‌ی سلطه‌ی مردانه بر نهاد زبان است. برخی این واقعیت را نادیده می‌گیرند که بین زنان و مردان از جنبه‌ی تکوینی و در ابعاد زیست‌شناختی، فیزیولوژیک و روان‌شناختی تفاوت‌های بسیاری وجود دارد و این تفاوت‌ها طبعاً در زبان آنها نیز تاثیر می‌گذارد. اما در بررسی عوامل و ویژگی‌های نویسندگی زنان که شهرنوش پاریسی پور نماینده‌ی آنهاست، در این زمینه بسیار مهم و ضروری است و دانستن این مسأله، راه را برای چنین مطالعاتی هموار می‌کند و گامی ست برای شناخت بهتر و دقیق‌تر این گونه‌ی زبانی و نقد فمینیستی در جهت فهم ساختار و محتوای آن. در این پژوهش به بررسی آثار شهرنوش پاریسی پور پرداخته شده است که در کنار زنان همفکر و هموطن خود، طرح تازه‌ای می‌اندازد و تقریباً در تمام آثارش آنها را عنوان می‌کند. ما سعی داریم تا به اتکای روشهای بررسی مکتب فمینیسم و نقد عناصر زبانی، با ذکر نمونه‌هایی از موقعیت و منزلت زنان و ادبیات از نگاه نویسنده و شخصیت‌های او، به تحلیل‌های فکری و جامعه‌شناسانه و پیشینه‌های جنسیتی در این باره بپردازیم. کوشیده شده علاوه بر نشان دادن نوع اندیشه فمینیستی، زبان و لحن نوشتاری و گفتاری شهرنوش پاریسی پور، جنبه‌های شباهت و تفاوت و نقاط ضعف و قوت را دریابیم.

کلید واژه‌ها: زبان زنانه، لحن، جنسیت، داستان، شهرنوش پاریسی پور.

بررسی مفاهیم قلندری و ملامتی در گفتار و کردار ابوسعید ابوالخیر و حافظ

- محمدرضا چراغی
- علی چراغی

مفهوم ملامت از جمله مفاهیمی است که علاوه بر کاربرد در فرقه های خاص چون قصابیه و قلندریه، جزو عناصر مهم تعلیمات عرفانی ماست. در طول قرن ها این مفهوم به عنصر اصلی تصوف مبدل شد. شاید یکی از بزرگترین دلایل آن وجود عارفان و صوفیان بزرگی از جمله بوسعید و بایزید است که مروج آن بوده اند. در میان شاعران نیز حافظ از کسانی است که مروج ملامت است. می توان گفت که حافظ و بوسعید، بزرگترین نمایندگان مکتب ملامتی که نشان دهنده آزادی اندیشه است، می باشند. نقش «ابوسعید» در عارفان و تصوف همان نقشی است که «حافظ» در میان شاعران ایفا می کند. در این مقاله سعی بر آن شد تا تصاویری که تنها از نگاه ملامتیه توجیه پذیر است را در کردار و گفتار ابوسعید ابوالخیر و حافظ شیرازی بررسی گردد. گفتارها، گاه به رنگ هنر آغشته شده اند و نمی توان رای ثابتی در مورد تناقضات گفتار آنان یافت؛ البته قلم محمدبن منور نیز در این مسیر بی تاثیر نبوده است و چه بسا منابعی که بدست او رسیده همگی مربوط به ابوسعید نبوده و مقداری هم از ذوق خود بهره گرفته باشد. صدق و کذب گزاره هایی که در این مقاله بدان پرداخته ایم، از نوع صدق و کذب گزاره های هنری است؛ چراکه چیره دستی هنری آفرینندگان این آثار ما را از دادن حکم ثابت باز می دارد.

کلید واژه ها: ملامتیه، قلندری، عرفان، تصوف، ابوسعید ابوالخیر، حافظ.

«بهره وری از رایانه و نرم افزار در پژوهش های ادبی به ویژه فرهنگ نویسی»

- مهدیه چراغی
- پوران دابویی
- عادل هاشم پور

یکی از تحقیقات ارزشمند در شناخت زبان، تهیه ی فرهنگ های «واژه نما» و «بسامدی» است تا بتوان اطلاعاتی نظیر: ویژگی های ادبی، اجتماعی، هنری، دینی، سبک شناختی و... را در اثر مورد نظر یافت. در شیوه های جدید پژوهش، به یاری رایانه و انواع نرم افزار، تمام واژگان یک اثر ادبی در صفحه ی گسترده ی «Excel» فهرست شده و کلمات اصلی (مدخل) در ستون «A»، کلمات فرعی (زیر مدخل) در ستون «B»، شاهد مثال در ستون «C» و شماره ی صفحه در ستون «D» قرار می گیرد؛ پس از پایان برگه نویسی رایانه ای، فهرست واژگان را با استفاده از نرم افزار، به صورت الفبایی مرتب (Sort) کرده و بسامد هر واژه را به دست می آوریم؛ اطلاعات به دست آمده را در واژه پرداز «word» منتقل کرده و توسط این نرم افزار نیز از بالاترین بسامد به پایین ترین بسامد تنظیم می کنیم. به این ترتیب روش «رایانه ای» جایگزین روش سنتی «فیش برداری» می شود. این مقاله، بر ضرورت کارکرد نرم افزار جهت تسریع در امر پژوهش اشاره دارد و نکته ی برجسته آن است که اگر برای تألیف فرهنگ «واژه نما» و «بسامدی» کتابی از متون ادب فارسی حدود ۶۵۰۰ بیت، با روش سنتی «فیش نویسی» تقریباً ۵ سال زمان لازم است، با بهره گیری از رایانه و انواع نرم افزار ضمن اطمینان بیشتر از اینکه واژه ای جا نیفتاده، در زمانی کمتر از یک سال می توان این فرهنگ را تألیف کرد؛ از جمله: فرهنگ واژه نمای «خسرو و شیرین» و «اقبالنامه» به کوشش نگارندگان.

کلید واژه ها: رایانه، واژه پرداز «Word»، صفحه ی گسترده ی «Excel» و فرهنگ نویسی.

• دانشجوی دکتری مدرس دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آبادان، آبادان، ایران

• مدرس دانشگاه سازمان آموزش و پرورش استان مازندران

• عضو هیأت علمی تمام وقت دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آبادان، آبادان، ایران

معرفی، تصحیح و نسخه شناسی دیوان مسیح کاشانی

- دکتر مرتضی چرمگی عمرانی
- مریم بازداد

رکن الدین مسعود بن حکیم نظام الدین علی کاشی متخلص به مسیح کاشانی از شعرای نیمه دوم قرن دهم و اوایل قرن یازدهم است. وی ملک الشعرا و طبیب دربار شاه عباس صفوی بوده و در علم طب، خوشنویسی و شاعری مقامی بلند داشته است. از آثارش دیوان شعر و کتابی در زمینه ی علم طب باقی مانده است. وی در انواع قالب های شعری طبع آزمایی کرده اما در غزل و قصیده سرآمد است از نظر سبکی شعر او متمایل به سبک هندی بوده و ردپایی از مکتب وقوع را هم می توان در اشعارش مشاهده کرد. هدف اصلی این پژوهش معرفی اجمالی دیوان شاعر و نسخه شناسی نسخ یازده گانه است که نگارنده دیوان شعر او را بر اساس آنها تصحیح کرده است، سایر مباحثی که در ضمن نسخه شناسی نگاهی گذرا به آنها شده، شامل معرفی کلی شاعر، آثار او و سبک شناسی کلی اشعار وی می باشد.

کلید واژه ها : مسیح کاشانی، نسخه شناسی، تصحیح، دیوان، سبک شناسی.

• دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور momraniyasin@yahoo.com

• دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی mbazdad@gmail.com

بررسی مولفه های سبکی مکتب وقوع در غزلیات میرزا محمد ولی دشت بیاضی

دکتر مرتضی چرمگی عمرانی

نعمت الله پناهی

میرزا محمد ولی دشت بیاضی متخلص به ولی از شاعران بزرگ قرن دهم هجری و معاصر شاه تهماسب اول صفوی (۹۸۴-۹۳۰هـ.ق)، شاه اسماعیل ثانی و سلطان محمد خدابنده است. شعر مولانا ولی دشت بیاضی تحت تاثیر شعر دوره صفوی ویژگی هایی از قبیل مضمون آفرینی، خیال پردازی و نکته سنجی را دارد که همان ویژگی های اصلی سبک هندی است. علاوه بر این در اشعار ولی برخی غزلیات، ویژگی های مکتب وقوع دیده می شود و حتی نشانه هایی از مکتب واسوخت را در اشعارش می توان یافت. در این مقاله با ترسیم جامعه ادبی مکتب وقوع، مهم ترین مولفه های شعر وقوع و واسوخت در غزلیات ولی دشت بیاضی از جمله: ۱- ساختار عامیانه و محاوره ای زبان شعر ۲- شعر فاقد جهان بینی ۳- شخصیت اجتماعی شاعر مورد بررسی قرار گرفته است. نتیجه حاصل از این پژوهش در مباحث مربوط به سبک شناسی تاریخی و شناخت مکتب وقوع کاربرد دارد.

کلیدواژه ها: میرزا محمد ولی دشت بیاضی، سبک هندی، مکتب وقوع، واسوخت.

بررسی تطبیقی دو روایت نبرد رویین دژ و جنگ تروا

- زینب چوقادی
- طیبه جعفری

بررسی الگوهای مشترک در میان روایات کهن مدت‌ها موضوع کار محققان ادبیات تطبیقی بوده‌است. در میان اساطیر و حماسه‌های برجسته جهانی بررسی تطبیقی شاهنامه فردوسی و ایللیاد همر از موضوعاتی است که پیوسته بدان رویکردی ویژه وجود داشته‌است و این اقبال به مشترکات ساختار روایت این دو منظومه اساطیری- حماسی مربوط می‌شود. بر این اساس می‌توان شباهت‌هایی عام در کل شاهنامه و نبرد تروا یافت اما به شکل ویژه‌ای ساختار روایی داستان نبرد گنبدان دژ و تروا به یکدیگر شبیه و حتی در جزئیات قابل انطباق است. در این مقاله به بررسی مشترکات دو روایت از دیدگاه اسطوره‌شناسی و روانکاوی می‌پردازیم. بر این اساس این بررسی حاوی تحلیل نماد شناسانه و روانکاوانه مشترکات هر دو روایت است. مشترکاتی که از دیدگاه روانکاوی اسطوره، ریشه در نمود کهن الگوهای بر آمده از ناخودآگاه جمعی دارد و می‌توان مصادیق آنرا در شخصیت پردازی، فضا سازی و صحنه داستان و همچنین در طرح روایت یافت.

کلیدواژه‌ها: فردوسی، همر، تروا، رویین دژ، ناخودآگاه جمعی، کهن الگو.

• عضو هیات علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان-خوراسگان

• دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

بررسی کلمات مشترک بین زبان فارسی و زبان عثمانی

دکتر رسول چهرقانی منتظر

مهدی عبدی

سلسله عثمانی در ترکیه که همسایه دیرینه ایران شمرده می شود، تقریباً از قرن هفتم تا چهاردهم هـ. ق حکمرانی می کردند و در این مدت، در ایران سلسله های مختلفی بر سر حکومت آمدند، که اولین آنها ایلخانان مغول بود و پس از آنها، دوران ملوک الطوائفی بر ایران حاکم شد و سپس تیموریان، قره قویونلوها، آق قویونلوها، صفویان، افشاریه، زندیه و قاجار به حکومت رسیدند. بدیهی است که در این برهه زمانی، بر اثر همانندی های مذهبی، جنگ ها، تجارت و یا روابط دو جانبه، میان دو زبان فارسی و عثمانی در حوزه لفظ و معنای کلمات، تشابهات بارزی وجود داشته باشد و از هر کشور شاعر، مورخ و یا ادیبی سر بر آورد که به زبان کشور همسایه شعر بگوید و یا اثر بدیعی بیافریند، و یا مردم هر دو کشور، کلماتی را به کار ببرند که معنای واحد و ساختار یکسانی داشته باشند. با توجه به اینکه در دوره مورد بحث، هر دو زبان فارسی و عثمانی، الفبای یکسانی داشتند، اشتراکات فراوانی در کاربرد کلمات پیدا کرده اند، که در این مقاله سعی شده با استفاده از ریشه و معنای واحد کلمات، مهمترین آنها گردآوری و واکاوی شود، تا مشخص گردد بین دو زبان فارسی و عثمانی که سالیان متمادی در دو کشور همسایه مورد استفاده قرار گرفته اند، چه اشتراکات لفظی و معنایی وجود داشته است.

کلیدواژه ها: زبان فارسی، زبان عثمانی، کلمه، لفظ و معنا، بررسی تطبیقی.

شهابی در آسمان ترشیز

• هادی حاتمی کیا

مقاله حاضر که با عنوان «شهابی در آسمان ترشیز» فراهم آمده به معرفی یکی از مقلدان موفق و هنرمند نظامی گنجه ای می‌پردازد. نویسنده بر آن است تا خلاقیت این شاعر پر آوازه‌ی سده دوازده و سیزده را در بهره‌گیری از ذوق و استعداد خود در منظومه خسرو و شیرین که به تقلید از خسرو و شیرین نظامی و آثار دیگر او پرداخته، به همه معرفی کند. به نظر می‌رسد در میان شاعرانی که به تقلید از نظامی پرداخته اند، شهاب ترشیزی توانسته است از عهده‌ی این کار بهتر برآید.

• کلیدواژه‌ها: شهاب ترشیزی، خسرو و شیرین، تقلید.

بررسی سبک شناسانه مقدمه شاهنامه ابومنصوری

محمد رضا حاج آقا بابایی

ملیحه شریلو

یکی از رویکردهایی که امروزه مورد توجه پژوهشگران ادبیات است، مطالعات سبک شناسانه است. بررسی های سبک شناسانه می تواند اطلاعات ارزشمندی در خصوص متون ادب فارسی در اختیار پژوهشگران قرار دهد و بر اساس یافته های به دست آمده، می توان به گونه ای علمی و مستند از روند تحولات شکلی و محتوایی متون گوناگون ادبی در دوره های مختلف آگاه شد. شاهنامه ابومنصوری به عنوان کهن ترین اثرباقی مانده از متون اولیه فارسی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. با بهره گیری از سبک شناسی می توانیم نشان دهیم که ویژگی های اساسی این کهن ترین متن زبان فارسی چیست و در متون دوره های بعد چه تحولاتی از دیدگاه زبانی و محتوایی رخ داده است. در مقاله پیش رو بر اساس سبک شناسی ساختگرا، مقدمه شاهنامه ابومنصوری مورد بررسی قرار گرفته است و سطوح سه گانه آن (سطح زبانی، سطح ادبی، سطح فکری) تحلیل شده است.

کلیدواژه‌ها: مقدمه شاهنامه ابومنصوری، نثر فارسی، تحلیل زبانی، تحلیل فکری، سبک شناسی ساختگرا.

ابوالفضل بیهقی، از تاریخ نویسی تا قصه پردازی

دکتر محمد رضا حاج بابایی

الهه مظاهری

تاریخ بیهقی نوشته ابوالفضل بیهقی یکی از مهم ترین کتاب هایی است که به سبب وجود ویژگی - های ادبی و نثر فاخر آن مورد توجه ادب پژوهان واقع شده است. برجستگی های ادبی این کتاب موجب شده است که پاره ای از پژوهشگران ضمن دل بستگی به ظاهر آن، مطالب کتاب را نیز سراسر حقیقت محض بیندارند و تمام آن چه را که بیهقی بازگو کرده است درست به شمار آورند. در حقیقت فرم و شکل کتاب آن قدر زیبا و دارای ارزش است که خواننده را از نقد محتوای کتاب باز می دارد. پژوهش حاضر درباره ی مستند بودن و یا غیر مستند بودن مطالب ارائه شده در تاریخ بیهقی است و با ذکر نمونه - های گوناگون نشان داده ایم که بخش هایی از تاریخ بیهقی، زائیده ی تخیل ابوالفضل بیهقی است و بر خلاف تأکید فراوان او، عاری از حقیقت است و همچنین بعضی از روایانی که وقایع را برای او بازگو کرده اند، چندان مورد وثوق نیستند. البته لازم به یادآوری است که هر چند مطالب کتاب، آمیزه ای از حقایق و تخیلات است، به هیچ روی از ارزش ادبی کتاب و زیبایی های متن آن کاسته نمی شود و همچنان تاریخ بیهقی یکی از متن های فاخر زبان و ادب فارسی به شمار می آید و جایگاه ویژه ی خود را در میان متون ادبی حفظ خواهد کرد.

کلید واژه ها: تاریخ بیهقی، ابوالفضل بیهقی، قصه پردازی، نثر فارسی، تاریخ نویسی، استناد تاریخی.

بررسی و تحلیل نکات بلاغی در قصاید عربی سعدی شیرازی

مهین حاجی زاده

رعنا نصیر پور

ملک الکلام و افصح المتکلمین شیخ اجل مشرف الدین مصلح بن عبدالله سعدی شیرازی ، حکیمی بزرگوار ، دانشمند بلند مرتبه و عالمی دانا به همه علوم ، فنون ، حدیث و حکمت و ... است که در صف اول بزرگان علم و ادب قرار دارد ، سعدی شیرازی علاوه بر قصاید فارسی از جمله دو شاهکار بزرگ ادبی (بوستان و گلستان) که همه ی آنها نمونه ی اعلای فصاحت زبان فارسی هستند ، قصاید دیگری نیز به زبان عربی سروده است که در بعضی از آنها از آیات قرآن ، احادیث و حتی قصه های عربی اقتباس کرده است که از آگاهی و تسلط کامل این ادیب به زبان عربی خبر می دهد . آنچه در این موجز مورد کنکاش قرار می گیرد ، بررسی ، تحلیل و موشکافی قصاید عربی سعدی با تکیه بر علم بلاغت (معانی ، بیان ، بدیع) می باشد . در ابتدا نگاهی گذرا به زندگی و مقام ادبی شاعر داشته و در ادامه با ارائه نمونه هایی اشعار عربی وی به لحاظ بلاغی مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرند .

کلید واژه ها: علم بلاغت ، سعدی شیرازی ، اشعار عربی ، معانی ، بیان ، بدیع .

شاعری ناشناخته (خلیفه شاعر قرن ۱۰ هجری)

• منصوره حاجی هادیان

تاکنون تلاش‌های فراوانی در امر شناخت شاعران ایرانی و تصحیح دست‌نوشته‌های آنان که بخشی از میراث فرهنگی ایرانیان به شمار می‌آیند، انجام شده است، اما هنوز هم نسخه‌های خطی آثار شاعران و نویسندگان بی‌شماری، در گوشه و کنار کتابخانه‌های عمومی و شخصی، به جای مانده است که باید گرد و غبار فراموشی از چهره آن زدوده شود. مقاله حاضر معرفی شاعر و دیوان شاعری ناشناخته با تخلص خلیفه، است. خلیفه، شاعر ناشناخته سده ۱۰ هـ.ش، است. در تبریز متولد شد و در کشور مصر اقامت گزید. دیوان اشعارش مشتمل بر ۳۶۰ غزل، ۳۵ تک‌بیتی، ۲۰ رباعی، ۸ قطعه و یک قصیده است. خلیفه با تقلید از شیوه ساخت عناصر شعری و برگرفتن مضامین شعر شاعران سبک عراقی، اشعاری زیبا، ساده و خالی از آرایه‌های دشوار ادبی، سروده است.

کلیدواژه‌ها: شعر فارسی، قرن دهم، غزل، نسخه خطی، تصحیح، دیوان خلیفه.

• فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه دهقان و کارشناس طرح و برنامه پژوهشی دانشگاه هنر

بررسی و تحلیل شرح حال نویسی در حوزه عرفان و تصوف در زبان فارسی

علیرضا حاجیان نژاد

سیما رحمانی فر

شرح حال نویسی ، علم ثبت واقعیت ها است . اگر در ادبیات یک ملت ، کتب مربوط به این حوزه ، از نظر صحت مطالب و ارائه تصویری همه جانبه از شخص و جامعه ای که در آن می زیسته ، معتبر و قابل اعتماد باشد ، بسیاری از گره های کور گشوده می گردد . گره های موجود در نقد و تحلیل آقار بزرگان و شناخت سیر جریان های مختلف تاریخی ، سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی . در مقابل ، اگر قلم به دست محافظه کاران و مصلحت ناندیشانی بیفتد که به هیچ چیز جز پدید آوردن اثری و کسب نامی نمی آندیشند ، بسیاری از اشتباهات تاریخی در حوزه های مختلف فرهنگ و علم و ادب ، برای سالیان سال به نسل های متوالی منتقل می وشد . یکی از جریانات فرهنگی مهم در تاریخ فرهنگ ملت ما ، عرفان و تصوف است . تصوف با افکار و عقاید بسیاری از ایرانیان در طول تاریخ گره خورده است و همواره پیروان خاص خود را داشته است . آثاری نیز در زمینه شرح حال عرفا و صوفیه به نگارش درآمده است سعی نگارنده در این پژوهش ارائه تصویری از ذهنیت پیشینیان در خصوص شرح حال نویسی در حوزه عرفان و تصوف است و مقایسه آن با اصول معتبر شرح حال نویسی . در نهایت سعی بر این است تا به این سوالات اساسی پاسخ داده شود که آیا بررسی و نقد این متون بر اساس اصول علمی و معتبر شرح حال نویسی صحیح است و آیا می توان صحت و سقم مطالب این کتب را از طریق مقایسه با اسناد و مدارک و مطالب تاریخی تعیین کرد ؟

کلیدواژه‌ها: شرح حال نویسی ، عرفان و تصوف ، متون تاریخی.

نگاهی به سیر تاریخی و موضوعی مقالات حافظ پژوهی از آغاز تا سال ۱۳۸۹

دکتر خدیجه حاجیان

سعید بزرگ بیگدلی

لیلا احمدی

درباره‌ی حافظ، اندیشه، مقام و هنر او در ادب فارسی در قالب کتاب و مقاله، بررسی‌ها و تحقیقاتی فراوان انجام شده است. با توجه به حجم آثار و تداوم سیر این‌گونه تحقیقات به ویژه در امرنگارش مقالات لازم است آثار منتشر شده بررسی شوند تا با آشنایی به نقاط قوت و ضعف این دسته از پژوهش‌ها بتوان از نتایج آن در پر کردن خلاهای موجود در این بخش بهره‌گیری کرد. لذا در این تحقیق به بررسی سیر تاریخی و هم‌چنین سیر موضوعی مقالات حافظ‌پژوهی پرداخته شده است. از آغاز سیر حافظ پژوهی (۱۲۹۸) تا سال ۱۳۸۹، حدود ۲۰۶۸ مقاله تألیف شده است. نگارنده در این مقاله ضمن بررسی سیر تاریخی حافظ‌پژوهی در قالب مقالات فارسی و تحقیق در علل و زمینه‌های اوج و فرود این پژوهش‌ها از نظر تعداد، این مقالات را در پنج دوره‌ی تاریخی و در هشت موضوع شرح ابیات، نقد کتاب و مقالات حافظ‌پژوهی، معرفی انواع تصحیحات دیوان، نسخه‌شناسی و معرفی نسخه‌های جدید، تحلیل شخصیت، زندگی و اندیشه‌ی حافظ، حافظ و دیگران، زیبایی‌شناسی (جمال‌شناسی شعر حافظ) و مقالات متفرقه بررسی کرده است. بررسی مقالات نشان می‌دهد سیر مقالات تا دوره‌ی سوم به دلیل برگزاری دو کنگره‌ی بزرگداشت حافظ سیر صعودی داشته و در دوره‌ی چهارم از کمیت آن کاسته شده اما بر محتوا و کیفیت آن افزوده شده است تا اینکه در دوره‌ی پنجم به دلیل ورود مباحث جدید ادبی و گسترش حوزه‌ی نقد، مقالات هم از نظر کمیت و هم از نظر کیفیت تحول یافته‌اند.

کلیدواژه‌ها: مقالات حافظ پژوهی، شعر کلاسیک فارسی، سیر تاریخی، محتوا، دوره‌های زمانی.

بررسی تطبیقی مضامین رئالیسم در آثار یوسف ادریس و محمد علی جمالزاده

- دکتر مهین حاجی زاده
- علی خالقی

ادبیات اروپا در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم در فرانسه شاهد ظهور مکتب ادبی تازه‌ای با عنوان رئالیسم بود. این مکتب نوپا به سرعت به خاطر تطابق و خوش آیند بودن با روح و روان انسان‌های دیگر ملل توانست ادبیات آنان را تحت تاثیر خود قرار دهد. کشورهای ایران و مصر نیز از این امر مستثنی نبودند و افزایش ترجمه کتب غربی و آشنایی و ارتباط با اروپا موجب ورود این مکتب ادبی به آن کشور شد و به دنبال آن بسیاری از ادبای بزرگ و نامی به این مکتب پیوستند که از آن جمله یوسف ادریس و سید علی جمالزاده بودند که با توجه به شرایط ویژه کشورهای خود که زیر سلطه انسان‌های مستبد و ظالم بود و خفقان سیاسی در تمامی عرصه‌های اجتماع موج می‌زد، این دو نویسنده بزرگ را برآن شدند تا به عنوان آغازگران این مکتب واقعیت‌ها و حقیقت جوامع خویش را برطبق اصول و عناصر خاص رئالیسم به تصویر بکشند. ادریس و جمالزاده دارای مفاهیم رئالیستی مشترک بسیاری در نوشته‌های خود هستند که این مضامین حتی در زندگی شخصی این دو نویسنده ظلم ستیز و حق جو تجلی پیدا کرده است و در همین راستا این مکتب ادبی باعث پدید آمدن سبک داستان کوتاه در ادبیات ایران و عرب شد که ادریس و جمالزاده از پایه‌گذاران واقعی آن به شمار می‌آیند. مقاله حاضر می‌کوشد تا با دیدگاه عمیقی نسبت به آثار ادریس و جمالزاده، مضامین رئالیستی مشترک این دو نویسنده مشهور ایران و مصر را به صورت تطبیقی مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

کلید واژه‌ها: رئالیسم، یوسف ادریس، محمد علی جمالزاده، ایران، مصر.

• استادیار دانشگاه تربیت معلم آذربایجان

• کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی

بازتاب کلام اسماعیلی در معرفت تنزیهی ناصر خسرو

• دادیار حامدی

شعر فارسی از دیرباز، تجلی‌گاه علم، فلسفه، عرفان و معارف دینی بوده است؛ در این میان کمتر شاعری را می‌توان یافت که به اندازه‌ی ناصر خسرو به مباحث دینی و مذهبی توجه نشان داده باشد. یکی از این مباحث، مسئله‌ی تشبیه و تنزیه است که در دایره‌ی علم کلام جای می‌گیرد. در این پژوهش، با سیر در دیوان اشعار ناصر خسرو، دیدگاه‌های وی در این مورد و زمینه‌های مرتبطی چون امکان شناخت خداوند و رویت باری تعالی بررسی شده و نقش آیین اسماعیلی در این زمینه مورد کند و کاو قرار گرفته است.

• **کلید واژه‌ها:** ناصر خسرو، اسماعیلیه، کلام اسلامی، رویت، تنزیه و تشبیه.

وجوه اشتراک مراتب عشق مجنون با دنیای عرفان بر پایه (لیلی و مجنون) نظامی

دکتر محمد حسن حائری

الهام روستایی راد

پژوهش حاضر، جستاری است در باب وجوه انطباق مراتب و مقامات عرفان و تصوّف در منظومه‌ی غنایی ((لیلی و مجنون)) نظامی. عرفان و تصوّف، به عنوان یکی از زیرشاخه‌های ادبیات فارسی، فضای وسیعی را از آن خود کرده است. از ابتدای قرن سوم هجری و جلوه‌گری عارفانی چون؛ بایزید، جنید و شبلی، عنصر ((عشق و محبت)) نیز به این طریقت راه یافت، در نتیجه عرفان رنگ دیگری به خود گرفت. صوفیه نیز در این باب، سخنان ارزنده‌ای گفته‌اند. در این میان ((قیس عامری)) و ((لیلی بنت سعد)) در متون عرفانی از حاکمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند. این جستار، حاصل مطالعه‌ی بسیاری از کتب عرفانی و در نتیجه؛ دریافت اهمیت عشق نزد عارفان است. شاعران برجسته ایرانی نظیر حافظ، سعدی، مولانا و عطار، به این دلباختگان، رنگ نمادینی بخشیدند و از این طریق، وجوه اشتراک مراتب و مقامات عشق انسانی و الهی را جلوه‌گر ساختند. به عقیده‌ی نگارندگان، بسیاری از احوال عشق زمینی در مجنون، با احوال عارفان همسو و مشترک است. این اشتراکات، در ادبیات فارسی تأثیر فراوانی داشته و به خصوص اشعار و متون عرفانی - غنایی را تحت تأثیر خود قرار داده است.

کلیدواژه‌ها: عرفان و تصوّف، عشق، جنون، لیلی و مجنون.

* دانشیار گروه ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی

* کارشناس ارشد ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی

بررسی سبک شناختی نظیره گویی صائب از بابافغانی و محتشم کاشانی

- دکتر محمدحسن حائری
- نوش آفرین کلانتر

صائب شاعر برجسته شاخه ایرانی سبک هندی، سودایی به نظیره گویی داشته است. نظیره گویی او به اشکال مختلف است. در این مقاله به بررسی نظیره گویی های او از غزلیات بابافغانی و محتشم پرداخته شده است. صائب در چهار غزل به نام بابافغانی و در یک غزل به نام محتشم اشاره کرده است. غزل هایی نیز دارد که در وزن و ردیف و قافیه با غزل های بابافغانی و محتشم مشترکند اما در آن ها به نام آنها اشاره نکرده است. در این مقاله کوشش بر پاسخ دادن به این سؤال بوده است که آیا صائب در چنین غزل هایی هم تحت تأثیر شاعران مورد نظر بوده و اگر پاسخ مثبت است تأثیر پذیری او به چه شکلی بوده است؟ در غزل هایی که به اقتفای محتشم و بابافغانی سروده شده و به نام آنها اشاره شده است، موضوع و مضمون، چندان مشابه نبود، در حالی که در بعضی از غزل هایی که به اقتفای خود اشاره نکرده است، اشتراک در موضوع و مضمون در کل یک غزل یا حداقل در چند بیت احساس می شد. غزل صائب انسجام معنایی نداشت. او مضامین پراکنده ای از قبیل اخلاقی، عشقی، عرفانی، اجتماعی و... را بدون هدفی خاص، در یک غزل گنجانده است. تنها هدف او مضمون آفرینی و هدف او از نظیره گویی غزل دیگران نیز همین بوده است. غزل محتشم عاشقانه بود و تقریباً انسجام داشت. غزل بابافغانی منسجم تر بود و مضمون عارفانه داشت. غزل بابافغانی و محتشم از حیث بدیع لفظی و غزل صائب از حیث ابهام و موارد بیانی غنی تر بود.

کلید واژه ها: صائب، نظیره گویی، بابافغانی، محتشم کاشانی، سبک هندی.

• دانشیار

• دانشجوی کارشناسی ارشد

کارکرد بلاغی تشبیهات مضمّر و تفضیل در غزلیات سعدی

زهرا وهاب حدادی زاده

حسین پروانه دیر

سعدی یکی از برجسته‌ترین شاعران ادبیات فارسی است. او در غزلیات خود با به کار بردن تشبیهات مضمّر و تفضیل، کارکردهایی بلاغی ایجاد کرده است. این تشبیهات از سویی موجب ایجاز در کلام می‌شوند و از سوی دیگر به سبب عدول از هنجارهای عادی کلام در محور همنشینی، اعجاب خواننده را برمی‌انگیزند. در اینگونه ابیات، جملات پرسشی و خبری‌ای به کار رفته است که غالباً معانی ثانوی آنها مورد نظر است. زبان ابیات تشبیهی در غزلیات، زبانی عاطفی است، به ویژه تشبیهات تفضیل که واکنش عاطفی خواننده را در پی دارد. در تشبیهات مضمّر و تفضیل، عمدتاً حصر و قصر به کار رفته است که توان ارزشی و کارکرد زیبایی شناسیکِ ابیات را بسیار بالا می‌برد.

کلید واژه ها: سعدی، تشبیه مضمّر، تشبیه تفضیل، بلاغت.

اختر و انقلاب مشروطه ایران

• حمیده حرمتی

انقلاب مشروطه ایران یکی از دوره های مهم تاریخی و ادبی ایران محسوب می گردد ، ازجوه ممیزه این دوره نسبت به دیگرادوار گذشته ایران ورود نشانه های تجدد غرب به داخل ایران است . روزنامه ها یکی از عناصر ورود تجدد و حلقه اتصال دو کفه اصلی مشروطه یعنی دولت و ملت و نیز به عنوان عرصه قلم فرسایی روشنفکران و اندیشمندان این انقلاب بسیار ارزشمند می نمایند ؛ به طور حتم بررسی و تحلیل سطوح زبانی و فکری این روزنامه ها در شفاف سازی هر چه بیشتر نقش آنها در رویداد این انقلاب مفید فایده خواهد بود . مقاله حاضر با بررسی روزنامه " اختر " در دو سطح زبانی و فکری سعی در شناخت نقش این روزنامه در جریان انقلاب مشروطه و تأثیر انقلاب مشروطه در معنی یک حادثه سیاسی و اجتماعی در سبک نوشتاری زبان فارسی دارد . اختر به سبب وجود نویسندگان آزادی خواه و روشنفکران اندیشمند آن یکی از عوامل اصلی ایجاد پایه های فکری مشروطه به شمار می آید سبک نوشتاری و نیز سطح فکری این روزنامه به قوت قلم نویسندگان توانا و زبر دست آن ، کسانی چون " میرزا یوسف مستشار الدوله " و " میرزا نجف قلی خان " در میان روزنامه های هم عصرش شاخص و متمایز بوده و قابلیت تحلیل و بررسی بیشتری را دارد .

کلیدواژه ها: اختر، مشروطه، سطح ادبی و فکری.

جستاری در چگونگی پیوند کودک، فلسفه و داستان‌های رایج در ادبیات کودکان (بر پایه‌ی نظریه‌ی گرت. بی. متیوز)

- سعید حسام‌پور
- ملیحه مصلح

فلسفه و ادبیات از زمان‌های بسیار دور، در قصه‌های مادرزبانان پیوند خورده‌اند، امروزه نیز یکی از پیش‌فرض‌های برنامه «فلسفه برای کودکان»، این است که کودکان زمانی بیشتر یاد می‌گیرند که کتاب‌هایشان به شکل داستان باشد، اما صاحب نظران این برنامه با دو رویکرد به داستان می‌نگرند؛ تنها پژوهش‌گری که در این برنامه، به طور مستقل و به صراحت، به ماهیت ادبیات کودک توجه نشان داده‌است، گرت. بی. متیوز است. متیوز که کاشف گونه‌ای ادبی به نام داستان‌های «تفنی-فلسفی» است، در مقاله‌ای با همین عنوان، با انتقاد به برونوبت‌هایم نه تنها مسیر ادبیات کودک را فلسفی می‌داند، بلکه معتقد است که کودکان به خوبی توانایی درک مفاهیم فلسفی را دارند. با توجه به پیش‌گفته و این که نگارنده، نه تنها در ایران، بلکه در خارج از ایران نیز مطالعه‌ای مبتنی بر این دیدگاه در داستان‌های کودکان نیافت؛ پژوهش حاضر بر آن است که بر پایه نظریه متیوز، با روش کیفی-قیاسی، به تحلیل محتوایی چند داستان رایج و در دسترس کودکان کشورمان بپردازد و به پاسخ این سوال برسد که آیا این داستان‌ها که با تاکید بر جنبه ادبی آن‌ها و بدون توجه جدی به پرورش فلسفه خلق شده‌اند، این کارایی را دارند که به نیازهای فلسفی کودکان کشورمان پاسخ دهند؟ نمونه‌گیری این پژوهش از نوع هدفمند است. نتیجه پژوهش نشان داد، آثار بررسی شده در فضای خیالی، با شاعرانگی بی‌همانندی در قالب عباراتی ساده و قابل فهم، چندین مولفه فلسفی مهم را در خود جای داده‌اند و می‌توانند زمینه رشد و تجربه فکری را برای کودکان فراهم سازد. در همه داستان‌های تحلیل شده، مفاهیم فلسفی مهمی مانند اخلاق، هویت‌یابی و شناخت خود و دیگران، شباهت و تفاوت، طبقه‌بندی موجودات و در نگاهی وسیع‌تر، ویژگی‌های عرضی و ذاتی یافت شد؛ علاوه بر آنها هر کدام از داستان‌ها، خود حاوی مولفه‌های فلسفی متفاوتی با دیگر داستان‌ها، از جمله مولفه‌های فلسفی متفاوتی با دیگر داستان‌ها، از جمله مولفه‌های فلسفی متفاوتی با دیگر داستان‌ها، از جمله مولفه‌های تمرکز زدایی، شناخت توانمندی‌ها، چگونگی تمامیت چیزها، مفهوم طبیعی و مصنوعی و

• دانش‌یار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز

• دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات کودک و نوجوان دانشگاه شیراز

مرز بین آنها، شناخت خدا و حکمت او ، چگونگی قضاوت و مقایسه کردن ، از خود بیگانگی ، استثمار و استعمار بودند.

کلیدواژه‌ها: کودک، فلسفه، داستان‌های رایج در ادبیات کودکان، متیوز، برنامه فلسفه برای کودکان.

کرونولوژی و نقد ساختاری و محتوایی سروده‌های زهری

- عباس حسن پور
- علیرضا قاسمی

در دوره‌ی معاصر، نیما یوشیج با درک عمیق نسبت به اوضاع ادبی-اجتماعی-سیاسی جامعه‌ی ایران، راهی نو در شعر فارسی می‌گشاید و پس از او شاعران بسیاری در جهت پویایی و کمال این شیوه‌ی تازه، گام برمی‌دارند. محمد زهری- شاعر کوتاه‌ترین طرح فارسی- یکی از این شاگردان مکتب نیمایی است. او به جهت حضور مستمر در میدان سه دهه شعر معاصر، چاپ مجموعه‌های مختلف با مهندسی و سبک ویژه و استقلال شاعرانگی، چهره‌ای ممتاز دارد به گونه‌ای که برای جریان‌شناسی شعر نو و بررسی همه‌جانبه‌ی سیر تکاملی آن، توجه به آثار وی اجتناب‌ناپذیر است. پژوهش حاضر در پی آن است تا ضمن تبیین فعالیت‌های ادبی زهری و جایگاه او در جریان‌های شعری معاصر، به کرونولوژی آثار وی و نقد و بررسی آن‌ها از دیدگاه ساختار و محتوا بپردازد و گفتمان فکری غالب در هر یک از آن‌ها را تبیین نماید. رویکرد مینی‌مالیستی زهری و حرکت تدریجی او در تاکتیک‌های شاعرانه نظیر فاصله گرفتن از فضای آرکائیک در فرم و مصالح زبان و رهایی یافتن از سیطره‌ی افاعیل عروضی تا رسیدن به زبانی نرم و تغزلی، از دیگر مسائلی است که در این پژوهش مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

کلیدواژه‌ها: زهری، شعر نو، طرح، کرونولوژی آثار، مضامین اجتماعی.

• کارشناس زبان و ادبیات فارسی

• دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان

جایگاه زن در طوطی نامه ی نثری

حسین حسن پورآلاشتی

سروناز ملک

با دقت در کتاب های منثور و منظوم ادب فارسی، می توان دریافت که نقش زنان در کتاب های منثور روایی عامیانه، فعال تر و به واقعیت نزدیک تر است. طوطی نامه یکی از این کتاب هاست که با کنکاش در قصه ها و حکایت های آن می توان جایگاه زنان را در جامعه ی کهن ایران مشخص کرد. اما از آن جایی که اصل طوطی نامه هندی است، تأثیر آیین هندو و نوع نگرش آنان نسبت به زنان در جای جای کتاب به چشم می خورد. زنان در طوطی نامه، حيله گر، خیانتکار، ناقص عقل و ابزار و وسیله ای در دست مردان برای رسیدن به اهدافشان هستند. زن مقبول و پسندیده کسی است که مطیع و منقاد شوهر و در وفاداری نمونه باشد. تصویری که از زنان در این کتاب ارایه می شود دو تصویر ثابت است، یا قربانی هستند یا فریبکار. طبیعتاً در چنین جامعه ی مردسالاری، زن برای خارج شدن از تسلط مردان نیازمند استفاده از مکر و فریب است. در این پژوهش، پس از مقدماتی در مورد وضعیت زنان در تاریخ و ادب فارسی، و آشنایی با طوطی نامه به نقش و جایگاه زن در این کتاب پرداخته خواهد شد.

کلید واژه ها: نثر، داستان های عامیانه، طوطی نامه، زن، مکر و فریب.

بررسی مشخصه های سبکی کتاب معارف بهاء ولد

• مژگان حسن پور

کتاب معارف بهاء ولد از جمله کتاب هایی است که ویژگی های بارز سبکی دارد اما در کتاب های سبکی کمتر به این موضوع توجه شده است. در این مقاله سبک کتاب از لحاظ عناصر زبانی در سه سطح واژگانی و نحوی و بلاغی مورد توجه قرار گرفته است. در سطح واژگانی قید های زمان و مکان و نشانه های ندایی مورد بررسی قرار گرفته است. در سطح نحوی کاربرد فراوان جملات مرکب و علل استفاده از این جملات مورد توجه بوده است و در سطح بلاغی به بررسی بارز ترین صناعات ادبی در متن پرداخته شده است.

کلید واژه‌ها: سبک، عناصر زبانی، عناصر نحوی، تشبیه.

کارکرد ردیف در غزلیات شمس

هیوا حسن پور

لیلا محمدی

غزلیات شمس، به عنوان یکی از شاهکارهای گرانسنگ عرفانی ادب فارسی، از زوایای گونه‌گون مورد کاوش، نقد و سنجش قرار گرفته است. یکی از جنبه‌هایی که برجستگی ویژه‌ای به غزلیات شمس داده، موسیقی و نوای خاصی است که بر آنها طنین افکنده است. از میان عناصر موسیقی‌ساز غزلیات، ردیف نقش بسزایی ایفا کرده است. این مقاله، به بررسی ساختار ردیف در غزلیات، از دیدگاه‌های زبانی و بلاغی پرداخته و سپس هنجارگریزی‌های مولوی را در ردیف نشان داده است. با توجه به داده‌های این مقاله، در سطح زبانی، مولانا بیشتر از ردیف‌های فعلی پویا استفاده کرده است. در سطح بلاغی، تکرارهای ردیف، بیشتر برای تأکید و پُرکردن وزن است. همچنین، نشان داده شده است که مولانا، یکی از شاعران هنجارگریز در استفاده از ردیف است. با توجه به چگونگی استفاده‌ی مولوی از ردیف، می‌توان تعریف-های دیگری از ردیف به دست داد.

کلیدواژه‌ها: غزلیات، مولانا، ردیف، موسیقی، هنجارگریزی.

آیات و احادیث در مثنوی و تأثیر آن بر منظومه ی طاقدیس ملا احمد نراقی

- دکتر حسن حیدری
- عبدالمجید یوسفی نکو

مولانا جلال الدین بلخی در مثنوی معنوی، آیات و احادیث فراوانی را به کار برده است؛ در بیشتر این کاربرد ها جنبه های هنری فراوانی دیده می شود که از آن جمله می توان به انواع اثر پذیری گزاره ای، گزارشی، الها می-بنیادی، تلمیحی، تأویلی، تطبیقی، تصویری، تفسیری و واژگانی اشاره کرد. شاعران بسیاری از همان عصر مولوی تا روزگار نزدیک به ما، از او تقلید کرده اند که از آن میان می توان به ملا احمد نراقی در مثنوی طاقدیس اشاره کرد. این مقاله می کوشد ابتدا آماری از آیات و احادیث به کار رفته در این دو منظومه را به دست آورد و سپس آیات مشترک هر دو را بیان نماید و در ادامه کاربرد هنری آیات و احادیث را در مثنوی مولوی و طاقدیس بررسی کند و نشان دهد که کدامیک در این کار موفق تر بوده اند؛ و ملا احمد نراقی تا چه حد مقلد و یا مبتکر بوده است.

کلید واژه ها: مثنوی معنوی، طاقدیس ملا احمد نراقی، کاربرد هنری آیات و احادیث، ابتکار و تقلید.

-
- دانشجوی دکترای ادبیات فارسی دانشگاه اراک
 - دبیر مراکز پیش دانشگاهی و دبیرستان های فراهان

بررسی و تحلیل نئو کلاسیسیسم در اشعار فرخی یزدی

- دکتر عبدالله حسن زاده میر علی
- لیلا شامانی

نئو کلاسیسیسم به معنی عام، به احیای سبک و نظر داشتن به ادبیات قدیم اطلاق می شود و نوعی بازگشت به معیارها و آداب نویسندگی است و علیرغم تفاوت هایی در محتوای آثار غالباً به همان اصول کلاسیک معطوف است؛ شعر مشروطه در مقابل شعر قبل از مشروطه همان نئوکلاسیسیسم در مقابل کلاسیسیسم است. اصول مکتب نئوکلاسیسیسم تقلید از طبیعت، تقلید از قدما، پیروی از عقل و خرد، ایجاز و وضوح، حقیقت نمایی، برازندگی و قانون سه وحدت است که این اصول را می توان در اشعار دوره مشروطه و فرخی یزدی مشاهده کرد. تقلید از طبیعت ارزشمند بشری اصل اول نئوکلاسیکهاست که در شعر شاعران دوره مشروطه و فرخی یزدی مشهود است. فرخی یزدی به کوه و درو دشت محصور نمی شود و با طرح مسایل سیاسی-اجتماعی به زنده کردن فطرت بشری می اندیشد. تقلید از قدما اصل دوم است؛ که فرخی هم اشعاری به سبک و قالب قدما سروده است؛ اما با تحول در موضوع نوآوری کرده است. به عنوان مثال انتقاد را جایگزین مدح در قصیده کرده است و به جای توصیف معشوق، غزل را برای بیان اهداف سیاسی به کار گرفته و غزل سیاسی را بنیان نهاد. در دوره مشروطه همانند نئو کلاسیسیسم خرد بر تخیل برتری می یابد. فرخی یزدی با سادگی و وضوح (اصل چهارم) حقیقت جامعه را هدف قرار داده است، و با مضامینی چون آزادی، عدالت، قانون، دهقان، انقلاب، وطن و... حقیقت نمایی می کند و اخلاق را که زیرمجموعه برازندگی نئوکلاسیک است مورد توجه قرار می دهد. اما قانون سه وحدت (آخرین اصل) را در اشعار فرخی نمی یابیم.

کلید واژه ها: نئو کلاسیسیسم، فرخی یزدی، ادبیات معاصر. شعر مشروطه.

• استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه سمنان

• کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سمنان

مقایسه شخصیت انقلابی و انفعالی

(با تأملی در رمان «سووشون» و مجموعه داستان‌های «مثل همیشه»)

- عبدالله حسن زاده
- سید رزاق رضویان

در دههٔ چهل، همزمان با حوادث سیاسی - اجتماعی و تحولات فرهنگی در ساختار جامعهٔ ایرانی، ادبیات داستانی نیز متناسب با آن تحولات، دستخوش تغییراتی می‌شود و آثاری متنوع، ماندگار و جدید در عرصهٔ داستان‌نویسی ایران، پدید می‌آید. نویسندگان این دهه در مقایسه با دوره‌های قبل، شیوه‌های هوشمندانه و شکل‌یافته‌تری در نگارش خود به کار می‌برند. در سال‌های پایانی این دهه سیمین دانشور با رمان «سووشون» و هوشنگ گلشیری با داستان‌های مجموعه «مثل همیشه» و «شازده احتجاب»، با سبک و شیوه‌ای متفاوت، جلوهٔ تازه‌ای به ادبیات داستانی ایران می‌بخشند. دانشور در رمان سووشون با سبکی رئالیستی و متناسب با فضای واقعی جامعهٔ ایرانی در بستری تاریخی، با خلق شخصیتی انقلابی و پروبلماتیک (مسئله‌دار) تصویری واقع‌نمایانه از شخصیتی عمل‌گرا و معترض، را نشان می‌دهد. همزمان با دانشور، گلشیری با سبکی متفاوت در فرم و محتوا و به شیوهٔ داستان‌های مدرن و رمان‌های نو در فرانسه، گونه‌ای دیگر از شخصیت‌پردازی را خلق می‌کند. شخصیت‌های گلشیری در این داستان‌ها انسان‌هایی درون‌گرا، منفعل، ناتوان و سرگشته‌اند که در کنش و عملکرد هیچ سنخیتی با قهرمان رمان سووشون ندارند. در این مقاله برآنیم تا با لحاظ برخی تفاوت‌ها و تشابهات، قهرمان سووشون را منطبق با قهرمان مسئله‌دار لوکاج و گلدمن معرفی کنیم و نشان دهیم که شباهت‌های بسیاری در شیوهٔ پرداختن به شخصیت داستانی بین آثار نویسندگان فرانسوی رمان نو و شخصیت‌های مجموعه «مثل همیشه» وجود دارد و همچنین دلایل تفاوت در شیوهٔ شخصیت‌پردازی این دو نویسندهٔ هم‌عصر را نمایان سازیم.

کلید واژه‌ها: شخصیت داستانی، سووشون، مثل همیشه، رمان معاصر فارسی، ادبیات داستانی.

• میرعلی‌استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سمنان

• دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سمنان

حافظ، شاعر آسمانی یا شاعر زمینی

لیلاحسن زاده

اعظم احمدوند

بسیاری از اندیشمندان و بزرگان ادبیات در پژوهش‌های خود لسان الغیب حافظ _ غزلسرای نامی قرن هشتم _ را عارفی کامل معرفی کرده‌اند؛ غالب حافظ پژوهان غزل‌های او را، سرشار از مضامین عرفانی دانسته‌اند و همواره در معناشناسی اشعار، رنگ و بوی عرفانی به آنها بخشیده‌اند. همچنین در نظر عامه مردم و نیز در فرهنگ ایرانیان، همواره دیوان حافظ در کنار قرآن کریم قرار گرفته‌است؛ زیرا بر این عقیده‌اند که اشعار حافظ، برگرفته از آیات و روایات است؛ با این حال در تحقیقات ادبی به نظریاتی برمی‌خوریم که با دلایل و شواهد شعری او، عکس این مطلب را اثبات کرده‌اند. در این مقاله با ارایه دیدگاه‌های مختلف صاحب‌نظران و بزرگان ادب، ضمن بررسی و تحلیل این نظریات، آرا و اندیشه‌های حافظ بیان شده‌است.

کلید واژه‌ها: حافظ، شعر، عرفان، رندی، غزل عرفانی، تأویل متن، متن‌پژوهی.

طالب فهم مسمایی عیار اسم گیر (معناشناسی نام‌های اشعار محمدرضا شفیعی کدکنی)

- دکتر کاووس حسن‌لی
- الهام خلیلی جهرمی

محمدرضا شفیعی کدکنی، از شاعران، ادیبان و محققان برجسته‌ی معاصر ایران است. اطلاعات و دانش وسیع ایشان بر پهنه‌ی بی‌کران ادبیات، اسطوره، تاریخ و ... این مرز و بوم بر همه کس آشکار است. در این پژوهش برآنیم که از رهگذر نام‌های اشعار می‌توان شاعر و جهان او را شناخت. لذا به بررسی تمام نام‌های اشعار شفیعی کدکنی - کتاب «آینه‌ای برای صداها» شامل هفت دفتر، «هزاره‌ی دوم آهوی کوهی» شامل پنج دفتر شعر و ۴۱ شعر وی در مجله‌ی بخارا - پرداختیم و در مجموع ۴۹۵ شعر را در مرحله‌ی نخست، بدون خواندن اشعار، از جهت زبانی و ادبی بررسی نمودیم و تأثیر و اهمیت نام‌های اشعار را از جهت زیباشناسی بررسی کردیم و نمونه‌هایی را برای تبیین مطلب ذکر نمودیم. سپس به بررسی دایره‌ی واژگانی شاعر پرداختیم و از این طریق جهان مورد علاقه‌ی شاعر، دغدغه‌ها، جهان‌بینی و سیر تحولی شخصیت شفیعی کدکنی را بررسی نمودیم و دانستیم که خواندن نام اشعار و دقت در آن نکته‌های ارزشمندی را بر خواننده عرضه می‌دارد تا جایی که می‌توان از بررسی نام‌های مجموعه‌ها به اندیشه، نوع نگاه، عمق اطلاعات و دانش شاعر پی برد.

کلید واژه‌ها: شفیعی کدکنی، نام شعرها، جهان‌بینی شاعر، شعر معاصر، ساختار.

• استاد بخش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز

• دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز

جلوه‌های پایداری در مجموعه شعری «پیام آزادی» ادیب برومند

• سمیه حسنعلیان

ادبیات مقاومت که دارای شناسه اصلی تعهد است مخاطب خود را به پایداری در برابر دشمن فرا می‌خواند بررسی این گونه آثار (اعم از نثر و شعر) می‌تواند امید به آینده و حقیقت‌خواهی را که در ذات این آثار موجود است برای خواننده آشکار سازد. از این رو مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی مجموعه شعر یکی از شاعران مقاومت و پایداری ایران اسلامی «ادیب برومند» را با عنوان «پیام آزادی» بررسی کرده است. مهم‌ترین یافته‌های پژوهش بیانگر این واقعیت است که مضامین اصلی ادبیات پایداری چون عشق به میهن و دعوت به حفظ آن در برابر دشمنان، ظلم‌ستیزی و حمایت از محرومان، آزادی، ایجاد امید و انگیزه در اشعار این شاعر ظهور تام یافته است.

• **کلید واژه‌ها:** پایداری، ادیب برومند، پیام آزادی، ظلم‌ستیزی، آزادی.

من شاعر معاصر قرنی ندیده‌ام

(واکاوی و بازشناسی دیدگاه محمدعلی بهمنی درباره‌ی شعر و شاعری در آینه‌ی آثارش)

- دکتر کاووس حسنی
- شیرین رزمجو بختیاری

هرکس که حتی یک بار مجموعه اشعار محمدعلی بهمنی را خوانده باشد، دغدغه‌ی او را درباره‌ی غزل و شعر و شاعری و معیارهای آن دریافته است؛ زیرا او بارها در جای جای غزلیات و اشعار نو و سپید خود، تعاریفی از شعر - به صورت عام - و شعر و غزل خود - به صورت خاص - ارائه داده است و پرداختن به ابعاد گوناگون آن یکی از مفاهیم تکرار شونده در میان اشعار اوست. از آنجا که بررسی کارنامه‌ی شعر در خلال سروده‌ی شاعران، امری ضروری است، بررسی اشعار بهمنی نیز به عنوان یکی از منتقدان این زمینه اهمیت ویژه‌ای دارد. بهمنی دیدگاه‌های انتقادی خود را درباره‌ی کارهای خلاقه‌ی شعر و شاعری در خلال اشعار خود تبیین می‌نماید و کمتر در قالب نثر نظریه‌پردازی می‌کند. وی در شعرش، آنجا که به بیان مشخصه‌هایی برای شعر راستین می‌پردازد، در حکم یک ناقد موفق شعر عمل می‌کند. ناقدی که محک ارزشمندی برای تمیز شعر سره از ناسره به دست می‌دهد. در این مقاله تعاریف و مشخصه‌هایی را که بهمنی برای شعر و غزل و شاعر آورده است، از میان کلیه‌ی اشعار او استخراج کرده، به تقسیم‌بندی و تبیین آن پرداخته‌ایم. این مؤلفه‌ها در چهار عنوان مورد بررسی قرار گرفته است:

الف- تعریف شعر و ویژگی‌های آن؛

ب- تعریف غزل و ویژگی‌های آن؛

ج- شعر و غزل بهمنی؛

د- ویژگی‌های شاعر.

هرچند بهمنی متهم به تقدیس تغزل است و خود را شاگرد دبستان غزل می‌داند، اما چتر نیما را بر سر خود دارد، به سراغ درونمایه‌های اجتماعی می‌رود و خود را شاعر معاصر قرنی ندیده می‌نامد. از این رو به عنوان یک ناقد موفق محکی برای تشخیص شعر از نظم و شاعر از متشاعر به دست می‌دهد.

کلید واژه ها: محمدعلی بهمنی، تعریف شعر، تعریف غزل، ویژگی‌های شاعر، شعر و غزل بهمنی.

• استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز

• دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی گرایش ادبیات عرفانی دانشگاه شیراز

بررسی و مقایسه عشق در تفکر مولانا و پائولو کوئلیو

مریم حسین قلی‌زاده

دکتر بهاء‌الدین اسکندری

بی‌تردید عشق یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم در عرفان و تصوف اسلامی و به ویژه در منظومه فکری مولاناست. کلام او با عشق آغاز می‌گردد و با عشق پایان می‌پذیرد. مولانا بهترین استنباط را از مذهب عشق، برای بیان عشق خوش سودای خود که بی‌واسطه او را به مشاهده‌ی ناب‌ترین حقایق می‌برد ارائه داده است. با عشق است که می‌توان راز خلقت را دریافت و با معشوق به اتحاد رسید. از گذشته تاکنون بزرگان و اندیشمندانی که با نوای درونی انسان هماهنگ‌تر و حساس‌تر بوده‌اند و در شناخت فطرت پاک انسانی، خودشناسی و شناخت مظهر عشق، نقش و تاثیر بسزایی داشته‌اند همواره کانون توجه آزاد اندیشان و حق‌نگران بوده‌اند. پائولو کوئلیو به عنوان یکی از مدعیان طریقت‌های نوظهور از عشق بسیار گفته است و هیچ کتابی را از او نمی‌توان سراغ گرفت مگر آنکه در آن سخنی از عشق رفته باشد. از دیدگاه او عشق گمشده‌ی انسان و تنها راه تکامل و سعادت انسان در گرو یافتن این گمشده است. او عشق را دور از خطا و عین زندگی می‌داند. این عشق نیرویی است که آدمیان را به هم می‌پیوندد، تا تجربه‌ای را که در زندگی‌های متعدد جهان پراکنده است بار دیگر متراکم کند. رستگار حقیقی کسی است که عشق بورزد یا بدو عشق بورزند و زیان‌کار کسی است که نه عاشق است و نه معشوق. این مقاله کوششی خواهد بود در جهت واکاوی این مفهوم بنیادین در نظام فکری مولانا و پائولو کوئلیو و مقایسه آن دو با هم.

کلید واژه‌ها: مولانا، پائولو کوئلیو، عشق.

ارزیابی ترجمه‌ی انگلیسی طاهره صفارزاده از قرآن کریم از دیدگاه مشخصه‌های معنایی

- دکتر سید محمد حسینی معصوم
- سارا ساری

بحث ترجمه‌پذیری یا عدم آن همواره یکی از نکات چالش برانگیز مباحث نظری ترجمه بوده است. زیان‌شناسان و ترجمه‌شناسان از دیدگاه‌های مختلف به این موضوع نگرسته و هر یک استدلال‌های مختلفی در تأیید نظر خود ارائه کرده‌اند. هنگامی که از ترجمه‌ی متون مقدس و کلام خداوند همچون قرآن کریم سخن به میان می‌آید، این بحث حساس‌تر و پیچیده‌تر می‌شود. این‌که مترجم در بازتولید کلام خداوند تا چه میزان باید به ویژگیهای ساختی و حتی معنایی زبان مبدأ پایدار باشد و تا چه حد تفسیر و تحلیل را در ترجمه خود دخیل کند، نکته‌ایست که نیاز به بحث و بررسی گسترده دارد. در این میان، اتخاذ رویکرد ترجمه‌ی معنایی یا ترجمه‌ی ارتباطی از جمله راهکارهای پیش روی مترجم است. مقاله‌ی حاضر به بررسی و ارزیابی نوع خاصی از ترجمه قرآن کریم به زبان انگلیسی می‌پردازد که توسط طاهره صفارزاده انجام شده است. در این ترجمه، تحلیل واژگان به مؤلفه‌های معنایی و ارائه‌ی معادل انگلیسی برای هر یک از آن مؤلفه‌ها راهکار اصلی مترجم بوده است. آنچه در این میان از دید مترجم پنهان مانده است، ظرفیت زبان مقصد (انگلیسی) در واژگانی کردن مجموعه‌ای از مشخصه‌های معنایی در قالب یک کلمه واحد و یا انتساب مفاهیم جدید به واژگان آشناست. این همان رویکردیست که عملاً در زبان فارسی برای واژگان قدیمی همچون واژه‌ی نماز انجام شده است.

کلید واژه‌ها: ترجمه، قرآن کریم، طاهره صفارزاده، مشخصه‌های معنایی، ترجمه‌پذیری

• استادیار گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی دانشگاه پیام نور

• دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات ترجمه دانشگاه فردوسی مشهد

بررسی تاریخی و توصیفی - انتقادی گزیده‌های مثنوی

- سید محمدعلی حسینی میقان
- عبدالله رادمرد

حجم زیاد برخی از آثار ادبی و تاریخی و ... ، کمی وقت و تنوع زیاد آثار، گروهی را بر آن داشته تا گزیده‌ها و خلاصه‌هایی از آثار طولانی تهیه کنند. دستیابی به ویژگی‌های اغلب، ادبی آثار و نه‌چندان معنایی آن رشد گزیده‌نویسی را تقویت کرده ذهنیت «آب دریا را اگر نتوان کشید/ هم به قدر قطره‌ای باید چشید» عده زیادی را وادار به خلاصه‌نویسی و تلخیص آثار کرده است. این گزیده‌نویسان در انتخاب ابیات یا مطالب باید نکاتی را رعایت می‌کردند اما خیلی‌ها ذائقه خود را ملاک قرار داده منتخبی از بعضی موضوعات یا داستان‌های آثار را تهیه کرده‌اند. این مقاله در پی آن است که گزیده‌های مثنوی را از سال ۱۳۰۰ به بعد دهه‌بندی کرده بررسی تاریخی کند. قطعاً تهیه فهرست توصیفی از گزیده‌های هر دهه، ویژگی‌های کلی گزیده‌ها در هر دهه و بیان محاسن و کاستی گزیده‌های هر دهه، رویکرد اصلی و گرایش گزیده‌نویسان در هر دهه، تعیین فراز و فرودهای گزیده‌های مثنوی و عوامل آن، بیان گزارشی از گونه‌های متنوع گزیده‌ها (داستانی، منظوم، مثنور، موضوعی، نظم و نثر آمیخته به هم) در نظر گرفتن معیارها و ملاک‌هایی برای بررسی گزیده‌ها و مطابقت این معیارها بر پنج گزیده‌ای که حداکثر ویژگی‌ها را برای بررسی دارند و ارائه الگوی مناسب برای کسانی که می‌خواهند از مثنوی گزیده تهیه کنند، همه از مواردی است که این مقاله بدان‌ها پرداخته است.

کلید واژه‌ها: گزیده‌نویسی، مثنوی، نظم، نثر.

• دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

• عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد

نمادگری در اشعار « هوشنگ ابتهاج »

• غلامحسین حسینی اصلی

رمز یا سمبل (نماد) همیشه یکی از ارکان اصیل و مهم آفرینش و امتداد آثار بزرگ ادبی است که اکثر شاعران بزرگ به آن پرداخته اند. نماد یکی از آرایه های ادبی است. ویژگی بارز نماد، ابهام، عدم صراحت و غیرمستقیم بودن آن است، به این معنا که در زبان سمبلیک مراد و مقصود، ظاهر و صورت کلام نیست بلکه مفهومی است و رای ظاهر و فراتر و عمیق تر از آن. هوشنگ ابتهاج از شاعران معاصر در شعر خود از نماد سود جسته است و همین امر یکی از رازهای پیچیدگی و ابهام شعر اوست. در این مقاله نماد های شعر ابتهاج، شرح و بررسی شده است. آن چه مسلم است نماد های اشعار او برگرفته از عقاید و اندیشه های سیاسی و اجتماعی اوست و نماد های شعری او با نماد های شاعران معاصر، که عمدتاً جنبه های سیاسی اجتماعی دارند، متفاوت است.

کلید واژه‌ها: نمادگرایی، شعر معاصر، ابتهاج

تجلی گوهر عشق در غزلیات اوحدی مراغی

پری نازحقیقت دوست بناب

خورشید عشق به تمام ذرات هستی حیات می بخشد و آینه آسا جمال جمیل معشوق راستین را متجلی می سازد. سرچشمه عشق صفاست و شور زندگی از عشق حاصل می شود. عشق به عارف وجد و حال می بخشد و گوهر جذبۀ حق را در صدف دل عشاق می نشاند و آنان را به وادی حیرانی می کشاند و جان آنان را در آسمان شکوهمند عرفان به پرواز در می آورد. عاشق عارف و شاعر شوریده احوال اوحدی مراغه ای عطر دل انگیز عشق را بر تمام غزلیاتش فرو فشانده و شورانگیزترین صفحه های شوق و شور را در باغ دلدادگی به نمایش گذاشته است. او پرواز عشق را فراتر از عقل قلمداد می کند. عاقلان حقیقی عاشقان راستین اند و عشق در شعر او حیات جاودان دارد و اسرار آفرینش به شمار می آید. عشق شراب معنوی الهی است و شاعر به خاطر بی کرانگی آن را در قالب کوچک زبان و بیان نمی نشاند؛ اما آنسی که با آن پیدا می کند، خود را بازرگان عشق می نامد.

کلید واژه ها : عشق، صفا، حقیقت و مجاز، عقل و راز جاودانگی.

بررسی و تحلیل فرهنگ‌های تخصصی و موضوعی در حوزه‌ی زبان و ادبیات فارسی

ندا حیدرپور نجف آبادی*

فرهنگ نویسی ضرورت هر زبان است و بازنگری در آن امری واجب تر. روشن است که یک فرهنگ نمی تواند تمام لغات یک زبان را از گذشته تا زمان حاضر و همه گونه های زبانی و نیز اصطلاحات تمام رشته های علمی و فنی را دربرگیرد. به دلیل گستردگی دایره واژگانی زبان، هر فرهنگ تنها به بخشی از لغات یک زبان می پردازد. پس گذشته از فرهنگ های عمومی، هر یک از دانش های بشری محتاج فرهنگ هایی ویژه خود هستند که این کتب مرجع باید توسط کسانی نگاشته شوند که توأمان از تسلط به زبان و آن رشته برخوردار باشند. ادبیات فارسی نیز به عنوان یک رشته تخصصی از این قاعده جدا نیست. فرهنگ هایی را که برای یک دانشجو یا پژوهشگر ادبیات مفید فایده است می توان تقسیم کرد به فرهنگ هایی که به اصطلاحات دانش های ادبی چون بلاغت، وزن و قافیه شعر یا انواع ادبی ای مانند داستان و نمایش نامه می پردازد و واژه نامه هایی که در مطالعه بخشی از متون به ما کمک می کند نظیر فرهنگ اصطلاحات عرفانی و یا فرهنگ اصطلاحات اداری یک دوره و نیز فرهنگ های شعری که ویژه بیان واژه ها و ترکیب های به کار رفته در شعر شاعری خاص هستند. ناگفته نماند که گاه فایده بخشی از واژه نامه های اختصاصی به دلیل سادگی و اختصار بیشتر عاید عموم علاقه مند به ادبیات خواهد شد. در این پژوهش پس از بیان مقدمه ای در مورد فرهنگ نویسی تخصصی، بالغ بر چهل فرهنگ را در این زمینه معرفی می کنیم و پس از توصیفی اندک، به بیان نقاط قوت و ضعف آن ها می پردازیم.

کلید واژه‌ها: فرهنگ نویسی، واژه نامه های تخصصی، ادبیات فارسی، اصطلاحات.

فضا و مولفه های سازنده ی آن در شاهنامه

- دکتر حسن حیدری
- علی اکبر کمالی نهاد
- مهدی دهرامی

فضا از عواملی است که موجب تاثیرگذاری و تقویت شعر می گردد و حال و هوایی ایجاد می کند که کلیت شعر در آن جای می گیرد. در شکل گیری معنا و انتقال آن در هر اثر منسجمی ، فضا سازی نقشی موثر دارد . هر اثر روایی بلند ، ناگزیر است که فضاهای متنوعی به اقتضای حال و مقال ، داشته باشد و عوامل متعددی در ایجاد این فضاها و تنوع آنها نقش دارند . این مقاله به بررسی چگونگی فضا سازی و نقش آن در تاثیرگذاری کلام و انسجام متن در شاهنامه پرداخته است و با تقسیم انواع فضاهای شاهنامه به سه سطح مبهم ، خرد و گسترده و مولفه های سازنده ی فضا در حوزه های اندیشه ای ، واژگانی ، موسیقایی ، توصیفی و تصویری این عنصر موثر را بررسی کرده است . در واقع فردوسی با بهره گیری از این عناصر ، فضاهایی منسجم ، دیداری و متنوع خلق کرده است ؛ به گونه ای که مخاطب ، خود را هر بار در فضایی تازه می بیند. بررسی فضا سازی های شاهنامه می تواند موجب شناخت بیشتر خلاقیت و قدرت سخنوری فردوسی شود.

کلید واژه ها : فضا سازی ، توصیف ، واژگان ، اندیشه ، انسجام ، رنگ .

• استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک

• دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک

• دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک

نظریه های ادبی و مقاله های علمی - پژوهشی مربوط به زبان و ادبیات فارسی (کاربست ، نتایج)

• دکتر حسن حیدری

مهدی تلخابی

تا کنون به همان میزان که از نظریه های ادبی غربی و دستاورد های مربوط به دانش زبانشناسی در پژوهش و نگارش مقاله های علمی- پژوهشی حوزه زبان و ادبیات فارسی بهره برده ایم، به بررسی خود این موضوع پرداخته ایم. این جستار با این هدف نوشته شده که تأثیر برخی از نظریه های ادبی و دستاورد های زبانشناسی را که عمدتاً از طریق ترجمه به حوزه پژوهش زبان و ادب فارسی وارد شده بررسی نماید. این جستجو نشان می دهد که این نظریه ها باعث تغییر در فرم و محتوای مقاله ها شده اند. نخست این که یک نوع کل نگری به جای جزء نگری بر حوزه تحقیقات و مقاله های پژوهشی حاکم شده است و ساختار مقالات عمدتاً دوبخشی شده که در یک بخش توضیح یک تئوری و یا نظریه است و بخش دوم کاربرد آن در یک متن ادبی است یا این که فقط طرح یک تئوری در یک مقاله مطرح شده است که در آن صورت مقاله یک بخشی است. دوم آن که این نظریه ها در بحث انواع ادبی تأثیر گذاشته اند و تغییراتی ایجاد کرده اند. سوم آن که در حوزه بلاغت و سبک نیز نفوذ موثر داشته اند.

• کلیدواژه ها : نظریه ادبی ، مقاله های پژوهشی ، حوزه زبان و ادبیات فارسی ، انواع ادبی ، بلاغت .

بررسی برخی از آیین های شمنی در شاهنامه (با تکیه بر شخصیت زال)

- دکتر حسن حیدری
- یداله رحیمی
- حسین پریزاد

شمنیسم آیینی باستانی است که نشانه ها و آثار به جا مانده از آن را می توان در میان اقوام مختلف مشاهده کرد. ویژگی های این آیین چنان با باورهای اساطیری و مذهبی مردم کشورهای مختلف در هم آمیخته است که تفکیک آن را بسیار دشوار نموده است. در شاهنامه فردوسی که صورت تجسم یافته اساطیر ایرانی است، نشانه هایی از شمنیسم دیده می شود. اشخاص متعددی را می توان در شاهنامه یافت که دارای خصلت ها و رفتارهای شمن گونه هستند؛ اما بدون تردید در میان شخصیت های شاهنامه، زال جامع ویژگیهای یک شمن است. این مقاله در پی آن است که جنبه های شمنیستی زال را از قبیل: ساحری، پیش بینی و غیگویی، تولد و رشد غیر طبیعی، ارتباط با نیروهای ماورایی و ... بررسی و تحلیل نماید.

کلیدواژه ها: شاهنامه، زال، اسطوره، شمنیسم.

• عضو هیئت علمی دانشگاه اراک

• دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک

• دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک

بررسی نقش زنان در زندگی رویین تنان

- دکتری علی حیدری
- دکتر محمد رضا جلیلیان
- بهجت بیرانوند

بسیاری از اساطیر و حماسه های جهان شرح احوال رویین تنان است. مباحث فراوانی در ارتباط با این رویین تنان حائز اهمیت است. از آن میان نقش زنان در زندگی رویین تنان از تولد تا مرگ و حتی بعضاً بعد از مرگ (رویین تنان) قابل توجه است. زنان به عنوان مادر، خواهر، همسر، دختر، معشوقه، نامزد، زن برادر، پیرزن و... در زندگی رویین تنان ایفای نقش کرده اند. هر چند در بین آنان زنان فداکار، وفادار و خیر خواه وجود دارد، اما در بیشتر موارد آنان عهده دار نقش منفی هستند و بعضاً با خیانت به رویین تن زمينه مرگ او را فراهم کرده اند. این موضوع ممکن است ناشی از اندیشه مرد سالاری حاکم بر جهان اساطیر و حماسه ها باشد.

کلید واژه‌ها: رویین تن، اساطیر، حماسه، زن.

• استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان

• کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

سخن فیه ما فیه

• فاطمه حیدری

« فیه مافیه » اثر منشور مولانا در دوران انحطاط نثر فارسی به وجود آمده است. سادگی و سلامت زبان این کتاب تعلیمی به دلیل رویارویی گوینده با مخاطبان عام و جویان معرفت و در نتیجه نزدیک شدن به زبان گفتار ، یادآور نثر دوره‌ی سامانیان است. گوینده در این کتاب به سخن ، نطق ، کلمه و کلام از دیدگاهی متفاوت نگریسته است . گرچه درباره‌ی سخن در وجه قیل و قال در آثار منظوم مولوی بارها سخن گفته شده در این اثر کم حجم تعلیمی سخن سایه‌ی حقیقت واز معدنی لایتناهی و بی پایان برخاسته ، دریا و آفتابی است لطیف و دایم که از فرط پیدایی ناپدید است. آسمان‌ها و زمین همه سخن است و زاییده‌ی سخن . به همین جهت، سخن ، لفظ و عبارت نیست که همچون صور بالنده و کنشگر ناپایدار باشد که سخن عرضی است که به سوی جوهر غرض تهییج و تحریک می‌کند. آرایش سخن موجب بازماندن از مقصود اصلی می‌شود . در آرایش سخن گوینده جان خود را آن گونه که هست نمی‌نمایاند و درونه‌ی گوینده یعنی معنا و محتوا چنان که هست آشکار نمی‌شود. مولانا مانند زبان شناس امروزی ترکیب دو سه حرف را روپوشی می‌داند که اندیشه و تفکر را در پرده داشته است . در این مقاله به سخن و زبان در نظریات مولانا در « فیه مافیه » پرداخته می‌شود.

کلید واژه ها: فیه مافیه ، سادگی بیان ، سخن ، اندیشه .

هنجارگریزی نوشتاری – دیداری (کانکریت) در اشعار شاعران معاصر

فاطمه حیدری

بنا به اعتقاد فرمالیست‌های روس، هر شاعر و نویسنده‌ای برای آفرینش اثر ادبی خود، به انواع هنجارگریزی‌ها در زبان دست می‌زند و توسعه‌ی زبان شعری و زیبایی کلام و لذت درک ادبی خود را فزونی می‌بخشد و باعث نوعی برجسته‌سازی و آشنایی زدایی در شعر می‌شود. شعر کانکریت (دیداری - نوشتاری) نمونه‌ای از هنجارگریزی محسوب می‌شود. شعر نوشتاری_دیداری گونه‌ای از ادبیات است که برای فهم آن باید به آن نگاه کرد و به تماشای ظاهری و ساختاری واژگان پرداخت. که معمولا در طراحی پوسترها کاربرد دارد. شاعران در شعرهای نوشتاری_دیداری از شیوه‌های گوناگونی بهره گرفته اند از جمله: تجزیه و جدا نویسی واحد های شعری، کم و زیاد کردن تعداد هجاهای هر مصراع برای دست یافتن به شکل های مورد نظر، بهره گیری از هنر نقاشی در کنار نوشتار و... در اینگونه شعر، شاعر از طریق بازی با کلمات به گونه‌ای می‌نویسد که به وسیله‌ی حروف و کلمات طرحی را جلوی چشم بیننده می‌گذارد و فهم شعر بیشتر با نگاه کردن به ساختار و ظاهر شعر امکان پذیر می‌شود. در این مقاله اشعار شاعران معاصر از جمله: شاملو، اخوان، فروغ، شاهرودی، امین پور، صفارزاده، رحمانی، خوبی و... بر مبنای هنجارگریزی دیداری مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است، با توجه به اینکه آنان چگونه با تغییر در شکل متعارف نوشتار به این کارکرد زبانی دست یافته‌اند و این تغییرات تا چه مایه در آفرینش اشعار آنان مهم بوده است.

کلید واژه‌ها: هنجارگریزی، برجسته‌سازی، آشنایی زدایی، کانکریت، شعر معاصر.

تطبیق کمدی الهی دانته و جاویدنامه اقبال لاهوری

فهیمة حیدری

ادبیات تطبیقی همواره به دنبال موضوعاتی است که یک فرهنگ از فرهنگ دیگر می‌گیرد. در این بین داستان‌های تمثیلی عرفانی، از موضوعات مشترک ادبیات ملل است. سفر روح به عالم علوی، دستمایه آفرینش آثار بزرگی چون ارداویراف نامه، سیرالعباد سنایی، کمدی الهی دانته، رساله الغفران ابولعلاء معری و جاویدنامه اقبال لاهوری شده است. در این مقاله سعی بر آن است که سفر روح در منظومه "کمدی الهی" سروده دانته آلیگیری (فوت ۱۳۲۱م) و "جاویدنامه" سروده اقبال لاهوری (فوت ۱۹۳۸م) مورد بررسی قرار گیرد و از منظر شگردهای روایی، سبک نگارش، مناظره و مکالمه، راهنما و مرشد، شخصیت پردازی و جبر و تقدیر کاویده شود و شباهت‌ها و تفاوت‌ها بیان گردد؛ و همچنین تاثیراتی که کمدی الهی بر جاویدنامه گذاشته است تا حد معینی معلوم شود.

کلیدواژه‌ها: کمدی الهی، جاویدنامه، روایت، مناظره، مرشد، شخصیت، جبر

بررسی تشبیهات اوستا به لحاظ ژرفای تصاویر

مریم حیدری

بر اساس اینکه مشبه و مُشَبَّه به از نوع معقول باشند یا محسوس، تشبیه به چند گونه تقسیم می شود: حسی به حسی، عقلی به عقلی، حسی به عقلی، عقلی به حسی. این تقسیم بندی را می توان به صورت زیر خلاصه کرد: "تصویر سطحی"، "تصویر عمیق". در تصویر سطحی، شاعر رابطه ای میان اشیاء و امور حسی کشف می کند و تصویری دو بُعدی می سازد که به سهولت درک می شود. در تصویر عمیق، به نمایی بر می خوریم که مرکب از دو جزء محسوس و معقول است. در این ساخت، امر مجرد و انتزاعی به کمک تصویر حسی، تجسم می یابد. ابداع چنین تصاویری، یا حاصل حالات شهودی، عارفانه و درونگرا است؛ یا نگرشی آموزشی و برونگرا دارد؛ چرا که با استفاده از مجسم کردن تصاویر انتزاعی، آموزه ها را آماده دریافت می سازد. بررسی آماری تشبیهات اوستا نشان می دهد در "گاهان"، توازنی میان تصویر سطحی، و تصویر عمیق وجود دارد. در سایر بخش های اوستا، تصاویر سطحی فزونی می گیرند و تشبیهات حسی به حسی که غالباً جنبه ی زینتی دارند، شمار فراوانی را به خود اختصاص می دهند. اما در مجموع، غلبه با تصاویر عقلی به حسی است. از این یافته ها می توان نتیجه گرفت ادبیات آموزشی و متعهد بخش عمده ای از اوستا را شامل می گردد. در کنار آن، دیدگاه صرفاً ادبی "هنر برای هنر" نیز در برخی قسمت ها، خصوصاً "یشتها" و "وندیداد" خودنمایی می کند.

کلید واژه ها: اوستا، تشبیه، تصویر سطحی، تصویر عمیق.

از خراسان تا همدان (بررسی تأثیر احمد غزالی بر عین القضاة همدانی)

دکتر حامد خاتمی پور

احمد غزالی به عنوان یکی از برجسته ترین مشایخ صوفیه و نیز یکی از نامداران فرهنگ ایرانی، پس از طی مراحل طریقت و منازل سلوک، یکسره به تربیت صوفیان و خدمت بدیشان پرداخت. مبالغه نکرده ایم اگر بگوییم که مشهورترین مریدان و شاگردان وی عین القضاة همدانی بوده است. دیدار احمد غزالی و درک محضر وی چنان تأثیر شگرفی بر سلوک فکری و معنوی قاضی داشته است که بازتاب آن در جای جای نوشته های او قابل مشاهده است. بر همین اساس در این نوشتار کوشیده ایم تا این تأثیر و تأثر در ابعاد گوناگون کاویده شود؛ باشد که حلقات بیشتری از زنجیره ارتباط عرفان خراسان با نواحی غرب ایران بویژه ناحیه همدان شناخته آید.

کلید واژه ها: احمد غزالی، عین القضاة همدانی، تصوف خراسان، دفاع از ابلیس، شاهد بازی.

بررسی هنجارگریزی در مجموعه داستان « یکی بود و یکی نبود »

- دکتر مهدی خادمی کولایی
- حسن غنیمتی

بررسی سبک و شیوهی هر شاعر یا نویسنده از جایگاه مهمی برخوردار است که امروزه، به این امر توجه ویژه‌ای می‌شود. آشنایی و تحلیل تکنیک‌های خاصی که پدیدآورنده‌ی یک اثر، برای خود برمی‌گزیند، ما را در شناخت و درک ظرایف ادبی و هنری آن اثر کمک می‌کند. یکی از بحث‌هایی که امروزه در بین سبک‌شناسان و صاحب نظران حوزه‌ی نقد ادبی مطرح است، هنجارگریزی است که باعث برجسته‌سازی اثر، از بُعد زیبایی شناختی می‌گردد. در این نوشته به تبیین و شناساندن شکل‌های مختلف هنجارگریزی یا برجسته‌سازی، در مجموعه داستان « یکی بود و یکی نبود » و تکنیک‌های داستان‌پردازی جمال‌زاده، که در برجسته‌تر نمودن اثرش، نقشی اساسی ایفا کرده‌است، پرداخته خواهد شد.

کلید واژه‌ها: هنجارگریزی، جمال‌زاده، یکی بود یکی نبود.

• استادیار دانشگاه پیام نور

• دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

بررسی صور خیال شعر قیصر امین پور از منظر اصطلاحات عامیانه

- دکتر مهدی خادمی کولایی
- واسو جویباری

قیصر امین پور از شاعران برجسته‌ی دهه‌های اخیر است که اشعارش در میان شعر دوستان، با اقبال رو به رو شده است. کاربرد اصطلاحات عامه در این امر، سهم به‌سزایی داشته، درحالی که این موضوع تا حدودی از نظر محققان و پژوهندگان دور مانده است. از شگردهای امین پور، به کارگیری اصطلاحات عامیانه، برای ایجاد و آفرینش صور خیال و ارتقای سطح شعری است. توجه شاعر به اصطلاحات عامیانه و مردمی برای تاثیرگذاری و ارتباط هرچه بیشتر با مخاطب، در اشعار او، جلوه‌ای خاص دارد. شاعر با استفاده از تعبیر و اصطلاحات عامه و پرکاربرد امروزی، آرایه‌های زیبایی چون متناقض‌نما (پارادوکس)، تشخیص، تشبیه و ایهام را خلق کرده که ایهام‌های لطیف او، شگردهای هنری حافظ را فرا یاد می‌آورد. به کارگیری هنرمندانه و هوشمندانه‌ی این اصطلاحات عامه، در جهت آفرینش صور خیال، از نکات قابل تأمل شعر اوست که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود.

کلید واژه ها : صورخیال، اصطلاحات عامه، شعر، قیصر امین پور.

مجد همگر و شاهنامه

• روح الله خادمی

یکی از دامنه‌های پر بار شاهنامه‌پژوهی، تحقیق در باب تأثیر شاهنامه بر ادب فارسی است. علاوه بر حماسه‌های پهلوانی، تاریخی و دینی که پس از شاهنامه و به تأثیر و تقلید از آن سروده شده، گونه‌های دیگر شعر نیز در پرتو شاهنامه قرار داشته‌اند و همیشه شاهنامه همچون چراغی فروزان فراراه شعرای ایران زمین بوده است. یکی از اینان، مجدالدین همگر شیرازی شاعر قرن هفتم هجری است. مطالعه در دیوان او نشان می‌دهد که وی با شاهکار ادب فارسی آشنا بوده و آن را مطالعه می‌کرده و در کاروبار شاعری خود از شاهنامه و آموزه‌های آن، بهره‌های فراوان می‌گرفته است. در این پژوهش مشخص شد که مجد همگر، علاوه بر بزرگداشت فردوسی و شاهنامه، تلمیحات شاهنامه‌ای را نیز با اهداف مختلفی چون توصیف ممدوح، مفاخره، تصویرسازی و تبیین مسایل حکمی به کار گرفته و بدینگونه در هر دو حوزه زبان و اندیشه متأثر از شاهنامه بوده است.

کلیدواژه‌ها: مجد همگر، حماسه، شاهنامه، فردوسی، شعر فارسی.

بررسی و نقد مقالات فارسی متأثر از ریخت‌شناسی پراپ

- روح الله خادمی
- مرضیه دوگوهر

نظریه ریخت‌شناسی پراپ در سال ۱۹۲۸ با انتشار کتاب «ریخت‌شناسی قصه‌های پریان» در شوروی مطرح و سی سال بعد در سال ۱۹۵۸ به انگلیسی ترجمه شد و بشدت مورد توجه غربی‌ها قرار گرفت. پراپ، نظریه خود را بر اساس مطالعه ۱۰۰ روایت از قصه‌های پریان ارائه کرد. او مدلی ارائه کرد که قصه‌ها را بر اساس عناصر و واحدهای آنها رده‌بندی می‌کرد؛ نه بر اساس موضوع آنها. هدف پراپ آشکار کردن الگوی مشترک حاکم بر گزاره‌های روایی قصه پریان روسی (fairy stories) است. برای این منظور پراپ عناصر ثابت قصه‌ها را از بطن عناصر متغیر استخراج کرد. او کوچکترین جزء سازای قصه را خویشکاری / کارکرد / عمل / عملکرد (Function) نامید. او توانست ۳۱ خویشکاری را در قصه‌های پریان روسی بیابد. علاوه بر این، او ۷ نوع شخصیت را در این قصه‌ها یافت. اثر پراپ در سال ۱۳۶۸ به فارسی ترجمه شد و مورد توجه ویژه محققان ایرانی قرار گرفت. آنان درصدد برآمدن تا داستان‌های ایرانی را بر اساس الگوی پراپ، تجزیه و تحلیل کنند. در پژوهش حاضر، رویکرد و تلقی محققان ایرانی نسبت به نظریه پراپ در ۱۰ مقاله که در مجلات علمی فارسی به چاپ رسیده، نقد و بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: ریخت‌شناسی، پراپ، داستان فارسی، مقالات علمی فارسی.

-
- کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز
 - کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز

نقد و بررسی ترجمه‌های فارسی واژه‌های بحث انگیز در قرآن کریم

• دکتر محمد خاقانی

•^۲ فاطمه گلی

یکی از واژه‌های قرآنی که فهم دقیق معنای آن، در دریافت معارف قرآنی و مفاهیم کلام باری تعالی نقش به‌سزایی دارد، واژه "فوق" در آیه «بعوضه فما فوقها» (پشه و فراتر از آن) (بقره ۲: ۲۶) می‌باشد. این واژه از دیر باز موضوع بحث مفسرین و مترجمین قرآن کریم بوده است. به نظر می‌رسد واژه «فوق» در آیه شریفه در معنای متداول آن "بالتر و بزرگتر" استعمال نشده است، بلکه با توجه به این که مقام، مقام تمثیل است باید در این جایگاه، معنی متضاد آن یعنی "کمتر و پائین‌تر" را بکار برد؛ لذا پژوهش حاضر بر آن است با استناد به کتب لغت و تفسیر و با عنایت به تفاوت‌های ظریف واژه "فوق" با توجه به بافت سخن و همچنین با تکیه بر تحلیل‌های روان‌شناختی واژه‌ها در علم معناشناسی، ترجمه دقیقی از این واژه ارائه دهد، سپس به نقد و بررسی قریب ۳۰ ترجمه از ترجمه‌های قرآن کریم بپردازد.

کلید واژه‌ها: قرآن کریم، ترجمه، واژه "فوق"، معناشناسی، نقد.

• استاد زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان

• دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان

زیبایان بی وفا

(بحثی در ترجمه ادبی به زبان فارسی و نوعی از آن موسوم به ترجمه آزاد)

دکتر علی اکبر خان محمدی

در زبان ادبی فرانسه اصطلاحی داریم به قرار زیبایان بی وفا *les belles infidels* که در ترجمه بعضی متون به ویژه ادبی به کار می رود. اما این که گفتیم اصطلاح ادبی است بدان سبب است که این اصطلاح بیش تر در موارد ترجمه متون ادبی به کار می رود و آن چنین است که برگردان از زبانی به زبان دیگر به گونه ای باشد که مطالب زبان و بیان اصل چندان در ترجمه دخیل نبوده، بلکه نسبت به ذوق و توانایی های ادبی مترجم، سختی و صعوبت متن مورد ترجمه، عوض شدن حال و هوای زمان تالیف و تصنیف تا زمان ترجمه و برخی عوامل دیگر از اندک تا بسیاری متفاوت باشد. گذشته از حسن و قبح این قضیه، این مورد به هیچ وجه ارتباطی با مقوله هایی چون الهام، اقتباس و ... ندارد و تنها در مبحث ترجمه و آن هم در قالب زیبای بی وفا قابل بیان است.

کلید واژه ها: ترجمه، اقتباس، متن ادبی.

مقایسه ی آرای زبان شناختی فردینان دوسوسور و ناصر خسرو

- مهدی خبازی کناری
- فرزاد بالو

زبان شناسی علم نوبنیادی است که تقریباً یک قرن ونیم از عمر آن می گذرد. فردینان دوسوسور، بنیان گذار زبان شناسی نوین ، برخلاف زبانشناسان پیشین که به مطالعه ی تاریخی یا در زمانی زبان می پرداختند تاملاتش را به مطالعه ی همزمانی زبان معطوف ساخت. از جمله دستاوردهای وی می توان به بررسی زبان و تقسیم بندی سه گانه ی قوه ی ناطقه (langage)، زبان (langue) و گفتار (parole)، علل برتری خط بر صورت گفتاری ، تحلیل نشانه ی زبانی (دال و مدلول) و... اشاره کرد. در گستره ی ادب کلاسیک فارسی ، ناصر خسرو موقیعت ممتاز و خاص دارد. وی در آثار خود از منظر فلسفی به شماری از بدیع ترین مفاهیم زبان شناختی می پردازد که قرن ها پس از وی در آرای زبان شناختی سوسور مجال طرح و شرح می یابند. برتری گفتار بر نوشتار (اندر قول که علم حاضر است و اندر کتابت که آن در علم غایب است) ماهیت نشانه ای زبان (نام و نامدار)، قرار دادی بودن زبان و از آن جمله اند. این مقاله به مقایسه ی آرای زبانشناختی سوسور و ناصر خسرو می پردازد.

کلید واژه ها: ناصر خسرو ، سوسور ، زبان، گفتار، نوشتار. قرار دادی بودن زبان.

• استادیار علوم تربیتی دانشگاه مازندران

• استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران

نگاه نو شاعران مشروطه به مفهوم کودکی

- دکتر فرامرز خجسته
- مرضیه صداقت

ازدیرباز تا شاید یکی، دو سده ی اخیر کودک همواره بزرگسال ناقص و ناتمامی تلقی می شده است، که نیازها و سلیقه هایش در مرکز توجه قرار نداشته و نه درحکم موجودی اجتماعی که صرفاً به مثابه ی موجودی بیولوژیک، به اונگاه می شده است. بی تردید چنین نگاهی به پرورش کودک، همبستگی تام و تمامی با شیوه ی زندگی و مناسبات اقتصادی و اجتماعی مردمان روزگار ماقبل مدرن داشته است. تا قبل از عصر مدرن، تقریباً تمام آثار کلاسیک ادبی فارسی که برای کودک و از کودکی سخن می گویند، هیچ توجهی به مخاطب کودک ندارند. بنابراین کودک و دوران کودکی آن گونه که در ذهن انسان امروزی است مفهومی نسبتاً نوپاست. توجه به کودک، تلاش برای سازگاری اثر ادبیات با دنیای تجربی کودک، گنجینه ی واژگان و آموزش غیرمستقیم از جمله ویژگی هایی است که در ادبیات پس از مشروطه خود را اندک اندک بروز می دهد. وقوع انقلاب مشروطیت که تحولات اجتماعی، اقتصادی، معرفتی و... را در جامعه ی ایران به همراه داشت، سبب شد تا مفهوم کودکی در جهان ذهنی ایرانی سامان بگیرد، که می توان بازنمایی آن را در ادبیات عصر دید. در بحث از پیشینه ی ادبیات کودک در ایران به مشاهیری چون ایرج میرزا، ملک الشعرای بهار، علی اکبر دهخدا و نسیم شمال برمی خوریم که با بکارگیری زبان محاوره ای عصر خویش و با بهره مندی از عناصری آشنا برای کودکان در شعر و با به حساب آوردن کودک به عنوان مخاطبی ویژه تحولی عمیق از این منظر در شعر به وجود آوردند. زبان، تصویر، مضمون و آهنگ سروده های این شاعران باعث هر چه نزدیکتر شدن مخاطب به ویژه کودک به شعر و ادبیات فارسی گردید. این مقاله می کوشد تا با مقایسه ی تحول نگاه به کودک در شعر این بزرگان، نسبت به متون کلاسیک پیش از آن تحول مفهوم کودکی را ارزیابی کند.

کلیدواژه ها: ادبیات کلاسیک فارسی، مفهوم کودکی، شاعران مشروطه.

• استادیار دانشگاه هرمزگان

• کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

دیدگاه‌های شمس تبریزی در باب فلسفه و بررسی بازتاب آنها در مثنوی مولوی

- دکتر محمد خدادادی
- دکتر مهدی ملک ثابت

یکی از یباترین جلوه های ادبیات فارسی، کتاب گرانسنگ مقالات شمس تبریزی، تنها اثر به جا مانده از شمس‌الدین محمد تبریزی، عارف نام‌آشنای قرن هفتم هجری است که مجموعه ای از منقولات اوست که در جمع مریدان مولوی بیان داشته است. این کتاب، در عین پراکندگی و دشواری های خاص خود، از جنبه های گوناگون ادبی، عرفانی، کلامی، فلسفی و ... حائز اهمیت است. علاوه بر این، یکی از آبخورهای اصلی تفکرات مولانا جلال‌الدین بلخی، همین سخنان شمس تبریزی است که متأسفانه تا کنون چنان که شایسته است به آنها توجه نشده است. یکی از مباحث موجود در کتاب مقالات شمس، دیدگاه‌های شمس تبریزی در باب علم فلسفه و فلاسفه است که به صورت بسیار پراکنده در لابه‌لای سخنان خود، آنها را بیان داشته است. در پژوهش حاضر، اندیشه‌های پراکنده شمس تبریزی در این مورد را استخراج کرده و به صورت منسجم و طبقه بندی شده عرضه نموده ایم. همچنین، به شیوه ای ساختارمند به بررسی بازتاب این اندیشه‌ها در مثنوی مولوی پرداخته و نشان داده شده است که بسیاری از اندیشه های مولوی در این باب، برگرفته از سخنان شمس تبریزی و به عبارت دیگر، بازتاب اندیشه‌های اوست. مباحثی همچون: محدودیت ادراکات فلسفی، رجحان خدا شناسی شهودی بر خداشناسی استدلالی و فلسفی، تقابل فلاسفه و انبیاء و ... از زمره این مسایل است. در این مقاله، علاوه بر آشنایی کامل با اندیشه های شمس تبریزی در باب فلاسفه، درمی‌یابیم که یکی از آبخورهای اساسی مولوی در مثنوی او در این باب، کتاب مقالات و اندیشه های شمس تبریزی است

کلید واژه ها: شمس تبریزی، مقالات شمس، مولوی، مثنوی معنوی.

• استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد.

• دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد.

روایت شناسی حکایت های مرزبان نامه در سه سطح: داستان، گفتمان و روایتگری با تکیه بر حکایت داده و داستان

- بهرام خشنودی چروده
- میثم ربانی خانقاه

پژوهش حاضر، حکایت های مرزبان نامه را از دیدگاه روایت شناسی ساختارگرا بررسی می کند. هدف این پژوهش آن است تا نشان دهد در شکل گیری یک متن روایی چه عناصر و مؤلفه هایی نقش دارند؟ حکایت های مرزبان نامه تا چه اندازه از ساختار روایی برخوردار هستند؟ در پیکره ی اصلی مقاله، سطوح سه گانه ی یک متن روایی یعنی داستان، گفتمان و روایتگری معرفی و سپس به عناصر و مؤلفه هایی که در شکل گیری یک متن روایی نقش دارند اشاره می شود. نویسندگان پس از بررسی این عناصر و مؤلفه ها در حکایت داده و داستان به عنوان نمونه، به این نتیجه می رسند که حکایت های مرزبان نامه از سه سطح فراداستانی، داستانی و زیر داستانی تشکیل می شود. سطح داستانی و زیرداستانی نسبت به هم کارکردی مضمونی دارد و قابل تأویل به یک جمله ی تشبیهی می باشد. در بازنمایی گفتار و افکار شخصیت ها و راوی از گفت و گو استفاده می شود و بیشترین بسامد صدایی از آن شخصیت ها می باشد. در مجموع، حکایت های مرزبان نامه با عناصر و مؤلفه های روایت شناسی ساختارگرا تطابق دارد. از این رو، می توان برای تمام حکایت های مرزبان نامه یک ساختار روایی مشابهی ترسیم کرد.

کلید واژه ها: روایت شناسی، داستان، گفتمان، روایتگری، مرزبان نامه، حکایت داده و داستان.

• استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا، آستارا

• دانشجوی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد واحد اردبیل، اردبیل

فردوسی و نیازهای نسل ما

وحید خلیلی اردلی

یکی از نیازهای بنیادین نسل ما، به ویژه جوانان، که رهگذران اصلی گذار پارادوکسیکال سنت و مدرنیته‌اند، این است که بدانند «چرا» و «چگونه» مفاخر ادبی‌شان که شهرت و مقبولیت جهانی دارند، به دردشان می‌خورد و به همین دلیل نیز در مواجهه با فردوسی بزرگ از خود می‌پرسند: براستی فردوسی به چه درد ما می‌خورد؟

صدها سال است که برای ماندگاری نسخه شاهنامه و کالبدشکافی متن آن، برای یافتن لایه‌های گوناگون سخن و اندیشه فردوسی، تلاش، پژوهش و کنکاش می‌شود. هزاران کتاب ارزشمند و مقاله مفید در واکاوی آن متن گرانمایه نگاشته شده‌است؛ اما آن چه قابل تأمل می‌نماید، این است که نوع زندگی بشر، با قرون گذشته کاملاً متفاوت شده و نیازها و رازهای زندگی اجتماعی و مدرن ما رنگ دیگری یافته است. عصر اینترنت، با مؤلفه‌ها و ویژگی‌های ارتباطی سریع و شگفت‌اش و هم‌چنین دنیای پیچیده و نو «نانوو بیو تکنولوژی» دغدغه‌ها و آرمان‌های بشر و چگونگی چیرگی بر نگرانی‌ها و دست یافتن به هدف-ها و آرزوهایش را از جنس دیگری کرده است. در چنین روزگار متفاوت، با چنین رویکرد دیگرگونه‌ای، در کنار پژوهش‌های بایسته در گستره ادبیات کهن ایران زمین، پاسخ به آن پرسش کلیدی نیز از مسئولیت‌های مهم خانواده بزرگ ادبیات است. بر همین پایه، در این مقاله سعی شده تا با ارائه تعریفی جامعه‌شناختی از نسل و بررسی ویژگی‌ها و نیازهای نسل تازه روزگار ما و تحلیل برخی از الگوهای فردوسی که در قالب یک یا چند بیت، به عنوان یک بسته فرهنگی، اجتماعی، علمی و... به دست ما رسیده، به پرسش فوق پاسخی در حد بضاعت اندک نویسنده داده شود و هم چنین با وجود تفاوت اساسی بین زندگی نسل ما و نوع زندگی عصر شاهنامه، مشخص گردد که فردوسی برای کدام درد از دردهای ما درمان‌گر است و نسخه‌ای در خور برای علاجش پیچانده است.

کلیدواژه‌ها: فردوسی، شاهنامه، روزگار ما، زندگی مدرن، دردها و دغدغه‌ها.

بوی بویا (بو و باز تاب آن در ادب فارسی)

- دکتر احمد خواجه ایم
- سیده ریحانه غنمی مشهدی

به موازات پیشرفت جامعه‌ی بشری و فن‌آوری نوین کارکردهای قوای پنج‌گانه‌ی انسان دچار نوساناتی شده است. برخی رو به تزاید گذاشته‌اند مانند جلوه‌های بصری که تقریباً تمامی فراز و فرود زندگی امروز بشر را در نوردیده است و برخی با کاهش مواجه گشته‌اند؛ که بویایی و شامه و جنبه‌های مختلف آن از آن جمله به شمار می‌رود. در متون کهن و دواوین شاعران و آثار منثور خامه زنان وادی ادب کارکردهای متنوعی از بو، سراغ داریم که تحلیل و پژوهش در آن‌ها علاوه بر آن که می‌تواند به روشن شدن برخی ابیات ناروشن شاعران معلق‌گویی نظیر خاقانی و انوری کمک کند؛ می‌تواند چونان آینه‌ای بازتاب دهنده‌ی مظاهر و مصارف و تنوع مضمومات و کارکردهای بوی‌های خوش و ناخوش و مطبوع و نامطبوع در جامعه‌ی گذشتگان و بالطبع در پهنه‌ی ادب کهن پارسی باشد. علاوه بر استفاده از عطرها و مضموماتی مانند گلاب و دستنبو و انواع گل‌ها در تشیخ‌ذ قوای دماغی در گذشته از بو برای راه‌یابی و پیدا کردن حیوانات و افراد گمشده و ساخت شراب با مشک و برای ردیابی اسبان و شتران در جنگ‌ها با استفاده از پشک باقیمانده‌ی آنان بهره گرفته می‌شده است. علاوه بر آنان در دربار شاهان علاوه بر چاشنی‌گیران کسانی نیز بوده اند که در بهبود بوهای خوش و افزودن آن به غذاها و خوردنی‌ها و ستردن بوهای ناخوش از لباس و ماکولات و و مشروبات تخصصی داشته‌اند. این پژوهش بر آن است که ضمن تعریف و تحدید کارکردهای بو در نزد قدما به بازتاب آن در ادب منظوم و منثور پارسی بپردازد و سپس با تفکیک و دسته‌بندی تأثیرگذاری‌های بوی‌ها و نیز آنچه بازتاب آن بر بوی‌ها تأثیر می‌گذاشته‌اند به پیوند آن با منابع دینی در قرآن و حدیث نیز اشاره کند، به عبارتی دیگر روشن سازد که استحباب استحمام و تعطیر در نماز که در متون عرفانی ادب پارسی بازتابی وسیع یافته‌اند؛ روی دیگر کارکردهای عاشقانه‌ی آن نمادی است که مثلاً سعدی می‌فرماید: مُهر از سر نامه برگرفتم گویی که سر گلابدان است بو و

• استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری
• دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری

استفاده از آن در پزشکی و شهرهای مشتهر به بوهای مطبوع و... از مواردی است که اختصاراً در این مقاله بدان پرداخته شده است.

کلید واژه ها: بو، بوی های خوش و ناخوش، ادبیات منظوم و مثنوی، کارکردهای بویایی.

بررسی ویژگی های دستوری دره نادره استرآبادی

• سمیه خورشیدی

دره نادره یکی از متون مصنوع قرن دوازده ادبیات فارسی است. متون مصنوع ویژگی هایی دارند که اغلب بین آنها مشترک است. باتوجه به دوره ای که میرزا مهدی خان زندگی می کرده، برخی از این ویژگی ها خاص این اثر است. در این پژوهش به بررسی برخی ویژگی های دستوری این اثر پرداخته، که سبک شخصی و دوره شاعر را نیز نمایان می کند. بعضی کاربردهایی که در این اثر مشاهده می شود، استفاده فراوان از واژگان و اصطلاحات عربی، آیات قران، ساختن ترکیب های اسمی و فعلی جدید، ابهام های مرکب؛ فعل های مرکب بیش از نوع ساده و پیشوندی که خاص این متن می باشد؛ سجع و جناس های بی شمار بویژه جناس خطکه کاربردهای بسیار مکررانه ای را در کل اثر می بینیم و همچنین بسیاری از ویژگی ها از جمله: تمثیل، و صنعت عکس، تناسب؛ درج اشعار عربی و فارسی و... که از مختصات نثر مصنوع است، در این اثر به شیوه هنرمندانه بکاررفته است.

کلید واژه ها: میرزا مهدی خان استرآبادی، دره نادره، ویژگی های دستوری.

نقد و تحلیل واژگان وارداتی در زبان و ادب فارسی و تأثیرات آن در فرهنگ ملی

حکیمه خوش نظر

فارسی به عنوان یکی از زبان‌های کهن، زبان رسمی و ملی ایرانیان از قدیم‌الایام، توانسته است در مقابل تغییراتی که عمدتاً از مجاورت با دیگر زبان‌ها و تعاملات میان زبانی پدیدار می‌شود، هویت خود را محفوظ نگه دارد، اما این سابقه و قدمت، دلیلی بر آسیب‌ناپذیری آن نیست. پیشرفت‌های علمی، جهانی شدن‌هایی که در عرصه اقتصاد تکنولوژی، فرهنگ و دیگر امور انسانی رخ داده و می‌دهد زبان فارسی را بیش از گذشته در معرض مجاورت‌های زبانی و فرهنگی و تغییر قرار داده است. لذا بررسی سیل ورود واژگان وارداتی به زبان فارسی و در عین حال سیر تحولات قاعده مند زبانی و هم چنین انواع قرض گیری زبانی و بررسی تحولات زبان فارسی دیروز و امروز ساختار کلی این مقاله را تشکیل می‌دهد.

کلید واژه ها: زبان فارسی، تحولات زبانی، قرض گیری زبانی، واژگان بیگانه، زبان دیروز و امروز.

مقایسه ی تطبیقی شعر پایداری ایران و جهان

• علی خوشه چرخ آرانی

ادبیات پایداری شاخه ای از ادبیات فارسی است که موضوع آن مقاومت و دلاورمردی افراد یک مدت یا قوم در برابر هر گونه تجاوز به خصوص جنگ های ناخواسته است. اگر پدیده جنگ در فرهنگ و اندیشه ی تمام ملل و جوامع انسانی امری مطرود است ولی چنان چه سرزمین، شرف، جامعه و کشوری مورد هجوم و اشغال دشمن قرار گیرد، امری لازم و واجب به حساب می آید. نگاهی گذرا به آثار ادبی جهان و ایران نشان گر این موضوع است که ادب مقاومت و پایداری دارای اهمیت و جایگاهی والا و ویژه است که جان مایه ی این آثار، بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی در همه ی حوزه های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و ایستادگی در برابر جریان های ضد آزادی است. در مقاله ی مذکور بر آنیم تا بررسی تطبیقی این شاخه ی ادبیات در آثار شاعران جهان، ویژگی های کلی ادبیات مقاومت را ذکر و پس از آن جایگاه ادب پایداری را در تاریخ اسلام، عصر مشروطه، دوره انقلاب اسلامی و سرودهای دفاع مقدس بررسی و در پایان شاخص ها و مشترکات ادبی، فکری و زبانی ادبیات مقاومت ایران و جهان را مورد بررسی قرار دهیم.

کلید واژه ها: ادبیات مقاومت، پایداری، جنگ، شعر، صلح، شاعر.

جاودانگی و مرگ متون طنز

- مرضیه خیر
- دکتر احمد طحان

طنز یکی از انواع ادبی است که همراه با خندانند و مجذوب کردن مخاطب، از بدی‌ها انتقاد کرده و در اصلاح ناراستی‌ها می‌کوشد. متن طنزآمیز به عنوان یک وسیله برای آگاهانیدن مردم باید موثر، گیرا و جاودانه باشد. عواملی وجود دارد که اگر طنزپرداز آنها را به کارگیرد، باعث جاودانه ماندن آثار خود می‌شود و در مقابل عوامل دیگری نیز وجود دارد که اگر مورد استفاده قرار گیرند، باعث می‌شوند که متن طنزآمیز میرا باشد. بنابراین هر طنزپرداز بسته به سبک خاصی که در نوشتن به کار می‌گیرد می‌تواند باعث زنده ماندن یا مردن اثر خود گردد. در این مقاله سعی شده است عواملی که باعث زنده ماندن متون طنز و همچنین عواملی که باعث مرگ زودرس متون طنزآمیز می‌شوند معرفی گردند.

کلید واژه ها: طنز. طنزپرداز. سبک طنزپردازی. جاودانگی. مرگ.

دگردیسی اسطوره در رمان فارسی

- حامد خیرآبادی
- دکتر اکبر شامیان ساروکلائی**

کاربرد اسطوره یکی از مولفه‌های مهم رمان مدرن و پست‌مدرن به شمار می‌رود. نویسندگان این داستان‌ها می‌کوشند تا از قدرت اسطوره که غالباً در تقابل با تاریخ‌گرایی محض عصر روشن‌گری است، برای تلطیف و تعادل افق اندیشه‌های انسان گرفتار جزمیت سود جویند. اما چنین نویسندگانی در رمان-هایشان صرفاً به تقلید و باز روایی اساطیر گذشته نمی‌پردازند، بلکه از آن‌ها الهام می‌گیرند، دگرگونشان می‌کنند، با اساطیر دیگر درمی‌آمیزند و حتی اسطوره‌های نو می‌آفرینند. این دگردیسی‌های اسطوره، در رمان فارسی در آثار نویسندگانی چون صادق هدایت، هوشنگ گلشیری، سیمین دانشور، عباس معروفی و محمد محمدعلی رخ داده است. تمایل به بازتاب گسترده و دیگرگونه از روایت‌های اسطوره‌ای در رمان‌های دوره‌ی معاصر، بی‌شک محصول تفاوت در نگرش انسان عصر ما و خوانش متمایز او با دوره-های گذشته است. در این مقاله، نگارنده علل کاربرد اسطوره‌ها و دگردیسی آن‌ها را در رمان نو فارسی بررسی می‌کند. شرایط نامناسب اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه، از جمله مضامینی هستند که نویسندگان رمان فارسی، باروش دگردیسی اساطیر به آن‌ها اشاره کرده‌اند.

کلید واژه: دگردیسی اسطوره، رمان فارسی، مدرنیسم، پست مدرنیسم.

• دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه بیرجند

• استادیار دانشگاه بیرجند

شعر و شاعری، سنت و نوآوری در نگاه منتقدان معاصر ادب فارسی و عربی

- حسن دادخواه
- غلامرضا کریمی فرد
- مهدی باپیروند

شعر یکی از موضوعهایی است که از گذشته مورد توجه ادیبان و منتقدان بوده است. در گذشته معیارهای نقد شعر بیشتر ذوقی بوده است ولی با آغاز دوره معاصر و به پیروی از نقد ادبی در ادبیات غرب، معیارهای نقد ادبی نوین در ادبیات فارسی و عربی پی ریزی گردید. در این مقاله، دیدگاه‌های منتقدان برجسته این دو ادب در زمینه شعر و شاعری و سنت و نوآوری آورده شده است. منتقدان در این دو ادب با معیارهای نوین به بررسی و نقد مفهوم شعر و شاعری پرداخته‌اند و هر یک کوشیده‌اند تا از نگاه خود شعر و شاعری را مورد واکاوی قرار دهند. با آغاز دوره نوگرایی در شعر در هر دو ادب فارسی و عربی، بحث سنت و نوآوری نیز مورد توجه قرار می‌گیرد تا آنجا که برخی منتقدان، ادبیات سنتی را با روح زمانه سازگار نمی‌بینند و نزد برخی دیگر، سنت و نوآوری با هم و در کنار هم معنا پیدا می‌کنند. آنچه از دیدگاه‌های بسیاری از این منتقدان می‌توان دریافت، این است که شعر و معانی آن و ذوق شاعر، می‌بایست با زمانه هماهنگ و بیان‌کننده عواطف و احساسات دوران خود باشد. بر همین پایه، ذهن و زبان شاعر نیز باید از هر قید و بندی آزاد باشد.

کلید واژه‌ها: شعر و شاعری، سنت و نوآوری، ادبیات معاصر فارسی و عربی، نقد ادبی.

• دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید چمران اهواز

• دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید چمران اهواز

• کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید چمران اهواز

بررسی نقش ساخت اطلاعی، در دیریابی شعر صائب

• نغمه دادور

صائب تبریزی یکی از سرآمدان طرز خویش است که سالهاست اشعار وی به عنوان نمونه‌ای برجسته از غزل مضمون مورد بحث و فحص قرار گرفته و بسیاری برآند که هنوز یک از صد گره‌های معنایی آن نیز گشوده نشده است. گرچه ادعای حل این مشکلات لافی گزاف می‌نماید و امری محال؛ اما در این جستار خواهیم کوشید تا با نگاهی ساختارشناسانه به نحو در دیوان صائب و بررسی تفاوت‌های پربسامد آن با نظم پایه و معیار دوران او، به ساخت اطلاعی^۱ اشعارش دست یابیم. واضح است که پس از رمزگشایی از ساخت اطلاعی، از یکسو می‌توان برخی از مهمترین عوامل نحوی مؤثر در دیریابی شعر وی را استخراج نمود و از دیگرسو بر مبنای این ویژگیها، می‌توان کلید فهم بسیاری از ابیات دشوارفهم دیوان صائب را یافت.

کلید واژه ها: نحو. ساخت اطلاعی. گروه نحوی. استدلال نحوی.

• دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه فردوسی مشهد.

^۱. ساخت اطلاعی عبارت است از اینکه جمله چگونه چیزی را بیان می‌کند.

خوانش بینامتنی شرق بنفشه اثر شهریار مندنی پور

بیتا دارابی*

نظریه پردازان امروزی بر این باورند که هر متن مجموعه ای است بر گرفته از منابع گوناگون فرهنگی و سرشار از نشانه هایی که منجر به خلق آن گردیده، و به بیانی دیگر هیچ متنی در انزوا شکل نمی گیرد و نمی توان آن را بدون ارتباط با متون دیگر خواند یا تفسیر کرد، بنابراین خوانش بینامتنی که با حرکت میان متون صورت می پذیرد، مخاطب را از ارتباط یک متن با متون دیگر آگاه می سازد. در برخی موارد بینامتنیت مانند شرق بنفشه اثر شهریار مندنی پور، حضور متون دیگر در متن اصلی به روشنی محسوس است. در واقع در این اثر مؤلف نشانه هایی به کار می برد که با بررسی این نشانه ها می توان بینامتن را تشخیص داده و منابع آن را شناخت. در این مقاله نگارنده بر آن است، با بررسی نشانه های موجود در شرق بنفشه که بیشتر در قالب ذکر نام کتاب های عرفانی و استفاده از اصطلاحات خاص عارفانه صورت پذیرفته، به تعریف وادی هفتم یا فنا که از مراتب حائز اهمیت در طی طریقت و سلوک عارفانه محسوب می شود، بپردازد.

کلید واژه ها: بینامتنیت، طی طریقت، هستی در نیستی، مرگ آگاهی، عرفان، تصوف، فنا.

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات انگلیسی

آموزش انشا در دوره متوسطه

شواهدی از چند کشور پیشرو در زبان آموزی و ایران

مریم دانای طوس *

پژوهش حاضر با هدف تدوین شاخص آموزش انشا (نوشتن خلاقانه) در دوره‌ی متوسطه و نیز تبیین نقاط قوت و ضعف آموزش آن در این دوره‌ی تحصیلی انجام شد. پرسش‌های این پژوهش عبارت بودند از: الف) شاخص آموزش انشا در آموزش زبان ملی در دوره‌ی متوسطه چیست؟ ب) آموزش انشا فارسی در دوره‌ی متوسطه‌ی ایران چه نقاط قوت و ضعفی دارد؟ جامعه آماری پژوهش حاضر برنامه‌ی آموزش زبان ملی در دوره‌ی متوسطه است. نمونه‌ی آماری شامل برنامه‌ی آموزش زبان ملی آمریکا (۲۰۰۴)، انگلستان (۲۰۰۷) و راهنمای برنامه‌ی آموزش زبان فارسی در دوره‌ی متوسطه (ویراست ۱۳۸۶) بود که با ملاک‌های ازپیش‌تعیین‌شده انتخاب شدند. برای پاسخ به پرسش‌های یاد شده محتوای برنامه‌ی آموزش زبان ملی کشورهای یاد شده در دوره‌ی متوسطه به شیوه‌ی کیفی تحلیل و بررسی شدند. پژوهش حاضر نشان داد که در برنامه‌ی آموزش زبان ملی در کشورهای آمریکا و انگلستان تعریف مفهومی و عملیاتی از انشا ارائه می‌شود و سپس در راستای تعاریف مطرح شده هدف‌های آموزش انشا به تفکیک پایه و دوره‌های تحصیلی ارائه می‌شود. اما در چارچوب برنامه‌ی آموزش زبان فارسی، انشا امری دانسته‌شده و بدیهی فرض می‌شود چرا که تعریف مشخصی برای آن مطرح نمی‌شود و خرده‌مهارت‌های آن نیز معرفی نمی‌شوند. عدم تدوین چارچوب مفهومی برای انشا باعث شده است که هدف‌های آموزش آن به صورت کلی و مبهم ارائه شوند و آموزش آن به صورتی متناسب با موقعیت، انتقادی و با کمک فناوری اطلاعات و ارتباطات برنامه‌ریزی نشود.

کلیدواژه‌ها: انشا، دوره‌ی متوسطه، شاخص آموزش، تحلیل کیفی محتوا

تأثیر انسجام بر دریافت پیام از متن با بررسی دو شعر «کتیبه» اخوان ثالث و «خوابی در هیاهو» از سهراب سپهری

مریم درپر

در الگوی انسجام متنی هالیدی و حسن، ارجاع، جایگزینی، حذف، عوامل ربطی و انسجام واژگانی ابزارهای انسجام و دریافت پیام از متن برشمرده شده است. حال در پژوهش حاضر، این پرسشها مطرح است که در شعر و کاربرد ادبی زبان چه عواملی می‌تواند سبب انسجام و دریافت پیام شود؟ و در شعرهایی که فاقد انسجام به نظر می‌آیند، دریافت پیام از متن چگونه صورت می‌گیرد؟ به منظور پاسخ به پرسش‌های فوق، شعر «کتیبه» از اخوان ثالث و «خوابی در هیاهو» از سهراب سپهری از نظر کارکرد عوامل انسجام مورد بررسی قرار گرفته است. ابتدا کارکرد عوامل انسجام در «کتیبه» و ضعف یا فقدان آن‌ها در «خوابی در هیاهو» نشان داده شده و در مرحله‌ی بعد، با توجه به این‌که هر دو متن انتخاب شده شعر هستند و می‌توانند تأویل‌پذیر و چند معنا باشند، یکی از پیام‌های قابل دریافت از آن دو ارائه شده و در پایان این نتیجه به دست آمده که شعر اخوان با اصول زیبایی‌شناسی کلاسیک که هنر را عبارت از هماهنگی، تناسب و اعتدال می‌داند، هم‌سو است و در پرتو این نگرش به انسجامی نیرومند دست یافته اما شعر «خوابی در هیاهو»ی سپهری و اشعاری مانند آن در مجموعه‌های «زندگی خوابها» و «آوار آفتاب» با اصول زیبایی‌شناسی مدرن و هنر سوررئالیستی هم‌جهت است؛ از این رو در ظاهر مجموعه‌ای از ناسازها و دارای گسستگی، پراکندگی و فضاهای خالی است اما سرانجام به نوعی وحدت می‌رسد و آن‌چه موجب پدیدآمدن این وحدت است، دستگاه فکری شاعر و فلسفه‌ی عمیقی است که شعر در بستر آن جریان دارد.

کلیدواژه‌ها: فرم شعر، انسجام، زبان‌شناسی، زیبایی‌شناسی کلاسیک، زیبایی‌شناسی مدرن.

نگرشی بر پیوند ادبیات و فلسفه در ایران و مقایسه ی آن با مغرب زمین

مرتضی دررودی جوان*

بشر در سیر تکاملی معرفت خویش از حیطة ها و گذرگاه های گوناگونی می گذرد که بنا بر حصری منطقی عموم این گذرگاه ها به دو دسته ی مجزای معارف عقلی و معارف شهودی قابل انقسام اند. از میان معارف دسته ی نخست، فلسفه و در میان دست آوردهای متعلق به دسته ی دوم، هنر و به طور خاص، ادبیات حایز برترین جایگاه می باشد. هرچند ادیبان بزرگ و مکاتب گوناگون ادبی با فلاسفه ی برجسته و نحله های مختلف فلسفی قرابت فراوان داشته اند و میان این دو قلمرو فرهنگی همواره تأثیرات و تأثرات فراوانی در جریان بوده است؛ لیکن نشان دادن کیفیت این تعاملات و تبیین تقدم و تأخر این دو مقوله نسبت به یک دیگر از اموریست که می تواند فهم و شناخت دقیق تر مکاتب ادبی و حکمی را در پی داشته باشد. نگارنده در جستار حاضر بر آن است که با بیان تفاوت های بنیادین میان ادبیات و فلسفه ی غرب با ادب و حکمت ایرانی - اسلامی و یافتن و ارائه نشانه هایی از تأثیر فلسفه ی اروپا بر ادبیات آن سامان، با ادله ای که فراپیش می نهد استقلال نسبی ادبیات فارسی از مکاتب فلسفی و بلکه تقدم نسبی آن بر حکمت اسلامی را به اثبات رساند.

کلید واژه ها: مکاتب ادبی، مکاتب فلسفی، معرفت شهودی، معرفت عقلی،

* دانشجوی مقطع دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی

نگاهی زیبایی شناسانه به شگردهای کاریکلماتور نویسی پرویز شاپور (با تکیه بر نظریه فرمالیسم و سوررئالیسم)

لیلا درویشعلی پور آستانه*

دکترعلی صفایی*

نظریه های فرمالیسم و سوررئالیسم، از نظریه های ادبی پرکاربرد و مدرنی هستند که شالوده بسیاری از نظریه های ادبی پس از خود را پی ریزی نمودند. این دو نظریه بیشتر از همه به بازی با اضلاع مختلف فرم های تثبیت شده جهت آشنایی زدایی توجه دارند و فرم را در خدمت محتوا می دانند. در این میان، کاریکلماتور که جدیدترین ژانر طنز معاصر است، با مؤلفه های فرمالیسم و سوررئالیسم از قبیل ایجاز، آشنایی زدایی، ادبیت، طنز، دیوانگی و وارونگی زبان، برجسته سازی و ... همخوانی چشمگیری دارد به گونه ای که با کاربرد این مؤلفه ها و بدون وابستگی مستقیم به تحلیل بلاغی سنتی می توان این گونه طنز مدرن را تحلیلی زیبایی شناسانه نمود. این مقاله، با رویکرد تحلیل محتوا از نوع کیفی می کوشد تا ضمن تأملی بر مفهوم زیبایی شناسی و استقرای تام از مجموعه هشت کتاب شاپور با عنوان «قلبم را با قلبت میزان می کنم» به کار بست نظریه فرمالیسم و سوررئالیسم جهت تحلیل زیبایی شناختی این اثر بپردازد.

کلید واژه ها: بازتحلیل، تصویر، زیبایی شناسی، طنز، کاریکلماتور.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان

وصاف الحضرة: شاعری در سایه تاریخ

حکیمه دسترنجی

وصاف الحضرة، شهاب الدین یا شرف الدین عبداللّه بن فضل اللّه شیرازی، ادیب و شاعر ایرانی در قرن هفتم و هشتم هجری است. اثر معروفش، *تاریخ و صاف*، او را به عنوان ادیبی متکلف و مغلق نویسنده دنیای تاریخ ادبیات معرفی کرده است. اما آنچه تاکنون کمتر بدان پرداخته شده «شاعری» و صاف است. و صاف علاوه بر تاریخ نویسی، شعر نیز می سروده و «وصاف» و «شرف» تخلص می کرده است. اما متأسفانه کتب تاریخ ادبیات به بررسی اشعار و سبک شعرگویی او نپرداخته اند. حتی در *تحریر تاریخ و صاف* به قلم استاد عبدالمحمد آیتی نیز شعرهای فارسی و صاف نیامده و این درحالی است که و صاف، هم عصر سعدی بوده و از لحاظ ذوق شعری نیز جایگاهی در خور توجه داشته است. نگارنده این سطور با تکیه بر نسخه خطی تاریخ و صاف، به شماره ۸۴۴، موجود در کتابخانه گنج بخش اسلام آباد بیش از ۱۰۰۰ بیت شعر از و صاف را استخراج و تصحیح کرده و از راه بررسی آن ها به مقام و سبک شاعری و صاف و تجزیه و تحلیل سبک و محتوای اشعار او پرداخته است. با این هدف که این تحقیق گامی در جهت روشن ساختن بخشی از تاریخ ادبیات فارسی در ایران باشد.

کلید واژه ها: و صاف شیرازی، شعر، تاریخ، فارسی.

پرسش بلاغی تشریحی در ادبیات معاصر فارسی

مصطفی دشتی آهنگر*

از گذشته تا کنون، در کتب بلاغی برای جملات پرسشی، اغراضی را برشمرده‌اند مانند امر، نهی، بیان تحسیر، ترغیب و... این موارد تقریباً معانی ثانوی اکثر جملات پرسشی موجود در متون کهن را شامل می‌شوند. در دوره‌ی معاصر به دلیل روی‌کرد خواننده‌مدارانه به متن، به پرسش‌هایی برمی‌خوریم که علم معانی سنتی درباره‌ی آنها سکوت کرده زیرا در ادبیات قدیم نمونه‌های آنها به ندرت دیده می‌شود. این جملات پرسشی که در اشعار و به‌ویژه در داستان‌های دوره‌ی معاصر دیده می‌شود، به دلیل متکثر کردن معنای متن ادبی اهمیت دارد. تکثیر معنا با سهیم کردن خواننده در آفرینش متن صورت می‌گیرد. به این ترتیب که متن از خواننده چیزی می‌پرسد و با این شگرد، به صورت غیر مستقیم از او می‌خواهد متن را معنا کند. این نوع پرسش‌ها در این مقاله، پرسش‌های بلاغی تشریحی نامیده شده‌اند. این مقاله بعد از آنکه درباره‌ی ضعف علم معانی سنتی در تبیین این شگرد بحث می‌کند، از مباحث زبان‌شناسان و منتقدان ادبی در تبیین نظری جایگاه این نوع پرسش یاری می‌گیرد و در پایان به ذکر نمونه‌هایی از جملات پرسشی در شعر و داستان معاصر می‌پردازد.

کلید واژه ها: علم معانی، اغراض ثانویه‌ی جملات، جملات پرسشی، گفتمان، نظریه‌ی کارگفت، رویکرد خواننده‌مدار به متن.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ولایت

ادبیات و رویکردهای آن

مهدی دشتی*

رویکرد اصلی ادبیات تأثیر است و نشانه تأثیر، تغییر؛ تغییری که در ذهن، زبان یا رفتار مخاطب و گاه هر سه رخ می دهد. این، اولین و اصلی ترین رویکرد ادبیات است و باقی اعم از تعلیم، پس از آن قرار می گیرد و اما دلیل این معنا چیست؟ به گمان راقم این سطور، از آنجاست که ادبیات، هنر است و رویکرد اصلی هنر، تأثیر است. هنر نمی خواهد چیزی را به ما بیاموزد بلکه می خواهد آنچه را که می دانیم، در ما بیدار کند و فعلیت بخشد، به عبارت دیگر هویت فراموش شده یا مورد تغفل ما را به یادمان آورد که اگر این بشود، ما تغییر می کنیم و تولدی دیگر می یابیم لذا آموزش ادبیات وقتی مفید است که اصل مذکور رعایت شود نه آنکه مخدوش گردد و به جای جذب مخاطب و تأثیر گذاری، او را از ادبیات دور سازد. غرق شدن در جزئیات مواد سازنده آثار ادبی که امروز در همه جا به عنوان مباحث ادبی، مطرح است و غالباً تحت تأثیر نظریه پردازان غربی است، حاصلی جز ابهام، دوری و سرگردانی و نهایتاً سترون شدن ادبیات ندارد. به همین خاطر امروز، ادبیات در متن جامعه، زنده تر است تا در دانشگاه ها و محافل باصطلاح ادبی و مجلات و نشریات مزین بدین عناوین. البته ادبیات، راه خود را رفته و می رود و زاویه میان آن و آنچه در درسها و بحثهای باصطلاح ادبی می گذرد، روز به روز بیشتر می گردد و تجربه تاریخی هم نشان داده است که آنچه باقی می ماند، ادبیات است و نه مباحث مدعیان ادبی.

کلید واژه ها: ادبیات، زبان، هنر، قرآن، تأثیر.

* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی

تصویر آتش زایا در شعر نیما یوشیج

* نسرین دفترچی

* مهدی ممتحن

گاستون باشلار شناخت تخیل شاعر از ورای تحلیل تصاویر ادبی را مبنای اندیشه خود قرار می دهد. او تصاویر مورد مطالعه خود را بر اساس عناصر چهارگانه «آب»، «باد»، «آتش» و «خاک»؛ یا همان «آخشیج» که از دیر باز در تمدن کهن شرق نیز مطرح بوده است، قالبی برای سنجش عناصر مؤثر بر روی تخیل نویسنده در نظر می گیرد. در شعر ققنوس نیما یوشیج، کهن الگوی «تولد دوباره» مطرح است که تصویری بر محور عنصر آتش آفریده می شود. هدف از این مقاله این است که عنصر آتش نهفته در تصویر ققنوس نیما یوشیج را با استناد به دیدگاه گاستون باشلار مورد تحلیل قرار دهیم.

کلید واژه ها : عناصر چهارگانه، تخیل، آخشیج، کهن الگو، اسطوره، آتش، تولد دوباره.

* دانشجوی دکتری

* دانشیار دانشگاه آزاد جیرفت

خوانشی ساختارگرایانه از عاشقانه ترین داستان معاصر " بار دیگر شهری که دوست می‌داشتم "

شهرام دلشاد

بی تردید عوامل متعددی در پسندیدگی یک اثر ادبی موثر می‌افتد که ممکن است به حوزه لفظ یا معنا مربوط باشد که بیشتر به ساختار و فرم سخن نویسنده مربوط است، لذا باید بیشتر از دیدگاه نقد ساختارگرایانه و فرمالیستی به آثار ادبی نگاه کرد، داستانهای عاشقانه معاصر فارسی از حیث بررسی ساختارگرایانه بدلیل فضای رمانتیک و شاعرانه ای که دارند دارای اهمیت فراوان هستند، " بار دیگر شهری که دوست می‌داشتم " از نادر ابراهیمی یکی از شاهکارهای بی بدیل عاشقانه های داستانی ما بشمار می‌آید هر چند این داستان، انباری از جملاتی لطیف و عمیق با مفاهیمی زیبا و تاثیرگذار است، اما با این وجود از لحاظ شیوه داستان پردازی دارای اهمیت فراوانی هست. بنابراین، نگارنده در این مقاله بر آن است، با کاربرد شیوه‌های جدید تحلیل داستانی، نقد روایتی (استفاده از فرایند پایدار و ناپایدار) و یکی از داستان‌های برتر نادر ابراهیمی، را بررسی و تحلیل کند و به یاری روایت‌شناسی، ارتباط میان شخصیت‌های داستانی و دیگر عناصر داستانی را تبیین نماید و به این ترتیب زمینه‌ای را برای آشنایی با داستانهای عاشقانه معاصر فارسی و اندیشه‌های نادر ابراهیمی در این زمینه و شناخت شیوه‌ی داستان‌پردازی این نویسنده فراهم آورد.

کلید واژه ها : ادبیات معاصر ایران، داستانهای عاشقانه ؛ ساختار گرایی ، نادر ابراهیمی .

وندهای اشتقاقی در تاریخ بلعمی

نادیه دلفانی

محمود عباسی

اهمیت تحقیقات مربوط به زبان فارسی - این میراث گرانقدر ملی و فرهنگی ایرانیان - بر کسی پوشیده نیست تاکنون پژوهش های زیادی در این زمینه صورت گرفته ولی هنوز مواردی می توان یافت که بررسی بیش تر درباره ی آن ها ضروری به نظر می رسد ، ساختمان واژه یکی از این موارد است . از آن جا که زبان فارسی زبانی ترکیبی است ؛ یعنی می توان از پیوستن واژه های زبان به یکدیگر یا افزودن پیشوندها و پسوندها به آن برای بیان مفاهیم تازه بهره گرفت ، می توان با بررسی واژه های غیر بسیط (مشتق ، مرکب و مشتق - مرکب) در آثار گذشتگان ، الگوی ساختواژه را از آنها استخراج کرد و در ساختن واژه های جدید از آن ها بهره برد . یکی از آثار ارزشمند غنی زبان و ادب فارسی تاریخ بلعمی است ، این کتاب سوای جنبه های تاریخی ، زبانی بدیع و شگرف دارد و در سراسر آن واژگان مشتق ، مرکب و مشتق - مرکب برای بیان مفاهیم تاریخی به کار رفته است و واژه هایی شاخص در آن وجود دارد که به جرات می توان گفت مختص خود بلعمی است مثل : بنیرو، با هیبت، میران ، تبش ، پذیرفتار، فروختار، بزرگفردارو . . موضوع این مقاله پسوند های اشتقاقی در تاریخ بلعمی است ، ابتدا کتاب تاریخ بلعمی به صورت دقیق مطالعه شده و واژه های مشتق آن استخراج گردید و سپس با استفاده از منابع متعدد ساختمان واژه ها مورد بررسی قرار گرفت و واژه های مشتق با نمونه مثال هایی ذکر گردید . باتوجه به بسامد بالای وندها و پرهیز از اطناب مقاله فقط پسوندها مورد بررسی قرار گرفته است . ابتدا نمونه مثال هایی آورده شده و بقیه واژه ها با آدرس سطرو صفحه ذکر شده است .

کلیدواژه ها: زبان فارسی، تاریخ بلعمی، واژه های مشتق، پسوندها.

حافظ و ابوسعید دو هم مشرب (ارتباط فرازبانی اسرارالتوحید و غزلیات حافظ)

مهدی دهرامی

جلیل مشیری

بینامتنیت یکی از رویکردهای خوانش متن در ارتباط با متون دیگر است. بر اساس این نظریه، هر متنی برخاسته و شکل یافته از متون پیش از خود است. به تعبیر دیگر، بینامتنیت، تعامل و گفتگوی بین آثار و هنرمندان را تشریح می کند. در این راستا اندیشه های یکسان، واقعیت های اجتماعی و سیاسی، فرهنگ همگانی و مردمی جامعه، سنت های رایج یک ژانر ادبی، مشرب یکسان و ... در پر رنگ کردن این ارتباط ها تاثیر گذار است. حافظ و ابوسعید دارای تشابهات روحی و عقیده ای بسیاری اند که این تشابهات موجب گفتگوی فرازبانی دو متن غزلیات حافظ و اسرارالتوحید شده است. در این مقاله سعی بر این است ای ندو متن بر اساس یکدیگر باخوانی شوند. بر همین اساس، علاوه بر اینکه به بررسی عوامل بیروین و زمینه های تعامل و گفتگوی بین آنها پرداخته شده، تشابهات این دو متن در دو حوزه ی مکتبی و اختصاصی نیز تحلیل و بررسی دشه تا نشان داده شود حافظ و ابوسعید از نظر شخصیت و اندیشه قرابت های بسیاری با هم دارند.

کلید واژه ها: بینامتنیت، ارتباط فرازبانی، اسرارالتوحید، غزلیات حافظ، تعامل، تشابهات مکتبی و اندیشه ای.

ناهمخوانی زمانی در رمان سمفونی مردگان

پیمان دهقان پور*

در رمان سمفونی مردگان که در دو بستر زمانی بیست و چهار ساعته و چهل و دو ساله روایت شده است، به سبب یادایدهای ذهنی، آمد و شدهای پی در پی و سفر از حال به گذشته، ناهمخوانی‌هایی در اشاره به روز حرکت اورهان، از حجره‌ی خشکبار معتبر به سمت قهوه‌خانه‌ی شورآبی دیده می‌شود. در روایت سیال معروفی، این ناهمخوانی زمانی، به سبب دو پاره ساختن موومان یکم در رمان راه یافته است؛ تا جایی که در پاره‌هایی از متن، روز برادرگشی، «دوشنبه» و در پاره‌هایی دیگر، «جمعه» یاد شده است؛ حال آنکه می‌دانیم عزم اورهان برای گشتن برادرش، بستر زمانی بیست و چهار ساعته‌ای را در برمی‌گیرد که از پنجشنبه روزی زمستانی، درست سر ساعت دو بعدازظهر آغاز شده؛ اما نویسنده از جمعه به دوشنبه رسیده است. در این نوشتار، گذشته از یادآوری ناهمخوانی زمانی در روایت عباس معروفی در دو پاره‌ی موومان یکم از سمفونی مردگان، این روایت ناهمگون را بیرون از یک اشتباه زمانی نیز نگریستیم؛ به این معنی که با قائل شدن بر زمان اسطوره‌ای و حذف زمان تاریخی، اورهان را فارغ از اشراف بر ماضی و مستقبل دیدیم. همچنین، نقدی بر نقدهای هوشنگ گلشیری در «چه کسی شاعر را کشته است؟»، الهام یکتا در کتاب «ازل تا ابد» (درونکاوی رمان «سمفونی مردگان») و جواد اسحاقیان در کتاب «از خشم و هیاهو تا سمفونی مردگان» داشته‌ایم.

کلید واژه ها: عباس معروفی، سمفونی مردگان، زمان، زمان اسطوره‌ای.

* دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

تأملی در اصطلاحات مکاشفه و مشاهده عرفانی

احمد دهقان

مکاشفه یعنی درک و دریافت چیزی که که بر فهم انسان پوشیده است و مشاهده و قرب و نزدیک شدن است، ولی معنی اصطلاحی هر دو به هم نزدیک است و بیشتر به معنی دیدن حق است و به قلب و چشم مربوط می شود. در این گفتار این اصطلاحات از دیدگاه عرفانی به معنای وسیع و با شمولیت مکاتب بزرگ از جمله اسلام، مسیحیت و زرتشت و با محوریت عرفان اسلامی نگریسته می شود. و از منظری دیگر آنها را بر اساس بنیان های ساختاری آنان که مشتمل بر پیکرپذیری اندیشه، و سفر به ناخودآگاه است، مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش نشان می دهد که مشاهده و مکاشفه بنیان های ساختاری یکسانی دارند و در واقع هر دو ارتباط با خودآگاه و دریافت مفاهیم فراوری شده ذهنی و دیدن تصاویری است که در اثر پردازش عناصر اعتقادی و داده های محیطی در اثر سالها تمرکز در ذهن ساخته می شود و در رؤیا و یا در حالت بیداری به صورت پیکرینه شده قابل مشاهده است، بخش عمده این تجارب منبث از الگوبرداری از دریافت های گذشتگان جستجوگری است که با وجود مجهولات عظیم شان از پدیده های جهان در پی حل معمای هستی بوده اند، و تدبر سالیان آنها در کاینات باوری عمیق به جهان غیب را در آنها ایجاد کرده است. عناصر شهودی این متفکران حاصل همین جستجوگری و نگرش ژرف آنها در پدیده های عالم است.

کلید واژها: مکاشفه، مشاهده، عرفان، پیکرپذیری اندیشه، ناخودآگاه.

نقد و بررسی مرثی نظامی گنجوی

* مسعود دهقانی

* حسین رسولزاده

مرثیه به عنوان بخشی از ادبیات غنایی، از دیرباز در ادبیات ملل گوناگون همچون اعراب و یونانیان، در مفهوم سوگبر عزیزان از دست رفته و گذرا بودن عمر به کار رفته است و از این نظر می توان گفت که مرثیه یک نوع ادبی جهانی است که محتوای آن در ادبیات تمامی ملت ها مشترک است. مرثیه در ادب فارسی سابقه ای دیرین دارد و از نخستین دوران شعر فارسی وجود داشته است؛ اما در آثار برخی از شاعران جزو عناصر اصلی محسوب می گردد. نظامی از جمله شاعرانی است که در باب مرثیه نمونه های موفق هنری بر اساس عناصر عاطفی ارائه کرده است. مرثی نظامی که اغلب به صورت داستانی هستند از نقاط اوج مثنوی های وی به شمار می آیند. نظامی در این مرثی از تمامی فنون شاعری خود بهره جسته است تا اشعارش هرچه بیشتر به سمت هنر حرکت کنند. بنابراین مرثی نظامی کاملاً بیانگر بوطیقای شعر وی هستند. در این مقاله مرثی نظامی بر اساس تقسیم بندی مدونی که از انواع مرثیه در ذهن نویسندگان این مقاله شکل گرفته است که نیاز به بررسی در مقاله ای دیگر دارد، بر اساس چهار دیدگاه عاطفه، موسیقی، فنی و هنری و پشتوانه فرهنگی بررسی شده است.

کلید واژه ها: نظامی، مرثیه، انواع مرثیه، عاطفه، موسیقی، پشتوانه فرهنگی.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز

ارتباطات کلامی در داستان‌های مثنوی

محمد ذاکری*

علیرضا محمدی کله‌سر*

بر اساس تعریف وتن و کمرون، ارتباط حمایتی، ارتباطی است که می‌کوشد تا ضمن حفظ رابطه مثبت بین دو طرف ارتباط، به حل مسأله مورد نظر نیز پردازد. برپایه این تعریف، مسأله‌مداری، صراحت، توضیحی بودن، اعتبار بخشیدن به گیرنده پیام، ویژه‌گویی، ارتباط با مطالب گذشته، مسئولیت‌پذیری فرستنده پیام و دوسویه بودن پیام، هشت مشخصه اصلی یک ارتباط حمایتی هستند. در مقاله حاضر میزان حضور این ویژگی‌ها در ارتباطات کلامی میان شخصیت‌های داستانی مثنوی و موفقیت یا شکست آنها در برقراری ارتباط بررسی شده است. می‌توان گفت رعایت نشدن این مؤلفه‌ها در داستان‌های مثنوی موجب گسست ارتباط و تبدیل آن به موضعی دفاعی، و رعایت آنها از سویی حل مسأله و از سویی دیگر حفظ ارتباط را در پی داشته است.

کلیدواژه‌ها: ارتباط حمایتی، گفت و گو، داستان، مثنوی.

* دانشجوی دکتری مدیریت دولتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

* عضو هیات علمی دانشگاه شهرکرد

موتیف (بن مایه) های تلمیحی قصه‌ی عیسی (ع) در غزل مولوی و حافظ

دکتر رحمان ذبیحی*

روح اله یوسفی*

موتیف (بن مایه) از اصطلاحات رایج در حوزه هنر و ادب است. مهم‌ترین ویژگی آن تکرار شونده‌گی، معنی افزایی، معنی آفرینی و ... است. به کمک موتیف می‌توان جنبه‌های صوری و محتوایی آثار ادبی را نقد و تحلیل و مقایسه نمود. در حوزه غزل عرفانی مولوی سرآمد دیگر شاعران است و غزل حافظ نیز با اینکه دارای ابعاد مختلف است، اما وجه عرفانی آن برجسته و قابل بررسی است. یکی از جنبه‌های قابل توجه در غزل این دو شاعر تلمیحات قرآنی و به‌خصوص قصص پیامبران است که بررسی و مقایسه آنها شباهتها و تفاوت‌های نگاه این دو شاعر را به این مقوله روشن می‌سازد. در این پژوهش ضمن ارائه تعریفی از موتیف تلمیحی، بنمایه‌های تلمیحی قصه‌ی عیسی (ع) به‌عنوان یکی از موتیف‌های رایج در غزل مولوی و حافظ، بررسی شده است. در غزل مولوی بسامد و تنوع بنمایه‌های قصه‌ی عیسی (ع) بسیار بیشتر از غزل حافظ است. مولوی عیسی (ع) را به‌عنوان رمز و نمادی از انسان کامل، عشق، معشوق، شمس، روح و عقل به‌کار برده و محور اندیشه‌های خود را در این موتیف، عشق والای الهی قرار داده است. عیسی (ع) در غزل حافظ گاهی رمز و نماد انسان کامل و زمانی نماد معشوق/ممدوح است. محور اندیشه‌های حافظ نیز در این موتیف گاهی عشق والای الهی و زمانی نیز عشق زمینی و انسانی است. لزوم ترک تعلقات و پیروی از انسان کامل به‌عنوان پیر و مرشد برای بهره‌مندی از عنایت الهی از اندیشه‌های مشترک دو شاعر در این موتیف به شمار می‌رود. توصیف طبیعت با استفاده از بنمایه‌های این قصه نیز از مشترکات دو شاعر است که نگاه عارفانه و عاشقانه دو شاعر را به این موضوع نشان می‌دهد.

کلیدواژه ها: غزل مولوی و حافظ، موتیف تلمیحی قرآنی، قصه‌ی عیسی (ع)، کارکردهای معنایی، اندیشه-های شاعران.

* عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام

* کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

روان شناسی رنگ ها در مجموعه اشعار اقبال لاهوری

دکتر آسیه ذبیح نیا عمران*

دکتریدالله شکیبافر*

در ادبیات فارسی رنگ هم چون کلامی گویا برای بازگو کردن خلق و خوی، حالات و شخصیت و موقعیت به کار می رود؛ از نظر روانشناسی نیز رنگ بیانگر نگرانی ها، ناراحتی ها، شادی ها و تحولات روحی روانی شخصیت ها است، در نتیجه می توان با کمک رنگ پل ارتباطی بین روانشناسی و ادبیات ایجاد کرد. روانشناسان با دقت در کاربرد رنگ به بازشناسی لایه های پنهان شخصیت افراد می پردازند. مضمون و محتوای برخی از ابیات و اشعار فارسی حاوی نکات روانشناختی است که در این میان، رنگ جایگاه بسیار ویژه ای را در این ساحت دارد، و بیانگر احوال گوناگونند. اقبال هنرمندی خود را به حدی رسانده است که به کمک رنگ ها شوق خواننده را در سراسر دیوان خود بر می انگیزد و با دقت در عنصر رنگ و شیوه هایی که در اشعار وی به کار برده شده می توان دریافت که شاعر از به کار بردن رنگ ها چه چیز را مدنظر داشته است. از آن جایی که تا کنون به بررسی رنگ ها از بعد روانشناختی در کلیات اشعار اقبال پرداخته نشده؛ لذا در این پژوهش سعی شده با آمار بسامدی رنگ کارکردی در روان شناسی در مجموعه اشعار اقبال و مرتب کردن آن ها به ترتیب فراوانی با تکیه بر تحلیل روانشناسی رنگ ها و طبقه بندی خروجی در آن ها به وضعیت روانی اقبال نزدیک شویم. سبز پربسامدترین رنگ در اشعار اقبال است، که این رنگ نشان دهنده ی فرد گرایی و استقلال طلبی شاعر و دنباله رو ولایت الهی بودن و ثبات عقیده و خود آگاهی او می باشد. این رنگ ثبات و مقاومت شاعر را در برابر تغییرات می رساند.

کلیدواژه ها: روانشناسی رنگ ها، اقبال، دیوان اشعار، روانشناسی لوشر، نقد روانشناختی.

* استادیار دانشگاه پیام نور

* استادیار دانشگاه پیام نور

تجلی قرآن و حدیث در دیوان قاسم انوار

رحمان ذبیحی *

یونس جلوذاری *

علیرضا شوهانی *

تأثیر قرآن و حدیث بر شعر فارسی یکی از زمینه‌های عمده‌ی مطالعات تطبیقی بین زبان فارسی و عربی است. تأثیر این منابع معرفتی همگام با تطوّر شعر فارسی روی در فزونی داشته است. در قرن نهم نیز چون قرون پیشین آثار این توجّه در دیوان شاعران مشهود است. قاسم انوار (م: ۸۳۷ هـ. ق)، شاعر برجسته، عارف مسلک و پارسی‌گوی این دوره، توجّه ویژه‌ای به قرآن کریم و احادیث دارد. وی به اقتضای تربیت خانوادگی و سنت عرفا و صوفیه در استناد به قرآن و حدیث، با این منابع معرفتی آشنایی عمیق داشته و در اشعار خود به مناسبت‌های مختلف از آن‌ها بهره گرفته است. در این مقاله، پس از معرفی شخصیت شاعر، به شیوه‌های مختلف استفاده‌ی وی از قرآن و حدیث از جمله تلمیح، تصویر، اقتباس، تأویل و تفسیر، حلّ و ترجمه پرداخته شده است. هم‌چنین اهداف شاعر از کاربرد قرآن و حدیث از جمله توصیف، استشهاد و استناد، تعلیل و توجیه، تشبیه و تمثیل و برهان و استدلال بررسی گردیده است. او در دیوان در بیش از ۹۰۰ بیت متأثر از آیات، اشارات، داستان‌های قرآنی و احادیث است که از این میان سهم استفاده‌ی وی از آیات ۸۰۲ بیت و احادیث ۱۱۰ بیت می‌باشد. از آن‌جا که وی شاعری غزل‌سراست، بیشترین میزان بهره‌گیری وی از آیات و احادیث در این قالب است. شیوه‌ی غالب اثر پذیری او تلمیحی و بیشتر با هدف توصیف است. این شاعر عارف، هنگام بیان معانی و مفاهیم عرفانی خویش از واژگان و اصطلاحات عرفانی فراوانی بهره گرفته که در به کارگیری آن‌ها وامدار قرآن و حدیث است. برخی آیات و احادیث بیشتر مورد توجّه شاعر است؛ به گونه‌ای که در سراسر دیوانش تکرار می‌شوند.

کلید واژه‌ها: قاسم انوار، دیوان اشعار، ادبیات تطبیقی، تأثیر قرآن و حدیث بر شعر فارسی، شیوه‌های تأثیر پذیری.

* استادیاران گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام

* استادیاران گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه

رمانتیسیم و مقایسه آن با ادبیات رمانتیسیم ایران

سهیلاذوقی*

بروز برخی از جلوه‌های مکتب رمانتیسیم اروپایی که پس از نفوذ به ادب ایران، با ویژگی‌های خاص خود، رمانتیسیم ایرانی نام گرفته بود. در اشعار شعرای پس از مشروطه، به ویژه شعرای عصر نیمایی و حتی پس از آن تا امروز امری بدیهی و آشکار است. اما نمود برخی از مولفه های این مکتب از جمله «بازگشت به طبیعت (بدوی گرایی)، احساس گرایی، درون گرایی، آزادی و ...» در آثار شاعران پیش از مشروطه به خصوص شاعران ادبیات غنایی ایران نیز امری مسلم و غیرقابل انکار است. جستار حاضر، تحلیل و پژوهشی است از وضعیت رمانتیک نگاری شاعران عرصه ادبیات ایران تا بر این باشیم که فرهنگ و ادبیات ایران یکی از منابع و آبشخورهای کهن رمانتیسیم محسوب می گردد. به همین دلیل عمده محور بحث حاضر تحلیل ویژگیهای رمانتیسیم ایرانی در آثار شاعران کلاسیک و معاصر می باشد که نتیجه آن محصول، تعمق در اشعار رمانتیک شاعران در مجموعه شعرهای آنهاست.

کلید واژه‌ها : رمانتیسیم، اصول مکتب رمانتیسیم، احساس گرایی، رمانتیسیم ایرانی، شاعران پیش از مشروطه، شاعران پس از مشروطه.

* عضو هیات علمی تمام وقت دانشگاه آزاد اسلامی نظرآباد- دانشجوی دکترای دانشگاه واحد کرج

انسان کامل از دیدگاه ابن عربی و جامی

وداد الزیموسی

انسان کامل، اصطلاحی است که در عرفان نظری، جزو واژه‌های کلیدی محسوب می‌شود. اندیشه‌ها و دیدگاه‌های گوناگونی که درباره مفهوم انسان کامل ارائه شده، چنان گسترده است که ارائه تعریف جامع و فراگیر را دشوار کرده است. می‌توان گفت اشکال تاریخی انسان گرایی، در تمام ملت‌ها کمابیش وجود داشته و آدمی در طول تاریخ، پیوسته در جستجوی انسان کامل بوده است. گاهی، این کمال در ربّ النوع‌ها و گاه در صورت قهرمان افسانه‌ای و اساطیری و حتی گاهی در چهره افراد برجسته تاریخ مملکتی جلوه گر شده است. اگر چه مفهوم انسان کامل همگام با پیدایش عرفان اسلامی وجود داشته و حتی پیش از ظهور اسلام، در نزد متفکران ایران باستان و نیز متفکران هند و یونان و ... مطرح بوده است، با این همه ابن عربی، نخستین عارفی است که اصطلاح انسان کامل را در عرفان اسلامی وضع کرده و آن را با نبوغ سرشار خویش در پیوند با سایر اجزای تفکر خود بویژه مبحث وحدت وجود و مبحث اسماء و صفات و ... در دستگاه عرفانی خویش وارد نمود، چنانکه پس از مبحث وحدت وجود و اسماء و صفات، مبحث انساکامل را به همراه مباحث فرعی آن همچون نبوت، رسالت و ولایت، می‌توان سوّمین رکن عرفان نظری دانست. جامی نیز در مبحث انسان شناسی پا جای شیخ اکبر نهاده و همان عقیده او را پیرامون انسان شناسی در لباس نظم و کسوت نثر شرح و بیان نموده است.

کلید واژه ها: انسان کامل، ابن عربی، جامی، عرفان، شیخ اکبر.

گذر و نظری سبک‌شناختی در رساله‌ای عرفانی

سیدمحمد راستگو*

محمدفرید راستگوفر*

از میان نسخه‌های فراوان کتابخانه‌ی گرانبهای استاد دکتر اصغر مهدوی، رساله‌ی عرفانی ارزشمندی است به زبان فارسی و به گمان بسیار از آغازهای سده‌ی ششم که به دلیل افتادگی‌های آغاز و انجام و به دست نرسیدن نسخه‌ی دیگری از آن، نه نام خود رساله شناخته است و نه نام نویسنده‌ی آن. بررسی این رساله که به گمان بسیار بازنوشت مجالس پیری عارف است نشان می‌دهد که گوینده عارفی دانشمند بوده است از گونه‌ی کسانی چون احمد غزالی و عین القضاة همدانی که افزون بر آگاهی بسیار از قرآن و حدیث و علوم شریعت با سلوک صوفیانه و تجربه‌های عارفانه نیک آشنا بوده و آنچه می‌گفته از سر تجربه و آزمودگی بوده است. معرفی گسترده‌تر این رساله همراه با بازنمایی پاره‌ای از ویژگی‌های زبانی آن، چیزی است که این مقاله بدان‌ها پرداخته است. این ویژگی‌های زبانی گاه مانند «نبودمانی»، «خواسته نبودتی» و ... بسیار کهن می‌نمایند و این گمانه را که این متن از سده ششم است قوت می‌بخشند و گاه مانند فراوانی واژگان و ترکیبات عربی اندکی تازه‌تر می‌نمایند و آن را با متون سده‌ی هفتمی نزدیک می‌سازند. بررسی و بازنمایی نکته‌های ناب و نایاب عارفانه‌ای که در این متن آمده، به جستاری دیگر واگذار شده است.

کلیدواژه‌ها: رساله‌ای عرفانی، سبک‌شناسی، مجالس، ویژگی‌های زبانی.

* دانشیار دانشگاه کاشان

* کارشناس ارشد ادبیات دانشگاه تهران

نکته‌سنجی‌های نغز عرفانی در رساله‌ای ناشناخته از سده‌ی ششم

سیدمحمد راستگو*

محمدفرید راستگوفر*

از میان نسخه‌های فراوان کتابخانه‌ی گرانبهای استاد دکتر اصغر مهدوی، رساله‌ی عرفانی ارزشمندی است به زبان فارسی و به گمان بسیار از آغازهای سده‌ی ششم که به دلیل افتادگی‌های آغاز و انجام و به دست نرسیدن نسخه‌ی دیگری از آن، نه نام خود رساله شناخته است و نه نام نویسنده‌ی آن. بررسی این رساله که به گمان بسیار بازنوشت مجالس پیری عارف است نشان می‌دهد که گوینده عارفی دانشمند بوده است از گونه‌ی کسانی چون احمد غزالی و عین القضات همدانی که افزون بر آگاهی بسیار از قرآن و حدیث و علوم شریعت با سلوک صوفیانه و تجربه‌های عارفانه نیک آشنا بوده است. معرفی گسترده‌تر این رساله همراه با بازنمایی پاره‌ای از نکته‌سنجی‌های ناب و نایاب عارفانه‌ی آن، چیزی است که این مقاله بدان‌ها پرداخته است. نکته‌های ناب و نایاب عارفانه‌ای که نشان آشکاری هستند بر این که نویسنده آن‌چه را می‌گفته از سر تجربه و آزمودگی بوده است و نه بازگویی سخنان دیگران؛ تجربه و آزمون‌هایی که دل و دید نویسنده را فراخا و روشنا بخشیده‌اند و او را با گونه‌ی دیگری از شور و شعور آشنا ساخته‌اند و در پی، ذهن و زبان او را به نکته‌سنجی و نغزگویی توانا کرده‌اند. بررسی و بازنمایی ویژگی‌های زبانی متن که نشانی بر کهنگی آن‌اند، به جستاری دیگر واگذار شده است.

کلیدواژه‌ها: رساله‌ای عرفانی، مجالس، منازل سلوک، زبان مرغان، شاهدبازی، تأویل، هویت.

* دانشیار دانشگاه کاشان

* کارشناس ارشد ادبیات دانشگاه تهران

بازنگری معنایی «التفات» در شعر معاصر فارسی

دکتر عبدالله رادمرد*

هما رحمانی*

التفات یکی از شگردها و آرایه‌های ادبی است که با در هم شکستن روال معمول کلام، نقش بسیار مؤثری در بیداری و جذب مخاطب دارد. این صنعت در بیشتر کتاب‌های بلاغی عربی و فارسی با عنوان انتقال گوینده از خطاب به غیبت و برعکس تعریف و انواع محدودی برای آن برشمرده شده است. این مقاله کوشیده است، ابتدا ضمن بررسی روند تاریخی آرایه‌ی التفات در کتب بلاغی، با در نظر گرفتن توسعه‌ی معنایی آن، تعریفی نو و تصویری روشن از گونه‌های مختلف التفات و کارکردهای ادبی – بلاغی آن ارائه دهد، سپس نقش بارز آن را در کلام گویندگان و شاعران معاصر به تصویر بکشد. حاصل این پژوهش، نشان از آن دارد که از یک سو؛ التفات با تعاریف و انواع محدود خود در کتاب‌های بدیع سنتی، جوابگوی نیازهای متون ادبی معاصر نیست و بر خلاف گذشته، تنها با توجه به پیکره و محور عمودی شعر قابل شناسایی است. از سوی دیگر انواع التفات در دوره‌ی معاصر، بیشتر شامل واگردانی- های معنایی است که شناخت و کشف آن‌ها به دقت و صرف وقت بیشتری نیازمند است.

کلیدواژه‌ها: التفات، توسعه معنایی، واگردانی، بازنگری، شعر معاصر.

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

داستان پردازی مدرن در داستان های مثنوی

فاطمه رحمتی*

بحث شخصیت پردازی از مباحث اصلی داستان است. مولانا چون استادی چیره دست کاملاً به اجزای زنده و عناصر پویای داستان آشناست. او عناصر داستانی را به تناسب نوع قصه و پیام آن مطابق با تعاریف قصه پردازان امروز در مثنوی به کار گرفته. یک داستان نویس برای آنکه عناصر داستان را خوب به خواننده بشناساند باید او را نسبت به خصوصیات ظاهری و اخلاقی شخصیت های داستانش آگاه سازد. مولانا در شخصیت پردازی از گونه های شخصیت های ایستا، پویا، قراردادی، تمثیلی، تراژیک، قالبی، تیپ، متناقض، متضاد، ساده، جامع و... استفاده می کند. شخصیت های داستان او از محیط اطراف، از مغز و ذهنش که قبلاً آنها را پرداخته و یا در اثنای سرودن مثنوی به آن شکل و شمایل داده است، شکل گرفته است. در ادبیات داستانی قدیم، توجه به عناصر داستانی از اهمیت چندانی برخوردار نبوده است و نویسندگان قدیم در ساختار داستان توجه بدان نمی کردند. در این مقاله به مقایسه داستانی از مولانا و عطار می پردازیم تا هنر مولانا را در توانایی پرداختن به عناصر داستانی مدرن آشکارتر سازیم.

کلید واژه ها: داستان پردازی مدرن، مولوی، عطار.

* مدرس و کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه گیلان

بررسی تطبیقی دو سفرنامه حج

زهرة رحیمی مهر*

دکتر زهرا درّی*

سفرنامه‌ها در زمره‌ی یکی از بهترین گنجینه‌های فرهنگی و ادبی کشورها هستند که به سان آیینهای، نگرشهای مرتبط با اوضاع اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، ادیبو دینی جامعه را به تصویرکشیده‌اند. سفرنامه‌ها، با هر شکل و هدفی که نگارش یافته، مورد توجه قرار گرفته‌اند، به ویژه سفرنامه‌هایی که از قلم سیاحان بزرگ و فرهیختگان ادب خلق شده باشند. در این میان سفرنامه‌های سرزمین وحی به صورت عام و خاص از دیدگاههای گوناگون حائز اهمیت به حساب می‌آیند، رهاوردی که ادیبان و نویسندگان با ذوق کشورها وقایع سفر خویش را در آن نگاشته‌اند، از یک سو با مباحث عارفانه و دریافتهای ذوقی مرتبط است و از سویی دیگر با دنیای ظاهر و تفاوت فرهنگ‌ها پیوند می‌خورد بنا براین از هر دو جهت شایسته‌ی بررسی است. هیچ شهری در سراسر جهان مانند مکه و مدینه تاکنون این همه مسافر به خود ندیده است. این دو شهر بی‌هیچ تردید مقدس‌ترین شهرهای جهانند. از این رو سفرنامه‌های حج از بزرگترین دستاوردهای فرهنگی، ادبی، اجتماعی و مذهبی است که با مطالعه‌ی آن می‌توان به نگرش، اندیشه، آرمان و توان پردازش نویسنده به جهت ادبی پی برد. این پژوهش در پی تجزیه و تحلیل و مقایسه‌ی دو سفرنامه‌ی حج از نگاه دو بانوی مسلمان است که یکی از آنها غیرایرانی است.

کلید واژه‌ها: سفرنامه، حج، دوره‌ی معاصر، زن، دین، نگاه غربی.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

شیوه های اثر پذیری نفثه المصدور از قرآن مجید

یداله رحیمی*

یکی از مشخصات و ویژگی های بارز متون مثنوی فنی و مصنوع فارسی اقتباس و اثر پذیری از آیات قرآن مجید به صورت ارکان زینتی است که از نیمه های قرن پنجم هجری در نثر فارسی راه یافته است. نفثه المصدور زیدری نیز از جمله آثار گرانبها و ارزشمند زبان فارسی در زمینه نثر فنی است که بسیاری از آیات قرآن را به شیوه های گوناگون مورد استفاده قرار داده است و از این طریق بر غنای نثر خود افزوده است. این مقاله در پی آن است که شیوه ها و چگونگی اثر پذیری نفثه المصدور از قرآن را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. اثر پذیری تطبیقی، واژگانی، تاویلی، تفسیری و... از شیوه های اثر پذیری زیدری نسوی است. بررسی نشان می دهد بیشترین بهره گیری وی از قرآن به روش اثر پذیری تلمیحی است به طوری که می توان گفت در میان انواع شیوه های اثر پذیری این شیوه جزو اصالت سبکی او به شمار می آید..

کلیدواژه ها: نفثه المصدور، قرآن، اثرپذیری، نقد.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک

نقد اسرائیلیات داستان سلیمان(ع) در کشف الاسرار و تأثیر آن بر عرفانیات میبدی

حسین رزی فام*

دکتر عزیز حجّاجی*

داستان‌های زندگی پیامبران، از طریق ادیان یهود و نصارا، وارد احادیث و در نتیجه تفاسیر قرآن شده است، که به آنها اسرائیلیات اطلاق می‌شود. میبدی در تفسیرش از اسرائیلیات متأثر شده، بر متن عرفانی کشف الاسرار تأثیر گذاشته است. هرچند در تقسیم‌بندی تفاسیر، کتاب وی در زمره تفاسیر عرفانی قرار می‌گیرد، نه ماثور، اما تأثر وی از راویان احادیث جعلی مشهود است. این مقاله، نفوذ اسرائیلیات را در داستان سلیمان(ع) و تعبیر عرفانی این تفسیر نقد و بررسی می‌کند.

کلیدواژه ها: اسرائیلیات، تفسیر کشف الاسرار، سلیمان.

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب

* عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب

چگونگی بازنمایی شخصیت زن در نوشته‌های نویسندگان زن ایرانی: مطالعه موردی رمان**«چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم»****(تحلیلی از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی)**

مریم رستگار*

فاطمه علوی*

ادبیات هر ملت، با شکل و محتوای خاص خود، در دوره‌های مختلف تاریخ ادبی، بازتابی از نظام اجتماعی آن ملت قلمداد می‌شود. پیش از این، تصور غالب بر این بود که ادبیات و زبان‌شناسی متعلق به دو حوزه کاملاً متفاوت و جدا هستند. اما امروزه زبان‌شناسی علمی پیشرو محسوب می‌گردد که پژوهشگران زبان‌شناس را به سوی مرزهای دیگر علوم سوق می‌دهد. تحلیل گفتمان انتقادی نیز، شاخه‌ای بین رشته‌ای، برگرفته از زبان‌شناسی انتقادی است. این رویکرد نوین، بر این باور است که هیچ گفتمانی خالی از ایدئولوژی نیست و تلاش می‌کند تا با در نظر گرفتن عوامل بافتی و زبانی، روابط پنهان قدرت، سلطه، نابرابری اجتماعی و سوءاستفاده از قدرت را برملا کند. هرچند تحلیل گفتمان انتقادی، تأکید و توجه خاصی بر متون و گفتمان‌های سیاسی و اجتماعی دارد، اما با پذیرش این امر که ادبیات و آثار هنری و ادبی هم می‌توانند در خدمت ارتباط و انتشار عقاید و افکار باشند، از این رو متون ادبی را نیز می‌توان با رویکردی انتقادی تحلیل و تفسیر کرد. از آن جا که هر متن ایدئولوژی‌های خاص نویسنده خود را بازتاب می‌دهد، هدف پژوهش حاضر بررسی نحوه بازنمایی زنان در نوشته‌های یکی از نویسندگان زن ایرانی است، تا نشان دهد که نگرش زنان به خود و محیط اطرافشان چگونه است. برای این منظور با استفاده از چارچوب جامعه‌شناختی - معنایی ون لیوون (۲۰۰۸)، که در مواردی توسط نگارنده تعدیل گردیده، به تحلیل رمان «چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم»، نوشته‌ی رمان نویس معاصر «زویا پیرزاد» می‌پردازد، تا نشان دهد که زنان در بازنمایی‌های خود از چه مؤلفه‌هایی بهره گرفته‌اند و میزان رازگونگی گفته‌های آنها به چه میزان بوده است. برای این منظور پس از تفکیک جملات گفتمان مدار از جملات غیرگفتمان مدار بیان شده توسط شخصیت‌های زن در اثر فوق و شمارش آنها، جملات گفتمان مدار بر اساس الگوی یادشده تحلیل و بسامد و درصد به کارگیری هر یک از مؤلفه‌ها مشخص گردید. در نهایت با استفاده از

* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات فارس

* استادیار دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات فارس

محاسبات آماری و بر اساس بسامد مؤلفه‌ها، میزان ارجاعات صریح و پوشیده تعیین و رازگونی محاسبه گردید. آمار به دست آمده نشان داد که به‌کارگیری مؤلفه‌های «اظهار» نزد زنان بسیار بیشتر از «حذف» بوده و از آن میان نیز مؤلفه‌های «فعل سازی»، «نام بری» و «فردی سازی» پرکاربردترند. همچنین، نتایج حاکی از آن است که برخلاف نظر برخی منتقدان، زنان دارای نگرشی فعال و پویا بوده و به دور از پوشیدگی سخن می‌گویند.

کلید واژه‌ها: ادبیات روایی، تحلیل گفتمان انتقادی، الگوی ون لیوون، کارگزاران اجتماعی، شخصیت زن.

جلوه‌های سمبولیسم در اشعار سهراب سپهری و جبران خلیل جبران

دکتر امیرحسین رسول نیا*

مریم آقاچان*

نام و آوازه جبران خلیل جبران و سهراب سپهری دو شاعر توانای معاصر بر کسی پوشیده نیست که یکی زاده لبنان و دیگری در ایران نقطه عطف آثاری شدند که سالیان سال مورد توجه ادب دوستان قرار گرفت. وجوه تشابه زندگی این دو شاعر ما را به یافتن نقاط تلاقی در اندیشه های آن ها واداشت. یکی از مهم ترین موارد مشترک این دو شاعر، نمادگرایی است. با وجود این که هر دو شاعر در عرصه ای غیر از سمبولیسم بیشتر شناخته شده اند، اما در آثارشان سمبولیسم جایگاه خاصی دارد. در این نوشتار در کنار نمادپردازی های فردی به سمبولیسم اجتماعی آنان نیز که به صورت اصول اخلاقی و انسانی، همدلی و همنوایی با همنوعان و نیز اهمیت قائل شدن برای غم ها، شادی ها و اندیشه های ملی و میهنی جلوه گر می شود و شعر آن ها را در اوج تعهد، انسانیت و اخلاق قرار می دهد، پرداخته ایم.

کلید واژه ها: سهراب سپهری، جبران خلیل جبران، نماد، اجتماع، سمبولیسم.

* دکترای زبان و ادبیات عرب، استادیار دانشگاه کاشان

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات عرب دانشگاه کاشان

جایگاه معناشناسی در آموزش زبان فارسی

معصومه رضا علیزاد*ه

معنی‌شناسی شاخه‌ای از زبان‌شناسی و به معنی مطالعه انتقال معنی از طریق زبان است. زبان مهمترین عامل برای فعالیت‌های ذهنی و تفکر افراد است زیرا تفکر همواره از طریق زبان صورت می‌گیرد. به این صورت که افراد واژه‌های زبان را هنگام فکر کردن در ذهن خویش مرور می‌کنند و از آن در تفکر خویش استفاده می‌نمایند. به جرأت می‌توان گفت که فکر بدون زبان و استفاده از واژگان آن ابتدایی است و قدرت تجرید در آن ضعیف است. برای آنکه ارتباط زبانی میان اهل زبان برقرار شود باید بین گوینده و شنونده، دانش مشترک بر پایه روابط معنایی میان واژه‌های به کار رفته در زبان برقرار شود. در سطح معنایی جمله‌ها معانی و روابط بین اجزاء جمله به صورت منطقی منعکس می‌شود و در فرایندی دو جانبه بین تصویر ذهنی و کلمات حاضر در جمله معنی برای شنونده مشخص می‌گردد. از این رو برخی از زبان‌شناسان معناشناسی را مطالعه محتوای زبان می‌دانند زیرا از طریق نظام واژه‌ها و جمله‌ها می‌توانند به معنای آنها پی برده و در اصل، محتوای زبان مورد نظر را دریابند. درک معنای جملات زبان می‌تواند امر آموزش را سریع‌تر نماید زیرا ذهن به گونه‌ای است که جملات با معنی را هضم و جذب می‌کند و در خود نگاه می‌دارد و اهل زبان می‌توانند به مرور زمان و در جاهای مناسب از آن استفاده نمایند. در این مقاله برآنیم تا با بررسی معنای جملات، تأثیر آن را در فرایند آموزش زبان مورد بررسی قرار دهیم.

کلید واژه‌ها: معناشناسی، آموزش زبان، انتقال معنی.

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، مؤسسه آموزش عالی بنت الهدی

خون مرتد

نقد تطبیقی «مرتد» و «سه قطره خون»

رضا جمشیدی*

محمد نعیم محمدی*

«مرتد» یکی از داستان های مجموعه ی داستان کوتاه «تبعید و سلطنت» اثر آلبر کامو است که به سبک مدرن نگارش یافته است و با توجه به فضای وهمناکش در ادبیات سوررئالیستی جای می گیرد. این داستان، قصه ی آشفتگی ها و درگیری های درونی شخصیتی را روایت می کند که با عقاید مذهبی و فلسفی خود کلنجار می رود. «سه قطره خون» نیز داستانی سوررئالیستی از مجموعه ی «سه قطره خون» صادق هدایت است که در ادبیات مدرنیسم جای می گیرد. سه قطره خون قصه ی درگیری درونی شخصیتی است که معشوقه اش به او خیانت کرده است. سیلان ذهن، تک گویی های درونی و در هم ریختن ترتیب زمانی از ویژگی های این دو داستان است. شخصیت ها در این داستان ها دچار روان پریشی و روان رنجوری اند. در این مقاله ویژگی های این داستان ها مورد بررسی تطبیقی قرار گرفته است.

کلید واژه ها: صادق هدایت، آلبر کامو، داستان، مدرن، شخصیت، سیلان ذهن.

* دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات تطبیقی دانشگاه علامه طباطبایی

* دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات تطبیقی دانشگاه علامه طباطبایی

کنکاشی در اسطوره‌ی مقدس کوه در جامعه هند و ایرانی

با تکیه بر «کوه قاف» و «البرز کوه»

دکتر فضل ا... رضایی اردانی

عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور اردکان یزد در ایران نیز به نوبه ی خود در زمینه های مختلف ، اسطوره های گوناگونی ایجاد شده است که بیانگر دیدگاه های قوم ایرانی نسبت به خود و جهان و خداست و می تواند ما را در شناخت فرهنگ غنی ایران کمک نماید . یکی از این نمادهای اسطوره ای که در طول تاریخ کهن این ملت سرچشمه ی هزاران اسطوره و داستان و حماسه و زیبایی های دیگر گردیده است ؛ اسطوره ی مقدس کوه است ؛ بر این اساس ، نگارنده در این مقاله ، تلاش کرده است تا ضمن پرداختن به موضوع اسطوره و ماهیت و جوهر و کیفیت تفسیر آن ، با نگرشی کلی به اساطیر ایرانی - به ویژه در زمینه ی چگونگی آفرینش عناصر طبیعی مانند کوه- توجه نماید و سپس به بررسی واژه شناختی و اسطوره ای این مقوله در جامعه ی هند و ایرانی بپردازد و پس از تبیین مفصل جنبه های قداست کوه در بینش اساطیری ایرانیان ، اجزاء و هسته ی اصلی تکوین و نامگذاری دو کوه مقدس « قاف» و «البرز» را - که سرچشمه ی اسطوره های زیادی در ادب فارسی گردیده اند - با نقل دیدگاه های مختلف ، به تفصیل مورد بررسی و تحلیل انتقادی قرار دهد .

کلید واژه‌ها: اسطوره ، اساطیر ایرانی ، کوه ، قاف ، البرز.

ارزش‌های اجتماعی در اشعار مدحی

عبدالله رضایی بهرام بیگ*

مسئله اساسی این مقاله ارزش‌های اجتماعی در اشعار ستایشی است. ارزش‌هایی که شاعران ستایشگر هنگام ستایش، آن‌ها را به ممدوح خود نسبت داده‌اند. مقاله نخست با مقدمه‌ای مختصر در مورد شعر ستایشی آغاز شده و در ادامه روش‌های مختلفی را که شاعران برای ستایش به کار گرفته‌اند، نشان داده است. سپس استفاده از ارزش‌های اجتماعی به عنوان یکی از روش‌های ستایش نمایانده شده است. آنگاه به بررسی اصطلاح ارزش پرداخته و انواع و سرچشمه‌های آن را بر پایه مطالعات در علوم اجتماعی مشخص می‌سازد. سپس روش‌های مختلفی را که شاعران این ارزش‌ها را در شعر خود به کار برده‌اند، با شواهدی از شعر شاعران ستایشگر بررسی کرده است. هدف آن است که خواننده جایگاه ارزش‌های اجتماعی را در اشعار ستایشی و نقشی که این ارزش‌ها در شناخت گوشه‌هایی از تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران می‌تواند داشته باشد را دریابد.

کلید واژه‌ها: شعر ستایشی، ارزش‌های اجتماعی، روش‌های ستایش، ساز و کار ستایش.

* دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

تشبیه تفضیل و کاربرد آن در دیوان حافظ

عبدالله رضایی بهرام بیگ*

موضوع اصلی این مقاله تازگی صور خیال به کار رفته در شعر شاعران، به ویژه تشبیه است. شاعران مختلف در طول ادبیات را به لحاظ کاربرد تشبیه‌های زنده می‌توان به سه دسته تقسیم کرد. نخست شاعرانی که تشبیه‌های به کار رفته در آثارشان محصول تجربه و تخیل خودشان است. دوم شاعران مقلد که تشبیه‌های به کار رفته در شعر شاعران نوآور را همان گونه که در منبأ اصلی‌شان آمده‌اند را استفاده کرده‌اند و سوم شاعرانی که تشبیه‌های مبتدل آثار پیش از خود را بازآفرینی کرده و به آن‌ها طراوت و تازگی بخشیده‌اند. استفاده از تشبیه تفضیل یکی از مهمترین روش‌های قدما برای تازگی بخشیدن به تشبیه‌های کهنه بوده است. بی‌شک حافظ یکی از استادان عرصه با آفرینی تشبیه‌های کهنه آثار پیش از خود بوده است. در این مقاله تشبیه تفضیل به عنوان روش اصلی حافظ برای تازگی بخشیدن به تشبیه‌های مبتدل پیش از خود مورد بررسی قرار گرفته و ابیاتی که حافظ در آن‌ها با استفاده از تشبیه تفضیل تشبیه‌های کهنه را بازآفرینی کرده است استخراج و طبقه‌بندی شده است.

کلید واژه‌ها: تشبیه، تشبیه تفضیل، بازآفرینی، حافظ.

* دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

نقد و مقایسه بازشناخت در دو داستان «رستم و اسفندیار» و «رستم و سهراب»

امین رضایی

یکی از بحث های مهم در دو داستان «رستم و اسفندیار» و «رستم و سهراب» این است که آیا این دو داستان تراژدی هستند یا نه؟ بعضی از منتقدین بر این باورند که این دو داستان به دلیل جنبه حماسی تراژدی به حساب نمی آیند. در تقسیم بندی ارسطو یکی از قطب ها و اجزای اصلی تراژدی، بازشناخت می باشد. این پژوهش سعی بر آن دارد، بازشناخت را بر اساس نظریه ارسطو (بوطیقا و فن شعر) در این دو داستان بررسی، و این دو را بر اساس این اصل با هم مقایسه نماید. همچنین، یک نوع بازشناخت در داستان رستم و اسفندیار از زیر پوشش سخنان فردوسی آشکار کند. ابتدا توضیحی کلی در باب بازشناخت آورده می شود، سپس، آن را بر اساس نظریه ارسطو در این دو داستان مقایسه و مورد نقد و بررسی قرار خواهد داد.

کلیدواژه ها: بازشناخت، ارسطو، رستم و اسفندیار، رستم و سهراب، نقد و تحلیل.

بررسی و مقایسه ی عناصر داستان در قصه های مشترک مرزبان نامه، روضه العقول، کليلة و دمنه و انوار سهیلی

حمید رضایی

معصومه قاسمی

مرزبان نامه و متون مشابه آن از حیث شیوه ی داستان پردازی و ساختار حکایات جزء متونی هستند که حاوی شگردها و نکات بدیعی در این زمینه اند، که غالباً نویسنده با بیانی پندآمیز از زبان جانوران مقصود خویش را بازگو کرده است. در مقاله ی حاضر حکایات مشترک مرزبان نامه با کليلة و دمنه، روضه العقول و انوار سهیلی از حیث عناصر داستان مورد بررسی و تطبیق قرار گرفته است. در کتب یاد شده دو قصه ی مشترک وجود دارد، که با مضمون یکسان تمی واحد به گونه های مختلف نقل شده است. این قصه ها از پیرنگی قوی برخوردارند و رابطه ی علت و معلولی محکمی در آنها مشاهده می شود عناصر صحنه پردازی، شخصیت پردازی و نیز بیان روحی - روانی شخصیتها آگاهانه مورد توجه نویسندگان بوده و بدان ها توجه داشتند علاوه بر آن نویسندگان از توصیف ظاهری مکان حوادث و نیز بیان کلی غافل نبوده اند به طوری که می توان گفت غالب ویژگی هایی که در حوضه ی داستان تحت عنوان عناصر داستانی مورد توجه داستان نویسان متأخر است توسط نویسندگان متون کهن نیز هرچند نه به صورت دقیق مورد توجه قرار گرفته است. در مقاله ی حاضر عناصر شخصیت پردازی، پیرنگ، صحنه ، فضا و لحن در قصه ها مشترک متون یاد شده مورد بررسی و مقایسه و تحلیل قرار گرفته است و نتایج و آمارها به صورت نمودار ترسیم شده است؛ به طور کلی می توان گفت داستانها از پیرنگ قوی برخوردارند اما شخصیت پردازی کمتر مورد توجه قرار گرفته، صحنه و فضا نیز در داستان ها تا حدی مورد توجه نویسنده بوده است.

کلید واژها : مرزبان نامه، کليلة و دمنه، انوار سهیلی، روضه العقول، عناصر داستان.

بررسی تأثیر جنسیت بر رویکرد شاعران معاصر فارسی زبان ایران

مرجان رضایی

دکتر فرهاد ساسانی

نوشته حاضر در پی مطالعه‌ی تأثیر جنسیت شاعر بر انتخاب واژه‌ها و عبارتهایی است که در شعرهای ایشان به کاررفته است. به این منظور، با عنایت به فرانش اندیشگانی زبان، واژه‌های به کاررفته در شعر چهارشاعر برجسته‌ی معاصر (احمد شاملو، سهراب سپهری، فروغ فرخزاد و سیمین بهبهانی) بررسی شد تا میزان استفاده‌ی آن‌ها از فرایندها (مادی، ذهنی، رابطه‌ای، رفتاری، وجودی و کلامی) مشخص گردد. به دلیل مرگ فروغ فرخزاد و سهراب سپهری شعرهای این شاعران تا سال ۵۷ بررسی شده‌است. با مقایسه‌ی فعل‌های امر و منفی و پس از آن بررسی فرایندهای به کاررفته، مشخص شد تفاوت چشم‌گیری بین مردان و زنان وجود ندارد. البته از نظر آماری این تفاوت‌ها بسیار ناچیز است.

کلید واژه‌ها: شعر، فرایند، جنسیت، فروغ فرخزاد، سیمین بهبهانی، سهراب سپهری، احمد شاملو.

ژاله قائم مقامی شاعربانویی پیشتاز در اندیشه‌های سیاسی - اجتماعی معاصر

دکتر مهدی رضائی*

ژاله قائم مقامی از شاعران اواخر قاجار و همزمان با عصر پهلوی اول است که در ارائه اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی و سرودن اشعار زنانه بر همه زنان معاصر ایرانی پیشی گرفته است؛ اما عدم اقبال وی برای مطرح شدن در زمان حیات خویش و تاثیر گذاری به موقع اشعارش، به دلیل محدودیت‌های زندگی وی و سرخوردگی‌های خانوادگی اش است. هنگام مطالعه اشعار این بانوی ایرانی، وی را از حیث داشتن اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی هم‌تراز اندیشمندان بزرگی چون دهخدا و بهار و کسروی می‌یابیم که در حوزه شعر اجتماعی و سیاسی بسیار بروز و پیشروتر از فروغ و دیگر دنباله‌روان شعر اجتماعی زنانه است؛ هم از نظر تقدم زمانی و هم عمق بیشتر مفاهیم اجتماعی. با مطالعه اشعار پرمحتوای وی غبار حسرت بر خواننده می‌نشیند که ای کاش وی در زمان خویش اقدام به چاپ و نشر اشعار خویش می‌کرد که مسلماً سبب دلگرمی دیگر مشروطه خواهان و سرعت گرفتن جریانات مشروطه می‌شد. این مقاله با توجه به قلت منابع تحقیق درباره این شاعربانوی اندیشمند و با استناد به تنها اثر برجای مانده از وی و تامل و مقایسه بین اندیشه‌های وی و بزرگان هم‌روزگارش چون دهخدا، در صدد معرفی لایه‌های پنهان مانده در شعر وی برای معرفی بیشتر وی به علاقه‌مندان ادبیات و فرهنگ و پژوهشگران تاریخ و جامعه‌شناسی معاصر است.

کلید واژه‌ها: ژاله قائم مقامی، عالمتاج، فروغ فرخزاد، شعر سیاسی، شعر اجتماعی، دهخدا، مشروطه.

* استادیار دانشگاه سلمان فارسی کازرون

بررسی پوپولیسم در اشعار احمد شاملو

قدسیه رضوانیان مریم پارسا

پوپولیسم به معنای یک جریان سیاسی است. که در آن باورها و اعتقادات توده‌ی مردم در تدوین، جمع‌بندی و تصمیمات مهم سیاسی، اهمیت تعیین کننده‌ای می‌دهد. پوپولیسم برای اولین بار به عنوان یک جنبش اجتماعی در بین روشنفکران روسیه موسوم به ناردینگ‌ها یا «دوستان مردم» پدید آمد. کم‌کم گرایش عده‌ای از نویسندگان و شاعران جهان به عقاید و آرمان‌های پوپولیست‌ها راه را برای ورود این جنبش به ادبیات هموار کرد. صنعتی شدن جوامع، وقوع جنگ جهانی اول و دوم، پیامدهای پس از جنگ، وجود نظام‌های سیاسی خودکامه، تضاد طبقاتی و... همه و همه شاعران را در مناطق مختلف جهان به نوشتن اشعار پوپولیستی برای انتقاد از وضع موجود و رسیدن به آرمان‌هایشان سوق داد. بررسی اشعار شاملو بر اساس مکتب پوپولیسم می‌تواند دریچه‌ای نو برای درک بهتر شعر این شاعر به روی مخاطبان بگشاید. برای دستیابی به این هدف ابتدا به طور اجمالی معنای دقیق پوپولیسم و ویژگی‌های آن بیان شده است. سپس با روش تحلیل محتوا جنبه‌های پوپولیستی در اشعار شاملو مانند سیمای زندگی اجتماعی، مردم، آرمان‌های یک جامعه، مبارزه با فقر و بی‌عدالتی و... مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتیجه این بررسی نشان می‌دهد پوپولیسم به شکلی مثبت و سازنده و نه مخرب و در جهت رفع مشکلات مردم و رسیدن به عدالت اجتماعی بسیار زیبا و هنرمندانه در اشعار احمد شاملو نمود یافته است. این پژوهش درصدد آن است که با ارائه نگاهی جامع از مکتب پوپولیسم در اشعار احمد شاملو دیدی تازه و درکی نو را از شعر این شاعر فراهم آورد.

واژگان کلیدی: پوپولیسم، شعر، مردم، احمد شاملو.

روان‌شناسی زبان موسیقایی در تاریخ بیهقی براساس نظریه‌ی لکان

* قدسیه رضوانیان

* مقدسه کوچک‌زاده

ژاک لکان از پژوهشگران برجسته‌ی علم روان‌شناسی زبان است. او در روان‌کاوی خود از زبان و ادبیات بهره می‌برد. او برای متن اهمیت ویژه‌ای قائل است و از زبان به عنوان ابزاری برای نزدیک‌تر کردن ارتباط خواننده با متن استفاده می‌کند؛ اما به ماهیت زبان توجهی نمی‌کند. لکان معتقد است که هر نویسنده‌ای برای آفریدن زیبایی در اثر خود از عنصری خاص استفاده می‌کند. موسیقی از ابزارهای مهمی است که نویسنده در زیباسازی متن از آن یاری می‌جوید. این مقاله با روش تحلیلی- اثباتی درصدد است دیدگاه لکان را در تاریخ بیهقی بررسی کند و استفاده‌ی ابزارگونه‌ی بیهقی از اجزای جمله را برای ایجاد موسیقی در متن اثبات کند. تاریخ بیهقی اثری است که در آن از ساختار جمله به عنوان ابزاری برای رساندن مقصود به خواننده استفاده می‌شود؛ در نتیجه با کمک نظریه‌ی لکان می‌توان تحلیلی روان-شناسانه از تاریخ بیهقی ارائه داد. این مقاله به هشت بخش تقسیم می‌شود. این بخش‌ها به بررسی موسیقی نهاد، قید، فعل، مصوت و صامت، پیشوند، پسوند، حرف اضافه و... می‌پردازد. روش جمع‌آوری اطلاعات در این مقاله کتابخانه‌ای است و نگارندگان در تلاش‌اند تا اثبات کنند که بیهقی از ارکان جمله و ترکیب آن‌ها در کنار یکدیگر موسیقی و ضرباهنگ به هم پیوسته‌ای می‌سازد که علاوه‌براین که فضای حاکم بر متن را برای خواننده رونمایی می‌کند؛ بلکه حوادث را به صورت زنده برای او به نمایش می‌گذارد.

کلید واژه‌ها: تاریخ بیهقی، موسیقی، لکان، روان‌شناسی زبان، واژه‌های زنجیره‌ای.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی

* کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

بررسی سه مصداق از حق‌های بشری در مثنوی معنوی مولانا (حق حیات، حق آموزش، حقوق محاکمه‌ای)

سید مهدی رضوی فرد

کارشناس ارشد ادبیات فارسی حقوق بشر با ریشه‌ای در دنیای کهن زاینده دنیای مدرن و قرون اخیر است که در روزگار کنونی از اهمیت فراوانی برخوردار شده و حتی گاهی به عنوان دینی نوظهور از آن یاد می‌شود. دینی که اصیل‌ترین مبنای آن انسان‌مداری است و نه شریعت‌مداری و عناصر تشکیل‌دهنده آن نیز عبارتند از حق‌ها و آزادی‌های بشری آن هم مبتنی بر برابری که عقد واسط آنها تساهل و تسامح است. این مقاله از منظری بین‌رشته‌ای به بررسی برخی از حق‌های بشری (مندرج در اعلامیه) در مثنوی مولانا پرداخته است و نگارنده مدعی است که می‌توان میان حقوق بشر معاصر و اندیشه مولانا نسبتی یافت که هر چند کاملاً مؤید یکدیگر و مماس با همدیگر نیستند اما پنجره‌های باز رو به همدیگری دارند که حقوق بشر را برای ما معنادار می‌سازند و پیوند با آن را آسان‌تر و عمیق‌تر. در این پژوهش به حق‌هایی چون حق حیات، حق آموزش و حقوق محاکمه‌ای پرداخته شده است. حق حیات به این دلیل که مبنایی برای دیگر حقوق و آزادی‌های مندرج در اعلامیه حقوق بشر است. حق آموزش و حقوق محاکمه‌ای نیز به این دلیل که از مهمترین دستاوردهای بشری در قرن‌ها زندگی اوست. هر چند در نگاه اول شاید پذیرش این حقوق توسط مولانا امری بدیهی به نظر آید اما بررسی علمی و تطبیق دقیق آنها با مثنوی سطحی دیگر از مثنوی مولانا را به تصویر می‌کشد و اهمیت و ضرورت آشنایی هر چه بیشتر جامعه با این اثر بزرگ را خاطر نشان می‌سازد.

کلید واژه‌ها: حقوق بشر، حق حیات، حق آموزش، حقوق محاکمه‌ای، مثنوی معنوی.

تأثیر فارسی بر زبان و فرهنگ آسام

از دکتر رقیب الدین احمد*

مبداء زبان و فرهنگ آسام مخصوصاً در فرهنگ هند و آریایی وجود دارد. کلی بر آمد زبان و فرهنگ جدید آسامی نتیجه فرهنگ فارسی هند و آریایی، زبان و فرهنگ مردم بومی آسام و ایالات همسایگان هست که در طول زمان از زبان و فرهنگ مردم شان (اهوم) تاثیر پذیرفت. شیوه زبان شناختی به زبان کمک می کند که احتیاجات فرهنگی را پر کند و زبان را برای تعیین توسعه لغات قادر می سازد. تأسیر زبانی بر زبان خاصی با دو صورت گسترش می یابد، یکی با راه مستقیم و دیگر غیر مستقیم. راه مستقیم معمولاً راهی هست که در آن دو نفر بطور مستقیم ارتباط برقرار می کنند و راه غیر مستقیم از طریق زبان، ادبیات و فرهنگ برقرار می گردد. در مورد تاثیر فارسی روی زبان و فرهنگ آسام، هر دو راه کار برد داشتند؛ اگرچه راه بعدی یعنی راه غیر مستقیم در طول زمان بیشتر استفاده و کاربرد داشت. معمولاً اقتباس بعضی واژه ها به یک زبان خاص برای پر کردن احتیاج انجام می گیرد اما در بعضی موارد اقتباس واژه ها برای این انجام می گیرد که آنها با ادبیات بهتر و پخته تر سنجیده می شوند و برای این منشاء آنها را عمدتاً با اصطلاح جدید جایگزین می کنند. به طور مثال در زبان آسامی واژه "حق" به جایی "اوجیت" و "ایانا" به جایی "ارشی" و غیره.

کلیدواژه‌ها: زبان فارسی، زبان آسامی، فرهنگ آسام،

* بخش فارسی، دانشگاه گواهایتی

بررسی حماسه در غزلیات شمس

دکتر مسعود روحانی

علی اکبر شوبکلایی

غزلیات شمس مولانا از نظرگاههای گوناگون مورد بررسی قرار گرفت اما بررسی حماسه در غزل‌های مولانا امری بدیع و تازه است. خواندن غزل‌های مولانا و دریافت تفاوت‌های عاطفی، موسیقایی و تخیل میان این غزلها ما را به عاطفه، موسیقی و خیال حماسی رهنمون می‌شود. در این مقاله کوشش شده است غزل حماسی تعریف شود ریشه های آن جستجو و پس از آن سبک حماسی مولانا در توصیف عشق و معشوق و مختصات آنها بررسی و روشن گردد.

کلید واژه ها : غزل ، حماسه ، مولانا، عشق، غزل حماسی.

راه یابی به درون منظومه ذهنی عطار در منطق الطیر

مسعود روحانی

لیلا غلامپور آهنگر کلایی

این مقاله با راه یابی به درون منظومه ذهنی عطار، در پی مقایسه و تحلیل سی مرغ و سیمرغ، قهرمانان منظومه تمثیلی عرفانی **منطق الطیر** با کتاب تخیلی کودکان؛ یعنی **آلیس در آن سوی آینه** است. در پایان به این نتیجه رسیده است که هر دو اثر علی رغم اختلاف در جزئیات حوادث داستان، در کلیات بر اصولی مشابه استوار هستند؛ مانند محوریت موتیف هایی چون خواب و آینه، وجود دوقلوهایی چون تویدل دی و تویدل دام در برابر سیمرغ و سی مرغ عطار، حاکمیت اندیشه و فکر در هر دو اثر (تقارن آینه ای جهان)، عدم انطباق با منطق رایج روزگار و هر دو اثر مبین جهان بینی آفرینندگانی است که دارای اهدافی نزدیک به هم هستند. بر این اساس، هر کدام از سیمرغ های منطق الطیر می توانند تقارن آینه ای یکدیگر باشند که در ابعاد دیگر هستی؛ یعنی در عالم رو یا به وقوع پیوستند. این مقاله تطبیقی و تحلیلی سبب تسهیل درک و دریافت بهتر خوانندگان این اثر ادبی می گردد.

کلید واژه ها: سیمرغ، عطار، منطق الطیر، تقارن آینه ای جهان، آن سوی آینه.

بررسی حکایت‌های مشترک «مثنوی» و «کلیله و دمنه» با رویکرد بینامتنی

* دکتر مسعود روحانی

* مرضیه حقیقی - زهرا مقدسی

رویکرد بینامتنی یا ارجاعات میان‌متنی یکی از مباحث مهم در حوزه‌ی نقد ادبی است که به مشابهت‌ها و همسانی‌هایی که منجر به تعامل و برقراری روابط دیالکتیک میان متون مختلف می‌شود، می‌پردازد. متون ادبی از دیرباز با یکدیگر تعامل داشته و تحت تأثیر آثار پیش از خود خلق شده‌اند. از این رو هیچ اثری را نمی‌توان مستقل و به دور از این‌گونه تأثیرپذیری‌ها در نظر گرفت. بحث در مورد منبع الهام شاعران و نویسندگان و منشأ و خاستگاه اصلی مضامین و مفاهیم به کار رفته در آثار ادبی، از دیرباز مورد توجه منتقدین بوده تا بدانجا که منجر به شکل‌گیری نظریه‌هایی چون منطق گفتگویی، تعامل متون، بینامتنیت و... در عصر حاضر شده است و این نظریه‌ها دستمایه‌ی پژوهشگران برای تحلیل روابط میان متون ادبی قرار گرفته است. مثنوی مولوی اثری است که از دیدگاه‌های گوناگون مورد ارزیابی قرار گرفته است و بحث پیرامون منشأ حکایات و تمثیلات آن، آثار فراوانی را در ادب فارسی به وجود آورده است. اما در این میان، تأثیرات فراوانی که کتاب کلیله و دمنه به عنوان یک اثر تعلیمی، در حوزه‌ی مفاهیم و کاربرد حکایات بر مثنوی گذاشته، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از این رو، این مقاله بر آن است تا روابط بینامتنی میان دو کتاب «کلیله و دمنه» و «مثنوی» را مورد بازکاوی قرار دهد و مناسبات میان آن‌ها را تحلیل نماید.

کلید واژه‌ها: مثنوی، کلیله و دمنه، داستان‌پردازی، حکایت در حکایت، بینامتنیت.

* دانشیار دانشگاه مازندران

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی - دانشگاه مازندران

عطار، نه مرد روزگار خویش

دکتر مسعود روحانی

لیلا غلامپور آهنگر کلایی

این مقاله به بررسی ذره و تصویرگری‌های آن در آثار عطار و مقایسه‌ی آن‌ها با نظریات علم فیزیک پرداخته و در این زمینه از نظرات صاحب نظران برجسته‌ی ادبیات و فیزیکدانان صاحب سبک استفاده نموده است. از مطالعه در آثار عطار و مخصوصاً بررسی غزلیاتش چنین بر می‌آید که تامل در ذرات و اسرار آن یکی از اندیشه‌های محوری (شکل محتوایی) و صورت‌های خیال‌انگیز شاعرانه‌ی (شکل ذهنی) وی را تشکیل می‌دهد که مبتنی بر تجربیات عینی و یا ابداعات ذهنی خود اوست. عطار در چندین غزل به تصویرگری ذره پرداخته و در این زمینه می‌توان او را پرکارترین و اولین شاعر فارسی‌گوی دانست که از قالب غزل، برای توصیف ویژگی‌های ذره با رویکرد علمی استفاده نموده است و شاعرانی چون شیخ محمود شبستری و هاتف اصفهانی - که بیت معروفش زینت بخش آرم سازمان انرژی اتمی ایران است - در این زمینه از او تقلید نمودند. به نظر نگارندگان این هنجارشکنی محتوایی، عطار را در میان شاعران فارسی ممتاز نموده؛ اما با توجه به نو و خلاقانه بودن مضامین مذکور در روزگار شاعر - چه این خلاقیت محصول دانش اکتسابی وی باشد و چه محصول الهام و درک شهودی - که منجر به تغییراتی در سبک و محتوای برخی از غزل‌هایش گردیده، بیانگر آن است که عطار با این طرح ذهنی و فکری ابتکاری مرد روزگار خویش نبوده؛ بلکه مرد روزگاران آینده است. این طرح ذهنی ابتکاری عطار بر اساس نقد روانشناسی، اجتماعی و تاریخی هم قابل تفسیر است. این مقاله حاصل مطالعه‌ی کتابخانه‌ای و به شیوه تحلیلی - توصیفی است.

کلید واژه ها: عطار، غزل، شعر فارسی، مضامین علمی، ذره.

مقایسه تطبیقی مبارزه واقسام آن در تذکره الاولیاء و شاهنامه

سیده مریم روضاتیان*

سمانه استوار*

مبارزه، مضمون اصلی آثار حماسی به شمار می آید. رخدادهای بزرگ و کوچک شاهنامه فردوسی نیز به عنوان ماندگارترین اثر حماسی ادب فارسی، حول محور مبارزه می گردد. نبرد با دیوان، گلاویز شدن با درندگان، جنگ های تن به تن پهلوانان و صحنه هایی از این دست، از اقسام مبارزه های شاهنامه است که به مدد خیال فردوسی در قالب شعر ریخته شده است. اما بررسی آثار عرفانی و غور در شرح حال عرفا نشان می دهد که مبارزه در عرفان نیز از جایگاه مهمی برخوردار است. در شرح حال عارفان در تذکره الاولیای عطار نیشابوری نمونه های فراوانی از مبارزه عارفان با شیطان و وسوسه هایش یا جنگ با نفس و مقاومت در برابر خواسته های آن دیده می شود. پرسش مطرح در این پژوهش آن است که آیا میان مبارزه و اقسام آن در اثر حماسی همچون شاهنامه با تذکره الاولیاء که دربرگیرنده شرح حال و بیان اقوال عارفان مشهور است، مشابهت وجود دارد؟ نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد که مبارزه مفهومی واحد است که با مصادیقی چون مبارزه با نفس، شیطان، دشمنان خارجی و... هم در آثار عرفانی و هم در متون حماسی مطرح می شود و گاه در آثار حماسی به انجام عملی خارق عادت به دست پهلوانان و یا در آثار عرفانی به رخ دادن کرامتی بواسطه یکی از عارفان می انجامد. با این تفاوت که در حماسه مبارزه با دشمنان خارجی و در عرفان مبارزه با نفس اهمیت بیشتری دارد هرچند سایر اقسام مبارزه، هم در متن حماسی شاهنامه و هم در متن عرفانی تذکره الاولیاء دیده می شود.

کلید واژه ها: مقایسه تطبیقی، مبارزه، شاهنامه، تذکره الاولیاء.

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

* دانش آموخته زبان ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

خدا در آینه مکاشفات عرفا (با تکیه بر مکاشفات روزبهان بقلی)

مهسا رون*

مدرس مرکز آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) هرچند پاره‌ای از عرفا، حقایق شهودی و یافته‌های عرفانی خود را غیرقابل انتقال به دیگران و ناگفتنی می‌دانند اما می‌توان نمونه‌های فراوانی از این مکاشفات را به صورت دست اول و از زبان خود صاحبان تجربه (همچون عین‌القضات در تمهیدات و روزبهان بقلی در کشف‌الاسرار و عبهرالعاشقین و...) و یا به صورت منقول از زبان دیگران (همچون گزارش‌های عطار در تذکره‌الاولیا) یافت که عارف تجربه خود را از یک دیدار روحانی بیان کرده‌است؛ یکی از درونمایه‌های مهم این مکاشفات، دیدار عارف با خداست. در این پژوهش با نگاهی گذرا به علل دشواری انتقال این تجربیات روحانی در ظرف زبان، روایت‌های مختلفی که عارف از دیدار خود با خدا نقل کرده‌است با هم مقایسه و طبقه‌بندی خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: مکاشفه، دیدار با خدا، کشف‌الاسرار، عبهرالعاشقین.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی

تصحیح ابیات از همای و همایون خواجهی کرمانی

وحید رویانی

همای و همایون خواجهی کرمانی تاکنون دوبار به صورت انتقادی تصحیح شده است، یک بار توسط کمال عینی، محقق تاجیک، که در سال ۱۳۴۸ به همت بنیاد فرهنگ ایران چاپ شد، و بزرگداشت خواجهی کرمانی توسط سعید نیاز کرمانی که همراه بقیه خمسه خواجه به مناسبت کنگره بین المللی بزرگداشت خواجهی کرمانی توسط دانشگاه شهیدباهنر کرمان در مهرماه ۱۳۷۰ منتشر شد. هرچند این دو تصحیح بسیاری از مشکلات همای و همایون را حل کرده اند، اما هنوز ابیات مبهم و ضعیف فراوانی در این اثر هست که اشکالات آنها هنوز رفع نشده، نگارنده در این جستار سعی کرده با توجه به نکته ای که مصححان محترم همای و همایون به آن توجه نکرده اند برخی از این مشکلات را حل کند. همای و همایون رمانسی است که به طور کامل وارد سامنامه شده و پایه سرایش آن اثر قرار گرفته است و آن بخش سامنامه که از همای و همایون وام گرفته شده جز در برخی نامها تفاوت چندانی با این اثر ندارد، به همین جهت می توان از سامنامه برای حل برخی از مشکلات همای و همایون کمک گرفت.

کلیدواژه ها: همای و همایون، تصحیح انتقادی، سامنامه.

«نقیضه در «دو کلمه حرف حساب» کیومرث صابری»

نجمه زارع بنادکوکمی

طنزهای سیاسی و اجتماعی به مثابه‌ی آینه‌ای است که جریان‌ات، وقایع و همچنین ضعف‌ها و معضلات جامعه در آن دیده می‌شود. این نوع طنز آگاهی مردم را نسبت به جریان‌ات و مسائل جامعه افزایش می‌دهد، حساسیت آنها را نسبت به معضلات جامعه برمی‌انگیزد و تا آنجا پیش می‌رود که جامعه دست به اصلاح و خودسازی می‌زند؛ به همین جهت مطالعه در مورد این گونه‌ی ادبی ما را در شناخت معضلات اجتماعی یاری می‌دهد. بعد از انقلاب اسلامی، طنزنویسان بسیاری طنز نوشته‌اند؛ ولی می‌توان گفت که هیچ یک به اندازه‌ی کیومرث صابری فومنی محبوب دل مردم نبوده‌اند و آمار فروش مجله‌ی گل‌آقا و اقبال به نوشته‌های طنزآمیز وی به‌ویژه ستون «دو کلمه حرف حساب» خود گویای این امر است. ستون «دو کلمه حرف حساب» که بین سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۷ ش. منتشر می‌شد، تأثیر بسیاری بر مردم و مسئولان داشت. شگرد «نقیضه» یکی از شاخصه‌های سبکی این ستون طنز است. در این مقاله تلاش بر این است که نخست به کارکردهای متفاوت نقیضه نگاهی بیاندازیم و سپس انواع گوناگون نقیضه را در ستون «دو کلمه حرف حساب» بررسی کنیم. سرانجام به این نتیجه می‌رسیم که نقیضه‌های موجود در «دو کلمه حرف حساب» هر دو کارکرد نقد ادبی و غافلگیری را دارد. نقیضه‌ها به‌ویژه نقیضه‌هایی با کارکرد نقد ادبی، تأثیر به‌سزایی در اصلاح ناراستی‌های جامعه دارد، آماج این نوع نقیضه‌ها در ستون «دو کلمه حرف حساب» بیشتر متوجه عربی‌نویسی، غلط‌نویسی و ستون برخی از روزنامه‌ها (کوتاه و گویا، مکتوب سیاسی هفته و پیامهای مردمی...) است.

کلید واژه ها: کیومرث صابری، دو کلمه حرف حساب، طنز سیاسی، نقیضه، نقیضه با کارکرد نقد ادبی و نقیضه با کارکرد غافلگیری.

بررسی دستگاه فعل در گفتار کودکان مبتلا به اوتیسم

* دکتر آمنه زارع

* دکتر شهین نعمت زاده

* دکتر ایران کلباسی

* دکتر شهلا رقیب دوست

اصطلاح "اوتیسم" یا "مبتلا به اوتیسم" به معنای در خود فرو رفتن و تمایل به مجذوب خود بودن و عدم توجه به جهان خارج است. این اصطلاح وضعیت کودکانی را نشان می دهد که با داشتن حافظه ای خوب، توانایی انجام کارها و فعالیت ها و همچنین قوای شنوایی و بینایی سالم، رابطه ای بسیار محدود با دنیای بیرون خویش برقرار می سازند. در این تحقیق، پژوهشگر به بررسی ساختمان گروه فعلی بر اساس مقوله های وجه، نمود، مطابقه و شیوه نمایش زمان و چگونگی تبلور آن در ساختار افعال تولیدی در گفتار کودکان مبتلا به اوتیسم پرداخته است. جامعه ی آماری این پژوهش کودکان مبتلا به مبتلا به اوتیسم در دامنه ی سنی ۶ تا ۱۲ سال (متوسط سن ۹ سال) در مرکز آموزش ویژه کودکان اوتیسم در شهر شیراز می باشند. بررسی قابلیت های زبانی این کودکان از طریق ضبط مکالمات آنها انجام گردید. داده های جمع آوری شده توسط ضبط صوت، ابتدا آوانگاری شده و سپس مورد توصیف و تحلیل قرار گرفته اند تجزیه و تحلیل عبارات تولیدی آنها حاکی از آنند که در گفتار این کودکان نارسایی های نحوی بی شماری به لحاظ ساختمان گروه فعلی مشاهده می شوند و می توان با ارائه مداخلات صحیحی همچون برپایی دوره های زبان آموزی برای این کودکان و والدین آنها بر بسیاری از مشکلات زبانی آنها فائق آمد.

کلید واژه ها: اوتیسم، گروه فعلی، زمان فعل، مطابقه، وجه فعل.

* دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، گروه زبانشناسی، فارس، ایران

* استادیار پژوهشکده علوم شناختی

* استاد پژوهشکده مطالعات فرهنگی و علوم انسانی

* استادیار دانشگاه علامه طباطبایی

بررسی آرایش سازه های گروه حرف اضافه ای در گفتار کودکان مبتلا به اوتیسم

* آمنه زارع

* دکتر شهین نعمت زاده

* دکتر شهلا رقیب دوست

* دکتر ایران کلباسی

طبقه بندی های بسیاری در خصوص ساختار حروف اضافه در زبان فارسی ارائه شده است. برخی زبانشناسان حروف اضافه را به لحاظ ساختاری به دو طبقه اصلی تقسیم نموده و برای هر یک از دو طبقه مذکور نیز زیر مجموعه هایی لحاظ کرده اند. پژوهش حاضر عمدتاً بر پایه یافته های زبانشناسانی چون درایر و اسونانیس بوده است. به اعتقاد اسونانیس برخی حروف اضافه در جایگاه اجزای محوری قرار دارند و دو ساختار مختلفی که این طبقه از حروف اضافه در آنها شرکت دارند، در تفکیک ساختاری آنها موثرند. در ابتدا پژوهشگر به بررسی رده شناختی نحوه آرایش سازه های گروه حرف اضافه ای و میزان همبستگی آنها با دیگر پارامترهای مستقل جمله پرداخته و سپس با تجزیه و تحلیل داده های گردآوری شده از طریق مصاحبه و گفتگوی آزاد با کودکان مبتلا به اوتیسم، ساختمان گروه حرف اضافه ای تولیدی در گفتار آنها را ارزیابی کرده است. تخطی های متعددی به لحاظ ترتیب سازه های گروه حرف اضافه ای و حرکت های غیر مجاز نحوی در پاره گفتارهای تولیدی این کودکان مشاهده گردید.

کلید واژه ها: آرایش سازه ها، اوتیسم، رده شناسی، زبان فارسی، گروه حرف اضافه ای،

* دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، گروه زبانشناسی، دانشجوی دکتری، تهران، ایران

* استادیار دانشگاه الزهرا

* استادیار دانشگاه علامه طباطبایی

* استاد پژوهشکده مطالعات فرهنگی و علوم انسانی

ادبیات داستانی عرفانی و حکایت های منطق الطیر

زهرا زارع

حمیدرضا هوشمند سروستانی

نگاهی به تلاش های محققین در معرفی جامع منظومه های ادبی-عرفانی، به وضوح جای خالی بررسی و شناخت این آثار از منظر هنر داستان نویسی به چشم میخورد. بخشی دلنشین که میتوان نام ادبیات داستانی عرفانی را برای آن برگزید. منطق الطیر، یکی از همان گنجینه های شاهکار ادبی-عرفانی است که در آن عطار، صورت عبارات را در جهت ذکر معنا به خدمت گرفته و جهت کشف و بیان مضامین عرفانی مقصود خویش، از زبان حکایت و تمثیل استفاده کرده است. در نوشتار حاضر، در پی بررسی و شناخت عوامل و عناصر ساختاری مختلفی هستیم که در حکایت های منطق الطیر متضمن کشف و بیان مفاهیم و آموزه های مدنظر عطار می باشند، تا از این رهگذر این اثر گرانبگر را به عنوان نمونه ای ماندگار از ادبیات داستانی عرفانی بهتر بشناسیم.

کلیدواژه ها: منطق الطیر، حکایت، عرفان، ادبیات داستانی.

موضوع: ظن و یقین از نظر مولوی و غزالی (در احیاء علوم الدین و منوی)

مرضیه زارع*

بخش نخست این مقاله به بررسی مراتب یقین از دید برخی از عرفا و مکتب عرفان می پردازد. در بخش دوم، ظن و انواع آن یعنی ظن اخلاقی و معرفتی از دیدگاه مولوی مورد بررسی قرار گرفته است؛ بحث سوءظن و حسن ظن در مقوله ظن اخلاقی قرار می گیرد که خود سوءظن نیز در دو مقام مذموم و ممدوح مورد توجه مولوی است. نوع دوم ظن، بحثی معرفت شناختی است. در بخش دوم مقاله، به مقوله یقین و مقایسه مراتب آن با علم و ظن و گمان پرداخته شده است. در بخش سوم این جستار، مراتب یقین از دید مولوی بررسی شده که شامل سه مرتبه علم یقین، عین یقین و حق یقین است. سپس در ادامه این بحث، موضوع رویت از دید مولوی مورد تحلیل قرار گرفته است که به هیچ کدام از دیدگاه های عرفانی و کلامی در این زمینه توجهی ندارد بلکه بر این عقیده است که هر کس به مرتبه کشف برسد حق را در تمام مراتب وجود مشاهده می کند. در بخش پایانی مقاله، ظن و یقین از دیدگاه غزالی به بحث گذاشته شده است. غزالی نیز چونان مولوی بیشتر از دو مرتبه علم یقین و عین یقین بحث می کند. او یقین را مقول بالتشکیک می داند که مولوی نیز در این موضوع با غزالی هم عقیده است. غزالی به مانند مولانا، مرتبه علم یقین را مرتبه اهل ظاهر و عین یقین را مرتبه اهل باطن تلقی می کند. تفاوت غزالی با مولوی در این است که غزالی به مبحث یقین بیشتر از جهتی دینی می نگرد حال آنکه مولوی آن را از صافی اندیشه عرفانی خود عبور داده و در پیوند با احوال و مقامات سالکان آن را تحلیل و بررسی می نماید. غزالی در مورد رویت حق، عقیده ای شبیه به مولوی دارد.

کلید واژه ها: مولوی، غزالی، ظن، یقین، مراتب یقین، رویت.

* دستیار آموزشی

دستاوردهایی از آموزش عملی زبان فارسی به غیر فارسی زبانان (تجربه و تحقیق موردی: ترک زبانان)

آمنه زلفی*

زبان آموزی بیش از آنکه دانش باشد، مهارت است؛ بدین معنی که تا معلم پا به کلاس درس نگذاشته باشد و با زبان آموزانش روبه رو نشود، درک درستی از محتوی و شیوه تدریسش نخواهد داشت. از طرف دیگر، زبان آموزان بسته به اینکه از کدام کشور باشند و به چه زبانی حرف بزنند و فرهنگ و زبانشان، چه مناسبت و اشتراکاتی با زبان فارسی و فرهنگ ایرانی داشته باشد، محتوا و روش آموزش متفاوتی را اقتضا خواهند کرد. زبان ترکی اگر چه از لحاظ تقسیمات زبانشناختی و خانواده های زبانی از زبان فارسی متمایز است به دلیل سوابق و روابط تاریخی و جغرافیایی، به طور حیرت انگیزی با آن درآمیخته است. صرف نظر از صدها لغت و ترکیب فارسی که وارد زبان ترکی شده و در آن زبان نیز به همان معنی معمول در فارسی به کار می رود (مثل آتش، شهر، چهارشنبه، پنجشنبه، برادر، پدر - در ترکیب «کابین پدر»؛ به معنی پدر زن و...)، در زبان ترکی، دهها واژه فارسی می توان یافت که در معنایی به کار می رود که قرنهای پیش در زبان فارسی متداول بود ولی امروزه واژه ای بیگانه جای آن را گرفته است؛ مثل «آبدست» که به جای وضو به کار می رود یا آن معنی امروز فراموش شده و تنها در قاموسهای لغت دیده می شود؛ مثل «سرخوش» به معنی مست و «جانباز» به معنی بندباز، آکروبات و کسی است که با کارهای محیر العقولش جان خود را به خطر می اندازد. سرخوش در فارسی امروز به معنی شادمان و خوشحال به کار می رود و معنی مست ممکن است تنها در متنهای ادبی دیده شود. جانباز نیز امروزه معانی دیگری دارد ولی این معنی آن، که در «دهخدا» به صورت «ریسمان باز» ثبت شده، اکنون فراموش شده است. ترکان با کمک گرفتن از پسوندها و پیشوندهای فارسی یا کلماتی که در آن زبان، جای پسوند گرفته است (مثل خانه)، صدها واژه جدید ساخته اند که در بعضی از آنها هم کلمه و هم واژه ترکیب ساز هر دو فارسی است؛ مثل «خسته خانه» و «تیمار خانه». تدریس زبان فارسی برای ترک زبانانی که صدها واژه و ترکیب فارسی را به طور ناخودآگاه، در ضمن مراودات روزانه شان به کار می برند، به شرط آگاهی از این مشترکات نه تنها آسان تر می شود بلکه برای آموزگار و زبان آموز به صورت فرایندی

* دانشجوی کارشناسی زبان و ادبیات فارسی - دانشگاه پیام نور

شیرین همانند حلّ معمّا و کشفِ نکته های پنهان در عادات زبانی روزمره در می آید. این مقاله ارائه تجارب تدریس یکساله نگارنده در کلاسهای آموزش زبان فارسی جامعه المصطفی در استانبول است.

کلید واژه ها: زبان، فارسی، آموزش زبان، ترکی، فرهنگ، واژگان دخیل.

«بررسی و ریشه‌یابی برگزیده‌ای از واژگان گویش همدانی»

مهدی زمانیان

گویش کنونی همدان، بازمانده‌ی گویش از دست رفته همدانی کهن است و می‌توان بخشی از ویژگی‌های این گویش کهن را در سروده‌های ناب و دگرگون نشده‌ی باباطاهر همدانی باز یافت، در این نوشتار به واکاوی و بررسی برگزیده‌ای از واژگان گویش همدانی امروز پرداخته شده است. از ویژگی‌های این گویش، می‌توان به حفظ واژگان پهلوی و واژگان ناب، با ریشه‌های باستانی (ایرانی باستان، اوستایی، پارسی باستان) که در زبان فارسی معیار روایی ندارند اشاره کرد. هدف این نوشتار بررسی ساختار دستوری گویش همدانی نیست، بلکه مقاله، بر پایه‌ی ریشه‌یابی گزیده‌ای از واژگان این گویش استوار است. کلید واژه: گویش همدانی کهن - گویش همدانی - زبان پهلوی - زبان فارسی دری - زبان فارسی نو.

کلید واژه‌ها: واژگان پهلوی، واژگان همدانی، گویش.

تأثیر خاطرات مشترک کودکی (بازیها، درسهای دوره ی دبستان، کارتونها)

بر شعر دهه ی هفتاد

محمدعلی زهرا زاده *

مهناز فقیهی *

یکی از پیچیده ترین دوران های زندگی، دوران کودکی است. تعاریف متعددی از دوران کودکی ارائه شده است؛ از نظر روانشناس کودک موجودی است متفکر که جهان بینی خاص خود را دارد البته هوش و جهان بینی کودک مانند انسان بزرگسال پیچیده نیست ولی برای وی کافی است، اما در نگاه جامعه شناسان کودک کسی است که هیچ گونه تکلیف اجتماعی ندارد. از دیدگاه بیولوژیکی کودک موجودی رشد نیافته است که مراحل رشد خود را با عبور از مرحله ی تک سلولی پشت سر گذاشته و به هیات انسانی کوچک تبدیل شده است. البته دوران کودکی بر اساس ویژگی های ذهنی شکل می گیرد و به تعبیر دیگر این بزرگسالان هستند که مفهوم کودکی را معنا می کنند. تأثیر این دوران بر دورانهای دیگر زندگی انسان انکار ناپذیر است و خاطرات آن تا سال ها بر ذهن انسان می ماند. افراد خودشان را در پرتو خاطرات ایام کودکی بهتر درک می کنند، عده ی معدودی به صحت این قضیه پی می برند، اما این موضوع واقعیت دارد. یکی از عرصه هایی که تأثیر دوران کودکی بر آن قابل توجه می باشد شعر و ادبیات است. بررسی تأثیر دوران کودکی بر شعر شاعران معاصر نقش این دوران را بیش تر آشکار می کند.

کلید واژه ها: شعر دهه ی هفتاد، دوران کودکی، خاطرات مشترک، کارتونها، درس های دوره ی دبستان، بازی ها.

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

نقش و کارکرد انواع پیش آگاهی در شاهنامه‌ی فردوسی و ایللیاد و ادیسه‌ی هومر

دکتر سعید زهره‌وند

برزو حسنونند

پیش‌آگاهی و اقسام مختلف آن چون؛ «خواب»، «رؤیا»، «طالع‌بینی»، «الهام»، «پیش‌گویی»، «تحلیل» و مانند آن در آثار حماسی کارکرد و نقشی دوگانه دارند: از یک سو، یکی از مشخصه‌های درونی حماسه‌ها به شمار می‌آیند و از دیگر سو، چون شگردی داستانی (ضد داستانی) برای روایت حوادث و سرگذشت قهرمانان داستان به کار می‌روند. در بیشتر حماسه‌های بزرگ و قابل اعتنا، این ویژگی نمودی آشکار و مبتنی بر ساختارشناسی قصه‌های کهن دارد. از این رو، مقایسه‌ی میزان و چگونگی تجلی انواع پیش‌آگاهی در حماسه‌های ملل مختلف موضوعی درخور پژوهش است. ما در مقاله‌ی حاضر، کوشیده‌ایم تا شاهنامه‌ی سترگ فردوسی را با دو حماسه‌ی بزرگ دیگر؛ یعنی ایللیاد و ادیسه‌ی هومر، از این منظر مقایسه کنیم و نقش، تأثیر و میزان بروز انواع پیش‌آگاهی‌ها را در این آثار مورد بررسی قرار دهیم. برای این منظور پس از آوردن مقدمه‌ای کوتاه درباره‌ی ماهیت و خاستگاه پیش‌آگاهی و انواع آنها، سخن خود را در دو بخش کلی تحت عنوان «مقایسه‌ی انواع پیش‌آگاهی‌ها» و «ارزش زیباشناختی پیش‌آگاهی‌های موجود در شاهنامه و، ایللیاد و ادیسه پی‌گرفته‌ایم و سرانجام با ارائه‌ی نتایجی چون کثرت و تنوع، حقیقت‌مانندی و باورپذیرتر بودن پیش‌آگاهی‌های شاهنامه در برابر محدودیت، تکراری و غیرواقعی‌تر بودن آنها در حماسه‌های هومر، سخن خود را به پایان برده‌ایم.

کلیدواژه‌ها: پیش‌آگاهی، شاهنامه، ایللیاد، ادیسه، نقش و کارکرد پیش‌آگاهی، ارزش زیبایی‌شناختی.

نقد فرمالیستی دو مجموعه رباعی «مرغ سحر» و «حالی است مرا» از منصور اوجی براساس شیوه نقد گرانگاهی

- سیدفرشید سادات شریفی
- سمیرا بختیاری نسب

«نقد گرانگاهی» روشی برای نقد فرمالیستی شعر است؛ تا آنجا که نگارندگان اطلاع دارند، این روش را نخست بار، دکتر علیرضا فولادی در مقاله‌ای (نک. مجله نقد ادبی، س ۱، ش ۳) با قائل شدن چهار سطح «بیرونی کلی»، «بیرونی جزئی»، «درونی کلی» و «درونی جزئی» برای فرم شعر و توجه به مقوله «شگرد بنیادین» هر شعر (و نیز به دست دادن آن در جایگاه گرانگاه فرم شعر)، پیشنهاد داده است. این شیوه، روشی سودمند برای تحلیل فرم شعر است و می‌تواند سبک آن را نیز در هر دو معنای متفاوت ویژگی‌های غالب و ویژگی‌های تشخیص بخش (تمایزدهنده) توصیف کند. در مقاله حاضر به واکاوی شیوه پیشنهادی ایشان پرداخته، سپس، کیفیت فرم دو مجموعه رباعی از منصور اوجی *حالی است مرا* و *مرغ سحر* را بر اساس این شیوه توصیف کرده‌ایم؛ تا در وهله نخست **کارایی** نقد گرانگاهی را در عمل **ارزیابی** کنیم و سپس تأثیر صناعات «درون مایه واحد» در *مرغ سحر* و «شروع یکسان» در *مجموعه حالی است مرا* را در تنوع فرم رباعی‌های این دو اثر بررسییم. در غالب این رباعی‌ها یک «شگرد بنیادی» با عناصری ویژه و متأثر از دو صنعت پیش گفته همراه است که باعث ایجاد فرم‌های **تکراری** می‌شود. به علاوه، نتایج به دست آمده در تحلیل فرم این رباعی‌ها (به شیوه نقد گرانگاهی) با نتایج پژوهشی زیباشناختی که بر رباعی‌های خیام به وسیله دکتر سعید حسام‌پور و دکتر کاووس حسن‌لی انجام شده (نک. فصلنامه پژوهش‌های ادبی، ش ۷، صص ۱۲۱-۱۴۴) همخوانی چشم‌گیری دارد. با این همه (و با وجود نکته پیش گفته که کارایی شیوه نقد گرانگاهی را در عمل نشان می‌دهد)، داده‌های تحلیل شده در این جستار گویای آن است که این رویکرد نیازمند بازنگری ریزبینانه‌تر و بازتعریف سطوح چهارگانه پیش گفته و نیز درنگ بیشتر در منسوب کردن هر صنعت ادبی به یکی از این سطوح است (مانند تزئینات آوایی که ایشان آن را به سطح درونی جزئی منسوب و محدود کرده‌اند) که نویسندگان امیدوارند کاربست عملی عرضه شده در مقاله حاضر، به سهم خود این دو گام تکمیلی را یاری رساند.

• دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز

• دانش‌آموخته کارشناسی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه سلمان کازرون

کلیدواژه‌ها: نقد گرانیگاهی، شگرد بنیادین، نقد فرمالیستی، رباعی، مرغ سحر، حالی است مرا، منصور
اوجی.

بررسی ساختار آثار کودکانه منوچهر احترامی

- فاطمه سادات طاهری
- زهرا درّی

هرچند ادبیات کودک هم مثل ادبیات بزرگسالان قدمتی بسیار دارد و یقیناً پیشینه نوع عامیانه آن به زمانی برمی گردد که اولین کودک از مادرش متولد شده است، اما پیدایش ادبیات مکتوب و رسمی کودکان به قرن نوزدهم میلادی می رسد که برای اولین بار در سال ۱۸۳۵ "هانس کریستین اندرسن" اولین داستان مکتوب کودکانه خود را با عنوان "قصه برای کودکان" نوشت و بدین ترتیب ادبیات کودک را به عنوان حوزه ای مستقل در ادبیات جهان پایه گذاری کرد. اگرچه بین ادبیات به معنای اعم با ادبیات کودکان تفاوت چندانی وجود ندارد، اما اختلاف بین امکانات و نیازهای کودکان و بزرگسالان و عواملی؛ نظیر: محدودیت تجربه کودکان، کوتاهی مدت زمان تمرکز و دقت کودک و عدم درک رویدادهای مختلف به صورت همزمان تفاوت هایی بین ادبیات کودک و بزرگسال ایجاد می کند. از این رو ادبیات کودک به تمامی متون علمی، ادبی و هنری اطلاق می شود، که برای کودکان نوشته می شوند و جنبه درسی ندارند. ادبیات کودک در زبان فارسی نیز در نوع عامیانه و شفاهی خود مثل سایر کشورها قدمتی دیرینه دارد، اما شیوه مکتوب و مرسوم آن در جهان امروز بعد از انقلاب مشروطه در ایران آغاز شد و خیلی زود مورد استقبال شاعران و نویسندگان فارسی زبان قرار گرفت. "منوچهر احترامی"، یکی از موفقترین نویسندگانی است که با مهارت و استادی کامل در این مسیر گام نهاد و با سرافرازی با نوشتن بیش از پنجاه عنوان کتاب عالی برای کودکان این راه را پشت سر گذاشت. داستان شعرهای وی؛ نظیر "حسنی نگو یه دسته گل"، "دزده و مرغ فلفلی"، "گرچه من نازنازیه" و... کودکان سه دهه معاصر ایران را به خود جذب کرده و با موضوع های جذاب و شخصیت های دوست داشتنی، زبان روان و بیان کودکانه، ایشان را تحت تاثیر قرار داده است. این پژوهش قصد دارد ساختار داستان های کودکانه وی را، که در قالب شعر بیان شده اند، از نظر عناصر داستان (طرح، موضوع، عمل یا حادثه، شخصیت، رفتار و گفتار بررسی کند و با تحلیل محتوا و نحوه پرداخت داستان های وی به این نتیجه برسد که رمز جاودانگی آثار کودکانه احترامی در میان نویسندگان معاصر چیست تا شاید مطالعه آن

• استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کاشان

• دانشجوی کارشناسی ارشد

راهگشای نویسندگان حال و آینده ادبیات کودک فارسی باشد و پهنه ادبیات ما دوباره بتواند شاهد خلق داستان هایی باشد که برای مدت طولانی در حافظه کودکان و والدینشان نقش ببندند.

کلید واژه ها: منوچهر احترامی، داستان های کودکانه ، ساختار و عناصر داستان .

تحلیل رفتاری ضحاک اهرمن سیرت در شاهنامه‌ی فردوسی

محمودرضا سازواری

شهلا محمدریحانی

واژه‌ی اهرمن در فرهنگ عمومی مردم ایران همواره حامل بار معنایی منفی بوده و کاربرد آن برای مواردی است که نویسنده یا گوینده بخواهد نقطه مقابل نیکی و نیکوکاری را به شکل ملموس‌تری به خواننده یا شنونده القا نماید. در این باره نظر برخی عرفا که خواسته‌اند دلیل سرپیچی ابلیس را که اغلب مترادف اهریمن شمرده می‌شود حبّ شدید او به ذات یزدان قلمداد کنند، استثناست و می‌توان آن را از جهات دیگر بررسی کرد. در شاهنامه‌ی فردوسی، اهرمن سیرتان در دو گروه قرار می‌گیرند: آدمیان دیوسیرت و دیوان واقعی. قهرمانان انسانی اهرمن سیرت نیز به دو دسته تقسیم می‌شوند: گروهی که بسیار زشت‌کردار بوده و در کارنامه‌ی اعمال آن‌ها نقطه‌ی چندان روشنی وجود ندارد (ضحاک ماردوش) و گروه دیگر قهرمانانی هستند که با وجود ارتکاب اعمال اهرمنی گاه و بی‌گاه رفتارهای اهورایی را نیز از خود بروز داده‌اند (افراسیاب، کاووس و سودابه) و از این گروه برخی اهورایی و نیک‌رفتار بوده و فقط در مواردی مرتکب اعمال اهریمنی شده‌اند (زال و رستم)؛ دیوان واقعی نیز موجوداتی اهریمنی بوده‌اند که پیوسته در اندیشه و عمل مشغول تخریب و زیان‌کاری در سرزمین ایران گردیده‌اند. یکی از شاخص‌ترین چهره‌های اهرمن سیرت در شاهنامه‌ی فردوسی و به طور کلی در تاریخ اساطیر ایران، ضحاک ماردوش است. راقم این مقاله می‌کوشد که ضمن مقایسه‌ی ضحاک با اهرمن سیرتان اساطیر ملل دیگر (فوست و ماکبث و ...) به تحلیل رفتاری این اهرمن سیرت بپردازد و نسب او و سرآغاز و علل ظهورش و کارها و محضر ساختن و ... را مورد نقد و بررسی قرار دهد.

کلیدواژه: فردوسی، شاهنامه، اهرمن، اهرمن سیرتان، ضحاک.

روایت زمان در داستان «آن پادشاه زاده که پادشاهی حقیقی به او روی آورد»

- مژده سالارکیا
- زینب غفاری گوشه

روایت‌شناسی از شاخه‌های ساختارگرایی است که شیوه‌های روایی متن ادبی را بررسی می‌کند. ژرار ژنت از نظریه‌پردازان در زمینه‌ی روایت است که بیش از هر چیز بر مقوله‌ی زمان تکیه می‌کند. مثنوی معنوی از آثار برجسته‌ی ادب روایی فارسی است که قابلیت بررسی با نظریه‌های غربی را دارد. این پژوهش ضمن بیان نظریه‌ی ژنت به بررسی شیوه‌های روایی زمان در داستان «شهباز و پیرکمپیر» می‌پردازد و در صدد پاسخ به این پرسش است که مولانا از چه شیوه‌های روایتی زمان در این داستان بهره برده است و این شیوه‌ها چگونه مفهوم را منتقل می‌کند. مولانا در این داستان با استفاده از انواع زمان‌پریشی‌ها و بسامد مکرر روایت را شکل می‌دهد، اما این مقوله‌ها سبب شتاب منفی در روایت نمی‌شود بلکه شتاب مثبت را شکل می‌دهد.

کلید واژه ها: روایت‌شناسی، ژرار ژنت، زمان، مثنوی معنوی، آن پادشاه زاده که پادشاهی حقیقی به او روی آورد.

• دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا (س)

• دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا (س)

بوطیقای شعر سنایی

(نقد شعرا در حدیقه و دیوان حکیم سنایی غزنوی)

- مصطفی سالاری
- حمید صمصام
- ترمه فرحی

سهم قابل توجهی از نظرات انتقادی ادب فارسی، متعلق به شاعرانی است که ضمن اشعار خود فوایدی انتقادی را در توصیف شعر خویش و یا خرده گیری از دیگر شعرا عرضه کرده اند. نمونه چنین نقد هایی که به "نقد شعرا" موسوم است هم از نظر علم نقد ادبی و هم از لحاظ تاریخی و اجتماعی دارای اهمیت بسیار است و متأسفانه حاصل این قضاوت ها تاکنون به گونه ای منظم و ادواری جمع آوری نگردیده. شاعران، مهم ترین طیف فرهنگی در پی اندازی جریان های انتقادی در گذشته ادبی ایران بوده اند. در واقع نقد ادبی بیش و پیش از هر جایی، در میان آثار منظوم رشد و گسترش یافته است به حدی که کمتر شاعر و یا ناظمی را در گذشته می توان یافت که در شعر و نظم خود به نوعی وارد قلمرو نقد نگشته باشد. هدف اصلی از انجام این مقاله، طرح دیدگاههای سنایی در حوزه نقد شعر است و از این لحاظ که به عنوان شاعری صاحب سبک در برهه ای حساس و مهم از ادوار شعر فارسی ایستاده و دارای سه ساحت مختلف فکری و شعری در ادب فارسی استو در شعر شاعران پس از خود بسیار مؤثر بوده؛ حائز اهمیت می باشد. خواننده این مقاله در می یابد، سنایی اولین کسی است که بطور جدی شعر را به شریعت گره زد و گرچه مقام شاعر را پس از انبیا و اولیا قابل ستایش می دانداما بر آنان که مدح ظالم می کنند، می تازد.

کلید واژه ها: سنایی، نقد شعرا، شعر و شرع.

• عضو هیأت علمی گروه ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی زاهدان

• استادیار گروه ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی زاهدان

• دانشجوی کارشناسی ارشد و عضو باشگاه پژوهشگران دانشگاه آزاد اسلامی زاهدان

ادبیات آرامگاهی و لزوم توجه به آن در ایران

- دکتر جهان دوست سبزعلیپور
- دکتر رضا چراغی
- صغری غفاری توچانی

ادبیات هر ملتی جنبه‌های متفاوتی دارد، مانند: شعر، امثال و حکم، داستان، قصه، افسانه، ترانه محلی، لالایی و ... یکی از جنبه‌های ادبیات که کمتر شناخته شده، ادبیات به کار رفته در سنگ مزارها یا ادبیات آرامگاهی است. در کشور ما از دیرباز نوشتن جملات یا پیام‌هایی روی مزارها رایج بوده است. برای پیشینه و سابقه آن می‌توان به کتیبه‌های پادشاهان هخامنشی اشاره کرد. سختی و صلابت سنگ‌های انتخاب شده برای این امر، آنها را در زمانه جاودان ساخته و باعث شده کلام آنها از یک نظر همچون کلام فردوسی از باد و باران بی‌گزند بماند. توجه به مزارات یا اطلاعات شناسنامه‌ای سنگ‌قبر بزرگان پیشینه‌ای قابل ملاحظه دارد، اما توجه به شعر سنگ مزارها در جهان اسلام گویا به کتاب احمد بن خلیل الّبودی به نام «اخبار الاخیار بما وجد علی القبور من الاشعار» برمی‌گردد. این کتاب تألیف شده به عربی در قرن نهم هجری را لویس شیخو الیسوعی جمع‌آوری کرده؛ و در آن شعر سنگ قبر بسیاری از بزرگان به ترتیب الفبایی حرف روی تنظیم شده است. در عصر حاضر تحقیقی در زمینه این جنبه از ادبیات نشده است. در شعر آرامگاهی جنبه‌های فراوان ادبی مانند شناخت قالب، محتوی و مضمون، زمان رواج، نوع شعر (قدیم و شعر نو) اهمیت فرهنگ شعر در کشور حتی برای مردگان و غیره قابل بحث است. رواج شعر یا اشعار خاص در هر دوره ما را به سوی تحلیل جامعه‌شناسی ادبیات آن جامعه می‌کشاند به طوری که می‌توان با بررسی و تحلیل این اشعار به طریقی جامعه ادبی را شناخت و با ذایقه‌ها و سلیقه‌های ادبی جامعه آشنا شد. شعر آرامگاهی در اغلب موارد اطلاعات فراوانی از شخص مدفون نظیر: جنس، شغل، طبقه اجتماعی، حادثه مهم زندگی او و غیره به ما می‌دهد. زبان و گویشی به کار رفته در شعر، همراه با اشکالی که در قبرهای قدیمی تر یافت می‌شود، در شناخت روحیه و عقیده صاحب قبر کمک فراوانی می‌کند. اشعار روی قبر بزرگان ادب مانند حافظ، سپهری و پروین و ... زبانزد مردم هستند. این مقاله که

• استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

• استادیار دانشگاه گیلان

• دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

چکیده‌ای از پایان‌نامه در حال نگارش است، ضمن طرح اهمیت توجه به ادبیات آرامگاهی، در پی آن است تا شعر آرامگاهی را بررسی نماید. برای بررسی این نوع، شش آرامگاه بزرگ شهر رشت (در این مرحله، تقریباً هزار سنگ‌نوشته) به عنوان نمونه انتخاب؛ و نوشته‌های آنها فیش‌بردای و تحلیل شده‌اند. بخش‌های مقاله شامل: پیشینه فرهنگ سنگ‌قبرنویسی، اهمیت توجه به ادبیات آرامگاهی، ویژگی‌های متون ادبی آرامگاه‌ها، نحوه کمک گرفتن از این متون برای تحلیل جامعه‌شناختی ادبیات هستند.

کلیدواژه‌ها: ادبیات، ادبیات آرامگاهی، مزارات، سنگ‌قبر نویسی، آرامگاه‌های رشت.

بررسی تطبیقی شخصیت و خویشکاری های «رستم» در شاهنامه‌ی فردوسی با «آپام نپات» در روایات زردشتی

رضا ستاری

مرضیه حقیقی

رستم، نامدارترین پهلوان شاهنامه‌ی فردوسی است که در مهم‌ترین رویدادهای حماسه‌ی ملی نقشی تعیین کننده و محوری بر عهده دارد. نگاهبانی از تاج و تخت، پشتیبانی از فرهمندترین پادشاهان کیانی، پاسداری از مرز ایران و نبرد با دشمنان ایران به ویژه افراسیاب تورانی، از جمله مهم‌ترین خویشکاری‌های اوست که بر بخش عظیمی از فضای شاهنامه‌ی فردوسی سایه گسترانیده است. با وجود چنین جایگاه درخوری که فردوسی برای این پهلوان نامدار ملی در نظر گرفته است، از نام و نشان رستم در اوستا و متون زردشتی اثری دیده نمی‌شود. ناهمخوانی روایت فردوسی با متون زردشتی گمانه‌زنی‌های بسیاری را درباره‌ی رستم و هویت تاریخی او در پی داشته است. آنچه در این میان به نظر می‌رسد کمتر مورد توجه قرار گرفته باشد، خویشکاری‌های مرد- ایزدی به نام «آپام نپات» در اوستاست که همانندی‌هایی با خویشکاری‌های رستم دارد. آپام نپات به معنی «تخمه‌ی آب‌ها» ست که در اوستا در گاه و مقام پهلوانی ملی که نگاهبان آب و فرّه پادشاهی است، از او یاد شده است. نام، شخصیت و کارکردهای رستم در شاهنامه، در بسیاری جهات با ایزد آپام نپات قابل مقایسه است. از این‌رو، در این پژوهش سعی شده است تا ضمن بررسی ناهمخوانی‌های میان روایت شاهنامه و روایات زردشتی، شخصیت و خویشکاری‌های رستم و آپام نپات با هم مقایسه شود و وجود مشترک این دو شخصیت مورد بازکاوی قرار بگیرد.

کلید واژه‌ها: رستم، آپام نپات، آب، افراسیاب، فرّه ایزدی.

کارکردهای نقش عاطفی زبان در اشعار مصطفی رحماندوست

- فاطمه ستاری
- محبوب طالعی

عاطفه به عنوان عنصری اصلی و سرنوشت ساز شعر در آفرینش های هنری است؛ و دایره ی تأثر پذیر بیشتری را از آن خود می کند. تأثیر کارساز عاطفه در شعر، در اشعار غنایی قابل انکار نیست چون این اشعار به طور کلی بر محور عاطفه استوارند و عناصر زیبایی آفرینی دیگر در مرتبه ی بعد از آن قرار دارند. و بخش عظیمی از قدرت این اشعار در به تسخیر آوردن و درگیر کردن انسان به دلیل کارکرد عاطفه در آن است. با این اوصاف گاهی عنصر «عاطفه» اصلی ترین نقش را در محور تبدیل زبان قراردادی به زبان شعر دارد و حتی ممکن است از عناصر دیگر شعرساز از قبیل، انواع ایماژ یا مجاز و... به هیچ وجه استفاده نشود اما زبان به اعتبار کارکرد زیبای «عاطفی» به شعر تبدیل شود و نقش تأثیر گذاری خویش را به خوبی انجام دهد؛ همچنین تأثیر عاطفه به اندازه ای است که گاهی زبان فقط به دلیل استفاده از این عنصر، از سطح قراردادی خود فراتر رفته و از «سطح نظم»، نیز عبور می کند و به سطح «شعر تأثیر گذار» می رسد، و در نهایت این امر سبب می شود مسائل عاطفی به مهم ترین دغدغه های ذهنی شاعر بدل شود و در کلیه اشعار او، یا بسیاری از آنها این دغدغه به عنوان مهم ترین عنصر اصلی سبک آن شاعر باشد. که به شکل های همدلی و محبت، اندوه، انتظار، عشق، نوستالژی، تنهایی و هراس، دعا، شادی و... در اشعار شاعر نمود پیدامی کند، نمونه بارز آن در اشعار مصطفی رحماندوست به شکل منسجم و پررنگ دیده می شود. عناصری چون: نوستالژی، محبت، عشق و... در اشعار او به خصوص در مجموعه اشعار «آسمان هنوز آبی است» به خوبی قابل مشاهده است.

کلید واژه ها: زبان، عاطفه، شعر کودک، رحماندوست.

• کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

• استادیار دانشگاه ارومیه

تأثیر زبان فارسی بر زبان اردو

• مرتضی سرایی

تقریباً یک هزار سال است که پرچم زبان فارسی در سرزمین هند و پاکستان برافراشته است و نه تنها بر فرهنگ و هنر؛ بلکه بر دل‌های مردم این سرزمین حکمرانی می‌کند. زبان فارسی از زمان غزنوی و غوری در سرزمین هند رواج پیدا کرد و تا آخر دورهٔ خلجیون، لودهیون، سوریون و مغلون پا بر جا بوده است و هیچ حکومتی آن را تحت تأثیر قرار نداده است. ساختار زبان اردو، هندی است؛ ولی ۸۰ تا ۸۵ درصد الفاظی که در زبان اردو استعمال می‌شود فارسی است به همین جهت است که تأثیر زبان فارسی در این زبان بسیار مشهود است. این اثرپذیری، نه تنها در زبان که در هنر سرزمین هند نیز دیده می‌شود و این یک ضرورت تاریخی است نه این که کسی خواسته باشد که چنین شود. بسیاری از تغییرات ایجاد شده در زبان اردو از زوایای مختلف تحت تأثیر زبان فارسی بوده هنوز هم کمابیش ادامه دارد. در این مقاله سعی شده در بررسی کوتاهی به تأثیرپذیری زبان اردو از زبان فارسی پرداخته شود.

کلید واژه ها: زبان فارسی، زبان اردو، شبه قاره، ادبیات.

بررسی تطبیقی مرگ در اشعار احمد شاملو و بدر شاکر السیاب

• عایشه سربزی تغزی

نوشتار حاضر بر آن است که با رویکردی تطبیقی مسئله ی مرگ را در یک نمونه از اشعار ادب فارسی و عربی مورد بررسی قرار دهد. از میان شاعران برجسته ی این دو ادب، شاملو و سیاب انتخاب گردید. این دو شاعر مرگ مسیح را به گونه ای متفاوت از دیگر شعرا به تصویر کشیدند از میان مجموع اشعار آنها مرگ ناصری و المسیح بعد الصلب برگزیده شد. هدف مولف نشان دادن تاثیر اوضاع اجتماعی دو شاعر بر سرودن این اشعار و بیان برخی تفاوت دیدگاههای دو شاعر نسبت به این موضوع می باشد.

کلید واژه ها: مرگ، شاملو، سیاب، مرگ ناصری، المسیح بعد الصلب.

مطالعه کارکردهای هنری در فضای میان رشته‌ای شعر نمایشی

- عالیه سرمدی
- سعید گودرزی

در روند این پژوهش، ابتدا چهارچوب مفهومی شعر نمایشی و جایگاه نوعی آن از جنبه جهانی مطرح می‌گردد، سپس با پرداختن به ماهیت شعر نمایشی در ادبیات هنری ایران با رویکردی نوین، قابلیت‌ها و توانش‌های آن در بهره‌برداری کاربردی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. سؤال محوری این مطالعه حول این است که کارکردهای هنری شعر نمایشی چگونه و در چه زمینه‌هایی به کاربرد اجرایی (قابلیت‌های دراماتیک) منتج می‌شود؟ آنچه با مفروضات محقق پیوند دارد، برداشت ترکیبی از ارائه نظریه‌های بنیادی و کاربردی است که اگر هنر را به معنای ارتباط مؤثر بدانیم که در پدیداری اثر، ما را به دنیای عواطف نیز وارد می‌کند؛ این گونه به نظری رسد که در شعر نمایشی، استفاده از بازی‌های زیباشناسانه زبان شعری و بهره‌گیری از مؤلفه‌های هنرنمایشی، هم به ارتباط با مخاطب و هم دیده شدن آفرینش هنرمند در یک فرآیند تعاملی بین شعر و نمایش می‌انجامد. این پژوهش از حیث ماهیت توصیفی - تحلیلی و از نوع مطالعات میان رشته‌ای است که با استناد به منابع کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است. هدف از این تحقیق، تحلیل چستی، دیرینه‌شناسی و ارائه مبانی نظری در مطالعه شعر نمایشی است. یافته‌های این پژوهش مبین آن است که وجود شعر نمایشی در ادبیات هنری ایران با بهره‌گیری از عوامل متعدد هنری دارای کارکردهای ارتباطی است که قابل طرح در نمایش‌های صحنه‌ای است و قابل الگو برداری برای شاعران هنرمند این مرز و بوم که قریحه سرشار از خلاقیت خویش را به زیورهای فنون دراماتیک بیاریند و آفریننده نمایشی شاعرانه باشند.

کلید واژه‌ها: شعرنمایشی، ادبیات هنری، کارکردهای هنری و ارتباطی، قابلیت‌های دراماتیک.

-
- کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی
 - عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد واحد زرقان

«ادبیات تطبیقی» و پیشینه آن در مطالعات نوین میان ادبیات عربی و فارسی

فاطمه سعدونی

حسن دادخواه

ادبیات تطبیقی یکی از شاخه های نوین ادبیات است که وظیفه بررسی آثار ادبی ملت ها و شناساندن نقاط مشترک و میزان تاثیرگذاری هر یک بر دیگری را بر عهده دارد. در سال های نخستین سده بیستم میلادی، هم زمان با ترجمه آثاری از ادبیات اروپایی به زبان عربی، این شاخه از ادب، مورد توجه پژوهشگران ادبیات عربی قرار گرفت، به گونه ای که امروزه در کشورهای عربی، دهها کتاب ارزشمند در تبیین و توضیح اصول، موضوع و روش های ادبیات تطبیقی تالیف شده است. در گامی فراتر، نویسندگان عرب کوشیدند تا با شناخت شاهکارهای ادبی جهان از جمله ادبیات فارسی، به مقایسه آن با آثار مشابه در ادبیات عربی بپردازند و از این رهگذر ادبیات خویش را به ادبیات جهانی نزدیک کنند. در این مقاله با گذری بر مباحثی چون تعریف، موضوع، روش ها، ویژگی های یک پژوهشگر در ادبیات تطبیقی و نقش "ترجمه" در گسترش آن؛ به مهمترین کتاب های نویسندگان معاصر ایرانی و عرب در تطبیق کاربردی میان ادبیات عربی و ادبیات فارسی اشاره شده است. بالا بودن میزان توجه نویسندگان دو ادب فارسی و عربی به نقاط مشترک دو ادب و وجود داد و ستد های ادبی میان آن دو، نشانگر ارتباط دیرینه و تنگاتنگ میان ایرانیان، با فرهنگ و ادبیات عربی و اسلامی است.

کلید واژه ها: ادبیات تطبیقی، ادبیات عربی، ادبیات فارسی، دوره معاصر

سبک‌شناسی زبانی و ادبی شعر تعزیه دوره قاجار با بررسی ۲۵ مجلس تعزیه خودسکو و تکیه دولت

احسان سعیدی‌نیا*

تعزیه بخش مهمی از میراث هنری و فرهنگی ایران است و بخش مهمی از این هنر شعر تعزیه است. دوره قاجار عصر شکوفایی این هنر است. در این نوشتار ۱۲ مجلس از تعزیه های دوره فتحعلی شاه و ۱۳ تعزیه از دوره ناصرالدین شاه مورد بررسی سبک‌شناسی زبانی و ادبی قرار گرفته است. روش سبک‌شناسی روش ارائه شده توسط دکتر سیروس شمیسا در کتاب کلیات سبک‌شناسی است. این پژوهش نشان می‌دهد شعر تعزیه به عنوان هنری مردمی، زبانی ساده و عامیانه در مواردی معیوب دارد. همچنین از نظر ادبی پیچیدگی چندانی ندارد و صنایع ادبی آن در حد طبیعت کلام و در خدمت بیان صریح معناست و نه هنرنمایی.

کلید واژه ها: تعزیه، سبک‌شناسی زبانی، سبک‌شناسی ادبی، خودسکو، تکیه دولت.

دری به درّه نادره. زبان هنری میرزامهدیخان استرآبادی در درّه نادره

• غلامعباس سعیدی

میرزا مهدیخان استرآبادی یکی از دشوارنویس ترین نویسندگان زبان و ادب فارسی است. کتاب معروف درّه نادره او نمونه‌ای از نثر فنی و مصنوع است که در باره فتوحات نادرشاه نوشته شده است. انگیزه اصلی میرزا مهدیخان از نوشتن این کتاب، تنها تاریخ نویسی نبوده بلکه به نقش هنری و ادبی زبان نیز توجه داشته است. بررسی سیر تاریخی تطوّر نثر فارسی و همچنین بررسی مؤلفه‌های دخیل در ادبیّت متن از نظر بلاغی و زبانشناختی نشان می‌دهد که نویسنده با توجه به هدف خود بسیار موفق بوده است. بسیاری از معاصران نثر میرزامهدیخان را انحرافی در مسیر درست نثرنویسی فارسی و کژراهه‌ای بلکه بیراهه‌ای در زبان و ادب فارسی می‌دانند، این امر شاید از برخی جهات درست باشد؛ اما این مقاله سعی می‌کند ویژگی‌های هنری، بلاغی، ادبی و حتی زبانشناختی درّه نادره را نشان دهد و از باب "عیب می‌جمله بگفتی هنرش نیز بگو"، نگاهی نو به این کتاب بیندازد. می‌توان گفت که میرزا مهدیخان برای بیان تاریخ که موضوعی کاملاً علمی است، به جای آن‌که از زبان اخبار استفاده کند، بیشتر از زبان ادب و هنر بهره برده است.

کلید واژگان: درّه نادره، میرزا مهدیخان، نثر فنی، نثر هنری، دشوارنویسی.

بررسی چگونگی اشتقاق ستاک گذشته فعل بر پایه واجشناسی نقشگرا

دکتر غلامعباس سعیدی*

دستورنویسان سنتی، از دیرباز، به رابطه بین ستاک حال و ستاک گذشته افعال فارسی پرداخته؛ اما در این باره هم‌داستان نبوده‌اند. برخی ستاک حال را اصل گرفته و ستاک گذشته را مشتق از ستاک حال گرفته‌اند. گروهی، برعکس، ستاک گذشته را اصل گرفته و ستاک حال را مشتق از ستاک گذشته دانسته‌اند و بالأخره دسته‌ای هم مصدر را اصل دانسته و ستاک گذشته و حال را از آن مشتق دیده‌اند. در همین حال، در بیشتر موارد، بین ستاک حال و ستاک گذشته افعال هماهنگی نمی‌دیده‌اند و افعال فارسی را بر این اساس به دو گروه باقاعده و بی‌قاعده تقسیم می‌کرده‌اند. در این مقاله، بر پایه یافته‌های دانش زبانشناسی، بویژه واج‌شناسی نقشگرا، موضوع بررسی شده و با تبیین آواشناختی شواهد متعدد، این نتیجه مشخص شده است که در دستور زبان سنتی، در بیشتر افعال فارسی، ستاک گذشته از پایه فعل که به لحاظ آوایی با ستاک حال یکسان است، مشتق شده است. در این اشتقاق، پس از افزودن تکواژ گذشته ساز $\text{واژ} \text{واج}$ به پایان ستاک حال، دگرگونی‌هایی در هردو، رخ می‌دهد که بر اساس قواعد واژ-واجی از قبیل همگونی، درج آوا، حذف آوا، هماهنگی واکه‌ای یا ترکیبی از موارد یاد شده، قابل توجیه و تبیین علمی و آواشناختی هستند.

کلیدواژه‌ها: واج- تکواژشناسی، واج‌شناسی ساختواژه، همگونی، درج آوا، حذف آوا، هماهنگی واکه‌ای.

* استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی و جامعه المصطفی العالمیه

نقد فتوایی (حکمی یا معیاری) مجموعه شعر «موج در موج» از ژاله اصفهانی

• دکتر پریچهر سلطانی

ژاله اصفهانی (۱۳۰۰-۱۳۸۶ ه.ش) از شاعران برجسته معاصر است. او با سرودن اشعار فراوانی با مضمون امید و آرزو به شاعر امید معروف است. وی بیشتر عمر خود را در خارج از ایران گذراند و اشعار او کمتر نقد شده است. نقد ادبی کاری خلاق است. در حقیقت به نوعی «دیگر گونه خواندن اثر ادبی» است. در این مقاله سعی بر این است که مجموعه شعر «موج در موج» اثر ژاله اصفهانی، را علاوه بر عطف توجه به زیبایی (به لحاظ تاثیر گذاری)، موضوع، شکل و ساختار، تکنیک و صناعت شعری تجزیه و تحلیل کرده و ضمن آن، علت تأثر اثر یا به بیان دیگر چگونگی تأثیر و ایجاد ارتباط بین خواننده و نویسنده اثر _ که به نقد فتوایی موسوم است _ روشن گردد.

کلید واژه ها: ژاله اصفهانی، موج در موج، نقد فتوایی، تأثیر و تأثر، خواننده، موضوع.

بررسی مضامین مشترک فریدون مشیری با نازک الملائکه

اکرم سلطانی وزهرا رفیعیان

تحقیق در زبان و فرهنگ و تاریخ ملتها به منظور استفاده از ثمرات خرد جمعی و نقد و مقایسه ی آثار آنها یکی از اهداف ادبیات تطبیقی است که می تواند در جهت انتقال ذوق و احساس و عواطف و خرد انسانها به یکدیگر به منظور ایجاد ارتباط و پیوند میان ملتها و تاثیر متقابل فرهنگ ها نقش آفرین باشد. هر ملتی بر اساس فرهنگ و هویت خود از ادبیات و هنر دیگر ملتها تاثیر می پذیرد و این تاثیر پذیری را در آثار خود نمایان می سازد هرچند که تاثیر پذیری اندک یا فراوان باشد. این مقاله بر آن است تا ضمن معرفی نازک الملائکه شاعره توانمند عراقی و فریدون مشیری مضامین مشترک این دو شاعر رمانتیک معاصر را به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار دهد. در این وجیزه نگارنده وجوه اشتراک و افتراق، همانندی های زبانی، واژگانی و سبکی و... را نیز در حد توان مورد تحلیل، مذاقه و بازکاوی قرار داده است.

کلید واژه ها: فریدون مشیری، نازک الملائکه، شعر و ادبیات معاصر، مضامین مشترک.

شخصیت و شخصیت پردازی در منظومه ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی

فاطمه سلطانی

شخصیت پردازی از ارکان مهم داستان پردازی است که نویسنده به کمک آن می تواند به داستان و قهرمانان داستانش رنگ واقعی ببخشد، پژوهش حاضر به بررسی عنصر شخصیت، انواع آن و ویژگی های قابل توجه ظاهری و کیفیت های خلقی آن ها و همچنین شیوه های شخصیت پردازی و انواع آن در یکی از قدیمی ترین رمان های عاشقانه ادبیات فارسی یعنی داستان ویس و رامین می پردازد. این جستار از نظر روش به شیوه استقرایی و از نظر ابزار و میدان تحقیق به صورت کتابخانه ای است.

کلید واژه ها: داستان ویس و رامین، شیوه های شخصیت پردازی.

نگاهی بر اسطوره‌های اشعار حسین منزوی

فاطمه سلیمان پور

یکی از مهمترین ابزارهایی که موجب خیال‌انگیزی و زیبایی شعر می‌شود به کارگیری اسطوره است. اسطوره به عنوان هویت ملی و فرهنگی یک جامعه از دیرباز مورد اهمیت بوده است. مسأله اصلی مقاله حاضر این است که پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، بیشتر مربوط به آثار گذشتگان است و نقش اسطوره در آثار شعرای امروز نادیده گرفته شده و پیوسته این سؤال مطرح بوده که آیا در دوران معاصر شاعری یافت می‌شود که اثری مانند شاهنامه که سرشار از اسطوره‌های ساخته شده‌ای ازخواست‌های یک ملت است خلق کرده باشد؟ هدف از پژوهش حاضر پرداختن به این جنبه‌ی هویت‌ساز به عنوان یکی از شاخصه‌های زیبایی‌شناختی شعر، در گزیده اشعار حسین منزوی است. به سبب بسامد بالای اسطوره در آثار این شاعر، جستار حاضر برآن شده است ضمن کاوش در آن به این پرسش پاسخ دهد که چه اسطوره‌هایی امروزه کارکرد بیشتری دارند و آیا منزوی در اشعارش توانسته اسطوره‌سازی کند؟ این مقاله به روش کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا در دو بخش تدوین شده، در بخش نخست دیدگاه‌های مورد اسطوره‌بررسی شده تا بتواند شناختی از این مبحث ارائه بدهد. بخش بعدی کاوش در اساطیر به کار رفته در اشعار منزوی با توجه به اهداف ذکر شده است. منزوی ضمن پرداختن به اساطیر پیشین در اشعارش دست به ساختن اسطوره‌هایی نو چون "موعود" و "زن" زده است و این دو اسطوره بیشترین بسامد را در اشعار منزوی دارند. زن اساطیری او، تمام ویژگی‌های یک اسطوره را با خصوصیات انسانی و منحصر به فرد خود و گاه زنانه در هم آمیخته است. نتیجه‌ی حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد در شعر شاعران امروز اسطوره‌های حماسی بیشتر کاربرد دارد و منزوی توانسته با ساختن اسطوره‌هایی نو و پیوند آن با اساطیر گذشته، همان کاری را انجام دهد که فردوسی برای نجات زبان و فرهنگ ایرانی با سرودن شاهنامه از خود به یادگار گذاشته است.

کلید واژه‌ها: اسطوره، شعر، منزوی، زن، موعود.

کودک و جنگ در شعر معاصر فارسی و عربی (بررسی تطبیقی شعر قیصر امین پور و سمیح القاسم)

- دکتر علی سلیمی
- حسین عابدی

دنیای کودکی دنیایی ساده، پرفروغ و بی‌آلایش است. این زلالِ جاریِ اَمّا، با تلنگر یک جنگ، انقلاب، مقاومت، اعتراض یا انتفاضه‌ای به تلاطم درمی‌آید. بدون تردید کودکان به گونه‌ی مستقیم یا غیرمستقیم در پیوندی ناگزیر با پیامدها، آسیب‌ها و خشونت‌های ناشی از این شرایط قرار خواهند داشت. نمونه بارز این کودکان در دو کشور فلسطین و ایران هستند که تجربه‌های تقریباً همسانی از حمله متجاوز به خاک سرزمین خود را آزموده‌اند. از این روی نمی‌توان شعر پایداری فلسطین را واکاوی نمود اَمّا از «کودکان سنگ»، که سیمای برجسته‌ای از مقاومت هستند، سخن به میان نیاورد. سمیح القاسم از شاعران امروز فلسطین، این کودکان انقلابی را با رویکردها و جلوه‌های گونه‌گون به شعر خویش خوانده است. قیصر امین پور نیز، که ابتدا با «شعر کودک» در ایران آوازه یافت، نموده‌هایی از جنگ تحمیلی هشت‌ساله علیه ملت ایران را با زبان و تصاویری شاعرانه و کودکانه توصیف می‌کند. این پژوهش می‌کوشد با تکیه بر اصول و مبانی «مکتب آمریکایی» در ادبیات تطبیقی، برجسته‌ترین مفاهیم و موضوعات اینگونه شعرها همچون: زندگی، خانواده (بویژه پدر و مادر)، میهن، آزادی، جنگ، آشتی، آوارگی، مدرسه، شهید، کودکی را از منظر زیبایی‌شناسی به بوته‌ی تحلیل بسپارد.

کلید واژه ها: جنگ، کودک، شعر معاصر، قیصر امین پور، سمیح القاسم، نقد تطبیقی.

-
- دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه.
 - دانشجوی دکترای گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه

بررسی عناصر ایرانی رمان "نام من سرخ است"

مهناز سمندری یوسف آباد*

این رمان در اصل به زبان ترکی استانبولی نوشته شده و برنده جایزه ادبی نوبل در سال ۲۰۰۶ میلادی است و در آن ماجرای نه شب سرد زمستانی سال ۱۵۹۱ به تصویر کشیده شده است. داستان در واقع بیان مسایل برزخ سنت و نوگرایی ترکیه آن عصر است. این کتاب برخلاف نظریه غالب، که تاثیر و تاثرات ادبی ایران و عثمانی را مربوط به دوره مشروطه و دوره پیش از آن یعنی دوره ادبیات دیوانی ترکیه و ادبیات بازگشت ایران می داند، نمایانگر تاثیر پذیرفتن نویسندگان داستان از داستان‌ها و روایات اصیل ایرانی است. این داستان در قالب چندین بخش نوشته شده و هر کدام از بخش‌های آن از زبان یکی از اعضا کل داستان روایت شده است و همانگونه که این سبک روایت داستان ایجاب می کند دارای توصیف بسیار قدرتمند و قانع کننده‌ای است و نویسنده در تمام بخش‌های آن غیر از بخش‌های پایانی که معمای کل داستان حل می شود، تحت تاثیر روایات ایرانی اعم از شاهنامه فردوسی و خسرو و شیرین نظامی و گلستان سعدی و غیره است. البته این تاثیر، تاثیری ناآگاهانه و ضمنی و کلی نیست بلکه به جرات می توان گفت تم‌های اصلی داستان که نوعی تقدیرگرایی است از شاهنامه فردوسی و ماجرای عشق رمان که در واقع هسته اصلی داستان است از خسرو و شیرین نظامی اخذ شده است. همچنین در بیان الگوهای کلاسیک رفتار و ارزش‌های جامعه کهن آن روزگار، گلستان سعدی دستمایه کار این کتاب قرار گرفته است. قصد این پژوهش در واقع بررسی و نمایاندن تاثیرات فرهنگ ادبی ایرانی به عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین سرمایه فکری و تخیلی نویسنده در این رمان موفق ترکی است.

کلید واژه ها: اورهان پاموک، فرهنگ ایرانی، شاهنامه، خسرو و شیرین، عناصر داستانی ایرانی.

* دانشگاه تبریز، دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی

دستگاه بلاغی و ابهام آفرینی در شعر فروغ فرخزاد

• احمد سنچولی

صور خیال که از عناصر برجسته‌ساز متن ادبی به شمار می‌آیند، معمولاً در شگردهای مجازی و بیانی و حتی گاه در عناصر بدیعی نمودار می‌شوند. این عناصر از سویی در حرکت زبان متن وقفه و درنگ ایجاد می‌کنند و آن را ناآشنا و غیر عادی جلوه می‌دهند و از سوی دیگر، در خلق معنا، گسترش و تقویت مفهوم، پنهان‌سازی مقصود و به طور کلی در ابهام آفرینی کلام ادبی نقش اساسی دارند. با تأمل در شعر فروغ فرخزاد به ویژه دو مجموعه «تولدی دیگر» و «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد»، می‌توان گفت که بخشی از ابهام‌های هنری شعر او ناشی از نو بودن صور خیال و عناصر بیانی است که خود نتیجه دید تازه و تغییر نگرش شاعر نسبت به هستی و زندگی می‌باشد. صور خیال در شعر او جنبه تزئینی ندارند. به همین دلیل از عناصر بدیعی در شعر او چندان نشانی نیست. در این نوشتار عوامل ابهام آفرین بلاغی در شعر فروغ فرخزاد به دو دسته صور بیانی و بدیعی تقسیم شده است. در بخش صور بیانی عناصری از قبیل مجاز مرسل، تشبیه، استعاره، حسامیزی، اسطوره، نماد و کنایه؛ و در بخش شگردهای بدیعی آرایه‌های تلمیح، ابهام، آبرونی و پارادوکس مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها: شعر معاصر، فروغ فرخزاد، دستگاه بلاغی، ابهام.

زبان شعر دفاع مقدس

- دکتر عادل سواعدی
- نسیمه مراقی

ادبیات، آیینه ی تمام نمای جریان های گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و غیره در هر جامعه ای می باشد. هر چه در جامعه رخ می دهد، بی شک، ردپای خود را در ادبیات بر جای می گذارد. در این میان، جامعه ی ایرانی از این اصل مستثنا نیست؛ چنان که یکی از حوادث برجسته در تاریخ معاصر ایران، جنگ تحمیلی و دفاع مقدس هشت ساله است که هم چون هر رویداد دیگری تأثیر خود را بر ادبیات گذاشته است. در این مقاله، که مستخرج از رساله ی کارشناسی ارشد تحت عنوان "شعر کودک و دفاع مقدس" از دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول می باشد، به بررسی زبان شعر دفاع مقدس پرداخته می شود؛ که به نوبه ی خود یکی از دوره های سرنوشت ساز در معادلات اجتماعی و ادبی جامعه ی معاصر ایرانی است. در این مقاله، نخست به تعریف زبان پرداخته می شود و کارکردهای گوناگون آن بررسی می گردد. سپس با نگاهی به جنگ تحمیلی و تأثیر آن بر جامعه ی ایرانی و به دنبال آن بر ادبیات، به عوامل رواج بیش تر شعر در دوران دفاع مقدس پرداخته می شود. آن گاه عنصر عاطفه، که از ملزومات زبان شعر جنگ است، به بحث گذاشته می شود و انواع شعر جنگ از این دیدگاه بازگو می گردد و در بقیه ی مقاله، زبان شعر دفاع مقدس مورد تحلیل قرار می گیرد و جای جای، نمونه های شعری جهت تأیید مطالب آورده می شود.

کلید واژه ها: جنگ، دفاع مقدس، شعر، زبان، عاطفه.

• استادیار گروه ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز

• کارشناس ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول

سیر استعاره در شعر سنتی و شعر نو فارسی بر اساس دیدگاه شناختی (مبثنی بر گزیده اشعار حافظ و سهراب سپهری)

- رخساره سهرابی
- محمد راسخ مهند

در این پژوهش با تکیه بر بحث استعاره در زبان‌شناسی شناختی سعی شده است استعاره های موجود در شعر سنتی و نو فارسی، بر اساس منتخب اشعار حافظ و سپهری بررسی شود. این پژوهش نشان می‌دهد فضای فکری حاکم بر شعر در این دو شخص چه تفاوت هایی دارد. در گزیده‌ای از اشعار این دو شاعر، استعاره‌هایی که بر مفاهیم عشق، نفرت، مرگ، زندگی، تنهایی، غم، شادی و زمان دلالت می‌کردند، مورد بررسی قرار گرفتند. این بررسی نشان می‌دهد که علاوه بر مفاهیم مشترکی که در کاربرد استعاره از سوی این دو شاعر وجود دارد، مفاهیم استعاری آنها تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای نیز دارد. با بررسی نمونه‌های مختلف، دریافتیم که یکی از تفاوت های شعر سنتی و شعر نو، تفاوت در به کار بردن مفاهیم استعاری است. مثلاً آنجا که حافظ برای عشق قلمروی «شراب» را در نظر می‌گیرد و سهراب قلمروی «جسم»، می‌توان دریافت که دنیای فکری آنها متفاوت است. یا در استعاره «تنهایی»، حافظ با قلمروی «مکان» آن را به تصویر می‌کشد و سهراب مفهوم «انسان» را برمی‌گزیند تا نشان دهنده تنهایی عمیق انسانی در نگاه سپهری و احساس تنهایی انسان مدرن باشد.

کلید واژه ها: زبان‌شناسی شناختی، استعاره، حافظ، سهراب سپهری.

• کارشناسی ارشد زبان‌شناسی

• دانشیار زبان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا

تأثیر عصیان بر شکل‌گیری داستان‌های شاهنامه

• لقمان سهرابی

عصیان یکی از ویژگی‌های ذاتی انسان و میراث عظیم و گران‌سنگ حضرت آدم ابوالبشر و ابزار مهم تعالی، برای فرزندانش است که دامنه‌ی تأثیر خود را به تمامی عرصه‌های اجتماعی و روابط انسانی کشانده است. این خصیصه که در وجود شخصیت‌های شاهنامه، زیرساخت و حلقه‌ی اصلی تسلسل داستان‌های این یادگار ماندگار و دلیل محکم نبردها و کین‌جویی‌ها است، بسیاری از نهفته‌ها و ناگفته‌های درونی انسان را در مقطعی از زمان آشکار می‌سازد که احساس کند حقوقش نادیده گرفته شده است، بنابراین این با فوران خواسته‌های درونی و امیال ارضا نشده در نقش یک عصیانگر ظاهر می‌شود. داستان‌های حماسی شاهنامه نیز که از روحیه‌ی عصیانگری پهلوانان نشأت گرفته است و با طغیان جمشید، دیو و ضحاک در بخش اساطیری و عصیان، کاوه، فریدون و تور در آغاز بخش حماسی و آغاز دوره‌ی پهلوانی با انتقام منوچهر از سلم و تور، همه‌ی جنگ‌های چندین صد ساله‌ی ایرانیان و تورانیان پایه ریزی می‌گردند، این سوال را در ذهن خوانندگان بوجود می‌آورد که عصیان شخصیت‌های شاهنامه چه اندازه در شکل‌گیری داستان‌ها مؤثر بوده‌اند؟ و اساساً اگر این عصیان‌ها به عرصه‌ی ظهور در نمی‌آمدند، باز هم شاهنامه از این انسجام و استحکام برخوردار می‌گشت؟ در این مقاله سعی بر آن است که اهمیت و ضرورت عصیان شخصیت‌های اصلی و اثرگذار داستان‌های حماسی شاهنامه، از طغیان کاوه و انقلاب فریدون، علیه ضحاک تا کین‌خواهی کیخسرو از افراسیاب را در شکل‌گیری داستان سیاوش، زیباترین و پر ماجراترین داستان این اثر بی‌بدیل، آشکار سازد. در گوشه و کنار حکایات این اثر سترگ و یادگار ماندگار نیز، شخصیت‌های اهریمنی در سراسر حماسه‌ها در پی تبعیت از دیوهای درونی آدمیان یعنی آز، نیاز، خشم، رشک و کین، مدام عصیانگری نموده و با آزار و اذیت هم‌نوعان، قهرمانان نیک اندیش را به مبارزه و دفاع از حق و مبارزه با بیداد برانگیخته‌اند تا با عصیانی تدافعی، عصیان تهاجمی بداندیشان را از نوع بشر دور سازند. در بسیاری از صحنه‌های این‌گونه داستان‌ها عصیان قهرمانانی اسطوره‌ای همانند کاوه، فریدون ورستم علیه بیدادگران، مستبدان و متجاوزان ارمغانی است که آزادی انسان‌ها و سربلندی و اقتدار سرزمین ایران را به دنبال دارد. این عصیان‌های اثرگذار در شکل‌گیری داستان‌ها، بیانگر این واقعیت‌اند که روحیه‌ی عصیانگری و پایداری در برابر هر آنچه مخالف میل و اراده‌ی انسان‌هاست، نوید

بخش ترقی و تعالی خواهند بود. بنابر این همه‌ی انقلاب‌ها و عصیانگری‌هایی که تا به امروز مشاهده شده‌اند، گذرگاهی برای فرار بشر از قوانینی هستند که در آن احساس می‌کند وجودش نادیده انگاشته شده، آمال و آرزوهایش لگدمال گشته و او تنها ابزار پیشبرد اهداف ظالمانه‌ی زورگویان و خودکامگان است. در داستان‌های شاهنامه، این عصیان است که عاصیان و معصومان را به کنش و واکنش و می‌دارد و حاصل این کنش و واکنش است که تنه‌ی این داستان‌های حماسی را تنومند می‌سازد تا سنگینی بار و بر حوادث خوشایند و ناخوشایند صحنه‌های نبرد میان نیکی و بدی را تحمل نماید. همچنین ثمره‌ی همین عمل و عکس‌العمل است که بعضی صحنه‌ها ما را به تحسین اعمال خشونت عاصی و می‌دارد و در جایی دیگر بر معصومیت و مظلومیت معصوم اشک می‌ریزیم. باید اذعان داشت که هرگز قانونی وضع نمی‌شود که بتواند روحیه‌ی سرکش همه‌ی افراد جامعه را رام نماید. زیرا سلیقه‌ها، آرزوها، خواسته‌های هر آدمی متفاوت است و همین امر باعث می‌گردد که بعضی از آدم‌ها مطیع و برخی دیگر عاصی و نافرمان باشند. بنابراین بشر تازمانی که با سرکشی، خواسته‌هایش را مطالبه و هستی خود را اثبات می‌کند، هیچ قدرتی نخواهد توانست او را به مانند یک روبات تصور کند که سازندگانش به او هستی بخشیده‌اند و جدا از چهارچوب تعریف شده‌ی ایشان، نتواند حرکتی از خود نمایش دهد. او همان طور که با عصیان بر این عالم مادی پا نهاد با عصیانگری هم به آخر زمان خواهد رسید. زیرا اگر عصیان را از نهاد آدمی و داستان‌های حماسی دور سازیم قطعاً نامی از آنان برجای نخواهد ماند، چه اگر این مقوله از صحنه‌های واقعی گیتی خارج شود، جهانی منفعل و آرام بوجود خواهد آمد که هرگونه پویایی، نوآوری و تلاش برای ادامه‌ی حیات در آن بی معنی خواهد بود زیرا در زمان‌های مختلف فرصت‌هایی ایجاد می‌شود که انسان‌ها ارزش واقعی خود را فقط با عصیان بروز می‌دهند. گرچه ممکن است همه‌ی عصیان عاصیان، نتایج مثبت و اهداف بشردوستانه‌ی او را به دنبال نداشته باشد. از آنجا که هم تسلسل داستان‌های شاهنامه، تمام شکوه خود را مدیون عصیان‌گری قهرمانشان هستند و هم قهرمانان همه‌ی شوکت خود را مرهون روحیه‌ی عصیانگری خویش‌اند، این نیاز احساس می‌شد تا با نگاهی روان‌شناسانه حالات روحی و عاطفی قهرمانان عاصی مورد بررسی قرار گیرد و اهمیت سرکشی‌های پهلوانان محبوب و مغضوب جهت توالی داستان‌های دل‌انگیز شاهنامه بیان شود. گرچه بعضاً و یا موردی از سوی نویسندگان و شاهنامه‌پژوهان بزرگ در این زمینه قلم فرسایی شده است، اما انتظار می‌رود این کوشش دانش‌پژوهان را در حجمی وسیع‌تر و نگاهی دیگر به این مقوله، به سرمقصد منزل رهنمون گردد یا حداقل از خستگی و تلاش وافر آنان قدری بکاهد.

کلید واژه‌ها: شاهنامه، حماسه، عصیان، سرکشی، پهلوان، رستم.

تطبیق موضوعی وصف طبیعت در دیوان صنوبری و کسای مروزی

• نصرت بانو (نسرین) سهرابی

توصیف طبیعت در ادبیات فارسی و عربی سابقه ای طولانی دارد. با بررسی دیوان اولین شاعران موفق فارسی و عربی در زمینه ی وصف طبیعت، ضمن پی بردن به شباهتهای توصیفی آنها، اهمیت پژوهش و بررسی تطبیقی در سایر زمینه های فکری و فرهنگی مشخص می شود. صنوبری به عنوان اولین و مهمترین "شاعر طبیعت" در ادبیات عربی به شمار می آید. و کسای مروزی با وجود موضوعات متنوع در دیوان و کم بودن اشعار باقی مانده از او به عنوان "شاعر چیره دست طبیعت" در قرن چهارم در ادبیات فارسی محسوب می شود. در مقاله ی حاضر ضمن اشاره ای گذرا به پیشینه ی وصف طبیعت در شعر عربی و فارسی تا عصر دو شاعر و بیان خلاصه ای از زندگی نامه و اشاره به موضوعات ادبی در دیوان آنها، سعی شده است بر اساس مضامین مشترک به تطبیق موضوعی وصف طبیعت در دیوان دو شاعر پرداخته شود.

کلید واژه ها: صنوبری، کسای، وصف طبیعت، پیشینه، زندگی نامه، موضوعات ادبی، تطبیق موضوعی.

بررسی مشکلات و موانع مطالعات زبان فارسی در دانشگاه های هند

دکتر سید اختر حسین

در سال ۱۸۳۴ زبان فارسی جایگاه زبان رسمی و دولتی را در کشور هند از دست داد و زبان انگلیسی جایگزین آن شد. در سال ۱۸۵۷ سه دانشگاه در شهر های کلکته، بمبئی و مدرّس تاسیس شد و رشته زبان و ادبیات فارسی بعنوان زبان کلاسیک در این دانشگاهها دایر گردید. تعداد استادان و دانشجویانی که به مطالعه زبان و ادبیات فارسی در این دانشگاه ها پرداختند بسیار اندک بودند و اهداف این آموزش ها صرفا علمی و فرهنگی بود. همچنین معتقد بودند چون زبان و ادبیات فارسی بخشی از فرهنگ و تاریخ هند را در بر داشته است جهت حفظ میراث فرهنگی هند، آموختن زبان و ادبیات فارسی حائز اهمیت است. رشته زبان و ادبیات فارسی در این دوره موجب کسب امتیاز و نمره بالاتری در آزمون ورودی مناصب و مشاغل دولتی می شد و این امر یکی از جاذبه های روی آوردن افراد به آموختن این زبان بود. استادان، ادبیات کهن فارسی، تاریخ ایران، انشا، علم معانی و بیان و ترجمه متون از فارسی به انگلیسی را تدریس می کردند و کتاب های فارسی چاپ نولکیشور و دیگر چاپخانه های هند مورد استفاده قرار می گرفت و برای آموختن ادبیات کلاسیک این شرایط و محیط کفایت می کرد. از قرن سال ۱۹۴۷ بعد استقلال هند روابط هند و ایران از سر گرفته شد و نیازهای آموزش فارسی و اهداف فراگیری آن بین هندیان بیشتر گردید. فراگیری زبان فارسی نسبت به ادبیات مقدم محسوب شد. قرارداد فرهنگی دولت هند و ایران منجر به گسترش زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه های هند گردید و دانشگاه هایی که رشته زبان فارسی داشتند افزایش پیدا کرد. تعداد قابل ملاحظه ای از دانشجویان هندی به دانشگاه های ایران اعزام شدندند و همچنین استادان برجسته فارسی در دانشگاه های هند به تدریس زبان فارسی پرداختند و محیط مساعدی برای آموزش فارسی در هند ایجاد شد و این شرایط مطلوب تا سال های دهه هفتاد قرن بیستم برقرار بود. خوشبختانه در عصر حاضر کمیت آموزش زبان و ادبیات فارسی چشمگیر است. تعداد استادان و دانشجویان فارسی بیش از پیش شده است اما زبان و ادبیات فارسی از لحاظ کیفیت مطالعه ادبی رشد صعودی پیدا نکرده است. در این مقاله به بررسی مشکلات و موانعی که در مسیر مطالعات زبان فارسی در دانشگاه های هند وجود دارد، پرداخته شده است و ضمن معرفی مشکلات و موانع، رشد کیفی مطالعات زبان فارسی در دانشگاه های هند نیز در نظر گرفته شده است و راه کارهایی نیز ارائه شده است.

کلید واژه ها: رشد کیفی مطالعات زبان فارسی در هند، آموزش زبان فارسی در هند، رشد کمی زبان فارسی در هند.

سیمای امام رضا (ع) در شعر دعبل خزاعی و سنایی غزنوی

سید حسین سیدی

هاجر پولاد چنگ

مقاله‌ی حاضر، با بررسی و پژوهش تطبیقی، می‌کوشد تا تصویری از شخصیت امام رضا (ع) در دو ادب فارسی و عربی، ارائه نماید و به بیان شمه‌ای از مناقب در باب حضرت ثامن‌الائمه (ع) که در قالب بهترین شکل سخن‌وری _شعر_ منعکس شده‌اند، می‌پردازد. در این نوشتار، از میان انبوه شاعران برجسته‌ی ادب فارسی و عربی «سنایی غزنوی و دعبل خزاعی» انتخاب شده‌اند و بر آن است که نهایت حب و دوستی آن‌ها را در میان دو طیف مختلف از شاعران نام‌آور با تمام اختلافات زمانی، زبانی و فرهنگی، نشان دهد تا با رویکردی تطبیقی بیان دارد خورشید تابان خراسان، در اشعار هر کدام چگونه نمود پیدا کرده است. هدف این پژوهش، مقایسه‌ی سروده‌های رضوی در دیوان «سنایی غزنوی» و «دعبل خزاعی» و بیان تفاوت‌های دیدگاه‌ها در دو فرهنگ ایرانی و عربی می‌باشد که با پیش درآمد معرفی مدح و مرثیه و مجموعه‌ای از مشهورترین سروده‌های رضوی در ادب فارسی و عربی همراه می‌گردد.

کلید واژه ها: امام رضا (ع)، ادب فارسی و ادب عربی، سنایی غزنوی، دعبل خزاعی.

مضامین مشترک دینی در لائیه های فارسی و عربی

- دکتر سید حسین سیدی
- الهام خادمی

مهمترین پیوندی که زبان ها با هم دارند، پیوند در مضامین مشترک است. جلوه ای از این پیوند مضمونی را می توان در نخستین زمزمه های مادرانه، برای کودکان یافت. پس از ظهور اسلام، مادران عربی درونمایه های دینی را در لائیه های خویش جای دادند. با ورود اعراب به ایران و نفوذ تدریجی اسلام، مادران فارسی زبان نیز با تأثیر پذیرفتن از زبان عربی و آیین جدید اسلام، موضوع های تازه ای را در لائیه های خویش وارد نمودند که حاوی افکار و تعالیم دینی هستند. تأثیر پذیری مادران عربی و فارسی از اسلام، گاه موجب اشتراکات مضمونی در لائیه های این دو زبان گردیده و گاه با توجه به شرایط مذهبی، خانوادگی و اجتماعی تفاوت هایی را موجب شده است. از جمله مضامین مشترک لائیه های عربی و فارسی عبارتند از: استمداد از خداوند، اشاره به نماز، قرآن و قیامت. از مضامین خاص لائیه های فارسی، می توان از خدمت فرزند به ائمه اطهار نام برد. دو جمله ی لاله الاالله و محمد رسول الله در لائیه های عربی بسیار استفاده شده است.

کلید واژه ها: لائیه، زبان عربی، زبان فارسی، اسلام، مادر.

-
- استاد گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد
 - دانش آموخته ی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی

ساخت ارگاتیو در زبان های ایرانی؛ از شکل گیری تا فروپاشی

رویا سیفی*

دکتر محمد آهی*

زبان های ایرانی زبان هایی هستند که از لحاظ خویشاوندی باهم در ارتباط هستند. زبان های ایرانی همگی بازمانده زبان ایرانی باستان هستند. زبان ایرانی باستان خود در گروه زبان های آریایی قرار می گیرد. زبان های آریایی هم به خانواده زبان های هندواروپایی تعلق دارند. زبان های ایرانی از لحاظ زمانی به سه دوره: باستان، میانه و نو تقسیم بندی می شوند. دوره رواج زبان ایرانی باستان از ۱۰۰۰ ق م تا ۷۰۰ ق م است. دوره میانه زبان های ایرانی در فاصله ای میان قرن سوم ق م تا حدود قرن نهم م است. و دوره زبان ها و گویش های نو ایرانی از قرن نهم تاکنون است. زبان های ایرانی نو در ایران، افغانستان، تاجیکستان، عراق، سوریه، ترکیه، قفقاز، آسیای مرکزی، پامیر، ترکستان چین، هند و کرانه های خلیج فارس رایج هستند. شماری از زبان های ایرانی میانه و بسیاری از زبان های ایرانی نو دارای ساخت ارگاتیو هستند. اصطلاح ارگاتیو به پدیده ای اشاره می کند که در آن مفعول فعل گذرا همانند فاعل فعل ناگذر عمل می کند. و فاعل فعل گذرا صورتی متفاوت از آن دو دارد. یعنی مفعول فعل گذرا فاعل منطقی جمله است و حالتی غیر فاعلی دارد. و فعل از نظر شناسه با مفعول جمله (فاعل دستوری) مطابقت دارد. زبان ایرانی باستان دارای ساخت ارگاتیو نبوده است. بلکه حالت ارگاتیو زبان های ایرانی میانه از صورت صفت مفعولی گذشته این زبان به وجود آمده بود که در افعال گذرا عامل فعل به صورت عبارت اسمی اضافی یا ضمیر متصل یا منفصل در حالت اضافی بیان می شد. در گویش ها و زبان های ایرانی نو این ساخت در افعال گذشته گذرا وجود دارد. که آن را از زبان های ایرانی میانه به ارث برده اند در زبان فارسی میانه هم این ساختار وجود داشته است، اما در زبان فارسی نو که ادامه زبان فارسی میانه هست از بین رفته است. و در دیگر زبان ها و گویش های ایرانی نو به دلایل گوناگونی همچون تأثیر زبان فارسی نو که زبان رسمی است و اقتصاد و سادگی زبانی در حال فروپاشی است. در این مقاله ساخت ارگاتیو در زبان های ایرانی از مرحله شکل گیری تا فروپاشی مورد بررسی قرار می گیرد.

کلید واژه ها: ساخت ارگاتیو، زبان های ایرانی، زبان ایرانی باستان، زبان فارسی میانه، زبان فارسی ن

* کارشناسی ارشد زبان های باستانی دانشگاه بوعلی سینا

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی سینا

بررسی و تبیین اولویتهای تحقیقاتی دکتر محمد معین

زهرآشادپورچوری*

مسئله، رکن اصلی هر پژوهش علمی است و محققان بزرگ ادبی، همواره تلاش کرده‌اند تا مهم‌ترین مسئله‌های حوزه تحقیقاتی خود را بشناسند و آنها را به دیگران معرفی کنند و خود نیز با توجه به توانایی‌ها و علائق شخصی، برخی از مسائل را انتخاب کرده، به پژوهش درباره آنها پردازند و نسبت به حل آن مسائل اقدام کنند. دکتر محمد معین از پژوهشگران برجسته معاصر، در حوزه زبان و ادبیات فارسی است که توانست در کمتر از ده هزار روز از حیات علمی خود پس از دوران تحصیل، بیشتر از سی هزار صفحه کار تحقیقی، عرضه کند. او با رویکردی تازه، به امر آموزش و پژوهش در زبان و ادبیات پرداخت و توانست در سیر تحول تحقیقات ادبی ایران، جایگاه ویژه‌ای به دست آورده، آثار علمی با ارزشی از خود به یادگار گذارد. در این مقاله کوشش شده است تا با دقت و درنگ در کارنامه پژوهشی ایشان، مهمترین مسائل مورد توجه دکتر معین در حوزه تحقیقات ادبی مورد بررسی و کاوش قرار گیرد. آشنایی با روش‌های تشخیص مسئله و چگونگی حل آنها، از لابه‌لای متونی که تألیف یا تصحیح نموده است؛ این امکان را فراهم می‌سازد، تا علاوه بر روش‌های درست تحقیق امکان نگارش مقاله و کتاب‌های تحقیقی، برپایه این روش‌ها فراهم گردد.

کلیدواژه‌ها: مسئله تحقیق، اولویتهای تحقیقاتی، دکتر محمد معین.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

بازتاب نمادهای طبیعت در اشعار سهراب سپهری

* زهرا شادپورچوری

* حمیرا ذکریازاده کارسیدانی

شعر سمبلیک، پندارها، عواطف و افکار شاعر را در قالب نمادهای آشنا یا نا آشنا عینیت می‌بخشد و بدین ترتیب معنایی ورای شکل ظاهر کلمات ارائه می‌دهد. این نمادها می‌توانند حتی شاعر را در پس خود پنهان سازند تا از این طریق شاعر، معنای مورد نظر خود را به مخاطب انتقال دهد. طبیعت و مظاهر آن همواره به عنوان یکی از مهم‌ترین نمادها، مورد استفاده هنرمند و شاعر قرار گرفته که توسط آن می‌توانسته مقصود خود را ورای ظاهر و فراتر و عمیق‌تر از آن ارائه دهد. رویکرد سهراب به طبیعت از چند جهت قابل بررسی است که مهم‌ترین آنها، علاوه بر بیان خاطرات و توصیف طبیعت، بیان اندیشه‌ها و عقایدش به زبان «تمثیل» و «نماد» می‌باشد. جلوه‌های گوناگون طبیعت مانند انواع گیاهان، حیوانات، مناظر مختلف، مکان‌ها و ... در ژرف ساخت اشعارش چشمگیر و برجسته است. در این نوشتار ضمن تحقیق درباره اصطلاح نماد (= سمبل)، به بررسی و کندوکاو برخی از نمادهای طبیعت در «هشت کتاب» سهراب سپهری پرداخته شده است. آن چه مسلم است اینکه نمادهای اشعار سهراب برگرفته از عقاید و اندیشه‌های عرفانی، فلسفی و اجتماعی اوست. سهراب شاعری عارف مسلک است که از فرهنگ‌های مختلف ایران اسلامی، هند، چین باستان و مسیحیت تأثیر پذیرفته است. در عین حال شعر او از یک جوشش درونی و سلوک شخصی خبر می‌دهد و نمادهای شعری او با نمادهای شاعران معاصر، که عمدتاً جنبه سیاسی - اجتماعی دارند، متفاوت است.

کلید واژه‌ها: نماد، طبیعت، سهراب سپهری، هشت کتاب.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

* کارشناس تاریخ

بررسی افعال در تاریخ جهانگشای جوینی

دکتر سید حسین شهاب رضوی *

رضا شاکر اردکانی *

تاریخ جهانگشای جوینی در سه جلد، شرح ظهور چنگیز و احوال و فتوحات او، تاریخ خوارزمشاهیان و حکام مغولی ایران و فتح قلاع اسماعیلیه و شرح جانشینان حسن صباح است. اطلاعات و مطالب این کتاب، یا حاصل مشاهدات مستقیم مؤلفیا از اطلاعات موثقی است که مؤلف بر صحت آن اشراف داشته است، با این همه چون وی از جمله رجال دربار هلاکو بوده، به گونه ای متن را سر و سامان داده که شرح وقایع باشد و بهانصاف باید حکم راند که «جوینی» در این مصیبت که مصیبت مشترک مورخان گذشته است، از مرز ضرورت فراتر نرفته و تا آنجا، به شگرد نثر و جمع بستن افعال برای چنگیز پیش رفته که دهان حاسدان و محرکان هلاکو را ببندد و متن را به تاریخ و به ما بسپارد و نه بیشتر از آن. این نوشتار بر آن است تا انواع فعل و ساخت های متفاوت افعال را در کتاب تاریخ جهانگشای بیان نماید. تفاوت ها و تازگی هایی در صرف و طریقه استعمال افعال در جهانگشا دیده می شود و از آن جمله آوردن ماضی نقلی، ماضی مطلق و ماضی بعید که گاهی یک مرتبه ماضی نقلی آورده و بار دیگر مضارع اخباری و باز بار دیگر ماضی نقلی و باز ماضی مطلق به کار می برد و این جمله بندی پیش از او رسم نبوده و بعد از او هم کسی از او پیروی ننموده است. فعلهای قدیمی مانند «بود» و «بوند» و سایر صیغه های مضارع از فعل «بودن» را نمی آورد، و به جای آنها مضارع از فعل «باشیدن» استعمال می کند. همچنین باء تأکید بر سر مصادر و افعال کمتر از قدیم آورده است و منشیان بعد هم در نیاروردن باء تأکید بر سر مصادر و افعال ماضی از او تقلید کرده اند. حذف فعل به قرینه از قرن پنجم به ندرت شروع می شود، اما در جهانگشای این کار به افراط کشیده شده است و فعل ها را بدون قرینه نیز حذف می کند: مثال «در شهر ندا در دادند و سخن او تبلیغ» یعنی تبلیغ کردند. حذف جزء نخستین از فعل مرکب به خصوص فعلی که با خواستن ترکیب شده باشد، مثال: «همای اقبال چون آشیانه کسی را مأوی خواهد ساخت و صدای ادبار آستانه دیگری را ملازمت نمود» «چون» و «خواهد» در جمله ی دوم حذف شده

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی - واحد یزد

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

است . حذف بی قرینه فعل مثال : «زنجیری در میان آب کشیده بودند تا کشتی ها را حایل باشد ، و لشگرها از هر دو طرف با او در جنگ » یعنی در جنگ بودند.

کلید واژه ها: تاریخ جهانگشای، فعل، ساختمان فعل، انواع فعل، دستور تاریخی.

اندیشه‌های قلندری سنایی و خاقانی

علیرضا شانظری

محمد حسین نیکدار اصل

هدی خرم‌آبادی

قلندران مردمی مبارز بودند که با هدف ایجاد عدل و مساوات و مبارزه با ریای عده‌ای افراد سودجو و فرصت طلب پا به عرصه‌ی وجود گذاشتند و با عرف جامعه به مخالفت برخاستند. یکی از راه‌های نشان دادن این مخالفت، تفاوت در ظاهر آنان با سایر اقشار جامعه بود. به تدریج اندیشه‌ها و عقاید این افراد شیوع پیدا کرد و به شعر شاعران و نویسندگان نیز رسوخ پیدا کرد، سنایی و خاقانی دو شاعری هستند که در زمینه‌ی اندیشه‌های قلندری و کاربرد آن نظریه‌پرداز هستند، هدف از این نوشتار، شناسایی این‌گونه اندیشه‌ها، شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها با یکدیگر در دو قالب غزل و قصیده‌ی سنایی و خاقانی است. در این مقاله، نخست اشاره‌ای به زندگی سنایی و خاقانی و اثرپذیری خاقانی از سنایی، تاریخچه‌ی مختصری از پیدایش فتیان، ملامتیان و قلندریه که شاخه‌ای از ملامتیّه بوده‌اند، شده است، سپس اشعار قلندری موضوع بندی شده‌اند و شباهت‌ها و تفاوت‌ها با آوردن شاهد مثال‌ها ذکر شده است. در مرحله‌ی پایانی شباهت‌ها و تفاوت‌های این اندیشه‌ها و چگونگی کاربرد و بسامد آن‌ها و نیز معنای واژه‌ی قلندر و بسامد آن در هر دو دیوان با یکدیگر مقایسه، بررسی و نتیجه‌گیری شده است.

کلیدواژه‌ها: اندیشه‌های قلندران، خاقانی، سنایی، مقایسه

فرایند شخصیت پردازی در

حکایت های مرزبان نامه با تکیه بر بوطیقای روایت شناسی معاصر

بهرام خشنودی چروده*

میثم ربانی خانقاه*

پژوهش حاضر، حکایت های مرزبان نامه را با توجه به عنصر شخصیت پردازی در متون روایی، مطابق آراء روایت شناسان بررسی می کند. هدف این پژوهش آن است تا نشان دهد در شخصیت پردازی متون روایی از چه عناصر و ابزارهایی استفاده می شود؟ آیا می توان شیوه های شخصیت پردازی و راویانی را با آراء روایت شناسان معاصر مطابقت داد؟ در پیکره ی اصلی مقاله، به چستی شخصیت و شخصیت پردازی، اهمیت آن در متون داستانی اشاره می شود. در ادامه، شیوه های مختلف شخصیت پردازی با تکیه بر حکایت های مرزبان نامه مورد بررسی قرار می گیرد. نویسندگان پس از بررسی شیوه ها و عناصر شخصیت پردازی در حکایت های مرزبان نامه، به این نتیجه می رسند که راویانی از هر دو شیوه ی توصیف مستقیم و غیرمستقیم در شخصیت پردازی بهره برده است. اما، بسامد توصیف مستقیم بیشتر است. در توصیف غیرمستقیم به «کردار و گفتار» شخصیت ها، «محیط» و «ویژگی ظاهری» آن ها توجه دارد و در توصیف مستقیم به «نام گذاری اشخاص» خصوصاً ویژگی های معنایی آنها، «عنوان داستان ها» و عنصر «مقایسه» امعان نظر دارد و از این طریق شخصیت های حکایت هایش را معرفی می کند.

کلید واژه ها: روایت شناسی، حکایت های مرزبان نامه، شخصیت، شخصیت پردازی، توصیف، مستقیم، غیرمستقیم.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا

* دانشجوی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد واحد اردبیل

کمال خجندی عارفی با مضامین رندانه

علیرضا شانظری*

شیخ کمال خجندی از مشاهیر عرفا و شاعران قرن هشتم و معاصر حافظ شیرازی است. با اینکه کمال در تصوف و زهد و تقوا زبانزد بوده و پیروان بسیاری داشته؛ اما در دیوان اشعار او مضامین رندانه ای وجود دارد که نشان می دهد او هم نسبت به فساد بازار زهد و تقوا در عصر خود نظر مثبتی نداشته است. کمال غزلهای خود را رندانه نامیده و بارها به رند بودن خود اشاره کرده:

کمال ار نیست هیچت لایق دوست
غزلهای تر رندانه ای هست

کمال بیش از همه به عشق و عنایت حق توجه داشته و از ریا و خودبینی روی گردان بوده است. در دیوان او خرابات و میخانه در مقابل صومعه و مسجد و پیر خرابات (پیر مغان) در مقابل مرشد از جایگاه و اهمیت والایی برخوردار است. زاهد شخصیت بسیار منفی در دیوان کمال است که به خاطر صفات زشتی که دارد (مانند ریاکاری، خودبینی و...) بارها مورد انتقاد قرار گرفته است. واژه "زاهد" صد و چهارده بار در دیوان کمال بکار رفته که فقط در ابیات محدودی از او نکوهش نشده است. باید گفت که کمال در اشعار خود بیشتر از حافظ، از زاهد و زهد ریایی او سخن گفته است. "صوفی" دیگر شخصیت دیوان کمال است که چهل و دو بار در دیوان کمال حضور دارد و کمتر مورد نکوهش شاعر قرار گرفته است. شخصیت مثبت دیوان کمال رندست که چهل بار با همان صفاتی که حافظ برای رند آورده بکار رفته است.

کلید واژه ها: کمال خجندی، مضامین رندانه، زاهد، صوفی، رند.

* استادیار گروه ادبیات فارسی دانشگاه یاسوج

آناهیتا و سرسوتی؛ ایزد بانوان آریایی

دکتر کامران شاه مرادیان*

عابدین زارع*

در فرهنگ اساطیری ملل مختلف، ایزدان و رب‌التووع‌هایی وجود دارد که هر یک در نظام فکری و فرهنگی و جهان هستی، نقشی ویژه به عهده دارد؛ نقشی که امروزه از آن با عنوان خویشکاری یاد می‌کنیم. آناهیتا و سرسوتی *sarasvati* - دو ایزدبانوی اوستایی و ودایی - از جمله‌ی این ایزدان به‌شمار می‌آید که به دلیل قرابت فرهنگی و وحدت قومیتی، خصلت‌هایی مشابه و خویشکاری‌هایی نزدیک به هم دارند و به‌عنوان الهه‌ی آب و باروری، الهه‌ی رود، پاک‌کننده‌ی نطفه‌ی مردان، الهه‌ی روزی، دانش، شعر و... از آنان یاد می‌کنند. در این مقاله کوشش بر آن است تا با بررسی متون مقدس اوستا و ریگ ودا به مصادیق مشابه این دو ایزد بانو پرداخته شود.

کلیدواژه‌ها: آناهیتا، سرسوتی، اوستا، ریگ ودا، الهه‌ی آب و باروری.

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق

* مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

تجلی ریشه های اساطیری عدد هفت در شاهنامه ی فردوسی

دکتر کامران شاه مرادیان*

لقمان سهرابی*

عابدین زارع*

اعداد همواره در جریان زندگی و باورهای آدمی نقش چشمگیری داشته اند. یکی از اعجاب انگیزترین این اعداد که انسان، اسرار و رموز خود را با آن بیان می کرده، عدد هفت است. علاقه مندان به فرهنگ کهن ایران و ایرانی همیشه با این سوال مواجه بوده اند که چرا عدد هفت به گونه ای با زندگی انسان گره خورده و تقدس این عدد چه مبنایی دارد؟ در این جستار برآنیم که ضمن پاسخ به این سوال، تجلی آن را در شاهنامه ی فردوسی نشان دهیم. از آنجا که شاهنامه ی فردوسی سند هویت و شناسنامه ی ادبیات فاخر فارسی است و از سوی دیگر، دربردارنده ی انبوهی از باورهای کهن ایران و ایرانیان است، کنکاش در جهت صید و کشف این باورها در هر برهه ای از زمان ضروری می نماید. عبور پهلوانانی چون رستم و اسفندیار از هفت خوان های دشوار، نمونه ی بارز کاربرد عدد هفت و بازتاب آن در فرهنگ غنی ماست. صحبت از هفت پهلوان، هفتواد، هفت دیوار، جنگ هفت گردان و... اصالت و ویژگی این عدد را در ذهن ما تثبیت می کند. امیدواریم این مقاله بتواند ضمن نشان دادن جایگاه عدد هفت در شاهنامه، علاقه مندان به باورهای کهن را در راستای آشنایی هر چه بیشتر باراز و رموز این عدد از مراجعه به انبوهی از منابع بی نیاز کند.

کلید واژه ها: شاهنامه، تجلی، عدد هفت، هفت خوان، اساطیر، رستم.

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق

* کارشناس ارشد و دبیر زبان و ادبیات فارسی

* مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

نقش ادبیات داستانی در آموزش مهارت‌های زندگی به کودکان

دکتر مریم شریف نسب

نگین صدری زاده

ادبیات داستانی کودک قابلیت‌های فراوانی دارد و معمولاً جدای از لذت و سرگرمی، آموزشی به ارمغان داشته است. مقاله‌ی حاضر می‌کوشد ادبیات داستانی کودک را از منظر آموزش مهارت‌های زندگی بررسی و نقش و توانایی آن را در این زمینه ارزیابی کند. بدین منظور تعاریفی از مهارت‌های زندگی، ادبیات داستانی و ادبیات کودک ارائه می‌دهد سپس به توانایی‌ها و قابلیت‌های ادبیات داستانی کودک در آموزش مهارت‌های زندگی می‌پردازد. برای ارزیابی توانایی و نقش ادبیات کودک در آموزش این مهم، به عناصر و شگردهای داستانی اشاره و داستان‌هایی که مهارت‌های زندگی را آموزش داده‌اند معرفی می‌شود.

کلید واژه‌ها: کودک، ادبیات کودک، داستان، مهارت‌های زندگی، آموزش.

ز آب سخن خط سنبل دمد (بررسی عناصر سادگی و روانی در زبان نوشتاری فارسی)

دکتر غلامحسین شریفی ولدانی

سیده زیبا بهروز

این مقاله به بررسی نثر فارسی و سیر تطور زبانی آن از نظر روانی و سلاست در مقطع زمانی قرن نهم تا دوران معاصر می پردازد تا با دریافت قوتها و ضعفهای نمودیافته در متون این دوران، میزان دوری و نزدیکی زبان نوشتار را از ملاکهای درست ساده نویسی و روان نویسی مشخص کند. بدین منظور با تکیه بر چهار نظریه فلسفی و زبان شناختی سعی شده است معیاری واحد و منطقی برای تشخیص و ارزیابی قالبهای بیانی با هدف اصلی پالایش زبان و نیز بررسی تحولات زبانی از قرن نهم تا دوران معاصر تعیین شود. این نظریات که مبتنی بر تحلیل شناختی و تجربی زبان هستند، بنا بر ماهیت ناخودآگاه و همگانی زبان و تحلیل منطقی، به سازههای بنیادین و درک کارکرد اساسی آن دست یافته اند. از این رو، ابتدا به معرفی این نظریات - شامل دستور زبان جهانی، اصل سادگی زبان، اتمیسم منطقی و اصل گفتار عام - پرداخته می شود، سپس با مقایسه نمونه هایی بارز از متون نثر فارسی، در حوزه های ادبی، علمی، تاریخی مانند تذکره میخانه، مجمل فصیحی، مرآة البلدان، تذکره الشعراء، ریاض العارفین، مجمع الفصحاء، احیاء الملوك، حسی در میقات،... و نیز مکاتیب (نامه ها) متعلق به محدوده زمانی یاد شده فراز و فرودهای این دگرگونی سنجدیده می شود.

کلید واژه ها: تطور زبانی قرن نهم، روان سازی، ساده نویسی، زبان نوشتار، اصل سادگی، اصل گفتار عام، اتمیسم منطقی، دستور زبان جهانی.

سرباز نیما (بررسی عناصر داستانی در شعر خانواده سرباز نیما)

دکتر غلامحسین شریفی ولدانی

پرستو حیدری

ارسطو ساختار پیرنگ داستان را یک طول معین و کامل می داند که دارای سه رکن اصلی آغاز، میانه و پایان است و داستان با گذر از این سه مرحله ساخته می شود. داستان منظوم خانواده سرباز نیز دارای این هر سه رکن است. شعر خانواده سرباز روایتی شعرگونه است که در آن عناصر داستانی چون زاویه دید، درونمایه، شخصیت پردازی، فضا و پیرنگ که اساس و پایه هر داستانی است، به کار رفته است. آغاز داستان، شروع شب، ناله بچه و بیخوابی زن است. میانه آن بیداری زن، کشمکش درونی او با افکار خود و مرگ فرزندش است و سرانجام داستان با مرگ زن به پایان می رسد. وجود این سه رکن و توالی آن داستانی منسجم را بوجود آورده است که دارای پیرنگی مناسب نیز می باشد. در این مقاله این شعر نیما را از منظر عناصر داستانی مورد بررسی قرار خواهیم داد و در عین حال نگاهی نیز به سایر اشعار نیما که شباهت به این شعر دارد، خواهیم انداخت. والله هوالموفق والمعین.

کلیدواژه ها : ادبیات داستانی، ادبیات معاصر، شعر روایی، نقد ادبی، نیما یوشیج.

یک روایت بشنو از تاریخ گوی (تبیین تفاوت‌های متن روایی و غیر روایی)

غلامحسین شریفی ولدانی

فضل الله خدادادی

امروزه در گفتار روزمره کمتر میان روایت و داستان تفاوت قائل می شویم و یکی را به جای دیگری به کار می بریم، و حال این که اشتباه می کنیم. داستان با روایت و همچنین متن روایی و غیر روایی تفاوت هایی با هم دارند. داستان آن چیزی است که اتفاق می افتد در حالی که روایت نحوه بیان آن رخداد است. بطوری که اگر بخواهیم داستانی واحد را یک بار برای کودکان و بار دیگر برای بزرگسالان تعریف کنیم، هر بار از شیوه بیانی مختلفی استفاده می کنیم بدون این که پیام و درونمایه داستان تغییر کند. همچنین بین «متن» و «متن روایی» نیز تفاوت هایی وجود دارد. «متن» یک شی - اعم از تصاویر، واژگان و ... - است در حالی که «متن روایی» متنیست که داستانی را نقل می کند. مثلا اسناد مربوط به جنگ سرد متن روایی نیست در حالی که یک داستان کوتاه متن روایی است زیرا بین عناصر سازنده آن رابطه علی و معلولی وجود دارد. می توان چنین گفت که هر روایتی یک گفتمان است، اما همه گفتمان ها روایت نیستند. پژوهش حاضر با بهره گیری از منابع کتابخانه ای به شیوه توصیفی - تحلیلی به تبیین تمایز های «متن روایی» و «غیر روایی» می پردازد و می کوشد به سوالات زیر پاسخ دهد: ۱. تفاوت های متن روایی و متن غیر روایی کدامند؟ ۲. چرا به گفتمان هایی مثل شعر غنایی و فیلم آموزشی روایت گفته نمی شود؟ ۳. شگردهای روایی داستان مصور و تفاوت های آن با کاریکاتور و عکس از نظر علم روایت شناسی چیست؟

کلید واژه ها: روایت، متن، متن روایی، داستان مصور، زمان درون متنی.

داستان تمثیل (نگاهی به کارکردهای تمثیل داستانی و ساختار آن در سندبادنامه)

غلامحسین شریفی ولدانی

مولود طلائی

سندبادنامه از میراث‌های ارزشمند نثر پارسی به شمار می رود و بارها تحریر شده است. تحریری که اکنون در دسترس پژوهشگران قرار دارد، از ظهیری سمرقندی (سده ششم) است. محوریت موضوعی این کتاب بر پرهیز از مکر زنان و درنگ و تأنی در امور قرار دارد و نویسنده کوشیده است با استفاده از تمثیل های گوناگون در اشکال مختلف ساختاری آن به تشریح این موضوعات بپردازد. تمثیل های اخلاقی آموزشی در مرتبه اول و فابل در مرتبه دوم اهمیت قرار دارد. از حیث محتوا نیز، مکر زنان به عنوان اصلی ترین موضوع مورد توجه قرار گرفته است. از جهت ساختار داستانی، روایت و کشمکش در داستان پردازی تمثیلی سندبادنامه جایگاه ویژه ای دارد و نویسنده کوشیده است تا در این ساحت با استفاده از انواع نمادها و توصیف‌های مختلف به داستان های خود رونق بیشتری ببخشد. شخصیت پردازی در سطح ابتدایی قرار دارد و تنها از طریق توصیف شکل گرفته است. در این جستار برآنیم تا ضمن تشریح مفهوم تمثیل در سندبادنامه، کارکردهای آن را مورد بررسی قرار دهیم و به تحلیل کلی ساختار داستانی حکایت ها بپردازیم.

کلید واژه‌ها: سندبادنامه، تمثیل، روایت، فابل، مکر زنان.

بررسی نوستالژی در شعر شاعران پس از انقلاب اسلامی

مریم شعبانزاده

فاطمه کاظمی

یکی از جریان های شعری پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مربوط به دوران پایان دفاع مقدس است که با فروکش شدن زبانه های آتش جنگ، شعر حال و هوای خاصی متفاوت با فضای شعری دوران نبرد و ستیز با دشمن پیدا می کند. تداعی خاطرات گذشته و ذکر ارزش های فراموش شده جهت روشنگری افکار عموم، شاخه ای جدید از نوستالژی را می آفریند که در ادبیات پیشینه ای نداشته است. حزن و اندوه ناشی از یادآوری لحظه های شور و رشادت و از خودگذشتگی های حماسه آفرینان دفاع مقدس، حسرت بر جا ماندن از کاروان شهید و دغدغه های کم رنگ شدن ارزش ها و سود جویی فرصت طلبان بی درد، از مهم ترین نشانه های معنایی است که در سروده های این دوره نمود و برجستگی می یابد و در نهایت منجر به ظهور گونه ای خاص از نوستالژی ادبی می گردد. در این مقاله هدف ما بر این است که جایگاه نوستالژی در شعر شاعران مقاومت به ویژه زنان شاعر بررسی کنیم

کلید واژه ها: شعر معاصر، دفاع مقدس، شاعران زن، مضامین بعد جنگ، نوستالژی.

جستاری بر بازتاب جشن سده در ادب فارسی

دکتر مریم شعبانزاده*

سودابه سلیمی خراشاد*

جشن سده بزرگترین جشن آتش و یکی از کهن ترین آیین های شناخته شده در ایران باستان است. در آغاز شامگاه دهم بهمن ماه مردم سرزمین های ایرانی بر بلندای کوه ها و بام خانه ها، آتش بر می افروختند و هنوز هم کم و بیش بر می افروزند. این مراسم و آیین ها در کتب تاریخ مانند تاریخ بیهقی و در شعر شاعران معاصر او به زیبایی توصیف شده است. این مراسم امروز نیز کم و بیش اجرا می شود که موضوع بررسی حاضر نیز هست. در این مقاله سعی بر آن است که پس از بررسی چگونگی برگزاری این آیین کهن و باستانی در ایران پیش از اسلام به ریشه یابی علمی و تاریخی و علت نام گذاری آن و آنگاه بررسی آن از دیدگاه تاریخی و اساطیری و دینی پرداخته شود. محدوده ی تحقیق متون معتبر و شاخص نظم و نثر فارسی در قرن چهارم و پنجم هجری قمری انتخاب شده است. بخصوص دوره پادشاهی سلطان محمود غزنوی که شادخواری در دربار را به شیوه پیشینیان رواج داده بود.

کلید واژه ها : جشن سده ، ایران باستان، قرن پنجم، شعر فارسی ، تاریخ بیهقی.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

بررسی جامعه شناختی کشف المحجوب هجویری از نظر جایگاه مشاغل در آن (بر اساس نظریه ی لوسین گلدمن)

مریم شعبانزاده *

سمیه شاه زایی *

کشف المحجوب هجویری یکی از منابع غنی ما برای درک زندگی صوفیان ، فرقه ها و شیوه های تصوف است و تاکنون بیشتر به جنبه های صوفیانه آن پرداخته شده است. از جمله مباحثی که در کشف المحجوب می تواند قابل تعمق باشد بررسی پیشه ها و مشاغلی است که نویسنده در لابه لای متن کتاب به آنها پرداخته است. هجویری با تیزبینی به گوشه های زندگی صوفیان می نگریست و ضمن اشاره به ارکان جامعه آن روز تصاویری از پیشه ها و مناصب رایج آن دوره را ارائه می داد. با توجه به اینکه جامعه شناسی ادبیات یکی از رشته های خلاقانه و جوان در خانواده بزرگ علوم انسانی است. کوشش ما درین مقاله بر آن است که کشف المحجوب هجویری را از دیدگاه جامعه شناختی ادبیات بر اساس نظریه ی لوسین گلدمن مورد بررسی قرار دهیم.

کلید واژه ها : جامعه شناختی ادبیات، مشاغل، کشف المحجوب، هجویری، لوسین گلدمن.

* استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان

* دانشجوی کارشناسی ارشد

پیروی بهاء الدین ساوجی از سبک انوری

علیرضا شعبانلو*

بهاء الدین ساوجی از شعرای توانمند اما گمنام قرن هشتم هجری است. اشعار بازمانده از وی به ۲۳۸۸ بیت می رسد که شامل ۴۲ قصیده، یک قصیده مصنوع، دو قطعه و یک مثنوی است. همه این اشعار در ستایش تاج الدین علی عراقی وزیر امیر مبارز الدین در کرمان است. بهاء الدین در سرون قصاید مدحی به اشعار شاعران بزرگ پیش از خود مانند عنصری، فرخی، انوری، مجیر بیلقانی، ظهیر فاریابی، امیر معزی، خاقانی و اثیر الدین اخیسکتی نظر داشته و بعضی از قصاید آنان را پاسخ گفته است اما زبان روان و سخته قصاید انوری را بیشتر پسندیده و از آن استفاده کرده است. در این نوشتار کوشش بر اینست تا برخی از موارد اثر پذیری بهاء الدین ساوجی از انوری بویژه از زبان شعری او بررسی و نموده شود.

کلید واژه ها: بهاء الدین ساوجی، انوری، قصیده، زبان.

* استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

جلوه های دفاع مقدس در شعر قیصر امین پور

بهرام شعبانی*

سرزمین ایران به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی و تاریخ هزاران ساله اش، همیشه با واقعیتی هولناک به نام جنگ روبرو بوده و این واقعیت هولناک، علاوه بر عواقب وخیمی چون شکست، ویرانی، ناامنی های روانی - اجتماعی، مشکلات اقتصادی، معضلات اجتماعی و ...، دستاوردهای مثبتی همچون پیروزی، تمرین شهامت و اقتدار، ورزیدگی سیاسی - نظامی و ... را نیز به همراه داشته است. مرزهای ایران گاه تا ترکستان و روم و مصر امتداد یافته و گاه نیز در اثر بی لیاقتی های حاکمان، بخش های ارزشمندی از این سرزمین مقدس به تصرف دشمنان درآمده است. آن چه مسلم است، این است که در تمامی این وقایع، این مردم شجاع ایران بوده اند که با واقعیت های ملموس جنگ دست و پنجه نرم کرده، در نتیجه در زمان های مختلف، قهرمانان بسیاری در دفاع از مرزهای میهن، به این سرزمین تقدیم نموده اند. همزمان با این فداکاری ها و جان فشانی ها، قهرمانانی نیز با مرکب اندیشه و هنر به جنگ دشمن تاخته اند و با تبیین رشادت های پهلوانان میهن، حماسه های ادبی ماندگاری آفریده اند. این حماسه ها نیز به تبع فداکاری های شهیدان راه استقلال و عظمت سرزمین ایران، ارزش یافته و بخش های زیبا، غرورآفرین و ماندگاری از تاریخ و ادب ایران را ترسیم نموده است و حماسه یا به تعبیری، شعر جنگ و به بیان مناسب تر ادبیات پایداری، در بیش تر دوره های تاریخی ایران، نوعی از انواع ادبی فارسی را شکل داده و برگ برگ این نوع ادبی، چه به لحاظ ترسیم رشادت ها و آیین های پهلوانی و رزم و چه به لحاظ کمک به غنای شعر فارسی، از قداست و ارزش بالایی برخوردار است. این نوع ادبی هم آن زمان که حنظله بادغیسی از نخستین شاعران پارسی گوی می گفت: یا بزرگی و عز و نعمت و جاه یا چو مردانت مرگ رویاروی و هم بعدها که حکیم ابوالقاسم فردوسی، حماسه عظیم و ملی ایرانیان را آفرید و در حقیقت تاریخ گذشته ایران و زبان فارسی را احیا نمود، و هم حتی در دوره قاجار که فتحعلی خان صبای کاشانی شهنشاه نامه را سرود و هم امروز که ادبیات دفاع مقدس جایگاه خود را در تاریخ ادب فارسی پیدا نموده است، همواره از انواع مهم ادب فارسی به شمار آمده است. اما آن چه امروزه در ادب فارسی، تحت عنوان شعر جنگ یا به تعبیری، ادبیات پایداری و به تعبیری مناسب تر ادبیات دفاع مقدس، شناخته می شود و می تواند برای نسل های آینده ملموس، آموزنده و قابل تأمل

* استادیار دانشگاه جهرم

باشد، جریانی هنری با پشتوانه های عمیق دینی - فرهنگی در حوزه های مختلف ادبی است که بعد از یکی از رویدادهای مهم عصر حاضر؛ یعنی هشت سال دفاع مقدس مردم ایران در برابر دشمن نابرابر، شکل گرفته است و شاعرانی چون: نصرالله مردانی، قیصر امین پور، علیرضا قزوه، سید حسن حسینی، محمد رضا عبدالملکیان، عبدالجبار کاکایی، سیمین دخت وحیدی و ... در این نوع ادبی شعسروده اند. نگارنده در این مقاله بر آن است تا جلوه های دفاع مقدس را در شعر مرحوم قیصر امین پور که هم در میدان عمل و هم در میدان قلم از شاعران شاخص و قابل مطالعه این نوع ادبی به شمار می رود، بررسی نماید.

کلید واژه ها: ادبیات دفاع مقدس، قیصر امین پور، اصطلاحات دفاع مقدس، مفاهیم دفاع مقدس.

بررسی ارزش زبانی-ادبی اشعارِ بختیاریِ گردآورده‌ی ژوکوفسکی

* دکتر مریم شفق‌ی

* سید مهدی دادرسی

گوشِ بختیاری از خانواده‌ی زبان‌های ایرانیِ غربیِ جنوبی و یکی از گونه‌های اصلیِ گوشِ لُری است. نخستین مطالعات بر روی این گوش توسطِ ایران‌شناسِ نامیِ روس، والتین الکسیویچ ژوکوفسکی، صورت گرفته است. ژوکوفسکی تقریباً هزار بیتِ عامیانه‌ی (فولکلور) بختیاری را گردآوری کرد که در اثرِ معروفِ وی، «موادی برای بررسی گوش‌های ایرانی» به چاپ رسید. ما در این مقاله از دو منظرِ زبانی و ادبی به بررسی اشعارِ این مجموعه - به عنوانِ قدیمی‌ترین مجموعه‌شعرِ بختیاری - به طورِ خاص، و دیگر اشعارِ بختیاری به طورِ عام، پرداخته‌ایم.

کلیدواژه‌ها: گوش‌شناسی، شعرِ عامیانه، گوشِ بختیاری.

* استادیارِ زبانِ روسیِ دانشگاهِ علامه طباطبائی

* دانشجویِ دکتریِ زبان و ادبیاتِ فارسیِ دانشگاهِ علامه طباطبائی

«عناصر آشنایی زدای موسیقی بیرونی در شعر طاهره صفارزاده»

سمیرا شفیعی*

عروضیان، شعر را دارای بافت آوایی، و مهم ترین عامل سازنده ی آن را، وزن می دانند. شعرا، گاه از این عامل سازنده، برای «آشنایی زدایی» استفاده می کنند. این اصطلاح به مجموعه ترفندهایی اطلاق می شود که مؤلف، به واسطه آن ها سعی می کند متن را دارای شگفتی و تازگی جلوه دهد؛ این امر باعث به تاخیر افتادن دریافت معنای متن ادبی و در نتیجه آشنایی زدایی از دیدگان مخاطب می شود. این مقاله، با اعتقاد به این که دفاتر شعری صفارزاده، قابلیت بررسی آشنازدایانه موسیقی بیرونی را دارد، مفاهیم نظری آشنایی زدایی و موسیقی را، نقطه آغاز در خوانش اشعار صفارزاده قرار داده و در روند تکوینی خویش، برای جستجوی انواع وزن، در ذیل سه عنوان «انواع موسیقی بیرونی»، «تناسب وزن با محتوا» و «بهره وری از کیفیت هجاها»، به روش کتابخانه ای، به بررسی دفاتر دیدار صبح، روشنگران راه، طنین در دلتا، مردان منحنی و هفت سفر با ذکر نمونه ها، پرداخت. این بررسی نشان می دهد، اگرچه صفارزاده خواسته است خود را به عنوان شاعری سپیدپرداز به جامعه ادبی ایران معرفی کند؛ اما هرگز نتوانسته پیوندش را با اوزان نیمایی قطع کند و همین امر باعث ورود اوزان متفاوت (سپید، نیمایی، ترکیبی و...) به شعرش شده است.

کلید واژه ها: طاهره صفارزاده، موسیقی بیرونی، آشنایی زدایی، فرمالیسم، شعر سپید، شعر قرن ۱۴ ه ق .

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی و پژوهشگر

«موسیقی قافیه در شعر طاهره صفارزاده»

سمیرا شفیعی*

از آنجا که موسیقی کناری از مکمل های موسیقی بیرونی محسوب می گردد، در اشعار نیمایی نیز از جایگاه ویژه ای هم وزن شعر سنتی برخوردار است. شعر صفارزاده به عنوان شاعری که از شاگردان نیما بوده، مشحون از نوای موسیقی کناری است؛ بر این اساس، هدف این مقاله، بررسی قافیه در اشعار صفارزاده است. برای این منظور، اشعار دفاتر دیدار صبح، روشنگران راه، طنین در دلتا، مردان منحنی و هفت سفر، در محورهای متفاوت قافیه آرایبی به روش کتابخانه ای بررسی می شود. در این پژوهش، نگارنده به ذکر مباحثی نظری در زمینه ی اهمیت قافیه و ردیف، پرداخته و در مرحله ی عملیاتی این نوشتار، نمونه های مختلف قافیه در شعر صفارزاده مورد بررسی قرار گرفته است. بررسی نشان می دهد، صفارزاده برای تامین موسیقی، از انواع قافیه آرایبی های بدیع استفاده کرده است. نمونه های قافیه در شعر وی، عبارت است از قافیه آرایبی با توجه به جایگاه، هنری، معنوی، مردف، ردیف بدون قافیه، ردیف درونی و غیره.

کلید واژه ها: صفارزاده، موسیقی، قافیه.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی و پژوهشگر

مقام «رضا» از منظر عارفانه سرایان سده ی ششم (سنایی و عطار)

* سمیرا شفیعی

* طاهره میرزایی

رضا، که عموماً به معنای خوشدلی و رضایت به قضای الهی تعبیر می گردد، در اشعار شعرای عارفانه سرای سده های متفاوت بخصوص سنایی، به عنوان نخستین شاعری که مضامین عرفانی را مستقلاً در اشعارش به کاربرد و عطار، که این مضامین را در اشعارش به کمال رساند، بسیار خوش نشسته است. در مقاله حاضر، نگارندگان به بررسی مصادیق مفهوم رضا، به عنوان یکی از مقامات عرفانی، در کتب حدیقه و قصائد سنایی و الهی نامه ی عطار پرداخته اند. هدف از این شناخت و بازکاوی، یافتن موارد افتراق و تشابه این مفهوم در کتب مذکور می باشد. در این تحقیق، داده ها به روش کیفی از نوع تحلیل محتوایی، تجزیه و تحلیل شده است. نویسندگان در نهایت به این نتایج دست یافته اند، که اگرچه مسئله ی رضا، تقریباً در کل متون عرفانی به یک مفهوم به کار رفته است؛ اما در کتب مذکور مبحث رضا قدری گسترده تر و عامتر مطرح می گردد. علاوه بر موارد تشابه مانند رضا به قضای الهی و تقابل رضا با حرص و طمع، موارد افتراقی نیز بین مطالب مطرح شده ی این دو وجود داشته است که در این اوراق مفصلاً به آن ها اشاره شده است.

کلید واژه ها: رضا، الهی نامه عطار، حدیقه و قصائد سنایی، عرفان قرن ۶ هجری، تقدیر الهی.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک و پژوهشگر

* عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور خراسان جنوبی

سعید با فراموشان قافله. سیری انتقادی در کتاب کاروان هند احمد گلچین معانی

سعید شفیعیون*

مهاجرت شعرای ایرانی به هند از مهمترین موضوعات تحقیقات ادبی دوره کلاسیک شعر فارسی است. تا آنجا که برخی این جریان عظیم را مایه خوارداشت شعر فارسی طی دو-سه قرن دهم تا سیزدهم تلقی کرده اند و آن را بسان اصل مسلم علمی در تمام حوزه های علوم ادبی بیان داشته و اشاعه می دهند. نخستین کسی که در تبیین و اصلاح این دیدگاه دامن همّت بر کمر زد و اثری گرانقدر و تحقیقی را با نام کاروان هند به پیشگاه پژوهندگان سخت پسند عرضه داشت، احمد گلچین معانی است. این کتاب که بیشتر آن را یک تذکره انتقادی دوره صفوی می توان نامید، حاوی مقدمه نسبتاً تحلیلی و جامعی است که به نوعی دفاعیه ای از حیثیت ادبی و حامیان قزلباش شعر این دوره نیز به شمار می آید. منابع متعدد اصیل و سخت یاب اغلب خطی این تحقیق بسیار ارزشمند است. با اینحال ریخت تذکره ای آن و تنگ میدانی تاریخی و درهم آشوبی ماهیت شخصیت و قومیت صاحبان تراجم -۹۰۷ تا ۱۱۳۵- کتاب و گاه بی روشی های تبویب و تدوین کتاب، نیز نقصان بعضی منابع مورد استفاده مصنف، اعم از شمول و یا صحت مطالب بویژه در اساسی ترین منبعش -عرفات العاشقین و عرصات العارفین- نیاز ضروری به اصلاح و تکمیل دارد. نگارنده در این مجال تنها سعی دارد تا اعم این موارد رابه طور طبقه بندی شده، تا حد امکان مورد بررسی قرار دهد.

کلیدواژه ها: کاروان هند، شاعران مهاجر، دوره صفوی، بابریان، عرفات العاشقین، نسخ خطی، ضبط غلط، ن، قصان نسخه.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

ایدئولوژی‌های جنسیتی در ادبیات داستانی کودک: بررسی آثار نویسندگان زن و مرد از دیدگاه استیونز

سودابه شکرالله زاده *

دکتر فریبا خوشبخت *

استیونز بر این باور است که فهم ایدئولوژی‌های جنسیتی در ادبیات کودک از بررسی عوامل گوناگونی همچون طرح‌واره‌ها، داستان، گفتمان و معنا امکان‌پذیر است و همه‌ی این عوامل جنسیت-پذیرند. از این رو پژوهش حاضر، در پی آن است که ضمن مطالعه‌ی ایدئولوژی‌های غالب در ادبیات داستانی کودک، به این موضوع پردازد که آیا زن یا مرد بودن نویسنده در بازنمایی وی از طرح‌واره‌های جنسیتی زنانگی و مردانگی تفاوت ایجاد می‌کند یا خیر. به این منظور از بین کتاب‌های داستانی تصویری برگزیده شورای کتاب در سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۸۵، پنج نویسنده زن و پنج نویسنده مرد به صورت تصادفی انتخاب و از بین آثار آنها ده کتاب بررسی شد. این مقاله با رویکرد کیفی و با استفاده از روش تجزیه و تحلیل اطلاعات به شیوه‌ی تحلیل محتوای کیفی قیاسی انجام گرفت. برای تحلیل محتوا از طرح‌واره‌های از پیش تعیین شده، بر پایه نظریه استیونز استفاده شد. واحد تحلیل، جملات و کل داستان است. نتایج این مطالعه نشان داد که به طور کلی در بین نویسندگان زن و مرد، نسبت به مقوله جنسیت دو گروه ایدئولوژی وجود دارد: ۱- گروهی از زنان و مردان نویسنده، طرح‌واره‌های زنانگی و مردانگی سستی را در آثار خود بازتاب می‌دهند ۲- گروهی از زنان و مردان نویسنده، ساخت‌های جنسیتی سستی را دستخوش تغییر و تعدیل و نوعی پیکربندی کنایی را خلق کرده‌اند. درحالی‌که ایدئولوژی غالب بر داستان زنان و مردان نویسنده، ایدئولوژی‌های جنسیتی سستی است، به نظر می‌رسد که نویسندگان زن از کلیشه‌های سستی زنانگی احساس رضایت کمتری دارند و در پی تغییر و تعدیل هستند. البته تعیین دقیق این موضوع، مستلزم بررسی کتاب‌های بیشتری است. همچنین این مطالعه نشان داد، همان‌گونه که استیونز معتقد است، عناصر داستان از جمله موقعیت، گفتمان و معنا جنسیت‌پذیر و با ایدئولوژی‌های جنسیتی در ارتباط هستند.

کلید واژه‌ها: ادبیات داستانی کودک، استیونز، زنان و مردان نویسنده.

* دانشجوی کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه شیراز

* استادیار بخش آموزش و پرورش پیش دبستانی و دبستانی دانشگاه شیراز، عضو مرکز مطالعات ادبیات کودک، دانشگاه

بررسی ریخت شناسانه داستان داش آکل

دکتر یدالله شکری

ابوالفضل علی کوچکی

بررسی صورت داستانها در سالهای اخیر بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. این توجه را تا حدودی می توان معلول مطالعه و کار ارزشمند ولادیمیر پراپ دانست که با وجود نقص و کاستی های آن، تحول عظیمی در زمینه علم روایت شناسی بوجود آورد. پراپ در پی آن بود به الگوی روایتی مشخصی دست یابد تا بتواند قصه های عامیانه را با آن تجزیه و تحلیل کند. این کار را می توان در قصه های عامیانه و حتی رمان و داستان کوتاه انجام داد و اجزاء و سازای آنها را مشخص کرد و قصه را از نظر صوری تجزیه و تحلیل کرد. تا به حال به ریخت شناسی حکایات، افسانه ها و قصه های فولکلور و عامیانه پرداخته شده است و در زمینه داستان کوتاه، رمان و... که از نظر قدمت نزدیک به روزگار ماست و با قصه های عامیانه چه از نظر ساخت و اصول و عناصر داستان نویسی، چه از نظر محتوا متفاوت است، پرداخته نشده است. این مقاله می کوشد تا براساس الگوی پراپ به بررسی داستان کوتاه داش آکل اثر نویسنده معاصر صادق هدایت بپردازد و آنرا با الگوی پراپ تطابق دهد.

کلید واژه ها: ریخت شناسی، ولادیمیر پراپ، صادق هدایت، قصه، داش آکل.

کرامت‌پردازی‌های افلاکی در مورد مولانا

الهام شکوری*

حجم قابل توجهی از متون صوفیانه فارسی به حکایت نویسی اختصاص یافته است که در این میان حکایت نویسی در باب مقامات و کرامات عرفا جایگاه ویژه‌ای دارد به همین خاطر. این دسته از حکایات که نقش مهمی در شناساندن صاحب کرامت دارند مستحق بررسی و تحلیل عمیق‌تری می‌باشند. یکی از همین کتب مناقب‌العارفین افلاکی است که شرح حالی است از خاندان مولانا و کسانی که در زندگی معنوی او نقش مهمی ایفاء کرده‌اند. کتاب مناقب‌العارفین نیز هم چون دیگر کتب تذکره مملو از کراماتی است که در بعضی مواقع تخیل خود افلاکی به وجود آورنده آنهاست ولی با این حال بی‌انصافی است اگر مناقب‌العارفین را برگرفته از کراماتی ناباورانه دانست. او بیشتر کرامات را با واقعیت‌ها و حقایق تاریخی آمیخته است و سیر زندگی مولانا را به عنوان صوفی در خلال این حکایات مطرح کرده است در این راستا برای تفکیک خیال از واقعیت و نشان دادن سیر واقعی زندگی مولانا لازم است در ابتداء کرامات مولانا در این کتاب را تقسیم‌بندی کرد. نتیجه تحقیق نشان خواهد داد که افلاکی هیچ کرامتی را به مولانا نسبت نداده است که نمونه آن در حکایات عارفان پیشین نیامده باشد. و کراماتی که در باب مناقب مولانا بیان کرده است، بیشتر مربوط به کرامات ذهنی می‌باشد و در بیان این نوع آنها روش معتدلی را در پیش گرفته است. و سعی کرده است اصول پذیرفته شده مکتب مولوی را در قالب حکایات بیان کند

کلید واژه ها : افلاکی، حکایت، کرامت، مولانا، مناقب‌العارفین.

* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه ارومیه

شمس تبریزی از دیدگاه افلاکی

الناز شکوری

الهام شکوری

مطالعه درباره شمس تبریزی به دلیل آرا و عقاید کم نظیرش و نیز نقشی که در تغییر و تحول روحی یکی از راسخترین مردان تاریخ ادب این مرزوبوم، (مولانا جلال‌الدین بلخی) داشته است همواره ضروری و با اهمیت می‌باشد. و از آنجا که نام شمس با سرنوشت مولوی گره خورده است، هر محقق مولوی‌شناس ناگزیر از آشنایی با احوال شمس است. با توجه به اینکه بهترین و جزئی‌ترین شرح حال خاندان مولانا و یاران او، به خصوص شمس تبریزی در کتاب مناقب العارفين، تألیف احمد افلاکی، یافت می‌شود، این کتاب می‌تواند بهترین منبع برای ما جهت بررسی و بیان سیر زندگی شمس باشد. مناقب العارفين افلاکی شامل چند بخش است که مفصل‌ترین بخش آن بعد از قسمت مربوط به مولانا متعلق به شمس است که چیزی در حدود صد صفحه را دربرمی‌گیرد و آن شامل حکایات‌ها و نکته‌هایی است که افلاکی به صورت سرگذشت‌نامه درباره خصلت‌های فردی شمس نقل می‌کند. افلاکی بخشی از این حکایات‌ها را به صورت افسانه و کرامت آورده است، اما کدام افسانه است که رنگ و بویی از حقیقت را نداشته باشد. ما در این مقاله برآنیم تا با استناد بر مناقب العارفين افلاکی سیر زندگی و احوال و افکار شمس را از لابه‌لای حکایت و کرامات مورد تحلیل و بررسی قرار داده و بازگو کنیم. نتیجه این تحقیق نقش اساسی و برجسته کتاب مناقب العارفين را در شناساندن جزئیات زندگی شخصی و خانوادگی، معاشرت در امور فردی و اجتماعی، سفرها، چگونگی پرورش فکری، احوال و آداب عرفانی، اعتقادات شمس و... را با ارائه شواهد نشان می‌دهد

کلید واژه: افلاکی، حکایت، شمس، کرامت، مناقب العارفين

زنانه سرایی پیش از فروغ

لیلا شکوه فر*

در ایران نیز تاکنون تحقیقات زیادی انجام شده که بیشتر فروغ محور بوده اند. در بیشتر این پژوهش ها و کتابها زنانه سرایی با شعرهای فروغ آغاز می شود و در زمینه اشعار زنان محدودی که نامشان به عنوان یک شاعر ثبت شده شعری مردانه نگر توصیف می شود. بررسی و نقد اشعار شاعران زن ایرانی که تعداد آنها بسیار اندک است، می تواند علاوه بر آنکه این دسته از شاعران را از مهجوریت خارج می کند. فصل جدیدی را برای تحقیق و پژوهش در ادبیات باز نماید. در این پژوهش سعی شده تا با بررسی هرچه بیشتر شعر زنان شاعر بلند آوازه پیش از فروغ به این پرسش پاسخ دهیم که شعر تا پیش از دوران معاصر و تا قبل از فروغ فرخزاد آیا به واقع مردانه بوده از از توصیفات زنانه خالی است؟ و همچنین روند حضور من زنانه شاعر طی قرون متمادی را در شعر زنان شاعر بررسی نماییم.

کلیدواژه‌ها: شعر زنان، جریان شعر، زنانگی، توصیف، معشوق.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی مدرس دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان

روش سبک شناسی شعر فارسی و بعضی خصوصیت‌های سبک خراسانی

شوکت بایف (تاجیکستان)

در تاریخ ادبیات فارسی - تاجیکی از دوران قبل از رودکی سر کرده تا امروز شاعران زیادی به میدان ادبیات آمدند و در ژانرهای گوناگون لیریکی، شعرها گفته اند که معلوم نمودن طرز و شیوه ی اشعار ایشان کار بسا مشکل و مرکبی است. علم مستقلی که راجع به معین نمودن طرز گفتار شاعران بحث می کن. سبک شناسی است. متأسفانه تاکنون در باره ی مقایسه کارهای انجام شده در سبک شناسی شعر فارسی تحقیق مستقلی صورت نگرفته است. بنابراین لازم دانستیم که در این مقاله روشهای سبک شناسی شعر فارسی و بعضی خصوصیت‌های سبک خراسانی را مورد توجه و بررسی قرار دهیم.

ادبیات جنگ در ایران ، از حماسه تا رمان

علیرضا شوهانی*

منصور ثروت

پرداختن به موضوع جنگ (در معنای واقعی آن که جنگ دو تمدن یا ملت است) در ادبیات دیرپای فارسی - به مانند ادبیات دیگر ملل - همواره یک تم اساسی برای شاعران و نویسندگان بوده است. نگاهی گذرا به تاریخ ادبیات فارسی، بیانگر این واقعیت است که ادبیات جنگ فارسی، بیشتر در قالب شعر و در نوع ادبی حماسه تحقق یافته است. وجود آثاری از قبیل شاهنامه، بهمن نامه، فرامرزنامه، کوش نامه و ... شاهدی است بر این مدعا. اما در تاریخ ادب فارسی، هرچه به دوره‌ی متأخر نزدیک تر می‌شویم نثر فارسی نیز اندک-اندک در خدمت جنگ و موضوعات مرتبط با آن قرار می‌گیرد، به گونه‌ای که در دوره‌ی معاصر و پس از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، قالب ادبی رمان فارسی که پیشتر به بیان موضوعات تاریخی (رمان تاریخی)، اجتماعی و ... می‌پرداخت، در خدمت جنگ قرار می‌گیرد و به این ترتیب «رمان جنگ» که در سنت ادب فارسی، پدیده‌ای کاملاً نوظهور است، به وجود می‌آید.

کلید واژه ها: جنگ (دفاع مقدس)، ادبیات جنگ، داستان، حماسه، رمان، رمان جنگ.

* استادیار دانشگاه ایلام

بررسی جریانهای داستان نویسی پس از انقلاب اسلامی

* علیرضاشوهانی

* طیبه نوروزیوند

داستان از جذاب ترین قالبها برای بیان اندیشه های یک ملت است، و می تواند بازتاب دهنده رویدادهایی باشد که زندگی و ذهن جامعه ای را درگیر کرده است. از قابل تأمل ترین دوره های داستان نویسی در تاریخ ادبیات ایران، سه دهه اخیر پس از انقلاب اسلامی است. انقلاب بانی تحولات بزرگی در ابعاد مختلف هنر از جمله ادبیات داستانی بوده و بر جریان های ادبی نیز تأثیر شگرفی بر جای گذاشته است. این بررسی بر آن است تا جریان های داستان نویسی پس از انقلاب را به صورت مختصر معرفی کند. در نگاهی فراگیر می توان جریان های پس از انقلاب را در چهار دسته جای داد. یکی جریان واقع گراست که خود به چهار شاخه واقع گرای اجتماعی، رمانتیک (جدی و پاورقی)، جنگ و دفاع مقدس و فمینیسم قابل تقسیم است. دیگری، داستان نویسی رئالیسم جادویی است. سومین جریان، مدرنیسم است و چهارمین جریان را می توان پسامدرن نامید. به نظر می رسد داستان نویسی جنگ و دفاع مقدس، بر جسته ترین جریان این دوره باشد. به همین دلیل در مقاله حاضر، تأکید اصلی متن، بر معرفی نویسندگان و آثار دفاع مقدس است.

کلید واژه ها: ادبیات، داستان، انقلاب اسلامی، جنگ (دفاع مقدس)

* استادیار دانشگاه ایلام

* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی

ریخت‌شناسی داستان کیخسرو در شاهنامه فردوسی

زینب شهبازی

دکتر بیژن ظهیری ناو

در دوره معاصر نقد ادبی در کانون توجه قرار گرفته است و آثار ادبی از دیدگاههای مختلف بررسی می‌شوند. یکی از رویکردهای نقد ادبی ریخت‌شناسی است که محقق پس از کشف و معرفی کوچکترین واحدهای ساختاری، روابط متقابل میان این واحدها و چگونگی ترتیب آنها را بررسی می‌کند. تجزیه و تحلیل ساختاری، روشی تجربی و بر مبنای آزمون ارائه می‌دهد که می‌توان صحت و سقم آن را امتحان کرد و یافته‌های بدست آمده را دسته‌بندی و نتیجه‌گیری کرد. مطالعات ساختاری در کتاب پراپ ریخت-شناسی قصه‌های پریان به صورت جدی مطرح شد، وی در مطالعاتی که بر روی صد قصه انجام داد به سی و یک واحد ساختاری یا خویشکاری دست یافت. در این مقاله با استفاده از نظریه ریخت‌شناسی پراپ، داستان کیخسرو در شاهنامه‌ی فردوسی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت، این داستان ضمن اینکه با اندک جابجایی و تغییری درکنش‌ها با نظریه‌ی پراپ هماهنگ است، دارای عناصری است که خاص داستان‌های فارسی است.

کلید واژه ها: ریخت‌شناسی، پراپ، کیخسرو، شاهنامه فردوسی.

مضامین مشترک در اندیشه و سبک شعری فریدون مشیری و نزار قبانی

فاطمه شهریاری*

بررسی اندیشه و سبک شعری فریدون مشیری و نزار قبانی با توجه به مشابهت ها شعری آن دو خالی از لطف نیست. در این نوشتار ابتدا جنبه های مختلف اشعار مشیری و قبانی مورد بررسی قرار گرفته و سپس به مقایسه و شرح ویژگی های شمر تک و فضای شعری آن دو می پردازیم. با مطالعات صورت گرفته می توان مضامین نو جنبه های مشترک سوده های این دو شاعر را این گونه برشمرد: ۱- عنصر عشق هر دو شاعر عشق و تغزل محسوب می شوند. ۲- درونمایه های اجتماعی و سیاسی اشعار زیادی با درونمایه اجتماعی دارند که متأثر از رویدادهای زمانه خویش است. بخشی از اجتماعیات آن ها اشعار وطنی است. ۳- زن یکی از عناصر اصلی در شعر نزار قبانی است تا جایی که او را شاعر زن نامیده اند اما در شعر مشیری بسامد واژه زن بسیار کم است. ۴- عناصر طبیعت از وجوه مشترک سروده های هر دو شاعر به کار گرفتن جلوه های طبیعت در جای جای اشعارشان است.

کلید واژه ها: فریدون مشیری نزار قبانی عشق جایگاه زن درون مایه های سیاسی و اجتماعی.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

بررسی جلوه های مهارت های شفاهی زبان در آثار ادبی فارسی

گلاویز شیخ الاسلامی*

پژوهش حاضر در جهت شناخت کمیت و کیفیت جلوه های مهارت های شفاهی (صحبت کردن و گوش دادن) در آثار ادبی فارسی است. با این هدف که ببینیم به چه عناوینی از مهارت های شفاهی در این آثار اشاره شده است تا با تطبیق و تلفیق این مولفه ها با مولفه های مطرح در مطالعات غربیان بتوانیم به نمودار جامعی از همه ی مولفه های موثر در مهارت های شفاهی زبان دست یابیم. این پژوهش عمدتاً بر اساس نظریات بای گیت (و دیگران)، گرایس، لیچ، براون و لوینسون، هارجی، لینچ، نادینگ، لیدز، زندگی، ضیا حسینی و طیب صورت گرفته است. نتیجه ی مطالعه ی آثار بای گیت، دست یابی به «فرایندهای چهارگانه ی پیش نیاز مهارت های شفاهی زبان»، یعنی تفکر، مشارکت، دانش و نکته سنجی و دقت است که به طور اختصار از آنها به عنوان تمدن نام برده می شود. سایر مولفه های مهارت های شفاهی زبان - چه در زمینه صحبت کردن و چه درباره ی گوش دادن - براساس این فرایندهای پیش نیاز (تمدن) صورت بندی شده اند. در این راستا چهار فرضیه به این شرح مطرح گردیده است:

۱. مهارت های شفاهی در آثار نظم. نثر فارسی هماهنگی بیشتری با نظرات بای گیت و دیگران دارد.
۲. در آثار منظوم فارسی نسبت به آثار منثور بیشتر به مولفه های مهارت های شفاهی توجه شده است.
۳. در آثار ادبی فارسی به مهارت صحبت کردن بیشتر از مهارت گوش دادن توجه شده است.
۴. در آثار ادبی فارسی به کیفیت بیش از کمیت در مهارت های شفاهی توجه شده است.

روش انجام تحقیق، تحلیل محتواست و جامعه ی مورد پژوهش، کلیه ی آثار ادبی فارسی، از قرن چهارم تا قرن سیزدهم است؛ که ۳۰ اثر ادبی نمونه، شامل ۱۷ اثر منظوم و ۱۳ اثر منثور از ۲۸ شاعر و نویسنده مورد بررسی قرار گرفته است. ابزار تحقیق، چک لیست های محقق ساخته است که به وسیله ی آن ها مهارت های صحبت کردن و گوش دادن در آثار ادبی، به طور جداگانه و به تفکیک منظوم و منثور مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. پس از آن داده های کیفی به داده های کمی تبدیل شده است و با استفاده از ابزار SPSS بر اساس تحلیل آماری، به سوال های پژوهش جواب داده شده، سپس فرضیه ها آزمون شده اند. در بیان، نتایج پژوهش مورد بحث و بررسی قرار گرفته و جلوه های مهارت های شفاهی، ابتدا به تفکیک صحبت کردن و گوش دادن سپس مجموعه ی این دو مهارت در هر یک از آثار ادبی

* کارشناس ارشد آموزش زبان فارسی

نمونه با استفاده از مقادیر کمی ارزیابی شده اند و مقایسه ای بین پدید آورندگان آثار ادبی در رابطه با توجه آنها به مهارت های شفاهی صورت گرفته است. بر اساس نتایج به دست آمده ، فرضیه های اول و دوم رد و فرضیه های سوم و چهارم تأیید شده است. همچنین در رابطه با مهارت صحبت کردن و گوش دادن نمودارهای نسبتاً جامعی از مولفه های این مهارت ها به دست آمده است. طبق این نمودارها ، بعضی مولفه های صحبت کردن در آثار ادبی وجود دارد که چون برخاسته از فرهنگ و آداب و رسوم جامعه ی ایرانی است؛ در آثار علمی جدید مورد استفاده در این پژوهش اشاره ای به آنها دیده نشد.

کلید واژه ها: مهارت های شفاهی زبان، فرایندهای پیش نیاز مهارت های شفاهی، صحبت کردن، گوش دادن، آثار ادبی.

بررسی الگوهای زبانی در شعرهای کودکانه

شهین شیخ سنگ تجن*

خواندن اشعار آهنگین سبب ایجاد احساس شغف یا لذت در کودکان شده، بطوریکه با شنیدن آن به آرامش رسیده و به راحتی به خواب می‌روند. این اشعار گرچه با اشعار بزرگسالان متفاوت و در برخی موارد فاقد معنایند، از الگوهای مشابهی پیروی می‌کنند. در این مقاله الگوهای زبانی؛ تکرار، همگونی هجاهای آغازین و ساخت موازی در این اشعار مورد بررسی قرار گرفته است. تکرار در سطوح مختلف زبانی، آوا، بیان و معنا قابل بررسی است. تکرار آوا در هجاهای آغازین واژه یا همگونی هجاهای آغازین، در اشعار کودکان بررسی شده است. در برخی موارد نیز تکرار یک واژه سبب تشدید معنایی در این گونه اشعار است. ساخت موازی نیز نوعی تکرار است که در آن عنصر تکرارشونده کاملاً مشهود نیست. از این رو ساخت‌های موازی هم بر اساس نقش دستوری واژه‌های خود و هم بر اساس معنا مقایسه می‌شوند. در پرورش شم ادبی کودکان تکرار اصل اساسی است. آنچه تخیل کودک را به خود جلب می‌کند، غیرعادی بودن معنا یا توهم معنایی و صورت زبانی در سطح آوا و بیان است. درک کودک از شعر، تنها محدود به دریافت با لذت است که می‌توان آن را امری درونی دانست. اما با رشد کودک و ورود او به مدرسه درک به مرحله ارزیابی می‌رسد. در این مرحله نوجوان قادر است به مقایسه و تفسیر اشعار بپردازد که دیگر امری درونی نیست و درک از درونگرایی به برونگرایی می‌رسد.

کلید واژه ها: اشعار کودکان، الگوهای زبانی، تکرار، ساخت موازی، صورت و محتوا.

* استادیار دانشگاه پیام نور

نگاه تطبیقی به جایگاه زن در ادبیات ایران باستان و ادبیات اعراب جاهلی

دکتر محمدرضا شیرخانی

فرشته آهیخته

طاهره آهیخته

شخصیت و جایگاه زن در تاریخ ایران باستان که با نخستین سلسله مادها آغاز و به آخرین پادشاهان ساسانی، ختم گردیده، با تمدن و فرهنگ اعراب سامی نژاد میان رودان، همزمان و مقارن با همدیگر و به تبع آن اعراب جاهلی بادیه نشین از جمله اعراب شبه جزیره عربستان و عراق و سوریه و به صورت نسبی دارای تفاوتها و شباهتهای آشکار بوده اند. زن ایرانی با نحوه آفرینش وی همراه و همگام با مرد در مرحله نخست خلقت، در میان آثار باستانی و لوحهای گلی و سنگی مربوط به دوران نخستین تاریخ که خبری از مکتوبات نوشتاری نیست و در دوره های دیگر تاریخی که مکتوبات تعلیمی، دینی و اخلاقی و اساطیری پا به عرصه وجود می گذارند از ارزش والایی برخوردار بوده است. حق و حقوقها و مزایایی که در این دوره بر اساس نوشته های دینی و تعلیمی چون اوستا، بندهشن و ... به زن اختصاص پیدا کرده است همه در جهت تعالی وی چه در ساختار خانواده و چه در ساختمان اجتماع، برای به کمال رسانیدن این شخصیت وضع گردیده است. در نقطه مقابل، وضعیت زن در میان اعراب بر اساس آنچه که از منابع باستانی تمدن و فرهنگ بین النهرین و در دوره های بعد در میان متون منظوم اعراب جاهلی به یادگار مانده است، همه حکایت از سیر و تحول جایگاه و مقام ارزشی این موجود در بین اقوام مختلف ایشان دارد. اعتبار و ارزش مقام زن در مراحل نخست و به تبع آن فرو افتادن و تنزل وی تا حد سلب حق حیات در میان اساطیر و مکتوبات این دوران به طور واضحی تجلی می کند. هدفی که در این مبحث کوتاه و مختصر دنبال شده است تبیین کلی جایگاه شخصیتی جنس مؤنث در میان این دو قوم تاریخی بر اساس منابع تاریخی، ادبی و تعلیمی و اساطیری و ... و مقایسه و تطبیق اشتراکات و تفاوت های ایشان در ساختار طبقاتی جامعه می باشد که امید است مبنای کارهای بیشتری در این زمینه گردد.

کلید واژه ها: جایگاه زن، نگاه تطبیقی، ایران باستان، متون ادبی باستان، اعراب جاهلی.

بازتاب تاریخ و فرهنگ بدخشان در سرچشمه‌های خطی فارسی بدخشان

امید محمدشیرزادشاه اف

رئیس مرکز تحقیقات فارسی «میراث عجم» بدخشان تاجیکستانمنطقه بدخشان یکی از منطقه های کوهستانی ایست که در حدود آن قومهای مختلف ایرانی تبار یه مثل شغنی ها، روشانیها، یزگلامی ها، و خانی ها، اشکاشیمی ها و غیره ها عمر بسر می برند که هرچند این اقوام ایرانی تبار به زبانهای محلی بیخط گفتگو می کنند ولی در طول عصرهای سابق زبان و خط فارسی در این مکان کهن برای ترغیب علم و فرهنگ فارسی بخصوص علوم اسلامی نقش خیلی بزرگی بازیده است. تا تأسیسیایی حکومت شوروی زبان رسمی کارگذاری، تعلیم و تدریس، آثار علمی و ادبی، رسم و آئین مردم این منطقه زبان فارسی دری بود. محظ گسترش زبان و خط فرسی در بخشان بود که توسط این زبان با نفوذ در این دیار هزارها نسخه دستنویسهای فارسی در موضوعات مختلف و هزارها نسخه اسناد مهم تأریخی فارسی آفریده شده اند که این دستنویسها و اسناد تأریخی فارسی بدخشان امروز در کتابخانه های خصوصی مردم محفوظ بوده تا کنون از جانب محققان آموخته نشده اند. یکی از ویژگی های دستنویسهای فارسی بدخشان این بود که محظ توسط پهن گردیدن آثار ادبی شعرای گذشته فارسی در بدخشان شاعران پارسی گوی به میدان ادبیات قدم گذاشتند و اشعار جالب فارسی زبان راتألیف نمودند که اشعار آنها انواع مختلف شعر فارسی: قصاید، غزلیات، مثنوی ها، رباعیات، مخمسات و غیره را در بر می گیرند. همچنین ترغیب آثار فارسی زبان در بدخشان شرایط مساعد فراهم آورد که در بدخشان هنر خوشنویسی و نقاشی اسلامی رشد کنند. در میان دستنویسهای فارسی بدخشان بخصوص اثرهای تأریخی بمثل «تأریخ بدخشان» شاه فطور محبت شاهزاده و آخان سلیمان، «تأریخ ملک شغنان» سید حیدرشاه مبارک شاه زاده و «تأریخ شاهان شغنان» سید فرخ شاه ابن شاه پرتاوی خیلی جالب می باشد که در آنها به تأریخ و فرهنگ بدخشان از زمانهای خیلی قدیم تا آغاز حکومت شوروی روشنی انداخته شده است. طوری نذکر دادیم تا کنون در بدخشان هزارها نسخه اسناد تأریخی فارسی محفوظ می باشند که آنها نیز در کتابخانه های خصوصی نگهداری می شوند و اکثر آنها از جانب نگارنده این سطرها نسخه برداری شده اند. مخصوصاً در این مقاله اطلاع دادن راجع به اسناد تأریخی فارسی بدخشان و مورد تحقیق قرار دادن آنها اقدام نخستین در جاده علم بوده، تا اطلاعات نگارنده این سطرها از جانب محققان حطی یک سند فارسی بدخشان برای علم و دانشمندان ایرانشناس معرفی نگردیده است.

کلید واژه‌ها: بدخشان، تاریخ، فرهنگ، خط فارسی.

بررسی شیوه‌های طنزپردازی کیومرث صابری فومنی (گل آقا)

* علی اشرف کریمی

* بهروز مهری

طنز یکی از انواع ادبی است که از رفتارهای نابسامان و متناقض اقشار گوناگون جامعه انتقاد می‌کند اما این انتقاد، انتقادی تمسخر آمیز و هنری است. کیومرث صابری فومنی ملقب به گل آقا از جمله برجسته‌ترین طنزپردازان معاصر ایران می‌باشد است که بخشی از عمر نویسندگی خود را قبل از انقلاب اسلامی سپری کرده است؛ بعد از انقلاب نیز فعالیت‌های طنزپردازی وی همچنان ادامه داشت که در واقع باید گفته شود دوره‌ی شکوفایی هنری او مربوط به همین دوران بوده است. او با استفاده از شیوه‌ی روایتی، خلق شخصیت‌های خیالی، به کارگیری شیوه‌ی نمایشی، کنایه و پوشیده‌گویی، کاربرد عبارات متناقض و ... دست به آفرینش مقالات خود می‌زند. روش طنزپردازی گل آقا یادآور اسلوب دهخدا در چرند و پرند بوده که به نوعی می‌توان گفت تکامل‌کننده‌ی آن می‌باشد.

کلید واژه‌ها: طنز، گل آقا، طنز کلامی، طنز موقعیتی.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه رازی کرمانشاه

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه

شکر و تبرزین (گزارش بیتی از حکیم ناصر خسرو)

کریم صادری*

با وجود خدمات شایان توجهی که در دوره‌ی سلاطین بابری هند به رشد و توسعه‌ی زبان و ادب فارسی گردید و کتاب‌های گران قیمتی بدین زبان تصنیف و تالیف شد، برخی اشکالات در فرهنگ‌هایی که در هند تدوین شد، پدید آمد و به کتاب‌های دیگر راه یافت. یکی از این جمله آثار فرهنگ جهانگیری است. (هم چنین رک: منصور، ۱۳۹۰، ص ۱۱۳) وقتی در معنی این بیت از حکیم ناصر خسرو قبادیانی:

مشک تبّتی به پشک مفروش مستان بدل شک تبرزین

(ناصر خسرو، ۱۳۷۰، ق ۲۴، ب ۳۷)

کندوکاو می‌کردم به فرهنگ مذکور در معنی واژه‌ی تبرزین رجوع کردم. با اندکی تأمل دریافتم که معنی نوشته شده در ذیل آن از جمله‌ی این چنین غلط‌ها می‌باشد. جهانگیری بار نخست تبرزین را به معنی نمک کوهی گرفته است و گفته است و گفته به سبب مشابهت به نبات طبرزد آن را تبرزین گویند. تنها مثالی هم که زده است همین بیت ناصر خسرو است. (رک: انجو شیرازی، ۱۳۵۱، ذیل تبرزین) متأسفانه برخی دیگر از لغت‌نامه‌های متأخر نیز به اشتباه معنی این لغت را از فرهنگ جهانگیری نقل قول کرده‌اند. بنده پس از مراجعه به ابیات دیگر حکیم ناصر خسرو و با توجه به سبک و سیاق مثال‌های او به منظور بیت ناصر و اشتباه جهانگیری در مورد آن پی بردم. در مقاله‌ی حاضر علاوه بر توضیح بیت و بحث پیرامون این لغت، شواهدی نیز مشابه با تمثیل ناصر خسرو آورده شده است.

کلید واژه‌ها: ناصر خسرو، شکر و تبرزین، فرهنگ جهانگیری.

* عضو هیئت علمی پژوهشکده‌ی تعلیم و تربیت استان آذربایجان شرقی

بررسی عارفانه‌ها و عاشقانه‌ها در دیوان مجمر اصفهانی

دکتر محمود صادق زاده*

عصمت پرنیان*

مجمر اصفهانی یکی از شاعران معروف دوره ی بازگشت ادبی است که اشعار وی جدا از ویژگی های سبکی مشترک و عمومی به لحاظ انواع ادبی و موضوعات شعری از مختصاتی برخوردار است و تا کنون پژوهش مستقل و کاملی در باره ی آن صورت نگرفته است. این مقاله به تحلیل و بررسی مضامین عشق و عرفان و تلفیقی از غزل های عاشقانه و عارفانه در دیوان مجمر اصفهانی می پردازد؛ غزلهای مجمر بیشتر با گرایش های عاشقانه و با زبان نمادین و به کار بردن الفاظی همچون: می، ساقی، خضر، رهرو و... بیانگر افکار عارفانه و درون مایه های عرفانی است. روش انجام این پژوهش بیشتر توسعه ای و کتابخانه ای است؛ ابتدا با مطالعه و بررسی مهم ترین منابع مربوط به انواع ادبی و سبک شعر مجمر در باره ی قالب ها و ویژگی های ادب غنایی و عاشقانه و ویژگی های عاشق و معشوق از دیدگاه مجمر بحث شده و سپس با تجزیه و تحلیل اشعار دیوان مجمر، ابیات عاشقانه و عارفانه ی آن استخراج و با ارائه ی نمونه های مناسب به لحاظ قالب ها، ویژگی های عاشق و معشوق و مضامین و درون مایه ها بررسی و ارزیابی شده است. هر چند مجمر در قالب های گوناگون طبع آزمایی می کند، ولی شهرت اصلی او در غزل سرایی و قصیده پردازی است، به ویژه غزلیات وی که به لحاظ گستردگی و تنوع مضامین و بسامد درون مایه های عاشقانه و عرفانی قابل توجه است.

کلید واژه ها: شعر دوره ی بازگشت، دیوان مجمر اصفهانی، ادبیات غنایی، غزل فارسی، عاشقانه ها و عارفانه ها.

* استادیار گروه ادبیات دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد

* دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد

تحلیل رویکرد عناصر حماسه در داستان «رستم و اسفندیار»

سهیلا صادقی*

بحث انواع ادبی، گونه های متمایز ادب غنایی، تراژدی، کمدی، نمایشنامه و... را در برمی گیرد، که یک نوع ادبی ممکن است مرکب از دو گونه با ویژگی های متفاوت باشند. مثلاً عناصر سازنده ی حماسه از دو نوع غنایی و تراژدی که در ساختار با هم تفاوت دارند ترکیب شده است. حماسه از آن گونه های پر کاربرد ادبی است که بافت و عناصر سازنده ی مخصوص به خود را دارد و در واقع این عناصر سازنده، تقریباً در همه یا بیشتر آثار حماسی یکسان و همسان است. در این پژوهش پس از ذکر مقدمه ای در باب حماسه و انواع آن، به شیوه ی توصیفی به بررسی عناصر سازنده ی حماسه ی رستم و اسفندیار از قبیل: قهرمان، ضد قهرمان، کین کشی، نبرد، تقدیر، پیشگویی و... پرداخته شده است.

کلید واژه ها: حماسه، رستم و اسفندیار، عناصر حماسی.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز واحد بین الملل

معرفی مثنوی «عجایب الغرایب» اثر شیخ آذری توسی و بررسی نسخ خطی موجود آن

زهرا صادقی مالواجردی*

پهنه آفریش عجایب نامه ای است مصور که هر صبح و شام نمونه هایی از ای نامور عجیب و غری برابر ای آدمی به نمایش می گذارد. همین اعجاب انسان گذشته از پدیده های اطراف و نقل سینه به سینه آن ها و سپس نگارش آن ها توسط دریانوردان، جهانگردان و بازرگان نوعی خاص از انواع ادبی به عنوان «عجایب نامه» را به وجود آورده است. در گنجینه ادبیات فارسی نمونه های اعلائی از عجایب نامه ها به یادگار مانده است که از آن میان می توان به عجایب نامه شیخ آذری اسفراینی اشاره کرد که دارای ویژگی های متمایزی از سایر عجایب نامه های موجود است. شیخ آذری از شاعران و نویسندگان قرن نهم هجری است که برای جویندگان عرصه ادبیات ناشناخته مانده است و آن چنانکه شایسته اوست معرفی نشده و آثار گران بهای او در گنجینه های نفیس نسخ خطی مهجور مانده است. در این مقاله پس از شرح احوال شیخ آذری و آثار و وی، به معرفی مثنوی عجایب الغرایب شیخ آذری پرداخته شده است و به تفصیل نسخ خطی این اثر گران بها مورد ارزیابی قرار داده می شوند.

کلیدواژه ها: عجایب نامه ها، مثنوی «عجایب الغرایب»، شیخ آذری توسی

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

بررسی نوستالوژی و ساختار روایی در منظومه ی "درفش کاویان" حمید مصدق

اسماعیل صادقی

محمود آقاخانی بیژنی

شعر «درفش کاویان» از جمله سروده های روایی حمید مصدق است که ساختاری روایی و نمایشی دارد. شیوه ی روایت و داستان پردازی در این شعر به گونه ای است که شاعر با استفاده از ساختار روایی، گفت و گو، دیدگاه و توصیف، فضایی متفاوت می آفریند که خواننده می تواند به عناصر داستانی آن بنگرد. این پژوهش به بررسی فرآیند «نوستالوژی» و تحلیل ساختاری منظومه روایی "درفش کاویان" می پردازد. نخست به نوستالوژی و تعریف آن و موارد موجود در این شعر و سپس به بررسی ریخت شناسانه ی این شعر بر اساس نظریه های چند تن از ساختارگرایان پرداخته می شود. از جمله موارد نوستالوژی در این شعر، می توان «بازگشت به اسطوره ها و دوران کودکی و نوستالوژی از دست دادن عزیزان» را نام برد. بر هم خوردن توالی قراردادی زمان، باعث شده است این شعر، شروعی از میانه داشته باشد. بازگشت به زمان گذشته توسط راوی با توسل به عامل تداعی کننده، زمانی غیرخطی و مدور در این شعر ایجاد کرده است. هر حادثه مانند حلقه ای است که از یک نقطه شروع می شود (وضعیت متعادل اولیه) و پس از شرح ماجرا (وضعیت نامتعادل) به همان نقطه آغاز (وضعیت متعادل ثانویه) باز می گردد.

کلید واژه ها: درفش کاویان، شعر روایی معاصر، نوستالوژی، ساختارگرایی، حمید مصدق.

تعامل نگاشت طرح‌واره‌ای و ساختارهای خرد و کلان برای شکل‌گیری "داستان کلان" در منطق الطیر عطار نیشابوری

لیلا صادقی*

بخشی از شعرشناسی شناختی مبتنی بر نظریه‌ی نگاشت قیاسی است که برای یافتن شباهت‌ها، رابطه‌ها و نظام‌های ساختاری به‌کار می‌رود (هولیوک و تاگارد ۱۹۹۵؛ فریمن ۱۹۹۷). داستان کلان که به معنای ساختارهای کلی و مشخصه‌های مختلف ساختارهای کلان است، به مثابه‌ی لایه‌ای است که ساختارهای از هم گسسته را به‌واسطه‌ی عناصر شناختی و متنی به هم پیوند می‌زند تا داستانی ناگفته را به وجود بیاورد (صادقی، ۲۰۱۱). این مقاله نقش‌های مختلف نگاشت فرافکنی، نقش‌کاربردی و طرح‌واره‌ای را در ساخت جهان متن منطق الطیر، اثر عطار نیشابوری، با رویکرد شعرشناسی شناختی بررسی می‌کند. هدف این مقاله این است که نشان دهد چگونه مفهوم "کثرت و وحدت" به‌واسطه‌ی نگاشت طرح‌واره‌ای در شکل‌گیری ساختارهای خرد و کلان (وندایک، ۱۹۸۰) منطق الطیر عمل می‌کند و منجر به شکل‌گیری "داستان کلان" می‌شود. مطالعه‌ی متن با این رویکرد می‌تواند ابزار مناسبی برای تحلیل متن و ساختارهای آن، به‌واسطه‌ی نگاشت‌های مفهومی ایجاد کند.

کلیدواژه‌ها: جهان متن، شعرشناسی شناختی، نگاشت طرح‌واره‌ای، داستان کلان.

* دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه تهران

سهم سچل سرمست عارف و شاعر فارسی گوی در گسترش فرهنگ و دانش فارسی

دکتر قاسم صافی*

تاریخ ادبیات ایران را نمی‌توان بدون توجه به سیر ادب فارسی و نظم و نثر آن در سرزمین‌های مجاور بویژه شبه قاره هند و پاکستان و بنگال نداشت. بسیاری از شخصیت‌های علمی و رجال دانشمند و نویسندگان و شاعرانی که به فارسی می‌گفتند و می‌نوشتند سال‌ها و یا قسمت اعظم عمر خویش را در آن سرزمین‌ها گذرانده و بنا به استعداد ذاتی و درونی خود، محیط جغرافیایی زندگی را به محیط فرهنگ و ادب فارسی و تقویت قلبی و معنوی ملت‌های ایران و شبه قاره جهت دادند. این گروه مقتدر به صورت مختلف، مردم نواحی مختلف مناطق را به تکلم و نگارش به زبان فارسی ترغیب و تحریض کرده‌اند و موجب آفرینش بسیاری از آثار و تألیفات بسیار گران‌بها شده‌اند و هم توفیق یافتند جمعیت قابل ملاحظه‌ای را عازم دیار شبه قاره کنند و تعدادی بی‌شمار از دانشمندان و هنرمندان و ادیبانی تاثیرگذار، جایگاه خاصی در دل سکنه مردم آن سرزمین به دست آورند و برخی از آنان در رده مشاوران و زمامداری و والیان قرار گیرند. تعدادی از آنان تابدان حد پیشرفت و موفقیت داشته‌اند که نواحی زندگی خود را در نواحی هند و سند به مرکز فرهنگ و هنر و ادب ایران تبدیل کردند. یکی از آن شخصیت‌های تابناک که آثار زیادی تألیف کرده و سهم بسزایی در ترویج و رونق زبان و ادب فارسی و فرهنگ و تمدن ایران در شبه قاره بخصوص در نواحی سند گذارده و نگارنده این سطور خود چندبار مرقد او را زیارت کرده، سچل سرمست معروف به شاعر هفت زبان، متخلص به آشکار و از مشاهیر نامدار ادب و عرفان است. در این نوشتار به طور فشرده، نتیجه مطالعاتی از احوال و خدمات و آثار او را به اختصار ذکر می‌کنیم و ضمن اشاره به جایگاه عرفانی و موقعیت علمی و اجتماعی او، نمونه‌هایی از اشعار و کلام او را می‌آوریم.

کلیدواژه‌ها: سچل سرمست، سند، شبه قاره، زبان و ادب فارسی، کلهوران، تصوف و عرفان

* دانشیار دانشگاه تهران

بررسی و تحلیل کهن الگو در سلمان و افسال جامی

نیلوفر صالحی ابرقویی*

دکتر آسیه ذبیح نیا عمران*

کهن الگو، یکی از نظریه های مدرن در ادبیات و مبتنی بر روانشناسی است که براساس آرای کارل گوستاو یونگ بنا شده است. او به عنوان بنیانگذار روانشناسی تحلیلی دیدگاه های روانشناسانه خود را با اندیشه های هرمسی، گنوسی و باورهای هندی پیوند زد. در این شیوه ی ادبی با مطالعه و بررسی کهن الگوهای اثر نشان می دهند که چگونه نویسنده، این آرکی تایپ ها را که محصول تجربه های مکرر بشر است و در ناخودآگاهی جمعی وی به ودیعه گذاشته شده، جذب کرده و به شیوه ای سمبولیک نشان داده است. زیرا کهن الگو یکی از جنبه های پیچیده ضمیر ناخودآگاه جمعی است که از بدو تولد با انسان بوده است، تا آن جا که به نظرمی رسد که موروثی باشد. کهن الگو با نمادها ارتباط تنگاتنگی دارند و در رویاها، کشف و شهود شاعرانه و... تجلی می کند و هنرمند با این کشف و شهود هاست که به آفرینش اثر ادبی می پردازد. هدف این مقاله بررسی داستان سلمان و افسال با روایت جامی از منظر کهن الگویی است. نگارنده تلاش می کند تا با توجه به کهن الگوهای مطرح شده در روانشناسی یونگ، تحلیلی متفاوت از این قصه ارائه دهد. از آنجا که اصل داستان سلمان و افسال یونانی است و احتمال تأثیر اندیشه های هندی نیز در آن وجود دارد، کهن الگوهای یونگ در تحلیل رمزهای این قصه بسیار راهگشاست. پرکاربردترین کهن الگوها در سلمان و افسال جامی عبارتند از: سفر، پیرخردمند، انیما و ...

کلیدواژه ها: سلمان و افسال، کهن الگو، انیما، پیرخردمند، سفر، خود، تفرد، عشق، تابو.

* دانشجوی کارشناس ارشد پیام نور

* استادیار دانشگاه پیام نور

مقایسه و تحلیل «خوف و رجا» در صحیفه سجادیه و مناجات‌های منشور فارسی

سیده صغری صالحی ساداتی*

دعا، پری است برای پرواز روح و وسیله‌ای برای رسیدن به مقامات و مراتب عالی. آدمی بر بال نیایش به جایی می‌رسد که روح او در مقام «قرب او آدنی» تلطیف یافته، شایستگی درک رحمت الهی را پیدا می‌کند. این مقام تنها در عرصه مناجات و رازگویی با خداوند متعال به دست می‌آید. یکی از حالات مهم و ارزشمند در دعا، «خوف و رجا» است. در حالت دعا انسان نباید به اجابت سریع دعای خود امیدوار باشد همچنان نباید از لطف و رحمت الهی نا امید شود. «صحیفه سجادیه» یکی از بزرگترین کتب دعا است که شامل بسیاری از دعا‌های عارفانه و عاشقانه امام سجاد (ع) است. این کتاب ارزشمند، حاوی لطیف‌ترین و زیباترین جلوه‌های نیایش است. یکی از این حالات خوف و رجاست. این مضمون در مناجات‌های منشور فارسی نیز جلوه زیبایی یافته است. در این مقاله خوف و رجا در ادعیه صحیفه سجادیه و مناجات‌های منشور فارسی مقایسه و تحلیل می‌شود.

کلیدواژه‌ها: خوف، رجا، صحیفه سجادیه، مناجات‌های منشور فارسی، مقایسه.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

طراحی سطح بندی آموزشی و محتوایی برای آموزش زبان فارسی به غیر ایرانیان

رضامراد صحرایبی*

هر برنامه آموزش زبان دارای دو بُعد است: الف) بُعد زبانی؛ که بر تدریس صورت‌های دستوری و واژگانی تأکید دارد. این بُعد برنامه زبان آموزش ناظر بر اهمیت ساختار زبان از نظر طراحان دوره آموزشی است. ب) بُعد موضوعی؛ که مهارت و نقش‌های معنایی را مورد توجه قرار داده و بر اهمیت نقش ارتباطی زبان به عنوان هدف اصلی زبان آموزی تأکید می‌ورزد. برنامه‌های درسی بر مبنای میزان اهمیت هر یک از این دو بعد طراحی می‌گردند. تأملی در روند تکوین برنامه‌های درسی در یکصد سال اخیر نشان می‌دهد که به تدریج جایگاه دستور زبان (یعنی بعد زبانی برنامه آموزش زبان) در برنامه‌های زبان-دوم آموزشی کم‌رنگ شده و در عوض معنا و نقش ارتباطی زبان (یعنی بعد موضوعی) اهمیت یافته است. در پیشینه آموزش زبان فارسی به غیر ایرانیان شاهد این هستیم که دستور دارای بیشترین اهمیت بوده و بر خلاف سیر تکوین برنامه‌های درسی، همچنان نیز دارای بیشترین اهمیت است. مادامی که دستور محور آموزش زبان فارسی باشد، بحث سطح‌بندی آموزش زبان پیچیدگی خاصی ایجاد نمی‌نماید زیرا سطح-بندی محتوای دستوری تابع نیازهای صوری و غیر ارتباطی است و اساساً در سطح‌بندی آموزش زبان توجه چندانی به نیازهای ارتباطی زبان آموز نمی‌شود، اما اگر بخواهیم زبان فارسی را به عنوان یک رسانه ارتباطی کارآمد و متناسب با نیاز فارسی‌آموزان خارجی آموزش دهیم، چاره‌ای نداریم جز اینکه به سطح-بندی محتوای آموزشی بپردازیم. بررسی بیش از ۲۰۰ عنوان کتاب آموزش زبان فارسی به غیر ایرانیان نشان می‌دهد که مؤلفان این کتاب‌ها معیار روشنی برای سطح‌بندی محتوای آموزشی نداشته‌اند. به بیان دیگر، در حال حاضر هیچ معیاری برای تعریف سطوح آموزش زبان فارسی وجود ندارد و همین باعث شده تا هر مؤلفی بر مبنای تجربه و تعریف شخصی خود به سطح‌بندی محتوای آموزش زبان فارسی بپردازد. پژوهش حاضر تلاشی است برای تعریف علمی سطوح آموزش زبان فارسی در هر چهار مهارت ارتباطی گوش‌دادن، گفتگو، خواندن و نوشتن. در این پژوهش، پس از معرفی سطوح استاندارد آموزش زبان دوم/خارجی، تلاش می‌گردد این سطوح متناسب با محتوای زبان فارسی بازتعریف گردد؛ به گونه‌ای که عناصر دستوری، نقشی، معنایی و مهارت‌های مورد تدریس در یک از سطوح مبتدی، میانی و پیشرفته زبان فارسی معین گردد.

کلیدواژه‌ها: برنامه درسی، سطح‌بندی، دستور، معنا، روش تدریس، مهارت.

* عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

نقدی بر فرایند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبان‌ها

رضامراد صحرائی*

سیر تکوین آموزش زبان دوم/خارجی به طور کلی در چند لایه قابل‌تحلیل است. لایه اول، مربوط به نظریه‌ی زبانی و نظریه‌ی یادگیری به عنوان دو بال اصلی آموزش زبان است. این دو غالباً دارای رابطه‌ی دوسویه بوده و تحولات هر یک بر دیگری تأثیر مستقیم دارد. لایه دوم متعلق به روش‌های تدریس است که سیر تکوین آنها در چهار دوره قابل‌پیگیری است. در سه دوره اول، روش‌گرائی یک تمایل غالب در آموزش زبان بوده است. دوره‌های روش‌گرا به ترتیب عبارتند از دستور- ترجمه، سمعی-بصری و ارتباطی. در دوره چهارم، که از دهه ۱۹۹۰ آغاز شده، روش‌های آموزش زبان به تدریج جای خود را به اصول آموزش زبان داده‌اند. به همین دلیل این دوره را دوره اصل‌گرائی نامیده‌اند. لایه سوم نیز مربوط به برنامه‌های درسی است. برنامه‌های درسی به تدریج از تمرکز سنتی بر صورت (= دستور) فاصله گرفته و معنا را در کانون توجه قرار داده‌اند. رابطه این سه لایه با همدیگر چرخه‌ای است؛ به گونه‌ای که تغییر در نظریه‌ی زبانی و نظریه‌ی یادگیری (= لایه اول) به طور مستقیم منجر به تغییر در روش‌های تدریس (= لایه دوم) و برنامه‌های درسی (= لایه سوم) می‌شود و همزمان یافته‌های لایه‌های پائین‌تر منجر به جرح و تعدیل در لایه بالاتر می‌شود. بازتاب این رابطه چرخه‌ای سه‌سویه به وضوح در سیر تکوین روش‌های تدریس و متعاقب آن منابع آموزشی قابل مشاهده است. هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی و تحلیل فرایند برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری آموزش زبان فارسی، با نگاهی ویژه به روش‌های آموزش زبان فارسی، در قالب چارچوب فوق است. در حقیقت، سوال پژوهش حاضر این است که سیر تکوین روش‌های آموزش زبان فارسی در چند دهه اخیر چگونه بوده و آهنگ آن تا چه حد با تحولات جهانی این موضوع هماهنگ بوده است. برای این منظور ابتدا در سه بخش مجزا، سیر تکوین نظریه‌های زبانی، روش‌های تدریس و برنامه‌های درسی بررسی خواهد شد. سپس، به بررسی سیر تکوین روش‌های آموزش زبان فارسی پرداخته و میزان همسویی آن را با تحولات جهانی آموزش زبان، به ویژه در سه لایه نظریه‌ی زبانی، روش تدریس و برنامه‌ی درسی، تحلیل خواهیم کرد. در نهایت نیز تلاش خواهیم کرد ضمن ترسیم چرخه علمی برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری آموزش زبان و بیان اجراء این چرخه و روابط درونی آنها، چند پیشنهاد عملی برای ارتقاء شیوه‌های آموزش زبان فارسی ارائه دهیم.

کلیدواژه‌ها: آموزش زبان، نظریه‌ی زبانی، روش تدریس، برنامه‌ی درسی، تهیه و تدوین مواد آموزشی

* عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

تحلیل جامعه‌شناختی گرایش به افسون و جادو در شعر فارسی

دکتر حسین صدقی*

فربیا عظیم‌زاده جوادی*

افسون و جادو در تاریخ پرفراز و نشیب عقاید بشری، جایگاه ویژه‌ای دارد. عقاید و رسوم و فرهنگ اقوام و ملل مختلف بر یکدیگر تأثیر می‌گذارد و گاه نیز از قومی غالب به قومی مغلوب منتقل می‌شود. اعتقاد به سحر و اعمال جادویی جزو فرهنگ یک ملت است و در غالب نقاط دنیا ردپایی از آن - حتی گاه با مضامین مشترک - به چشم می‌خورد. انسان که همواره سعی دارد نمودهای هستی را بشناسد و حوادث و وقایع عالم را برای خود تبیین کند با طبیعتی خشن و بی‌رحم روبروست و افسون و جادو برای او نقش محافظ و بلاگردان دارد. آدمی در صدد است تا طبیعت را رام خود سازد و در پهنه گیتی جریان حیات را مطابق میل و اراده خود هموار کند. بنابراین برای دستیابی به این خواسته خویش، به افسون و جادو متمایل می‌شود. در متون اوستایی که یکی از منابع فرهنگ ایران پیش از اسلام محسوب می‌شود و دامنه تأثیر آن تا دوره اسلامی نیز کشیده شده است، اشاره به افسون و جادو و اعتقاد به مبارزه با آن چشمگیر است. از آنجا که درون مایه و زیرساخت هر اثر را اصول و قواعد حاکم بر هر دوره تشکیل می‌دهد، عرصه وسیع ادب فارسی نیز جولانگاه سیر فکری هر دوره در مضامین مختلف، به ویژه موضوع افسون و جادوست. اعتقاد به افسون و جادو، ساختن طلسمها و غرابی که از آنها صادر می‌شود و نیز تعویذهای مختلف در شعر فارسی به طور چشمگیری نمود یافته است؛ بنابراین به نظر می‌رسد بررسی و ریشه‌یابی و مطالعه کاربرد افسون و جادو در آثار شاعران، برای درک و فهم بخشی از مباحث و مبهمات ادبی بایسته و ضروری بوده، خالی از حسن نباشد.

کلیدواژه‌ها: افسون، جادو، سحر، شعر فارسی.

* استادیار دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

تأملی در «وهم سبز» سهراب

جواد صدیقی ليقوان*

ناصر حضرتی*

در شعر نو علاوه بر تازگی زبان و غالب شعری، فکر نوینی مطرح است. یکی از مهمترین مختصات سبک نو همین طرح مطالب در قالبی نو و توجه به مسائل بشر امروزی است. شعر امروز با شکستن مرزهای لغوی، دروازه‌ی شعر را برای ورود هر نوع لغت و تعبیر باز کرده است. سهراب سپهری نمونه‌ی بارز این سبک است. شاعری که به واقع شاعری راستین است؛ زیرا از پیش، انتخاب موضوع نمی‌کند و اساساً در لحظه‌ی سرایش، به موضوعات خاص نمی‌اندیشد و شعر او در حقیقت، سیلان ذهن اوست که در آنات آفرینش شعر، در مسیر زبان جریان می‌یابد و بر کاغذ نقش می‌بندد. در این پژوهش ضمن بررسی دشواری‌های زبانی شعر معاصر، زبان شعری سهراب را از جنبه‌های گوناگون مورد مذاقه قرار داده‌ایم.

کلید واژه‌ها: شعر معاصر، مرزهای لغوی، سیلان ذهن، سهراب سپهری، دشواری‌های زبان.

* کارشناس ارشد ادبیات پارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد تبریز

تحلیل سنجشی گونه های «اندوه» در اشعار نیمایوشیج و شفیعی کدکنی

دکتر مصطفی صدیقی *

پروانه ی رویین اهلی *

«اندوه» از بن مایه های اصلی شعر است؛ هیجانی عاطفی که صور خیال را به گونه ای ناب می پرورد و بر میسازد، چگونگی و موقعیت «اندوه»، در شعر می تواند به توضیح و توصیف نگاه شاعر کمک کند. نگاهی که نشان دهنده ی - قلمرو فردی، اجتماعی و انسانی او باشد زمانی که «اندوه» به گونه های: «اندوه فردی»، «اندوه اجتماعی» و «اندوه - انسانی» شاعر پدیدار می شود؛ این گونه ها با مکتب های ادبی نیز پیوند می یابند، آن چنان که می توان - در سیر تحول نگاه شاعر، «اندوه فردی» را با مکتب رمانتیسم، «اندوه اجتماعی» را با مکتب رئالیسم، و «اندوه - انسانی» را با مکتب سمبولیسم، تطبیق داد و افزون بر آن می توان، لایه های شخصیتی شاعر را از این منظر به - تماشا نشست زیرا با «من فردی»، «من اجتماعی» و «من انسانی» او نیز همراه می شوند. این نوشتار در پی تحلیل - سنجشی گونه های اندوه، در اشعار نیمایوشیج و نیمایی ترین شاعر زنده، شفیعی کدکنی است که با ذهن وزبانی - نزدیک دهه ها را به هم پیوند می زند تا با ز نمود و جبهی محوری باشند، چه، خود، «رنج» را بر سازنده و ماده ی اصلی - شعر می دانند، شاعرانی که «من فردی»، «من اجتماعی» و «من انسانی» شان را چون آینه ای، برابر «اندوه فردی»، «اندوه اجتماعی» و «اندوه انسانی» خود می نهند. «اندوه فردی» نیمایوشیجی از شباهت زیادی برخوردارند اما گاهی، اندوه حاصل از عشق، در بعد فردی، جنبه ی نوتر می یابد زیرا با ناکامی های جامعه نیز پیوند می - خورد در حالی که در شعر شفیعی به خصوص در «زمزمه ها»، غم برخاسته از عشق، به گونه ی کاملاً "فردی آشکار می شود و نیمایوشیجی از این که شعرش و رفتارش، بازتاب خوشایندی در برابر خلق ندارد، ناراحت است ولی شفیعی - از این که شاعر نماها بخواهند با حضور خود شعر شاعر را کم رنگ کنند، دل تنگ می شود؛ «اندوه اجتماعی» هر دو شاعر با وجود شباهت بسیار به دلیل فضای تاریخی متفاوت و ضرورت زمان، باد و رویکرد مواجه می شود، نیمایوشیجی در این بخش، گرایش زیادی به ترسیم فقر و تهیدستی مردم دارد ولی شفیعی کدکنی به دغدغه های فرهنگی می - پردازد، نیمایوشیجی برابر رنج های مردم آگاهانه رفتار می کند و شفیعی با تحلیل اندوه تلاش می کند به مردم آگاهی دهد. اگر نیمایوشیجی نخستین بار، اندوهی انسانی را در شعرش به نمایش گذاشت، اندوهی که در آن اجتماع، طبیعت -

* استادیار دانشگاه هرمزگان

* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه هرمزگان

و عشق به همدردی با انسان برمی خیزند، شفیعی در تکمیل راه نیما از منظر دیگری به انسان می نگرد و انسان را به -
اندیشیدن فرامی خواند تا او را به سوی عزمی آگاهانه سوق دهد، در شعر او طبیعت با انسان یگانگی می -
یابد و در بعد اجتماعی انسانی اش اگر بر ضد دردها می شورد، در جستجوی راهی است که انسان بتواند با درد به -
مقابله بر خیزد .

کلیدواژه ها: تحلیل سنجشی، اندوه فردی، اندوه اجتماعی، اندوه انسانی، نیما یوشیج، شفیعی کدکنی.

بررسی ساز و کارهای طنز در منظومه ی گیلکی «مفتخورالاعیان» سروده ی محمد علی راد باز قلعه ای (افراشته)

دکتر علی صفایی سنگری*

سیده ساجده اقبالیان*

طنز یکی از انواع ادبی ست که در آن طنز پرداز، به قصد اصلاح، با سلاح قلم و چاشنی خنده، زبان به انتقاد از معایب و مفاسد موجود در جامعه، باز می کند. محمد علی راد باز قلعه ای افراشته (۱۳۳۸) از پیشگامان شعر گیلکی و از نامداران شعر ساده و روان فارسی و از بزرگان طنز سیاسی اجتماعی است. یکی از زیباترین منظومه های او «مفتخورالاعیان» (در سه پرده) است که هر چند به گویش گیلکی سروده شده ولی به مضمونی ملی توجه نموده است؛ مضمونی که شاعران گیلکی سرای پیش از او یا به آن توجه نکرده اند و یا فاقد موضع گیری های اجتماعی، سیاسی و طبقاتی ای بودند که افراشته از آن برخوردار بود. در این پژوهش برآنیم ضمن نگاهی گذرا به محتوای طنز در منظومه ی مفتخورالاعیان، به بررسی ساز و کارهای آفرینش طنز در آن بپردازیم. افراشته به منظور آفرینش طنز از ساز و کارهای مختلفی چون: تکرار، بزرگنمایی، مقایسه و تقابل، تشبیه، کنایه، تحقیر، لحن عامیانه، بازی با کلمات، استفاده از اصطلاحات و مثل های گیلکی و... استفاده می کند که در این پژوهش به جزئیات آن خواهیم پرداخت.

کلیدواژه ها: طنز، افراشته، منظومه ی مفتخورالاعیان، ساز و کارهای طنز.

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان

اهمیت کودک و دوران کودکی در منظومه های ادب فارسی

* الهام صفایی

دکتر مهدی ملک ثابت *

کودک به عنوان عضوی از جامعه در متون گذشته ی ادبیات فارسی که نماینده اندیشه ی حاکم بر جامعه ی آن روزگاران اند، حضوری نسبتا اندک و غیر فعال دارد. در این مقاله با بررسی نحوه ی حضور کودک در منظومه های برجسته ی ادبیات فارسی چون شاهنامه ی فردوسی، حدیقه الحقیقه سنایی، خمسه نظامی، مثنوی های عطار، بوستان سعدی و مثنوی مولوی، میزان اهمیت او و دوران کودکی اش مورد بررسی قرار گرفته است. وجوه و دلایل اهمیت کودک که موجبات توجه بزرگسال را به او فراهم آورده است با بررسی شواهد موجود در این منظومه ها به دست آمدند که عبارتند از: ارزشمندی کودک در آینه بزرگسالی او، مسئولیت والدین در قبال فرزندان، باقی ماندن نام با داشتن فرزندی شایسته، تحقق آرمان ها و آرزوها ی بزرگسالان در وجود کودکان و در آخر صفات برجسته ی کودکان. از سوی دیگر نشانه هایی نیز مبنی بر بی اهمیتی کودک و بی توجهی به وجود دارد که نمایان گر این واقعیت اند که کودک ارزش و بهای شخصیتی بایسته خود را در گذشته نداشته است.

کلید واژه ها: کودک، منظومه، منظ. مه های ادبی، اهمیت کودک.

* دانشجوی کارشناسی ارشد و زبان و ادبیات فارسی

* دانشیار دانشگاه یزد

نقد و بررسی رنگ ها در ادبیات کودک (شعر)

جهانگیر صفری

معصومه قاسمی

رنگها از دیرباز، از عناصر برجسته ی دیداری هستند، که در طول تاریخ علاوه بر نمایش طبیعت و زیبایی های آن به گونه های مختلف، روان، باور و درون آدمیان را به نمایش گذاشته اند. بسیاری از هنرمندان با بهره گیری از ویژگی های رنگ های گوناگون، خواسته های درونی خود را از زبان رنگ ها باز گو کرده اند، که از طریق شناخت رنگ ها و چگونگی کاربرد آنها در آثار هنری، می توان گوشه هایی از شخصیت هنرمند را نیز باز شناخت. شاعران به عنوان زیبا شناسان جهان آفرینش از واژه های رنگین در عینی تر شدن تصاویر شاعرانه و کشف و توضیح روابط میان اجزای تصاویر شعری استفاده ی زیادی برده اند. همچنین می توان گفت صفت در ساختار زبان بیشترین نقش را در نمایش رنگها بر عهده دارد، به خصوص در ادبیات کودکان این نقش چشمگیر تر است. به همین جهت در این مقاله کارکرد رنگ ها و جلوه های گوناگون آنها را که در قالب ساختار صفت و موصوف در ۵۰ اثر منظوم کودکان از لحاظ ساختار و نوع و مفهوم مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته اند. این بررسی نشان می دهد که :

- از مجموع ۱۰۲ ترکیب صفت و موصوف در قسمت رنگ ها از نظر ساختار ۶۴ صفت ساده، ۲۱ صفت مشتق و ۱۹ صفت مرکب هستند.
- از مجموع ۱۶ رنگ به کار رفته در این قسمت بیشترین تکرار با رنگ سیاه با ۲۸ عدد و کمترین تکرار با دو رنگ واره ی "خوش رنگ" و "همه رنگ" هر کدام یک عدد است.

کلید واژه ها : شعر کودک، رنگ، صفت.

بررسی سبک شناسی برخی داستان های بازنویسی شده از کلیله و دمنه برای گروه سنی نوجوان

* دکتر جهانگیر صفری

* دکتر مسعود رحیمی

* سجاد نجفی بهزادی

بازنویسی و ساده سازی متون کهن ادبی برای گروه های سنی مختلف از جمله نوجوانان اهمیت زیادی دارد. ساده کردن زبان، ایجاد ساختاری جدید در سبک متون کهن بدون تغییر در محتوا و درون مایه را بازنویسی می گویند. اهمیت و ضرورت این امر، آشنایی نوجوانان با تمدن، فرهنگ و مفاخر و گنجینه ارزشمند ادبی گذشته است. یکی از این متون کهن و ارزشمند ادبی، کتاب کلیله و دمنه است. اثری سرشار از مفاهیم اخلاقی و اجتماعی که چگونه زیستن را به خواننده خویش می آموزد. در این پژوهش ابتدا به اهمیت کتاب کلیله و دمنه و ضرورت بازنویسی آن برای نوجوانان، سپس به بررسی و مقایسه متن بازنویسی شده از دیدگاه اصول مهم سبک شناسی (سبک شناسی واژگانی نحوی)، با متن اصلی اثر، پرداخته شده است.

کلید واژه ها : بازنویسی، کلیله و دمنه، نوجوان، سبک شناسی

* دانشیار گروه ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

* استادیار گروه زبان انگلیسی دانشگاه شهرکرد

* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه شهرکرد

نگاهی به زندگی، آثار و تحلیل برخی محورهای فکری بیژن کلکی

دکتر جهانگیر صفری*

عاطفه مرادبازفتی*

بیژن کلکی (۱۳۷۷-۱۳۱۷) یکی از شاعران معاصر و از جمله فرزندان خلف نیما یوشیج به شمار می رود که سروده های او در قالب های نیمایی و سپید است. کلکی در دوران حیاتش هیچ گاه درصدد چاپ اشعار خود برنیامد اما پس از مرگ وی، منصور بنی مجیدی از دوستان نزدیک کلکی برای چاپ اشعار او کوشش بسیاری کرد که حاصل این تلاش دو مجموعه شعر با نام های « نیامدی اسم آب یادم رفت» و «ترانه هایی برای آلكاپون» شد. از مهم ترین محورهای فکری بیژن کلکی می توان به آزادی، یأس و نومیدی و ظلم و استبداد اشاره کرد. گفتنی است در دوره ای از زندگی کلکی رویدادهای تاریخی، اوضاع نا به سامان اجتماع و نبودن آزادی از مجموعه عواملی هستند که شرنگ یأس و اندوه را در کام شاعر ریخته و سبب سرخوردگی او از زندگی شده اند. در این مقاله علاوه بر نگاهی کوتاه به زندگی و آثار بیژن کلکی برخی از مهم ترین درون مایه های سروده های او مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته شده است.

کلید واژه ها : بیژن کلکی، شعر، محورهای فکری.

* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

نظام حکومتی و اداری در دیوان ناصر خسرو

* دکتر جهانگیر صفری

* دکتر سید کاظم موسوی

* صدیقه کافتی

آثار ادبی منابع ارزشمندی در زمینه شناخت اوضاع و احوال اجتماعی جوامع در ادوار مختلف هستند. اگرچه اشعار ناصر خسرو سرشار از مضامین حکیمانه، دینی، فلسفی و اخلاقی است اما با دقت در محتوای شعر ناصر خسرو درمی یابیم که این شاعر حکیم در جامعه‌ای می زیست که نابسامانی اجتماعی و فرهنگی در آن جامعه به اوج خود رسیده بود. وی به عنوان شاعری متعهد و مسئول در قبال جامعه و مردم، نسبت به این اوضاع بی تفاوت نبود. با وجود تبعید در یمگان دره، وضعیت جامعه خویش را نظاره گر است و در جهت انعکاس مسائل ابعاد مختلف جامعه دوران خویش تلاش می کند. ناصر خسرو قبل از تحول روحی در دربار سلاطین به کار دیوانی مشغول بود و با نظام حکومتی و آداب و تشریفات درباری آشنا بود و از این آداب و رسوم نیز بهترین بهره را در القای معانی مورد نظر خویش برده است. وی تنها از درگاه حضرت حق خواهان بار است و یا اینکه در انتقاد از شاعران مداح به مرتبه نشستن و ایستادن در حضور بزرگان اشاره می کند. در این پژوهش سعی بر آن است تا با تکیه بر اشعار ناصر خسرو تصویری از نظام اداری و حکومتی جامعه دوران شاعر ارائه گردد و هدف وی از بیان این مسائل مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

کلید واژه‌ها: ناصر خسرو، جامعه، نظام حکومتی و اداری.

* این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد است.

* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

* دانشجوی کارشناسی ارشد

فرق و مذاهب در دیوان ناصر خسرو

دکتر جهانگیر صفری *

دکتر سید کاظم موسوی *

صدیقه کافتی *

آثار ادبی هر دوره بازتابی از مسائل اجتماعی آن دوره است. یکی از نمودهای اجتماع که می توان رد پای آن را در آثار ادبی یافت دین و مذهب است. دین و مسائل مربوط به دین باعث خلق آثار اجتماعی زیادی شده اند. دین از مهمترین ارکان جامعه دوران ناصر خسرو است و همین امر باعث شد تا اقوامی بیگانه و غیر ایرانی با پذیرش اسلام، حکومت را در دست بگیرند. از آنجا که ناصر خسرو شخصیتی مذهبی داشت و شعر را به خدمت دین و ترویج مسائل دینی در آورده بود، اوضاع دینی جامعه اش به خوبی در دیوان وی بازتاب یافته است. وی جز دین اسلام، از ادیان و فرق دیگری چون دین مسیحی، زرتشتی، یهودی، ثنویه، مانوی، حروریه، کرامیه، لیالیه و... نام می برد و به انتقاد از عقاید پیروان دیگر مذاهب می پردازد. آنچه مسلم است اینکه شاعر در موضع گیری های خود گرفتار تعصب و ورزی است. در این پژوهش سعی بر آن است ادیان جامعه ناصر خسرو و دیدگاه وی نسبت به آن ادیان مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

کلید واژه ها: ناصر خسرو، دین و مذهب، جامعه.

* این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد است.

* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

* دانشجوی کارشناسی ارشد

تحلیلی بر شیوه‌های بازنویسی کلیله و دمنه برای کودکان

دکتر جهانگیر صفری*

دکتر سید کاظم موسوی*

طوبی عزیزی*

آثار معتبر ادبی کهن فارسی، بیانگر ارزش‌های انسانی، فرهنگی و اخلاقی مردمان در دوران گذشته است که از میان انبوه این آثار می‌توان به « کلیله و دمنه نصرالله منشی» اشاره کرد. با توجه به این که این اثر بر پایه ویژگی‌های سبکی و زبانی دوران کهن به نگارش درآمده است، مطالعه و دریافت بسیاری از مفاهیم آن برای مخاطبان معاصر به ویژه کودکان دشوار به نظر می‌رسد. امروزه ضرورت استفاده از این ذخیره عظیم ادب فارسی مورد توجه نویسندگان بسیاری قرار گرفته است. از جمله شیوه‌هایی که زمینه آشنایی و استفاده کودکان از این گنجینه ادبی و فرهنگی کهن را فراهم می‌کند، بازنویسی این اثر به زبان امروزی است. آثار بازنویسی شده از کلیله و دمنه برای کودکان که کانون آموزش درونمایه‌های ملی، اجتماعی، اخلاقی و تربیتی هستند، ضمن سرگرمی و لذتی که برای کودکان فراهم می‌آورند، می‌توانند آنان را با این مسائل آشنا سازند. بررسی اصول و چارچوب آثار بازنویسی شده و این که تا چه اندازه در ارائه مسئولیت خویش موفق بوده‌اند، از مسائلی است که بررسی و نقد علمی آنها می‌تواند به ادامه سالم و علمی این روند کمک نماید. این پژوهش به بررسی داستان‌های بازنویسی شده از « کلیله و دمنه» برای کودکان می‌پردازد. در این بررسی، شیوه‌های بازنویسی برای کودکان و نقاط قوت و ضعف آنها مورد تحلیل قرار گرفته و به ارائه اصولی برای بازنویسی از « کلیله و دمنه» برای کودکان پرداخته شده است.

کلید واژه ها: داستان، بازنویسی، کودک، کلیله و دمنه

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

* دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

تأثیر مناسبات قدرت بر ترجمه و ترویج ادبیات فارسی در غرب

سعید صفری*

آشنایی با ادبیات هر قومی غالباً از طریق عاملی میانجی به نام ترجمه صورت می‌پذیرد. از گذشته تا به امروز ترجمه نقشی اساسی در انتقال ادبیات ملل مختلف ایفا کرده است. اما تحولاتی که پس از جنگ جهانی دوم در جهان شکل گرفت، مناسبات قدرت را دگرگون ساخت. مناسبات نامتوازن قدرت در بین شرق و غرب پیامدهایی برای ادبیات و متعاقباً برای ترجمه‌ی ادبی در پی داشته است. چنین تغییراتی موجب عدم توازن در ترویج ادبیات غرب و شرق شده است که ترجمه نقشی حیاتی در این نوع ترویج نابرابر ایفا می‌کند. مقاله‌ی حاضر تلاش دارد نقش ترجمه را در ادبیات غرب مورد بررسی قرار دهد تا تاثیرات آن بر ترویج ادبیات فارسی در غرب را برجسته سازد.

کلید واژه ها: ترجمه‌ی ادبی، مناسبات قدرت، شیوه‌ی بومی‌ساز، شیوه‌ی بیگانه‌ساز.

* کارشناس ارشد مطالعات ترجمه از دانشگاه علامه طباطبائی

حماسه ی عرفانی منطق الطیر

دکتر جهانگیر صفری*

حبیب الله طایبی سمیرمی*

در دسته بندی های ادبی، اگرچه عرفان و حماسه، دو مقوله ی جدا گانه هستند و تعریف و ذکر اهداف این دو نوع ادبی، نمایان گر دو جریان نامرتبط است، اما تحقیق و تامل در شاهکارهای عرفانی و حماسی فارسی، این واقعیت را آشکار می کند که حماسه و عرفان هر دو وام دار یکدیگرند. به این قرار که در جای جای شاهنامه ی حکیم طوس، - بعنوان نمونه ی تمام عیار حماسی عرفان و رنگ و بوی ماورای زمینی موج می زند، همان گونه که آثار گرانقدر عرفانی فارسی، چه در ساختار و زبان و چه در درونمایه، لبریز از شور حماسی است. در شاهنامه، کیخسرو، این پادشاه مقتدر، در پایان عمر رو به درگاه حق می آورد و اعتکاف پیشه می کند و از تاج و تخت به کنج عزلت می نشیند. در مقابل، در متون عرفانی، عارف و مرد حق، با شمشیر اراده و همت، ازدهای نفس را از پای در می آورد. در منطق الطیر عطار نیز، ذکر هفت وادی عرفانی و توصیفات و واژه پردازی های شاعر از حالات و رفتارهای افراد، گاه چنان حماسی می گردد که گویی جنگی تن به تن با دشمنی زمینی رخ داده است. در این پژوهش، ضمن بررسی پیوند حماسه با عرفان، برخی جنبه های این آمیختگی را جویا شده ایمو «حماسه ی عرفانی» را به عنوان نوع ادبی مستقل مورد پذیرش اهل ادب، معرفی نموده ایم، پس از آن، نمونه هایی از این گونه ی شور انگیز ادبی را در منظومه ی گران سنگ عطار «منطق الطیر» ذکر کرده ایم.

کلید واژه ها: عرفان، عطار نیشابوری، منطق الطیر، حماسه ی عرفانی

* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه شهرکرد

نقش آواها در ساختار زبانی ترجمه ای کهن از قرآن مجید (قرآن قدس)

دکتر سهیلا صلاحی مقدم

رویامسعودی

«زبان شناسی» به توصیف ابزارهای آفرینش ادبی می پردازد و تحول واژه ها یکی از همین ابزارهاست که بر اثر قواعد زبان شناسی نظیر: همگونی، ناهمگونی، قلب، ابدال، حذف، افزایش و نظایر آن حاصل می شود. در این مقاله از این ابزارها برای بررسی ساختار زبانی ترجمه ای کهن از قرآن مجید به نام قرآن قدس بهره گرفته شده است. پژوهش بر روی اینترجمه می تواند پرده از بسیاری مجهولات تحول زبان فارسی بردارد. قرآن قدس به زبان روان و متأثر از گویش منطقه ای (هروی _ سیستانی) کلام خدا را به بهترین نحو به هم زبانان وهم کیشان خود منتقل کرده است. این پژوهش ضمن معرفی این ترجمه، ساختار زبانی و آوایی آن را توصیف نموده و برای هر مورد مثالهایی از متن آورده است تا شناخت کاملی از صور گویشی در سبک دوره ی اول نثر فارسی را به دست دهد.

کلید واژه ها: ترجمه ی قرآن قدس، ساختار زبانی، همگونی، ناهمگونی، فرایندهای ساخت هجا.

تأثیر ادبیات فارسی بر مقامات بدیع الزمان همدانی

محمدصادق ضرونی*

قدرت اله ضرونی*

مهدیه مزوری*

رابطه ی دیرینه ی ادبیات فارسی و ادبیات عربی بر هیچ کس پوشیده نیست، این دو زبان از گذشته های بسیار دور بر هم تأثیر گذاشته اند و به گونه ای در هم تنیده شده اند که وجود واژه های یک زبان در زبان دیگر برای عامه ی مردم چندان بیگانه و غریب نیست. با ظهور اسلام و قرآن کریم، این تأثیر و تأثر رنگ و بوی تازه تری به خود گرفت، ایرانی ها به سرعت برای فراگیری زبان عربی تلاش کردند و در مدت زمان کوتاهی توانستند به این مهم دست یابند. بعد از ظهور اسلام تا کنون شاعران و نویسندگان زیادی در قرن های مختلف در هر دو زبان پیدا شده اند که آثارشان دارای مفاهیم و مضامین مشترکی است که بررسی آن ها از دیدگاه ادبیات تطبیقی بسیار ارزشمند است. در این میان نویسندگان و ادیبان زیادی از زبان فارسی وجود دارند که توانستند بخش اعظمی از آثارشان را به زبان عربی تألیف کنند؛ از جمله «ابن سیبویه» نویسنده ی الکتاب، «جرجانی» نویسنده ی اسرار البلاغه و دلائل الاعجاز، «تفتازانی» صاحب المطول، «فیروزآبادی» صاحب القاموس المحيط و ... که آثار آنها هنوز هم مراجع ارزشمندی برای ادیبان و استادان این دو زبان به شمار می رود. اما این توانایی و تأثیر ادیبان ایرانی بر ادبیات عرب تنها به تدوین کتابهای صرف و نحو و بلاغت و لغت نامه نویسی... محدود نشد، بلکه از طرق دیگر نیز توانستند شیرینی و حلاوت زبان فارسی را هم به آثار عربی بچشانند که می توان در این میان «مقامات بدیع الزمان همدانی» را نام برد که از آن با عنوان یکی از اولین جرقه های داستان نویسی ادبیات عرب یاد می شود. گرچه تا کنون در مورد تأثیر مقامات بر آثار فارسی مباحث زیادی مطرح شده است، اما در مورد تأثیر زبان فارسی بر مقامات کاری انجام نگرفته است، در حالیکه حال و هوای حاکم بر داستان های فارسی بر این کتاب نیز سایه افکننده است، بطوریکه اگر مکان را به عنوان یکی از عناصر داستانی در نظر بگیریم، بدیع الزمان مکان وقوع برخی از داستان های خویش را از میان شهرهای ایران انتخاب کرده است

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات عرب

* مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد کوهدشت

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب دانشگاه شیراز

مثلاً در «المقامه الأهوازیه»، «المقامه الأصفهانیه» که بخوبی نشانگر تأثیرپذیری این اثر از حال و هوای زبان و ادب فارسی است. در این مقاله سعی خواهد شد که با بررسی نمونه ای «مقامات» از جنبه های مختلف، تأثیر زبان فارسی بر این اثر داستانی بررسی گردد.

کلید واژه ها: مقامات، بدیع الزمان همدانی، تأثیرپذیری، ادبیات فارسی.

مقابله از نظر حافظ

فرزاد ضیائی حبیب آبادی*

در شرح بیت بالا، برخی از شارحان، «رخ یار» را استعاره از «ماه»، و بعضی استعاره از «خورشید» گرفته‌اند. گروهی نیز به استعاره قائل نشده و همان «رخ یار» را تلقی کرده‌اند. در این میان، شارحانی که «رخ یار» را «خورشید» دانسته‌اند پس از اشاره به اصطلاح نجومی «مقابله»، گویی تحت تأثیر صنعت کردن حافظ در بکارگیری واژه «سعد» قرار گرفته و مقابله میان ماه و خورشید را «مبارک» پنداشته‌اند! در این مقاله، نخست برخی از شرح‌های نوشته شده بر این بیت را مرور می‌کنیم. سپس اشاره خواهیم کرد که «رخ یار» منحصراً استعاره از خورشید است و در پایان با تکیه بر احکام نجومی آنچه را در شرح این بیت از چشم شارحان دور مانده به نظر اهل نظر خواهیم رساند.

کلیدواژه‌ها: حافظ، شرح، نقد، اختر، نظر سعد، مقابله.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

نقش فلسفی تمثیلی در داستان‌پردازیهای کلیله و دمنه

دکتر یحیی طالبیان*

زینت بنی اسدی*

نصراالله منشی در کتاب ارزشمند خود، کلیله و دمنه، برای تعلیم خوانندگان، از حکایات تمثیلی بهره برده است. این حکایات اغلب حاوی پیامی اخلاقی، دینی، اجتماعی و یا سیاسی است. نصراالله منشی برای آموزش حکمت عملی با توجه به اعتقادات هندی و اسلامی با بهره گیری از حیوانات، داستان‌هایی را نقل می‌کند که گذشته از معنای ظاهری، دارای یک معنای باطنی و کلی نیز هست، معنایی که در پس کلمات نمادین و سمبلیک پنهان شده است. هدف از این مقاله بررسی تأویلات بکار رفته در کلیله و دمنه است.

کلید واژه‌ها: کلیله و دمنه، تمثیل، فلسفه تمثیلی، تفسیر تمثیلی، شخصیت‌های تمثیلی

* استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

فوکو، هدایت و راوی مستبد بوف کور

سهراب طاوسی*

بوف کور نوشته صادق هدایت همواره یکی از رمان های بحث انگیز ادبیات معاصر ایران بوده است. یکی از موضوعات چالش برانگیز در این رمان نحوه بیان داستان و استفاده هدایت از زاویه دید اول شخص است. برخی از منتقدین بر این باورند که استفاده هدایت از زاویه دید اول شخص به این منظور بوده است که بر تنهایی راوی به عنوان شخص اول داستان تاکید شود. مقاله حاضر ضمن احترام به این نظر، در نظر دارد دیدگاه جدیدی درباره این نوع زاویه دید ارائه دهد. این مقاله به این زاویه دید که قدرت مطلق را در اختیار راوی داستان قرار داده از منظر تئوری قدرت میشل فوکو نگریسته است. فوکو با استفاده از استعاره زندان panopticon یا سراسرین جرمی بتنام به تبیین تئوری خود پرداخته است، سپس طرفداران او این نظریه را وارد ادبیات داستانی کردند. مقاله حاضر پس از تشریح نظریه سراسرینی فوکو، و یافتن شواهد کافی این نظریه در ساختار بوف کور، در پایان به این نتیجه می رسد که ساختار داستان بوف کور استبدادی و در خدمت گفتمان غالب دوره هدایت بوده است.

کلیدواژه‌ها: میشل فوکو، قدرت، سراسرینی، زاویه دید، گفتمان.

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد واحد دزفول

تحلیل ساختار نقیضه های نظام قاری (شاعر البسه)

رحیم طاهر*

نظام قاری، یکی از شعرای نیمه دوم قرن نهم هجری است، او نقیضه پردازی همچون بسحاق اطعمه است با این تفاوت که بسحاق در باره اطعمه و قاری به پیروی از او در موضوع خاص البسه نقیضه ساخته است. نقیضه (parody) یکی از انواع ادبی است و به تقلید مسخره آمیز یک اثر ادبی جدی یا شیوه ای خاص در سروده ها یا نوشته ها اطلاق می شود. معمولاً در نقیضه، خصوصیات لفظی، سبکی یا عقیده نویسنده اثر اصلی به شکلی مبالغه آمیز بازسازی می شود. (میر صادقی، ۲۷۹، ۱۳۷۳) نظام قاری در نقیضه سازی فقط به قالب و صورت ظاهر کلام یا به تعبیر دیگر به فرم (Form) اثر اصلی توجه دارد و در صدد رد و انکار ایده سراینده یا نویسنده آن اثر نیست. او در گزینش متن منظوم یا مثنوی برای نقیضه پردازی، به آن دسته از آثاری که اهل زبان یا مخاطبان با آنها مانوس ترند، بیشترین توجه را نشان می دهد و از میان آثار ادبی اغلب غزلیات حافظ یا سروده ها و نوشته های مثنوی سعدی را بر می گزیند. تقلیدهای او به دو حوزه لفظ و دیگری سبک و شیوه بیان مربوط می شود. نقیضه ها از دیدگاه مهدی اخوان ثالث بر دو گونه اند یا «نقیضه جد» هستند که برای مقابله و نظیره گویی یا رد و تخطئه شعر شاعری دیگر یا کلا اثر ادبی و فکری دیگری به صورت نظم یا نثر ساخته شده اند و یا از گونه «نقیضه هزل» هستند که گاه این نوع نقیضه، از رکاکت الفاظ و دادن نسبت های ناروا به صاحب اثر اصلی خالی نیست. (اخوان ثالث، ۲۹، ۱۳۷۴) نقیضه های قاری نیز از نوع دوم یعنی نقیضه هزلند با این تفاوت که الفاظ رکیک یا بی عفتی قلم در سروده ها و نوشته های او در مورد اشخاص اعم از سراینده یا نویسنده به چشم نمی خورد؛ مثلاً «داستان قاری در بازار اثواب و منازعت با مدعی» که یکی از نقیضه های قاری است. (قاری، نسخه خطی، ص ۱۹۳)^۱ نقیضه ی یکی از حکایات معروف گلستان سعدی در باب هفتم آن با عنوان «جدال سعدی با مدعی در بیان توانگری و درویشی» است. قاری در این نقیضه، فقط به تقلید از شیوه بیان سعدی و سبک و سیاق او، با «لطیف طبعی» مناظره کرده اما در عین حال از سعدی نام نمی برد و عقیده وی را

* دکترای زبان و ادبیات فارسی

^۱ این بخش، قسمتی از نسخه خطی به شماره (۱۱۶۶) کتابخانه ملی است که نسخه یاد شده در دیوان چاپی مرحوم محمد مشیری نیامده و نگارنده، این مجموعه را ضمیمه دیوان البسه تصحیح شده نموده که تحت عنوان «کلیات نظام قاری» زیر چاپ است و در تابستان سال جاری از سوی انتشارات کتابخانه مجلس شورای اسلامی منتشر خواهد شد.

نقد نمی کند و سخنی که بر رد و انکار اندیشه او دلالت کند، در این «منازعت» به چشم نمی خورد و به شخصیت شیخ اجل نیز ذره ای توهین نمی شود. بنابراین قاری فقط به قالب و سبک بیان اثر اصلی نظر دارد و نقیضه او از نوع نقیضه هزل و در عین حال توأم با احترام به صاحب اثر اصلی است.

کلید واژه ها : نظام قاری، دیوان البسه، ساختار نقیضه ها، سبک و شیوه بیان.

شاخصه های سبکی زبان شعر سپید

دکتر حمید طاهری*

مریم رحمانی*

« زبان » یکی از شاخص هایی است که به « شعر سپید » تشخص و تمایز می بخشد. مؤلفه ی زبان در شعر سپید از دهه ی سی تا کنون تحولات گوناگونی را گذرانده است که می توان آن را در دو دسته (۱) زبان شعر شاملویی (۲) زبان شعر بعد از دهه ی هفتاد تقسیم بندی کرد. در نگاهی کلی می توان گفت شعر سپید با فخامت و صلابت زبان شاملو هویت یافت که در دوره های بعد برای خلق شاعرانگی از آن فخامت فاصله گرفت و به تکنیک های تازه ی زبانی روی آورد. از جمله این تکنیک ها : ساخت شکنی، آشنایی زدایی و نزدیکی به زبان گفتار است.

کلیدواژه ها: زبان شعر سپید ، زبان شعر شاملویی ، زبان شعر بعد از دهه ی هفتاد ، ساخت شکنی آشنایی زدایی زبان گفتار.

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین المللی امام خمینی

* مدرس دانشگاه علمی کاربردی و پیام نور کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه رازی کرمانشاه

نگاهی به همانندی‌های شعر معاصر فارسی و عربی

دکتر شیرزاد طایفی*

زبانی را در دنیا نمی توان یافت که از دیگر زبان‌ها به گونه‌ای تأثیر پذیرفته باشد. پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد که تأثیر و تأثر زبان‌ها اصلی مسلم است. زبانی که با زبان‌های دیگر تعاملی نداشته باشد، زبانی مرده است؛ یعنی هر اندازه زبان‌ها بیشتر با هم در تعامل باشند، زنده‌تر و پویاتر می‌شوند و در گذر زمان خاموش نمی‌شوند. اثبات تأثیر و تأثر زبان‌های فارسی و عربی چندان دشوار نیست و پر واضح است که این امر صورت گرفته است؛ اما نوع تأثیرپذیری و تأثیرگذاری امری است که نیاز به بررسی دقیق‌تر و منسجم‌تر دارد. زبان فارسی بیش‌تر در حوزه اصطلاحات فقهی، مذهبی و حقوقی از زبان عربی وام گرفته، و زبان عربی نیز هم واژگانی به صورت دست نخورده (در قالب مبنی) و هم واژگان زیادی به صورت آمیخته (در قالب معرب) از زبان فارسی وام گرفته است. در مقاله حاضر با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای و با استناد به شواهد برجسته و به روش توصیفی - تحلیلی، مشابهت‌های شعر معاصر فارسی و عربی از زوایایی مورد بررسی قرار گرفته و فلسفه وجودی چنین شباهت‌ها نیز تبیین شده است. شعر معاصر عربی به دلیل زمینه‌های مشترک فکری که ملت‌های عرب زبان با اوضاع اجتماعی و فرهنگی ایرانیان دارند، با شعر معاصر فارسی دارای تشابهاتی است که از چند جهت قابل مطالعه و بررسی است.

کلیدواژه‌ها: ادبیات، شعر معاصر، فارسی، عربی، وجوه تشابه، بررسی تطبیقی.

* استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی.

بررسی متافیزیک در غزلیات سعدی

دکتر شیرزاد طایفی*

زری جبّاری*

متافیزیک یا ما بعدالطبیعه، یکی از مباحث برجسته در فلسفه است که انسان می تواند برای بسیاری از سؤالات اساسی خود درباره وجود و هستی، در آن پاسخی بیابد. در این مقاله، با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه ای، به بازکاوی موضوع متافیزیک در غزلیات سعدی پرداخته شده است. دنیای ادبیات قلمروی است مملو از فضای متافیزیکی، و سعدی نیز یکی از اندیشمندانی است که نگاه فرافیزیکی به مقولات عمده هستی و فراهستی داشته است؛ بنابراین در این مقاله، رویکرد ادیبانه وی به امور ما بعدالطبیعه بررسی شده و با استناد بر مباحث فلسفی، نگاه متافیزیکی او درباره هستی، از لا به لای ابیات پر تعداد غزلیات وی، استخراج، دسته بندی و تحلیل گردیده است. بررسی دیوان غزلیات سعدی از این چشم انداز، بیانگر این واقعیت است که متافیزیک به عنوان یک مقوله ناب فلسفی، نقش بنیادینی در شکل گیری اندیشه های وی داشته است.

کلیدواژه ها: سعدی، غزلیات، متافیزیک، هستی، انسان.

* استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی.

* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.

بررسی مقایسه‌ای شخصیت پردازی زنان در رمان‌های «چراغها را من خاموش می‌کنم» و «عادت می‌کنیم» زویا پیرزاد

دکتر شیرزاد طایفی*

لیلا کمالخانی*

داستان بیان‌کننده زیر و بم‌های زندگی خانوادگی و اجتماعی افرادی است که اغلب حضوری واقعی ندارند و خوانندگان آنها را نمی‌شناسند؛ اما با شروع مطالعه یک داستان و حس هم‌ذات‌پنداری، کم‌کم به سرنوشت آنان علاقه‌مند می‌شوند و تا پایان، ماجرا را دنبال می‌کنند. شخصیت‌ها، در واقع، نقش‌آفرینان داستان هستند و خواننده ماجرا را از دریچه دید آنها می‌بیند و درک می‌کند. شخصیت‌پردازی نیز، هنر نویسنده در خلق افرادی است که مخاطب بتواند در روند داستان، با آنها ارتباط برقرار کرده، با فراز و نشیب زندگی‌شان همراه شود؛ از این رو، جذابیت داستان در گرو پردازش مناسب شخصیت است. در پژوهش حاضر، با توجه به زن‌محور بودن دو رمان «چراغها را من خاموش می‌کنم» و «عادت می‌کنیم» زویا پیرزاد، و اهمیتی که شخصیت در داستان دارد، به بررسی مقایسه‌ای شخصیت‌پردازی زنان در این دو اثر پرداخته شده است. زن در رمان «چراغها را من خاموش می‌کنم» خانه دار و دور از محیط کار و نماد بسیاری از زنان هم‌جنس خود و کاملاً سستی است و در «عادت می‌کنیم» زنی شاغل است، که در جامعه حضور دارد و از چهاردیواری آشپزخانه پا را فراتر گذاشته است و می‌خواهد برای زندگی خود تصمیم‌گیرنده باشد؛ اما با تمام تفاوت‌ها، شباهت هر دو در یک چیز است؛ هر دو می‌خواهند حضور خود را ثابت کنند و برای یک بار هم که شده، برای خود زندگی کنند.

کلید واژه‌ها: زویا پیرزاد، ادبیات معاصر، رمان، شخصیت‌پردازی، بررسی تطبیقی.

* استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی.

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی.

صدای پای رودکی در شعر زهاوی

دکتر اسحاق طغیانی اسفراجانی*

عباس یداللهی*

پدر شعر پارسی، رودکی سمرقندی، یکی از مشاهیر بزرگ ادب پارسی است که در دولت سامانیان توانست جایگاه ادبی والایی را به خود اختصاص دهد. وی که در طول حیات خود روزگار خوش و خرمی را در دربار سامانیان گذراند، توانست سروده‌های نغزی را از خود به یادگار بگذارد و دولت سامانی نیز از وی حمایت می‌کرد و از بخشش‌های خود وی را بهره‌مند می‌کرد. جمیل صدقی زهاوی نیز از جمله شعرای معاصر عراق است که از خود میراث ادبی گران‌سنگی را به جا گذاشته است. وی با افکار و اندیشه‌های عمر خیام نیشابوری آشنا بوده است و رباعیات وی را به زبان عربی برگردانده است. در این گفتار برآنیم تا در قالب ادبیات تطبیقی به برخی از درون‌مایه‌های مشترک میان رودکی و زهاوی اشاره کنیم. از جمله این مفاهیم مشترک می‌توان به اغتنام فرصت و بی‌اعتباری دنیا و افسوس بر گذر عمر اشاره کرد.

کلید واژه‌ها: رودکی، زهاوی، عمر خیام، ادبیات تطبیقی.

* استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب دانشگاه اصفهان

جذائیت عشق در صدا و سیمای شیرین

دکتر اسحاق طغیانی*

کوروش منوچهر*

در منظومه عاشقانه خسرو و شیرین، دو رابطه عاشقانه روایت می شود که از گونه عشق مجازی (عشق زمینی) است. نخست عشقی که میان خسرو و شیرین شکل می گیرد و دیگری دلبستگی یک سویه فرهاد به شیرین است. با توجه به تعریف ها و نیز تقسیم بندی که ابن سینا از عشق ارائه کرده است، عشق خسرو و شیرین در آغاز عشق مجازی حیوانی است که بر پایه زیبایی های جسمانی و ظاهری معشوق شکل می گیرد، یعنی خسرو با شنیدن وصف زیبایی های شیرین از زبان شاپور عاشق او می شود و شیرین نیز با دیدن تصویری که تنها نشان دهنده جذائیت های ظاهری خسرو است به او دل می بندد. در پایان داستان، این عشق مجازی حیوانی با مدیریت شیرین بر رابطه عاشقانه، یعنی عفاف ورزیدن و جلوگیری از سقوط آن در گرداب هوس، به عشق مجازی نفسانی که بنیاد آن بر مشابَهت و مشاکلت دو نفس (روح) است، ارتقا می یابد. عشق فرهاد به شیرین، عشقی یک سویه، ابراز نشده و ناکامیاب است. فرهاد عشق را ابراز نمی کند و در خیال خود با شیرین عشق می ورزد. این عشق مکتوم و ناکامیاب را، عشق عذری نیز نمی توان به شمار آورد چرا که به جز ویژگی از درد عشق مردن، فاقد دیگر ویژگی های عشق عذری مانند وصل نخواستن و سر پوشاندن است. عشق فرهاد به شیرین، چنانکه گفته شد عشقی یک طرفه است. زیرا هیچ نشانه ای در متن داستان وجود ندارد که بیانگر تمایل شیرین نسبت به فرهاد باشد در حقیقت رابطه این دو، ارتباط طرفین یک معامله یا رابطه میان کارفرما و کارگر است. داستان عشق یک سویه فرهاد به عنوان روایتی فرعی برای پردازش شخصیت خسرو و شیرین به کار رفته است.

کلیدواژه ها: عشق مجازی، خسرو، شیرین، فرهاد، عشق یکطرفه، نظامی .

* استاد زبان و ادبیات فارسی

* دانشجوی مقطع دکتری

جاسوسی و خفیه نگاری در ادبیات فارسی

فروزان طویلی

در این مقاله روشهای جاسوسی و خفیه نگاری که در کتب مختلف ادبی فارسی از قرن چهارم تاکنون بیان شده و نقش دیوان اشراف و دامنه کار مشرفان، همچنین نکاتی درباره ویژگیهای سلطان مسعودغزنوی در خبرگیری و جاسوس گماریهای او که به تفصیل در تاریخ بیهقی و تاریخ طبری و ...، و خصوصیات جاسوسان در سیاستنامه نظام الملک و ... بیان شده؛ نام صاحبان دیوان اشراف در دوره های مختلف ذکر شده و از سویی دیگر شیوه های مختلف دریافت اخبار و اطلاعات از دشمن و جلوگیری از نفوذ جاسوس به لشکر خودی با بیان مثالهایی از تاریخ با شرح و تفصیل آورده شده است.

کلید واژه ها: مشرف، جاسوس، جاسوسی، انهاء، خفیه نگاری، سلطان مسعود، تاریخ بیهقی

منش نوشتار در شعر نو

دکتر ناهید طهرانی ثابت*

دانش نشانه‌شناسی، امروزه دنباله‌ی مفاهیمی است که سوسور از مفهوم نشانه ارائه نموده، اما در سطح آن باقی نمانده است. سوسور نشانه را امری ذهنی می‌دانست در حالی که نظریه‌پردازان بعدی مادیت نشانه را احیا نمودند. صورت بندی یلمزلف از آن جمله است. بر این اساس مادیت نشانه خود دلالت‌گر است. بارت با ایده گرفتن از یلمزلف، مفهوم دلالت صریح و دلالت ضمنی را مطرح می‌کند و نشانه به هر چیزی که بر چیز دیگری دلالت کند، اطلاق می‌شود. در این صورت هر یک از مختصات متن، نشانه به شمار می‌روند؛ لحن، نوشتار و نوع قلم هر یک نشانه‌اند و می‌توانند دلالت‌های ضمنی مختلفی را سبب شوند. این مقاله با توجه به مفاهیم و یافته‌های دانش نشانه‌شناسی به بررسی وجه شمایی نوشتار در شعر نو که مبتنی بر شباهت میان صورت نوشتاری و معنی آن است، می‌پردازد و آن را به عنوانی یک از آرایه‌های ادبی بررسی می‌کند.

کلیدواژه‌ها: نشانه‌شناسی، دلالت صریح و ضمنی، وجه شمایی نشانه، نوشتار، شعر نو، فنون بدیعی.

* دانش‌آموخته‌ی دوره‌ی دکتری رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تربیت مدرس

موسیقی حماسی شاهنامه

طغرل طهماسی *

منصور دلیر *

در میان ادبیات ایران، شعر و در میان آثار باقی مانده از شعرای مختلف، شاهنامه از جایگاه ویژه‌یی برخوردار است، آنچنان که شاید به تنهایی با تمام نسخ مصور دیگر در طول سده‌های متمادی برابری کند. این اثر، حافظ راستین سنت‌های ملی و شناسنامه‌ی قوم ایرانی است. شاید بی‌وجود این اثر بزرگ، بسیاری از عناصر مثبت فرهنگ آبا و اجدادی ما در توفان حوادث تاریخی نابود می‌شد و اثری از آن‌ها به جای نمی‌ماند. موسیقی و سازهای آن همواره حامل و ناقل ژرف‌ترین ارزش‌های فرهنگی و اندیشه‌های یک جامعه به شمارند. با شناخت سازها می‌توان به اهمیت میراث موسیقی بشر و اعتقادات و نحوه‌ی زندگی جوامع سنتی و گذشته پی بُرد. یک ساز همواره در فراخنای تاریخ، علاوه بر ایجاد نواهای دلنشین و همراهی کننده‌ی رقص و آواز، وسیله‌یی برای بیان سنت‌های شفاهی، اسطوره‌ها، مثل‌ها، حماسه‌ها، و آیین‌های شفابخشی و نمادین و وسیله‌هایی برای به هیجان آوردن افراد به ویژه جوانان در صحنه‌های نبرد به شمار می‌آید. سازها در آیین‌های مذهبی و غیرمذهبی مانند مراسم بزم و هنگامه‌ی نبرد، همواره نقشی برجسته داشته‌اند. موسیقی در شعر فردوسی از عناصر اصلی شعر محسوب می‌شود. چه، از نکات دقیقی که در انگیزندگی شعر نقش اساسی دارد، نوع وزن و حُسن ترکیب کلمات و استفاده از تمهیدات آوایی است. انتخاب وزن متقارب که هجاهای بلند آن کمتر از هجاهای کوتاه است، موسیقی حماسی شاهنامه را چند برابر می‌کند. علاوه بر استفاده از وزن عروضی مناسب، فردوسی با به کارگیری قافیه‌های محکم و هم حروفی‌های پنهان و آشکار، انواع جناس، سجع و دیگر صنایع لفظی تأثیر موسیقایی شعر خود را تا حد ممکن افزایش می‌دهد و با به کارگیری اصطلاحات و الحان موسیقایی آن‌ها را دوچندان می‌نمایاند.

کلیدواژه‌ها: ادبیات حماسی، شاهنامه، موسیقی.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

تحلیل عناصر داستانی رمان سلوک اثر محمود دولت آبادی

* بیژن ظهیری ناو

* مالک قاسمی

سلوک اثر محمود دولت آبادی رمانی است که با وجود حجم کم و ساختاری پیچیده به دلیل مضامین و اندیشه های فلسفی، عرفانی، هستی شناسانه و زیبایی شناختی، کاربرد عناصری چون زاویه دید سه گانه و تداعی های ذهنی پیوسته، شیوه روایتی تک گویی درونی و جریان سیال ذهن، طرحی پرورش یافته، سبک نوشتاری فخیم با گفتگوهایی زنده، شخصیت ها و لحن خاص آن و ... حائز اهمیت و قابل مطالعه است. دید متفاوت دولت آبادی به موضوعات اجتماعی و آوردن مضامین روزمره چون شهرنشینی، آوارگی و بی هویتی، نفرت و گریز از جمع گرایی و رسیدن به نوعی پوچی و تنهایی باعث شده است تا سلوک به اثری منحصر به فرد تبدیل شود اثری جاودانه که با وجود سایش ها و تراش های متعدد که ناشی از سبک خاص دولت آبادی است به گونه ای دنباله ی آثار برجسته ادبیات داستانی است و توانسته به جایگاه واقعی خود در این عرصه دست یابد.

کلید واژه ها: دولت آبادی، سلوک، طرح، شخصیت، فضا، داستان.

* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی و مدرس دانشگاه محقق اردبیلی

بررسی جایگاه و چهره‌ی دوگانه‌ی زن در ادبیات، اسطوره و تاریخ

دکتر پروانه عادل‌زاده، دکتر کامران پاشایی فخری*

موضوع زن و امور مربوط به او به عنوان یک واقعیت انکارناپذیر و تأثیرگذار از جمله موضوعات مهم و قابل عنایتی است که در داستان‌نویسی ایران سابقه‌ای دیرینه دارد. اگرچه طرح روابط زن و مرد در داستان‌های نویسندگان معاصر بیش از پیش مشهود است اما ضعف برخی اندیشه‌های اجتماعی سبب ناتوانی در شناخت زن و ارائه تصاویر تک‌بعدی از روابط زن و مرد می‌شود. در این مقاله نگارنده بر آن است علاوه بر بررسی اجمالی ادبیات بوف‌کوری، دلایل اساطیری، تاریخی و اجتماعی دید دوگانه نسبت به زن را تبیین نماید و موقعیت اجتماعی زن در ایران را که پیش از اسلام صورت مثالی و قدسی‌اش در اساطیر و حماسه به یاد سپردنی است و بنا به مقتضیات تاریخی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی سیر نزولی داشته است - یادآور شود.

کلید واژه‌ها: زن، مرد، داستان، اسطوره، تاریخ.

* اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

زبان و ادبیات فارسی در حیدرآباد، تدریس و ترویج

دکتر محمود عالم*

بهترین و پایدارترین رابطه بین دو ملت رابطه زبانی و رابطه فرهنگی می باشد و زبان فارسی مهمترین و اساسی ترین عنصر در ارتباطین دو کشور هند و ایران بوده است و در طول قرنهای بزرگترین میراث مشترک فرهنگی هند و ایرانی باشد. آثار منشور و منظوم بسیاری به زبان فارسی در این سرزمین به جا مانده است، پارسیگویان و پارسی نویسان زیادی در خاک این سرزمین خفته اند. کسانی که در طول این سالها همه هم و غمشان را به زبان فارسی ترویج کرده و از خود به یادگار گذاشته اند. میراثی که با فرهنگ تاریخ و ادبیات این سرزمین عجین شده است و امروز نمی توان آن را از ادبیات ملی هند بیگانه دانست. دوران افول زبان فارسی در شبه قاره پس از تسلط انگلیسها بر این سرزمین آغاز شد و به جایی رسید که امروزه چشم یک زبان خارجی به آن نگاه می شود و آموزش آن محدود به دانشگاه ها، کتابخانه ها و موزه های هند می باشد. گسترش و ترویج زبان فارسی نیازمند توجه بیشتر استادان و علاقمندان زبان فارسی است. شهر حیدرآباد در طی تاریخ همواره مرکز فعال زبان و ادبیات فارسی بوده است اما در طول چند دهه گذشته مطالعات زبان فارسی در این شهر هم مورد بی مهری قرار گرفته است. تلاش نویسندگانی در این مقاله بر آن است که اثبات کند که در روشهای تدریس و آموزش زبان فارسی در شبه قاره و بخصوص در هند باید تجدید نظر کرد، در حال حاضر به سبب پاره ای مشکلات توجه اصلی استادان به آموزش ادبیات فارسی کلاسیک است و ترویج و گسترش زبان فارسی امروز نادیده گرفته شده است. مشکلات تدریس زبان فارسی و راه حل های آن و ترویج زبان و ادبیات فارسی در این منطقه از موضوعاتی هستند که در این مقاله به آنها پرداخته می شود.

کلیدواژه ها: هند و ایران، حیدرآباد، روش تدریس، ترویج زبان فارسی

* استادیار بخش مطالعات فارسی دانشگاه انگلیسی و زبانهای خارجی حیدرآباد، هند

تحلیل اشعار قیصر امین پور

فاطمه عالی*

قیصر امین پور شاعری بود که در پی آزمون های متعدد در دوره ی حیات شاعرانه اش، از باریکه های دشوار تجربه در سرایش، عبور نموده و درست همانند هر شاعری در فرایند تجربه اش، به فراز و فرود های کار در حوزه ی شعر آشنایی ژرف داشت؛ بی تکلف باید گفت که این عبور از باریکه های دشوار تجربه، افزون بر فرودهای کار شاعری، از وی شاعری سختکوش، مطرح و قامت ایستاده بر سکوی شعر ساخت. از طرفی تحولات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی دهه شصت به بعد برای قیصر تجربیات بسیاری را به همراه آورد که با تامل در آثار او می توان به زمینه های فکری و تاثیر پذیری او از آموزه های دینی، مذهبی، پاسداشت ارزشهای متعالی جنگ، تقدیس انقلاب و چهره های انقلابی، توصیف شخصیت های دینی و معارف اسلامی، تاکید بر مبانی و مفاهیم موجود در فرهنگ شیعی، تمجید فرهنگ شهادت و تجلیل از شهدا و ... پی برد او آرام آرام در یک فرایند معقول و با پذیرش واقعیت های موجود به سرودن اشعاری روی می آورد که بازتاب دل مشغولی های شاعر از خود و اجتماع است و در حقیقت به شکل نمادین تامل، تردید، پرسش، اعتراض و انتقاد خود را بیان می دارد. در این مبحث با سیری در آثار قیصر به تطور اندیشه و تحلیل اشعارش خواهیم پرداخت.

کلید واژه ها: قیصر، شعر، تجربه، مفاهیم...

* مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

ساخت صفت مفعولی در زبان تاجیکی معاصر (مطالعه موردی: رمان های مناظره و بیانات

سیاح هندی نوشته فطرت بخارایی)^۱

دکتر حیات عامری *

دکتر ابراهیم *

زبان قوم آریایی نژاد ماوراءالنهر، همزمان با شکل گیری زبان فارسی در بعد از ورود اسلام به ایران تا اشغال این منطقه از سوی تزار روسیه، برافتادن امارات های سه گانه خوقند (۱۸۷۶م)، بخارا و خوارزم (۱۹۲۰م)؛ و در نهایت تقسیم به پنج جمهوری آسیای مرکزی از سوی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۲۴م، فارسی بود؛ همان گونه که زبان رسمی دولت بخارا نیز فارسی نام داشت. با شکل گیری جمهوری خودمختار تاجیکستان در سال ۱۹۲۴م، که در سال ۱۹۲۹م به سطح جمهوری های مستقل دیگر منطقه ارتقا یافت، این زبان با نام تاجیکی، زبان رسمی و دولتی جمهوری تاجیکستان شد. نقش فطرت بخارایی (۱۸۸۶-۱۹۳۸م)، در تکوین این زبان نوآیین، منحصر به فرد است؛ به گونه ای که عموم پژوهشگران زبان تاجیک، کتاب های فارسی این نویسنده و نظام های آوایی، واژگانی و نحوی به کار رفته در آن ها را از نخستین آثار شکل دهنده زبان نوین تاجیکی در آسیای مرکزی می دانند. این زبان نوآیین تقریباً همان لهجه فارسی مردم بخارا بود که پیش تر فقط در گفتار مردم به کار می رفت و صرف نظر از چند استثنا، عموم نویسندگان و شاعران این منطقه در آثار خود کم و بیش از زبان معیار نوشتاری فارسی ایران بهره می بردند. در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی، ساختمان صفت مفعولی در ساخت نحوی رمان های مناظره (استانبول، ۱۳۲۸ق/۱۹۱۰م) و بیانات سیاح هندی (استانبول، ۱۳۳۰ق/۱۹۱۲م) طبقه بندی و تحلیل شد. صفت مفعولی در زبان تاجیکی، علاوه بر استفاده از شکل و کاربرد معمول در زبان فارسی، دارای الگوهای ویژه ای است که هم از نظر ساختواژی و شکل و هم به لحاظ کارکردهای زبانی، با صفت

^۱ این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی نگارندگان است که در سال ۱۳۹۰-۱۳۸۹ در مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس تهران ذیل نام لهجه فارسی بخارایی در آثار فارسی عبدالرئوف فطرت بخارایی با تکیه بر دو رمان مناظره و بیانات سیاح هندی به انجام رسیده است.

* استادیار زبان شناسی دانشگاه تربیت مدرس

* خدایار استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس

مفعولی در زبان فارسی معاصر متفاوت است، به گونه‌ای که می‌توان برای آنها پنج الگوی مختلف در نظر گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که از میان این الگوها، تنها سه الگو در دو اثر مورد بررسی در این پژوهش (بیانات سیاح هندی و مناظره) به کار رفته و الگوهای دیگر نمودی نداشته است. این سه الگو عبارت‌اند از ۱. ستاک گذشته + پسوند **-a** (رفته: رفت، آمده: آمد)؛ ۲. ستاک گذشته + پسوند **-agi** (رفته‌گی: رفته‌ام، آمدگی: آمد، دوختگی: دوخته شده)؛ ۳. وند نمود + ستاک گذشته + پسوند **-agi** (می‌رفتگی: شاید بروم، کار می‌کردگی: کار می‌کند، باور نمی‌کردگی: ناباور).

کلید واژه ها: آسیای مرکزی، ماوراءالنهر، زبان تاجیکی، ساخت مفعولی، فطرت بخارایی، بیانات سیاح هندی، مناظره.

«خلاف آمد در شعر پست مدرن»

* زهرا عامری

* نفیسه نصیری

خلاف آمد یکی از شگردهایی است که همواره مورد توجه شاعران و نویسندگان و به طور گسترده تر هنرمندان بوده است. با توجه به این که این آرایه امروز یکی از آرایه های غالب و ویژگی های سبکی شاعران پست مدرن است. در این مقاله سعی شده است نحوه استفاده آنها از این آرایه و میزان موفقیتشان در به کارگیری آن مورد بررسی قرار گیرد. به دلیل گستردگی نمونه های مورد بحث سه شاعر؛ وحید نجفی، محمد سعید میرزایی و هادی خوانساری مورد مطالعه قرار می گیرند. در این مقاله خلاف آمد به عنوان شاخه ای از پارادکس در سه سطح خلاف آمد عرفی، خلاف آمد شرعی و تجرید بررسی خواهد شد.

کلید واژه ها: شعر معاصر، شعر پست مدرن، پارادکس، خلاف آمد

* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه کاشان

* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه کاشان

بررسی تقابل های فرهنگی مهاجران در چند رمان اجتماعی دهه شصت و هفتاد

دکتر مریم عاملی رضایی*

مهاجرت به تحرک جمعیت از یک محل جغرافیایی به محلی دیگر اطلاق می شود که به دلایل گوناگون فردی، اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی صورت می پذیرد. پس از انقلاب اسلامی، مهاجرت و جنبه های گوناگون آن، خصوصاً در نوشته های نویسندگانی که به نوعی با مهاجران در تماس بودند، در ادبیات داستانی بازتاب یافت و مضمون مهاجرت و پیامدهای آن، یکی از مضامین تکرار شونده در رمان پس از انقلاب است. مساله اصلی این مقاله بررسی و نقد تقابل های فرهنگی مهاجران در چند رمان اجتماعی دهه شصت و هفتاد است. در این رمان ها، تقابل میان فرهنگ خودی و فرهنگ بیگانه، پر رنگ است و به شکل های گوناگون در جامعه یا در درون افراد رخ می دهد و کشمکش اصلی داستان را رقم می زند. این پژوهش به بررسی بازتاب تفاوت های فرهنگی و اجتماعی میان فرهنگ مبدا و فرهنگ مقصد در رمان های اجتماعی این دو دهه می پردازد. این تفاوت ها به شکل تقابل میان ارزش ها و هنجارهای فرهنگ خودی با فرهنگ بیگانه، تعارضات درونی، گسست نسل ها و از میان رفتن زندگی خانوادگی به همراه بیان احساس تنهایی و غربت و پوچی عمیق مهاجران در رمان اجتماعی بازتاب یافته است.

کلید واژه ها: رمان اجتماعی، مهاجرت، تقابل فرهنگی، گسست نسلی، تناقضات درونی، دهه شصت و هفتاد

* استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بررسی رمان "شازده کوچولو" بر اساس رویکرد کهن‌الگویی یونگ

* محبوبه عباسی

* ستاره ترابی

هدف از این نوشتار بررسی جنبه‌های نمادین داستان "شازده کوچولو" بر اساس رویکرد کهن‌الگویی یونگ می‌باشد. در مورد رمان "شازده کوچولو"، اثر آنتوان دو سنت اگزوپری، مقالات و مطالب بسیاری تدوین شده است که هر یک به توصیف جنبه‌های مختلف این اثر پرداخته‌اند، اما مقاله‌ای مستقل به فارسی که از دیدگاه کهن‌الگوهای یونگ به آن نگریسته باشد، نوشته نشده است. محور نگارش این پژوهش، تحلیل محتوای اثر از طریق نمادپردازی‌های یونگ و نظریه‌های اسطوره‌ای او می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که داستان "شازده کوچولو" اثری کاملاً نمادین بوده که به لایه‌های درونی روان انسان توجه کرده است و نوعی رابطه‌ی انسان با اندیشه‌ها و باورها و دانسته‌های او در مورد خویشتن را بیان می‌کند. همین توجه به درونیات است که "شازده کوچولو" را به اثری برای تمام زمان‌ها و دوره‌ها و متعلق به همه‌ی انسان‌ها نموده است.

کلید واژه‌ها: شازده کوچولو، یونگ، کهن‌الگو، ناخودآگاه.

* دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات کودک و نوجوان دانشگاه شیراز mahboobehabbasi2012@gmail.com

* دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات کودک و نوجوان دانشگاه شیراز s.torabi_30@yahoo.com

مطالعه تطبیقی اشعار سیمین بهبهانی و پروین شاکر

دکتر سکندر عباس زیدی*

مطالعه تطبیقی عبارت از تاریخ روابط ادبی میان ملل مختلف جهان است و وظیفه اش مطالعه در «عناصر مشترک ادبیات کشور های مختلف است یعنی ادبیاتی که گاه ارتباط میان آنها زیاد و زمانی نیز این شباهت تنها ناشی از تصادف است. در واقع ادبیات تطبیقی از زمانی شکل گرفته است که ارتباط بین ملت ها گسترش یافته و رفت و آمدها افزونی یافته است. مشترکات فکری، عاطفی، احساسی و ذوقی ملت های مختلف را ادبیات تطبیقی می گویند. ادبیات ملت ایران و پاکستان در این حوزه وجوه اشتراکی دارند که آن را نیز ادبیات تطبیقی توان گفت و این مشترکات ساختمان ادبیات تطبیقی را در جهان شکل می دهد و همچنین عواطف و اذواق به عنوان نوعی پل ارتباطی میان روابط فرهنگی و ذوقی کشور های جهان در برقراری یک صلح پایدار جهانی نقش ایفا کرده است و این پل ارتباطی میان دو فرهنگ ایران و پاکستان و سایر کشورهای همجوار زیربنایی دارد بسیار مستحکم به ویژه میان ایران و پاکستان که افزون بر همه مشترکات، پیوند دینی آن نیز توانسته است آن را عمیق تر و مستحکم تر سازد. این پیوند دارای زمینه های مختلف است از جمله اسطوره، داستان، فرهنگ عامه، امثال و حکم... و شعر و ادب و موسیقی و سایر هنرهای برگرفته از فرهنگ مشترک میان ایران و پاکستان. گویندگان زن پاکستانی از مکتب شعری لکهنو تا هنوز پیوسته در لحن مردان اندیشه خود را در قالب شعر ریختند ولی زنانی به منصفه شهود رسیده اند که شعر ایشان مظهر الهام و کیفیت روانی زنان است با خواندن چنین متون احساس می شود، زنی بدان پرداخته است که از فطرت زنان خود خجالت نمی کشد. این طور که غزل های «لب گویا» از کشور ناهید و منظومه های فهمیده ریاض و پروین شاکر بازتاب همین سبک است. نوآوری های شعر سیمین بهبهانی و پروین شاکر مربوط به استفاده از مضامین تازه ای بر گرفته از زندگی مردم کوچه و بازار و ستم دیدگان و جنگ زدگان است. بخشی دیگر شعر ایشان مرتبط با ابداع و آفرینش وزن های نو و ترکیب و آرایش کلام نو در شعر و به ویژه در قالب غزل است. با وجود تلاش بسیار استعمار گران شرق و غرب برای ایجاد تفرقه بین مردم مسلمان ایران و پاکستان، روح فرهنگ و ادب فارسی چنان با روح مردم پاکستان در آمیخته است که هیچ ابزاری قادر به جدا کردن آن دو از هم دیگر نیست زیرا بلبل شیراز و گل باغ و چمن آن سامان و خسرو و شیرین و لیلی و مجنون نظامی و بوستان و گلستان سعدی در

* کارشناس امور فرهنگی پاکستان موسسه فرهنگی اکو

روح و فکر مردم پاکستان تأثیری کرده است بسیار عمیق که کم نیستند شاعران اردو زبان که از آنها الهام گرفته‌اند و برای بیان مقاصد خویش از مضامین آنها استفاده کرده‌اند. امید آن که این تلاش ناچیز صلایی عام برای پژوهشگران و محققان ارجمند باشد که با اندک توجهی به خانه همسایه دیوار به دیوار پیوند دیرپای فرهنگی خود را حفظ کنند و گسترش دهند. چرا که زبان اردو به اندازه ای با زبان فارسی نزدیک است که سرود ملی پاکستان صرفاً نظر از یک کلمه تماماً فارسی است که پیش از این گفته آمد و می‌توان گفت که زبان اردو و فارسی یکی از عوامل مهم و کارآمد برای تحکیم پیوند اخوت و محبت بین ملت ایران و پاکستان است. روابط دوستی بین ایران و پاکستان موضوع تازه‌ای نیست. دین ما و میراث فرهنگی ما یکی است.

کلید واژه ها: مطالعه تطبیقی، نوآوری‌های شعر، مشترکات اشعار سیمین بهبهانی و پروین شاکر

نگاه ادبیات کودک به رئالیسم فانتزی در پریلوگ ابومسلم نامه

سکینه عباسی*

دکتر یداله جلالی پندری*

رئالیسم فانتاستیک از ژانرهای پرکاربرد در ادبیات کودک و نوجوان است. علت کاربرد این نوع، تخیلی بودن و محال بودن امکان وقوع داستان در عالم واقعی است. از نظر سازه ای بهترین ابزار برای ساخت فانتزی عامیانه، متون اساطیری و حماسی هستند. نمادها و بن مایه ها در این نوع قصه ها به کنش، صحنه، حوادث، قهرمانان و زمان و مکان و حتی چهره و زبان شخصیت ها معنا و مفهوم سحرآمیزی می دهد و تخیل شنونده کودک یا ذهن کودکانه را فعال تر می کند. نیز، در کنار موضوع اصلی این قصه ها، موضوعات فرعی دیگری هم وجود دارد که تابعی از موضوع اصلی داستان است و همراه آن گسترش می یابد و در جهت تقویت موضوع اصلی به کار می رود. قصه بلند ابومسلم نامه به دلیل دربرداشتن حوادث و قهرمانان تک بعدی و درونمایه های حماسی مناسب ایام خلق خود (پیش از قرن دهم هجری) شرایط فانتزی سازی رئالیستی را داراست؛ چرا که از یک سو بر اساس زندگی اشخاص واقعی تاریخی نگارش یافته و از دیگر سوی، با شاخ و برگ های آفرینندگان قصه، جلوه فانتزی یافته است. پیش درآمد قصه بلند ابومسلم نامه، قصه بلند «جنیدنامه» است که به طور کامل به وسیله ذهن قصه پردازان ساخته شده است. این قصه بلند، ماجرای سفر دوازده ساله قهرمان قصه (سیدجنید) است که برای مسلمان کردن ساکنان کافر سرزمین های دیوان و پریان صورت می گیرد و به موازات آن رسیدن وی به دختر زیباروی قصه (رشیده پریزاد) نیز روایت می شود. سازه های بنیادین این قصه به شدت تحت تأثیر سازه های حماسی شاهنامه فردوسی و سازه های فانتزی آن تحت تأثیر گرشاسپ نامه اسدی طوسی است. در این قصه، طبق الگوهای تقابلی، دگرذیسی و جانشینی در قصه ها، رویارویی قهرمانان قصه با نیروهای فوق طبیعی، چهره های جادویی و موجودات عجیب و غریب کشمکش داستان را شدت می بخشد و باعث هول و ولای شدید در ذهن کودک (یا کودکانه) می شود و چنان نیروی همذات پنداری به تخیل کودک تزریق می کند که علاوه بر آگاه کردن وی از تاریخ گذشته سرزمینش، شجاعت را به عنوان یک حس در درون وی می پروراند. بویژه وجود عناصر سامی و اسلامی در این قصه بلند و

* دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد abbasisakineh@ymail.com

* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد Jalali@yazduni.ac.ir

التقاط آن با اساطیر ملی، تحت تأثیر زمان و مکان نقل و نگارش متن، سبب آگاهی کودک از مضامین دینی و باورهای آیینی اسلامی خواهد گردید. حاصل کار نشان می دهد که نقل چنین قصه هایی برای کودکان سبب نظم بخشیدن به آشفتهگی های درونی آنها، حرکت ذهنی آنها از کودکی به بلوغ و یکپارچگی درونی به جای حس های متضاد می شود.

کلیدواژه ها: ابومسلم نامه، حماسه، رئالیسم فانتاستیک، کودک و نوجوان، الگوبرداری.

نگاهی به مقوله روایت در تاریخ بیهقی

غلامحسین شریفی ولدانی

مرتضی عباسی

هدف از طرح این جستار، بررسی عنصر مهم روایت در تاریخ بیهقی است. از آنجا که این شیوه نگرش به تاریخ بیهقی تا حدی بی سابقه است، به این منظور، نویسنده این سطور، نخست تعریفی از ساختار داستان، بویژه روایت، ارائه می دهد و آنگاه در ضمن تحلیل عناصر و اجزاء آن و ارائه پیوندهای این عناصر، آنها را در متن کتاب جستجو می کند و مترجی است که با ذکر نمونه هایی و توجه به شکل و شیوه "روایی نمایشی" متن به این نتیجه دست یابد که چگونه آن اجزاء و ارکان در پیشبرد مقاصد داستان و در بستر جاذبه یک رابطه علی و استدلالی، ضامن استحکام و انسجام آن اند؟ با این وجه، در نهایت بر آن است که از یک طرح کلی و پایدار روایی، با سیر و حرکت متوالی و برمدار، از بدایت تا نهایت، رونمایی کند.

کلید واژه‌ها: تاریخ بیهقی، داستان، شکل و ساختار داستان، روایت.

زبان حال موسیقی در روایت غنایی داستان بیژن و منیژه

مرتضی عباسی *

دکتر اسحاق طغیانی اسفرجانی *

این نوشتار بر آنست تا با توجه به مفهوم عام و خاص زبان حال، الوان آن را در طیف جاذبه پیوند لفظ و لحن، در روایت فردوسی از داستان بیژن و منیژه، مورد بررسی قرار دهد و میزان انگیزش و اثرگذاری این حال را بنماید. بر این اساس، با توسیع افق دید ادبیات غنایی و در نظر آوردن وجوه غنایی موجود در شاهنامه و حال سیال طرب و تغنی نهفته در لطایف نهانی و آنی این اثر سترگ که بیشتر سویه‌های پهلوانی آن در چشم‌ها آمده است می توان دایره شمول بخش مزبور (غنایی) ادبیات را برای در بر گرفتن همه آنچه که نه عاشقانه صرف، اما ادیبانه و از مقوله یک اثر ادیبست و راه به سوی گونه ای کمال زیبایی شناسانه دارد، گسترده تر کرد و در سنگلاخ تیر و تیغ و سنان و سرنیزه، ردّ اغانی و الحان را نیز پی جست. در واقع، آنچه در این مجمل مورد بحث قرار گرفته، نوع حس و حالست که از مطاوی درآمیختگی وزن عروضی و ایقاعی موجود در منظر غنایی روایی فردوسی، عارض حال مخاطب و دستگیر روح او می شود؛ اینکه چگونه گاه می توان معنی خاصی را نه با لفظ که با لحن، انتقال داد.

کلید واژه ها: شاهنامه، موسیقی، زبان حال، ادبیات غنایی، روایت.

* دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان

* عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان

دویت، دوات، رکاب، رکیب

* مرتضی عباسی

دکتر جمشید مظاهری (سروشیار)*

غرض از برانگیختن این بحث، آن است تا نگارندگان، وجوه و دلایل کاربرد شکل ممال برخی از واژه‌ها را در متون نظم و نثر، در طیف مباحث بلاغی، زبانشناختی، دستوری، سبکی و دانش تجوید و قواعد قرائت کتاب کریم در مطالعه آورند و علاوه بر بررسی نظریات ارائه شده و مطرح در باب قاعده "ممال" یا "اماله"، به چرایی و دلیل کاربرد و به عبارت بهتر، هدف بکارگیری این ساخت و سیاق از یک واژه نیز پردازند. این "چرایی"، که نوشته حاضر به تبیین آن می‌پردازد، در واقع، همان نکته پنهان و لطیفه نهانی است که بسامد بسیار زیاد کاربرد این ریخت از برخی واژه‌های خاص را در غالب متون نظم و نثر زبان فارسی، توجیه می‌کند.

کلید واژه‌ها: ممال، اماله، زبان، تحول زبانی، ساختار نحوی.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان

* عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان

مقایسه تحلیل خطاهای نحوی زبان آموزان مدرسه بنت الهدی قم

طاهره عبداللهی پارسا

تحلیل خطاها همیشه به دلیل آسانتر کردن فرآیند یادگیری زبان مقصد از اهمیت ویژه برخوردار است؛ چرا که خطاهایی که زبان آموزان در فرآیند یادگیری مرتکب می شوند همواره مورد توجه معلمان و مولفان کتابهای درسی بوده و هست. به همین دلیل در این پژوهش برآن شدیم به بررسی و تحلیل انواع خطاهای نحوی زبان آموزان سطح متوسطه و پیشرفته در یکی از مراکز فعال آموزش زبان فارسی یعنی مدرسه بنت الهدی در دو سطح متوسطه و پیشرفته و نیز بیان دلایل ایجاد خطا در آنها باشیم. فرضیه مقاله حاضر این است که تشخیص خطاهای نوشتاری نحوی زبان آموزان، پیش از وقوع قابل پیش بینی است و تاثیر پیش بینی خطاها به میزان زیادی در جلوگیری بروز خطا توسط زبان آموزان موثر است. نتایج و یافته های این مقاله می تواند در روند فراگیری زبان نقش موثری ایفا کند و نیز به تالیف بهتر کتاب های آموزشی کمک کند.

کلید واژه ها: تحلیل خطاهای نحوی، سطح متوسطه، سطح پیشرفته.

تحلیل نشانه‌شناسی کنش‌های گفتاری در فیلم‌نامه «هامون» داریوش مهرجویی

فائقه عبدالهیان*

سینما یکی از پیچیده‌ترین شکل‌های ارتباط است. این پدیده به این دلیل که بر سنت شفاهی نقل داستان تکیه کرده است، مورد توجه مخاطبان قرار می‌گیرد؛ در واقع سینما شکلی مدون از شفاهی بودن داستانی را از نو معرفی می‌کند در این شکل مدون که فیلم‌نامه نامیده می‌شود توصیف روایی آنچنان که در داستان موجود است جای خود را به تقلید می‌دهد و تأثیری آنی و دقیق از خود بر جای می‌گذارد بنابراین فیلم‌نامه یکی از مهم‌ترین بخش‌های ماهیت ترکیبی سینما است که در کنار دال‌های غیر کلامی قرار می‌گیرد. این بخش برای نشانه‌شناسان، عرصه‌ای است که می‌توان بسیاری از مسائل تحلیلی نشانه‌شناسی را در آن دنبال کرد. این مقاله بر آن است تا به تحلیل نشانه‌شناسی کنش‌های گفتاری در فیلم‌نامه «هامون» داریوش مهرجویی بپردازد و ویژگی‌های آن را تبیین نماید و تلاش می‌کند با بررسی عرصه‌های مختلفی چون؛ شرایط به جا بودن، انواع کنش‌های بیانی و غیر بیانی، استلزام و قواعد مکالمه، صنایع بلاغی و... توجه ما را به ساختار و رویکردی تازه در زمینه نشانه‌شناسی فیلم‌نامه جلب کند و بدین ترتیب با روش ویژه‌ای بررسی‌ای از فیلم‌نامه هامون ارائه نماید. روش پژوهش توصیفی تحلیلی است و شیوه‌ی گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای رسانه‌ای است.

کلیدواژه‌ها: فیلم‌نامه، نشانه‌شناسی، داستان، کنش‌های گفتاری، داریوش مهرجویی.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان

رابطه ی القاء معنی و تضاد در شعر سنایی

دکتر هدی عرب زاده*

اندیشه و هنر سنایی، از دیرباز، جایگاه ویژه ای را در گستره ی ادب و فرهنگ فارسی به خود اختصاص داده است. از جمله ی مهم ترین دلایل این اهمیت آن است که از او به عنوان نخستین شاعری یاد می شود که مفاهیم عمده ی عرفانی را به صورت گسترده وارد حوزه ی ادب فارسی کرده است و از این منظر او را یکی از قللی می دانند که راه را پیش پای بزرگانی چون عطار و مولانا گشوده است. به تعبیری دیگر سنایی شاعر دوران سازی قلمداد شده که حال و هوای تازه ای را در کالبد ادب فارسی دمیده است. در این بین یکی از مؤثرترین دلایل اهمیت سنایی را نحوه ی طرح مباحث پیچده ی کلامی به زبانی ساده و فراگیر دانسته اند، بالاخص در مثنوی *حدیقه حقیقه* که از مهم ترین آثار سنایی به شمار می آید. چنین به نظر می رسد که این توفیق سنایی رهاورد عناصر بجایی است که او در طرح چنین مباحثی به کار می گیرد. یکی از مهم ترین عناصر در القاء اندیشه و تصورات سنایی، عنصر تضاد است که نقش غیر قابل انکاری در این میان ایفا می کند. در واقع سنایی از انواع و انحاء مختلف تضاد در این راه بهره جسته است. در بحث حاضر سعی بر آن است تا نحوه ی انتقال معنا با دقت در انواع گوناگون تضاد در شعر سنایی با تکیه بر متن *حدیقه حقیقه* و برخی از قصاید و غزلیات وی مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

کلید واژه ها: سنایی، عرفان، کلام، تضاد، القاء معنی، *حدیقه حقیقه*.

* استادیار دانشگاه ولایت ایرانشهر

طبیعت در آثار « فروغ فرخزاد » و « می زیاده »

عباس عرب

راضیه نوری

رمانتیسم یکی از مهمترین مکاتب ادبی است که ادبیات جهان به خود دیده است چه از لحاظ فلسفه ی عاطفی و اصول انسانی آن و چه از لحاظ انعکاس این ویژگی در آثار ادبی و اجتماعی . شعر رمانتیک مضامین متعددی را در بر دارد که شادی آشناترین و قابل بحث ترین مضمون آن استفاده ی بسیار زیاد از طبیعت و عناصر موجود آن است . می زیاده از جمله شاعران و ادیبان عرب است که تحت تاثیر این مکتب قرار گرفت این متفکر و ادیب از بعضی جات به فروغ فرخزاد نزدیک می شود که از خصوصیات بارز شعر این دو پیوند با طبیعت و اشتیاق به سوی کشف مجهولات هستی بر اساس شیوه ی رمانتیک است . ما در این مقاله به صورت تطبیقی به بررسی مشترکات و تفاوت های کاربرد طبیعت در شعر فروغ فرخزاد و می زیاده می پردازیم .

کلید واژه ها: فروغ فرخزاد، می زیاده، رمانتیسم، طبیعت.

معرفی، تصحیح و نسخه شناسی دیوان علی نقی کمره ای

دکتر محمد جواد عرفانی بیضائی *

منیره محمد دادی *

"علی نقی کمره ای" با تخلص "نقی" شاعر غزل سرای قرن دهم است. از وی علاوه بر دیوان، تلخیصی از قسمت متقدمین خلاصه الاشعار میر تقی الدین کاشانی است. که از داستانهای ساختگی عشقی، پیراسته و در تراجم آنان فقط حقایق تاریخی و منتخبات اشعار را آورده است که بدین وسیله تذکره نو پدید آورده است. علی نقی کمره ای در قالب های شعری مختلفی از جمله قصیده، غزل، رباعی، ترکیب بند، معما و دوبیتی طبع آزمایی کرده است. که از بین این قالب ها به غزل توجه خاصی داشته است. به گونه ای که می توان وی را شاعری غزل سرا نامید. سبک شعری وی، سبک وقوعی (مکتب وقوع) می باشد. تصحیح دیوان براساس ۱۴ نسخه کامل و ناقص انجام گرفته است. که نسخه اساس متعلق به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است. این نسخه با شماره ۲۵۹۵ به علت تقدم زمانی و دیگر آنکه به قلم و کتابت خود شاعر است؛ به عنوان نسخه اساس انتخاب شد. هدف از تصحیح این نسخه علاوه بر احیای اثری گران قدر، آشنایی بیشتر با سبک شعری و شناخت هنر شاعری اوست. در مقدمه علاوه بر سبک شناسی و نسخه شناسی اثر به بررسی زندگی شاعر، اوضاع اجتماعی، فرهنگی و سیاسی عصر وی پرداخته شده است.

کلید واژه ها: علی نقی کمره ای، تصحیح، نسخه شناسی، سبک شناسی، دیوان

* استادیار دانشگاه پیام نور مرکز مشهد

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

نقد مقاله دوم از چهار مقاله نظامی عروضی از نقطه نظر حقایق تاریخی

لیلا عرفانیان فونسولی*

نظامی عروضی یکی از فرهیختگان بزرگ گذشته این سرزمین است که با خلق اثر گرانقدر خویش با نام چهار مقاله گامی مهم در حفظ فرهنگ این مرز و بوم و زبان شیرین آن برداشته است. نقش مهم دیگر چهار مقاله انتقال حوادث تاریخی گذشته و نقل آن برای علاقمندان به گذشته این مرز و بوم می باشد. اما یکی از مشکلات چهارمقاله در انجام این نقش اغلاطی است که در بازگویی وقایع تاریخی آن به چشم می خورد و گاه نگاه های مشتاق به ادبیات گذشته ایران را به بدبینی می کشاند. هدف از نگارش این مقاله کشف اشتباهات رخ داده در مقاله دوم نظامی عروضی است تا با یافتن این اشتباهات و تصحیح آنها آنان که مشتاقانه رو به سوی چنین آثاری می آورند و تاریخ و فرهنگ پیشین کشور خویش را در آنها جستجو می نمایند، از بیراهه برهانیم و به آنها کمک کنیم تا حقایق را دریابند. پس از بررسی دقیق این مقاله به این نتیجه رسیدیم که غالب شخصیت ها و حوادث منقول در این مقاله، واقعیت تاریخی دارند و زمانی که برای حادث گشتن هر یک از شخصیت ها و حوادث نیز به کار رفته است صحیح می باشد؛ همچنین معدود شخصیت ها و حوادثی که واقعیت تاریخی ندارند نیز ممکن است به خاطر دستبردهایی باشد که در گذر تاریخ، دیگران به این اثر وارد نموده اند و وجود اغلاط تاریخی در نگارش چهار مقاله به هیچ عنوان از ارزش نگارنده آن و عمل وی نمی کاهد.

کلیدواژه ها: چهارمقاله-نظامی عروضی-اشکالات-ادبیات-تاریخ

* دانشجوی دکتری زبانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد

زبان و سبک بیان جهان ملک خاتون

دکتر علی اکبر عطرفی*

سارا پاشا*

جهان ملک خاتون از غزل سرایان قرن هشت است که برخی از غزل‌های او، از نظر موسیقی بیرونی و کناری با غزل‌های حافظ شباهت دارند. برای این پژوهش، پنجاه غزل از دیوان او انتخاب شده است. یکی از ویژگی‌های غزل جهان ملک خاتون، روانی و سادگی کلام است. این ویژگی در اسم‌ها، فعل‌ها، ترکیبات اضافی و ساختار نحوی جملات نمود دارد. اسم‌های به‌کار رفته در غزل‌ها از نظر ساختمان واژه، ساده هستند. استفاده از این واژه‌ها و پرهیز از کاربرد کلمه‌های مشتق و مرکب، موجب سادگی و دریافت راحت کلام می‌شود. ساختمان فعل‌ها نیز ساده است و از فعل‌های مرکب و پیشوندی، کمتر استفاده شده است که این امر، موجب کوتاهی جمله‌ها و القای سریع مضمون به مخاطب می‌شود. ترکیبات اضافی به‌کار رفته، ساده و پرکاربرد هستند و از حد سنت‌های ادبی فراتر نمی‌روند. ساختار نحوی جمله‌های موجود در دیوان جهان ملک خاتون، منطبق با قواعد دستوری است و به دلیل ضرورت شعر و ویژگی‌های خاص کلام ادبی، اندکی به هم‌ریختگی ارکان جمله، در مواردی دیده می‌شود. گاهی جابه‌جایی اجزای جمله، منجر به پیچیدگی مفهوم آن می‌شود، ولی چون بسامد وقوع آن‌ها خیلی پایین است، در تعیین سبک، تأثیر چندانی ندارند.

کلید واژه ها: جهان ملک خاتون، غزل فارسی، ادبیات قرن هشت، زبان و سبک.

* عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

شخصیت و شخصیت پردازی در رمان شطرنج با ماشین قیامت

دکتر ذوالفقار علامی مهماندوستی*

فریده خواجه پور*

در این مقاله یکی از معروف ترین رمان های دفاع مقدس به نام "شطرنج با ماشین قیامت" نوشته حبیب احمدزاده از نظر شخصیت و شخصیت پردازی مورد بررسی قرار گرفته، تا ضمن نشان دادن شیوه پردازش شخصیت در این رمان خوانندگان با شگردها و ترفندهای شخصیت پردازی این نویسنده آشنا شوند. شخصیت در این رمان به گونه ای نمایانگر افکار و عقاید مردم و جامعه زمان نویسنده است. نتایج بدست آمده نشان می دهد که نویسنده بیشتر از شخصیت های نوعی و همه جانبه استفاده کرده است. در شیوه شخصیت پردازی نویسنده تلاش کرده، شخصیت ها را بیشتر به صورت غیر مستقیم پردازش کند؛ هم چنین شخصیت پردازی ها تحت تأثیر سبک واقع گرایی قرار دارد و نویسنده از انواع پروتوتیپهای اجتماعی، مذهبی بهره برده اند. در کنار نقاط قوت، نقاط ضعفی نیز در این رمان دیده می شود که بارزترین و مهمترین آنها، ضعف نویسنده در شخصیت پردازی و تحول ناگهانی شخصیت ها بدون زمینه و زمان لازم است.

کلید واژه ها: شخصیت، شخصیت پردازی، شطرنج با ماشین قیامت، حبیب احمدزاده.

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهرا

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

بازتاب عناصر اساطیری و آیینی ایران باستان در "علی نامه"

ذوالفقار علامی میهماندوستی

مسروره مختاری

منظومه ی حماسی - دینی "علی نامه" اولین منظومه ی حماسی شیعی، در قرن پنجم هجری، توسط فردی متخلص به "زبیع" سروده شده است. این کتاب در شرح مغازی حضرت علی (ع) در جنگ جمل و صفین و نبرد آن حضرت با دو گروه "ناکتین" و "فاسطین" می باشد. از آن جا که اسطوره با حماسه خویشکاری و پیوند نزدیک دارد؛ و از آن روی که یادکردهای حماسه سرایان از عناصر اساطیری و حماسی از محیط فرهنگی و سیاسی و دینی بی تأثیر نمانده است؛ بررسی بازتاب عناصر اساطیری و آیینی ایران باستان و روش ها و شیوه های یادکرد شاعر از این عناصر، با توجه به شرایط عصر سراینده، در این مقاله مطمح نظر قرار گرفته است. به این منظور ابتدا برجسته ترین یادکردهای شاعر در این منظومه استخراج شده و اشتراکات و تمایزها و تناقض های فکری شاعر در مطاوی بحث ها بیان شده است. به منظور تسهیل در پرداختن به بازتاب عناصر مذکور، آن عناصر در چند مقوله اعم از: تفکر غالب در منظومه، حیوانات و موجودات افسانه ای، عناصر طبیعی یادکرد از شخصیت ها اعم از پادشاهان و پهلوانان مورد بررسی قرار گرفته است. حاصل این جستار این است که این منظومه در رو ساخت خود منظومه ای حماسی - دینی، و در ژرف ساخت خود با اساطیر و عناصر آیینی ایران باستان آمیخته است. شاعر از این عناصر به شیوه های تشبیه، تمثیل و تلمیح یاد کرده و در غالب موارد شخصیت های دینی منظومه ی خود را به شخصیت های اساطیری و ملی برتری داده است. به طور کلی رمز گشایی و بررسی بازتاب این عناصر، می تواند ما را با طرز فکر شاعر و تاریکی های ذهن جامعه ی عصر شاعر پیش تر آشنا کند.

کلید واژه ها: علی نامه، اسطوره، حماسه، آیین های باس

تأثیر فرهنگ و زبان فارسی بر فرهنگ و زبان عرب به دلیل جهانی بودن آن

* دکتر سید بهنام علوی مقدم

* محمد رضا پاشایی

زبان، مهم ترین نقش را در ایجاد هم دلی میان اقوام ایفا می کند و در طول اعصار با آفرینش آثار فرهنگی اثربخش بوده است. زبان فارسی نیز از این ویژگی برخوردار بوده و در طی سالیان متمادی در فرهنگ ها و زبان های مختلف تاثیر گذار شده است. در دوره ی پیش از اسلام و دوره ی اسلامی تا دوران معاصر نیز این تاثیر گذاری همچنان وجود داشته است. امروزه نیز می توان با برنامه ریزی و مدیریت دقیق این مسوولیت را به نحو احسن انجام داد و زبان و فرهنگ اسلامی - ایرانی را بیش از پیش گسترش داد. در این مقاله برآنیم تا ضمن بررسی نفوذ و تاثیر ایرانیان در زبان و فرهنگ اعراب به بیان نکات ارزنده ای درباره نقش ایرانیان در جهانی سازی فرهنگ اسلامی - ایرانی طی چهارده قرن پردازیم. برخی از آنان عبارتند از: - چگونگی تاثیر پذیری اعراب از فرهنگ و زبان ایرانی - فعالیت های فرهنگی ایرانیان و نقش موثر آنان در فرهنگ پیشین و امروز اعراب - معرفی واژه هایی که زبان عرب و قرآن از فارسی وام گرفته و ریشه ی فارسی دارند - ذکر کتاب ها و رساله هایی که توسط ایرانیان به زبان عربی تالیف شده و هم اکنون به نام اعراب ثبت شده است - معرفی دبیران، وزیران و بزرگانی که در میان اعراب مفید بوده و باعث رشد آنان شده اند - گسترش علوم چون طب، نجوم، موسیقی، معماری و... در میان اعراب توسط دانشمندان ایرانی - ارائه ی روش های سازنده در بهبود و جهانی سازی فرهنگ و زبان فارسی در روزگار کنونی.

کلید واژه ها: فرهنگ، زبان، ایران، عرب، فرهنگ اسلامی - ایرانی

* استادیار سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی

* دانشجوی دکترای ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات

بررسی زبانشناختی عناصر انسجام در متون کودک و نوجوان مجلات رشد به شیوه تحلیل متن

بهنام علوی مقدم

رضا خیر آبادی

معصومه خیر آبادی

مجلات رشد یکی از دیرپاترین نشریات تخصصی حوزه کودک و نوجوان در ایران هستند که توسط نهاد رسمی آموزشی کشور، یعنی وزارت آموزش و پرورش منتشر می‌شوند. این مجلات با هدف تولید متون خواندنی همسو با برنامه درسی برای دانش‌آموزان تمامی مقاطع تحصیلی انتشار می‌یابند، از این رو به جهت تأثیری که می‌توانند بر سوادآموزی و زبان‌آموزی (در مناطق غیرفارسی‌زبان) داشته‌باشند از اهمیت منحصر بفردی برخوردارند. در این تحقیق بر پایه نظریه نقش‌گرای هلیدی و حسن (۱۹۷۶)، عناصر انسجام در متون داستانی مجلات رشد بررسی شده‌است. هلیدی و حسن انسجام را در برقراری روابط معنایی بخش‌های مختلف و ایجاد یک متن موثر دانسته و معتقدند که عناصر انسجام، بر درک و تفسیر خواننده (یا شنونده) از متنی که با آن مواجه شده، تأثیر می‌گذارند. (هلیدی و حسن، ۱۹۷۶: ۴)

عناصر انسجام متن مورد نظر هلیدی و حسن از تنوع زیادی برخوردار هستند و به سه گروه دستوری، واژگانی و پیوندی تقسیم می‌شوند. در چارچوب نظریه مذکور، این تحقیق متون داستانی مجلات رشد را به‌لحاظ رعایت یا عدم رعایت عناصر انسجام دستوری مورد مطالعه قرار می‌دهد. جامعه آماری تحقیق متشکل از ۱۰ متن داستانی است که به شیوه تصادفی نظام‌مند از مجلات «رشد دانش‌آموز» و «رشد نوجوان» منتشر شده در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ انتخاب شده‌اند. نتایج این تحقیق علاوه بر نویسندگان مجلات رشد، برای سایر نویسندگان نشریات کودک و نوجوان هم می‌تواند مفید باشد.

کلید واژه‌ها: متن، انسجام، عناصر انسجام، درک مطلب، مجلات رشد.

مبانی هرمنوتیکی فهم در پرتو تأویل متن ادبی

دکتر مهیار علوی مقدم*

میلاذ جعفر پور*

فرایند خواندن، فعالیتی است پویا و در حقیقت نوعی آفرینش ادبی به شمار می‌آید که در خواننده، اندیشه می‌آفریند. فرایند خواندن باید به فرایند فهم متن بینجامد که خود، فرایندی است که در پرتو «تأویل» صورت می‌گیرد. به‌ویژه که در متن ادبی، ما، با چندگانگی، عدم ثبات و عدم قطعیت معنا روبرویم. چندگانگی معنایی و بدیهی نپنداشتن معنای متن، از رویارویی ساده با متن جلوگیری می‌کند؛ چندگانگی و عدم قطعیت معنا، مانع از آن است که خواننده و تأویل کننده‌ی متن، در جزمیت ذهنی خود، به مطلق‌انگاری مفاهیم و عدم نسبیّت‌گرایی معنا گرفتار شود. همچنین موجب می‌شود متن ادبی هیچ‌گونه محدودیتی را نپذیرد، در نتیجه هر خواننده‌ای می‌تواند آزادانه متن را به شیوه‌ی خود تأویل کند. اما اصولاً چرا خواندن‌های متعدّد وجود دارد؟ و چندگانگی معنایی که از چندگانگی خواندن سرچشمه می‌گیرد به چه معناست؟ در فرایند فهم متن که در پرتو «تأویل» صورت می‌گیرد، تأویل کننده‌ی متن، در سطح گسترده‌ای به فهم متن و کشف لایه‌های پنهان معنایی آن دست می‌یابد. مبانی هرمنوتیکی تأویل و فهم متن عبارتند از: ۱- پیش‌دانسته‌های تأویل کننده؛ ۲- پرسش از متن به کمک دریافت‌های گذشتگان و تجربه‌های امروزی؛ ۳- کشف معنای مرکزی متن؛ ۴- گرایش‌ها و علاقه‌ی تأویل کننده و انتظار از متن و ۵- تأویل متن در بافت موقعیتی خواننده و تأویل کننده. این مقاله می‌کوشد ضمن آشنایی با مقدمات و مبانی هرمنوتیکی تأویل و فهم متن، زیرساخت‌های نقد و تحلیل متن ادبی را بکاود و با بیان نمونه‌هایی، کارکرد این مبانی را در فهم و نقد و تحلیل متن بررسی کند.

کلید واژه‌ها: مبانی هرمنوتیکی فهم، تأویل متن ادبی، کارکرد مبانی هرمنوتیکی.

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری

ویژگی زبان در اشعار منوچهر آتشی

* بشیر علوی

* دکتر محمد کاظم کهدویی

منوچهر آتشی (۱۳۱۲-۱۳۸۴) در روستای دهرود دشتستان به دنیا آمد و یکی از شاعران پیرو سبک نیمایی بود. تقریباً بعد از کودتای ۲۸ مرداد ماه ۱۳۳۲ ش. پا به عرصه شعر گذاشت و با انتشار «آهنگ دیگر» (۱۳۳۹) خود را به جامعه ادبی ایران معرفی کرد. شعر آتشی در بردارنده مسائل اجتماعی زمان خود است. از آنجا که پیرو شیوه نیما بود، همچون باعث دگرگونی هایی در ادبیات معاصر گشت و با ایجاد واژه های امروزی و به کارگیری و ساختن فعل های جدید و عبارت های محلی و بومی و استفاده از واژه هایی که پیش از آن کاربرد آن ممنوع می نمود، زبان شعر خود را که در بردارنده گونه های نو در شعر معاصر بود، شاخص ساخت. او با خلق گونه های نودر زبان، در ادبیات معاصر تأثیرگذار شد. با عنایت به اینکه تاکنون در خصوص ویژگی های زبان شناسی، در شعر آتشی، به طور مستقل چندان توجهی نشده، در این مقاله تلاش خواهد شد تا ضمن بررسی دقیقتر در آثار وی، به این موضوع پرداخته شود.

کلمات کلیدی: منوچهر آتشی، ادبیات معاصر، سبک نیمایی، شعر محلی، شعر نو

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

* دانشیار دانشگاه یزد

ساختار شکنی حکایت‌های مرزبان نامه بر اساس رویکرد " دریدا "

* دکتر نسرين علي اکبري

* سعيد امامي / خديجه محمدي

ساختار شکنی دریدا نظریه‌ای است که علیه ساختار گرایی قیام می‌کند و اصول مورد پذیرش ساختار گرایی را به چالش می‌کشد هر چند که ساختار شکنی دریدا روش خود را همچون روش ساختار گرایان تحلیل متن می‌خواند اما برای تحلیل متن شیوه‌ای جدید را مطرح می‌کند که در پی خنثی کردن متن است و قصد دارد پایگاه ارزشی و سلسله مراتبی را که در متن وجود دارد وارونه سازی کند. در این مقاله، سعی شده است که بنا به نظریه‌ی ساختار شکنی دریدا متن مرزبان نامه تحلیل شود. متن مرزبان نامه که یکی از متون کلاسیک است به ظاهر دارای ساختاری مبتنی بر اندیشه‌ی متافیزیکی است که متناسب با همان چیزی است که دریدا متافیزیک حضور می‌داند، اما با قرائتی ساختار شکنانه از این متن، به کشف و واسازی متن پرداخته می‌شود، به طوری که تقابل‌های دو گانه و سلسله مراتبی‌ای همچون: تقابل شاه و رعیت در داستان اصلی، گرگ و بز غاله، شگال و خر، تاریکی و روشنایی و ... وارونه سازی می‌گردد و متن خنثی شده و مخاطب آنچه را کشف می‌کند که نویسنده نمی‌داند در حال گفتن آن است.

کلید واژه ها: تقابل‌های دو گانه، دریدا، ساختار شکنی، مرزبان نامه.

* استاد یار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کردستان

* دانشجویان کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی ارشد دانشگاه کردستان

تقابل‌های دو گانه‌ی تأویلی در باب اول "مرزبان نامه"

* دکتر نسرین علی اکبری

* خدیجه محمدی / سعید امامی

ساختار گرای ادبی، یکی از روش‌های تحلیل متن است که در دهه‌ی ۱۹۶۰ به اوج شکوفایی رسید و ریشه‌ی آن را باید در زبان‌شناسی سوسور جست که "تقابل‌های دو گانه" را می‌توان اساس تفکر ساختگرا دانست. در این مقاله سعی شده است باب اول اثر مرزبان نامه که از متون کلاسیک ادب فارسی است، بنابر تقابل‌های دو گانه‌ی موجود در نظریه‌ی ساختگرا بررسی شود. در متن این کتاب که، به شیوه‌ی حکایت در حکایت نگارش یافته، آنچه بیشتر مشهود است و نظر مخاطب را به خود جلب می‌کند، تقابل دو شخصیت اصلی در این باب است که هر یک نماینده‌ی نیروی خاصی می‌باشند؛ مرزبان نماینده‌ی نیروی خیر و مثبت و اهورایی و دستور، نماینده‌ی نیروی شر و منفی و اهریمنی است. هر یک از این دو شخصیت با خود مفاهیمی را دارند که در تقابل با مفاهیم مورد اعتقاد شخصیت مقابل قرار می‌گیرد. مرزبان خواهان مفاهیمی همچون عدل، خرد ورزی، مصرف صحیح از نعمت‌ها و ... است و در تقابل با مفاهیمی همچون جور، نادانی و اسراف قرار می‌گیرد که دستور باعث تشدید آن‌ها می‌شود. می‌توان این امر را برگرفته از اندیشه‌ی زرتشتی دانست که در یک طرف نور قرار دارد و در طرف دیگر ظلمت و تاریکی.

کلید واژه ها: تقابل‌های دو گانه، خیر و شر، ساختار گرای، مرزبان نامه.

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کردستان

* دانشجویان کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کردستان

تأثیر پذیری ادبیات فارسی از فرهنگ اسلامی

(با تکیه بر آثار سنایی، مولوی، حافظ، خواجه عبدالله انصاری و ابوالفضل بیهقی)

منصور علی زاده بیگدیلو*

از جمله رهاوردهای ورود اسلام به ایران تغییر در نظام فرهنگی جامعه بود. نظام جدید با شعار «ان اکرمکم عندا.. اتقاکم» انقلابی عظیم در اعتقادات اکثریت قریب به اتفاق مردم آن روزگار پدید آورد. شاعران و نویسندگان نیز از این تحول عظیم فکری بی نصیب نماندند و با آگاهی از فرهنگ نوپدیدی که اسلام به ارمغان آورده بود به آفرینش آثاری همسو با تعالیم آن دست زدند. قرآن به عنوان معجزه‌ی جاوید پیامبر اکرم (ص) از آن جا که دستورات دین مبین اسلام را در بر دارد بیشتر مورد توجه قرار گرفت و اهل قلم از آب حیات معانی آن بهره‌ها بردند و آثارشان را جاودانه ساختند. توحید، نبوت و معاد، برخی داستان‌های دینی (داستانهایی از رسول اکرم «ص»، خلفا و صحابه‌ی حضرت رسول «ص») و همچنین آوردن آیات و احادیث در جای جای سخن شاعران و نویسندگان نمونه‌هایی بارز از تأثیرپذیری ادبیات فارسی از دریای بی‌کران معارف اسلامی است. همچنین خلق آثاری چون مناجات نامه‌ها، ورود نیایش در شعر، پدید آمدن شعر زهد و عرفان اسلامی همه و همه از رهاوردهای فرهنگ و معارف والای اسلامی به شمار می‌رود. پژوهش حاضر تأملی است در آثار شاعرانی چون «سنایی، مولوی و حافظ» و نویسندگانی همچون «خواجه عبدالله انصاری و ابوالفضل بیهقی» که هریک به نوبه‌ی خود از بخشی از موارد یاد شده بیشترین اثرپذیری را داشته‌اند.

کلید واژه‌ها: اسلام، قرآن، فرهنگ اسلامی، ادبیات فارسی.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

بررسی تاثیر زبان فارسی بر مرثیه سرایی کشمیری

نصیر علی صوفی (از کشمیر هند)*

کشمیر، از فرهنگ ایرانی بهره زیادی برگرفته است، در گذشته ای نه چندان دور ایرانیان نقش مهمی در تعلیم و گسترش اسلام در این سرزمین به عهده داشته اند و به تعبیری تمدن و فرهنگ اسلامی در کشمیر جامعه ایرانی در بر کرده و فارسی، زبان دین و علم گردیده بود. از آنجا که عارفان ایرانی، آیین جدید را با زبان که خود و شاگردان و یارانسان بدان تکلم می نمودند و نیز همراه ادبیات پارسی، به کشمیریان عرضه نمودند، در میان توده مردم این دیار، زبان فارسی زبان و گفتار دینی و مقدس، حرمت و جایگاهی بلند یافت و به سرعت زبان و گویش محلی را متاثر و متحول ساخت بطوریکه بسیاری از کلمات فارسی به زبان مردم این سرزمین وارد شد و زبان پارسی در زمانی کوتاه آنچنان در کشمیر فراگیر شد که این خطه سرسبز و بهشت گونه، بدرستی «ایران صغیر» نام گرفت. در دوره حکومت زین العابدین (۱۴۲۰-۱۴۷۰ میلادی) زبان فارسی در کشمیر زبان رسمی اعلام گردید و دیری نگذشت که زبان فارسی جای سنسکریت را گرفت و در همه ابعاد زندگی مردم کشمیر نفوذ کرد. مرثیه سرایی نیز که پیش از آن به زبان سنسکریت/کشمیری سروده می شد دگرگون گردید و برای ادامه حیات خود جامعه فارسی را برگزید، و آثار فراوانی در این زمینه وجود دارد که نشان دهنده تاثیر زبان و ادب فارسی بر مرثیه سرایی کشمیری است. اکنون بعد از گذشت حدود پنج قرن اگرچه این تاثیر و نفوذ در موارد مختلف افول پیدا کرده است اما در زمینه مرثیه سرایی کشمیری تاثیر زبان فارسی نه تنها افول پیدا نکرده بلکه به طور روز افزون بیشتر و عمیق تر نیز گردیده است. در این مقاله کوشش بر این است که تاثیر زبان فارسی بر مرثیه سرایی کشمیری را از ابعاد مختلف ادبی و علمی بوزنه تحول زبان بررسی شده علت شکوفایی آن را تبیین گردد.

کلید واژه ها : مرثیه سرایی کشمیری، عرفان ایرانی، زبان و ادبیات فارسی، موسیقی صوفیانه

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی

ترجمه و بومی سازی: ابزاری برای حفظ و ترویج زبان فارسی

احسان علی پور*

جهانی شدن منجر به سلطه زبان انگلیسی در عرصه های گوناگون به ویژه در حوزه اینترنت شده است. این امر می تواند منجر به تداخل واژگانی زبان انگلیسی در زبان فارسی شده و به تضعیف آن بیانجامد. در این میان ترجمه نقشی متناقض دارد. از یک سو می تواند به نفوذ و مداخله زبان انگلیسی در فارسی کمک کند و از سوی دیگر همچون سدی در برابر چنین مداخله ای باشد و به حفظ و ترویج زبان فارسی بیانجامد. در این مقاله با تکیه بر مباحث مطرح شده در حوزه مطالعات ترجمه و جهانی سازی، دو مفهوم "ترجمه به مثابه بازتاب" و "ترجمه به مثابه بازیاب" با تمرکز بر بومی سازی و نگاه ها و نرم افزارها مورد بحث قرار گرفته و پیشنهادهایی برای کمک به حفظ و ترویج زبان فارسی مطرح شده است.

کلیدواژه ها: ترجمه، بومی سازی، مداخله زبانی، بازتاب، بازیاب.

* دانشجوی کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی دانشگاه علامه طباطبایی

اثر ادبی و تحلیل فرایند نوشتار در پارامترهای تعالی بخش پسامتنی

پوران (صدیقه) علیپور*

اثر ادبی به عنوان یک بسته فرهنگی (شعر، داستان و ...) ، حاوی عناصری از جمله: پیشامتن، متن، کتاب و پسامتن است که تحت تأثیر فرایند نوشتار در جهت تکوین حقیقت معنای متنی ، همواره در زمان گذشته ، حال و آینده کتاب جریان دارد و نوشتار به عنوان یک دگرگونی ساده در سرشت رسانه‌ای اش در این بسته به تثبیت سخن می‌پردازد. پس نوشتار به قول نیچه ، فی‌نفسه یک دستاورد عظیم فرهنگی است که در سیمای انسانی ناپدید می‌شود. البته گفتنی است که نوشتار از طریق کتاب جریان دارد ؛ اما کتاب مقصد آن نیست. از آنجایی که این موضوع ، اهمیت ویژه ای در امر نقد متنی آثار ادبی دارد ، این مقاله می‌کوشد تا در این راستا ، ابتدا به بیان نظریه‌های مربوط به حوزه خلق اثر ؛ بعنوان یک بسته ادبی ، پرداخته و فرایند نوشتار را از آغاز نیت ژرف مؤلف در گسترش فضا‌مندی زمانی و مکانی پیشامتن و تبدیل آن به کتاب ، تا ادامه روند حیات روحانی اش در غیاب مؤلف ، کتاب و رهایی از خواننده تأویلگر ، بررسی نماید. سپس ضمن تبیین حضور متافیزیک گونه و شهودی متن ، پارامترهای تعالی بخش پسامتنی را ، در جهت تکوین معنا‌های مکشوف اثر ، مورد تحلیل قرار دهد.

کلید واژه ها: اثر ادبی ، غیاب مؤلف و کتاب ، فرایند نوشتار ، هرمنوتیک ، پارامترهای تعالی بخش پسامتنی .

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر

تحلیل ساختار فرمولی دیالوگ و تناسب آن با پیرنگ در روایت داستانی بیژن و منیژه

پوران (صدیقه) علیپور*

یکی از عناصر مهم در روایت «دیالوگ» است. اساساً آفرینش روایت ؛ پس از آفرینش دیالوگ (*dialogue*) اتفاق می افتد و از آنجایی که روایت بر پایه همدلی ایجاد شده است ؛ معمولاً از طریق یک گفتمان جمعی بروز می یابد. البته باید امعان نظر داشت که مهمترین مسئله در ایجاد یک روایت ، آکسیون است که از طریق دو عنصر زیربنایی پیرنگ و دیالوگ شکل می گیرد. در واقع اهمیت دیالوگ ها از این جهت است که پیرنگ ها را گسترش می دهند و در نتیجه موجب پیش بردن عمل داستانی می شوند. شاهنامه فردوسی یکی از برجسته ترین آثار روایی ادب فارسی است که روایات متعددی را در خود واگفته است و پرداختن به مقوله هایی از این دست در آن حائز اهمیت است ؛ لذا ، این مقاله بنا دارد تا ابتدا به بررسی مبانی نظری مرتبط به بحث دیالوگ در روایت پرداخته و سپس ضمن واکاوی و ارائه ساختارهای فرمی مختلف گفتگو در روایت بیژن و منیژه ، عنصر دیالوگ را در تناسب با جملات داستانی و پیرنگها ، برای دست یافتن به آکسیون های داستان، در قالب یک معادله فرمولی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

کلید واژه ها: روایت ، دیالوگ ، معادله فرمولی ، شاهنامه فردوسی ، داستان بیژن و منیژه.

* استادیار گروه زبان ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر

رؤیاگونگی در رمان سلوک

زینب علیزاده لوشابی*

دکتر علیرضا فولادی*

این پژوهش، پیوند میان داستان و رؤیا را مورد بررسی قرار می دهد. از آن جایی که منبع هر دو ناخودآگاه آدمی است، با بررسی اشتراکات آن دو می توان با دید گسترده تری به داستان هایی که با منطق ذهن روایت می شوند نگریست. یکی از انواع داستانی که از منطق ذهن برای روایت بهره می گیرد، داستان جریان سیال ذهن است. در این پژوهش از این گونه داستان ها با نام داستان های رؤیاگونه یاد می شود. ما در این مقاله به بررسی اشتراکات این گونه داستان با رؤیا که آن را نیز به مثابه "روایت" در نظر می گیریم می پردازیم. بدین منظور رمان سلوک اثر محمود دولت آبادی را از این منظر مورد بازبینی قرار می دهیم.

واژگان کلیدی: رؤیا، رؤیاگونگی، داستان، سلوک

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

* دکترای زبان و ادبیات فارسی

مؤلفه‌های پسامدرن در طعم گیلان عباس کیارستمی

حمیرا علیزاده*

عفت فارغ*

پست‌مدرنیسم اصطلاحی امروزی است که در دهه‌ی ۱۹۵۰ در ادامه‌ی مدرنیسم بوجود آمد و نظریات گوناگونی در رابطه با آن مطرح شد که برخی از این نظریات آن را مدرنیسم افراطی و برخی ضد مدرنیسم می‌دانستند به همین دلیل نمی‌توان از آن تعریفی واحد و مورد توافق همه‌ی نظریه‌پردازان ارائه داد. پسامدرن دارای مؤلفه‌هایی همچون، عدم قطعیت، عدم انسجام، تناقض، بینامتنیت است که به ادبیات، هنر، فلسفه و غیره راه یافت و بسیاری از نویسندگان و هنرمندان را تحت تأثیر خود قرار داد، از جمله‌ی این هنرمندان می‌توان به عباس کیارستمی اشاره کرد. کیارستمی یکی از مشهورترین سینماگران ایرانی که به عنوان یک سینماگر واقع‌گرا شناخته شده در سینمای خود دارای یک روش خاص و منحصر به فرد است اما باید متذکر شد، سینمای او تنها بر واقع‌گرایی بنا نشده است بلکه می‌توان در آثارش طبیعت-گرایی، مؤلفه‌هایی از پسامدرن و غیره را نیز مشاهده کرد. در این جستار برآنیم تا پس از معرفی پست-مدرنیسم و مؤلفه‌های آن، این مؤلفه‌ها را در یکی از مهم‌ترین آثار کیارستمی به نام طعم گیلان با ذکر نمونه‌هایی از آن مورد بررسی قرار دهیم و بر این باوریم که این فیلم دارای رویکردی پسامدرنی است و به برخی از ویژگی‌های پسامدرن همچون گریز از مرکز، بینامتنیت، تناقض و عدم قطعیت در این فیلم توجهی خاص شده است.

کلیدواژه‌ها: پسامدرن، بینامتنیت، گریز از مرکز، تناقض، طعم گیلان، عباس کیارستمی.

* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه بیرجند

* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه بیرجند

تأملی در نامه های سیمین دانشور

دکتر ناصر علیزاده*

فریده چوپانی*

نامه های سیمین دانشور را می توان جزو آثار نظری قلمداد کرد. آثاری که روایت متفاوت و روشن تری از نگاه و نگرش ادبی این بانوی نویسنده را شامل می شود. در دسته بندی محتوایی این نامه ها، با دیدگاه های ادبی و هنری متعددی برخورد می کنیم که مستقیماً، با زبانی ساده و صادقانه بیان گردیده اند. می توان گفت در خلال این گفتگوهای ساده و صمیمی، نظریه پردازی نیز صورت گرفته است. این نظریه ها، در قالب نثری ادبی، زیبا و در عین حال موجز و ارزشمند، درباره مسائل گوناگون ادبیات و هنر بیان گردیده اند. در مقاله حاضر، عمده ترین آراء و نقطه نظرات ادبی را که در نامه های این نویسنده انعکاس یافته، مورد بررسی قرار داده ایم.

کلید واژه ها: دانشور، نامه ها، نقد، نظریه، داستان نویسی، زیبایی شناسی

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت معلم آذربایجان

* کارشناس ارشد زبانو ادبیات فارسی دانشگاه تربیت معلم آذربایجان

"مرگ" جلوه رمانتیسم سیاه در شعر فروغ و نادر پور

*ناصر علیزاده

*مارال غلامی کوتنائی

رمانتیسم در ایران با "نیما یوشیج" آغاز می شود و پس از آن به دو جریان اساسی رمانتیسم فردی و رمانتیسم اجتماعی تقسیم می گردد. رمانتیسم فردی که در بردارنده ی مضامینی چون: احساسات فردی، بی توجهی به اجتماع، عشقهای زمینی، ملال از زندگی و مرگ و یأس است به "رمانتیسم سیاه" شهرت می یابد. از میان شعرای ایرانی ادر نادر پور و فروغ فرخزاد به عنوان چهره های برجسته ی این مکتب محسوب ی شوند و یکی از مضامینی که در اشعار آنها برجسته نماید مفهوم مرگ و مرگ طلبی است. در این مقاله برآنیم تا با بررسی آثار و اشعار این دو شاعر علاوه بر آشکار ساختن زیبایی ها و جلوه های کاربرد این مفهوم در آثارشان، نشان دهیم که جنسیت متفاوت آن دو تا حدی توانسته است بر نوع نگاه و برخورد متفاوتشان نسبت به پدیده مرگ موثر باشد و این تفاوت در جنسیت منجر به تفاوت در کاربردالفاظ و تعابی شاعرانه و تا حدی جهان بینی و نگرشی متفاوت شده است.

کلید واژه ها: رمانتیسم سیاه، مرگ، فرخزاد، نادر پور.

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی

* دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی

آسیب‌شناسی فرهنگ‌های موضوعی ادبیات فارسی

حسین علیقلی‌زاده*

اکنون نقش و اهمیت فرهنگ‌های موضوعی بر هیچ محقق ادبی پوشیده نیست، بدین سبب تألیف فرهنگ‌های موضوعی ضرورتی انکارناپذیر است. کارکردهای اساسی و مهمی که این فرهنگها در تحقیقات بنیادین ادبی دارند روزبه‌روز آشکارتر شدند و می‌شوند و در زبان و ادبیات فارسی نیز فرهنگ‌های موضوعی به تناسب احساس نیازی که شده است به نگارش درآمده‌اند؛ ولی همچنان این فرهنگها کارکرد مؤثری ندارند و نقش مهمی در تحقیقات نوین ایفا نمی‌کنند. برای نگارش این فرهنگها باید ساختاری بنیادین و یک شیوه علمی به کار بست که مورد قبول عموم محققان واقع شود و بتوان در تحقیقات ادبی به‌عنوان یک منبع علمی و مستند از آنها استفاده کرد. این مقاله با مطالعه و بررسی متقدانه فرهنگ‌های موضوعی فارسی به دست آمده و روشن کرده است که فرهنگ‌های موجود دارای نقایص و اشکالات بنیادین هستند. این فرهنگها هم در شکل و ساختار کار و هم در محتوا و کیفیت کار دارای اشکال هستند که این امر باعث شده است تا کارکرد خود را در تحقیقات مختلف ادبی از دست بدهند و مرجع بودن آنها در تحقیقات ادبی زیر سؤال برود. در این پژوهش این فرهنگها آسیب‌شناسی شده و راههای پیش رو نموده شده است.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ‌های موضوعی، آسیب‌شناسی، نقد و بررسی، موضوع‌شناسی، ادبیات فارسی.

* دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی قزوین.

بررسی داستان جمشید در شاهنامه‌ی فردوسی

محسن عین‌آبادی*

فرزاد شفیعی‌فر*

داستانهای ملی ایران، که در شاهنامه و دیگر حماسه‌ها آمده است، داستانهایی ابداعی و ابتکاری نیست، بلکه آنها را پیشینه‌ای تاریخی است که با گذشت روزگار، عناصر داستانی مختلفی به آنها افزوده شده است و به شکل کنونی در آمده است. یکی از این داستانهای اسطوره‌ای، داستان جمشید است. جمشید را می‌توان یکی از مهمترین پادشاهان دوره‌ی پیشدادی دانست که در زمان فرومانروایی‌اش، عظمت بی نظیری داشته است. با این وجود، ابهاماتی درباره‌ی شخصیت او به‌ویژه چگونگی پادشاهی و سرانجام وی، در متون اساطیری دیده می‌شود. این پژوهش گام مختصری است در جهت ابهام‌زدایی از مسیر غبار آلود اسطوره‌ها که در آن به بررسی شخصیت جمشید و عوامل انحطاط حکومت وی پرداخته شده است و علت اصلی فروپاشی حکومت وی را غرور و تکبری می‌داند که جمشید را فرا گرفت.

کلید واژه‌ها: حماسه، اسطوره، شاهنامه، جمشید.

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان ۰۹۳۶۴۷۳۰۷۸۱

k.noor19@yahoo.com

* دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر دانشگاه سیستان و بلوچستان

موسیقی بیرونی و پیوند آن با محتوا در قصیده‌های مسعود سعد سلمان

محسن عین‌آبادی*

یعقوب فولادی*

شعر از عناصر سازنده‌ای برخوردار است که یکی از مهمترین آن عناصر، موسیقی بیرونی یا وزن است. موسیقی شعر، بویژه موسیقی بیرونی، علاوه بر اینکه لذت موسیقایی را در خواننده ایجاد می‌کند، واژه‌ها را به گونه‌ای خاص برجسته و نمایان می‌سازد و با منظم کردن میزان ضربه‌ها و جنبش‌ها خواننده را یاریگر است تا شعر را سریعتر و آسانتر درک و حفظ کند و پیام شعر و شاعر در روح و جان مخاطب تأثیر گذارد. اما این امر در صورتی به اوج خویش می‌رسد و نمایان می‌شود که محتوا و مضمون مورد نظر شاعر نیز با موسیقی برگزیده شده، هماهنگ باشد تا میزان تأثیرگذاری شعر افزونی یابد. بی‌گمان مسعود سعد از شاعران سرآمد در زمینه‌ی شعر کلاسیک است. قصیده‌ها، به‌ویژه حبسیه‌های وی، در نوع خویش بی‌نظیر است. این پژوهش به تحلیل پیوند موسیقی و محتوا در قصیده‌های مسعود سعد، با تکیه بر موسیقی بیرونی پرداخته است. قصیده‌های وی که در سادگی و روانی، یادآور قصیده‌های سهل و ممتنع فرخی سیستانی است، در لفظ و فصاحت، در مرتبه‌ای است که به گفته‌ی نظامی عروضی، موی بر بدن مخاطب برمی‌خیزد و اشک از چشمانش سرازیر می‌شود. ولی از عواملی که موجب این ویژگی قصیده‌های وی شده است، تناسب و هماهنگی معنا و پیام شعر با آهنگ و موسیقی سخن است. بنابراین مسعود سعد، درون‌مایه‌های پُر از درد و رنج خویش را در سایه‌ی وزنه‌های ملایم و نرم و جویباری آرامش بخشیده است.

کلید واژه‌ها: شعر، مسعود سعد، قصیده، وزن، محتوا.

* دانشجوی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان. k.noor19@yahoo.com ۰۹۳۶۴۷۳۰۷۸۱

* دانشجوی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان. Fouladi_yaghoub@yahoo

تحلیل و بررسی نماد ((رنگ)) در شعر قیصر امین پور

دکتر جهانگیر صفری *

پروین غلامحسینی *

«رنگ» ، بعنوان برجسته ترین عنصر در حوزه محسوسات ، از دیرباز تا کنون مورد توجه انسان بوده و همواره روح و روان آدمی را مسحور قدرت خود کرده است. امروزه رنگ مهمترین عنصر در بروز خلاقیت های هنری و بهره وری محسوب میشود، چنانکه بسیاری از بزرگان ادبی و هنری جهان چون ((گوته)) به اذعان خویش مدیون استفاده ی خلاق از رنگها و توجه دقیق بدان بوده اند. رنگ مایه آرامش و هسته آرایش جهان است و شاعران بعنوان زیبا شناسان جهان آفرینش از واژگان رنگین در عینی تر شدن ایماژهای شاعرانه و گاه در راستای تبیین مفاهیم بیان ناشدنی فضای نمادین اشعار خویش بهره ها برده اند. رنگ گاه از مهمترین عناصر در نمادپردازی شاعرانه گردیده است. لذا این پژوهش در پی بررسی و تحلیل نمادهای رنگ در اشعار قیصر امینپور است.

کلید واژه ها: رنگ، نماد، شعر معاصر، قیصر امین پور.

* دانشیار دانشگاه شهرکرد

* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور شهرکرد

نماد گرایی در اشعار قیصر امین پور

دکتر جهانگیر صفری

پروین غلامحسینی

نماد یکی از آرایه های ادبی است. ویژگی بارز نماد، ابهام، عدم صراحت، غیر مشروح و غیر مستقیم بودن آن است. به این معنا که در زبان سمبولیک مراد و مقصود، ظاهر و صورت کلام نیست بلکه مفهومی است ورای ظاهر و فراتر و عمیق تر از آن. قیصر امین پور از شاعران معاصر در شعر خود از نماد سود جسته است و همین امر یکی از رازهای پیچیدگی و ابهام شعر اوست. در این مقاله نمادهای شعر قیصر امین پور شرح و بررسی شده است. آنچه مسلم است نمادهای اشعار قیصر امین پور برگرفته از عقاید و اندیشه های سیاسی و اجتماعی اوست و در عین حال شعر او از یک جوشش درونی خبر می دهد. مثلاً «شب» در شعر قیصر، نماد اوضاع خفقان آور و سمبل حاکمیت و ابرام استبداد و ظلم و ستم پایان ناپذیر آن بر جامعه ی زمان شاعر است و تکرار آن در همه ی اشعار حاکی از طولانی بودن و تداوم ظلم و ستم است یا «باد» سمبل ویرانگری، خرابی، هرج و مرج است.

کلید واژه ها: ادبیات معاصر (شعر معاصر)، نماد، سمبل.

«بررسی و تحلیل یک تلمیح در دیوان خاقانی شروانی»

احمد غنی پور ملکشاہ

افضل الدین بدیل خاقانی شروانی و نظامی گنجه‌ای، دو تن از آن شاعران بزرگ و صاحب‌سبک هستند که بر بسیاری از شاعران بعد از خود، تأثیر گذاشته‌اند. بخش عمده‌ای از اشعار خاقانی شروانی، ساده و روشن است؛ اما درک بسیاری از قصایدش برای افراد عادی و نیز گاه درس‌خوانده، دشوار و دیریاب شده است. یکی از این دلائل، ساختن ترکیب‌های مختلف و به کار بردن اصطلاحات علوم گوناگون است؛ اما آنچه بیش از همه، سروده‌های این شاعر را برای خوانندگان، سخت کرده است، استفاده از آیات قرآن، معارف اسلامی، داستان‌های پیامبران و به ویژه تلمیحات اسلامی نادر است که گاه سبب گردیده است در برداشت از شعر او، راه خطا بینمایند. خاقانی، شاعری است که با اطلاعات گسترده خود از علوم زمانه در استفاده از تلمیحات از همه شاعران پیشی گرفته است. تنوع مایه‌های تلمیحی در حوزه داستان پیامبران، ناشی از وسعت اطلاعات خاقانی در زمینه قرآن و تفسیر و حدیث و تنوع مضمون‌های شعری و نیروی تخیل اوست. وی در استفاده از داستان پیامبران و اشارات پندآموز در همان حدی که قرآن بدان اشاره کرده است، اکتفا نکرده و به تفسیر قصص و اخذ آن‌ها از منابع دیگر نیز پرداخته است. در این مقاله، تلاش می‌شود با استفاده از پژوهش‌های استادان و محققان، دو تلمیح نادر در دیوان خاقانی بررسی و تحلیلی شود.

کلید واژه‌ها: خاقانی، موسی (ع)، آدم (ع)، محمد (ص)، دلالت و شفاعت.

«موسیقی بیرونی در اشعار سهراب سپهری»

* احمد غنی پور ملک‌شاه

* یوسف چالی تبار شفیع

* حسنعلی کوثری لنگری

* نادر ابراهیمیان

سهراب سپهری به عنوان یکی از شاعران شعر نونیمایی از عناصر چهارگانه موسیقی بیرونی، درونی، معنوی و کناری در اشعارش استفاده نموده است. در حوزه موسیقی باید گفت: سپهری در اشعارش اوزان نرم و ملایمی را انتخاب می‌کند و این انتخاب وزن تأثیر فراوانی در تعبیرهای کلام او دارد. هر چند وزن‌های اشعار او محدود به چند وزن ویژه است؛ اما سهراب در انتخاب وزن دنباله روی نیما می‌باشد. سهراب را می‌توان در ردیف شاعران صاحب سبکی چون نیما، اخوان و شاملو قرارداد و با آن که سپهری به وزن احاطه دارد؛ اما چندان مقید و ملزم به اجرای اوزن در شعر نبوده است. آنچه در این مقاله به آن پرداخته شده است، چگونگی بهره‌گیری سهراب سپهری از موسیقی بیرونی در اشعارش است.

کلیدواژه‌ها: موسیقی بیرونی، وزن، شعر، سپهری.

* دانشیار دانشگاه مازندران.

* مدرس دانشگاه فرهنگیان مازندران.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی.

* مدرس دانشگاه پیام نور مازندران.

ادبیات زنانه در شعر سیمین بهبهانی و سعاد الصباح

احمد غنی پور ملک‌شاه

ریحانه عمادی

اصطلاح ادبیات زنانه که اولین بار توسط هلن سیزو (فمینیست پسا مدرن) مطرح شد، بعدها توسط جامعه شناسی زبان هویت خویش را معنا کرد. جنسیت مشمول رفتارها، نقش ها، کنش ها، و اندیشه های اجتماعی است که فرهنگ حاکم در هر جامعه به عهده دو جنس زن و مرد می گذارد. این نگاه و رویکرد به زنان آنان را بر آن داشت که در هر اثری بر جای گذاشته از خود، تفاوت دیدگاه و ایدئولوژی شان را جلوه گر سازند و با این نگاه تازه، نگارش زنانه نمایان شد. برخی از ابیاتی که در شعر شاعرانی چون سیمین بهبهانی و سعاد الصباح بانوی شعر عرب به چشم می خورد، از همان نمونه هایی است که این تفاوت و نادیده گرفتن را فریاد می زند. در این پژوهش اشعار سیمین بهبهانی و ابیاتی چند از سعاد الصباح که زبان و ادبیات زنانه در آن ها برجسته اند و همچنین چگونه گوی استفاده از مولفه های ادبیات زنانه که شامل: به کار بردن واژه هایی که به گونه ای بار جنسیتی دارند و فضای محدود تصاویر ادبی و گاه دایره واژگانی که عمدتاً از محدوده ی یک خانه و لوازم مربوط به آن و گاه از روابط بین زن و مرد وام می گیرد. ایجاد شوک در مخاطب، ایجاد حساسیتهای عرفی، فرهنگی و سیاسی به منظور دگرگون کردن درک مخاطب و دگرگون کردن شکل پذیرش اثر؛ در اشعار این دو بانوی شاعر مورد بررسی قرار میگیرد. و سرانجام تبیینی گردد که شاعران مورد نظر این نوع زبان را که دارای گرایش های جنسیتی است، برای القای چه مفاهیمی به کار می گیرند.

کلید واژه ها: جنسیت، جامعه شناسی زبان، ادبیات زنانه، ویژگی های ادبیات زنانه، سیمین بهبهانی،

سعاد الصباح.

«خاقانی در قلمرو مرثیه»

احمد غنی پور ملک‌شاه

سوگل خسروی

یکی از موضوعات دلپذیر و موثری که از آغاز شعر دری تا امروز توجه ادب شناسان و شعر دوستان را جلب کرده است، مرثیه سرایی در شعر فارسی است. این نوع شعر نظر به ارتباطی که با افکار و احساسات شخصی شاعر دارد، از قدیمی ترین دوران شعر فارسی در دیوان شاعران موجود است. خاقانی شروانی یکی از شاعرانی است که در غالب موضوعات رایج روزگار خود طبع آزمایی کرده و مهارت و استادی خود را در انواع سخن به ثبوت رسانده است. در دیوان او نعت خدا و رسول، حکمت و موعظه، ستایش عزلت و انقطاع، حبسیه و وصف حال، مرثیه و وصف هجران دیده می شود. در این مقاله به بررسی مرثیه در دیوان خاقانی پرداخته شده است. خاقانی که همچون دیگر انسان ها، همواره در گذر حوادث و رویدادهای تلخ و شیرین بوده، دیوان او پر است از سوگ سروده هایی در ماتم عزیزان و خویشاوندان. سوز و درد خاقانی و اوج احساس او بیشتر در مرثیه فرزند، عمو، پسر عمو و همسر او نمایان است. سوز دل و آتش درون او در این مرثیه به حدی است که هر گونه حجابی را به آتش می کشد و با زبانی ساده اما گیرا غوغای دلش را بر ملا می کند. اگرچه در سایر مرثیه ها داد سخن داده و حق سوگنامه را ادا کرده است و شرط اساسی مرثیه که همانا لطافت و رقت و دردانگیزی و شورآفرینی و قوت تاثیر و دلنشینی است، در مرثیه این شاعر در سر حد کمال احساس می شود.

کلید واژها: خاقانی، مرثیه، مرگ، سوز و درد.

«مقایسهٔ مناظرهٔ «مست و هوشیار» با مناظرهٔ «خسرو و فرهاد»

بر اساس نظریهٔ دیالوگ باختین

احمد غنی پور ملک‌شاه*

سید محسن مهدی نیا چوبی*

باختین، اندیشمند و منتقد قرن بیستم روسیه، اعتقاد دارد که «مکالمه» در هر سخنی یافت می‌شود. «دیالوگ» در نظریهٔ باختین مفهومی گسترده‌تر از آن چه که در ادب فارسی معروف است، دارد. او منطق مکالمه را بیشتر در نثر به ویژه در رمان (در معنای مدرن) مورد توجه قرار داد؛ اما می‌توان این تئوری را در متون منظوم هم بررسی کرد. به زبان دیگر بسیاری از آثار منظوم فارسی چون حماسه، مثنوی‌های عاشقانه و عارفانه، غزل، مناظرات و ... ویژگی‌های رمان‌های چندصدایی را دارند. باختین، دیالوگ (dialog) را در مقابل مفهوم تک‌گویی (monolog) قرار دارد و به گونه‌هایی چون مستقیم، غیر مستقیم، درونی، بیرونی، اسکاز و ... تقسیم کرد. او برخی از رمان‌ها را چندصدایی (آثار داستایوسکی) و برخی از رمان‌ها را تک‌صدایی (آثار تولستوی) می‌داند. در این مقاله، مناظرهٔ «مست و هوشیار» پروین اعتصامی با مناظرهٔ «خسرو و فرهاد» نظامی بر اساس نظریهٔ باختین مقایسه و تمایزها و تشابه‌های آن دو بر شمرده شد و ثابت گردید که هر دو بر اساس «دیالوگ» ساخته و پرداخته شدند.

کلید واژه‌ها: دیالوگ، مناظره، باختین، مست و هوشیار، خسرو و فرهاد.

* دانشیار دانشگاه مازندران

* دبیر آموزش و پرورش شهرستان بابل و دانشجوی دورهٔ دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران.

«بررسی حس نوستالژی در شش اثر داستانی علی اشرف درویشیان»
دو رمان «سال‌های ابری» و «سلول ۱۸» و چهار مجموعه داستان کوتاه
«از این ولایت»، «فصل نان»، «همراه آهنگ‌های بابام» و «آبشوران»

احمد غنی‌پور ملک‌شاه*

مریم پارسا*:

نوستالژی در اصل واژه‌ای فرانسوی است که از دو بخش nostos به معنای بازگشت و alogia به معنی درد و رنج تشکیل شده است. این حس از لحاظ روان‌شناختی، بازتاب یادآوری گذشته یا آرمان‌پنداری است. عوامل گوناگونی چون ناملایمات زندگی، تنش‌های جمعی، دوری از وطن، سوگ از دست رفتن عزیزان، غم غربت و... باعث برانگیخته شدن این احساس در فرد می‌شود. از آنجا که ادبیات، تجلی‌گاه عاطفه و احساس است، این حس به گونه‌ای زیبا در آثار شاعران و نویسندگان بزرگ جهان نمود یافته است. علی‌اشرف درویشیان، یکی از نویسندگان بزرگ دوران معاصر است که در آثارش با ظرافت و زیبایی تمام به بیان حس نوستالژی پرداخته است و از این احساس برای تصویر سازی، انتقال حس به مخاطب، طبیعی‌تر نمودن داستان، و ... استفاده کرده است. در این مقاله سعی شده است به نوع ویژه‌ی کاربرد حس نوستالژی در شش اثر داستانی علی‌اشرف درویشیان، «سال‌های ابری»، «سلول ۱۸»، «از این ولایت»، «فصل نان»، «همراه آهنگ‌های بابام» و «آبشوران» پرداخته شود. برای دستیابی به این هدف، ابتدا به طور اجمالی به بیان معنای دقیق نوستالژی، رابطه‌ی نوستالژی و ادبیات، مبانی پیدایش نوستالژی پرداخته شده است. در ادامه، نوع ویژه‌ی کاربرد این حس در آثار علی‌اشرف درویشیان و بازتاب این نوع کاربرد مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. نتیجه این بررسی نشان می‌دهد که کاربرد زیبای حس نوستالژی تا چه اندازه می‌تواند در تصویرسازی، پرداخت فضاها، هم‌سو کردن مخاطب با خود، زیبایی‌آفرینی و حتی شناساندن یک محیط و فرهنگ به مخاطبان مؤثر باشد.

کلید واژه‌ها: نوستالژی، علی‌اشرف درویشیان، غم غربت، دلتنگی

* دانشیار دانشگاه مازندران.

* دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران.

ردپای پست مدرن در فیلم «درباره‌ی الی...»

جلیل ا. فاروقی هندوالان*

مریم رضایی*

اصغر فرهادی یکی از سینماگران نوگرای ایران در فیلمهایش از مولفه های پست مدرن از جمله بینامتنیت، عدم قطعیت، تعدد روایت، پارانوویا و... سود جسته است. در این مقاله، فیلم "درباره‌ی الی..." ساخته‌ی اصغر فرهادی با استفاده از مولفه های پست مدرن اشاره شده در بالا به روش توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار می گیرد. فرهادی با پنهان نگه داشتن پایان داستان و ایجاد ابهام و طرح پرسش معرفت شناختی در ذهن مخاطب، عدم قطعیت را به تصویر کشیده است و در این فیلم و فیلم "جدایی نادر از سیمین"، مولفه‌ی بینامتنیت را گنجانده است. او بینامتنیت را از طریق تکرار و تکرار نقش و جایگاه زن در سری فیلمهایی که در چند سال اخیر ساخته است، به تصویر کشیده است. وی با شهادت گرفتن از کودکان، مولفه‌ی تعدد روایت های غیر قابل اعتماد را نمایان ساخته است و در مجموع انسانها را پس از فیلم "درباره‌ی الی..." سردرگم و بدبین نسبت به یکدیگر به تصویر کشیده است و این از ویژگی های پارانوویا است که انسانها نسبت به یکدیگر بدبین و از قضاوت آنان گریزان هستند و می بینیم که زنان در فیلم حیرت زده و نگران از قضاوت دیگران و ناآرام و عصبی از این بدبینی هستند. در مجموع می توان گفت که فیلم فرهادی دارای عناصر پست مدرن می باشد.

کلید واژه ها: سینمای نوگرا، مولفه‌های پست مدرن، بینامتنیت، عدم قطعیت، درباره‌ی الی، اصغر فرهادی.

* استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه بیرجند

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبانشناسی

تحلیل شخصیت مهین بانو در منظومه ی خسرو و شیرین نظامی گنجوی

ریحانه فرامرزی کفاش*

"خسرو و شیرین" یکی از مشهورترین و غنی ترین منظومه های غنایی ادب پارسی است. قصه ی خسرو و شیرین و عشق میان آن دو داستانی تازه نیست. پیش از نظامی بزرگ مردی چون حکیم ابوالقاسم فردوسی در شاهکار بی همتای خود شاهنامه جان کلام این زندگی عاشقانه را بیان کرده است. پس از نظامی نیز دیگر شاعرانی چون امیر خسرو دهلوی آن را نیز به نظم درآورده اند؛ ولیکن تابناک ترین جلوه ی آن را در منظومه ی حکیم نظامی گنجوی می توان مشاهده کرد. یکی از نقاط اشتراک همه ی منظومه های عاشقانه های خسرو و شیرین بیان "عشق حقیقی شیرین" می باشد. در هیچ یک از این منظومه ها "عشق شیرین" عشق رنگی و آلوده ای نیست. در خصوص این عشق و شخصیت های اصلی آن - خسرو و شیرین - پژوهشگران و صاحب نظران بسیار سخن گفته اند. هر یک از آنان بنا به مجال و دیدگاه خود پرده ای از عشق شیرین و سازندگان آن را به تصویر کشیده اند. ولیکن در میان این فراوانی کم تر به شخصیت "مهین بانو" - پرورش دهنده ی شیرین و عشق شیرین - پرداخته شده است. لذا، بر آن شدیم تا در این مقال به تحلیل "شخصیت مهین بانو" بپردازیم. دو سؤال اصلی مقاله این است که: "نظامی با به کارگیری قابلیت و کارکردهای زبان شعری و داستان سرای و پردازش شخصیت فرعی مهین بانو چگونه توانسته است به اقناع مخاطب برسد؟" و "مهین بانو چگونه شخصیتی دارد که توانسته است شخصیتی چون شیرین بیوراند؟" برای رسیدن به پاسخ پرسش های مقاله مباحث زیر مورد بررسی قرار گرفته است:

- ۱- معرفی عنصر "شخصیت" از دیدگاه داستان نویسی مدرن؛
- ۲- معرفی مهین بانو به روایت نظامی گنجوی؛
- ۳- تحلیل شخصیت مهین بانو در منظومه ی خسرو و شیرین؛
- ۴- جایگاه اندیشه و عمل مهین بانو در پرورش شخصیت وی.

کلید واژه ها: نظامی، خسرو و شیرین، شخصیت، مهین بانو، داستان.

* مدرس دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

ملکوت کلمات

(شکل شناسی شعر قیصر امین پور)

ریحانه فرامرزی کفاش*

حسن دلبری*

در تاریخ ادبیات معاصر ایران زمین، بزرگ مردانی به چشم می خورند که شایسته ی توجه و تأمل بسیاری هستند. از آن میان دکتر قیصر امین پور از جایگاه ویژه ای برخوردار است. چرا که او به نیروی طبع بلند و اندیشه ی توانا و قریحه ی سرشار خود در بیان کردن هر نوع معنی و مفهومی و نمایاندن همه ی مضامین در کسوت الفاظ توانا است. در خصوص این شخصیت و آثارش مقالات گوناگونی به نگارش درآمده است، و هر یک بنا به فراخور دید نویسندگان و مجال آنان نقشی از چهره ی او و شعرش را به تصویر کشیده اند. اینک ما در این مقال برآنیم تا با توجه به فرصت محدودمان و به صورت اختصار به جلوه ای دیگر از شعر استاد سخن پارسی پردازیم، و از منظر شکل شناسی شعر او بنگریم.

در این مقاله مباحث زیر مطرح شده است:

۱- ارتباط شعر با زبان؛

۲- ارتباط شعر قیصر امین پور با زبان؛

۳- بازی با حروف و کلمات؛

۴- جایگاه قافیه و ردیف در اشعار قیصر امین پور؛

۵- جایگاه موسیقی درونی در شعر قیصر امین پور؛

۶- جایگاه موسیقی معنوی در شعر قیصر امین پور؛

۷- ساختن قرینه های لفظی.

کلید واژه ها: قیصر امین پور، واژه، هم آوایی، شعر، موسیقی.

* مدرس دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد مدرس دانشگاه تربیت معلم سبزوار

تزریق در شعر عصر صفوی

دکتر علیرضا فولادی*

رقیه فراهانی*

یکی از موضوعات مهم برای تحقیقات ادبی، بررسی عوامل ظهور و افول سبک‌هاست. آن‌ها معمولاً در فضای رابطه‌ای دو جانبه میان جامعه و ادبیات پدید می‌آیند و از میان رفتن‌شان نیز حاصل دگرگونی همین فضا است. در شعر فارسی عصر صفوی، با سبکی به نام تزریق مواجهیم که می‌توان آن را از جهت داشتن وجوه اشتراک فراوان، همسان با مکتب ادبی غربی دادائیسیم دانست. در این مقاله، ضمن بررسی سبک تزریق و زمینه‌های پدید آمدن آن، همسانی‌هایش را با دادائیسیم بررسی کرده‌ایم.

کلیدواژه‌ها: شعر فارسی، شعر عصر صفوی، سبک‌شناسی، تزریق، دادائیسیم.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کاشان

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی (مریی)

نوع ادبی قضیه دروغ و غ ساهاب صادق هدایت

رقیه فراهانی*

دکتر علیرضا فولادی*

از عوامل حایز اهمیت در پیدایش یک نوع ادبی، یکی تقاضای جامعه است و دیگری، تیزهوشی شاعر یا نویسنده، تا با مطالعه‌ی نیازهای موجود در جامعه - به ویژه جامعه‌ی ادبی - به ایجاد یک نوع ادبی همت گمارد. مسلماً در این میان آن نوع ادبی بیشتر اعتبار دارد که ضمن نوآوری، از نظر شکل، محتوا و زبان، استواری و کشش لازم را داشته باشد و بتواند آسیب‌های اجتماعی و ادبی را پیش روی مخاطب بنهد. «قضیه» که ساخته و پرداخته‌ی ذهن صادق هدایت است، از دیدگاهی خلاقانه به انتقاد از ادبیات و مسایل اجتماعی روزگار خود می‌پردازد. در این مقاله تلاش شده است قضیه‌های و غ و غ ساهاب به عنوان یک نوع ادبی ویژه و با مطالعه‌ی جزئی‌ترین مختصاتش معرفی شود.

کلید واژه ها: نوع ادبی، نقد ادبی، قضیه، و غ و غ ساهاب، صادق هدایت.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی (مربی)

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کاشان

بررسی و تحلیل درخواست و تقاضا در شعر شاعران پارسی‌گوی

زینب فرحناک جهرمی*

دکتر علی اصغر باباصفیری*

مفوله درخواست یکی از گونه‌های ادبیات غنایی فارسی است که در طول ادوار مختلف به صورت‌های گوناگون به وسیله شاعران زیادی مطرح شده است. شاعران بسته به موقعیت خود در دوره‌های مختلف تقاضاهای گوناگونی از افراد مختلفی داشته‌اند. به طور کلی این تقاضاها به دو دسته درخواست‌های مادی و غیرمادی تقسیم می‌شود که شاعران به شیوه‌های متفاوت نسبت به طرح آن اقدام کرده‌اند. این مقاله شامل بررسی و تحلیل تقاضا و درخواست‌هایی است که توسط شاعران پارسی‌گوی صورت گرفته است. لازم به ذکر است که در این بررسی شرایط و موقعیت خاص جامعه ایران و تأثیر اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هر دوره‌ای بر شعر شاعران، مورد توجه قرار گرفته است. چنانکه در برخی دوران‌ها به خصوص در شعر دوران اولیه این موضوع مورد توجه شاعران بسیاری قرار گرفته است و در برخی دوران‌ها کمتر با دقت و تفکر در اشعار تقاضایی و خواسته‌های منظوم درمی‌یابیم که این اشعار گذشته از ارزش‌های زبانی و هنری، زمینه‌های تاریخی و اجتماعی هر دوره‌ای را روشن و شفاف به تصویر می‌کشد و بیانگر وضعیت معیشت شاعران در عصر آنهاست که متأثر از مسائل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی روزگارشان بوده است و به همین دلیل شاعران منعکس کننده ابعاد مختلف تاریخ و فرهنگ دوران خاص خود بوده‌اند.

کلید واژه‌ها: تقاضا و درخواست، شعر، شاعر، قطعه، قصیده، حسن طلب.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

جلوه‌های طنز در آینه‌ی اشعار نیما و مورفولوژی آن

دکتر رضا فرصتی

جویباری*

فاطمه شیردست*

طنز شگرد بیانی هنرمندانه‌ای است که خالق آن، با بیانی متناقض‌نما و پاراداکسیکال، مبالغه و اغراق، تشبیه و... و با روحیه‌ای انتقادی، مشکلات و ناهنجاری‌های اجتماعی را به زبان شوخی می‌آراید و با لبی خندان از دلی پرخون حکایت می‌کند. نیما یوشیج پدر شعر نو و مسندنشین مدرنیته در شعر معاصر فارسی به عنوان یک شاعر اجتماعی و مردم‌مدار با مشاهده‌ی تضادها و تناقض‌های موجود در جامعه که در عصر استبداد پهلوی به اوج خود رسیده بود، توانست در کنار گونه‌های مضمونی دیگر و جهت ساخت آرمان شهر شاعرانه‌ی خود، دریچه‌ی طنز را هم در شعر خود بگشاید و به صورت مضمیر و یا آشکار، نابسامانی‌های عدیده‌ی اجتماعی و فرهنگی را در قالب طنز و لطایف دیگر به تصویر بکشد. طنز نیما بیشتر براساس موقعیتی که در زندگی وی ایجاد گردید سروده شده، بنابراین مثل شعرای طنزپرداز در لحن و بیان او نمی‌توان ردّ پای طنز را به روشنی دنبال کرد. نیما بیشتر طنزهای خود را در قالب کهن و غیرنیمایی سروده است، با این حال نخستین کسی بود که پای طنز را به شعر نو باز کرد. طنز او در شعرهای کلاسیک شیرین تر و ساده تر و در شعرهای نو تلخ تر، هنری تر و دیرپاب‌تر است. در این مقاله نگارنده کوشیده است تا به تعریف مجمل از طنز و مقایسه‌ی آن با «هجو» و «هزل» بپردازد، سپس تکنیک‌ها و شیوه‌های گوناگون طنز در اشعار نیما را بررسی نماید و در پایان به تحلیل محتوایی مصداق‌های یافته شده در آثار نیما بپردازد.

کلیدواژه ها : طنز، مسائل اجتماعی، شعر نو، هنر، طنز تلخ و شیرین.

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر

* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه پیام‌نور بابل

نگاهی به موسیقی نثر در رمان سرگذشت حاجی بابای اصفهانی

سید حمید فرقانی*

کاربرد عنصر موسیقی تنها به متون منظوم و شعر محدود نمی‌شود و در بعضی از متون نثر زبان فارسی نیز کاربرد جملات و قطعات موزون به خوبی نمایان است. این شیوه از نثر نویسی را که در سبک شناسی با عنوان «نثر موزون» شناخته می‌شود در آثاری همچون مناجات نامه خواجه عبدالله انصاری و تعدادی دیگر از متون صوفیانه، همچنین اکثر نثرهای فنی و مصنوع می‌توان دید. گلستان سعدی را نیز می‌توان به عنوان بهترین نمونه از نثر موزون و آهنگین در ادب فارسی برشمرد. این شیوه به تقلید و یا الهام از نثر گلستان، تا دوره اخیر مورد توجه تعدادی از نویسندگان بود. یکی از این نویسندگان میرزا حبیب اصفهانی است که در ترجمه رمان «سرگذشت حاجی بابای اصفهانی» با تلفیق زبان عامیانه و نثر موزون، نثری عام فهم و خاص پسند پدید آورد؛ چنان که استفاده از جملات و عبارات موزون به همراه دیگر صنایع لفظی که به ایجاد توازن و موسیقی در نثر او می‌انجامد، بسامد بالایی دارد و این امر از ویژگی‌های سبکی رمان یاد شده به حساب می‌آید. در این مقاله کوشش می‌شود تا با توجه به الگویی که زبان‌شناسان برای توصیف و تبیین انواع توازن به دست داده اند، صنایع بدیعی و شگردهایی را که میرزا حبیب اصفهانی برای آهنگین کردن نثر خود به کار گرفته است، در سه سطح تحلیل آوایی، واژگانی و نحوی، بررسی و تحلیل شود. بنابراین ابزارها و صنایعی که در آفرینش موسیقی در نثر تأثیر دارند، همراه با نمونه‌های آن در نثر کتاب سرگذشت حاجی بابا اصفهانی، با توجه به این سه سطح، طبقه بندی و توصیف می‌شوند. نتیجه حاصل از این بررسی نشان می‌دهد که از میان این ابزارها، صنعت سجع و پس از آن جناس و ترصیع و موازنه که از صنایع مطرح شده در سطح توازن واژگانی هستند بیشترین بسامد و تأثیر موسیقایی را در کتاب سرگذشت حاجی بابای اصفهانی دارند. صنایعی هم که به ایجاد توازن نحوی و توازن آوایی می‌انجامند، پس از توازن واژگانی، در ایجاد موسیقی در این کتاب نقش دارند. لازم به ذکر است که اگر چه این الگو برای بررسی گونه‌های توازن در متون نظم ارائه شده است، اما برای تحلیل عنصر موسیقی در نثرهای موزون و آهنگین نیز کاملاً کاربرد دارد. وزن طبیعی گفتار یا «ریم گفتار» نیز عامل دیگری است که در کیفیت موسیقایی متون نثر تأثیر قابل توجهی دارد که این عامل نیز به همراه نمونه‌های آن در کتاب سرگذشت حاجی بابای اصفهانی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

کلید واژه ها: موسیقی نثر، سبک شناسی زبان‌شناختی، سرگذشت حاجی بابای اصفهانی، میرزا حبیب اصفهانی

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد

برابر نهاد آثار داستانی مصطفی مستور و ریموند کارور در حیطه‌ی چند مفهوم

فرزانه فروزانی - مربی

ریموند کارور از چهره‌های شاخص در حیطه‌ی ادبیات داستانی امریکا به شمار می‌رود که بیش‌تر هنرنمایی‌های ادبی او، در حوزه‌ی داستان کوتاه متمرکز بوده است. در ایران، نام کارور در بیش‌تر موارد، در کنار نام مصطفی مستور، داستان نویس معاصر و مترجم و نظریه‌پرداز آثار کارور، نشسته است. با این-که مستور، خود سبکی مستقل و منحصر به فرد را در نویسندگی ابداع کرده است، دنیای ذهنی او گاه خواسته یا ناخواسته به کارور نزدیک می‌شود که این امر، برخی اشتراکات را در آثار این دو نویسنده دامن می‌زند. هرچند شباهت‌های کارور و مستور بیشتر در حوزه‌ی ساختار و تکنیک بوده است، اما بررسی هم‌زمان آثار آنان نشان می‌دهد هر دو نویسنده، گاه ویژگی‌ها و درون‌مایه‌هایی مشترک را در آثار خود به کار گرفته‌اند، در حالی که هریک از آن‌ها رنگ خویش را به درون‌مایه‌ی یادشده زده و آن را به نام خویش ثبت کرده است. در این پژوهش تلاش شده تا چند ویژگی و درون‌مایه‌ی مشترک که در آثار کارور و مستور مورد توجه قرار گرفته است، با هم مقایسه و شیوه‌ی پردازش و تشابه و تفاوت این درون‌مایه‌ها در آثار دو نویسنده‌ی یادشده تحلیل و بررسی شود.

کلید واژه‌ها: تنهایی، شاعرانگی متن، عشق، کودکی، مذهب، نماد.

واکاوی و تحلیل نمادین شخصیت‌ها در داستان همای چهرزاد با روی‌کردی به آرا و اندیشه‌های کارل گوستاو یونگ

فرزانه فروزانی

دکتر علی محمد پشت دار

شاهنامه میراث ماندگار ایران زمین اثر ارزشمند و سترگ ملی و فرایند ناخودآگاه قوم ایرانی است که در قالب حماسه رخ نموده و همین امر سبب شده است تا داستان‌های آن به صورتی فراگیر با معانی ژرف و عمیق در گستره‌ی زبان و ادب فارسی خودنمایی کند. بر این اساس این گنجینه‌ی گران‌بها ظرفیت - برتابیدن نظریه‌های گوناگون را در گستره‌ی پژوهش و کاوش داراست و جولانگاهی است که اندیشه‌های ناب در آن فرصت بروزمی یابد و مجالی برای تحقیقات میان رشته‌ای فراهم می‌کند. حال آن که یکی از بخش‌های مهم این اثر، بخش تاریخی آن است که در قیاس با قسمت‌های اساطیری و حماسی از اقبال کمتری برخوردار بوده است. داستان همای چهرزاد دخت بهمن و نوه‌ی اسفندیار یکی از این داستان‌هاست که روایت پادشاهی‌اولین زن در شاهنامه است؛ داستانی که علی‌رغم زیبایی و تفاوت مضمون و فراز و فرودهای پرکشش در مسیر قهرمان داستان یعنی داراب تاکنون بدان پرداخته نشده است. از سوی دیگری از زمینه‌هایی که می‌تواند ابزار پژوهش در شاهنامه باشد و نتایج مفید و کاربردی به دست دهد، دیدگاه‌های روانشناسی و آرا و اندیشه‌های کارل گوستاو یونگ روانشناس سوییسی است. موضوع آرکی-تایپ که در فارسی کهن‌الگو، صورت مثالی و... ترجمه شده یکی از دیدگاه‌های اساسی و فراگیر روانشناسی یونگ است. وی شخصیت را واحدی متشکل از سیستم‌های روانی مختلف می‌داند که اگرچه از هم دیگر جدا هستند، ولی تأثیری متقابل نسبت به یکدیگر دارند. این سیستم‌ها عبارتند از: من-یا خودآگاه، ناخودآگاه فردی، ناخودآگاه جمعی، پرسونا، آنیما، آنیموس و سایه. کهن‌الگوها صورت‌های مشترکی هستند که با سابقه‌ی چندین هزارساله از اجداد بشر، نسل به نسل منتقل شده و در ضمیر ناخودآگاه جای گرفته‌اند. این صورت‌ها برای رسیدن به مرز خودآگاهی در نمادهای گوناگون طبیعت-جلوه‌گر می‌شوند و در آثار هنرمندان نمود می‌یابند. با بررسی دقیق داستان همای چهرزاد دریافتیم که این اثر با آرا و افکار یونگ هم‌خوانی بسیار دارد، پس بر آن شدیم تا در این جستار داستان پادشاهی همای و فرزندش داراب را از منظر اسطوره‌شناختی و آرای روانشناسی تحلیلی یونگ مورد نقد و پژوهش قرار دهیم و کهن‌الگوهای مادر، کودک، قهرمان، پیرخرد، خویشتن، سایه، من، ماندالا و نیز مساله فرایند فردیت

وگذر از آب را درارتباط با قهرمان اصلی این داستان دست‌مایه‌ی کار خویش سازیم بدان امید که در مسیر پژوهش‌های میان رشته‌ای گامی هرچند اندک برداشته باشیم.

کلید واژه ها : شاهنامه، فرایند فردیت، کهن‌الگو، ماندلا، یونگ.

کاربرد نشانه‌شناسی در تحلیل متون ادبی

دکتر سهیلا فرهنگی*

نشانه‌شناسی (semiotics) رویکردی میان‌رشته‌ای است که با بهره‌گیری از زبان‌شناسی، منطق، پدیدارشناسی و نقد ادبی به تجزیه و تحلیل متون می‌پردازد. از نشانه‌شناسی می‌توان برای بررسی لایه‌های پنهان هر متنی - اعم از متون نوشتاری، دیداری، شنیداری، نمودهای فرهنگی، خوراک، پوشاک و ... - بهره گرفت، اما تحلیل نشانه‌شناختی متون ادبی در مقایسه با سایر متون از جذابیت بیشتری برخوردار است. رمزگانهای نظام ادبی مانند رمزگان علائم راهنمایی و رانندگی صریح، واقعی و شفاف نیستند. رمزگانهای زیبایی‌شناختی از نوع مبهم، خیالی و شناورند و رمزگشایی از آنها پیچیده‌تر از سایر رمزگانهاست. همچنین برای درک معانی نشانه‌های متون ادبی - همچون سایر نظامهای نشانه‌ای - توجه به بافت بسیار حائز اهمیت است، زیرا نشانه خارج از نظام نشانه‌ای آن بی‌معناست. چگونگی خوانش نشانه‌شناسانه متون ادبی اعم از شعر و روایت و نوع رابطه نشانه‌شناسی با شگردهای ادبی از قبیل استعاره، نماد، اسطوره، مجاز و کنایه موضوعی است که این مقاله به دنبال بررسی و تبیین آن است. بررسیها نشان می‌دهد که نشانه‌شناسی می‌تواند در عرصه روایت‌شناسی، رمزگشایی متون ادبی و شناسایی لایه‌های ضمنی و عمیق متون از جمله متون چندصدایی و متونی که در آنها از شیوه‌های گوناگون بیان از جمله استعاره، کنایه و مجاز استفاده شده است بسیار راهگشا باشد.

کلید واژه‌ها: تحلیل نشانه‌شناختی، متن ادبی، شعر، روایت، شگردهای ادبی.

* استادیار دانشگاه پیام نور مرکز رشت

بررسی تطبیقی شروح مثنوی درباره تمثیل پادشاه و کنیزک

فاطمه فریدی

علیرضا مظفری

تمثیل های مولانا نیز مانند هر روایت تمثیلی دیگر از طریق دلالت اجمالی خبر از مدلولی می دهد که در این مقاله از آن با عنوان ژرف ساخت تمثیل یاد خواهیم کرد. دلالت میان دال (صورت ظاهر روایت) و مدلول تمثیل (ژرف ساخت یا پیام اصلی داستان) از نوع مشابهت اجمالی است. مراد از مشابهت اجمالی این است که مدلول شامل تمام اجزای دال نیست بلکه دال تنها از طریق نوع پیوند اجزاء خود نمایندگی مدلول را به عهده دارد بنابراین هرگز نباید تصور کرد که تمام اجزای دال انعکاسی از تمام اجزای مدلول است یا باید همان اجزائی را که در دال دیده می شود در مدلول نیز لا محاله یافت. شاید یکی از علل پرخاشگری مولانا نسبت به مریدانش در اعتراض به رفتار حکیمی که حکم قتل زرگر داده بود همین عدم درک درست آن مریدان از دلالت اجمالی تمثیل باشد. و دریافت مشابهت دال و مدلول این روایت به دنبال اسناد اعمال شخصیت های ظاهری این روایت به شخصیت های بنیادی و ژرف ساختی این روایت بودند و ساحت «انبیاء» را که ما به ازاء درونی این شخصیت هستند از هرگونه حکم ظالمانه - چون حکم به قتل بی گناه - مبرا می دانستند. گاهی خود مولانا، دست به کالبد شکافی روایات تمثیلی مثنوی زده است و مراد خود را از طرح آن روایات آشکار کرده است اما این شیوه غالب او نیست. در این پژوهش ضمن بررسی ژرف ساخت تمثیلی روایت پادشاه و کنیزک در شروح مثنوی به تعریف تمثیل و انواع آن و سپس به ذکر وجه اشتراک و افتراق نظرات شارحان پرداخته شده است. نویسنده در راستای قبول یا عدم قبول آراء ایشان، به ارائه دیدگاه شخصی از ابعاد گوناگون من جمله بعد روانشناختی تمثیل که کمتر مورد توجه شارحان بوده، پرداخته است. شروحنی که به عنوان منبع مورد استفاده و نقد و تحلیل قرار گرفته اند به ترتیب زمانی عبارتند از: جواهر الاسرار و زواهر الانوار خوارزمی، شرح ملاحادی سبزواری، شرح مثنوی شاه داعی الی الله شیرازی، شرح کبیر انقروی، نقد و تحلیل مثنوی محمدتقی جعفری، شرح مثنوی شریف بدیع الزمان فروزانفر.

کلید واژه ها: مثنوی، پادشاه و کنیزک، روایت تمثیلی، ژرف ساخت، مقایسه تطبیقی.

تحلیل گفتمان انتقادی برخی از نامه‌های مولانا به لحاظ متغیر ارجاع (ضمایر)

سیده مریم فضائلی*

دکتر شهلا شریفی*

تحلیل گفتمان انتقادی رویکردی میان‌رشته‌ای است که با بررسی رابطه میان زبان و قدرت سروکار دارد. این رویکرد سعی دارد تا با کمک ابزارهای عینی زبانی، الگوهای غیرشفاف نابرابری اجتماعی و مناسبات قدرت را بین افراد و گروه‌ها ابهام‌زدایی نماید. در این مقاله با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی قصد داریم با بررسی بیست و هشت نامه مولانا دریابیم رابطه قدرت در این نامه‌ها در قالب ضمایر غیرمستقیم و مستقیم، متصل و منفصل، مفرد و جمع چگونه منعکس شده است. بدین منظور، مخاطبان نامه‌ها به دو رده اصلی تقسیم شدند: خویشاوندان و غیرخویشاوندان. هر یک از این رده‌ها به نوبه خود به رده‌هایی فرعی تقسیم شدند: رده خویشاوندان به رده‌های سیاسیون و مریدان و رده غیرخویشاوندان به رده‌های فرزندان و عروس. نتایج نشان می‌دهد رابطه بین مولانا و رده سیاسیون نسبت به رابطه او با رده مریدان زیاد مؤدبانه و رسمی بوده است. این نشان می‌دهد که سیاسیون در زمان مولانا در موضع قدرت بودند. وجود رسمیت هر چند به میزان کم بین مولانا و رده مریدان نشانگر این است که مولانا برای این رده احترام قائل بوده است. رابطه بین مولانا و رده عروس نسبت به رابطه او با رده فرزندان زیاد رسمی بوده است. وجود این رابطه رسمی چه به میزان زیاد در رده عروس و چه به میزان کم در رده فرزندان نشان دهنده این است که مولانا برای این رده‌ها احترام قائل بوده است.

کلید واژه‌ها: تحلیل گفتمان انتقادی، قدرت، صورت‌های ارجاعی، ضمایر، نامه‌های مولانا

* دانشجوی دوره دکتری زبان‌شناسی همگانی دانشگاه فردوسی مشهد

* دانشیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

نقد ترجمه های معاصر از قرآن

دکتر عبدالحسین فقهی*

عفت صفری نژاد*

ترجمه متون مقدس و در رأس آنها قرآن کریم، هم از جهت ساختار ممتاز ادبی و هم به لحاظ قداست و حساسیت جایگاه معنوی آن، از دیر باز مورد توجه بوده است. ترجمه قرآن به زبانهای گوناگون، به منظور رساندن پیام آسمانی به مخاطبان، در تمامی جوامع بشری، ضرورتی انکار ناپذیر است. ارائه ترجمه های متعدد و گوناگون در دهه های اخیر و تلاش برای تقدیم ترجمه ای موفق تر، دقیق تر و کاملتر از قرآن به زبان فارسی، بررسی و ارزیابی آنها و تحلیل رویکرد و سبک هر یک از آنها را اقتضا میکند. بررسی نمونه هایی از چند ترجمه معاصرو مشهور قرآن و مقایسه آنها موضوع این مقاله است.

کلید واژه ها: ترجمه متون مقدس - ترجمه قرآن - نقد ترجمه - ترجمه های معاصر قرآن

* استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران

بررسی رابطه ی متقابل محیط و شرایط اجتماعی با اندیشه و شعر شاعران

نسرین فقیه ملک مرزبان*

لیلا ایزی*

از جمله مسائلی که در بررسی آثار، مورد توجه قرار می‌گیرد، مسأله‌ی *صورتخیال* و چگونگی کاربرد آن است. عوامل مختلفی موجب می‌شود که هر یک از شاعران در آثار خود به گونه‌ای متفاوت، از *صورتخیال* بهره بگیرند؛ یکی از این عوامل تأثیر *محیط و اجتماع* بر اندیشه‌ی شاعر است. چنان‌که در محیطی خفقان‌آمیز ممکن است کاربرد کنایه فزونی یابد و یا در محیطی ادب دوست، قوه‌ی خیال شاعر پرورش یافته و در نتیجه کاربرد آرایه‌هایی همچون استعاره‌ی تخیلی، تجسم و ... بیشتر به چشم آید. در این پژوهش برآنیم تا با بررسی شعر *وحشی بافقی* و *عرفی شیرازی* - این دو شاعر هم‌عصر - ابعاد تأثیر محیط بر اندیشه و شخصیت هر یک از این شاعران را از دیدگاه *صورتخیال* مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم. جامعه‌ی آماری، مثنوی‌های *خلدبرین* و *مجمع‌الابکار* می‌باشد که تمامی ابیات آن‌ها مورد مطالعه قرار گرفته است. روش تحقیق در این پژوهش به صورت تجزیه و تحلیل عقلانی و مطالعات کتاب‌خانه‌ای می‌باشد. نتیجه‌ای که از این بررسی حاصل شد، حاکی از آن است که به سبب خفقان حاکم بر جامعه، *وحشی بافقی* شخصیتی گوشه‌گیر و منفی‌نگر داشته که این مسأله بر تمام مثنوی *خلدبرین* سایه افکنده است؛ از سوی دیگر، از آن‌جا که عرفی از رفاه و شرایط اجتماعی مناسبی برخوردار بود، در شعر خود از تصاویر و مضامینی بهره برده است که گویای شخصیت مثبت‌اندیش شاعر می‌باشد.

کلید واژه ها: خلدبرین؛ صورتخیال؛ عرفی شیرازی؛ مجمع‌الابکار؛ محیط و اجتماع؛ وحشی بافقی.

* عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء(س)

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

نگاهی گذرا بر کاربرد پرکننده‌های زبانی در ادبیات داستانی معاصر

محمد هادی فلاحی *

عبدالرسول صادق پور *

کوروش آزادی *

پرکننده‌های زبانی یکی از نشانه‌های زبان گفتار هستند که در گفتار رسمی و غیررسمی نمودهای متفاوتی دارند. به عبارت‌هایی که سخنگو برای ایجاد تأخیر در مکالمه به کار می‌برد تا بتواند مکالمه را به هنگامی که برایش دشوار می‌شود ادامه دهد، «پرکننده» می‌گویند (برون و یول ۱۹۸۹). پرکننده‌ها در حقیقت به دور از معنای حقیقی‌شان، فضاهای خالی گفتمان را پر می‌کنند (مهدی‌پور، ۱۳۷۸). در این مقاله با بررسی ۳۰ داستان و نمایش‌نامه‌ی معاصر از «صادق هدایت، محمدعلی جمال‌زاده، نادر ابراهیمی، و محمدعلی افراشته» که نویسندگان سعی داشته‌اند زبان گفتاری شخصیت‌های داستان را در نوشته‌هایشان منعکس نمایند، به بررسی این مسئله می‌پردازیم که آیا پرکننده‌های زبانی به‌عنوان یکی از کلام‌نماها و نشانه‌های زبان گفتار، در این داستان‌ها و نمایش‌نامه‌ها مورد توجه نویسنده بوده‌اند یا خیر.

کلید واژه‌ها: پرکننده‌های زبانی، ادبیات معاصر، صادق هدایت

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات فارس

* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات فارس

* استاد دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات فارس

تطبیق دیدگاه های سهراب سپهری و جبران خلیل جبران در ارائه ی آرمان شهر عرفانی

رحمان فلاحی مقدم*

علی اکبر کمالی نهاد*

در این مقاله آرمان شهر عارفانه ی سهراب سپهری و جبران خلیل جبران از خلال آثار آن دو شاعربه صورت تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته است؛ از آنجا که هر دو شاعر در دامان طبیعت بزرگ شده اند، جای جای آثارشان نیز سرشار از حضور و ظهور عناصر طبیعت می باشد و مدینه آرمانی خود را نیز در همین طبیعت ساده به نمایش گذاشته اند و چون دغدغه نجات خود و بشر نوع خود را دارند، بنابراین مدینه گمشده شان کاملاً رنگ و بوی عارفانه دارد و در پهنه طبیعت بکر و آرام نمود عینی یافته است. همه عناصر طبیعت طبق همان قانون و فطرت خدادادی اولیه به زندگی خود ادامه می دهند و هیچ کاستی، نقص، زشتی، بی عدالتی، منت گذاشتن و ظلم و تجاوز وجود ندارد، همه زبان هم را می فهمند و به یاری و دستگیری هم می پردازند. از رفتار ناعادلانه حاکمان و تقلید کورکورانه ی زیردستان خبری نیست. سپهری و جبران با تأمل در طبیعت بکر و درس آموزی از آن، تجلی خدا را به تمام و کمال به نظاره نشسته اند و انسان ها را به تدبیر و درس آموزی از طبیعت تشویق کرده اند.

کلیدواژه ها: سهراب سپهری، جبران خلیل جبران، عرفان و طبیعت، ادبیات تطبیقی، آرمان شهر.

* مدرس دانشگاه آزاد واحد دهدشت

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک دبیر اتحادیه ی انجمن های علمی - آموزشی معلمان زبان و

ادبیات فارسی کشور

تطبیق دیدگاههای سهراب سپهری و جبران خلیل جبران در ارائه ی آرمان شهر عرفانی

رحمان فلاحی مقدم*

علی اکبر کمالی نهاد*

در این مقاله آرمان شهر عارفانه ی سهراب سپهری و جبران خلیل جبران از خلال آثار آن دو شاعربه صورت تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته است؛ از آنجا که هر دو شاعر در دامان طبیعت بزرگ شده اند، جای جای آثارشان نیز سرشار از حضور و ظهور عناصر طبیعت می باشد و مدینه آرمانی خود را نیز در همین طبیعت ساده به نمایش گذاشته اند و چون دغدغه نجات خود و بشر نوع خود را دارند، بنابراین مدینه گمشده شان کاملاً رنگ و بوی عارفانه دارد و در پهنه طبیعت بکر و آرام نمود عینی یافته است. همه عناصر طبیعت طبق همان قانون و فطرت خدادادی اولیه به زندگی خود ادامه می دهند و هیچ کاستی، نقص، زشتی، بی عدالتی، منت گذاشتن و ظلم و تجاوز وجود ندارد، همه زبان هم را می فهمند و به یاری و دستگیری هم می پردازند. از رفتار ناعادلانه حاکمان و تقلید کورکورانه ی زیردستان خبری نیست. سپهری و جبران با تأمل در طبیعت بکر و درس آموزی از آن، تجلی خدا را به تمام و کمال به نظاره نشسته اند و انسان ها را به تدبیر و درس آموزی از طبیعت تشویق کرده اند.

کلیدواژه ها: سهراب سپهری، جبران خلیل جبران، عرفان و طبیعت، ادبیات تطبیقی، آرمان شهر.

* مدرس دانشگاه آزاد واحد دهدشت

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک دبیر اتحادیه ی انجمن های علمی - آموزشی معلمان زبان و

ادبیات فارسی کشور

بررسی جریان سیال ذهن در داستان های سمفونی مردگان، شازده احتجاب، سنگ صبور و تسخیرشدگان

زهرا فلامرزی

راشین مسیبی

در سیر روایت یک داستان گاه نویسنده از قول خود به بیان مسائل می پردازد و حوادث را از منظر خود شرح و توضیح می دهد و در این راستا برخی مواقع قصد راوی صرفاً اطلاع رسانی و آگاه ساختن مخاطب از رویدادهایی است که به وقوع پیوسته است و در اصل، فضای روایت گونه ی داستان ایجاب می کند تا نویسنده آنچه به وقوع پیوسته است را به تفصیل شرح دهد اما گاه راوی خویش را مخاطب می سازد و بررسی و شرح و توضیح اتفاقات را در ذهن خویش مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد. از این تکنیک در ادبیات با عنوان صورخیال یاد می شود. در این پژوهش نگارنده بر آن است صور خیال را تعریف نموده و به بررسی عناصر صور خیال در رمان های سمفونی مردگان ، شازده احتجاب، سنگ صبور و تسخیر شدگان پردازد. صور خیال مطابق تعاریفی که در کتب نظریه های ادبی از آن ارائه گردیده است توجه به سطوح پیش گفتار تکلم است، به این معنا که حوادث، گفتگوها، مسائل و به طور کلی امور مختلف از ذهن فرد می گذرد و وی آن را بدون رعایت قواعد دستور زبانی و بدون در نظر گرفتن اصول نگارشی و همچنین بدون ملاحظه ی رابطه ی منطقی و رعایت توالی داستانی بیان می کند و در واقع بی نظمی ناشی از عدم رعایت موازین کلامی در آن مشهود است.

کلید واژه ها : صورخیال، روایت، سمفونی مردگان، شازده احتجاب، سنگ صبور، تسخیرشدگان.

بررسی تطبیقی نام بزرگان اسطوره‌ای، دینی و تاریخی

دکتر محمد فولادی*

دکتر یحیی کاردگر*

نامها یکی از بارزترین نمودهای حیات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ملت‌ها به‌شمار می‌آیند. به گونه‌ای که همزمان با تحول ملت‌ها، نامها نیز دگرگون می‌شوند. از این روبررسی تحول نامها در گستره تاریخی می‌تواند گویای چگونگی تغییر و تحول ملت‌ها و نشانگر دغدغه‌های آنان باشد. از آنجاکه نام آوران دینی و مذهبی و حاکمان هر دوره، تأثیری ویژه در رویکردهای گوناگون ملل دارند، بررسی نام این بزرگان می‌تواند در تبیین سیاست‌های حاکم هر دوره نیز به کار آید. در این مقاله کوشیدیم با بررسی نام آغازگران سلسله‌های حماسی، دینی و تاریخی و درآینه‌نام آنها، تحولات ادوار مختلف را مورد نقد و تحلیل قرار دهیم. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در نامگذاری افراد، سیمای ظاهری و جسمانی آنها، چگونگی احوال مادی و معنوی ادوار، آرزوها و آمال ملل، اخلاق رایج اعصار و سرانجام اعتقادات دینی و مذهبی، نقش اساسی دارد. به گونه‌ای که می‌توان نامها را منبع بسیار مهمی جهت تحقیق و پژوهش در تبیین سیمای ملل به‌شمار آورد.

کلید واژه‌ها: نامها، ادوار اسطوره‌ای، دینی و تاریخی، حیات مادی و معنوی.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه قم

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه قم

جلوه‌های رمانتیسم در اشعار حسن هنرمندی

یعقوب فولادی*

ایوب امیدی*

حسن هنرمندی یکی از شاعران مشهور معاصر ایران است که در دهه‌ی سی با مجموعه اشعار خود - هراس - شهرت خاصی در ایران پیدا کرد. روحیه‌ی رمانتیسم ایرانی که از دوره‌ی مشروطه به این طرف، از رمانتیسم غربی تأثیراتی پذیرفته است و به شکل و جریانی قدرتمند در شعر معاصر ایران جریان دارد در ذهن و زبان او بسیار پررنگ است. به گونه‌ای که زیباترین جلوه‌های رمانتیسم شعر فارسی را می‌توان در مجموعه‌ی شعر "هراس" این شاعر دید. این پژوهش برآن است که ضمن بیان مضامین و مبانی اصول رمانتیسم، به تأثیرگذاری این اصول بر ذهن و زبان حسن هنرمندی پردازد و خصوصیه‌های برجسته - یرمانتیک را در اشعار او بکاود و با ذکر شواهد شعری، ابعاد و مختصات این مقولهرابنمایاند.

کلید واژه ها: حسن هنرمندی، رمانتیسم، احساسات فردی، یأس و ناامیدی، مرگ.

* دانشجوی کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

ایرج میرزا و ادبیات عرب

مهدی فیروزیان*

از دیرباز آشنایی با ادبیات عرب، امثال، آیات و احادیث و ... برای ادبا و شعرا فرضی سنتی و اصلی تخطی ناپذیر بوده است. ایرج میرزا که حداقل دو دوره شاعری (کهن گرایی و تجدد) را تجربه کرده در هر یک از این دو دوره به زبان و ادب عربی توجه داشته است. همچنین در دوره نخست به فرهنگ اسلامی و قرآن و احادیث توجه آشکاری نشان داده است. در این مقاله با در نظر داشتن تمایز سبکی (ادبی و فکری) میان این دو دوره، تأثیر زبان عربی در دیوان ایرج در چند بخش تقسیم و بررسی شده: قرآن- حدیث (فقط آن دسته از کاربردها که در آنها با تکیه بر لفظ می توان اثرپذیری ایرج از احادیث را اثبات کرد)- امثال و ابیات عربی- لغات، تعبیرات و صرف و نحو عربی.

کلید واژه ها: ایرج میرزا، زبان و ادبیات عرب، قرآن، حدیث، صرف و نحو.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

باد ایام

(بررسی نشانه‌ی باد در اشعار محمد رضا شفیعی کدکنی)

پرنده فیاض منش *

سمیه حاجتی *

«باد» یکی از نشانه‌های واژگانی برجسته در شعر فارسی است که بسیاری از شاعران برای انتقال پیام خود به مخاطب از آن استفاده کرده‌اند. این نشانه‌ی واژگانی در نوشتار به صورت بسیط و گاه در ضمن ترکیب به کار رفته است؛ یعنی شاعر از رهگذر تحدید و تعمیم واژگان از واژه‌ی باد استفاده کرده تا معانی و مفاهیم متفاوت را با ترکیب‌های جدید خلق کند. بررسی نشانه‌ی باد با تکیه بر عنصر تقابل در چهره‌ی اسطوره‌ای آن در مجموعه اشعار شفیعی کدکنی مسأله‌ای است که مقاله‌ی حاضر بدان پرداخته است. باد در اشعار شفیعی کدکنی به شکل‌های مختلف به کار رفته، فراز و فرودهای خاص خود را در این اشعار دارد. شکل اهورایی باد در کنار دنیای اهریمنی آن قرار گرفته که البته باد و واژگان هم‌کارکرد آن در این مجموعه‌ها تصویر ایزدی باد را نمایان‌تر ساخته‌اند. مجموعه‌های تناسبی هم نشین با باد، بسیار ملموس و عینی‌اند و چهره‌ی نسیم و طوفان که در این مجموعه‌ها به ترتیب خوب و ویرانگر است در برخی موارد رنگ می‌بازد.

کلید واژه‌ها: نشانه، باد، شعر، شفیعی کدکنی.

* دانشگاه آزاد اسلامی، واحد صحنه، گروه زبان و ادبیات فارسی، صحنه، ایران

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان

بررسی اصول و معیارهای ادبیات کودک و نوجوان در اشعار کتابهای فارسی دوره‌ی ابتدایی ایران

دکتر حسین قاسم پور مقدم*

دکتر بهمن زندی*

پورچیستا علیزاده*

آنچه در این پژوهش مد نظر بوده است بررسی اشعار موجود در کتاب های فارسی دوره‌ی ابتدایی ایران است. در این تحقیق از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است و برای جمع‌آوری اطلاعات و ارزیابی، مراحل ذیل صورت گرفته است: مرحله‌ی اول: کتابهای مربوط به تاریخچه‌ی ادبیات کودک در ایران و جهان مطالعه گردیده و نمونه‌هایی از ادبیات کودک در چند کشور به عنوان مثال بررسی شده است. مرحله‌ی دوم: کتابها، مجلات، جزوه‌ها و مقالاتی که در زمینه‌ی شناخت کودک، رشد کودک، ویژگیها و خصوصیات کودک در دوره‌ی دبستان نگاشته شده و نیز نظریات بزرگان این رشته مورد مطالعه قرار گرفته است. مرحله‌ی سوم: با توجه به خصوصیات و ویژگیهای کودکان در دوره‌ی دبستان ملاک‌ها و معیارهای شعر کودک، نظریه‌ی کارشناسان و روانشناسان کودک و متخصصین فن در این زمینه بررسی شده است. مرحله‌ی چهارم: بعد از بررسی کتب مربوط به ادبیات کودک، کتابهای فارسی دوره‌ی ابتدایی با ملاک‌ها و معیارهای شعر کودک مورد مطالعه قرار گرفته و جدول بندی شده است. مرحله‌ی پنجم: با استفاده از روش مصاحبه از تجربیات معلمان کلاسهای پنج پایه‌ی ابتدایی، اشعار منتخب و نمونه‌ی هر پایه که بیشتر مورد علاقه‌ی کودکان بوده تجزیه و تحلیل شده است. از ۵۸ شعر با ۱۱۶۰ معیار و ملاک زبانی، رشدی، ادبی، ۱۰۸۱ ملاک و معیار مطابقت دارد که برابر است با ۹۳,۱۸٪ و ۷۹ ملاک و معیار مطابقت ندارد که برابر است با ۶,۸۱٪.

کلیدواژه‌ها: ادبیات فارسی، ادبیات کودکان و نوجوانان، دوره‌ی ابتدایی، شعر، کودک، کتاب فارسی.

* عضو هیئت علمی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی

* عضو هیئت علمی پیام نور تهران جنوب

* دانش آموخته ارشد آموزش زبان فارسی پیام نور

بررسی مفهوم و کارکرد میل در لیلی و مجنون نظامی گنجوی: رهیافتی روانکاوانه (لکانی)

عاطفه قاسم نژاد*

در هر دلی از هواس میلی

گیسوش چو لیل و نام لیلی

ادبیات فارسی گنجینه ی بی نظیری است که رویکرد های نوین در عرصه ی نقد ادبی ، تنها نمایانگر گوشه ای از پیچیدگی ها و ظرافت های ادبی، فلسفی و روانکاوانه آن است. جستار پیش رو، ضمن بررسی مفهوم میل در عرصه ی تاریخ و فلسفه، این واژه را بنا به تحلیل رویکرد ژک لکان روانکاو معاصر فرانسوی در لیلی و مجنون بررسی می نماید. در این راستا، تحلیل فرهنگ عام بر مبنای رویکرد روانکاوانه ی لکانی، از طریق فیلسوف و جامعه شناس معاصر اسلوی ژیژک در ادبیات بررسی گردیده و در این اثر بکار گرفته می شود. این بررسی بر آن است تا به این پرسش که قیس، شخصیت اصلی داستان منظوم لیلی و مجنون، از چه رو به این نام شهرت می یابد را از طریق مفهومی روانکاوانه بررسی نماید. مجنون، نامی که قیس بدان اطلاق می یابد، خود به تنهایی لزوم بهره گیری از رهیافتی روانکاوانه را توجیه می نماید. جنون ، در این بررسی، نه به عنوان نوعی بیماری روانی که به عنوان جزء لازمه ی وجودی مجنون در امتدادی لایتناهی بررسی می گردد.

کلیدواژه ها: میل، لکان، مجنون، هدف میل، گفتمان خرد گریز، خرد محور.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات انگلیسی عضو هیأت علمی مؤسسه آموزش عالی غیر انتفاعی حافظ شیراز

طرح ساختار قصیده در دیوان انوری

سعید قاسمی پُرشکوه

انوری از شاعران قرن ششم هجری و از شاعران دوره گذار از سبک خراسانی به عراقی است و در واقع از جمله شاعرانی است که در دوره بینابین یا حدّ واسط به سر می برد. از این روی در سروده های وی می توان بُن مایه های سبک خراسانی و نشانه هایی از سبک عراقی را جستجو کرد. در حقیقت کسانی چون انوری و مجیرالدین بیلقانی و دیگر شاعران سبک بینابین از مایه های سبک خراسانی استفاده و زمینه پیدایش سبک عراقی را فراهم کرده اند. افزون بر تغییر و تحوّل مضامین و مفاهیم رایج در دوره نخست شعر فارسی (= خراسانی) و تغییر نسبی دیدگاه های شاعران در دوره واسطه، می توان شاهد دگرگونی ساختار قالب های شعری نیز بود. برخی از این قالب ها مانند مسمّط در دوره میانین و پس از آن، در دوره های بعدی مثل عراقی و هندی بسیار کمرنگ شده است و برخی نیز مانند ترکیب بند و ترجیع بند که از قالب اصلی قصیده پدید آمده اند، تغییر شکل یافته قالب های اصلی و اولیّه است. مورد اخیر نوعی تغییر در ساختار برونّی قالب شعری است و در حوزه تحوّل برونّی قالب های شعری ارزیابی می شود، اما افزون بر این گونه دگرگونی برونّی و تبدیل قالب ها به یکدیگر، گونه ای از تحوّل برونّی را نیز در قالب های شعری می توان دنبال کرد. از جمله این قالب ها قصیده است که در دوره حدّ واسط و در اشعار شاعران این دوره در ساختار آن تغییراتی حاصل شده است و در اجزاء آن تحولاتی دیده می شود. در این جستار تلاش بر این است که این دگرگونی ها در قصاید دیوان انوری مورد بررسی قرار گیرد و در حقیقت نگاهی است به ساختار قصیده در دیوان انوری و در آن نخست به ساختار و اجزاء اصلی قصیده در شعر شاعران پیش از وی پرداخته شده است و سپس ساختار قصیده و انحراف از معیارهایی که بویژه در ساختار قصیده های انوری دیده می شود، مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت طرح ساختار قصاید انوری با نامگذاری آنها ارائه شده است.

کلیدواژه ها: انوری، قصیده، اجزای اصلی قصیده، انحراف در ساختار قصاید انوری، طرح ساختار قصاید انوری.

مفاهیم مشترک در دیوان منسوب به امام علی (ع) و خمسه نظامی گنجوی

سعید قاسمی پُرشکوه*

دیوان اشعار منسوب به امام علی (ع) پُر است از تعالیم و آموزه‌هایی که در طول تاریخ بُن‌مایه شعر فارسی بوده است و همه بزرگان ادب فارسی از شیعه و سنی از این آموزه‌ها به اندازه توان و هضم خود بهره برده‌اند و به قدر تشنگی خود از این دریا چشیده‌اند و این موضوع در آثارشان به خوبی روشن است و با وجود اینکه تا کنون کتاب‌ها و مقاله‌های بسیاری درباره تأثیر سخنان آن حضرت بر ادب فارسی به رشته تحریر درآمده است، هنوز جای تحقیق بیشتر در این زمینه خالی است و ضرورت پژوهش در این زمینه احساس می‌شود. از این روی می‌توان در حوزه ادبیات تطبیقی آثار هر یک از سخنوران این مرز و بوم را مورد بررسی قرار داد و این تأثیر پذیری را در آثار ادبی دنبال کرد. در پژوهش حاضر نیز با توجه به موضوع مقاله تلاش شد تا آموزه‌ها و مفاهیم مشترک میان اشعار امام علی، علیه‌السلام، که برخی آنها را منسوب به ایشان می‌دانند، و خمسه نظامی جستجو و پیگیری شود و با در کنار هم قرار دادن آنها آموزه‌های مشترک میان کلام امام علی (ع) با نظامی گنجوی بررسی و روشن شود و در این میان بیشتر به همانندی در حوزه آموزه‌های اخلاقی و تعلیمی تأکید شده است که با دقت نظر در اشعار خمسه نظامی، تأثر او از اشعار امام علی، علیه‌السلام، بیشتر آشکار خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: دیوان منسوب به حضرت علی (ع)، خمسه نظامی، مفاهیم اخلاقی و تعلیمی، ادبیات تطبیقی.

* دانشجوی دکتری دانشگاه علامه طباطبائی تهران

سیمای فردوسی در آینه ی اشعار لایق شیرعلی

علی اکبر قاسمی گل افشانی*

بزرگوار حکیم سترگ فردوسی

که مام ایران چون او دگر نژاد پسر

« دکتر پرویز ناتل خانلری »

حکیم فرزانه ی طوس ، ایرانی ترین ایرانی ، گنجور گنجینه ی دری ، فردوسی بزرگ با پی افکندن کاخی بلند و استوار و مانا و جاویدان از گزند باد و باران و حوادث روزگار ، همچون آفتاب جهان تاب بر بلندای ایرانشهر نور افشانی می کند **سپر فروغ باد این نور ایزدی** - . امروزه می بینیم شاهنامه ، این نامه ی فرهنگ و فرهنگ نامه ی هویت ایرانیان مرزهای شرق و غرب عالم را در نور دیده و به عنوان یک شاهکار جهانی در محافل و مجالس ادبی - فرهنگی در اطراف و اکناف عالم خوش نشسته است . نام فردوسی زینت بخش دفتر شعر و تحقیق و پژوهش صدها ادیب و شاعر و اندیشمند ؛ نظیر ، فرانسواکوپه ، ویکتور هوگو ، ژول مل ، هانری ماسه ، تتودور نلدکه و ... در سراسر جهان است . در تاجیکستان ، این سرزمین دیر آشنا با فرهنگ و زبان و ادبیات مشترک که « **نامش برم به اوجسما می رسد سرم ، از شوق می پریم ، صد مرد معتبر ، آیند بر نظر** » ، نیز فردوسی و نامور نامه ی او از جایگاه والایی برخوردارند . کتاب خانه ی ملی شهر دوشنبه که بزرگترین کتابخانه ی تاجیکستان است ، به نام نامی **ابوالقاسم فردوسی** مزین شده است . تندیس فردوسی نیز در دوشنبه وجود دارد . مردم تاجیکستان از خرد و کلان عاشق و شیفته ی فردوسی هستند . کمتر شاعری را در تاجیکستان می توان یافت که شعری درباره ی فردوسی و شاهنامه و یا شخصیت های اساطیری - پهلوانی آن نداشته باشد . شاعران زیادی در تاجیکستان ؛ نظیر ، مومن قناعت ، گل نظر ، گل رخسار ، اسکندر ختلانی زبان به ستایش و تکریم فردوسی و شاهنامه ی او گشودند . یکی دیگر از این شیفتگان فردوسی ، چهره ی برجسته ی فرهنگی تاجیکستان ، شاعر معاصر لایق شیرعلی (۱۹۴۱ - ۲۰۰۰) است . لایق شیرعلی دغدغه ی فرهنگی داشته است و در کلام او دلباختگی به فرهنگ گذشته و مشاهیر و مفاخر فرهنگی از جمله فردوسی ، حافظ ، خیام و ... را می بینیم . خوشبختانه کلیات اشعار لایق شیرعلی در ایران هم به چاپ رسیده است . لایق در شعر « **ریشه ی منمناً اجداد من** » به ستایش ایران پرداخته و ایران

* دبیر و سرگروه زبان و ادبیات فارسی سوادکوه مازندران

را خانه ی ایمان و میعاد خود دانسته است . لایق در این شعر **شاهنامه** را به همراه مثنوی مولوی توشه ی خود معرفی کرده . لایق در شعر **خراسان بزرگ** به پیوند مشترک تاجیک و ایرانی اشاره می کند و از هویت مشترک سخن به میان می آورد و از **فریدون** و **درفش کویانی** و **سیاوش** و **جام جم** می گوید ؛ لایق در یک رباعی ، **فردوسی** و **سلطانمحمود غزنوی** را در تقابل هم آورده و به آن ها صفات عاقل و ناکس داده است ؛ شمار عاقلانی هم چون **فردوسی** کمند و حساب ناکسانی هم چون **محمود بی شمار** . لایق در آستانه ی استقلال تاجیکستان در غزلی از اوضاع نابسامان تاجیکستان به فغان درآمده و ظهور **کاوه ی آهنگر آن انقلابی شاهنامه** را به انتظار نشسته است . یکی از مجموعه های لایق « **الهام از شاهنامه** » نام دارد که در سال ۱۹۷۸ به جایزه ی دولتی **ابوعبدالله رودکی** نایل گردیده است . لایق در این مجموعه به شخصیت های **رستم** ، **تهمینه** ، **کاوه** ، **کاوس** و **فردوسی** می پردازد . وی در این مجموعه شخصیت **کاوه** را یک شخصیت زنده و نامیرا می داند و می گوید : « **کاوه عصیانگر دوران است** » . « **پسر هژدهم کاوه** » ، « **روح رخس** » ، « **غرور رستم** » و ... بعضی از عناوین این مجموعه هستند ما بر آنیم که در این مقاله به سیمای **فردوسی** در آینه ی اشعار لایق **شیرعلیپردازیم** . تا که قبول افتد و چه در نظر آید .

کلیدواژه ها : **فردوسی**، **شاهنامه**، **تاجیکستان**، **لایق** ، **شیرعلی**، **کلیات اشعار**، **الهام از شاهنامه**.

شیرین تر از عسل

بررسی تحلیلی و تطبیقی مضامین اخلاقی، حکیمانه و پند آموز در اشعار رودکی سمرقندی، نظامی گنجه ای و سعدی شیرازی

رضا قاسمی*

نیک اندیشی و خیرخواهی برای مردم در قالب سخنان پندآموز و حکیمانه، از اخلاق پسندیده است. انسان نیک اندیش پیوسته خواهان سعادت و هدایت مردم بوده و در ایجاد رابطه نیکو بین مردم و اصلاح ذات البین کوشش وافر دارد و مانع فساد و خصومت در میان مردم است. از آنجایی که هدف پندها تربیت و آماده سازی مردم است برای شنا در دریای زندگی و رویارویی با دشواریها و خطرهایی که ممکن است آدمی را زیر فشار بگذارند و از پا درآورند. پندها به قصد راهنمایی و ترغیب آدمیان به سوی رفتاری بهتر بیان شده اند. شعرای بزرگ که از خرد و دانش بهره دارند با تأسی به دستورات قرآن کریم و سخنان گهربار معصومین (ع) به بیان عقاید و افکار خود که تراویده خرد و دانش است سعی داشته اند حس خیرخواهی مردم را در قالب سخنان پندآموز و دلنشین برانگیزند یکی از این شعرای بزرگ، رودکی سمرقندی است. او سجایای اخلاقی را در زربفتی از کلام دلنشین که از دل برخاسته و لاجرم بر دل می نشیند بر سبیل هدایت و ارشاد به دیگران اهدا می کند او در عین حال که مفرح قلوب و زداینده غم از دل‌های مردمست آموزگار ایشان نیز می باشد. در اشعار خویش افکار حکیمانه و اندرزها به یادگار گذارده است. در بیشتر اشعاری که از وی مانده اشعار وزین در حکمت و موعظه می توان یافت. پژوهشگر در این مقاله با راهنمایی استاد محترم دکتر سید مهدی نوریان، بر آن است ضمن مراجعه به کتب معتبر، اشعار رودکی سمرقندی را از دیدگاه موضوعات اخلاقی و اجتماعی و پند آموز مورد بازبینی و تحلیل قرار داده و در قلمرو ادبیات تطبیقی نیز محورهای فکری و عقیدتی این شاعر را با افکار و اندیشه های دو شاعر توانای ادب پارسی، نظامی گنجه ای و سعدی شیرازی، پیوند زده و به تحلیل و تطبیق آنها پردازد. باشد که بتواند در حلقه ارادتمندان استاد شاعران، رودکی سمرقندی، درآید.

کلید واژه ها : اخلاق، پند، رودکی، سعدی، نظامی، مضامین اخلاقی، نوع دوستی، دنیا گزینی و دنیا گریزی.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی عضو انجمن ترویج زبان و ادبیات فارسی

فیض کاشانی، حکیم روحانی و عارف سبحانی بررسی زندگینامه و آثار ملامحسن فیض کاشانی

رضا قاسمی*

محمد بن محسن فیض کاشانی، دانشمند بلند آوازه، اواخر عصر صفوی و نویسنده متفکر و حکیم فقیه و محدث مشهور قرن یازدهم هجری است. او عارفی است که به سر منشاء حقایق عرفانی راه یافته و هم حکیمی اشراقی که استدلال و اثبات را از طریقه مشائیان به ارث برده و هم متفکری که گاه به خود آزادی بیرون جستن از قیدهای سنتی و تعلیمی را داده است. دانشمندی پر کار و مردی گوشه گیر بوده که در تمام رشته‌های علمی از معقول منقول و فروع و اصول و شعر و ادب و اخلاق، فلسفه، تفسیر، حدیث، فقه و عرفان کتب و رسائل زیبایی را که هر کدام ره توشه عارفان و سالکان بوده به رشته تحریر درآورده است. بر این اساس پژوهشگر در این مقاله سعی نموده است موارد زیر را مورد بازبینی و بررسی قرار داده و روزه‌ای به گلستان سرسبز علم و دانش به روی خود بگشاید و حاصل پژوهش خود را به پیشگاه صاحب نظران عرضه دارد.

- ۱- روزگار و زمانه حکیم ملامحسن فیض کاشانی
- ۲- زندگی نامه حکیم ملامحسن فیض کاشانی
- ۳- خاندان حکیم ملامحسن فیض کاشانی
- ۴- مراتب علمی حکیم ملامحسن فیض کاشانی
- ۵- نوع و نحوه گرایش فیض کاشانی به تصوف و حدیث
- ۶- مقام شاعری ملامحسن فیض کاشانی
- ۷- جهان بینی و اعتقادات ملامحسن فیض کاشانی
- ۸- ویژگی‌های روحی و اخلاقی ملامحسن فیض کاشانی
- ۹- وفات ملامحسن فیض کاشانی
- ۱۰- بررسی آثار و تألیفات ملامحسن فیض کاشانی

کلید واژه‌ها: عرفان، تصوف، اخلاق، فیض کاشانی.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی عضو انجمن ترویج زبان و ادبیات فارسی

جایگاه انسان کامل در حوزه عرفان عملی در اندیشه عطار نیشابوری

* مهدی ماحوزی

* شهین قاسمی

در بررسی اجمالی ادب فارسی ملاحظه می شود که خمیرمایه اصلی تمام انواع ادبی، توجه به حقایق و ارزش هایی است که از فطرت پاک انسانی سرچشمه گرفته اند و این رمز بقا و جاودانگی آثار برجسته شاعرانی چون، فردوسی، ناصر خسرو، سنایی، عطار، مولوی و غیره است. در آثار عارفان بزرگ، هدف نهایی از ارائه داستان ها و تمثیلات چیزی جز بیان و توجیه صفات ارزشمند انسان کامل نیست. عارفان بزرگ به درستی انسان را «عالم اکبر» می دانند، عالمی که خداوند در سرنوشت او استعداد های شگفت به ودیعت نهاده است. انسان می تواند به مدد اراده و کوشش خویش راه تکامل و عروج معنوی را طی کند. اما این راهی سخت دشوار است. بنابراین، دریافت معرفت یا از راه پیوند پیچیده ادراکات است، یا از طریق قبول بدیهیات یا از راه دل و تصفیه باطن. به طور خلاصه آن که: معرفت یا از طریق چشم سر است یا از راه چشم دل. با توجه به احساس های مختلف آدمی می توان این تعبیر را تعمیم داد و بنیان معرفت را تا مرزهای بی نهایت گسترش بخشید. عطار نیز به عنوان یکی از قله های رفیع عرفان، محور آثار خویش را انسان و سعادت او قرار داده و همواره در سراسر مثنوی هایش سیر ترقی انسان را تا مرتبه کمال و رسیدن به مرحله انسان کامل به تصویر کشیده است.

کلید واژه ها: انسان کامل، عرفان، عرفان عملی، اندیشه، عطار نیشابوری

* دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی واحد رودهن

تحلیل حکایت های مینی مالیستی بوستان سعدی

مالک قاسمی*

پیام نوزادحور*

مینی مالیسم جریانی است با مولفه ها و ویژگی های خاص خود که قابلیت تطبیق و تحلیل با بسیاری از حکایات و قصص کوتاه ادبیات کلاسیک فارسی را داراست. از طرفی بوستان سعدی نیز به دلیل اشتغال بر حکایات اخلاقی کوتاه تا حد زیادی دارای قابلیت های مینی مالیستی است و می توان آن ها را با ویژگی های داستان های مینی مال سنجید. ویژگی هایی چون ساده، کوتاه و کم حجم بودن، داشتن زبان تصویری، واقع گرایی، محدودیت زمان و مکان و... که در این پژوهش به آن ها پرداخته ایم، به صورت بارزی در این حکایات جلوه گر است. نتایج این پژوهش نشان می دهد که حکایت های کوتاه آثار منظوم و منثور فارسی آثاری چند بعدی با قابلیت های تحلیل تطبیقی است و این امر مبین این حقیقت است که با استفاده از جریان های ادبی امروزه نیز می توان به بررسی و تحلیل آثار کلاسیک ایران پرداخت و دیگر این که این ادبیات فراگیر، گنجینه ی بی نظیری است که می توان آن را با معیارهای نقد ادبی امروز سنجید.

کلید واژه ها: مینی مالیسم، بوستان سعدی، حکایت، داستان، واقع گرایی، سادگی.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی و مدرس دانشگاه محقق اردبیلی

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی

تحلیل ساختاری قصیده ترسائیه خاقانی

مالک قاسمی*

عیسی مقالی*

خاقانی از معدود شاعرانی است که به واسطه ی شعر عمیق و دیر یاب خود تا حد زیادی ناشناخته است و بسیاری از ترکیبات و پیچیدگی های شعری او هنوز هم برای علاقه مندان به شعر، ناآشنا و مبهم مانده است. شاید به این دلیل است که به ندرت، سراغ دیوان او می روند. در این مقاله سعی بر آن شده تا سبک شعری یکی از مشهورترین قصاید او مورد بررسی و تحلیل ساختاری قرار گیرد. به این منظور ابتدا پس از بیان توضیحاتی پیرامون ساختار گرای، تحلیل ساختاری آثار ادبی و پیشینه ی این گونه مطالعات، به تجزیه و تحلیل اجزاء و عناصر سازنده ی قصیده ی ترسائیه او خواهیم پرداخت و با بررسی این قصیده از لحاظ ساختار متن و ساختار نظم، انسجام ساختاری آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهیم داد.

کلید واژه ها: ساختار گرای، سبک شعری، قصیده ترسائیه، خاقانی.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی و مدرس دانشگاه محقق اردبیلی

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور تبریز

بررسی ، مقایسه و تحلیل متن باز نویسی شده ی داستان رستم و اسفندیار برای گروه سنی کودک و نوجوان

معصومه قاسمی

حمید رضایی

بازنویسی متن نوعی تکرار "بینامتنی" است. افسانه ها و اسطوره های دیرین بدین طریق حیاتی دوباره می یابند و متون کهن در شکل و ساختاری جدید عرضه می شوند. بازنویسی و ساده سازی متون کهن ادبی به زبان قابل فهم برای گروه های سنی مختلف از جمله نوجوانان اهمیت زیادی دارد. ضرورت این کار آشنا شدن نوجوانان با فرهنگ، آداب و رسوم، تمدن، مفاخر ملی و گذشته ادبی این مرز و بوم است. یکی از این متون کهن و ارزشمند ادبی، کتاب شاهنامه ی فردوسی است. از این داستان گونه های مختلفی بازنویسی شده است که در این پژوهش، به بررسی و مقایسه متن بازنویسی شده داستان رستم و اسفندیار به لحاظ اصول مهم داستانی (پیرنگ، شخصیت و شخصیت پردازی، درون مایه، زاویه دید، فضاسازی) برای گروه کودک و نوجوان با متن اصلی، پرداخته شده است. با مقایسه ی دو داستان بازنویسی شده برای کودکان و نوجوانان می توان گفت که نویسندگان داستان باز نویسی شده برای نوجوانان موفق تر عمل کرده است، ولی بهتر بود برای قابل فهم کردن ماجرا از تصاویر هم استفاده می کرد. با توجه به اینکه تنها می توان گفت داستان از لحاظ طرح اولیه آن هم به طور کامل با اصل داستان شباهت دارد و داستان هم فضایی غم بار و غم انگیز دارد، طرح چنین مسائلی با این همه امور متضاد برای کودکان و نوجوانان درست به نظر نمی رسد، در این گونه موارد بهتر است که از هنر بازآفرینی کمک گرفت، تا بتوان با حفظ رگه هایی از اصل ماجرا آن را برای گروه های سنی مختلف تغییر داد.

کلید واژه ها: رستم و اسفندیار، بازنویسی، متن کهن، کودک، نوجوان.

جان مایه های اخلاقی و تربیتی در شعر امامی نجفی دهکردی

رضا قاسمی*

اهمیت علم اخلاق و مکارم اخلاقی در میان علوم، بر کسی پوشیده نیست، چه سعادت دنیوی و اخروی انسان در گرو این علم است. در اهمیت مکارم اخلاقی همین بس که پیامبر اکرم(ص)، هدف و سررسالت خویش را تکمیل مکارم اخلاقی بیان داشته و خداوند بزرگ او را به «خُلُقِ عَظِيمٍ» توصیف نموده است. علاوه بر سفارش های قرآنی، بازتاب مسائل اخلاقی در نیل به جامعه ی آرمانی در سفارشات ائمه ی معصومین(ع)، اندیشمندان، فلاسفه، متکلمین و عرفا نیز وجود دارد. متون ادب فارسی اعم از عرفانی، حماسی و تاریخی نیز مملو از مضامین اخلاقی و نکات عالی آن است. در جوامع انسانی، اخلاق پدیده ای است که پیوند سلامت اجتماعی در روابط انسانی را ضامن بوده و نبود یا کم رنگ شدن آن مسئله ای است که هر جامعه ای را به تباهی می کشد. در ادبیات فارسی شاعران و نویسندگان نیز سعی کرده اند مضامین اخلاقی و تربیتی را به روشی نیکو در قالب تمثیلات زیبا بیان نمایند. یکی از این شاعران و عارفان متعهد که شایستگی دارد زوایای پوشیده ی اشعارش بر ارباب علم و ادب نمایان تر گردد، آیت الله حاج سید محمد باقر امامی نجفی دهکردی است. محمدباقر امامی فرزند سید محمد جواد امام جمعه، از علما و روحانیون بزرگ شهرکرد بود که در حدود سال ۱۳۰۰ هجری قمری چشم به جهان می گشاید. تحصیلات خود را در رشته ی فقه و حقوق و اصول در شهر اصفهان به پایان می رساند و بعد از مراجعت به شهرکرد، مرجع احکام شرعی و حل و فصل محاکمات را عهده دار می شود و به نشر آثار و ترویج شعائر مذهبی اهتمام می ورزد. از مرحوم امامی نجفی دیوان اشعاری باقی مانده که در آن بیشتر به شیوه ی مثنوی مولوی، به بیان حقایق دینی و شرح احادیث و اخبار مذهبی و لطایف عرفانی پرداخته شده است. پژوهشگر با توجه به اهمیت علم اخلاق و نشر آموزه های تربیتی از یک طرف و نمایاندن سیمای معنوی این عارف شهیر و شاعر فهیم استان چهارمحال و بختیاری بر آن شد آموزه ها و جان مایه های اخلاقی و تربیتی شعر دلکش میرزا محمدباقر امامی نجفی را با مراجعه به مجموعه اشعار و منابع معتبر و موثق دیگر به تصویر کشد تا زوایای پوشیده او بر ارباب هنر و ادب نمایان تر گردد.

کلیدواژه ها: میرزا محمدباقر امامی نجفی دهکردی، حقیقتنامه، فضایل اخلاقی، رذایل اخلاقی، آرمانشهر دینی و اخلاقی.

شبهات دیدگاه های سهراب سپهری و سلمان هراتی

شیما قاسمی*

در این مقاله سعی شده است نزدیکی دیدگاه های دوشاعر معاصر، سهراب سپهری و سلمان هراتی _باتکیه بر آثارشان_ مورد بررسی اجمالی قرارگیرد. اگرچه سپهری، شاعر پیش از انقلاب است و تا میانسالی رادرک کرده است و هراتی، شاعر انقلاب است و در جوانی به دنیای جاوید شتافته است؛ می توان در آثارشان به اندیشه ها و خیال بندی های مشابهی دست یافت. می دانیم که آن یکی، ازکاشان، سرزمینی گرم و خشک و این یکی، از مازندرانی که طراوت و سرسبزی در آن حرف اول رامی زند؛ برخاسته است اما عناصر طبیعت، آیاتی برای شناخت خداوند و سجده گاه هر دوشاعرند. عشق این دو به طبیعت تاجایی است که حتی گذر زمان رابا عناصر آن، اندازه می گیرند. سپهری و هراتی در بسیاری از باور هابه هم نزدیکند؛ هر دو مرگ رازشت نمی بینند، درختان راسمبل مهربانی می دانند، سادگی رادوست دارند و نیز روستا را راکه جایگاه این سادگی است. آنها پنجره ها را آغشته به آفتاب می یابند، ماه رادر کنار کودکان می بینند و دوست دارند پرده ها رابدرند و کنار بزنند.

کلیدواژه ها: شعر، معاصر، سپهری، هراتی.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی مدرس مدعو دانشگاه پیام نور مرکز گرمسار

نام موجودات دینی و افسانه‌ای در شاهنامه فردوسی

عالمجان قاسمی

دکتر علوم فلولوژی*

شاهنامه فردوسی یکی از بزرگترین شاه‌کارهای ادبیات جهان است که با زبان فارسی پاکیزه و اندیشه‌های والای انسانی دل هزاران دوستداران فرهنگ و ادب فارسی را تسخیر کرده است. زبان شاهنامه فردوسی که بیشتر با زبان فارسی دری یاد می‌شود، فارسی‌ترین گونه زبان فارسیست. که از روی پژوهش‌ها، واژگان بیگانه در آن از پنج درصد بیش نیست. فردوسی بزرگ با شاهنامه بی‌زوال خود توانست نه تنها مقام زبان فارسی را نگه دارد، بلکه سد راه نابودی وی فراموشی خرد و فرهنگ ایرانیان گردد. آموزش و بررسی واژگان (شاهنامه) نیرو و توان زبان فارسی را بیشتر می‌سازد. در شناخت ساختار و معانی واژگان زبان فارسی کمک می‌رساند. زبان شاهنامه فردوسی باید از نگاه واژه‌شناسی آموخته شود زیرا امروزه زبان فارسی ایران، تاجیکستان و افغانستان زیر تأثیر وام‌واژه‌های زبان بیگانه و غیر قرار دارند. سزاوار یادآوریست که واژه‌شناسی شاهنامه به آشکار ساختن روند تکمیل واژه‌های زبان فارسی دری در طول هزار سال، دگرگون شدن ترکیب لغوی و یکی‌های معنایی واژگان یاری می‌رساند. در مقاله حاضر واژگانی که نامبرده شده‌اند، از نگاه پیدایش، ساختار معنی و تابش‌های معنایی در متن شاهنامه بررسی و تدقیق گشته‌اند.

کلید واژه‌ها: فردوسی، شاهنامه، زبان فارسی دری، واژگان.

* مدیر دفتر فرهنگ نگاری و اصطلاحات پژوهشگاه زبان و ادبیات رودکی آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان

گذری بر ساخت اضافه در زبان فارسی

زهرا قانع*

در این مقاله گروه اسمی در زبان فارسی در چارچوب نظریه کمینه گرای چامسکی (۱۹۹۵) مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است و نشان داده شده است که چگونه تکواژ اضافه در ساختار درختی گروه اسمی جای گرفته و ایفای نقش می کند. در ادغام دو هسته مثلا اسم و صفت مجموعه ای بدست می آید که نمی تواند فرافکنی یابند و در نتیجه تکواژ اضافه به عنوان یک مقوله نقشی با این مجموعه ادغام می شود و برای برآورد کردن مشخصه اصل فرافکنی گسترده (EPP) یکی از آنها را به جایگاه مشخصگر حرکت می دهد و به عنوان هسته ویژگی اسمی خود را به گروه می دهد در این مقاله همچنین سعی بر آن است که به بررسی دو تحقیق برجسته (سمیعان و قمشی) در این زمینه پردازد و دیدگاههای آن دو را برخواننده روشن کند.

کلید واژه ها: تکواژ اضافه، ادغام، حرکت، هسته.

* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان مدرس دانشگاه پیام نور

ساخت ارتقایی در زبان فارسی

زهرا قانع*

در این مقاله، سعی می شود نظریات زبانشناسان نامی در مورد وجود یا عدم وجود ساخت ارتقایی در زبان فارسی، که دارای متمم خودایستا است، به صورت موجز و مختصر ارائه گردند. در این زمینه سه نظریه اصلی مطرح می شود. براساس نظریه اول ساخت ارتقایی در زبان فارسی وجود ندارد. طبق نظریه دوم ساخت ارتقایی در زبان فارسی وجود دارد و حرکت در این ساختار به جایگاه موضوع می باشد، و از نقطه نظر سوم، این حرکت به جایگاه غیرموضوع صورت می پذیرد.

کلیدواژه ها: ساخت ارتقایی، جایگاه موضوع، جایگاه غیرموضوع، متمم خودایستا.

* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان مدرس دانشگاه پیام نور

تحلیل داستان فرود شاهنامه از دیدگاه پل تیلیش با تاکید بر مسئله اضطراب

دکتر حسینعلی قبادی

الهام نیکویخت

اضطراب، در همه زمان ها همراه بشر بوده، اما به فراخور مقتضیات زمانه انواع و خاستگاه های آن تغییر کرده است. انسان اولیه به دلیل ناآشنایی و انس نداشتن با محیط و احساس تهدید از خطرهای پیرامونش، همواره درگیر اضطراب مرگ بوده است. این نوع اضطراب با پررنگ شدن مسائل اخلاقی جای خود را به اضطراب اخلاقی داده است. اما انسان امروز به دلیل مخاطراتی که جهان معاصر برایش پیش می آورد، اضطراب حاصل از بی معنایی را تجربه میکند. نظریه اضطراب پل تیلیش، متاله قرن نوزدهم به دسته بندی و تبیین انواع اضطراب های بشری می پردازد. بازتاب اضطراب های بشری بر روی آثار ادبی آشکار است و خوانش این آثار با دید نقادانه به کشف رد پای اضطراب در این دسته آثار می انجامد. این مقاله می کوشد تا اثرات حاصل از ناخودآگاه مضطرب بشر در یک اثر ادبی (داستان فرود شاهنامه) را نشان بدهد. آثار حماسی جزو آن دسته از آثاری به حساب می آیند که به دلیل پرداختن به اسطوره های یک ملت از لحاظ زمانی داستان مردمان نخستین را بیان میکنند و بر مبنای نظریه تیلیش در این بازه زمانی غلبه "اضطراب وجودی" بارزتر از دیگر شاخه های اضطراب است. این مقاله به بررسی نشانه های اضطراب و به طور اخص اضطراب وجودی در داستان فرود شاهنامه می پردازد. اضطراب غالب بر داستان، در درجه اول اضطراب مرگ و سرنوشت و محکومیت (یعنی اضطراب وجودی - نوع اول) است. اضطراب گناه نیز به عنوان دومین اضطراب در داستان به طور مداوم تکرار می شود. اضطراب پوچی و بی معنایی فقط در پایان داستان - جایی که فردوسی به بیان نتیجه داستان می پردازد - به چشم می خورد.

کلیدواژه: پل تیلیش، اضطراب وجودی، اضطراب مرگ، اضطراب اخلاقی، اضطراب بی معنایی، داستان فرود شاهنامه.

بررسی شاخصه های رمان پست مدرن در دو رمان "هیس" و "آفتاب پرست نازنین" نوشته محمد رضا کاتب

حسینعلی قبادی*

عطیه مشاهری فرد*

پست مدرنیسم، یکی از نحله های تفکر معاصر می باشد که خود را در بسترهای مختلفی نشان داده است. یکی از این بسترها، رمان نویسی است. در این مقاله مشخصه های آثار پست مدرن که توسط منتقدان غربی تبیین شده، در عناصر مختلفی همچون شخصیت پردازی، زمان، زوایه ی دید، فرجام و ... ، از دو رمان معاصر فارسی به نام های "هیس" و "آفتاب پرست نازنین" نوشته ی محمد رضا کاتب، بررسی می شود. با مشخص شدن میزان ورود بینش ها و شگردهای مربوط به دو جریان مدرن و پست مدرن در یک اثر، می توان تعیین کرد که این آثار در حیطه ی کدام یک از این دو جریان جای می گیرند.

کلیدواژه ها : پست مدرنیست مدرنیست، رمان معاصر ، محمد رضا کاتب.

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس

حکیم سنایی غزنوی و اخلاق

دکتر کریمعلی قدمیاری*

حدیقه الحقیقه سنایی که در زمره برجسته ترین منظومه های تعلیمی عرفانی به شمار میرود یکی از ارزشمندترین و اصیلترین میراث‌های ملی و فرهنگی ایرانیان در صحنه ادبیات فارسی است. از دیگر شاهکارهای سنایی، قصاید اوست. اندیشه زهد و عرفان نیز از مهمترین محورهای موضوعی در قصاید سنایی است. نکوهش دنیا، تفکر درباره مرگ، توصیه به گسستن از آرزوهای طولانی و بی‌حد و حصر، تذکر به خویشتن حقیقی آدمی، از مضامین رایج قصاید اوست. تعالیم اخلاقی از دیرباز در ادبیات فارسی جزو مفاهیم برجسته شعر بوده است و شعرا تلاش زیادی برای نشر فضایل و جلوگیری از رذایل داشته اند. سنایی نیز یکی از این شعرا است. از این رو، بررسی و تحلیل آموزه های اخلاقی حدیقه و قصاید او، موضوع این پژوهش است.

کلیدواژه ها: *حدیقه الحقیقه*، قصاید، آموزه، اخلاق، شعر.

* استاد یار دانشگاه ارومیه

«بازتاب باورهای عامیانه و عقاید خرافی در شعر ادیب الممالک فراهانی»

دکتر کرمعلی قدمیاری*

سمیه نوری*

اعتقاد به خرافات موضوعی است که تقریباً در همه ادوار شعر و نثر فارسی با اشکال گوناگون وجود داشته و بشر همواره به ارتباط با یک قدرت برتر و نیروی فرا زمینی نیازمند بوده است تا به آن وابستگی خاطر پیدا کند و به پرستش آن پردازد و از چنین قدرتی هم یاری بخواهد. توجه بشر به خدایان و عناصر طبیعی از جمله خورشید و ماه و نیروهای مرموز و جادویی و باورهای خرافی در همین چشم انداز قابل بررسی است. در عصر قاجار نشانه های فراوانی از باورهای خرافی بویژه در بین زنان دیده می شود. رسوبات این نگرش نزد شاعر اندیشمندی مانند ادیب الممالک فراهانی به وفور مشهود است. در این مقاله باورها و عقاید خرافیاز دیوان اشعار ادیب الممالک فراهانی استخراج شده است. با توجه به زیادی شواهد، تنها برخی از آنها تحت عنوان ذیل تقسیم بندی و تبیین می شود: ۱- اعتقادات و باورهای خرافی. ۲- باورها و اعتقادات مربوط به موجودات موهوم و اساطیری.

کلید واژه ها: ادیب الممالک فراهانی، باورهای عامیانه، عقاید خرافی، شعر.

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه.

«نیما و باستان‌گرایی»

دکتر کر معلی قدمیاری*

علی اصغر زارع*

باستان‌گرایی یا آرکایسم (archaism) در برابر نیولوژیسم (neologism) به کارگیری واژه‌ها و اصطلاحات کهن است که استفاده از آن متن را از نظر سبکی متمایز و چهره‌دار می‌کند. زندگی بخشیدن به واژه‌هایی که در دسترس عامه نیست، سبب تشخیص زبان می‌شود. این مقوله، یکی از شیوه‌های آشنایی زدایی با عناصر گذشته زبان است که اصالت و استواری ویژه‌ای به زبان می‌دهد. باستان‌گرایی بر دو نوع است «واژگانی» و «دستوری». نویسنده و شاعر در هر دو زمینه به گذشتگان چشم دارد و از آن‌ها الگو می‌گیرد؛ صد البته که این الگوبرداری تقلید نیست بلکه پیوند گذشته و اکنون است. شاعران معاصر زیادی از جمله «احمد شاملو»، «مهدی اخوان ثالث»، «سهراب سپهری»، «فروغ فرخزاد» و... از این شگرد استفاده کرده‌اند و در کار خویش نیز بسیار موفق بوده‌اند. این جستار برآن است تا نمونه‌هایی را، از به کارگیری زبان گذشته، در شعر نیما به دست دهد و کاربرد «واژگانی» و «دستور زبانی» نیما را از زبان کهن به صورت نمونه‌وار ارائه کند.

کلیدواژه‌ها: زبان، واژه، دستور، باستان‌گرایی، شعر.

* استادیار دانشگاه ارومیه

* دانشجوی دکتری

نقد درونمایه‌ی نمادین داستان «ماهی سیاه کوچولو»

فاطمه قربان صباغ*

کلمه‌ی ادبیات و کلمه‌ی کودک گرچه از معنای مستقلی برخوردارند اما جهان مشترکی دارند، نگاه ادبیات به انسان است. ادبیات، شوربختی و درماندگی انسان را همراه با آرزوها و رویاهایش تصویر می‌کند، برای همین است که ما همراه ادبیات شانه به شانه، آدمی را می‌بینیم که در پی اندیشه‌های آرمان خواهانه‌ی خود از گذرگاه قرون و اعصار سر بر می‌آورد و به پیش می‌رود و این آدمی کودکی ذاتی در خود دارد که جویای حقیقت است. از این رو صمیمی‌ترین ادبیات وقتی شکل می‌گیرد که با جهان کودک یکی شود و صمد بهرنگی پی‌ریز چنین ادبیاتی است و یا دست کم به ادبیات کودک جانی تازه بخشید. نویسنده‌ی کودک از آن‌رو که با محدودیت دامنه‌ی مفاهیم و موضوعات ذهن کودک روبروست، خود را بیشتر ملزم به واقع‌گرایی می‌داند تا بتواند جهانی ملموس برای خواننده‌ی کودک خلق کند اما در سال‌های پس از ۱۳۳۲ و تسلط فضای سیاسی آن دوران، ادبیات آرمان‌گرایانه‌ای رشد می‌کند که با زبان رمز و کنایه سخن می‌گوید. نگارنده در این نوشتار بر آن است تا علاوه بر پرداختن به مبانی تئوریک نمادها، ضمن گذر از پوسته‌ی اصلی داستان «ماهی سیاه کوچولو» به بازتاب درونمایه‌ی نمادین این داستان نیز پردازد.

کلید واژه‌ها: ادبیات کودک، صمد بهرنگ، نماد پردازی، درونمایه، داستان «ماهی سیاه کوچولو».

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

واژه "پارس" معادل "ایران" در شاهنامه (از دوره جمشید تا لهراسب)

دکتر خاور قربانی*

دکتر فاطمه بابایی سرور*

واژه پارس در متون تاریخی و جغرافیایی گاهی به کل ایران و گاهی به جزئی از آن یعنی ایالت جنوبی ایران، اطلاق شده است اما مطالعات نشان می دهد که محققان تاکنون مدلول آن را در شاهنامه تنها استان فارس دانسته اند. مقاله حاضر در صدد است با ارائه شواهدی از شاهنامه و استناد به اهم منابع تاریخی بعد از اسلام تا قرن هشت، به بررسی محدوده پارس در بخش اساطیری و حماسی شاهنامه پردازد و نشان دهد که پارس در دوره پیشدادیان شاهنامه، معادل "بابل" در منابع تاریخی و در دوره کیانیان تا لهراسب معادل "بلخ" در آنهاست که در روزگاران کهن بابل پایتخت غربی و بلخ پایتخت شرقی فلات ایران بوده است؛ یعنی فردوسی به جای تفکیک این دو واژه و استعمال جداگانه هریک، واژه پارس را که به کل فلات ایران اطلاق می شده و از شرق تا غرب را در برمی گرفته به جای این دو واژه بکار برده است.

کلید واژه ها: پیشدادیان، کیانیان، ایران، فارس، پارس، بابل، بلخ.

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مهاباد، گروه زبان و ادبیات فارسی، مهاباد، ایران

* مدرس مؤسسه توسعه و عمران همدان

بررسی تطبیقی گناه در غزلیات حافظ و اعترافات آگوستین قدیس

دکتر خاور قربانی*

نسرین عنایتی*

همانگونه که آگوستین کتاب خود را در بیان گناهایی که در زندگی مرتکب شده، نوشته، حافظ هم در لابه لای غزلیات خود به گناهایی که در زندگی خود مرتکب شده، اشاره کرده بنابراین، این مقاله، پژوهشی است در راستای تطبیق مسأله گناه در دو اثر "اعترافات آگوستین" و "غزلیات حافظ". این کار به روش توصیفی - تطبیقی صورت گرفته و پس از بررسی اوضاع اجتماعی، تأثیر آن بر ذهنیت این دو نسبت به بررسی مباحثی مانند گناه اولیه، عوامل انجام گناهان، انواع گناهان از دید آنها پرداخته شده است. با وجود تفاوتی که در دین و بالتبع افکار این دو در این باب موجود است، همنوایی خاصی در این زمینه مشاهده می شود. این شباهتها بیشتر در حوزه گناهایی است که در مقوله اخلاقی مطرح می شوند مانند کبر، ریا، عشق به شهرت و آوازه، تعلقات دنیوی و... آنچه این اشتراک را به وجود می آورد، در اساس عشق این دو به ذات خداوند و وصال اوست و هردو ارتکاب به این گناهان را مانع دستیابی به آن می دانند.

کلیدواژه‌ها: حافظ، آگوستین، گناه، اجتماع، اخلاق، عشق.

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مهاباد، گروه زبان و ادبیات فارسی، مهاباد، ایران

khavarghorbani_۱۳۵۹@yahoo.com

* کارشناس ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مهاباد، گروه زبان و ادبیات فارسی، مهاباد، ایران

بررسی باورها، اعتقادات و موسیقی در خسرونامه عطار

سعیدالله قره بیقلو*

مینا محمد علیزاده شیروانی*

یکی از ارکان اصلی شعر، این است که می تواند بازتاب دهنده برخی عناصرمانند: اعتقادات، آداب و رسوم، آلات موسیقی، نجوم و همچنین باورهای مردمانی که با آنها زیسته اند باشد بنابراین با نگاهی گذرا به اشعار شاعران در هر دوره ای می توان ردپایی از تمامی این نگرش ها و اعتقادات را در اشعار شاعران ملاحظه نمود و عطار نیز در خسرونامه به مانند دیگر مثنویاتش که مشحون از معانی خوش عرفان و تصوف و مبانی دلکش سیرو سلوک است از این امر مستثنی نبوده همچنان که در داستان های عاشقانه و افسانه ای خود در خسرو نامه نتایجی بزرگ گرفته است و در اشعار خود از آنها سخن به میان آورده بنابراین ما در این مقاله بر آنیم به بررسی باورها، موسیقی و ... بادیگاهی نو در منظومه ی عطار بپردازیم.

کلید واژه ها: عطار، شعر، باورها، خسرونامه.

* استادیار دانشگاه آزاد تبریز

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز

مقایسه ی داستان "جوناتان مرغ دریایی" اثر ریچارد باخ با داستان "سی مرغ و سیمرغ" از منطق الطیر عطار نیشابوری

زهره قلزم*

ضمیر ناخودآگاه انسان، دنیای وسیعی است از ناشناخته ها که هنرمند، نویسنده و شاعر، هریک به شیوه ای به این دنیای ناشناخته دست می یابد و آن را با زبان رمز به دیگران نشان می دهد. رمزگشایی از آثار پدیدآمده، کارمتمقد است. به رمزها و بیان معانی آن ها در منابع و آثار فارسی بسیار پرداخته اند. هدف پژوهش گردر این پژوهش اشاره ی مختصری به چگونگی استفاده از این رمزها در داستان "سی مرغ و سیمرغ" عطار و داستان "جوناتان، مرغ دریایی" و مقایسه آن ها با یک دیگر است. پژوهشگر در این پژوهش، از آموزه های اندیشمندانی چون یونگ، میرچایلیاده، کمبل و... بهره برده و با روش نقد اسطوره شناختی به مقایسه ی این دواثر پرداخته است. دواثر مورد بررسی، صرف نظر از تفاوت ها، مملو از رمزها و نمادهای مشابه است، یافته های به دست آمده از این پژوهش عبارتند از: در هر دواثر سخن از تعالی و رسیدن به کمال مطلوب است، هر دواثر کمال مطلوب را در رسیدن انسان به خودآگاهی می دانند، در هر دواثر، پیر فرزانه ای برای راه نمودن حضور دارد، در هر دو اثر، راه های دشواری در راه رسیدن به کمال مطلوب وجود دارد که سالک باید با تحمل سختی ها و رنج ها این راه را طی کند، میل به جاودانگی در هر دواثر به چشم می خورد، استفاده از عدد رمز آمیز ۱۲ در هر دواثر دیده می شود، و....

بنابه نظریونگ، همان طور که انسان ها دارای ضمیر ناخودآگاه فردی هستند، قوم ها و ملت ها نیز دارای ضمیر ناخودآگاه جمعی می باشند. وجود اسطوره ها و نمادهای مشترک، بیانگر این مسئله است. بنابراین، با وجود این که این دواثر در مکان های دور از هم و با زبان های متفاوت، با فاصله ی زمانی چند قرن نوشته شده اند، دارای چنین نمادهای مشترکی هستند.

کلیدواژه ها: اسطوره، پیر فرزانه، خودآگاهی، رنج و سختی، سیمرغ، سی مرغ، عشق، کمال مطلوب، مرغ، مرغ دریایی.

* دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات کودکان و نوجوانان، دانشگاه شیراز

با تشکر از دکتر فریده پورگیو، دانشیار زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه شیراز

ذکر فارسی زبانان و ایرانیان در مرآت الاصطلاح تألیف آندرام مخلص (در ۱۱۵۸ ق / ۱۷۴۵ م)

حمیدرضا قلیچ خانی

این مقاله دربرگیرنده سه بخش اصلی است: ۱- معرفی کوتاهی از آندرام مخلص. ۲- معرفی مرآت الاصطلاح و اهمیت آن. ۳- معرفی و بررسی عباراتی که به جای «فارسی زبانان» و «ایرانیان» در این کتاب آمده است. آندرام مخلص (ف. ۱۱۶۴ ق. / ۱۷۵۸ م.) فرزند راجا هرده رام کهتری^۱ فرهنگ مرآت الاصطلاح را در سال ۱۱۵۸ ق / ۱۷۴۵ م تألیف کرد. وی از قوم راجپوت و ساکن قریه‌ای به نام سودهرا^۲ سیالکوت از توابع لاهور بود. آندرام در شاهجهان آباد (دهلی کنونی) می‌زیست و در دربار پادشاهی، وکیل اعتمادالدوله قمرالدین خان وزیر فردوس آرامگاه و نیز وکیل سیف‌الدوله عبدالصمد خان ناظم صوبه لاهور و ملتان بود و «رای رایان» خطاب داشت. این فرهنگ فارسی به فارسی هنوز منتشر نشده^۳ و در آخرین دوره‌های نفوذ سیاسی و فرهنگی زبان فارسی در هندوستان، توسط هندویی اهل قلم، شاعر و آشنا به زیر و بم اصطلاحات دیوانی و انشاء تألیف شده است. وی با بسیاری از شاعران و ادبای ایرانی و هندی دوره خود آمد و شد و دوستی داشته است. این کتاب امتیازات بسیاری دارد؛ از جمله این که شواهد یا به قول مؤلف سندها از اشعار معاصران وی است و به ندرت از شعرای سبک عراقی یا خراسانی استنادی آورده است؛ دیگر این که بسیاری از اتفاقات و نقل قول‌های دست اول که خود دیده و شنیده را معمولاً با ذکر تاریخ و جزئیات، ثبت کرده است و نیز معادل‌ها هندی و گاه داشتن یا نداشتن همان واژه، اصطلاح، یا مثل را در زبانها و فرهنگ هندوستان یادآوری کرده است؛ همچنین برای آگاهی از معنای رایج بسیاری از ترکیب‌ها و اصطلاحات ویژه و رایج در سبک هندی و پژوهش در این باره سودمند است. نسخه‌های خطی بازمانده از این اثر ارزشمند، کمیاب است و در این مقاله از سه نسخه خطی کامل و متقدم مرآت الاصطلاح استفاده کرده‌ام. نخست نسخه‌ای که در کتابخانه خدابخش پتناست و اساس قرار گرفته است.

^۱ - Raja Hriday Ram Khatri

^۲ - Sodharah

^۳ - تقوی، ص ۱۴۹

^۴ - فقط یک بار ترجمه انگلیسی خلاصه‌ای از آن، همراه با سهوهای بسیار انتشار یافته است. (نک: کتابنامه)

دوم نسخه موزه بریتانیاست و سوم نسخه کتابخانه دانشگاه لاهور است.^۱ مخلص در دیباچه فرهنگ آورده است: «رینا در مقامی که کروبیان ملاء اعلی با وجود سرودن زمزمه حمد به گوناگون لغت اعتراف به قصور نمایند، مخلص بی زبان را چه قدرت که به سخن گشایند ... اما بعد معروض می دارد **آندرام مخلص** چون در ایام شباب ذوق مفرطی با شعر داشتم [و] اکثر اوقات صرف این معنی می گردید ... و از سرِ شام که به گلگشتِ دواين رنگین استادان سری کشیده وقتی به خود پرداخته که جلدِ بیاضِ صبح به ترنج زر خورشید زینت پذیرفته به خطِ شعاعی مجدول گردیده ... برخلاف فرهنگ نویسان که به تحریر لغات قدیم مصروف بوده، به تحقیقِ مصطلحات فارسی گویان تازه توجهی ننموده اند. در حل معانی آن رساله [ای] رنگین تر از اوراق لاله مرقوم باید نمود ... بنای کار بر حروف تهجی گذاشتم و برای هر حرف، بابی مشعر بر فصلها که آن نیز مطابق حروف تهجی است ... این نسخه به ترتیب رسید به «مرآت الاصطلاح» موسوم گردید.

این نسخه را که نامش مرآت اصطلاح است تألیف چون نمودم در بهترین ساعات

کلک سخن طرازم تحریر کرد مخلص تاریخ اختتامش، تحقیق اصطلاحات = ۱۱۵۸ «

از هر نسخه، تصویر یک صفحه را که دربرگیرنده اصطلاحات مورد نظر است، آورده ام تا نمونه ای از رسم الخط نسخه ها نیز برای علاقه مندان ارائه شده باشد. گفتنی است که اصل این اثر و هر سه نسخه آن خارج از جغرافیای کنونی ایران و زبان فارسی تألیف و استنساخ شده اند و ازین رو برای مطالعه وضعیت مسائل زبان فارسی در شبه قاره هند بسیار سودمند است. در این کتاب بنابر سنت اهل هندوستان، برای ایرانیان و کسانی که زبان مادریشان فارسی بوده است، اصطلاحاتی بکار رفته است؛ این واژگان و اصطلاحات در بسیاری از مدخلها دیده می شود؛ عباراتی چون: **فارسیان، اساتذۀ ایران، صاحب زبانی، اهل ایران، کلام اساتذہ، از ولایت به هندوستان آمده، ایران، از زبان دانی سند دارم، یکی از اساتذہ گفته، از زبان دانان به تحقیق رسیده.** و گاه اهل زبان فارسی را اینگونه معرفی می کند: **صاحب این شعر اگرچه ولایت زاست لیکن مدتی در شاهجهان آباد می باشد...** برای طنز و استهزای هندیانی که خود را صاحب نظر در زبان فارسی می دانستند و البته فارسی زبان دوم ایشان بوده است، از عبارات زیر استفاده کرده است: **نویسنده های فارسی تراش ... یک پاره اگر مهملاتشان نقل کنم ... وصف فارسی تراشیش را فارسی چند اختراع می نماید از جمله فارسی ایجادی این پیر روشن ضمیر**

کلیدواژه ها: آندرام مخلص، مرآت الاصطلاح، ایرانیان هند، فارسی زبانان هند، فارسی تراشی.

^۱ - خوشبختانه مراحل تصحیح آن بر اساس سه نسخه به پایان رسیده و به زودی منتشر خواهد شد.

بررسی بلاغت سنتی با رویکرد بینامتنی

رضا قنبری عبدالملکی

هدف این مقاله، بررسی ریشه‌های نظریه بینامتنیت در مباحث بلاغت سنتی فارسی است. بینامتنیت طبق نظر «ام اچ ایبرمز» از طریق موارد زیر صورت می‌گیرد: نقل قول‌های صریح و ناصریح، تکرار و تغییر ویژگی‌های شکلی و مضمونی، یا صرفاً از طریق مشارکت ناگزیر در استفاده از گنجینه سنت‌ها و قواعد زبانی و ادبی و روندهایی که از پیش همواره موجودند. مقوله «بینامتنیت» از نگاه منتقدین کلاسیک ادبیات ایران نیز پنهان نمانده است؛ البته با اصطلاحاتی خاص و متفاوت با اصطلاحات نقد ادبی مدرن. سایه‌روشنی از مباحث مربوط به این نظریه، همواره در میان خالقان آثار ادبی و علمای بلاغت دنیای اسلام مورد اعتنا و اهتمام بوده است، هم در ذیل مباحثی که علمای بلاغت درباره اصطلاحاتی نظیر اقتباس، تلمیح، تقلید و حسن اتباع طرح کرده‌اند می‌توان پاره‌ای از اجزای آنچه به عنوان گفتگوی متن‌ها یا بینامتنیت شناخته می‌شود یافت؛ و هم در فصولی از کتب بلاغی که به بحث درباره «سرقات ادبی» اختصاص یافته است. این مقاله می‌کوشد به بررسی این موضوع بپردازد.

کلیدواژه‌ها: بینامتنیت، بلاغت سنتی، سرقات شعری، نقد ادبی، مکالمه باوری.

شهادت نامه ی ابن همام شیرازی قدیمترین منظومه ی موجود در وقایع کربلا

وحید فنبری نیز*

در تاریخ اسلام هیچ واقعه ای به مانند عاشورای خونبار سال ۶۱ هجری تأثیرات عمیق سیاسی و اجتماعی بر فرهنگ شیعه نداشته است و از آنجا که ادبیات بستر مناسبی برای تجلی این تأثیرات است بازتابهای این رخداد مفصل ترین بخش ادبیات شعر را تشکیل می دهد. این مقاله سعی دارد تا ضمن گذری بر پیشینه ی شعر عاشورایی در ادبیات فارسی به معرفی منظومه ی "شهادت نامه" اثر ابن همام شیرازی که قدیمترین منظومه ی موجود در وقایع کربلاست بپردازد. ابن همام از شعرای شیعه قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری است که شهادت نامه را به سال ۹۰۳ ه.ق. سروده است. از آثار ابن همام شیرازی مجموعه ای به شماره ۲۶۵۴ در بخش نسخ خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران محفوظ است که این مقاله بر اساس آن پرداخته شده است.

کلیدواژه ها: شعر شیعه، ابن همام شیرازی، شهادت نامه.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسیدانشگاه شهید باهنر کرمان

بررسی تطبیقی خودستایی های شاعران عباسی با خاقانی شروانی

دکتر علی قهرمانی*

جعفر بامدادی*

خودستایی در لغت به معنی «مداحی و تحسین از خویشتن» است. این صفت در زندگی اجتماعی امروز و البته در اعصار و قرون گذشته، نزد مردم عامی امری زشت و ناپسند و منفی تلقی می شد. اما در ادبیات به ویژه شعر، یکی از فنون سخنوری است و کمتر شاعری دیده می شود که به خودستایی و مدح و ستایش از خود پرداخته باشد و دانش و هوشمندی خود را برتر از دیگران نشان ندهد. نمودهای خودستایی در شعر شاعران متفاوت است. برخی علم و دانش خود را به رخ دیگران کشیده اند، برخی شخصیت شاعری خود را ستوده اند و برخی شخصیت حقیقی و ذوق هنری خود را می ستوده اند. در یک پژوهش تطبیقی به بررسی و مقایسه‌ی خودستایی چندین شاعر عرب- متنبی، ابوتمام، بحتری و ابوالعلا- با خودستایی یکی از خودستاترین شاعران زبان فارسی- خاقانی شروانی- پرداخته شد. نتایج این پژوهش نشان می دهد که شاعران عرب، بیشتر شیفته‌ی منش و شخصیت خود بوده اند اما خاقانی شروانی بیشتر به فضل و دانش و اطلاعات وسیع خود می بالیده است.

کلید واژه ها: خودستایی، شاعران دوره‌ی عباسی، خاقانی شروانی، شعر.

* عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلم آذربایجان

* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت معلم آذربایجان

بررسی سبک شاعرانه رمان کلیدر (محمود دولت آبادی)

یحیی کاردگر*

فاطمه باباشاهی*

محمود دولت آبادی از نویسندگان پرآوازه ی ادبیات معاصر ایران است. اثر مشهور او رمان کلیدر در ادبیات داستانی از جایگاهی ویژه برخوردار است. امتیاز بارز این رمان کاربرد حجم گسترده ای از عناصر شاعرانه در متن آن است. در مقاله ی حاضر با بررسی و مطالعه ی دقیق متن رمان، مصادیق این کاربردهای شاعرانه را از متن استخراج و سپس با طبقه بندی این عناصر به تقسیم آنها در بخشهای جداگانه اقدام نموده ایم.

طبق نتایج به دست آمده، می توان گفت نثر کلیدر، از جنبه ی کاربرد عناصر شاعرانه، نثری پیشتاز است که گنجینه ای از ادبیات فارسی، اعم از نظم و نثر را در خود نهفته دارد. بهره گیری از این کاربرد های شاعرانه در عین حال که به شکل گیری نثری نو و بدیع در حوزه ی رمان نویسی انجامیده است، با تلفیقی همگون و هماهنگ با محتوای متن و بسط و گسترش فضای عاطفی آن، در القاء هرچه بهتر این فضای عاطفی به مخاطب نیز تأثیری بسزا داشته که قابل تأمل است.

کلیدواژه ها: محمود دولت آبادی، کلیدر، سبک، نثر شاعرانه، رمان فارسی.

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

نقش زاویه دید در صحنه پردازی داستان های مثنوی

مهدیه کارگر سنگاچینی*

دکتر محمد کاظم یوسف پور*

مثنوی معنوی اثر ارزشمند است که گذر روزگاران آن را به دست فراموشی نسپرده است. شاید یکی از دلایل ماندگاری مثنوی داستان های دلنوازی است که موجب تلطیف کلام متعالی مولوی گردیده و هر روزه پنجره جدیدی بر آنها گشوده می شود؛ روزنه ای که مخاطبان خود را به نگاهی تازه بر این داستان ها دعوت می کند. در داستان نویسی معاصر، عناصر داستان (طرح، زاویه دید، شخصیت، صحنه و...) بسیار مورد توجه اند. این عناصر در ارتباط با یکدیگر، پیکره انداموار داستان را شکل می دهند؛ آن چنان که انتزاع کامل آنها از یکدیگر دشوار است. بر این اساس، این نوشتار توجه خود را بر نقش زاویه دید در صحنه پردازی داستان های مثنوی مبدول داشته است. صحنه و صحنه پردازی در معنای بُعد مکانی و زمانی و چینش آنها در داستان است. این نوشتار سعی دارد نشان دهد که چگونه گزینش زاویه دید کانونی گر بیرونی (راوی دانای کل) و کانونی گر درونی (شخصیت کانونی گر) و همچنین تلفیق آنها در داستان، در شکل گیری صحنه موثر است و با بررسی برخی داستان های مثنوی آشکار سازد که ذهن خلاق مولانا به خوبی توانسته زاویه دید مناسب با داستان را برگزیند و از دریچه آن مخاطب را با ظرف مکانی و زمانی که کنش داستان در آن روی می دهد، آشنا سازد. چنانکه در بیان خاطرات از زاویه دید شخصیت کانونی گر بهره می جوید و مخاطب را پایه پای همان شخصیت، تنها در مکان و زمان های که شخصیت حضور دارد، وارد می سازد. از سویی در داستان هایی که نیازمند آگاهی بیشتر مخاطب از موقعیت مکانی و زمانی دیگر شخصیت های داستان است، به کمک راوی دانای کل، به صورت موازی و همزمان، مخاطب را آزادانه در میان صحنه های مختلف با خود همراه می سازد و بدین وسیله، متناسب با نیاز داستان از عهده صحنه پردازی آن بر می آید. همچنین در پایان، توانایی مولانا در به کارگیری چهار عدسی (فراخ منظر، گروهی، نمای نزدیک و درونی) در آفرینش صحنه داستان، میدان دید و فضا سازی آن بررسی خواهد شد.

کلید واژه ها: مثنوی، صحنه، زاویه دید، کانونی گر درونی، کانونی گر بیرونی.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

* استادیار دانشگاه گیلان

مستی فیلسوف (پیرامون خیام و شعر)

مهدی کارگر*

قرنهای پنجم و ششم در ایران از دوره های پر تنش و جنجالی نحله های کلامی بوده است. تأسیس و تأثیر نظامیه بغداد و تألیف کتاب *تَهافت الفلاسفه* شاهد این مدعاست که رسالتشان رساندن پیام کلام اشعری به جهان اسلام بوده است. حکیم عمر بن خیام نیشابوری در این دوره عمرش را سپری کرده است. وی فیلسوف شاعر، ریاضیدان، منجم و طبیب بوده است. حکیم نیشابور دریای پر تلاطم وجودش را به صورت رباعیات در ساحل وجود خود ظاهر ساخته است. قالب شعری که بوی ایرانیّت آن برای مشام آریایی آشناست. خیام رساله های کم حجم و پر محتوای فلسفی هم دارد که اگر مورد مذاقه قرار گیرند چون مشعلی رباعیات منسوب و منحول به حکیم نیشابور را روشن خواهند ساخت. بر کسانی که متد در تحلیل شخصیت را نیک می شناسند، پوشیده نیست که شناخت شخصیت همواره از طریق آثار شخصیت امکان پذیر است نه یک اثر. البته مکانیسم روایی هم بی تأثیر نخواهد بود. مواریت سرگردان و مکانیسم روایی را به طور مطلق نمی شود نپذیرفت؛ زیرا اگر چنین اتفاقی روی دهد، دیگر چه فرقی میان *تورات*، *انجیل* و شعر شاملو باقی خواهد ماند؟ یا در مورد *قرآن کریم* هم اگر تاریخ اسلام را نادیده انگاریم دست کم جنبه و حیاتی آن بر ما مجهول باقی خواهد ماند. این سخن در مورد حکیم نیشابور نیز صادق است و شراب نیشابوری حکیم عمر خیام، می انگوری نیست که اگر بود مولای بلخ از قول خیام آوازه "اشربوا" در ایام نمی افکند:

«هزار جان گرامی فدای آن یاری
که به مجلس ما امر اشرابوا دارد»

چگونه می انگوری از عهده حلّ اسرار عالم بر خواهد آمد؟ شیخ الرئیس ابن سینا نام دو کتاب فلسفی خود را *شفاء* و *نجات* نامیده است و کتاب پزشکی خود را *قانون*. و حکیم نیشابور دریای متلاطم و خروشان وجودش را به موج رباعیات در ساحل وجودش ظاهر ساخته است. معانی در لفظ ظاهر می شوند ولی از لفظ، ژرفترند و این رابطه ظرف و مظروفی بس شگفت است. به قول انوری:

در جهانی و از جهانی بیشی
همچو معنی که در بیان باشد

ادبیات و فلسفه ملازم یکدیگرند، فیلسوفی که ادیب نباشد و ادیبی را نشناسد و بیان خوبی نداشته باشد، قدرت بیان افکارش را نخواهد داشت و شاید فکر خوبی هم نداشته باشد و اگر کسی ادیب باشد و

فلسفه نداند، در واقع ادیب نخواهد بود. ادبیات و فلسفه به موازات هم در خیام حضور دارند. حکیم نیشابوری به همان اندازه که یک فیلسوف بزرگ است یک شاعر توانا نیز محسوب می شود و چنانکه اندیشه های خود را در هر دو حوزه بیان کرده است در شعرش صفت شاعرانه به خرج نداده است و با تخیلات شاعرانه خود را سرگرم نساخته است. کسانی که با سطوح مختلف و متفاوت زبان و لایه های تو در تو آن نا آشناوند، در شناخت خیام دچار کج فهمی خواهند شد. یک ادیب اگر اندیشه ای ندارد چه چیزی برای گفتن خواهد داشت؟ تمام ادبیاتهای مهم جهان دارای پشتوانه فلسفی هستند و به همین جهت ادبیات فارسی در اوج است از این روی، حرف حساب حکیم نیشابور تفکر است. هرچند مشعل تفکر و فلسفه در بسیار سرزمینها به خاموشی گراییده است ولی در ایران زمین به واسطه داشتن فرهنگ تفکر از دورانی بس کهن تا کنون همواره نور افشان بوده است هرچند برای اندیشمندانش تکفیر و تبعید ارمغان آورده است.

کلیدواژه ها: سخن، متمدن، ادبیات، فلسفه، رباعیات خیام، مکانیسم روایی.

«واکاوی شاخصه‌های سبک نوقدمایی در اشعار حمیدمصدق»

کبری کاس پور توچایی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

دبیر دبیرستان‌های شهرستان لاهیجان

در کنار نوآوری‌هایی که شاعران امروز برای دستیابی به یک زبان مشخص در پیش گرفته‌اند گونه‌ای بازگشت به ترفندهای هنری گذشته و تجدید حیات آن‌ها، در آثار برخی شاعران قابل توجه است، تا آن‌جا که این بازگشت می‌تواند رمز و راز توفیق آنان در حوزه زبان باشد. نیما در کنار سنت-شکنی و سنت‌آفرینی، ساخت‌های ابداعی بی‌شماری را در کنار حفظ سنت پیشین در شعر امروز وارد نموده است و پس از او شاعرانی در این عرصه فراخ قدم و قلم زدند، از جمله این شاعران حمیدمصدق است. حمیدمصدق (۱۳۷۷ - ۱۳۱۸ ه.ش) از شاعران نسل دوم نیمایی است و در مثلثی جای دارد که در سه رأس آن، «مهدی اخوان ثالث»، «سیاوش کسرای» و «فریدون مشیری»، سه شاعر نسل اول نیمایی قرار دارند. اکثر کتب مرتبط با ادبیات معاصر، مصدق را از پیروان سبک نوقدمایی می‌دانند، که آمیزه‌ای است از اختصاصات شعر قدیم و شعر نیمایی و تغزلی. مقاله حاضر در پی تبیین شاخصه‌های سبک نوقدمایی در مجموعه اشعار مصدق (درفش کاویانی، آبی خاکستری سیاه، در رهگذارباد، از جدایی‌ها، سال‌های صبوری، شیرسرخ) است تا از این رهگذر ارزش و زیبایی این تمهید هنری را در شعر وی با ذکر شواهدی در این باب بنمایاند.

کلیدواژه‌ها: حمیدمصدق، سبک نوقدمایی، ادبیات معاصر، مجموعه اشعار حمیدمصدق.

بررسی تطبیقی سروده های عاشورایی در اشعار کلاسیک و معاصر

کبری کاس پور توچائی

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دبیر دبیرستان های شهرستان لاهیجان

ادبیات عاشورایی جویباری جاودانه است که از سرچشمه های ذوق و معرفت شاعران حسینی می جوشد و بر کتیبه هستی نقش می بندد و محدود به هیچ زمان و مکانی نیست. این شاخه از ادبیات آیینی، هم زمان با حرکت امام حسین (ع) از مدینه به کوفه آغاز و در خطبه ها و سخنرانی های افشاگرانه امام (ع) و یاران و فرزندان متجلی گردید و بعد از واقعه عاشورا به واسطه شاعرانی چون، فرزدق، دعبل خزاعی، ابن رومی، ابن عباد، مهیار دیلمی، سیدرضی و ... ادامه پیدا کرد. از میان شاعران پارسی گوی، کسائی مروزی، رودکی، ابوشکور بلخی، فرخی، باباطاهر، ناصر خسرو، حافظ، مولانا، سعدی، نظامی، خاقانی، جامی، محتشم کاشانی و ... در این عرصه فراخ و روشن، قدم و قلم زدند که بیشتر گرایش آن ها توصیفی بود. در عصر حاضر نیز، شاعرانی چون؛ علی معلم، علی موسوی گرمارودی، علیرضا قزوه، حمید سبزواری، طاهره صفارزاده و ... به رغم محدودیت های ساختار در شعر، با تحلیل و برداشتی صحیح از حماسه های حسینی، توانستند جایگاه محتوا را نیز حفظ کنند و یکی از اهداف والای قیام عاشورا را احیای جاودانه مذهب بدانند. گفتنی است آنچه شعر در نفس انسان برمی انگیزد ممکن است یک حس زیبا باشد یا زشت، یک عاطفه شدید باشد یا یک درد همیشگی؛ اما شرط اصلی آن تأثیر شگرف در نفوس بیشتری است. هر اندازه که شاعر هم درد بیشتری در میان مخاطبان برای خود بیابد به همان اندازه از سوی جامعه پذیرش بیشتری خواهد یافت و هر چه زبانش برای خوانندگان آشناتر باشد، دیرتر و کم تر به دست فراموشی سپرده خواهد شد. این مقاله برآن است تا با استناد به نمونه هایی از اشعار عاشورایی متقدمین و معاصرین، ادبیات عاشورایی را در سروده های این دو گروه شاعران مورد تحلیل و بررسی قرار دهد و برای دستیابی به این هدف نگارنده می کوشد تا ارزش و زیبایی این گونه ارجمند و ثوابمند را با ذکر شواهدی در این باب بنمایاند.

کلیدواژه ها : شاعران کلاسیک، شاعران معاصر، ادبیات عاشورایی، امام حسین (ع).

روایتگری و گفتگو در شخصیت پردازی رمان چهل سالگی

ریحانه کاشانی خطیب

گفتگو در دو شیوه شخصیت پردازی (گفتن و نشان دادن) نقش مهمی دارد. آنچه که شخصیت بر زبان می آورد بیانگر روحيات اوست، همچنین مطالبی که دیگران درباره شخصیت بر زبان می آورند نیز به نحوی خود گوینده و شخصیت را توصیف می کند. شکل یا شیوهی گفتار هم می تواند اطلاعات زیادی درباره ی شخصیت در اختیار خواننده بگذارد. گفتگو در داستان عاملی متمایز از روایتگری است. روایتگری آن چیزی است که راوی از آن سخن می گوید (صدای راوی) اما گفتگو سخنی است که شخصیت ها بر زبان می آورند. با توجه به تقسیم بندی های رایج در نظریات ادبی در باب گفتگو، در مقاله ی حاضر تأثیر گفتگو، در شخصیت پردازی رمان چهل سالگی با رویکرد روایت شناسانه، بررسی می شود.

کلیدواژه ها: روایت شناسی، شخصیت پردازی، گفتگو، داستان معاصر فارسی، رمان چهل سالگی.

«بررسی جریان روشنفکری دهه های سی و چهل در شعر فروغ فرخزاد از منظر علوم سیاسی و اجتماعی»

فاطمه کاکاوند قلعه نویی

دانشجوی دکتری ادبیات فارسی، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد پرند

مژگان نیکویی

مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد پرند

فروغ فرخزاد شاعری است صاحب دیوانی با دو دوره شعری کاملاً متمایز. در دوره نخست او از خود فردی میگوید و شعرش طنین ادبیات شخصی است. در این دوره وی خود را در پس "دیوار" زنانگی "اسیر" می بیند و سر به "عصیان" برمی دارد و در دوره دوم با "تولد دیگر" از من انسانی سخن می گوید و می خواهد که "ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد". نویسندگان، شعرا و هنرمندان نمادهای روشنفکری هر جامعه هستند و آثار هنری آنان بازتاب دهنده جریانات فکری و اجتماعی زمان آنها و تاثیر گذار بر این جریانات است، طبیعتاً برای درک و شناخت آثار هنری آنان توجه به این رابطه متقابل ضرورتی اجتناب ناپذیر است. در این تحقیق "بررسی جریان روشنفکری حاکم بر دهه های سی و چهل در شعر فروغ" و نسبت وی با این جریان مورد توجه قرار گرفته است. بدین منظور ضمن بررسی دیوان اشعار فروغ، چند منظومه وی از جمله "آیه های رمینی" به عنوان شاهد مثال به طور اختصاصی مورد بحث و مذاقه قرار می گیرد.

کلید واژه ها: ادبیات فارسی، شعر معاصر، فروغ فرخزاد، روشنفکری، آیه های زمینی.

بازتاب مسائل اجتماع در دو منظومه ی خسرو و شیرین و هفت پیکر نظامی

فاطمه کله بستی

محیط ادبی از محیط اجتماعی متأثر است و آثار ادبی و هنری واکنش و عکس العملی است که انسان هنرمند در برابر اجتماع و کنش های اجتماعی از خود نشان می دهد افکار و اندیشه های یک شاعر تابع جریان های اجتماعی است که با بیان واقعیات جامعه نمودار می شود. از این رو بررسی مسائل اجتماعی در اشعار شاعران معیار مناسبی برای آشنایی برای افکار و اندیشه های آنهاست. چه بدون در نظر گرفتن معیار اجتماعی مطالعه ی اشعرا به خودی خود نمی تواند وافی مقصود باشد. بررسی دو منظومه ی خسرو و شیرین و هفت پیکر نظامی از این منظر با توجه به اینکه عواملی که در تغییر و تحلو روح و روحیه ی اجتماعی نظامی موثر بودند در حولات روح و اندیشه ی او و چگونگی شکل گیری محتوا و قالب شعرش نیز تاثیر دساته اند مهم دانسته شده؛ بنابراین برای درک محتوا و جوانب شعری نظامی باید عوامل مناسب در حالات و روابط اجتماعی عصر شناخته شود و بستر اجتماعی را که چنین اثری در آن پرورده شده است مورد تحقیق و شناسایی کامل قرار گیرد. بر این اساس یان مقاله در نظر دارد مسائل اجتماعی چون آزادی، عدالت، آرمان خواهی و ... را در این دو اثر مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

کلید واژه ها: اجتماع، خسرو و شیرین، هفت پیکر، نظامی.

جایگاه گلستان سعدی در ادبیات کودک و نوجوان آسیب شناسی بازنویسی های گلستان سعدی برای کودکان

مرجان کامیاب

دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات کودک و نوجوان دانشگاه شیراز

زهرا ریاحی زمین

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز

زبان و ادبیات فارسی به دلیل غنای محتوایی و زیبایی صوری و زبانی، گنجینهی ارزشمند و ذخیرهی بی‌پایانی است. این ادبیات با نمونه‌های ارزشمندی از آثار حماسی و پهلوانی، عرفانی و دینی، داستان‌های عاشقانه و ادبیات غنایی و افسانه‌های عامیانه و پریان، منابع پربراری برای بازبینی، آفرینش‌گری و بازآفریدن در اختیار دارد. بنابراین ادبیات معاصر به میزان زیادی وام‌دار پیشینهی غنی و سرشار خود است؛ زیرا نویسندگان با آگاهی از متون کهن می‌توانند به بازنویسی و بازآفرینی این متون برای کودکان و نوجوانان بپردازند. با توجه به اهمیت فراوان آشنایی کودکان با ادبیات سنتی و متون کهن، نقش ویژهی بازنویسی و بازآفرینی و جایگاه ظریف آن در ادبیات کودک و نوجوان، به‌عنوان یکی از عناصر برجسته و تأثیرگذار آشکار خواهد شد. این پژوهش بر آن است که شیوه‌های بازنویسی و بازآفرینی را در آثار نوشته‌شده برای کودکان، بر مبنای حکایت‌های گلستان‌سعدی، بررسی و تحلیل کند. موقعیت ادبیات کودک و نوجوان به‌گونه‌ای است که آثار بازآفریده‌شده بر مبنای متون کهن برای کودکان نیاز به خلاقیت و پرورش دارد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که حکایت‌های گلستان‌سعدی به دلیل ویژگی‌های خاص خود از ظرفیت بالایی برای نگاهی کودکانه به آن برخوردار است. ارزیابی آثار بازنویسی و بازآفرینی شده بر مبنای این اثر، همچنین گویای این حقیقت است که اگرچه در ابتدا کودکانه نوشتن گلستان با هدف آشنایی مخاطبان با آثار کهن فارسی صورت گرفته‌است، اما اکنون نیاز بیشتری به بازنویسی خلاق و هنری احساس می‌شود.

کلیدواژه‌ها: بازنویسی، بازآفرینی، گلستان‌سعدی، بازنویسی ساده، بازنویسی خلاق.

غبار زدایی از چهره ی سیمرغ

سیدعلی کرامتی مقدم

دکترای زبان و ادبیات فارسیمدرس دانشگاه پیام نور قطر

سیمرغ از پرندگان شگفتی است که در آثار به جای مانده از زبان پهلوی، اوستایی، سانسکریت و... در بیان مفاهیم گوناگون اساطیری به طور نمادین نقش عمده ای ایفا می نماید. نفوذ عقاید و آراء اقوام گذشته در باورها و اندوخته های ذهنی و روایات متأخر زردشتی سبب تقدس این مرغ در اوستا شده است. چهره ی این مرغ در گذر زمان تغییرات گسترده ای یافته تا بتواند اندیشه های گوناگون فرهنگی و اجتماعی هر عصر را متناسب با نیازها و شرایط گوناگون در پرده ی رمز بیان نماید به حدی که سیمرغ در بسیاری موارد، فصل مشترک انسانیت و حیوانیت و سرحد میان غریزه و اندیشه می گردد. در اندیشه های اساطیری و حماسی، سیمرغ چهره ای سه گانه: ۱- جانور. ۲- انسان. ۳- نیمه خدا. دارد. در شاهنامه سیمرغ از یک سو پزشکی ماهر و برخوردار از قدرت الهی، چاره گر مشکلات، پیش بین و آگاه از راز سپهر است که از آن به «چهره ی یزدانی» تعبیر می شود و از طرفی نیز دارای صفات منفی و «چهره ی اهریمنی» است. سیمرغ در حماسه بر فراز البرزکوه آشیان دارد و چون به زمین نزدیک می شود، هوا از بزرگی پیکرش تاریک می گردد. دور بودن از دسترس عامه ی مردم و لامکانی و بی نشانی از دیگر ویژگی های این موجود خارق العاده است. با این حال سیمرغ در زندگی زال و رستم نقش کلیدی و برجسته ای دارد تا جایی که تلاش بی وقفه اش در نگهداری از خاندان زال سبب شده که این پرنده را در حماسه، «فرشته ی نگهبان یا توتم قوم سکا» بدانند. نکته ی درخور توجه این که این مفاهیم و نمادها در بین ملل دیگر نیز رواج داشته است؛ در «اساطیر چین» مرغی شگفت انگیز به نام «سی ان هو» وجود دارد که قابل مقایسه با سیمرغ شاهنامه است. در اساطیر هندی، تشبیه خدایان به عقاب مشاهده می شود. در ادبیات عرب نیز «عنقا» عنصری اسطوره ای است که صفات برجسته ای شبیه سیمرغ دارد. در این مقاله به بحث پیرامون پیشینه ی اساطیری، حماسی و ادبی سیمرغ و چگونگی گذر آن از اسطوره به حماسه می پردازیم. در ادامه با اشاره به جایگاه سیمرغ در ادیان و ملل مختلف و تغییر چهره ی چندگانه ی این مرغ شگفت برای بیان اندیشه های آرمانی انسان ها در ادوار مختلف خواهیم پرداخت.

کلیدواژه ها: سیمرغ، اسطوره، حماسه، نماد، ظهور، زال، رستم، توتم، پر.

مثلث شادی و نشاط در عصر سامانی و شعر رودکی

سیدعلی کرامتی مقدم

دکترای زبان و ادبیات فارسیمدرس دانشگاه پیام نور قطر

سامانیان با توجه مناسب به زبان فارسی و نجات آن از خطر نابودی توانستند عصر خود را به عنوان یکی از درخشان ترین و پرافتخارترین دوره ها در تاریخ زبان و ادب فارسی ثبت و جاودانه نمایند. در این دوره به دلایل مختلفی چون: امنیت اجتماعی و سیاسی، نبودن جنگ و درگیری و آرامش روحی و روانی، شرایط مناسب آب و هوایی ماوراءالنهر، وضعیت خوب اقتصادی و... نشاط و شادابی و اغتنام وقت بر روحیه ی مردم سایه افکنده بود. شاعران و نویسندگان به خوبی شادی و طرب حاکم بر زندگی فردی و اجتماعی را در اشعار خویش انعکاس داده اند. رودکی، پدر شعر فارسی، در بین شاعران این دوره مقام شامخ و قابل توجهی دارد. در این عصر شاعران بیشتر به انعکاس خردگرایی، دانش دوستی، بی اعتباری جهان، توصیف طبیعت در سروده های خویش پرداخته و توانسته اند به طور قابل توجهی، شاد زیستن و توصیه به خوش گذرانی و اغتنام وقت را به نمایش بگذارند. اگر رودکی را به عنوان شاخصترین فرد و نماینده ی تمام عیار این دوره بپذیریم، می توانیم با بررسی شعر او این ادعا را به اثبات برسانیم. چرا که او برای شاد زیستن به عوامل متعدد خوش گذرانی روی آورده و از آن میان به سه عنصر اصلی و برجسته ی آن یعنی: ۱- موسیقی و نوازندگی. ۲- باده و باده گساری. ۳- معشوق و عشق ورزیدن به او، توجه خاصی داشته و در اشعار خود، ابیات فراوانی را به توصیف این سه پدیده اختصاص داده و مثلی از شادی و نشاط را پدید آورده است. نمونه های بارز این گونه شعر را در قصیده ی «مادر می را بکرد باید قربان» مشاهده می کنیم. در این مقاله به بحث و کند و کاو در چگونگی زندگی مردم و برگزاری مجالس شادی و نشاط در عصر سامانیان و انعکاس این موارد در آئینه ی شعر و ادب آن دوره، به ویژه در شعر رودکی، می پردازیم.

کلیدواژه ها: سامانیان، رودکی، شادی و نشاط، موسیقی، شراب، عشق، اغتنام وقت.

بررسی شخصیت و احساس نوجوان دوره‌ی دفاع مقدس با تکیه بر داستان "عروج"

دکتر رسول کردنوقایی*

معصومه ابراهیمی هژیر*

هر نویسنده‌ای برای آن‌که بتواند با مخاطب خود ارتباط برقرار کند باید با روحیات، احساسات و عواطف مخاطب آشنایی داشته باشد. توانایی‌ها را بشناسد و به ویژگی‌های شخصیتی رشد هیجانی و اجتماعی گروه سنی مخاطب واقف باشد. نویسنده‌ی داستان دفاع مقدس نیز، باید با شخصیت درونی نوجوان آشنا باشد تا داستانش بتواند بازخورد بیرونی با حفظ ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی دوره‌ی دفاع مقدس داشته باشد. این پژوهش با تکیه بر داستان عروج نوشته‌ی ناصر ایرانی، به واکاوی شخصیت و احساس نوجوان دوره‌ی دفاع مقدس می‌پردازد. ناصر ایرانی با آشنایی از علایق و احساس‌های نوجوانان، به خوبی از بازی فوتبال برای ورود به شخصیت‌های داستانی و مسئله‌ی جنگ استفاده کرده است. از ویژگی‌های رشد هیجانی و اجتماعی شخصیت‌های عروج، واکنش‌های عاطفی، جسمی و اخلاقی در بازی گروهی، برقراری رابطه‌ی دوستی بر پایه‌ی شیفتگی و کنجکاوی، پرورش اعتماد و دلسوزی، پایدار شدن وفاداری عاطفی، درک دیدگاه دیگران، کنار آمدن با موقعیت اجتماعی پیش آمده، غلبه بر استرس‌ها، تامین الگوهای نقش تشکیل هویت، کاوش ارزش‌ها، آرمان‌زدایی، بدست آوردن استقلال فکری و اجتماعی، پاسخ‌دهی استقامت و انتقام در برابر کسب تجربه‌ی شهادت دوست، رسیدن به ایده‌آل‌های اخلاقی به کمک نمادهای حماسه‌ی روز عاشورا و تهییج روحیه‌ی استقامت، پایداری و ایستادگی است؛ احساس‌های برجسته‌ی داستان خشم، غم، غرور و علاقه است.

کلید واژه‌ها: شخصیت، احساس، نوجوان، داستان، دفاع مقدس، عروج.

* استادیار روانشناسی تربیتی دانشگاه بوعلی سینای همدان noghha@yahoo.com

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی mehozhir@gmail.com

صورخیال مرتبط با آسمان در شاهنامه

یوسف کرمی چمه*

آسمان و پدیده هایش از دیرباز نوع بشر را به شگفتی وا می داشته و این انگیزه را در آنها ایجاد می کرده است که پی به اسرار آن و ستارگانش ببرند. ادبیات فارسی به عنوان آئینه‌ی تمام نمای فرهنگ و هنر ایران زمین از بدو پیدایش تا کنون، بسیاری از مسائل مربوط به آسمان را در خود بازتاب داده و بخشی از مهم ترین و زیباترین توصیفات شعر فارسی در ارتباط با آسمان شکل گرفته است. در ابیات متعددی از شاهنامه‌ی فردوسی - در حدود ۲۰۰۰ بیت - به خلقت آسمان و ستارگان، جنس آسمان، بروج دوازده گانه... اشاره شده است. در تصاویر بدیع مرتبط با آسمان در شاهنامه، تنوع دیده می شود و فردوسی از ابزارهای بیانی گوناگون (تشبیه، استعاره، اغراق و...) برای ارائه‌ی آنها بهره برده است. برخورد فردوسی با صورخیال ضروری و کارکردی است اما شاهنامه از دیدگاه صورخیال نیز ظرافت هایی دارد که در کار مقلدان آن دیده نمی شود. حکیم توس از مجموعه‌ی آسمان و متعلقات آن در ارائه‌ی تصاویر شاهنامه بهره گرفته و تابلوهایی متناسب با فضا و موضوع اثر خویش، کشیده است. در باب شگردهای بیانی فردوسی، محمدرضا شفیعی کدکنی در کتاب *صورخیال در شعر فارسی و یحیی طالبیان در کتاب صورخیال در شعر شاعران سبک خراسانی* بحث و بررسی کرده‌اند اما آنچه این قلم پی می گیرد، تأکید ویژه و نگاه جزئی و دقیق به صورخیال مرتبط با آسمان در شاهنامه است.

کلید واژه‌ها: آسمان، خورشید، شاهنامه، صورخیال، تشبیه.

«سیمای تشیع و امام علی (ع) در دیوان ناصر خسرو»

سعید کریمی قره بابا

«ناصر خسرو قبادیانی» از معدود شاعرانی است که در پهنه ادب فارسی تشیع را به فریادی پر شور بدل ساخت. او در شعر سترگ خویش تشیع را با عقلانیت گره زد و نخستین نمونه موفق شعر مذهبی و تبلیغی را آفرید. حبّ امام علی (ع) با جان شعر و اندیشه او چنان در هم تنیده شده است که برگرفتن این روح غالب از اشعار وی هنرش را به متاعی بی قدر فرو می کاهد. بسامد ارجاعات، دلالات و مضامین مربوط به امام علی (ع) و خاندان پاکش در دیوان او خیره کننده است و از مشخصه های سبکی اش محسوب می شود. صراحت ناصر خسرو در به شعر کشیدن اندیشه های علوی البته از ارزش هنری اشعارش کم نمی کند چندان که او از سرآمدان شعر ناب در ادبیات فارسی است. نا گفته پیداست که ناصر از سنخ دیگر شاعران بی درد نیست و تاوان سختی را در ازای سروده های استوار و آیینی خود داده است. سروده های او از جنس ایمان است. از بُن جان تفکر شیعه را باور دارد و آن را برای عصر خویش رهایی بخش و حیات آفرین می داند. جستار حاضر به بررسی ابعاد و جوانب تشیع در شعر و اندیشه ناصر خسرو می پردازد و سپس با رجوع به شعرش تلاش می کند که سیمای امام علی (ع) را در دیوان او ترسیم کند. سیمایی که همواره تابناک و درخشان پر تالو است و ذهن و کلمات ناصر از این کانون نورانی توش و توان و گرمی می گیرد. مباحثی ضمنی از قبیل جایگاه امامت در عقاید اسماعیلیه، علوی یا سید بودن ناصر و مخالفت با اندیشه های ضدّ علوی نیز در کنار محور اصلی مطرح شده است.

کلیدواژه ها: ناصر خسرو، امام علی (ع)، شیعه، آل علی (ع) و اسماعیلیه.

بررسی و تحلیل عناصر داستان مدیر مدرسه جلال آل احمد

دکتر حسن گودرزی

دکتر ابراهیم ابراهیم تبار

در این مقاله عناصر داستان در مدیر مدرسه ی جلال آل احمد مورد بررسی قرار گرفته است . این عناصر عبارتند از شخصیت ، روایت و زاویه ی دید ، طرح ، گفت و گو ، صحنه ، درون مایه و لحن . بررسی این عناصر نشان می دهد که داستان مدیر مدرسه جلال آل احمد علاوه بر ارزش محتوایی از جهت ویژگی هایداستان پردازی نیز دارای اهمیت فراوانی است . البته کم حوصلگی جلال در نقل بعضی از قسمت های داستان حالت عجله و سرعت در شدن از موضوع آشکار است . اما او به ساختار داستان و عناصر ضروری آن توجه نیاشن می دهد و به کمک شگردهای مختلف روایی ، برای داستان خود جذابیت و گیرایی می آفریند . داستان های جلال آل احمد دارای روایت خطی اند ، بیشتر حوادث آنها بر اساس ترتیب زمانی اتفاق افتاده اند . روایت در داستان مدیر مدرسه بر پایه ی زاویه اول شخص مفرد (من نویسی) است . جلال شخصیت های داستان هایش را با استفاده از دو شیوه ی مستقیم و غیر مستقیم معرفی می نماید . در این راه از سه ابزار توصیف شخصیت ، گفت و گو و کنش (آکسیون) بهره می گیرد . گفت و گو (دیالوگ) در داستان مدیر مدرسه از جایگاه ویژه ای برخوردار است . لحن کلی و عمومی داستان مدیر مدرسه جدی ، استوار ، شفاف ، تند و تیز همراه با طنز است . لحن گفتاری شخصیت ها متناسب با نوع داستان است . جلال در صحنه پردازی به جزئیات زمان و مکان وقوع حوادث توجهی شایان دارد . و در بسیاری از موارد صحنه ها را کوتاه و گذرا اما بسیار زیبا و دل نشین طرح می کند . درون مایه ی داستان مدیر مدرسه در کل خوب و پرمعنی است . طحیر (پیرنگ) داستان مدیر مدرسه آن چنان قوی نیست اما نسبت به دیگر داستان های جلال آل احمد پرمایه تراست .

کلید واژه ها: داستان زاویه دید، شخصیت، پیرنگ ، گفت و گو ، لحن ، مدیر مدرسه ، جلال آل احمد.

کارکردشناسی روایی زبان، در متن شعری (تحلیل موضوعی: شعر نوایران)

فرزاد کریمی*

تحلیل زبان‌شناسانه‌ی متون، از جمله راهکارهای مؤثر و رایج در نقد و بررسی آثار ادبی است. روایت‌شناسی بر پایه‌ی اصول زبان‌شناسی نیز، اگرچه سابقه‌ی دیرپا در تحلیل‌های ساخت‌گرا و پس‌ساخت‌گرایانه دارند، اما در نقد ادبی فارسی، تاکنون چنان‌که شایسته است مورد استفاده قرار نگرفته است. در این مقاله، براساس کارکردهای گوناگونی که زبان می‌تواند داشته باشد، وضعیت‌های مختلف روایی و نیز عملکرد شگردهای روایی تحلیل شده است. این کارکردها از تقسیم‌بندی معروف یاکوبسن برگرفته شده‌اند و چگونگی عمل روایت در هریک از اجزاء این تقسیم‌بندی و اولویت‌های آن‌ها در ساخت شکل‌های متنوع روایت نشان داده شده است. برای بررسی موضوعی، متون شعر نو ایران انتخاب شده است که نقد روایی این آثار، علاوه بر کمک به مشخص شدن چگونگی روایت‌مند شدن متون، سیرتطور روایت در شعر نو ایران را نیز تا حدود زیادی تعیین خواهد کرد. بر این اساس می‌توان میزان آشکارگی، پنهانگی یا غیاب روایت، و تعداد زیادی از دیگر شگردهای روایی را در متون ادبی (به‌ویژه متون شعری) تعیین کرد.

کلید واژه‌ها: تحلیل زبان‌شناسانه، روایت‌شناسی، کارکردهای زبان، شعر نو ایران.

بررسی عنصر شخصیت در داستان‌های کتاب "قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب" اثر مهدی آذریزدی

سودابه کشاورزی*

یوسف نیکروز*

مهم‌ترین منتقل‌کننده‌ی تم داستان و گسترش‌دهنده‌ی طرح داستان عنصر شخصیت است با در نظر گرفتن مرز بین ادبیات بزرگسال و ادبیات کودک به حساسیت این عنصر داستانی بیشتر پی‌می‌بریم به همین جهت در این پژوهش به بررسی عنصر شخصیت در مجموعه‌ی هشت جلدی "قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب" اثر مهدی آذریزدی- نویسنده‌ی ادبیات کودک و نوجوان- پرداخته‌ایم، نخست شخصیت‌ها را از سه بعد داستانی (شیوه‌های معرفتی شخصیت‌ها به خواننده و اصلی یا فرعی بودن، ایستایی یا پویایی، ساده یا پیچیده بودن، یک‌بعدی یا جامع بودن، قهرمان یا ضدقهرمان بودن، پس‌زمینه‌ای، یاریگر و فدایی) بررسی و تحلیل کرده‌ایم و سپس به نوع شخصیت‌ها از نظر انسانی، حیوانی، گیاهی و اشیاء بی‌جان نگریسته‌ایم. نتایج بدست آمده حاکی از این است که شخصیت‌های داستان‌های کتاب "قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب" در پیشبرد طرح داستان و ارائه‌ی درون‌مایه تأثیر بسزایی دارند و آذریزدی در آفرینش شخصیت‌های داستان کتاب مذکور به اصول داستان‌نویسی برای کودکان توجهی وافر داشته است به طوری که مخاطب خردسال به راحتی با شخصیت‌های داستان همذات‌پنداری می‌کند و از نظر تربیتی الگویی‌هایی مناسب و سازنده برای آنان است که چگونگی آن را در متن مقاله مفصل توضیح خواهیم داد.

کلید واژه‌ها: ادبیات کودک، داستان، شخصیت، آذریزدی، قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یاسوج ایمیل: so.keshavarzi@yahoo.com

کاربست نظریه ی فاصله گذاری در داستان «سگ ولگرد»

سارا کشوری

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

فاطمه تقی نژاد رودبند

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

برتولت برشت، از جمله نظریه پردازان جامعه شناس می باشد که اندیشه هایش تأثیری ژرف در هنر و نمایش نامه داشته است. برشت، نظریه ی خود را به نام « فاصله گذاری»، با تأثیر از اندیشه های فرمالیستی مطرح کرد. نظریه ی برشت بیش از همه در نمایش نامه کاربرد دارد، اما منتقدان می توانند آن را در داستان نیز به کار گیرند، به ویژه در داستان هایی که شخصیت های شگفت دارند. مقاله ی حاضر در صدد است تا به بررسی داستان «سگ ولگرد» صادق هدایت، بر پایه ی نظریه ی فاصله گذاری برشت بپردازد؛ زیرا این داستان دارای شخصیت غریبه ای است که برای مخاطب تازگی دارد. برشت برای مخاطب اهمیت فوق العاده ای قائل بود و تمام تلاش خود را بر آن داشت تا او را از یک مخاطب ایستا خارج کند. با توجه به اینکه برشت و نظریاتش در ایران از دیرزمانی مطرح بوده، اما در حوزه ی داستان فعالیت چشمگیری در این زمینه مشاهده نشده است.

کلید واژه ها: برشت، داستان، سگ ولگرد، فاصله گذاری، هدایت.

مقایسه و تحلیل سبکی غزل های اسیر شهرستانی و صائب تبریزی

نوش آفرین کلانتر، دانشجوی کارشناسی ارشد

محمدحسن حائری، دانشیار

اسیر از شاعرانی است که با قرار دادن سخن خود بر بنیاد وهم و خیال و آوردن نکته های باریک و مضمون های تازه در شکل پذیری سبک هندی سهمی قابل توجه دارد. او در غزلش به تأثر خود از صائب و صائب نیز به تأثیر گرفتن از اسیر اشاره کرده است. صائب در ۴ غزل به نام اسیر و استقبال از شعر او صریحاً اشاره کرده است که فقط ۲ تا از غزل های استقبال شده در دیوان اسیر مشاهده شد. اسیر و صائب ۲۱۳ غزل مشترک در وزن و ردیف و قافیه داشتند. سوالی: آیا صائب از غزل ها و شیوه سخن پردازی اسیر تأثیر گرفته است؟ این تأثیرپذیری به چه شکل و میزانی بوده است؟ برای جواب دادن به این سؤال ما ۲ غزل که صائب از اسیر استقبال نموده و ۸ غزل که به صورت تصادفی برگزیده بودیم را مورد بررسی سبک شناختی قرار دادیم. پس از بررسی این نتایج حاصل شد: درصد سجع، تناسب و ایهام در غزل دو شاعر بالا بود. بسامد سجع و پارادوکس در غزل اسیر بیشتر بود. کاربرد استخدام و حسن تعلیل در غزل هر دو کم بود. در ده غزل اسیر تلمیح وجود نداشت. اسلوب معادله در غزل صائب بیشتر و میانگین آن در هر بیت ۱/۶ بود. از ابزار بیانی، تشبیه و کنایه در غزل صائب و مجاز و استعاره در غزل اسیر بیشتر بود. در بخش زبانی تسامح اسیر در مورد به عیوب قافیه بیشتر بوده است. صائب از واژه های عربی بیشتری استفاده کرده است. در غزل اسیر ترکیبات اضافی، و در غزل صائب ترکیبات وصفی بسامد بیشتری داشت. هر دو شاعر از ترکیبات تازه در غزل بهره برده بودند. گاهی صائب ترکیبات ابداعی اسیر را در غزل به کار برده بود. درصد جملائی که منطبق نثر دارند در غزل اسیر بیشتر بود. تعداد افعال حرکتی و تشخیص در غزل اسیر بسامد بیشتری داشت، بنابراین تحرک و پویایی غزل او بیشتر بود. در سطح فکری هدف دو شاعر از سرودن غزل، مضمون پردازی بوده است. سبک غزل این دو شاعر و کلاً سبک هندی بسیار به مکتب پاراناس «هنر برای هنر» شبیه است. صائب در کنار هنر نمایی از شعر برای حکمت و اخلاق و ... هم سود برده است. اسیر و صائب در مفاخرات، علاوه بر سخنوری به فضایل اخلاقی خویش اشاره کرده اند.

کلیدواژه ها: سبک هندی، سبک شناسی، تحلیل سبکی، اسیر شهرستانی، صائب تبریزی.

تحلیل رفتارها و ارتباطات غیر کلامی در شازده احتجاب (تأملی بر یکی از شگردهای داستان پردازی هوشنگ گلشیری)

دکتر فاطمه کلاهیچیان

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه

زهرا جمشیدی

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه

هوشنگ گلشیری یکی از بزرگترین داستان نویسان مدرن ایران است که به راستی می توان پس از صادق هدایت ، او را از تأثیرگذارترین داستان نویسان معاصر دانست. از او آثاری متعدّد برجای مانده است که از آن میان می توان به کتاب های شازده احتجاب ، کریستین وکید ، برّه ی گمشده ی راعی و آینه های دردار اشاره کرد. رمان کوتاه شازده احتجاب ، جزو مهم ترین آثار گلشیری و از نمونه های شاخص داستان نویسی معاصر است که به شیوه ی تک گویی درونی و جریان سیال ذهن نوشته شده است . نویسنده برای تحقّق این تکنیک و پیشبرد طرح داستان ، از عناصر متنوّع ارتباط و رفتار غیرکلامی در سطحی بسیار گسترده و به صورتی بارز و تعیین کننده استفاده کرده است . بر این اساس ، بررسی رفتارها و ارتباطات غیرکلامی در داستان شازده احتجاب ، موضوع این مقاله است. این پژوهش سعی دارد با دیدگاهی میان رشته ای (ادبیات داستانی ، نشانه شناسی ، روانشناسی و جامعه شناسی) ، نمودهای گوناگون ارتباطات غیرکلامی و دلایل آن ها را در کتاب مذکور مورد تحلیل قرار دهد و بررسی کند که گلشیری تا چه اندازه و با چه کیفیتی به نقش این عناصر در پیشبرد داستان توجه کرده است. رفتارهای غیر کلامی ، به صورت های مختلفی با عناصر داستان مرتبطند ؛ مثلاً ارتباطات آوایی در ایجاد لحن ، مصنوعات و محیط در صحنه پردازی ، رفتارها، اشارات و ایماها در شخصیت پردازی و شکل گیری تعلیق نقش دارند. در داستان شازده احتجاب ، عناصر مصنوعات و محیط بیش از سایر مقوله ها بسامد دارند و رفتارهای چهره ، حرکات اندام و پیرازبان ها نیز در جایگاه های بعدی قرار می گیرند. رفتارهای مذکور ، به خصوص در شخصیت پردازی ، فضا سازی و پردازش صحنه های داستان ، نقش محوری دارند.

کلیدواژه ها: رفتار(ارتباط) غیرکلامی ، روانشناسی ، داستان مدرن ، شازده احتجاب ، نشانه شناسی ، هوشنگ گلشیری .

معرفی نسخه‌های خطی شروح مثنوی معنوی مولانا جلال الدین رومی در کتابخانه های ازبکستان

تاجی بای کلدی یاروف،

عضو هیات علمی دانشگاه دولتی خجند، (تاجیکستان)

مثنوی معنوی مولانا جلال الدین رومی از جمله ی شاهکارهای بینظیر عالم عرفان است، که طول صدساله‌ها جهت شرح و تفسیر آن کتاب و رساله‌های زیادی نوشته شده‌اند. نهضت شرح نویسی بر ابیات علیحده و مشکلات مثنوی هنوز از زمان زندگی مولانا جلال الدین آغاز گردیده، مخصوصاً در سده‌های ۱۶-۱۸ در کشورهای آسیایانه، هندوستان، ترکیه و ایران رواج بیشتر یافت. درذخیره ی دستنویس‌های کتابخانه های معتبر ازبکستان نسخه‌های زیاد قلمی شروح مثنوی محفوظند، که قسمی از آنها مانند شرح ولیمحمد نظیر اکبر ابادی مسمی به «مخزن الاسرار»، شرح حضرت بحرالعلوم، شرح خواجه ایوب پارسا موسم به «اسرار الغیوب»، «مکاشفات رضوی» محمدرضا، «شرح کبیر انقره‌وی» اسماعیل انقره‌وی، شرح محمدنعیم وچندی دیگر درکشور ایران روی چاپ آمده‌اند، ولی شروحات دیگر ارزشمندی چون «شرح مثنوی معنوی» میرنورالله احراری، «لطایف اللغات» عبدالطیف عباسی گجراتی، «شرح بیتین مثنوی» غیاث الدین بدخشانی، «شرح بعضی ابیات مثنوی معنوی» عبدالاحد سرهندی، «گلشن توحید»- مفردات مثنوی» شاهدی مغلوی و غیره تا امروز انتشار نیافته‌اند و نیاز به پژوهشات ویژه دارند.

کلید واژه ها: نسخه خطی، شرح، مثنوی معنوی، جلال الدین رومی.

دستنویسهای ارزشمند کتابخانه ملی قزاقستان

دکتر سیدمحمدباقر کمال الدینی

استادیار دانشگاه پیام نور

فرهنگ و تمدن ایرانی همیشه در بخش وسیعی از جهان بر سایر فرهنگها و تمدنها تاثیر گذار بوده است. امروز نیز با توجه به گسترش وسایل ارتباط جمعی و رسانه ای روابط فرهنگی بیش از پیش برای کشوری مانند ایران باسابقه تاریخی و فرهنگی چند هزار ساله دارای اهمیت است. یکی از مهمترین عوامل تاثیر فرهنگ ایرانی بر سایر فرهنگها در حوزه های مختلف جغرافیایی در جهان از جمله شبه قاره هند، آسیای مرکزی، قفقاز، بالکان و ... زبان و ادبیات پر بار فارسی است. نسخه های خطی، کارنامه علما، شعرا و دانشمندان جهان به ویژه ایرانیان است که نقش بزرگی در اعتلای جوامع بشری در گذشته و حال دارد. وظیفه و رسالت نسلهای امروز این است که به احیاء و بازسازی و تصحیح علمی این آثار گرانسنگ اهتمام ورزند و در حد توان خود آنها را برای نسل امروز به هر شکل و صورت قابل استفاده سازند. یکی از حوزه هایی که مردمانش قرنها به زبان فارسی سخن می گفته اند و شاعران و نویسندگان نیز آثارشان را به این زبان شیرین می سروده و می نوشته اند، حوزه ماوراء النهر و ترکستان است. در این مناطق امروز نیز عده بسیاری با زبان فارسی مانوس هستند و کتابخانه هایی وجود دارد که مملو از دستخطهای فارسی است. چنانکه در کتابخانه های: دوشنبه، تاشکند، سن پترزبورگ، مسکو، غازان، باکو، ایروان، تفریس و ... هزاران دستخط ارزشمند فارسی موجود است. به عنوان نمونه تنها در کتابخانه دستنویسهای تاشکند ۴۳۰۰۰ نسخه خطی فارسی وجود دارد که ۳۹۰۰۰ آن به زبان فارسی است. در کتابخانه ملی قزاقستان بیش از ۱۰۰ نسخه خطی فارسی وجود دارد که قبلا آنها را جزو نسخه های عربی و ترکی قرار داده بودند. برخی از آنها دو زبانه (فارسی - عربی) یا فارسی - ترکی) است. حدودا نیمی از این دستخطها آثار ادبی و نیمی آثار دینی و مذهبی است. پیش از این تصور می شد که در قزاقستان دستخط فارسی با ارزشی نباشد در حالیکه در این کتابخانه نسخه های ارزشمندی از آثار نور الدین عبدالرحمان جامی، میرسیدعلی همدانی، امیر خسرو دهلوی، رشید الدین وطواط و ... وجود دارد که قطعا در آینده مورد توجه مصححان این آثار قرار خواهد گرفت. در میان آثار ادبی نسخه هایی از: گلستان سعدی، دیوان حافظ، دیوان بیدل، دیوان انوری، دیوان جامی و خمسه نظامی دیده می شود. همچنین نسخه ای از جامع الحکایات، یک جنگ از اشعار شاعران مختلف، اخلاق محسنی، کیمیای سعادت، روضه الصفا خواند میر، محبوب

القلوب در این کتابخانه موجود است. قدیمی ترین دستخط فارسی تاریخ دار این کتابخانه ، گلستان سعدی در ۲۲۵ ورق است که مورخ سال ۸۶۷ ه. است. در این مقاله برای اولین بار چند نسخه خطی مهم فارسی موجود در این کتابخانه معرفی می شود که برای علاقمندان بسیار جالب است.

کلیدواژه ها: دستنویس، کتابخانه ملی، قزاقستان، فارسی، ادبی.

همخوانیها و ناهمخوانیهای واژگانی "گونه فارسی فرارودی" در حوزه های مختلف جغرافیایی فرارود(ماوراءالنهر)

سعیده کمائی فرد

استادیار مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی "سمت"

گونه فارسی فرارودی که در واقع آمیزه ای از زبان سغدی، زبان دری و زبان و خط عربی است، میراث ارزشمند آزاداندیشی و گرایشهای ملی گرایانه امیران سامانی است؛ واز گونه های پرکاربرد زبانی در متون ادبی کهن به شمار می رود. غنای زبانی و گستره متون ادبی این حوزه- که تا قرون هشتم و نهم هجری نیز ادامه دارد- آن را بیش از سایرگونه ها درخور بررسی و پژوهش می سازد.گفتنی است که گونه فارسی فرارودی نه فقط با گونه های دیگر حوزه های جغرافیایی این زبان ناهمگونیهای فراوان دارد که این ناهمخوانیها در محدوده حوزه های مختلف فرارود نیز بسیار است؛ و آنچه در این جستار مورد بحث و مذاقه قرار می گیرد، علاوه بر همخوانیها، توجه به همین ویژگی(ناهمخوانیها) است؛ که در نتیجه ضمن آشنایی مخاطبان با گستردگی این گونه، ایشان را در شناخت بیشتر متونی که ذیل این گونه تعریف می شوند نیز یاری می رساند. نتیجه این جستار در پژوهشهای گونه شناسی، سبک شناسی و تاریخ زبان فارسی نیز پژوهشگران را به کار می آید.

کلیدواژه ها: فارسی فرارودی، همخوانیهای واژگانی، ناهمخوانیهای واژگانی، گونه شناسی، متون حوزه فرارود.

سورنالیسم در اشعار عطار نیشابوری

دکتر رحیم کوشش

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه

صغری رحمتی نژاد*

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه

بررسی و تبیین دقیق جایگاه مکاتب گوناگون ادبی و از جمله مکتب سورنالیسم و ویژگی های آنها در ادبیات معاصر و کلاسیک فارسی، از موضوعاتی است که پرداختن به آن می تواند از اهمیت بسیاری برخوردار باشد. ویژگی های گوناگون مکتب سورنالیسم را بسیار پیشتر از شکل گیری آن در غرب، در آثار گوناگون ادبیات گذشته ایران، بلاخص ادبیات عرفانی و از جمله، آثار مولانا و عطار نیشابوری می توان یافت که با توجه به تقدم زمانی ظهور عطار، توجه به او از این لحاظ، می تواند از اهمیت بسیاری برخوردار باشد. از جمله ویژگی های مهمی که هم در آثار گوناگون مکتب سورنالیسم و هم در آثار عطار می توان دید، می توان به این موارد اشاره کرد: ۱- طنز ۲- امر شگفت و خارق العاده ۳- نگارش خودکار ۴- اهمیت خواب و رؤیا ۵- توجه به دیوانگان ۶- تصادف عینی ۷- وجود اشیاء سورنالیستی. برخی از ویژگی های سورنالیستی نیز وجود دارند که خاص اشعار عطار می باشند و از جمله آنها می توان به مرگ اندیشی، حیرت و سرگشتگی و تضاد و تناقض نیز اشاره کرد. نگارندگان در این مقاله در پی آن هستند تا با توجه دقیق به آثار شعری عطار و تحلیل درست و موشکافانه آنها، به تبیین عناصر سورنالیستی گوناگون در آثار وی بپردازند و جایگاه و اهمیت خاص آنها در شکل گیری آثار عطار و تأثیر آن در جهات گوناگون زبانی، هنری و محتوایی آنها را روشن گردانند.

کلیدواژه ها: ، عناصر سورنالیسم، شعر عطار، عرفان.

نقش آفرینی و زبان رنگ ها در داستان های شاهنامه

حسین کیخسروی

دانشگاه علمی کاربردی اسرار سبزوار

شهره شهرام آموزش و پرورش سبزوار

نقش رنگ ها در زندگی انسان انکارنشدنی است، شادی ها، غم ها، آرزوها و آرمان های انسان ها در قالب رنگ تفسیر می شوند. در این مقاله پس از رابطه ی اسرارآمیز رنگ ها، نقش رنگ در شکل گیری داستان های شاهنامه به تصویر کشیده شده و زبان رنگ های گوناگون مورد بحث قرار گرفته است. رنگ ها خاصیت جادویی دارند و هر کدام بیانگر حالات عاطفی و درونی افراد، اشیا، موجودات و به طور کلی پدیده ها هستند. در واقع شاهنامه ی رنگارنگ، حاصل ذهن خلاق و رنگارنگ حکیم فردوسی است که به داستان ها، رنگ و بوی خاصی بخشیده است. هدایت گر اصلی داستان ها، رنگ ها هستند؛ به عبارت دیگر نتیجه ی اصلی داستان را رنگ ها تعیین می کنند. در این مقاله، چهره ی مظلوم و پاک سیاوش، نیرنگ بازی سودابه، عاشقانه های زال و رودابه، عظمت رستم، وقار و زیبایی رخس، وفاداری بیژن و منیژه و ... بازبان رنگ ها بیان شده است.

کلید واژه ها: رنگ، روان شناسی، شاهنامه، رنگارنگ، فردوسی.

نقاب (نقد و بررسی داستان هزار و یک شب نوشته ی شهریار مندنی پور)

شفیقه کیوان

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه اصفهان

داستان «هزار و یک شب» شهریار مندنی پور، از مجموعه ی شرق بنفشه، با ساختار پست مدرن و به ظاهر شکسته خود و بهره گیری از تک گویی ها، ایماژها، نمادها و کنایه ها، به بررسی کنش روحی اخبارگویی میپردازد که در کشاکش انقلاب ۵۷ سعی بر یافتن حقیقت داشته ولی به دلیل درگیری عمیق روحی و اجتماعی در نفاق رژیم ستمگر و رسانه مدام بین حقیقت و دروغ نوسان دارد. مقاله ی حاضر در ضمن تحلیل جز به جز عناصر ادبی داستان و نشان دادن رابطه آنها با درون مایه ی اصلی و در پی آن انسجام داستانی که در نگاه اول آشفته مینماید، سعی بر تحلیل روان شناختی شخصیت اصلی داستان از نگاه کارل یونگ نیز دارد. لذا مقاله ی حاضر نظریه ی یونگ درباره کهن الگوهای ناخودآگاه پرسونا یا نقاب، انیما و سایه، و تجسم آنها در شخصیت پردازی داستان را مورد بررسی قرار میدهد تا بار دیگر هنر مندنی پور در داستان نویسی و شخصیت پردازی انسان پست مدرن با همه ی آشفتگی های درونی را نشان دهد.

کلید واژه ها: ادبیات داستانی، نقد، عناصر ادبی، پست مدرن، کارل یونگ.

شرح یک عبارت در قرآن کریم: "الرِّيحُ الْعَقِيمَ" (باد نابارور)

بهرام گرامی

در همه ترجمه ها و تفاسیر فارسی و انگلیسی و حتی تفاسیر عربی • آیه ۴۱ از سوره ۵۱ (ذاریات)، عبارت "الرِّيحُ الْعَقِيمَ" به معنی باد ویرانگر یا مُخْرَب و نظیر آن آمده است، در حالیکه واژه عقیم در این آیه، مانند سه مورد دیگر در قرآن کریم، به معنی سترون و نابارور و عاری از دانه های گرده است که مانع از باروری و تجدید حیات گیاهان و در نتیجه سبب از میان رفتن مردمان شده است. آیه ۴۲ و چهار آیه آغازی سوره ذاریات و به ویژه • آیه ۲۲ از سوره ۱۵ (حجر) در تأیید همین معنی است. "الرِّيحُ الْعَقِيمَ"، با همین معنی، در هزار سال شعر فارسی مکرر مضمون قرار گرفته است.

کلید واژه ها: قرآن، ذاریات، گیاهان، باد عقیم.

دلایل فارسی‌گویی اقبال لاهوری

دکتر علی گراوند

استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه ایلام

فاطمه چمن‌آرا

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام

اقبال شاعر توانای شبه‌قاره پس از سرودن حدود ۵۰۰۰ بیت شعر به زبان مادری (اردو) به سرودن شعر به زبان فارسی روی آورد و آثار ماندگاری را از خود به زبان فارسی به یادگار گذاشت و او را به عنوان شاعر بزرگ فارسی‌گوی شبه‌قاره مطرح کرد. دلیل این رویگردانی و گرایش اقبال در بادی امر بدیهی و ساده به نظر می‌آید؛ اما اگر دقت شود جواب آن چندان ساده نیست و دلایل متعددی می‌تواند داشته باشد. این نوشتار برای رسیدن به این دلایل دو دسته اسناد را بررسی نمود؛ یکی اشعار و اشارات خود اقبال دیگر نوشته‌هایی که پیرامون اقبال و اندیشه‌ها و اشعار او نوشته شده است. ماحصل این بررسی این بود که عمده‌ترین دلایل فارسی‌گویی اقبال علاقه‌ی شدید و تسلط او به زبان فارسی، ظرفیت و جذابیت زبان فارسی، احیای زبان و ادبیات فارسی در شبه قاره، مبارزه با ملی‌گرایی و قوم‌پرستی، استعمارستیزی، ایرانی‌الاصل بودن خود اقبال است.

کلید واژه‌ها: اقبال، شعر، زبان فارسی، زبان اردو، فارسی‌گویی.

شکل‌شناسی مجموعه غزل‌های «می‌باقی» اقبال لاهوری

دکتر علی گراوند

استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه ایلام

سودابه صیدی

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام

زبان مادری اقبال اردو بود ولی به دلایلی به سرودن شعر به زبان فارسی روی آورد و در انواع شعر فارسی طبع آزمایی کرد. از مجموعه اشعار او مجموعه غزلی است، تحت عنوان «می‌باقی» که شامل ۴۵ غزل می‌شود. راجع به اقبال زیاد حرف زده شده است؛ ولی بیشتر ناظر به جنبه‌های معنایی شعر اوست. به همین دلیل به جنبه‌های هنری و ادبی شعرش کمتر توجه شده است. این نوشتار بر آن است که به شکل‌شناسی مجموعه غزل‌های او پردازد و جنبه‌های ادبی آنها را در سطح فرم و از نظر تعداد ابیات، وزن، ردیف، قافیه، تخلص و موضوع و درون‌مایه بررسی نماید. برای این کار تمام اجزا و عناصر مربوط به فرم و شکل غزل‌ها استخراج و تحلیل شد و روشن شد که اقبال به مسائل مربوط به شکل غزل پای‌بند بوده و سعی نموده است، چهارچوب‌های متعارف غزل را رعایت کند و پا را از حد متعارف فراتر نگذارد. به همین دلیل ابتکاری در غزل او دیده نمی‌شود؛ مگر در سطح افکار و اندیشه‌های مطرح در غزل او و رنگ تقلید در غزل او کاملاً آشکار است.

کلید واژه‌ها: اقبال، شکل‌شناسی، غزل، شعر فارسی.

تطبیق پیوندگاه های حکایت هبوط در سه اثر «قصیده‌ی عینیه» ی ابن سینا، مثنوی «سیرالعباد» سنایی غزنوی و «بهشت گمشده» ی جان میلتون

جواد گرجامی

استادیار دانشکده ی ادبیات پردیس نمین

چیمین فتحی

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

داستان هبوط روح و حکایت هبوط آدم، دو حکایت پر از رمز و راز حیات بشری است که اگرچه اولی از مباحث ویژه ی دانش فلسفه و عرفان و دومی از اصول اندیشه‌ی بسیاری از ادیان و هم تاریخ بشر است، و بیشک پرداختن به تعاریف و پیشینه‌ی اندیشه‌های ادیان، مکاتب و مذاهب معتقد به هبوط روح و هبوط بشر، امری است که پیش از این نیز با رویکردهای خاص فلسفی، دینی و عرفانی بدان مبادرت شده است، اما شاید آنچه این دو مقوله را برای همگان شگفت انگیز و جذاب مینماید، بیان ادبی آنهاست. لذا ما در این جستار برآنیم که پیوندگاههای این دو اندیشه‌ی زیبا و رازآلود را در بیان ادبی سه اثر جاویدان و معروف «قصیده‌ی عینیه» ی ابن سینا، مثنوی سیرالعباد «سنایی غزنوی» و «بهشت گمشده» ی جان میلتون به علاقه‌مندان ادبیات جهان بنمایانیم. برخی از نمایش این پیوندگاهها از طریق تأویل استعاره های کلیدی مشترک و برخی دیگر از راه ذکر همانندی گونه ی بیان این سه شاعر، با استناد به خود آثار نامبرده خواهد بود. بیان این نکته نیز بایسته می نماید که آنچه این سه روایت معروف را بیش از هر چیز دیگر به هم می پیوندد، بازتاب حکمت اشراقی و باور دوگانه انگاری آنهاست. هر سه اثر از روح و جسم، خیر و شر، نور و ظلمت، شیطان و منجی و آسمان و زمین به گونه ای مستقیم یا غیرمستقیم سخن می گویند و با این بن مایه ها به خلق آثار خود می پردازند.

کلید واژه ها: تطبیق، تحلیل ادبی، هبوط، قصیده عینیه، سیرالعباد، بهشت گمشده.

کارکرد کهن نمونه ها در داستانی از منطق الطیر عطار (حکایت شیخ صنعان)

عاطفه گزمه

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهراء (س) تهران

نظریه‌ها و یافته‌های کارل گوستاو یونگ تحت عنوان روانشناسی تحلیلی مورد توجه بسیاری از منتقدان آثار ادبی قرار گرفته است تا با به کارگیری آن و تلفیق دو حوزه ادبیات و روانکاوی تحلیلی نو از آثار ادبی به دست دهند. مطالعه روانکاوانه اسطوره‌های ملل که مخزن آرزوها و اندیشه‌های بشری‌اند، نشان‌دهنده حضور خرد جمعی و یا همان تعبیر ناخودآگاه جمعی یونگی است که در کهن نمونه‌ها آشکار می‌شوند. در این پژوهش سعی بر آن است که یکی از داستان‌های منطق الطیر با عنوان «شیخ صنعان» با توجه به یافته‌های یونگ در عرصه روانشناسی و اسطوره‌شناسی تحلیل شود. در میان آثار ادبی، این داستان از منطق الطیر همچون بسیاری از آثار ادبی جهان آینه‌ای است که کهن‌نمونه‌ها را که محصول تجربه‌های مکرر بشر و ملل گوناگون‌اند و در ناخودآگاه بشر به یادگار نهاده شده‌اند، به شیوه‌ای نمادین منعکس می‌کند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که در این اثر علاوه بر کهن‌نمونه‌های اصلی همچون آنیما، آنیموس، خرد جمعی و سایه، انواع کهن‌نمونه‌های فرعی نیز به چشم می‌خورند. کهن-نمونه‌ها در سه بخش موقعیت‌های کهن‌نمونه‌ای، شخصیت‌های کهن‌نمونه‌ای و نمادهای کهن‌نمونه‌ای - طبقه بندی شده‌اند. در این پژوهش انواع موقعیت‌های کهن‌نمونه‌ای چون سفر، دیدار با آنیما، و انواع شخصیت‌های کهن‌نمونه‌ای چون پیر (خرد جمعی) و انواع نمادهای کهن‌نمونه‌ای چون اعداد، حیوانات و ... دیده می‌شود. بررسی موردی حاضر بر یکی از داستان‌های منطق الطیر نشان دهنده قابلیت بالای این اثر برای مطالعه بر روان جمعی مشترک بشر در طول تاریخ است که شامل قصه‌ها و افسانه‌ها نیز می‌شود.

کلیدواژه‌ها: یونگ، نقد کهن‌نمونه‌ای، منطق الطیر، حکایت شیخ صنعان.

«تأثیر پدیده جاننداری در معرفگی مفعول در گویش گزی؛ رویکرد رده شناختی»

دکتر ارسلان گلغام

دانشیار گروه زبان شناسی دانشگاه تربیت مدرس

افتخار سادات هاشمی*

دانشجوی دکترا زبان شناسی دانشگاه تربیت مدرس

مهر السادات هاشمی*

کارشناس ارشد جامعه شناسی

این پژوهش به توصیف تأثیر پیوستار جاننداری بر حضور نقش نمای مفعولی «را» در چارچوب پیوستار جاننداری و رابطه ای کامری (۱۹۸۹) و آیسن (۲۰۰۳) در گویش گزی می پردازد. گویش گزی از گویش های شمال غربی ایران است. در خصوص این گویش مطالعات اندکی انجام شده است. شیوه گردآوری داده ها به صورت میدانی و مصاحبه با گویشوران گزی بوده و جهت ارائه تحلیل های زبان شناختی از شیوه کتابخانه ای بهره گرفته شده است. تفاوت ساختمان فعل های متعدی در این گویش در زمان های حال و گذشته معرفتی شده و سپس با تمرکز بر جملات حاوی ساخت متعدی در زمان حال و زمان های گذشته ساده، گذشته نقلی و گذشته بعید نشان می دهیم که این گویش علیرغم سایر گویش های شمال غربی چون تاتی، تالشی و بلوچی نسبت به این پدیده رفتاری خنثی دارد.

کلید واژه ها: معرفگی، مفعول، گویش گزی، رده شناسی، پدیده جاننداری.

* استاد مدعو دانشگاه بین المللی امام خمینی، قزوین
* کارشناس پژوهش مرکز تحقیقات معلمان، اصفهان

بررسی سبکشناختی غزلی از مولوی، حافظ، صائب

دکتر احمد گلی*

سمیه کیانمهر*

از جمله مقوله های نقد ادبی نقد نفوذ یا تأثیر و تأثر شعرا نسبت به همدیگر است، ریشه یابی کیفیت و کشف کمیت أخذ و اقتباس مضامین و موضوعات موجود در آثار سخنوران میزان نوآوری و تقلید و تأثیرپذیری آنان را از یکدیگر نمودار میسازد و در تشخیص سبکش خصی به خواننده کمک میکند. البته مقایسه عظمت ها نه از بابت صور و جوه تشابه بلکه به منظور دریافتن تنوع تجلیات علو و جمال و به قصد شناختن طرق مختلف و ظهور تجلی نبوغ و خلاقیت است. در این مقاله سه غزل از بزرگترین شاعران غزلسرای ایران مولوی، حافظ، صائب مورد بررسی قرار گرفته است، غزل مولوی با مطلع، «اگر دل از غم دنیا جدا توانی کرد»، غزل حافظ «به سر جام جم آنکه نظر توانی کرد»، و، صائب که غزل مولانا را با مطلع «اگر وطن به مقام رضا توانی کرد/ غبار حادثه را توتیا توانی کرد» استقبال کرده است.

کلیدواژه ها: تأثیر و تأثر، مولوی، حافظ، صائب.

* دانشیار دانشگاه تربیت معلم آذربایجان

* دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

نقد و بررسی داستان «الناسک و الشیطان» و تأثیر آن بر ادبیات کودک و نوجوان

فاطمه گلی*

سمیه کاظمی نجف آباد*

«الناسک و الشیطان: پارسا و شیطان» از داستان‌های کوتاه توفیق حکیم داستان‌نویس مشهور عرب، نزدیک به ۲۰ سال است که توانسته علی‌رغم حذف و تغییرات، هنوز هم جایگاه خود را در کتب عربی دبیرستان‌های ایران حفظ کند. این داستان با ساختار فنی متکامل و رعایت اصول اساسی داستان‌نویسی، به گونه‌ای نمادین و با هدف ترغیب مردم برای آزاد سازی قدس از چنگال دژخیمان اشغال‌گر نگاشته شده است. نویسنده در این اثر با ارزش، در عین سادگی و به دور از کاربرد واژگانی دشوار، در اوجزیبایی و با کمال وضوح، مردم را به مبارزه و مقاومت تشویق نموده است. قدرت نویسندگی توفیق حکیم در تبیین مسائل دینی، سیاسی و اجتماعی، با سبکی بسیار ساده و شیوا و در قالبی فنی، زمینه‌ای مناسب برای راه یافتن اثر گرانقدر او به حوزه آموزش نوجوانان فارسی‌زبان فراهم ساخت. بر این اساس پژوهش حاضر بر آن است با نقد و بررسی و تحلیل داستان و عناصر تشکیل دهنده آن، عواملی را که باعث شهرت داستان و قرار گرفتن آن در زمره داستان‌های مؤثر بر فکر و اندیشه نوجوان ایرانی شده، بررسی و بیان کند.

کلید واژه ها : داستان کوتاه، توفیق حکیم، نقد و بررسی، ادبیات کودک و نوجوان.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان

«محمد مهدی جواهری»، شاعری شیفته ایران

فاطمه گلی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان

محمد رحیمی خویگانی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان

دل بستگی شاعران غیر ایرانی فراسوی مرزها، به ایران و فرهنگ ایرانی یک داستان دیرپا است، از این میان دل بستگی شاعران عربی و مخصوصا عراقی به خاطر نزدیکی جغرافیایی، بسیار شدیدتر و در پاره‌ای موارد باورنکردنی است؛ یکی از این شاعران که هر گاه مجال یافته است از ایران و زیبایی‌هایش دم زده است، «محمد مهدی جواهری» است. بررسی جنبه‌های مختلف عشق جواهری به ایران، موضوعی است که پژوهش حاضر در صدد است تا با روشی تحلیلی-توصیفی بدان دست یازد، عشقی که باعث می‌شود جواهری، ایران را بر وطن خویش ترجیح بدهد! مهمترین یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که شیفتگی جواهری به ایران را می‌توان در سه محور عمده مورد بررسی قرار داد، اول عشق وصف ناشدنی او به طبیعت زیبای ایران که حجم زیادی از اشعار او را به خود نسبت داده است، و دوم عشق او به فرهنگ ایرانی که بیشتر از هر چیز به ادبیات ایران و مخصوصا شعر حافظ شیراز مربوط می‌شود، و سوم اهمیت مسائل سیاسی ایران برای جواهری که سعی کرده است تا در شعرش همراه مبارزان ایرانی مخالف رژیم شاه باشد.

کلیدواژه‌ها: محمد مهدی جواهری، طبیعت ایران، ادبیات فارسی، حافظ شیرازی، تأثیر، تأثر.

«بررسی واعظان مجلس گو در مجالس شیخ ابوسعید ابی‌الخیر و جلال‌الدین محمد مولوی»

الهام گنج کریمی

مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان

برگزاری مجالس صوفیانه در تصوف سابقه‌ای طولانی دارد و برخی از مشایخ صوفیه به مجلس‌گویی و برگزاری جلسات صوفیانه معروف بوده‌اند. در واقع بسیاری از تعالیم مشایخ صوفیه از طریق همین مجلس‌گویی‌ها به مریدان و افراد عادی منتقل می‌شده است. هدف اصلی از تشکیل این مجالس، موعظه برای ارشاد و تربیت صوفیان و حاضران مجالس بوده است؛ به همین سبب وجود واعظان مجلس‌گو که به سخنرانی در این گونه مجالس می‌پرداختند رکن اصلی مجالس بوده است. در این مقاله سعی شده است که واعظان مجالس شیخ ابوسعید ابی‌الخیر (متوفی ۴۴۰هـ.ق) و جلال‌الدین محمد مولوی (متوفی ۶۷۲هـ.ق) را از لحاظ هیات ظاهری، طرز قرار گرفتن، نحوه شروع و ختم مجالس، حالات درونی و... بر اساس کتاب‌های حالات و سخنان ابوسعید ابی‌الخیر (جمال‌الدین ابو روح)، اسرارالتوحید فی مقامات شیخ ابی‌سعید (محمد بن منور)، مجالس سبعة مولانا (جلال‌الدین محمد مولوی)، مناقب العارفین (شمس‌الدین احمد افلاکی)، که در این زمینه بسیار حکایت کرده‌اند، مورد بحث و بررسی قرار گیرند.

کلید واژه‌ها: مجلس‌گویی، ابوسعید ابی‌الخیر، جلال‌الدین محمد مولوی، نثر فارسی.

قابلیت ها و محدودیتهای ترجمه‌ی ادبی: نقد و بررسی ترجمه‌ی شعر حافظ

بهنام گنجعلی خانی حاکمی*

حسن امامی*

از اولین سال‌های ارائه‌ی نظریات مطالعات ترجمه پیرامون بایدها و نبایدهای ترجمه‌ی ادبی، نظرات گوناگون و گاه کاملاً متناقضی در مورد این نوع خاص ترجمه مطرح شده است. برخی از نظریه‌پردازان، انجام ترجمه‌ی ادبی را به این شرط امکان‌پذیر می‌دانند که مترجم ادبی علاوه بر آشنایی کامل به دانش زبانی زبان مبدا و زبان مقصد از خلاقیت یک آفریننده‌ی اثر ادبی نیز برخوردار باشد تا بتواند علاوه بر انتقال معنای مورد نظر نویسنده‌ی مبدا، تا حدودی احساس و آهنگ موجود در اثر ادبی (به ویژه شعر) را نیز در ترجمه اش بیان کند. از سوی دیگر، برخی نظریه‌پردازان مطالعات ترجمه بر این باورند که یک اثر ادبی، به ویژه اگر دارای وزن و آهنگ باشد به هیچ عنوان نباید ترجمه شود، بلکه به منظور لذت بردن و فهمیدن کامل این گونه آثار باید آن‌ها را تنها به زبانی که نوشته شده اند خواند. این دسته از نظریه‌پردازان حتی تا آن جا پیش می‌روند که مترجمان آثار ادبی را خائنان (نسبت به اثر اصلی و اثر ترجمه شده) می‌دانند. این محدودیت‌ها به ویژه در کلام حافظ که پر از ایهام و آرایه‌های ادبی است و وزن و آهنگ موجود در اشعار او بسیار در فهم و لذت بردن از آن نقش دارد پررنگ‌تر به نظر می‌رسد. این مقاله بر آن است تا علاوه بر ارائه‌ی گزیده‌ای از این نظریات پیرامون قابلیت‌ها و محدودیت‌های ترجمه‌ی ادبی، به طور موردی گلچینی از غزلیات حافظ به همراه ترجمه‌های ارائه شده از آن‌ها را در نیمه‌ی دوم این مقاله مورد بررسی قرار دهد تا با نقد این ترجمه‌ها مشخص گرداند با وجود مشکلات و محدودیت‌های پیش روی ترجمه‌ی ادبی، انجام ترجمه‌ی ادبی اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. هرچند که نمی‌توان انتظار داشت متن ادبی ترجمه شده از نظر انتقال معنای مورد نظر نویسنده‌ی اصلی و مهم‌تر از آن از نظر انتقال وزن و آهنگ موجود در شعر، پا به پای اثر ادبی مبدا پیش رود.

کلید واژه‌ها: متون ادبی، ترجمه‌ی ادبی، ترجمه‌ی شعر، وزن و آهنگ شعر، حافظ.

* دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات ترجمه دانشگاه تبریز behnamhakemi.iran@yahoo.com

* استادیار گروه زبان‌دانشگاه تبریز hassanemami@yahoo.com

"خطابه ای در احیاءِ گفتمانِ پس از تشریح"

هدیه گونه

کارشناس زبان و ادبیات فارسی

این موقعیتی است که این روزها به وفور تجربه می شود. کلمات و جملاتی که تکثر معنایی ناشی از تجربیات متفاوت، ارتباطات انسانی را به بحران تبدیل کرده اند. فاصله ی عمیق میان الفاظ و معانی در اشکال گفتاری، به دلیل کمی دایره ی واژگانی اذهان و...، منجر به افتراق و سوء تفاهمات گشته است. سهم ادبیات - به عنوان ناجی زبان - با آن سابقه ی قهرمان پروری، در تبدیل شدن و تبدیل کردن به اسطوره های زبان آوری هنوز باقی مانده است. این خطابه _ مقاله، پرداختی است کاربردی، به چگونگی تلفیق شکل برتر زبان نوشتاری (ادبیات) با قالب برتر زبان گفتاری (خطابه) در جهت ایجاد گفتمان کلامی و غنی سازی زبان و فرهنگ فارسی که به شیوه ی سخنرانی حرفه ای، از "گستره ی موضوعی" برای نیل به مقصود استفاده می شود.

کلید واژه ها: خطابه، سخنور، زبان، ادبیات، نوشتار، گفتار، فصاحت، بلاغت، گفتمان، خلاقیت های زبانی.

بازخوانی یک بیت از خاقانی (تاملی در مفهوم "دوگروهی" در دیوان خاقانی)

دکتر علی محمد گیتی فروز

استادیار دانشگاه پیام نور

تا کنون کوشش ها و پژوهش های ارزشمندی در خصوص تصحیح دیوان، گزارش ابیات و شرح لغات و تعبیرات دیوان خاقانی انجام شده است اما مهجور شدن برخی واژه ها و تعبیرها در گذر زمان موجب گردیده است صورت صحیح برخی کلمه ها و اصطلاحات از چشم کاتبان و نیز دیدگان نقادان و مصححان متون پوشیده بماند. بی گمان یکی از مهم ترین عوامل در بروز چنین لغزش هایی، تغییرات رسم الخط زبان فارسی در طی قرون بوده است. در این پژوهش به بازخوانی یک بیت از خاقانی پرداخته شده است و پس از بررسی ضبط های مختلف آن در تصحیح های مختلف و نیز تامل در شرح های متفاوتی که از آن بیت ارائه گردیده است، صحت و اصالت قراءت های موجود مورد ارزیابی قرار گرفته است و در پایان با عنایت به ضعف تالیف و نارسایی معنایی بیت، خوانش و معنی دیگری از آن ارائه گردیده است.

کلید واژه ها: دیوان خاقانی، تصحیح متون، دو گروهی، گروه.

ادبیات کودک در ایران پس از مشروطه

غمزه گیزم ارتان

دستیار پژوهشی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سلجوق قونیه - ترکیه

ادبیات کودک که دارای پیشینه بسیار طولانی و ارزش فرهنگی می باشد، در ادبیات ایران دارای جایگاهی مسلم است. اماریشه های ادبیات کودک در ایران به زمانهای بسیار دوری برمیگردد. به سبب رخدادهای سیاسی، تا دوره مشروطه ادبیاتی منحصر به کودکان پدید نیامده است. اگرچه کتابهایی که کودکان با اشتیاق بخوانند به تحریر درآمد، ولی داستانی که با هدف کودکان باشد نوشته نشد. با آغاز ابتکارات در زمینه پرورش و آموزش که همزمان با مشروطه بود، نویسندگان و شاعران شروع به خلق آثاری مخصوص کودکان نمودند. بدین ترتیب، شمار زیادی داستان و رمان در زمینه ادبیات کودک نوشته شد و تحت تاثیر ادبیات غرب نیز قرار گرفته شد. در مورد اهمیت ادبیات کودک در ادبیات ایران به آن صورت مطالعه علمی انجام نشده و به این شکل به خواننده معرفی نشده است و این یک کمبود بزرگ است. از این رو، در این مطالعه در باره این موضوع اطلاعاتی داده میشود. در این پژوهش، در مورد مطرح شدن ادبیات کودک به عنوان یک ساختار هنری پس از دوره مشروطه و تغییراتی که بر اثر آن بوجود آمده بحث میشود.

کلیدواژه ها: مشروطیت، ادبیات کودک، ادبیات، کودک.

تحلیل معراجیه های حکیم نظامی گنجوی

علی لاغر فیروزجائی

استادیار دانشگاه پیام نور مرکز رودسر

سیمای پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله به عنوان اسوه ی انسان کامل، الهام بخش مضامین و اندیشه های والایی برای شاعران و نویسندگان زبان پارسی بوده و پیوسته گفتار، کردار و رفتار آن حضرت آذین بخش آثارشان بوده است. از جمله رویدادهای زندگی آن حضرت که بسیار مورد توجه شاعران و نویسندگان قرار گرفته، معراج آن حضرت است که شاعران در توصیف این سفر معنوی معراجیه هایی از سر اخلاص و تعظیم سرودند و از دم معنوی آن عارف حق بین و رطب خورده ی عالم معنا، غفران و شفاعت طلب نمودند. نظامی گنجوی هم به عنوان یکی از بزرگترین شاعران مثنوی سرای زبان پارسی در آغاز مثنویهای پنج گانه ی خود به بیان معراج پیامبر(ص) در زیباترین لفظ و مضمون پرداخته است. ویژگی عمده ی معراجیه های نظامی وحدت موضوع، توصیف قوی، بیان جزئیات و مراحل این سفر معنوی و نیز ارتباط و پیوستگی عمیق آن به لحاظ ساختاری و محتوایی با کل اثر می باشد. در این مقاله سعی می شود معراجیه های پنج گنج حکیم نظامی از لحاظ ساختاری و محتوایی، تحلیل و بررسی شود.

کلید واژه: نظامی گنجوی، پیامبر، معراجیه، مخزن الاسرار، لیلی و مجنون، شرفنامه، هفت پیکر.

آراء سیبویه و زبانشناسی معاصر

منصوره لایقیان جوان

کارشناس ارشد زبانشناسی

در عالم زبانشناسی بسیاری از صاحب نظران بر این باورند که منشأ این علم در دنیای غرب است و " فردینان دوسوسور " را به عنوان پدر زبانشناسی معاصر معرفی می کنند . متأسفانه این جماعت از روشنفکران ، بی اعتنا به غنای آراء زبانشناختی اندیشمندان ایرانی ، به بحث درباره ی نو آوری های زبانشناسان غرب می پردازند . این افراد به مصداق این بیت حافظ :

سال ها دل طلب جام جم از ما می کرد
و آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می کرد

نظریات ارزشمند و آثار پر مغز و فاخر متفکران ایرانی ، پیرامون زبان را نادیده و یا ناچیز انگاشته و به دنبال آراء اندیشمندان غربی اند . آراء و عقایدی که اکثر آنها تکرار مطالب گفته شده است . نگارنده مقاله ی حاضر، این حقیقت را مسلم می داند که خاستگاه انقلاب علمی زبانشناسی غربی را می تواندر میان آثار دانشمندان ایرانی ، به خصوص " سیبویه " جست . در این نوشتار می کوشیم گوشه هایی از نظرات زبانشناختی سیبویه را مطرح کرده و به مقایسه ی آن ها با شیوه های نوین زبانشناسی معاصر پردازیم . به دلیل گستردگی مسایل در حوزه ی زبانشناسی ، جنبه هایی از نحو و معناشناسی کتاب معروف سیبویه به نام " الکتاب " را در نظر میگیریم و به بررسی تطبیقی این جنبه ها با نظرات سوسور در کتاب " دوره ی زبانشناسی عمومی " می پردازیم . امید است که با نگارش این رساله ، گامی کوچک در شناساندن دانشمندان بزرگ ایرانی برداشته باشیم .

بررسی و تحلیل عناصر داستانی ۱۳ اثر بازنویسی شده در دهه هشتاد

سودابه لطفی نژاد جلالی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

دبیر دبیرستانهای شهرستان آستانه اشرفیه

بازنویسی یکی از شیوه های تولید در ادبیات کودکان است. بازنویسی روشی پویاست که با هدف ساده و قابل فهم کردن متون کهن یا معاصر، دشواری های زبانی و سبکی متون اصلی را از میان بر می دارد. خواندن باز نوشته های متون ادبی کهن، سلیقه ادبی کودکان را بهبود می بخشد، آنان را با میراث گرانبهای ادب فارسی آشنا می کند، مهارت های زبانی شان را ارتقاء می دهد؛ توانایی های کودکان را پرورش می دهد و قدرت آنان را در زمینه های مختلف بالا می برد. آنچه نوشتن این مقاله را ضرورت بخشید اهمیت انتقال میراث ادبی کهن به کودکان دبستانی است که پژوهشگر می کوشد تا با استفاده از روش تحلیل محتوا به بررسی و تحلیل عناصر داستانی ۱۳ اثر از آثار بازنویسی شده در دهه هشتاد بپردازد تا ضمن نشان دادن نقاط ضعف و قوت این آثار جایگاه آنها را در ادبیات معاصر بیان کند. بررسی ها نشان می دهد که این عناصر گاه با متن اصلی همخوانی دارند؛ گاه نیز بازنویس با توجه به مخاطبین خود آنها را حذف و یا اینکه در آنها تغییر و تحولاتی ایجاد می کند. ساده بودن پیرنگ ها، خطی بودن روایت ها، فرازمانی و فرامکانی بودن، محدود بودن و ایستایی شخصیت ها، متفاوت بودن صحنه داستان های بازنویسی شده با متن اصلی، اجتماعی - اخلاقی بودن موضوعات و... از مهمترین مسائلی است که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته اند.

کلید واژه ها: بازنویسی، درونمایه، پیرنگ، شخصیت، زاویه دید، صحنه.

جایگاه انواع باز نویسی های متون کهن در ادبیات معاصر کودک در دهه هشتاد

سودابه لطفی نژاد جلالی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

دبیر دبیرستانهای شهرستان آستانه اشرفیه

کارخلاق و آفرینش در دنیای هنر و ادبیات اهمیت ویژه ای دارد. بررسی ها نشان می دهد که یکی از علل تداوم میراث فرهنگی و ادبی ایران تأمل و جستجو در میراث ادبی گذشتگان به ویژه شعرا و نویسندگان گذشته است. باز نویسی نیز از جمله شیوه هایی است که با تأمل و جستجو در آثار پیشینیان به وجود می آید و از مشهورترین نوع اقتباس است. باز نویسی روشی پویاست که با هدف ساده و قابل فهم کردن متون کهن یا معاصر، دشواری های زبانی و سبکی متون اصلی را از میان بر می دارد. خواندن باز نوشته های متون ادبی کهن، به نوبه خود علاقه کودک را به متون کهن افزایش داده و سبب شناسایی نیازها و هویت ملی به کودک می شود. آنچه نوشتن این مقاله را ضرورت بخشید اهمیت انتقال میراث ادبی کهن به کودکان دبستانی است که نگارنده بر آن است تا با مقدمه ای کوتاه در مورد ضرورت باز نویسی ها و علل روی آوردن به آثار کهن، انواع باز نویسی ها را از نظر محتوا، منبع و روش (باز نویسی ساده، نیمه خلاق و خلاق) مورد بررسی قرار دهد و ضمن بیان نقاط ضعف و قوت هر یک از روش ها جایگاه آن ها را در ادبیات معاصر کودک بیان کند. بررسی در سیزده اثر از آثار گروه سنی «ب» و «ج» نشان می دهد که پرکاربردترین نوع باز نویسی از نظر روش همان باز نویسی ساده است. اما امروزها توجه به بالا رفتن سطح آگاهی مخاطبین کودک و دایره واژگانی آنان باز نویسی های خلاق از جمله شیوه های مناسب برای پرورش تخیل و ترقی کودکان محسوب می شود. لذا توجه باز نویسان در این عرصه لازم و ضروری است.

کلید واژه ها: باز نویسی، باز نویسی ساده، نیمه خلاق، خلاق.

اردشیر بابکان به روایت منابع تاریخی بعد از اسلام

زهرة لک

اردشیر بابکان موسس سلسله ساسانیان و از جمله شاهانی است که فردوسی بخشی از شاهنامه خود را به او اختصاص داده است و داستان هایی در مورد جنگ ها و کشور گشایی های او آورده است . در این مقاله اطلاعاتی را که در بعضی از منابع تاریخی بعد از اسلام (تا قرن ۷) از جمله (تاریخ طبری ، تاریخ یعقوبی ، مروج الذهب و معادن الجواهر و...) آمده است گرد آوری کرده ام . در این آثار اخبار و روایاتی گاه متفاوت با شاهنامه فردوسی دیده می شود . به طور مثال آنچه در مورد نام و نسب اردشیر در بعضی از این منابع آمده با آنچه در شلهنامه آمده متفاوت است ، که این نشان می دهد فردوسی برای سرودن شاهنامه خود از همه این منابع استفاده نکرده بلکه به انتخاب میان آنها پرداخته است . از آنجا که هر قدر میزان اطلاعات پایه در مورد زمینه ی یک تحقیق بیشتر باشد کشف زوایای مختلف آن راحت تر است امید است که این مقاله کمکی باشد در راستای شاهنامه پژوهی .

کلید واژه ها : اردشیر بابکان ، منابع تاریخی ، شاهنامه فردوسی ، ساسانیان .

بررسی اصلی ترین جلوه های ادبیات غنایی در سه منظومه ی نظامی (خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، هفت پیکر)

فرشته ناصری *

دکتر عبدالحسین فرزاد *

دکتر امیرحسین ماحوزی *

ادبیات جهان در بردارنده ی بخش بزرگی از احساسات و تفکرات انسانی است که تمامی وجوه زندگی فردی و اجتماعی آن را در بر می گیرد. ادبیات حماسی، پایداری، غنایی، عرفانی و... همگی اشاره به مجموعه ای بزرگ از متون دارند که هر یک به فراخور موضوع، حقایقی از تمدن بشری را در بردارند. نظامی، به عنوان یکی از بزرگ ترین و توانا ترین شاعران عرصه ی ادب فارسی، بی تردید نماینده ی بی چون و چرای ادبیات غنایی است که پنج گانه ی بی بدیلش الگوی شاعران و ادبای زیادی قرار گرفته است. در میان آثار وی، سه مجموعه ی «خسرو و شیرین»، «لیلی و مجنون» و اثر قدرتمند و داستانی «هفت پیکر» جزء مهم ترین آثار غنایی ادبیات فارسی به شمار می روند. که به دلیل ویژگی های زیبایی شناسانه و جلوه های آشکار عشق، زن، بزم و طرب و موسیقی در آنها، جزوی از این گنجینه محسوب می شود. بررسی ویژگی های ادبیات غنایی، به عنوان یکی از اصلی ترین شاخه های ادبیات جهان و کاویدن آنها در سه منظومه ی مذکور نشان می دهد که این شاعر توانا و چیره دست ایرانی چگونه و تا چه اندازه توانسته است حق این نوع ادبی (غنایی) را به خوبی ادا کند. در این مقاله به بیان محوری ترین ویژگی های ادبیات غنایی که در سه منظومه ی نظامی به کار گرفته شده و مطرح گشته است می پردازیم.

کلیدواژه ها: نظامی، ادبیات غنایی، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، هفت پیکر.

* دانشجوی دوره دکتری، مدرس مدعو دانشگاه آزاد اسلامی .

* دانشیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب .

* استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور - واحد دماوند

ضرورت نگاه انتقادی به شرح‌های متون گذشته (مطالعه موردی مخزن الاسرار نظامی)

تیمور مال میر (دانشگاه کردستان)

تحقیقات معاصر که عمدتاً در پی تبیین ارزش‌های بلاغی متون گذشته یا تطبیق اصول نظری حاکم بر آن متون با نظریه‌های ادبی معاصر است با یک مشکل جدی مواجه است و آن تکیه بر استنباط-هایی است که در پاورقی و حواشی و تعلیقات نسخه‌های چاپ شده تحت نام اهتمام یا تصحیح صورت می‌گیرد، همین شرح و توضیحات نیز خود وابسته به لزوم دقت در تصحیح و چاپ انتقادی متون است و وجود شرح و توضیحات و تعلیقات متون گذشته از سوی مصححان بر همین مبنی است. بنا بر این، فقط وقتی می‌توانیم الگوهای حاکم بر متون گذشته را تبیین نظری کنیم یا به تطبیق اصول نظری با نظریه‌های ادبی معاصر بپردازیم که نخست متنی منقح با بیان و توضیح مصحح برای گزینش‌های متن در دست داشته باشیم، همچنین، این شرح و توضیحات، دقیق و عالمانه و پس از نهایت جستجو و تحقیق باشد نه بر پایه حدس و گمان بی‌سند. کسانی هم که به تبیین نظری و تطبیق می‌پردازند لازم است نسبت به دو مرحله قبلی دیدگاه جامع انتقادی داشته باشند نه آنکه به آنچه دیگران نوشته‌اند با نگاهی مؤمنانه رو به رو شوند. در این مقاله، سهو و اشتباهات شارحان و مصححان مخزن الاسرار نظامی را نشان داده‌ایم که مبنای استدلال‌های محققان برای نشان دادن ویژگی‌های اندیشه و کلام نظامی یا مبنای مقایسه وی با سایر شاعران شده و خواسته‌اند با تحقیق خود جایگاه نظامی را در تاریخ ادبیات فارسی نشان دهند در حالی که استدلال آنان مبتنی بر تصحیح یا استنباطی خطا است و حاصلی ندارد.

کلیدواژه‌ها: تصحیح انتقادی، نسخه شناسی، مخزن الاسرار نظامی، متن پژوهی ادبی.

تأثیرگذاری حکمت اشراق سهروردی بر شیوه نورپردازی در نگارگری ایرانی

فاطمه ماهوان

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

شیوه نورپردازی در نگارگری ایرانی با دیگر سبک‌های نقاشی تفاوت دارد. در نگارگری ایرانی، سایه و تاریکی نشان داده نمی‌شود و همه چیز در نوری محض و یکدست به نمایش درمی‌آید. این شیوه نورپردازی از نظام دوگانه نور و ظلمت در تفکر ایرانی نشأت می‌گیرد. نگارگران در هنگام مصورسازی متون ادبی، از مبانی فکری این متون تأثیر پذیرفته و آن را در نگاره‌های خود منعکس ساخته‌اند. در این پژوهش پشته‌های فکری شیوه نورپردازی نگارگری ایرانی را در متون ادبی بررسی می‌کنیم. با توجه به اهمیت فلسفه اشراق سهروردی در بحث نور و ظلمت و همچنین تأثیرپذیری هنر ایرانی از مبانی فکری شیخ اشراق، پژوهش حاضر این پرسش را پاسخ می‌گوید که شیوه نورپردازی در نگارگری ایرانی از حکمت اشراق چه تأثیری گرفته‌است؟ چگونه نگارگران ایرانی به حکمت اشراق سهروردی، نمودی هنری بخشیده‌اند؟ در این پژوهش سعی داریم تا با تحلیل شیوه نورپردازی نگاره‌ها، حضور پشته‌های ادبی را در هنر ایرانی تبیین کنیم. حاصل این پژوهش نمایانگر آن است که مبانی فکری و فلسفی متون ادبی، در لابه‌لای کتب ادبی محصور نمانده بلکه در دیگر ابعاد فرهنگ و هنر ایرانی نیز تأثیری محسوس داشته‌است.

کلید واژه‌ها: حکمت اشراق، سهروردی، نگارگری، نور، ظلمت.

نقد ساخت‌شکنانه داستان «پیر چنگی» از منظر اندیشه یونگ

دکتر محبوبه مباشری*

الناز خجسته*

داستان «پیر چنگی»، روایتی ناب از ناخودآگاه جمعی بشر است که در ژرف‌ساخت خود، به مفاهیم روان‌شناختی عمیقی اشاره دارد. از این رو این داستان، از منظر اندیشه یونگ به‌خوبی قابل نقد است و تأثیر انواع «کهن‌الگو»، «تحلیل رؤیا»، پردازش انواع «نمادهای رؤیا» و مفهوم «همزمانی» در آن به‌چشم می‌خورد؛ در نتیجه به‌نظر می‌رسد «پیر چنگی» شخصیتی حاصل از مکاشفه درونی روان «عمر» یا به‌عبارتی همان «فرامن» متعالی است و «عمر» نمایانگر «من خودآگاه» به‌شمار می‌رود. در این روایت تأثیر حدود نیمی از آرای یونگ در حوزه علم روانکاوی منعکس می‌شود که در جای خود قابل تأمل است. علاوه بر این، محورهای ناشناخته و ناخودآگاه متن، موجب خوانش بسیار نوینی از متن می‌شود، در نتیجه تأویل روانکاوانه آن، مستلزم نوعی ساخت‌شکنی و دستیابی به ژرف‌ساخت متن است. این پژوهش در صدد است با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، به نقد مبانی اندیشه یونگ در داستان «پیر چنگی» بپردازد تا علاوه بر ارائه خوانشی نو از این روایت کهن، ژرف‌ساخت روانکاوانه آن را باز نماید.

کلیدواژه‌ها: پیر چنگی، عمر، یونگ، کهن‌الگو، رؤیا، نماد، همزمانی.

* دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء (س)

* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء (س)

بررسی تطبیقی " نسایم گلشن " شاه داعی و " مفاتیح الإعجاز " لاهیجی

محبوبه مباشری

دانشیار زبان و ادبیات فارسی

مسروره مختاری

دانشجوی دوره ی دکتری زبان و ادبیات فارسی

گلشن راز شیخ محمود شبستری، مثنوی ای کوتاه در شرح اصطلاح های رمزی صوفیان و یکی از کهن ترین شعرها از نوع خود می باشد. به دلیل موجز بودن آن، شرح های متعددی مخصوصاً در قرن نهم بر آن نگاشته شده است که از آن میان شرح "شاه داعی شیرازی"، به دلیل تقدّم زمانی و شرح "لاهیجی" به دلیل مقبولیتی که از همان آغاز تألیف کسب کرده است، در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است. شاه داعی، از پیروان شاه نعمت الله ولی، و لاهیجی از مریدان سید محمد نوربخش بود که هر دو از مروّجان مکتب ابن عربی بودند. هر دو شارح به تبع شیخ های خود از پیروان و بسط دهندگان عقیده ی ابن عربی بوده و در شرح خود این عقیده را منعکس نموده اند. شرح های این دو شارح از نظر ساختار (زبان شرح، ایجاز و اطناب استشادات) و از نظر محتوا (میزان تأثیرپذیری از عقاید ابن عربی، تجربیات عرفانی و غیر آن ها) باهم مشابهت ها و تفاوت هایی دارند. حاصل سخن این که، شرح شمس الدین لاهیجی به دلیل در برداشتن میراث عرفانی بسیاری از شعرای سلف، همراه نمودن شرح خود با تجربیات عرفانی و ذوق شعری، ارائه ی تمهیدات و تمثیل های متعدد برای تفهیم رموز عرفانی بیش از شرح شاه داعی، موافق ذوق ارباب معرفت قرار گرفته است.

کلید واژه ها: گلشن راز، نسایم گلشن، مفاتیح الإعجاز، شاه داعی شیرازی، شمس الدین لاهیجی.

تدوین درسنامه‌ای جهت آموزش مجازی زبان فارسی به خارجیان (سطح مقدماتی)

ندا متانی

کارشناس ارشد آموزش زبان فارسی

مدرس زبان فارسی به غیرفارسی زبانان

(مؤسسه دهخدا و مرکز بین المللی آموزش زبان فارسی)

هدف از این تحقیق، تدوین درسنامه‌ای برای تدریس مجازی زبان فارسی به غیرفارسی زبانان در سطح مقدماتی است. آموزش و یادگیری زبان یکی از راه های مهم برقراری ارتباط و تبادلات میان فرهنگی در دنیای امروز است. امروزه کشورهای مختلف توجه ویژه‌ای به آموزش مهارت‌های زبانی به خصوص برای خارجیان نشان می‌دهند. زبان فارسی نیز به عنوان زبانی غنی و دارای پیشینه‌ی ادبی ارزشمند از این امر مستثنا نیست. تاکنون برخی مؤسسات و مراکز دانشگاهی اقدام به آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان نموده‌اند و کتبی نیز در این زمینه تدوین شده‌اند. در کنار این گونه فعالیتها، نیاز به تدوین و اجرای برنامه‌ای جامع جهت آموزش مجازی زبان فارسی به چشم می‌خورد. با توجه به افزایش تعداد متقاضیان فراگیری زبان فارسی در سراسر دنیا، ممکن است شرایط و فرصت لازم برای حضور تمامی این افراد در داخل ایران فراهم نباشد، بنابراین بهترین راه حل، تهیه نرم افزارهای مناسب و ارائه دروس کارآمد به صورت مجازی است. کاری که در بسیاری از زبانها نیز انجام گرفته است. آماده سازی دروس مجازی به دلیل آنکه آموزش از راه دور صورت می‌گیرد با دروس دیگر متفاوت است و ملاحظات خاص خود را می‌طلبد. در این تحقیق درسنامه‌ای شامل بخش‌های گفتگو، خواندن، دستور، شنیدن و واژگان که مشتمل بر ۱۰ درس می‌شود، تدوین شده است. هر بخش نیز دارای تمرینات متعدد و متنوع جهت تثبیت یادگیری است. این دروس با توجه به تجربیات نگارنده در تدریس زبان فارسی به خارجیان، به گونه‌ای طراحی شده‌اند که به صورت خودآموز قابل استفاده باشند. به کارگیری این درسنامه برای فارسی آموزان سطح مقدماتی که با الفبای فارسی آشنایی داشتند، به صورت حضوری نتیجه بخش بوده و با بکارگیری نرم افزارهای آموزشی مناسب، می‌توان فرصتی را برای کاربرد آن به صورت مجازی نیز فراهم نمود.

کلید واژه‌ها: آموزش مجازی، درسنامه زبان فارسی، مهارت‌های زبانی، فارسی آموزان، نرم افزار آموزشی.

مقایسه سبکی ضرب المثل های فارسی و عربی (بررسی موضوع قناعت بعنوان مطالعه موردی)

عیسی متقی زاده *

فرهاد سنگانی *

محمد کبیری *

امثال و حکم آینه ی فرهنگی اجتماعی یک ملت است، در واقع فرهنگ هر ملتی در ادبیات عامه و علی الخصوص ضرب المثل هایش منعکس می شود، بنابراین منبعی مناسب برای شناخت جوامع و تحولات فکری و فرهنگی آنهاست، میان دو فرهنگ ایرانی و عربی ضرب المثل های مشترک دیده می شود که علت آن اشتراک آیین اسلامی است که در قرآن و حدیث نمودار می شود. در طول ادوار مختلف، زبان فارسی و عربی از هم تأثیر و تأثراتی پذیرفته اند، از این رو در این پژوهش که بر اساس بررسی توصیفی تحلیلی است، سعی شده است مقایسه ای تطبیقی باموضوعیت قناعت بین ضرب المثل های عربی با فارسی از منظر سبک شناسی، در سه حوزه ی زبانی فکر و ادبی صورت گیرد.

کلید واژه ها : ضرب المثل ها ، قناعت ، مقایسه ی تطبیقی و سبکی، زبان فارسی و عربی.

* استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه تربیت مدرس تهران emottaqi@yahoo.com

* دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس تهران f.sangani@modares.ac.ir

* دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات عربی دانشگاه تربیت مدرس تهران m.kabiri@modares.ac.ir

استعاره هایمرگ و زندگی در شعر شاملو از دیدگاه زبان شناسی شناختی

سوزان متین فرد

کارشناس ارشد زبان شناسی

دکتر احمد رضا لطفی

استادیار گروه زبان دانشگاه خوراسگان

استعاره تجربه کرد نیک مفهوم در قالب مفهومی دیگر استوار مهمترین ابزارهای زبان شناسی است. در این مقاله استعاره هایمرگو زندگی در شعر مدرن در آثار احمد شاملو از دیدگاه زبان شناسی شناختی بررسی می شوند و دیدگاههای ای نشاعر نسبت به این دو مفهوم بررسی می شوند. پنج استعاره مفهومی +زندگی ساختمان است+, +زندگی سفر است+, +زندگی زندان است+, +مرگ سفر است+ و +مرگ خواب است+ حاصل این پژوهش هستند.

کلید واژه ها: استعاره مدرن, شاملو, استعاره های مرگ و زندگی.

"خط فارسی توانمندترین خط جهان"

امید مجد

استادیار دانشگاه تهران

خط یعنی: «انتقال اصوات بر روی کاغذ» یا در جمله ای کوتاهتر میتوان گفت: «خط، نوشتن سخن است» بدیهیست در این انتقال، هرچه همخوانی تلفظ با نوشته بیشتر باشد، خط دقیقترست. این مقاله میکوشد نشان دهد که خط فارسی (علیرغم برخی ایراداتی که بر آن گرفته اند) بهترین و کم عیبترین خطوط دنیاست. به همین منظور ابتدا عیبهای شمرده شده دسته بندی و صحت و سقم آنها تحلیل شده است سپس در ادامه نه مورد از توانمندیهای ویژه خط فارسی برشمرده شده و اثبات میشود که مجموعاً این خط بهتر از دیگر خطوطست. هدف از این مقاله درک بیشتر ارزشهای خط فارسیست.

کلیدواژه ها: مصوت - پیوسته نویسی - نبودن حروف زائد - ساده خوانی - علائم فونتیک.

بررسی ویژگی های تئاتر معنا باختگی در نمایش نامه «هاملت با سالاد فصل» اثر اکبر رادی

آمنه مجذوب صفا

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه فردوسی مشهد

مدیر مجله علمی - فرهنگی «مترجم»

تئاتر یکی از قدیمی ترین هنرهای بشری است و در موارد بسیاری ریشه های آن به دوره های اولیه ی زندگی انسان و سنت و فرهنگ آن دوران باز می گردد. این هنر به علت ذات پویا و فعالی که دارد در گذر زمان تغییرات عمده ای داشته ، تا هماهنگ با هر دوره سبک تازه ای را ارایه بدهد. از جمله این تغییرات ظهور تئاتر معنا باختگی است که همگام با اتفاقات جوامع مدرن در تئاتر رخ داد. این سبک محصول گذار جوامع انسانی به دوره ی مدرن و تاثیر مدرنیته ی بعد از جنگ در زندگی مردم بود. در ایران نیز؛ تئاتر منطبق بر قواعد تئاتر غربی، همراه با دیگر ملزومات دنیای مدرن بعد از انقلاب مشروطه وارد زندگی مردم شد و به سرعت جای خود را در میان لایه های مختلف اجتماع پیدا کرد. نمایش نامه نویسان و نویسندگان ایرانی که به خوبی با این هنر و قواعد آن آشنا شده بودند بستری بومی با تلفیق قواعد اصیل تئاتر غربی فراهم ساختند و در راستای این تسهیلات دست به خلق آثاری در تئاتر زدند. از جمله هنرمندان و نویسندگان به نام این عرصه اکبر رادی است؛ که شاید بتوان او را به عنوان یکی از درخشان ترین افراد عرصه ی تئاتر در دوره معاصر دانست. در این مقاله بر آنیم که با تکیه بر قواعد یکی از سبک های مدرن تئاتر یعنی تئاتر معنا باختگی نمونه ها و نشانه های این سبک از تئاتر همچون دیالوگ های طولانی، عدم برقراری ارتباط افراد با یکدیگر، انتظار و نوعی از بیهودگی را در یکی از نمایش نامه های اکبر رادی به نام هاملت با سالاد فصل نشان بدهیم.

کلید واژه: تئاتر، تئاتر معنا باختگی، اکبر رادی، هاملت با سالاد فصل، دیالوگ، انتظار، بیهودگی.

هنجارگیزی (نحوی، معنایی، آوایی، زمانی...) در شعر حمید مصدق

سارا محبی

هنجارگیزی یکی از برترین شیوه ها برای برجسته ساختن زبان در شعر است که اکثر شاعران از این روش بهره برده اند. یکی از شاعرانی که از انواع روش های هنجارگیزی در راستای برجسته سازی زبان شعری اش استفاده کرده؛ حمید مصدق است. او در اشعار خود از اکثر شیوه های عدول از هنجار بهره برده است. این پژوهش به بررسی انواع هنجارگیزی در شعر حمید مصدق بر مبنای تقسیم بندی لیچ پرداخته است؛ و بر این اساس، مصدق به جز هنجارگیزی گویشی از انواع هنجارگیزی ها استفاده کرده است و در این میان استفاده از هنجارگیزی نحوی، معنایی، زمانی و آوایی به نسبت دیگر گونه ها از بسامد بالاتری برخوردار است. این جستار از نظر روش به شیوه ی استقرایی و ازدیدگاه ابزار و میدان تحقیق به روش کتابخانه ای است.

کلیدواژه ها: حمید مصدق، هنجارگیزی معنایی، هنجارگیزی نحوی، هنجارگیزی زمانی، هنجارگیزی آوایی.

تأثیر عوامل فرامتنی بر ترجمه ی ادبیات کودکان

فرشته محجوب

عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور

هر ترجمه در جایگاهی خاص و میان دو مرز مقبولیت و شایستگی قرار دارد. مترجمی که در پی ترجمه ای شایسته است در بازگردان خود، هنجارهای زبان مبداء و سیستم ادبی چند گانه ی آن را در نظر می گیرد که باعث می شود ترجمه ی حاصل، با هنجارهای ادبی و زبانی زبان مبداء یکسویه گردد. از دیگر سو، مقبولیت ترجمه اکثراً از طریق پابندی به هنجارهای ادبی و زبانشناسی سیستم مقصد تعیین می گردد. ترجمه ی موفق معمولاً حد وسط میان این دو قطب است. زمانی که متن مقصد تا حد زیادی با هنجارهای رایج متن مبداء همخوانی داشته باشد میزان مقبولیت ترجمه بسیار بالا خواهد بود. بر اساس نظریات برجسته ترین مترجمان کودک در جهان، موفقیت ترجمه به ویژه در باب ادبیات کودک، در رابطهای میان مقبولیت و شایستگی و به وسیله هنجارهای ترجمه مشخص می گردد که این بحث، شاخص ترین مبحث اصلی ترجمه های ادبیست. بر این اساس، رابطه ی موجود میان یک متن و متنی که به عنوان ترجمه ی آن در نظر گرفته می شود رابطه ی تساوی است و این وظیفه ی مطالعات ترجمه ی توصیفی است که تعیین کند تساوی میان متن و ترجمه چگونه است و نیز کدام هنجارها مبین تعادل و هماهنگی بین متن مقصد و مبداء است. هنجارهای ترجمه ای را می توان به دو دسته بزرگتر تقسیم بندی کرد: هنجارهای مقدماتی که در انتخاب کتاب و نیز انتخاب نسخه ی اصلی کتاب نقش ایفا کرده و هنجارهای عملیاتی که در جریان ترجمه، تصمیم گیریهای مترجم را کنترل می کنند. هر یک از این سرفصل های عمده به اجزای کوچکتر دیگر چون هنجارهای اساسی که تعیین کننده ی وجود و جایگاه مواد اساسی و ترکیب بندی متنی (حذف- اضافه و تغییر در جایگاه اجزا و اساسی) زبان مقصد در متن مقصد است، و هنجارهای متنی که تعیین کننده چگونگی شکل گیری افعال در متن شامل هنجارهای زبان شناسی (هنجارهای سبکی کلی) و هنجارهای ادبی است منقسم است. چنانچه مجموع عوامل مذکور هر یک به طرز شایسته به سرانجام برسد ترجمه دارای خوانایی بالا و حاوی سبکی رسا و پویایی شود که از شاخص های اصلی در تعریف مقبولیت ترجمه ی متن است. با توجه به عوامل تأثیرگذار فوق در ترجمه و به ویژه در ترجمه برای کودکان، از این دسته ی سنی، با توانایی ناچیز در خواندن و نیز تجربه های اندک در زندگی، انتظار نمی رود که بتوانند مانند بزرگسالان عناصر زبانی

بیگانها در یابند. دقایقی باریک در این امر با موقعیت ثانویه ی ادبیات ترجمه شده ی کودکان ارتباط دارد و وجود این عوامل باعث آنست که مترجم باتکیه بر دواصل بسیار مهم ترجمه برای کودکان، یعنی نقش آموزشی ادبیات آنان و سازگاری هسته ی اصلیا آثار کودکانه، بیشتر بر مواردی تأکید کند که در سیستم زبانی مقصد مرسوم است. پژوهش حاضر در صدد است ضمن دسته بندی علمی عوامل تأثیر گذار در ترجمه ی ادبیات کودکان و نیز بررسی آراء والگوهای فکری برجسته ترین تئوری پردازان و مترجمان کودک چون پروفیسور آیتینن، فرناندز لوپز، کلینبرگ، سرویک، اکنل، شاویت و نیز سایر صاحب نظران در این باب که از شهرتی جهانی برخوردارند، به تحلیل مسائلی که مترجم ادبیات کودک در حین ترجمه الزامی بایست آن را بشناسد و رعایت کند و در خصوص آن به مهارت و توانایی هایی دست یابد مبادرت ورزد. این عوامل فرامتنی مجموعه ای از نکات، همچون دقت در تفاوت های نژادی یا ایدئولوژیکی متن مبدأ و مقصد، لهجه های مندرج در متن اصلی، زبان عامیانه ی کشور مبدأ و چگونگی ترجمه ی جملات و تعابیر آن و نیز اصطلاحات و ضرب المثل های رایج در آن زبان بیگانه و میزان دخالت این عوامل به هنگام ترجمه است که عدم رعایت هر یک از آنان باعث تناقض و تضادهای فکری و فرهنگی در کودکان خواهد بود.

کلیدواژه: ادبیات کودک، ترجمه، عوامل فرامتنی، کشور مبدأ، کشور مقصد.

بررسی تطبیقی طبیعت در اشعار سهراب سپهری و نزار قبانی

دکتر ناصر محسنی نیا

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین

ربابه یزدان نژاد

کارشناس ارشد ادبیات تطبیقی دانشگاه شهید باهنر کرمان

ادبیات تطبیقی به بررسی تلاقی ادبیات در زبان های مختلف و روابط پیچیده آن در گذشته و حال و روابط تاریخی آن از حیث تأثیر و تأثر در حوزه های هنری، جریان های فکری مکاتب ادبی، موضوع ها، افراد و غیره می پردازد. پیشینه روابط و تعاملات فرهنگی ایران و عرب به عنوان ساکنان یک منطقه به دوران کهن می رسد. ایرانیان و اعراب، پیش از اسلام به دلیل قرب مکان، و پس از آن به دلیل پیوند ها و باورهای مشترک اسلامی از دیرباز، همواره نوعی اشتراک، پیوند و نزدیکی داشته اند که این نزدیکی و اشتراک به طور خاص در ادبیات آنها تجلی پیدا کرده است. توصیف طبیعت و بیان جلوه های آن، یکی از ویژگی های بارز ادبیات فارسی و عربی به شمار می آید. طبیعت پیوسته اولین الهام بخش شاعران در طول روزگاران کهن بوده است. چرا که شاعر طی عصرهای مختلف از ابتدا با مظاهر و عناصر آن در تعامل بوده و خود را با آن سازگار کرده است و چه بسا یکی از عمده عوامل خلق شعر و پدیدار شدن قریحه و ذوق شاعری در آدمی، طبیعت و مظاهر آن بوده است. یکی از مهم ترین شاعران ایرانی که در اشعارش به وصف طبیعت و مصادیق آن پرداخته است، سهراب سپهری می باشد. سهراب با نشان دادن جلوه های زیبایی از عناصر طبیعت مانند باران گل، دشت، دریا و... تعریفی جدید در شعر خود رقم زده است. در ادبیات عربی نیز شاهد بروز چنین شاعرانی هستیم. شاعرانی که در وصف طبیعت بیش ترین سهم را داشته اند.

این که شاعران نوپرداز عرب، به آثار سهراب سپهری دست داشته اند امری مشهود است. اما این که تا چه میزان سهراب توانسته است بر آنان تأثیر بگذارد و فصلی نو در ادبیات تطبیقی رقم بزند، هدفی است که در این مقاله بر آنیم تا نشان دهیم. میزان تأثیر پذیری شاعران عرب و به طور خاص نزار قبانی شاعرسوری مورد بررسی تطبیقی قرار داده است. این مقاله بر اساس تحقیقات کتابخانه ای تنظیم شده و نا کون چنین بحثی در هیچ مقاله یا نوشته ای نیامده است.

کلیدواژه ها : بررسی تطبیقی ، طبیعت، ادبیات معاصر، سهراب سپهری، نزارقبنانی.

بررسی مؤلفه‌های نوستالژی در اشعار سیاوش کسرایی

مرتضی محسنی استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران

مریم بختیاری دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران

نوستالژی که شاخه‌ای از آسیب شناسی روانی است یکی از مباحث مطرح در روان‌شناسی می باشد که وارد ادبیات فارسی شده است. از دیرباز نگرش نوستالژیک یکی از رویکردهای بسیاری از صاحبان آثار ادبی شده است. هر شاعری به فراخور حال و هوا و موقعیت خود به گذشته و لحظات پس پیش نهاده توجه دارد. سیاوش کسرایی از جمله شاعران معاصر است که نگرش نوستالژیک در سروده‌های وی بسیار به چشم می خورد. این پژوهش ابتدا تعریفی از نوستالژی و انواع مفاهیم و نوستالژی را ارائه می دهد و سپس به بررسی انواع نوستالژی در اشعار سیاوش کسرایی و تحلیل کارکردهای آن می پردازد. دستاورد پژوهش ناظر بر این است کسرایی در میان انواع نگرش نوستالژیک در بخش خاطره‌ی فردی به غم غربت و بیان دردهای اجتماعی به علت حس مسئولیت پذیری نسبت به تغییر سرنوشت جامعه و گرایش به آرمانشهر و در بخش نوستالژی اجتماعی به بیان اسطوره پردازی گرایش بیشتری دارد.

کلیدواژه‌ها: غم غربت، سیاوش کسرایی، نوستالژی جمعی، نوستالژی فردی.

بررسی تطبیقی سفر و سلوک در منطق الطیر عطار و گلشن راز شبستری

دکتر عبدالمجید محقق استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یاسوج.

فرزانه محمدی دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یاسوج.

سالکان طریقت، برای رسیدن به مقصود نهایی که همان برطرف شدن تعینات بشری است، باید مراحل مختلف سیر و سلوک را با موفقیت طی نمایند. برای طی این مراحل پرخطر، مقدمات و شروطی لازم است که گاهی سالک با موفقیت می‌تواند آن‌ها را پشت سر گذاشته، به محبوب (حق) برسد و در او فانی شود و گاهی نیز ممکن است که سالک به علت عدم توانایی در گذراندن مراحل سلوک از درک نهایت سیر و وصول به ذروه ی قلّه ی حقیقت بازماند. البته آنچه که از نظر عارفان در سیر و سلوک عرفانی برای چنین سالکی مهم است، فنای در حق و بقای به اوست. گفتنی است که از منظر عارفان، سالک واقعی کسی است که با طی طریق عرفانی، به مقامی نائل گردد که از اصل و حقیقت خود مطلع شده، در ضمن برطرف کردن خود پرستی، حق را در اندرون خویشتن جستجو نماید. طی طریق نیز خود مرحله‌ای دارد و در عرفان اسلامی باید پیری کاردان، راهنمای طالبان راه حق باشد تا با صلاحدید او، سالکان بتوانند مقامات و حالات سلوک را طی کنند. این مقاله به بررسی و تبیین سیر و سلوک و سفر از دیدگاه عطار نیشابوری و محمود شبستری پرداخته، سعی دارد نوع نگاه این دو عارف را درباره‌ی سفر و سلوک نشان دهد و تفاوت‌ها و شباهت‌های دیدگاه آن دو را مشخص کرده، بیان کند.

کلید واژه‌ها: سلوک، سالک، سفر، عطار، شبستری، لاهیجی، منطق الطیر، گلشن راز.

نقد و بررسی مفعول مطلق در قرآن بر اساس ترجمه آقایان بهرام پور، پاینده و پور جوادی

حیدر محلاتی استادیار دانشگاه قم

صحبت اله حسنونند استادیار دانشگاه قم

زهرا ذوالفقاری فرد دانشجوی کارشناسی ارشد

قرآن کریم در اوج قلّه‌ی فصاحت و بلاغت قرار دارد و معنا و محتوای آن عمیق و بی نظیر است. مترجمان این کتاب آسمانی همواره سعی داشته‌اند که متن ترجمه با قواعد زبانی یا ساختاری زبان مقصد سازگاری داشته باشد. اما به دلیل اینکه میان زبان عربی و زبان فارسی تفاوت‌هایی در ساختار نحوی جملات وجود دارد، ترجمه‌ی دقیق قرآن کریم با مشکلاتی مواجه می‌باشد. مفعول مطلق مصدری است منصوب که برای تأکید عامل خود و بیان نوع و عدد آن به کار می‌رود که در دو زبان عربی و فارسی دارای تفاوت ساختاری می‌باشد. این حالت نحوی در زبان فارسی قدیم دارای مشابه ساختاری بوده است اما در زبان معاصر فارسی به کار بردن این ساختار مشابه به ویژه در نثر مرسوم نیست. بنابراین مترجمان باید تلاش کنند تا مفعول مطلق را در زبان فارسی به طور دقیق معادل‌یابی کنند و در ترجمه‌ی خویش به کار گیرند. در پژوهش حاضر با نقد و بررسی ترجمه‌ی آقایان بهرام پور، پاینده و پور جوادی تلاش شده است تا نقاط قوت و ضعف این مترجمان در ترجمه‌ی مفعول مطلق برجسته سازی شود.

کلیدواژه‌ها: مفعول مطلق، ترجمه قرآن، نقد ترجمه، بهرام پور، پاینده، پور جوادی.

بررسی و مقایسه ی واژه ی حکمت در قرآن کریم و مثنوی معنوی

شاهرخ محمد بیگی

دانشیار بخش بان و ادب فارسی، دانشگاه شیراز

محبوبه دهداری

کارشناس ارشد بان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز

واژه حکمت در قرآن کریم بیست بار و در مثنوی شریف حدود ۸۶ بار تکرار شده است. مولانا در بکار گیری واژه ی حکمت نیز مانند اغلب اصطلاحات و مفاهیمی که در مثنوی به کار برده به گونه ای تحت تأثیر قرآن و حدیث بوده است. بنابراین با توجه به تأثیر انکار ناپذیر مولانا در مثنوی معنوی از قرآن کریم، در این نوشتار سعی شده که به طور خاص مقایسه ای صورت پذیرد میان حکمت قرآنی و معانی مختلف واژه ی حکمت در مثنوی معنوی. به همین منظور ابتدا با نگاهی کلی به چگونگی تأثیر قرآن و حدیث بر اشعار فارسی، بطور ویژه شیوه بهره گیری مولانا از مفاهیم قرآنی در مثنوی مورد بررسی قرار گرفته است. سپس به توضیح مفاهیم، مصادیق، زمینه های بهره مندی و کارکردهای مشابه حکمت، در قرآن. مثنوی پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: ۱- حکمت ۲- قرآن کریم ۳- مثنوی معنوی ۴- مولانا ۵- شعر

نگاهی تطبیقی به نمایشنامه شاه لیر و داستان فریدون در شاهنامه

الهام محمد قلی اوغلی

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تبریز

امروزه ادبیات تطبیقی یکی از حوزه هایی است که همواره ذهن اهل ادب را به خود مشغول کرده است، در واقع ادبیات تطبیقی زمانی به وجود می آید که در ذهن نویسنده ای تصویر خاصی از کشوری پدید آید و آثار آن کشور در خور توجه و ستایش باشند به عبارت دیگر، ادبیات تطبیقی حاصل روابط بین الملل می باشد. ادبیات تطبیقی، کنجکاو این مساله است که مضامین مشترک به هنگام انتقال از زبانی به زبان دیگر، چگونه تغییر یافته اند و خلق و خو و طرز تفکر هر نویسنده، هر یک از آنها را به چه صورتی مبدل کرده است. انسان از آغاز هستی همواره با موضوعات مهمی چون عشق، مرگ و زندگی در کشاکش بوده است و ادبیات هر ملت با توجه به زمان و مکان خویش، واکنش های متفاوتی در مقابل این موضوعات از خود نشان داده است. در آثار ویلیام شکسپیر و فردوسی، همواره، تراژدی جایگاه مهمی داشته است. در این مقاله کوشش شده تا پیوندها و گسست های چندی از تراژدی شاه لیر از شکسپیر و مرگ ایرج در شاهنامه تصویر شود.

کلیدواژه ها : ادبیات تطبیقی ، فردوسی، شکسپیر، شاه لیر، فریدون، ایرج، تراژدی

کارکرد رنگ در اشعار سلمان هراتی

مجتبی محمدنیا کپورچال

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

حوراء قهرمانی صغیر

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

سلمان هراتی از شاعران نوگرا و متعهد دوران دفاع مقدس ایران است. او با نگاه سمبلیک و نمادین خود به طبیعت و عناصر وابسته به آن، اشعاری با مضامین اخلاقی-میهنی می آفریند. رنگ در اشعار هراتی، از عناصر ویژه نمادین محسوب می شود. از طریق شناخت ویژگی ها و تأثیرات رنگ، می توان از روی بسیاری از رمزهای شعرش پرده گشود و به رازهای پنهان بسیاری دست یافت. هراتی با استفاده از مفاهیم نمادین رنگ ها و کارکردهای پویای آن، مضامینی نو به وجود می آورد. از آنجایی که او سعی داشته با استفاده از بیان شاعرانه، غیرمستقیم مخاطب جوان خود را در بحبوحه ی جنگ با مفاهیم والای دفاع آشنا سازد، لذا با نگاه سمبلیک به طبیعت و رنگ های متلون آن، سعی در برجسته سازی ارزش های آرمانی جامعه آن زمان ایران دارد و از آن طریق به درشتی و گاه زمختی واژگان جنگ لطافت می بخشد. در این مقاله سعی بر آن است تا با استفاده از دو روش تحلیلی و آماری ابتدا شمار و تعداد رنگ ها و چستی آنها در اشعار سلمان هراتی مشخص گردد؛ سپس مفاهیم نمادین رنگ ها به ترتیب کاربردشان، بررسی و تحلیل شود و از این طریق از روی بسیاری از رمزهای رنگین و پرطراوت اشعار هراتی پرده برداشته شود و به چگونگی و کیفیت ارتباط این گونه از اشعار نمادین آرمانی با مخاطبانش پی برده شود.

کلیدواژه ها: سلمان هراتی، رنگ، مفاهیم نمادین، ادبیات دفاع مقدس.

ابتکار سنایی در مدیحه سرایی

دکتر مریم محمد زاده

استاد یار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر

پیشگامی سنایی در موضوعات مختلف شعری همانند وارد کردن مفاهیم عرفانی به شعر فارسی بنیانگذاری پایه های شعر انتقادی و اجتماعی و ابداع غزل قلندری امری مسلم و شناخته شده است . در این میان آنچه کمتر بدان پرداخته شده اشعار مدحی سنایی و مبدع بودن وی در ایجاد سبک تازه ای در مدیحه سرایی است که از یک سو تاثیر ژرفی بر سعدی و مدیحه های او گذاشته و از سوی دیگر ناشناخته ماندن آن سبب تردید در حقیقت بیداری شاعر و وارد آمدن اتهاماتی در این زمینه بر وی شده است . در این نوشته ضمن بررسی انواع گوناگون اشعار مدحی سنایی به معرفی این سبک جدید خواهیم پرداخت.

کلید واژه ها: سنایی شعر مدحی ، پند و اندرز ، بیداری ورحی ، بهرامشاه غزنوی.

بررسی معناشناختی واژه کفر در دیوان حافظ

معصومه محمد نژاد

کفر از اصطلاحات و مضامین قرآنی است که در طول تاریخ و در حوزه های مختلف اسلامی از نظر مفهوم و مصداق تغییراتی داشته و معانی گوناگونی یافته است. خواجه حافظ نیز که حافظ قرآن است، در اشعارش از نکات قرآنی استفاده کرده است و شعرش مستفاد از قرآن می باشد. عارفان آنچنان که شیوه معهودشان است غیر از آنکه برای واژگان دینی معانی مجازی گوناگونی قایلند در توسعه معانی آنها نیز ید طولایی دارند به گونه ای که گاه گوی سبقت را از باطنیان می ربایند و از این زمره اند معانی وسیعی که برای اصطلاحات قرآنی «ایمان»، «کفر»، «اسلام»، «قرآن»، «صبر»، «شکر» و... ارائه نموده اند و از این میان دامنه تعریف کلمه «کفر» و «کافر» بسیار فراخ و گسترده است؛ این توسعه معنا و مفهوم گاه به حدی است که هرچه را مانع رسیدن به حق شود، از جنس کفر می دانند. در این مقاله سعی شده است عقاید و نظریات خواجه حافظ در مورد مسئله کفر، که واژه ای قرآنی است، استخراج و ارائه شود. با بررسی در دیوان حافظ در حوزه معناشناسی مشخص گردید از دیدگاه وی کفر در معنای عام و اولیه شرک، بت پرستی و کفران نعمت به کار رفته است ولی با توجه به جهان بینی خاص وی در معنی ثانویه، رنجیدن، بخل و امساک، تکیه بر تقوا و دانش، خزینه داری میراث خوارگان، خامی، خودبینی و خودرایی، ریا و سالوس هم ردیف کفر قرار می گیرد .

کلید واژه ها : کفر، کافر، حافظ، ایمان، معناشناسی، روایات و قرآن.

گردشی در مدار ادبیات تطبیقی؛ تأثیرپذیری سعدی از مضامین اخلاقی معلقه زهیر بن ابی سلمی و مضامین قرآنی

گردآفرین محمدی

دانش آموخته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی

بزرگان ادب از دیرباز به اقتباس و استفاده از مضامین دیگران در یک اثر توجه داشته‌اند؛ در این میان شعرای پارسی‌گوی غالباً با متأثر شدن از شاعران عرب ازسبک و اندیشه های ایشان بهره جسته‌اند؛ البته این تأثیر یک جانبه نبوده و در واقع یک داد و ستد ادبی دوطرفه در میان این دو قوم بوده است؛ از جمله شاعران پارسی‌گوی که به ادب عرب ارادت می ورزیده شاعر فرزانه، سعدی، علیه الرحمه است؛ وی بنا به آشنایی و تسلطی که به زبان عربی که حاصل زندگی اش در سرزمین عرب و کسب تجارب عینی اش بوده، در استفاده از مضامین زبان عربی و البته آیات قرآنی مهارت کافی داشته است؛ پیوند ذهنیات سعدی و تأثر وی از شاعران نامدار عرب مورد تأیید بزرگان زبان و ادبیات فارسی است؛ وی از نکات ادبی، حکم و بدیع ترین اشعار عرب سرسری عبور نکرده و از آن بهره برده است؛ قرآن برای سعدی تنها یک کتاب مذهبی صرف نیست؛ بلکه منبعی بی پایان برای مضامین شعری اوست؛ در واقع می توان گفت همه جا سعدی با قرآن و قرآن با سعدی است. این آمیختگی هنرمندانه وی سبب شده که تعیین حد و حصر دقیق تأثر او از قرآن بسیار مشکل و حتی محال باشد. این جستار در استفاده کلی سعدی از شیوه کار زهیر بن ابی سلمی در نحوه بیان اخلاقیات است؛ زهیر سخنان حکیمانه خود را تحت تأثیر اندیشه های متعهدانه اخلاقی و تربیتی بیان نموده است؛ به علاوه تصویرپردازی است که ابزار خود را از هر لحاظ نیک می‌شناسد؛ عمر بن خطاب در شهرت زهیر می‌گفت: «زهیر شاعرترین شاعری است که در سخنش ناهمواری و ناجوری نیست و کس را جز به صفتی که در او بوده نستوده» (ضیف ۱۳۸۱: ۳۰۹)؛ سعدی نیز آثار خود را از دیدگاه اخلاق و تربیت تزیین نموده است و با مضامین قرآنی آراسته است.

کلیدواژه‌ها: زهیر بن ابی سلمی، سعدی، تأثیر و تأثر، قرآن و اخلاق.

جایگاه عرفانی جنید و شبلی از دیدگاه شمس تبریزی

فاطمه محمدی عسکری آبادی

دکتر مهدی ملک ثابت

شمس الدین محمدبن ملک داد تبریزی، از عارفان بزرگ قرن هفتم هجری است که داستان تأثیر افسانه گونه او بر مولوی، شهره خاص و عام است. تنها اثر به جا مانده از شمس تبریزی، کتاب «مقالات شمس تبریزی» است که در اصل، توسط خود او نوشته نشده؛ بلکه گفتارهای پراکنده ای است که وی در جمع مریدان مولانا بیان می داشته و آنها یادداشت می کرده اند. مقالات شمس، کتابی بسیار ارزشمند است و با وجود پراکندگی مطالب، حاوی نکات دقیق عرفانی، فلسفی، کلامی، تأویل قرآن و حدیث و ... است. یکی از موضوعات قابل توجه در این کتاب، دیدگاه های شمس نسبت به عارفان معاصر و متقدم وی است. شمس تبریزی در سخنان خود به عارفان بزرگی چون بایزید بسطامی، حلاج، خرقانی، سنایی و ... اشاره کرده و به صورتی بسیار دقیق به نقد و بررسی جنبه های شخصیتی آنها از جهات مختلف پرداخته است. از میان این عارفان نامدار، جنید و شبلی نیز بسیار مورد توجه او بوده اند، به طوری که در سخنان متعدّد، به بیان جایگاه عرفانی و اقوال و احوال و آنها پرداخته است. در مقاله حاضر، ابتدا دیدگاه های شمس درباره جنید و شبلی را که به صورت بسیار پراکنده در مقالات او وجود دارد، گردآوری نموده و سپس، آنها را مورد تحلیل و بررسی قرار داده ایم. در این پژوهش نشان داده ایم که دیدگاه شمس تبریزی درباره این عارف بزرگ، در نوع خود کم نظیر است. شمس تبریزی در برخی از سخنان خود، به ستایش از مقام عرفانی جنید پرداخته، ریاضتهایش را در مسیر سلوک، مورد تمجید قرار داده است؛ اما بیش از آن که او را ستوده باشد به انتقاد از وی پرداخته است. شمس، مریدان جنید را که در مورد وی غلو کرده و سخنان شطح وار درباره او بیان می داشتند، سرزنش کرده است. از دیدگاه شمس، جنید قدرت دریافت برخی اسرار را از جانب اولیای مستور الهی نداشته است. از طرف دیگر، گاه به جای عمل مسقیم به الهامات الهی به تأویل آنها پرداخته و به همین دلیل در مسیر سلوک دچار سرگردانی گشته است. همچنین، شمس معتقد است که شبلی گرفتار حجابهای اخروی شده و به حقیقت حق و عشق به ذات خداوند، دست نیافته است و به اصطلاح «اهل آخرت» است؛ در حالی که مولانا را «اهل الله» می داند. از طرف دیگر، معتقد است که شبلی اسیر تفکرات جبر گرایانه شده است و این حالت او را مورد نکوهش قرار می دهد.

کلید واژه ها: شمس تبریزی، مقالات شمس، جنید، شبلی.

رد پای گربه در ادب فارسی

محسن محمدی فشارکی

فریبا فرخ نژاد

ادب فارسی برای مضمون پردازی از حیوانات بسیاری بهره گرفته است، از جمله این حیوانات گربه است که مهمترین علت به کارگیری آن در متون فراوانی و همزیستی در کنار انسان هاست. در کتب مختلف داستان ها و اشعاری در مورد گربه آمده است و صفاتی نظیر زهد ریاکارانه، حرص و طمع، حيله گری و چاپلوسی و ... به آن نسبت داده شده و از صفات گربه در کنایات و ترکیبات و در معنی پردازی بسیاری از ضرب المثل ها استفاده شده است. لذا می توان گفت گربه به نوعی جزئی از ادب فارسی شده است که توجه به صفات و کنایات اختصاص یافته به آن، خالی از لطف نیست. این مقاله سعی بر آن دارد تا به نحوی مختصر و مفید، صفات و کنایات و ضرب المثل ها و معتقداتی را که به گربه منسوب است، بررسی و تحلیل نماید.

کلید واژه ها: حیوانات و ادب فارسی، ادبیات عامیانه، گربه، فرهنگ مردم .

معرفت ناب در سنت های عرفان

علیرضا محمدی کله سر

هیات علمی دانشگاه شهرکرد

با مطالعه متون عرفانی درمی یابیم که یکی از مهم ترین اهداف آموزه های این متون، دست یابی به معرفتی ناب و به دور از موانع و آفات شناخت است. بازتاب این امر را در تقابل تاریخی علم حصولی و حضوری در آثار حکما و عرفا می توان دید. در این مقاله، با بررسی چند اصطلاح در حوزه نظری تعالیم عرفانی، و همچنین نگاهی به تمرین های معنوی و سلوکی عرفان و تصوف، همچون مراقبه، ذکر، فکر و نفی خواطر به تبیین شیوه نگرش، راهکارها و ظرفیت های موجود در سنت عرفان اسلامی برای دست یابی به شناختی ناب و پالوده پرداخته شده است اگر چه در نگاه نخست، اشاره چندان آشکاری از سوی متون عرفانی به اثرات روانی و معرفتی تمرین های سلوکی نشده است ولی بررسی تطبیقی این آموزه ها با نمونه های مشابه در دیگر مکاتب عرفانی، اهمیت امور ذهنی در چگونگی کسب معرفت را آشکار می سازد. این اهمیت از آن روست که سنت های عرفانی، عملکرد روزمره و عادی ذهن و محتویات آن را همچون حجابی می دانند که برخورد بی واسطه انسان با جهان را مختل می سازد؛ از این رو برخی آموزه ها و تمرین های عملی در این سنت ها راه را برای توقف عملکرد عادی ذهن هموار می کنند تا شناختی ناب، مستقیم و بلاواسطه را برای انسان میسر کنند.

کلیدواژه ها: معرفت (شناخت)، عرفان، ذهن، دل، متون عرفانی.

منادا در دستور زبان تطبیقی

نریمان محمدی گل باغی

منادا یکی از مهم ترین بحث های دستوری در تمام زبانهای زنده حاکم در جهان است. در دستور زبان فارسی و عربی بحث منادا دارای اشتراکات و اختلافاتی بارز و مهم است و این که در دستور زبان عربی برگرفته از زبانهای سامی و حامی است، ما با سه مقوله زبانی اسم، فعل و حرف سرو کار داریم ولی در دستور زبان فارسی که از ریشه زبانهای هندوایرانی و هندو اروپایی است با تساهل باهفت مقوله زبانی اسم، فعل، حرف، صفت، ضمیر، قید و شبه جمله سرو کار داریم و این که در ظاهر چیزی به نام منادا در عناوین زبانی عربی و فارسی به چشم نمی خورد. بحث ما در باب قرار گرفتن منادا است که در زیر مجموعه کدام یک از این عناوین زبانی است و چه تفاوتهایی با هم دارند که در این مقاله به آن پرداخته ایم.

کلید واژه ها: دستور زبان، منادا، تطبیقی، فارسی، عربی.

بازتاب منظومه ی «خانه ی سریویلی» در آینه ی روایت شناسی گریماس

دکتر علی محمدی

الناز محمدی

در مجموعه ی اشعار نیما یوشیج، سروده های گوناگونی دیده می شود که برخی از آن ها روایت شاعرانه ای از یک داستان هستند. منظومه ی «خانه ی سریویلی» هم از جمله ی این روایات محسوب می شود. پژوهش گران، روایت را بنیادی ترین اصل متون نمایشی و داستانی دانسته اند. دلیل برگزیدن این منظومه از آن جهت بود که در آن نیما توانسته است نظریه ی شعری خود را که نزدیک کردن شعر به نثر موزون از یک طرف و اهمیت مشاهده ی دقیق و روایت در شعر از طرف دیگر است؛ به تصویر بکشد. روشن است که در یک داستان ممکن است همه ی عناصر با هم حضور جدی نداشته باشند یا قابل بررسی نباشند و از سویی هر داستانی را نمی توان بر اساس یک نظریه ی روایت شناسی تحلیل کرد اما از آن جا که بخش عمده ای از حرف ها و درد های نیما در این شعر از زبان شخصیت ها، حتا اهریمن بازگو شده است؛ عنصر شخصیت برجسته تر از سایر عناصر است، لذا از الگوی کنش گرهای گریماس استفاده نمودیم که الگویی کارآمد در تعیین میزان کنش مندی یا کنش پذیری عامل داستانی (شخصیت) است.

کلیدواژه ها: نیما یوشیج، ریویلی، عناصر داستانی، گریماس، تحلیل روایت.

گفتمان تصویر در اشعار حسین منزوی

دکتر علی محمدی و مریم اسمعیلی پور

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانش‌آموخته‌ی زبان و ادبیات فارسی در مقطع فوق لیسانس

در تمام آثار بزرگ و جاویدان ادبی، تصویر، اساسی‌ترین عنصر شعری است. تصویر، مجموعه‌ی امکانات بیان هنری در شعر و نثر است و زمینه‌ی اصلی آن را انواع تشبیه، استعاره، اسناد مجازی، تشخیص، حس‌آمیزی، رمز و گونه‌های دیگر تشکیل می‌دهد. تصویر یکی از عناصر مهم در شعر حسین منزوی است؛ تا اندازه‌ای که می‌توان گفت، بارزترین عنصر شعر او، تصویرسازی‌های خلاق، بکر و شاعرانه است. هنر منزوی، عبارت است از تفکر با تصاویر و همین تصویرهای شعر اوست که حیاتی درخشان به زبان او داده است. بیشترین صنایعی که نمودار تصویر در شعر اوست، عبارتند از تشبیه، استعاره، پارادوکس، تلمیح، بدل بلاغی، حس‌آمیزی و تشخیص. منزوی گاه عناصری را که در این صنایع از آن‌ها بهره می‌برد، از شاعران پیش از خود وام می‌گیرد و دنیا را از دید شاعرانه‌ی برخی چون حافظ، رودکی، مولوی و... می‌نگرد و در بخش اعظمی از تصاویر شعری خود، دیدگاه هنری، خلاق و مبتکرانه‌ای دارد. تصاویر با مضامین، عاطفه‌ی در شعر و عناصر آن از هارمونی عمیقی برخوردارند. منزوی وقتی درصدد است به زیبایی‌های معشوق بپردازد، با عنصر تشبیه به میدان می‌آید و با صراحت مشبه را به مشبه‌به مانند می‌کند؛ اما وقتی به وضعیت نا به‌سامان سیاسی- اجتماعی زمان خود می‌پردازد، از عنصر استعاره و رمز استفاده می‌کند. در این مقاله برآنیم تا ابتدا با پرداختن به مفهوم تصویر و ارزش ادبی آن، به تحلیل غالب‌ترین صنایع شعری منزوی، تأثیرپذیری‌ها او از شعر دیگران خصوصاً نوآوری‌های او در زمینه‌ی تصویر و ارتباط آن با مضامین بپردازیم.

کلیدواژه‌ها: تصویر، صنایع، عناصر، عاطفه، اشعار و حسین منزوی.

نگاه انتقادی به انسان دوستی در مرصادالعباد

دکتر علی محمدی

استادیار دانشگاه پیام نور زنجان

نعمت الله پناهی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی و مدرس مدعو

مرصادالعباد در بردارنده نگرش عرفانی ناب به مقوله انسان است. طبق دیدگاه نجم رازی ارزش وجودی انسان نشأت گرفته از روح الهی و مقام خلیفه الهی است. سیمای انسان در مرصادالعباد در عالی ترین نوع خود، وجودی است که خداوند، کامل ترین تجلی خود را در روح انسانی جلوه گر کرده است. انسان، انسان بودنش مشروط به رنگ خدایی و روحانی گرفتنش است. در این کتاب از انسان همواره به عنوان مدار و مرکز هستی و هدف خلقت یاد شده است. مرصادالعباد با مبنا قرار دادن فطرت پاک و روح ازلی انسان، آنچه را که همواره مفسده روح و طینت پاک انسانها می داند، نفس و هواهای نفسانی است. بر این اساس می توان گفت معیارهای انسان دوستی در مرصادالعباد عبارتند از: خردستیزی افراطی، رخت بر بستن علایق و خواسته های دنیوی و نگاه بدبینانه به هرآنچه دنیوی است، تقدیرگرایی محض و اسیر جبر روزگار بودن، تزکیه نفس. در نهایت، سنت عقل ستیزی در نزد عارفانی همچون نجم رازی به جایی می رسد که با بدبینی تمام، عقل و خرد را معلول و مریض می دانند.

کلید واژه ها : انسان دوستی، مرصادالعباد، نجم الدین رازی، انسان دوستی عرفانی، عرفان اسلامی

اقتفاهای شهریار از حافظ

لیلا محمدی

علی جبرائیلی

شهریار یکی از شاعران توانا و موفق معاصر است که در انواع مختلف ادبی، شعر سروده است. یکی از قالب‌های کلاسیکی که شهریار در آن طبع آزمایی کرده، غزل است. او در سرودن غزلیاتش به آثار پیشینیان ادب فارسی - به خصوص حافظ - چه در فرم و چه در محتوا، توجه زیادی داشته است. در این مقاله، به اقتفاهای شهریار از حافظ پرداخته شده و بعد از تعریف و به دست دادن نمونه در هر مورد، نشان داده شده است که، شهریار از لحاظ: مضمون، موسیقی بیرونی و کناری، ترکیبات، الفاظ و نوع نگاه به عشق و معشوق از حافظ تأثیر پذیرفته است.

کلیدواژه‌ها: غزلیات، شهریار، حافظ، اقتفا

نگاهی به کهن ترین دستور زبان فارسی به فارسی

هاشم محمدی استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد گچساران

منهاج الطلب، کهن ترین دستور زبان فارسی به فارسی است که در سال ۱۰۷۰ هجری و در زمان صفویه به وسیله یک نفر چینی به نام «محمد بن حکیم الزینمی الشندونی»، نوشته شده است، آنچه از دست نوشته های قدیم راجع به دستور زبان فارسی به فارسی به دست آمده، تألیف مستقلی نیستند و هر کدام پاره ای از قواعد صرف و نحو و اشتقاق را ذکر کرده اند و این کتاب تاکنون، کتاب مستقلی است که در زمینه دستور زبان فارسی به فارسی در دست است. مولف کتاب سعی داشته، زبان را از نظر علمی بررسی کند و نکاتی را آورده که قابل توجه و دقت نظر است. همچنین بسیاری از کلمات و ترکیبها و مصادر قدیمی را که بعضاً معنی آنها از فرهنگها فوت شده، را ثبت و ضبط نموده و معادل بعضی از کلمات فارسی را به زبان چینی و عربی در زیر کلمات آورده است شواهد و امثال گوناگونی از متون نثر و نظم فارسی آورده که بیشترین شواهد و نمونه از گلستان سعدی است و چون این کتاب، کتاب درسی، بوده و در کنار گلستان سعدی خوانده می شده است مقدمه و شواهد و امثال فراوانی از این کتاب را دربر دارد. اگر چه تقسیم بندی مطالب کتاب و بسیاری از عناوین آن تحت تأثیر زبان عربی است، اما نکات تازه و جالب توجهی هم دارد که در این نوشتار به آن اشاره شده و وجوه شباهت و افتراق آن با دستوره های جدید بیان شده است.

کلیدواژه ها: منهاج الطلب، شباهتها و وجه افتراق، واژه ها و ترکیبهای کهن، شواهد و امثال.

مذهب سنایی از خلال آثارش

دکتر عباس محمدیان

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری

سنایی غزنوی (متوفی ۵۳۵ هـ.ق) یکی از بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین شاعران ادب فارسی است. او مسیر قصیده و مثنوی و غزل فارسی را از نظر درونمایه دگرگون ساخت و با ابداع قصاید زهدی و اجتماعی، و مثنوی عرفانی و تعلیمی و اخلاقی و غزل عارفانه، در جایگاه پیشوایی قرار گرفت تا جایی که شاعران مشهور و بلندآوازه‌ی پس از او، به دیده‌ی احترام به وی نگریسته، شیوه‌ی سخن‌سرایی او را پیروی کردند. در خصوص موارد فوق، تقریباً میان صاحب‌نظران و سخن‌سنجان اختلاف زیادی وجود ندارد، ولی در مورد «مذهب سنایی» از روزگار حیات وی تا به امروز، اختلاف نظر و پراکندگی دیدگاه وجود داشته است. این اختلاف آرا از آثار خود او - بخصوص حدیقه - ناشی شده است. در دیوان اشعار، حدیقه، مثنوی طریق‌التحقیق و سایر آثار سنایی، ابیات به ظاهر متناقضی در مورد باور مذهبی او وجود دارد که خواننده را گاه دچار تردید یا داوری‌های گوناگون می‌کند. از یک سو، خلفای سه‌گانه و ابوحنیفه و شافعی را می‌ستاید و از سوی دیگر، ارادت خالصانه و دوستداری عاشقانه‌ی خویش را از خاندان عصمت و طهارت (ع) پنهان نمی‌سازد و بر دشمنان و بدخواهان آنان نفرین می‌کند. سنایی همچون یک شیعی باورمند به خلافت بلافصل علی (ع)، به موضوع غدیر خم، محتوای احادیث منزلت، سفینه‌ی نوح و پاره‌ای دیگر از احادیث نبوی مورد اعتقاد شیعه اشاره کرده، مذهب فقهی جعفری را بر حق می‌داند و قصیده‌ی بلندی در ستایش حضرت رضا (ع) دارد. نگارنده در این مقاله با استناد به ابیات دیوان سنایی، حدیقه و بعضی از آثار دیگر این شاعر بلندآوازه‌ی ادب فارسی نگریسته و با کنار هم گذاشتن ابیات به ظاهر پراکنده و گاه متناقض او کوشیده تا به این ابهام یا پرسش پاسخ دهد که «مذهب سنایی چیست؟»؛ سنی متعصب حنفی مذهب است، یا شافعی دوستدار اهل بیت (ع) و یا شیعی باورمند و پاک اعتقاد.

کلیدواژه‌ها: سنایی، مذهب، سنی، شیعی، حنفی، شافعی.

موازنه ی هفت خان پدر و پسر (رستم و فرامرز)

هاشم محمدی

آرمان پشت

برای تشریح به پایگاه پهلوانی و جاودانگی، آزمون های گوناگون وجود دارد که بزرگترین و دشوارترین این آزمونها، هفت خان است؛ هفت منزل و گذرگاه مثل مرتبه ی آیین مهر و هفت مرحله ی سیر و سلوک عارفان که سلوک خود به معنای رفتن و سالک رونده است. راه هفت خان، یگانه نیست؛ در برابر فرامرز یک راه، در برابر رستم دو راه، در برابر رستم دو راه و در برابر اسفندیار سه راه و ... وجود داشته که از آن میان راههای دراز، امن و آسوده و راههای کوتاه: "پراز دیو و شیر است و پرتیرگی" و هدف، رهائی ایران از دست ددان، جادوان و اهریمنان و پس از هر پیروزی، طبق رسم و آئین، جشن و سرور برپا می کردند. آیا این هفت خانها همه اصیل اند و محصول اندیشه ی پهلوانی، یا یکی ذاتی و اصیل است و دیگر هفت خانها، غیر اصیل و رونوشت و پرداخته ی ذهن هوادارانی است که می خواهند پهلوانی داشته باشند که کم از پهلوان نخستین نباشد؟ این مقاله ضمن مقایسه ی هفت خان رستم و فرزندش فرامرز و با نگاه به دیگر حماسه ها سعی در پاسخ دادن به این پرسش دارد.

کلید واژه ها: هفت خان، رستم، فرامرز، مشابهت و وجوه افتراق.

طنز اجتماعی در اشعار ناصر خسرو و ابوالعلاء معری

محمود حیدری

هاجر پیران

طنز به نوعی از آثار منظوم یا مثنوی ادبی گفته میشود که اشتباهات یا جنبه های نامطلوب رفتار بشری، فسادهای اجتماعی و سیاسی یا حتی تفکرات فلسفی را به شیوه ای خنده دار به چالش می کشد. طنز تفکر بر انگیز است و ماهیتی پیچیده و چند لایه دارد و خنده را تنها وسیله برای نیل به هدفی برتر و آگاه کردن انسان به عمق رذالت ها می انگارد ناصر خسرو قبادیانی شاعر معروف سدهی چهارم شعر را وسیله ای برای بیان معتقدات دینی و اجتماعی می داند و جنبه ی پند و موعظه در سروده های او بر همه چیز غلبه دارد. وی در شعر خود با خشمی همراه با درد و ناراحتی از جهل و نادانی مردم و ستم امرا و ریاکاری فقها و علما انتقاد می کند و تیرهای انتقاد او در همه ی اشعارش به سوی جهل و ریا و ستم نشانه رفته است. ناصر خسرو در جریان این انتقادها گاه با زبانی تند و گزنده و گاهی با طنزی تلخ و تفکر برانگیز سخن می گوید و مردم را به بیداری دعوت می کند. شاعر گاه طنز را در جهت تبیین اندیشه های خود و انتقاد از مخالفان و دشمنان خویش به کار برده است و گاهی برای تلطیف فضای شعر و ترغیب خواننده به خواندن اشعار خود از طنز استفاده میکند. مهم ترین شیوه ی ناصر خسرو برای طنز گونه کردن سخن خود، تشبیه افراد مورد انتقاد به حیوانات است که از آن جمله می توان به بسامد بالای استفاده از نام حیواناتی مانند: خر، گاو، گرگ، مار و ... اشاره کرد. فیلسوف نابینای معرّه نیز در این باب شاعری چیره دست می باشد که راه را برای شاعران پس از خود در بسیاری از جنبه ها هموار نموده است. او با هدف قرار دادن ریا و دروغ و نفاق و شر و بدی مخاطبان را به حیوانات درنده و مار و افعی و نیز به ابلیس تشبیه می کند. این پژوهش بر پایه مکتب ادبیات تطبیقی فرانسه به این نتیجه می رسد که ناصر خسرو در بیان سخن خویش و طنزها و انتقادات اجتماعی دنباله رو و تحت تأثیر ابوالعلاء معری باشد.

کلیدواژه ها: طنز اجتماعی، نقد، ادبیات تطبیقی، ابوالعلاء معری، ناصر خسرو.

برخورد فرهنگ ها و شکست سمبل ها

دکتر خیرالله محمودی*

معصومه بخشی زاده*

نماد، مفهوم پویایی است که تحت تأثیر شرایط اجتماعی و فرهنگی، دچار تحول گردیده و معمولاً در شکلی نوین ظاهر می شود. عمده ترین تحولات نماد را می توان تحت عنوان "شکست سمبل ها" مورد بررسی قرار داد. در این فرآیند، به واسطه ی تغییر شرایط فرهنگی جامعه، نمادهای فرهنگ مغلوب، جای خود را به نمادهای فرهنگ غالب می دهند؛ به عنوان مثال، تحت تأثیر ورود افکار یزیدی به عرفان اسلامی، برخی از نمادها دچار تحول مذکور گردید؛ به این صورت که رنگ سیاه که پیش از این، نماد ظلمت بود، به عنوان نماد نور مطرح گردید. همچنین در اثر ورود عناصر عربی به زبان و ادبیات فارسی، نمادهای عربی جانشین نمادهای ایرانی گردید؛ بنابراین، شاهد به کار بردن سمبل های عدل عربی - اسلامی در ادب پارسی هستیم. این فرآیند که در بخش های گسترده ای از ادب پارسی و تحت تأثیر فرهنگ های بیشماری صورت پذیرفت، عامل به کارگیری برخی مصادیق در دو معنای متفاوت گردیده است که خود، عامل گسیختگی در کاربرد سمبل ها گردیده است؛ مثلاً عقل همچنان که در ادب پارسی، نماد نور است، در برخی متون نماد ظلمت نیز هست. ظاهراً این رویه، تحت تأثیر جدال فلاسفه و متکلمان، بر عقاید مسلمانان اثر گذاشت و عقل که در پیشینه ی فکری ایرانیان، سمبل نور نخستین بود، به عنوان نماد ظلمت معرفی گردید. در این پژوهش، ضمن بررسی موارد برخورد فرهنگ ها و اندیشه ها، به تأثیر این فرآیند بر سمبل های به کار رفته در زبان فارسی پرداخته می شود.

کلید واژه ها: نماد، برخورد فرهنگ ها، تحول نمادها، شکست سمبل ها.

* دانشیار بخش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سلمان فارسی.

* دانش آموخته ی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی.

حجاب نورانی در مثنوی معنوی

خیرالله محمودی

خدیدجه کیانی

در عرفان اسلامی، آنچه سالک باید در مسیر سیر و سلوک خود رفع کند، حجاب هایی است که به شکل های گوناگون سدّ راه او می شود و چون رفع این حجاب ها برای رسیدن به سر منزل مقصود لازم است، بیشتر عارفان در گفته ها و آثار خود به آن پرداخته و دیدگاه های خود را بیان کرده اند. مولوی نیز در مثنوی شریف و بی بدیل خویش، هر آنچه که مانع و سدّ سالک برای رسیدن به محبوب می شود، بر شمرده است. در این راستا علاوه بر امور مذموم و نکوهش شده مانند نفس، هستی، بی ادبی و... گاه به اعمال و صفاتی باز می خوریم که اگرچه نیکو و پسندیده هستند؛ اما از آنها به عنوان حجاب های نورانی بین بنده و حق یاد شده است. کوشش نگارنده این مقاله بر آن است که علاوه بر معرفی گونه های حجاب نورانی از قبیل عقل، علم، زهد، نماز، جهاد، دعا و... به صورت مستند و مستدل، به توضیح و تبیین دلایل مولوی بر حجاب شمردن این امور بپردازد.

کلیدواژه ها: تصوّف، عرفان، حجاب، حجاب نورانی، مولوی، مثنوی.

تأثیر بر مخاطب در شعر دفاع مقدس

صبورا محمودی

آثار ادبی و هنری، از نظرگاه نقد زیبایی شناختی، در سطوح متعدد موسیقی، انسجام، تفسیر و تأویل، تأثیرگذاری بر مخاطب و ... قابل تعمق و تأمل هستند. مسأله‌ی ادراک یا احساس مخاطب اثر هنری و تأثیر اثر بر او، از نکات مهم زیباشناختی آثار هنری، از جمله شعر، می باشد. یک اثر هنری زمانی ارزش می‌یابد که مورد توجه مخاطب قرار گرفته، پیام و آرمان آن به مخاطب منتقل شود. میزان تأثیرگذاری این آثار به عواملی نظیر تلاش ذهنی، بیان غیر مستقیم، موسیقی، نوع ارتباط گیری و ... بستگی دارد. شعر دفاع مقدس نیز با بهره گیری از این عوامل، برای انتقال پیام و تأثیر بر مخاطب کوشیده، به توفیقاتی دست یافته است. این پژوهش بر آن است میزان تأثیرگذاری سروده های سه شاعر مطرح و تأثیرگذار ادبیات انقلاب و پایداری، قیصر امین پور، سید حسن حسینی و علی رضا قزوه را بر مخاطب مورد سنجش و ارزیابی قرار دهد.

کلیدواژه ها: زیبایی شناختی، دفاع مقدس، تأثیرگذاری و التذاذ، تلاش ذهنی، بیان غیر مستقیم، موسیقی، ارتباط گیری.

بررسی اشعار نو و سنتی قیصر امین پور از دریچه ی ادبیات غنایی با تکیه بر دردروده های شاعر

علی محمد محمودی

دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی، گرایش غنایی دانشگاه اصفهان

فاطمه محمودی

دبیر زبان و ادبیات فارسی آموزش و پرورش اصفهان

زندهیاد قیصر امین پور از جمله شاعران سرشناس ادبیات معاصر است. این شاعر در جبهه ی اشعار انقلابی و ادبیات مقاومت، همردیف با شاعرانی چون سیدحسن حسینی و سلمان هراتی است. شاعری که به سنتهای ادبی وفادار است و دل به تجربه های تازه و نو هم می دهد و در دو دفتر شعر دستور زبان عشق و گلها همه آفتابگردانند، به نوآوری هایی دست می یازد. زبان اشعار مرحوم امین پور، رسا، ساده، پراحساس، بلیغ و شیواست. از آنجا که عاطفه و احساس یکی از ارکان شکل دهنده ی شعر است، شعر امین پور از این جنبه نیز سرشار است؛ احساسات رقیقی چون غم و اندوه، بیان دردهای نهفتنی و نگفتنی، حیرتهای زلال، گریه های لال و بغض های کال که صفحه به صفحه اشعار امین پور را دربر گرفته است. در این مقاله سعی شده است که اشعار غمگانه و دردواره ای و تاثیرگذار بر خواننده ی اشعار این شاعر فقید را از منظر ادبیات غنایی و همچنین مضامین رماتیک بررسی نمائیم.

کلیدواژه ها: اشعار امین پور، ادبیات معاصر، مضامین غنایی و رماتیک

نقبی به دنیای سوررئالیستی بوف کور

دکتر علیرضا محمودی

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زابل

از مهمترین ویژگی های بوف کور صادق هدایت، ابهام های حاکم بر ساختار و محتوای آن است. وجود چنین ابهام هایی منجر به قضاوت ها و تفسیرهای فراوان و در عین حال متفاوتی در باره این اثر و نویسنده آن شده است. از جمله این ابهام ها می توان به ابهام در نوع سبک ادبی بوف کور اشاره کرد. در این موضوع که این اثر، رئالیستی، رمانتیک، سمبولیستی، سوررئالیستی و یا ترکیبی از بعضی یا همه این مکاتب است، در بین منتقدان و سخن سنجان اختلاف نظر وجود دارد. از این رو در این مقاله تلاش گردیده تا به روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از مبانی نظری و معرفتی مکتب سوررئالیسم، به بررسی ویژگی های سوررئالیستی بوف کور هدایت پرداخته شود. از جمله مبانی مکتب سوررئالیسم که در بررسی بوف کور مد نظر قرار گرفته، می توان به مبانی نظری شامل: واقعیت برتر، نقطه علیا، امر شگفت، زیبایی تشنج آور، تضاد، و ضمیر ناخودآگاه اشاره کرد. علاوه بر این موارد عشق، خواب و رؤیا، جذب و جنون و تخدیر، و لحظه روانی از مبانی معرفتی مکتب سوررئالیسم در بررسی این اثر می باشند. نتیجه این پژوهش نشان از آن دارد که گرچه وجود ویژگی های سایر مکاتب ادبی در بوف کور مشهود است، اما جنبه سوررئالیستی در آن نمود بیشتری دارد. بی شک پایبندی هدایت به مبانی مکتب سوررئالیست نقش مهمی را در این امر داشته است. همچنین مشخص گردید که وجود ابهام های سوررئالیستی در بوف کور هدایت نه تنها عیب شمرده نشده، بلکه در شهرت، تکثر و ماندگاری این اثر نقش مهمی را ایفا نموده اند.

کلیدواژه ها: بوف کور، صادق هدایت، سوررئالیسم، مبانی نظری و معرفتی.

تحلیل گفتمانی قصه ی ای شب نیما

بهروز رومیانی

فرهاد میرزایی

سخن کاوی یا تحلیل گفتمان نوعی مطالعه ی میان رشته ای است که به تجزیه و تحلیل کلام می پردازد در این مقاله شعر(ای شب) نیما با این نگاه بررسی شده است که نشان داده شود تحلیل گفتمانی می تواند منجر به خوانش عمیق آثار ادبی شود. برای رسیدن به این هدف با بررسی دقیق بسامدی واژگان و رسم جدول هایی به توصیف و تفسیر ساخت متنی، اندیشگانی و بینا فردی این شعر پرداخته شده است و در پایان می کوشد تا نشان دهد که بر این شعر فضای غم و حزن حاکم است و ساختار روایی آن از مهمترین عوامل انسجام آن به شمار می رود. واژگان به کار رفته نیز گویای بدبینی شاعر نسبت به روزگار است فرایندهای فعلی شعر نیز شامل نفرت و دل زدگی اند، نشانی از بدبینی و نفرت شاعر به زمانه است و ساخت و جهی شعر نیما، از اعتقاد عمیق او به سخنانش و قطعیت کلام او حکایت می کند این گونه سخن گفتن بر میزان اثر گذاری کلام می افزاید

کلیدواژه ها: تحلیل گفتمان، نیما، ای شب.

بررسی مجموعه داستان «قصه های قبل از غذا» از دیدگاه گفتمان انتقادی

معصومه محمودی

دانش آموخته‌ی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی

دکتر زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی زاهدان

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

روش گفتمان انتقادی از جمله رهیافت‌هایی است که پس از انقلاب پسا ساخت‌گرایی، به حوزه‌های نقد ادبی معاصر راه یافته است. این شیوه در پی بررسی ساز و کارهای قدرتی است که گونه‌ای خاص از ارتباط اجتماعی و شیوه‌ی اندیشیدن را پدید می‌آورد. ادبیات به عنوان بخشی از گفتمان و فرهنگ جامعه، به گونه‌ای ناخودآگاه، حقایقی را باز می‌نماید و می‌توان با این نگاه آن را بررسی و تحلیل کرد. بی‌گمان در این میان، ادبیات کودک اهمیت ویژه‌ای در نظام آموزشی جامعه دارد و به طور غیر مستقیم ایدئولوژی برآمده از اندیشه‌های سنتی و اسطوره‌ای را باز تولید می‌کند. نگارنده در این مقاله کوشیده است با بررسی مجموعه داستان «قصه‌های قبل از غذا» از فریبا کلهر، بر اساس روش نورمن فرکلایف، ضمن تحلیل ایدئولوژی حاکم بر ساختار داستان‌ها و بازتولید یا به چالش کشیده شدن آن‌ها در این داستان‌ها، نشان‌دهد که چگونه نویسندگان داستان‌های این مجموعه گاهی در کنار پذیرش قدرت‌های برآمده از سنت‌های اجتماعی، با بهره‌گیری از عنصر طنز، ایدئولوژی حاکم بر متن را به چالش کشیده است.

کلیدواژه‌ها: گفتمان انتقادی، ادبیات کودک، قصه‌های قبل از غذا، فریبا کلهر، قدرت.

بررسی سیر روایت در رمان (سووشون) سیمین دانشور

محمدعلی محمودی

دانشیار گروه زبان و ادبیات دانشگاه سیستان و بلوچستان

فرهاد میرزایی

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

سیمین دانشور یکی از چهره های مطرح داستان نویسی ایران در عصر حاضر است. جایگاه ویژه دانشور در حوزه ادبیات داستانی، پیشگامی وی در عرصه ی ادبیات زنان و سهمی که وی در ارتقا سطوح مختلف این دو حوزه داشته است، پژوهش در جوانب گوناگون آثار وی را الزام می کند. بررسی عنصر روایت در رمان ((سووشون)) نشان می دهد که یکی از مهمترین عوامل توفیق او در این داستان استفاده ی سنجیده و هوشمندانه از تکنیک های مناسب روایت و چرخش معنی دار و هدفمند زاویه دید است. در این مقاله تلاش خواهیم کرد تا با بررسی سیر روایت در رمان ((سووشون))، نقش تکنیک های روایت در پیشبرد موفق داستان و دلایل انتخاب هریک از این شگردها و چرخش های زاویه دید را مورد بحث قرار دهیم

کلیدواژه ها: سیمین دانشور، روایت، زاویه دید، راوی دانای کل، تک گویی.

بررسی و تحلیل مؤلفه‌های داستان پست‌مدرن در دو داستان «از چشم‌های شما می‌ترسم» و «از بین دو پنجره»

معصومه محمودی

دانش‌آموخته‌ی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی

هرچند در آغاز داستان‌نویسی نوین در ایران حضور زنان چندان پررنگ نبود، اما با گذشت زمان، زنان نیز به این حوزه وارد و با سیر جریان‌های داستان‌نویسی همراه شدند. در روند رو به رشد حضور این نویسندگان، دهه‌ی هفتاد، به ویژه نیمه‌ی دوم این دهه را باید یکی از مهم‌ترین دوره‌های داستان‌نویسی آنان قلمداد کرد؛ دوره‌ای که همراه با افزایش تعداد نویسندگان، تنوع موضوعات و درونمایه‌ها را نیز در پی داشت. یکی از ویژگی‌های این دوره خلق داستان‌های پست‌مدرن و شبه پست‌مدرن در ایران است که زنان داستان‌نویس نیز در آن حضور قابل توجهی دارند. فرخنده حاجی‌زاده و میترا داور دو تن از نویسندگان صاحب سبک در این مقطع تاریخی هستند. این مقاله به بررسی و تحلیل دو داستان از این دو نویسنده می‌پردازد. در این مقاله پس از مقدمه‌ای درباره‌ی چرایی و چگونگی پیدایش داستان پست‌مدرن در مغرب زمین و اشاره‌ای به جریان پست‌مدرن در داستان‌های زنان نویسنده و برشمردن مهمترین ویژگی‌های داستان‌هایی از این دست، دو داستان «از چشم‌های شما می‌ترسم» و «از بین دو پنجره» مورد بررسی قرار گرفته و با ارجاع به متن داستان‌ها، شاخصه‌های پست‌مدرنیسم در آن‌ها واکاوی شده است.

کلیدواژه‌ها: داستان پست‌مدرن، از چشم‌های شما می‌ترسم، از بین دو پنجره، فرخنده حاجی‌زاده، میترا داور.

گوش گزی

شهین مختاری جزی

دبیر و فوق لیسانس زبان و ادبیات فارسی ازدانشگاه آزاد واحد کاشان

گوش گزی یکی از گوش های ایران به شمار می آید که بخش وسیعی از نواحی مرکزی ایران ر
 اتحت پوشش محاوره ای خود داشته است ولی امروز به علت اینکه تحت تاثیر زبان فارسی قرار گرفته
 است به فراموشی گراییده است و تنها در بعضی مناطق از جمله گز برخوار که قدمت آن به قبل از اسلام
 می رسد توانسته است اصالت خود را حفظ کند. در حال حاضر این گوش یک گوش ایرانی واصل
 محسوب می شود و از نظر کتابت بدون خط و از الفبای فارسی و عرب و اعراب آن ها استفاده می نموده
 و می کند و به علت تشابهاتی که در بعضی واژه ها با گوش آلمانی و بعضی نواحی اروپا و حتی یونان
 داشته مورد تحقیق و بررسی فرهنگ شناسان و متخصصین آلمانی نظیر ویلهلم ایسلر قرار گرفته است. در
 این مقاله ابتدا در مورد گز و سپس گوش گزی و برخی از ویژگی های دستوری آن اشاراتی شده است
 و در پایان تعدادی از ضرب المثل ها و کنایات و اشعار سروده شده توسط شاعر محلی سرای گزی به نام
 درویش عباس گزی آورده شده است. درویش از شاعران اواخر دوره ی قاجار می باشد که با خلق
 اثر ارزشمند خود به گوش محلی گزی که شامل قصاید و غزلیات و مثنوی هامی باشد توانسته است گامی
 بزرگ در زنده نگه داشتن زبان محلی خویش که ریشه در زبان فارسی باستان دارد را بردارد

کلید واژه ها: گوش گزی، گز، مرکز ایران، زبان محلی، درویش عباس گزی.

بررسی تطبیقی سیمای حضرت فاطمه(س) در آینه شعر دعبل خزاعی و ناصر خسرو

قاسم مختاری

شهلا جعفری

حضرت فاطمه(س) آینه تمام نمای فداکاری، عصمت، دفاع از حریم ولایت و دهها سجایای انسانی است. آن بانو، اقیانوسی است که هر یک از شاعران به گنجایش خویش با شعرهای خود در وصف آن دُرْدانه‌ی پیامبر در ساحل این اقیانوس بیکران قدم می‌زنند. چه بسیار شاعرانی که هنر خویش را در وصف آن خاتون آب و آینه، جاودان ساخته‌اند؛ اما بی‌شک آنها کجا و ژرفای بی‌انتهای حضرت زهرا(س) کجا؟ اگر چه سخن گفتن از شخصیت و سیمای بی‌نظیر ودیعه رسول اعظم(ص)، حضرت فاطمه(س) سخت و دشوار است؛ اما برای اظهار محبت و ابراز عشق به این یادگار پیامبر(ص)، شاعران فارسی و عربی در آثار خود از یکدیگر پیشی جسته و هر کدام به نحوی شاهکارهایی آفریدند که از هر نظر حائز اهمیت است. شعرای مشهور و متعهد شیعه عرب نیز در ستایش آن بانو، اشعار فراوانی دارند که از جمله برجسته‌ترین آنها، دعبل خزاعی است که در اشعارش به منقبت حضرت فاطمه (س) پرداخته است. ادبیات فارسی نیز که ریشه در تعالیم عالیه اسلام دارد و با روح خداجو و اهل بیت دوست شاعران آن، عجین است، در این زمینه پربار می‌باشد و ناصر خسرو یکی از این شاعران است که پس از آن که به مذهب تشیع در آمد، یکی از مضامین اصلی شعرش را ستایش آن خاندان، به ویژه حضرت فاطمه(س) قرار داد. شفاعت آن بانو در قیامت و مظلومیتش در دنیا، در شعر او بازتاب ویژه‌ای دارد.

کلیدواژه‌ها: فاطمه زهرا(س)، شعر فارسی، شعر عربی، ناصر و خسرو، دعبل خزاعی.

جلوه‌های وطن‌پرستی در اشعار فرخی یزدی و ابراهیم طوقان

دکتر قاسم مختاری

شهلا جعفری

ایران و فلسطین در طول تاریخ پر فراز و نشیب خود، درگیر حوادث بسیاری بوده‌اند؛ این امر سبب شعله‌ور شدن حس میهن‌پرستی و دفاع از ملیت در میان برخی از شاعران ادب فارسی و عربی شده است. از میان این شاعران، نام فرخی یزدی و ابراهیم طوقان بر تارک ادبیات فارسی و عربی می‌درخشد. این دو شاعر تلاش کردند تا قلم خود را در خدمت وطن و جامعه‌ی خویش به کار گیرند و مفهوم وطن‌دوستی را در گستره‌ی اشعار خویش رایج سازند. عشق به وطن، محور اصلی و هسته‌ی مرکزی اشعار آن‌ها را تشکیل می‌دهد؛ به گونه‌ای که شاید بتوان آن‌ها را «شاعران وطن» به شمار آورد. اشاره به اقتدار و عزت گذشته‌ی وطن و یادآوری سلسله‌های پرشکوه، انتقاد از بیگانگان، انتقاد از مردم و رهبران سیاسی، دعوت به همبستگی و اتحاد و ... از مهم‌ترین مفاهیم مشترک وطن‌پرستی است که در اشعار این دو شاعر ملی‌گرا جلوه‌گر شده است که همه‌ی این موارد از دل‌بستگی و عشق آتشین آن‌ها به عزت وطن و استقرار آزادی حکایت می‌کند. فرخی و طوقان که دل‌نگران مام وطن خویش بودند، در جهت رهایی جامعه‌ی استبداد زده‌ی زمانشان از چنگال استعمار برآمدند و هموطنان را به بیداری فرا خواندند؛ بدین ترتیب با اشعار خود، روح وطن‌پرستی و پایداری را در کالبد مردم زمانه‌ی خویش زنده کردند.

کلیدواژه‌ها: عشق به وطن، ایران، فلسطین، طوقان، فرخی یزدی

بررسی تطبیقی عاشقانه های شاملو و آدونیس

دکتر قاسم مختاری

شهلا جعفری

احمد شاملو شاعر پرآوازه‌ی عرصه‌ی شعر معاصر فارسی و علی احمد سعید اسبر (آدونیس) شاعر نوگرای ادب عربی می‌باشند. عشق از درونمایه‌های اصلی اشعار آن هاست. این هر دو شاعر، یگانه سوار میدان واژه‌ها و تعبیرات اساسی هستند، عاشقانه به طبیعت نگریسته اند و سعی کرده اند در عرصه‌ی زبان شعری، همانند دیگر زمینه‌ها، ممتاز باشند. از آن جا که معشوق وسیله‌ای برای تحریک احساسات عاشقانه و بهانه‌ای برای زلال شدن روح شاعر است، بررسی عاشقانه‌های آنها با هدف تبیین نگاه این دو شاعر به معشوق، اهتمام اصلی نگارنده بوده است. هر چند شاید نتوان به صرف تحلیل و تفسیر محتوای اشعارشان به کنه ضمائر آن‌ها نسبت به معشوق پی برد، اما پرداختن به آن خالی از لطف نیست.

کلیدواژه‌ها: اجتماع، عشق، معشوق، شاملو، آدونیس.

نگاهی به کاربرد وجوه افعال در اشعار سلمان هراتی

دکتر فاطمه مدرسی

استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه

قاسم مهرآور گیگلو

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه

سلمان هراتی (۱۳۶۵-۱۳۳۸) یکی از شاعران متعهد صاحب سبک معاصر در حوزه ی ادبیات انقلاب اسلامی و پایداری است. شعر سلمان، شعری زلال و یکدست و در عین حال صادقانه و صمیمی است. زبان شعری سلمان زبان شعر انقلاب است، ساده و بی آرایش و دلنشین. اما اواز شیوه های مختلفی جهت ادبی شدن زبان خود بهره می‌برد و از جمله شگردهایی که سلمان برای ارتقای سطح عادی زبان شعری خویش به سطح ادبی به کار می‌گیرد، استفاده از وجوه مختلف فعل و نقش های متمایز وجوه افعال است. وجه فعل مقوله ای نحوی-معنایی است که نظر و دیدگاه گوینده را نسبت به محتوای آنچه می‌گوید نشان می‌دهد. در واقع وجه فعل صورتی از ساختار فعل است که آن را به اعتبار چگونگی بیان مفهوم آن که خبری را به طور قطعی برساند و یا وقوع کاری را با احتمال همراه نماید، یا امری بودن فعلی را برساند، از یکی از سه وجه اخباری یا التزامی یا امری به شمار می‌آورند. بنابراین در فارسی امروز سه وجه بیشتر وجود ندارد: اخباری، التزامی، امری. پژوهش حاضر برآن است، تا با روشی کیفی - کمی به بررسی کاربرد وجوه افعال در اشعار سلمان هراتی بپردازد تا نشان داده شود که سلمان برای شعریت بخشیدن به کلام خود تا چه حد و چگونه از آن بهره برده است. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد، که سلمان از برخی نقش های وجه التزامی چون نقش دعایی، نقش منظوری، نقش بایدی، میزان قطعیت و امکان انجام عمل و همچنین از نقش های وجه امری مانند وجه هشدار و وجه اجازه ای در سرایش اشعارش سود جسته است. اما با وجود این، کاربرد وجه اخباری در سرایش اشعارش سود جسته است. اما با وجود این کاربرد وجه اخباری در اشعار سلمان هراتی نسبت به وجه التزامی و امری بیشتر نیست.

کلیدواژه ها: وجه فعل، وجه اخباری، وجه امری. اشعار سلمان هراتی.

اشارات ادبی

دیوان حکیم ملا عبدالرزاق، فیاض لاهیجی

پژوهشگر: طاهره حسینی موحد

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

حکیم ملا عبدالرزاق لاهیجی (۱۰۷۲ - ۱۰۰۰) از فیلسوفان و متکلمان سرشناس امامیه در قرن یازدهم است. دیوان شعری که از وی به یادگار مانده است، مجموعه‌ای بی‌نظیر از وضعیت علمی، مذهبی، فرهنگی، تاریخی و اجتماعی عصر صفویه است. از جمله پژوهش‌هایی که درباره‌ی دیوان پربار این حکیم و شاعر فرزانه می‌توان انجام داد گردآوری اشارات ادبی است. مقاله‌ی حاضر کوشش می‌کند که ضمن معرفی فیاض لاهیجی و سبک شاعری وی، اشارات ادبی دیوان او را که به صورت موضوعی فراهم شده است بررسی و ارائه کند. دو نکته درباره‌ی اهمیت اشارات قابل ذکر است: یکی آن که درک اشارات به فهم ظرایف و دقایق به کار رفته در متون ادبی کمک می‌کند و دیگر آن که با تکیه بر اشارات می‌توان سیمای جامعه‌ی عصر شاعر را تجسم کرد و بر عقاید، باورها، سنن، علوم و فنون، زندگی اجتماعی و فرهنگی آن روزگار آگاهی یافت.

کلید واژه‌ها: فیاض، اشارات، سبک اصفهانی - هندی.

بررسی سبک شناسانه نثر مرصادالعباد

فاطمه مدرسی

قاسم مهرآور

مرصادالعباد از کتب مشهور عرفانی است که هم از لحاظ نثر شیوا و روان و هم از جهت محتوا قابل بررسی است. نجم رازی آنطور که خود در آغاز کتاب خویش یادآور شده این کتاب را به خواهش مریدان، نه تنها برای خواص بلکه برای استفاده همه طبقات مردم نگاشته است. تحریر کتاب در ربع اول قرن هفتم هجری که دوره اعتلای نثر فنی است صورت گرفته ولی در سبک به آثار سده ششم مانده است. انشای آن چون غالب آثار صوفیانه به نسبت ساده است ولی نثر کتاب یکدست نیست و به مقتضای موضوع، کاربرد صنایع لفظی کاستی و فزونی میگیرد. در این پژوهش سعی بر آن است که این نثر ارزنده را به لحاظ سبک شناسی در سه سطح زبانی، فکری و ادبی مورد بررسی و مذاقه قرار دهیم. فرآیند تحقیق نشان میدهد که در سطح زبانی صنعت سجع و جناس بیشترین کاربرد را داشته است. تفکر حاکم بر مرصاد، تفکر عرفان عاشقانه است از این روگاهی بر فیلسوفان به خاطر پیروی از عقل، انگشت نقد و ایراد مینهد. در سطح ادبی اگرچه انواع آرایه ها مورد استفاده نجم رازی بوده ولی بیشترین دلبستگی وی به کاربرد تشبیه است، آن هم از نوع اضافه تشبیهی که از بسامد قابل توجهی برخوردار است.

کلیدواژه ها : مرصادالعباد، سبک شناسی، زبان، فکر، ادبیّت.

کهن الگوی آرمانشهر در منطق الطیر عطار نیشابوری

فاطمه مدرّسی

استاد زبان و ادبیات فارسی

کبیر رسولی مقدم

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

کهن الگوها مفاهیم مشترک و جهانی هستند که از ابتدای تاریخ، از نیاکان بشر، نسل به نسل منتقل شده اند و در ژرفای ضمیرناخودآگاه جای گرفته اند. کارل گوستاو یونگ روانکاو، روانپزشک و فیلسوف شهیرسوئیسی، که در مورد کهن الگوها تحقیقات گسترده ای انجام داده است، مهمترین آن ها را سایه، پرسونا، خود، آنیما و آنیموس می داند. این صور مثالی برای رسیدن به مرزهای خودآگاه در نمادهای گوناگون جلوه گر می شوند و در شاهکارهای هنری نمود پیدا می کنند. یکی از کهن الگوهایی که در آثار ادبی نمود پیدا کرده، کهن الگوی آرمانشهر است. در آثار ادبی و هنری به این خاطر که نویسندگان و هنرمندان از ضمیرناخودآگاه کمک می گیرند، این کهن الگوها بهتر تجلی یافته اند. به اعتقاد یونگ خاستگاه آثار ادبی و هنری لایه های ژرف ضمیر ناخودآگاه است که منبع کشف و شهود و الهام شاعر و هنرمند است. در این تحقیق سعی بر آن است که کهن الگوی آرمانشهر در منطق الطیر عطار نیشابوری مورد بررسی قرار گیرد. عطار در منطق الطیر در صدد آن است که با پرورش قوای درونی افراد و همچنین بیان موانع تشکیل یک آرمانشهر، به طرح آرمانشهری که در ذهن دارد، جامه عمل بپوشاند تا بدین صورت جامعه خود را از ورطه انحطاط نجات دهد.

کلید واژه ها: کهن الگو، یونگ، آرمانشهر، عطار، منطق الطیر.

چشم انداز وصف طبیعت در «معلقات سبع» و «دیوان منوچهری»

نرگس مراد گنجه

دکتر محمد جواد زینلی

در این نوشتار سعی بر آن است که با بررسی و مقایسه توصیف طبیعت در آثار شاعران عصر جاهلی و منوچهری چگونگی نگاه هر یک به مناظر و عناصر طبیعت با در نظر گرفتن محیط اجتماعی و زندگی آنان؛ نشان داده شود. منوچهری در میان هم عصران خود به لطافت طبع، شیرینی و شیوایی سخن شهره است به طوری که دیوان او دفتر طبیعت و دیوان گل ها و پرندگان و جانوران و میوه ها و آهنگ ها و نغمه هاست. وصف در شعر عصر جاهلی؛ برخاسته از محیط شاعر است؛ او هر آنچه که در اطراف خود می بیند (هر چند تکراری هم باشد) با ذکر جزئیات توصیف می کند، از قبیل وصف اطلال دمن، کوه، صحرا، باد، رعد و برق، ابر، حیوانات و بویژه مرکب خود را که تمام ثروت او و بسان دوستی وفادار استدر ادامه وصف عناصر مشترکی از طبیعت (در آثار ذکر شده) مقایسه و سپس اموری از طبیعت که هر کدام از این شاعران بنا به علاقه و محیط زیست خود به آن پرداخته و توصیف کرده اند بررسی می شود و در آخر نتیجه گیری این بررسی آمده است.

کلیدواژه ها: معلقات سبع، عناصر طبیعی، منوچهری، شعر جاهلی.

بررسی انواع تلمیح در غزل های حسین منزوی

خدیجه مرادی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

یکی از امکاناتی که شاعر می تواند نقش خیال انگیزی را در شعر به کمال برساند، تلمیح است. حسین منزوی یکی از غزل پردازان معاصر است که در آثار خود از تلمیحات بهره ای فراوان برده و همین عامل نیز موجب غنای تصاویر تلمیحی در اشعار او شده است. این غزل سرا با استفاده از انواع تلمیح، تخیل شعری خود را وسعت داده است و دست به آفرینش معانی تازه ای زده است. این مقاله بر آن است تا انواع این تلمیحات را در غزل های این شاعر مورد بررسی قرار دهد.

کلید واژه ها: غزل معاصر، تلمیح، حسین منزوی.

مقایسه سبکی اقتفاهای وصال شیرازی از حافظ

دکتر غلامرضا مستعلی پارسا

دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی

سمیرا کرمی

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی

وصال شیرازی یکی از شاعران بنام دوره بازگشت ادبی است. وی در انواع شعر طبع آزمایی کرده و در غزل اغلب از شیوه سرآمدان غزل سرایی، سعدی و حافظ پیروی کرده است. بیشترین اقتفاهای وصال از حافظ شیرازی است. وصال دویست و شصت و دو غزل از حافظ اقتفا کرده و گاه در مقابل یک غزل حافظ، بیش از یک غزل سروده است. در این نگارش، بیست و پنج غزل که وصال به پیروی از حافظ سروده انتخاب و در سه سطح (زبانی، ادبی، فکری) بررسی سبکی شده است. به طور کلی در سطح زبانی، حافظ نسبت به وصال برتری نسبی دارد و اشعار او موسیقایی تر است. در سطح ادبی، حافظ از صنایعی مانند تناسب، ایهام، ایهام تناسب و استخدام بهره بیشتری گرفته است، ولی در کاربرد تضاد و پارادوکس وصال اندکی از حافظ پیشی گرفته است. در موارد بیانی، جز در مورد کنایه که تقریباً نزدیک به هم هستند، بسامد موارد دیگر (تشبیه، استعاره و مجاز) در غزلیات حافظ از وصال بیشتر است. اما تفاوت آشکار این دو، در سطح فکری است. در حالی که حافظ به معانی و اندیشه های والای عرفانی و بیان مسائل سیاسی و اجتماعی پرداخته است، عرفان وصال تنها تقلیدی صرف از اندیشه های حافظ است و اشعار او بازتاب وقایع و تحولات دوره او نیست.

کلیدواژه ها: وصال شیرازی. حافظ. غزل. سبک شناسی. اقتفا.

نگاهی تطبیقی به چندداستان ایرانی - اروپایی بامضامین مشترک

مسعود معتمدی

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان

بررسی تطبیقی چندداستان ایرانی و اروپایی باصورت و محتوای نزدیک به هم که عبارتند از سه داستان از (راغب اصفهانی، هارتمان فون آوه و سعدی) و چهار داستان از (کليلة و دمنه و لافونتن) و سه داستان دیگر از (عطار، بوکاچو و ایرج میرزا) با رعایت توالی زمانی در آنها.

کلید واژه ها : تطبیق ، داستان ، ایرانی - اروپایی.

ریخت‌شناسی منظومه‌ی حماسی فرامرز نامه

مرضیه مسیحی پور*

در سال ۱۹۱۴ ولادیمیر پراپ، ویکتور اشکولوفسکی و میخائیل باختین مکتب نوینی در مطالعات ادبی به وجود آوردند که بعدها فرمالیسم نامیده شد. پیش از پراپ، پژوهشگران ادبی قصه‌ها را به واسطه شخصیت‌ها یا محتوای قصه‌ها بررسی می‌کردند. پراپ معتقد به ساختی واحد برای تمام قصه‌ها بود که از طریق کارهای شخصیت‌ها قابل پیگیری است. در این مقاله سعی بر آن است که نمودار خویشکاری-های پراپ و روش ریخت‌شناسیک او در منظومه حماسی فرامرزنامه پیاده شود تا مشخص گردد نظریه پراپ تا چه اندازه بر این داستان انطباق دارد. بررسی و تجزیه و تحلیل این منظومه ما را به این نتیجه رسانده است که هرچند این منظومه را می‌توان با نمودار پراپ مورد بررسی قرار داد و توالی خویشکاری-های پیشنهادی وی را در آن مشاهده کرد؛ اما در این حماسه با کاهش معنادار خویشکاری‌ها، افزایش خویشکاری‌های جدید و نیز کاهش شخصیت‌ها از هفت تن به شش تن (عدم حضور شخصیت شیر) روبرو هستیم که خاص حماسه ایرانی است. حرکت‌های موجود در این اثر از نوع حرکت اول پراپ «بسط از طریق خویشکاری H-I (جنگ-کشمکش)» است.

کلیدواژه‌ها: فرامرزنامه، خویشکاری، ریخت‌شناسی، پراپ، حرکت.

بازتاب عناصر حماسی و عرفانی سید حسن حسینی

عطیه مشاهری فرد

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس

پیوند میان حماسه و عرفان یکی از ویژگی های شعر دفاع مقدس است و شعر های حماسی - عرفانی سید حسن حسینی از نمونه های زیبای این پیوند به شمار می رود . روحیه ی جهادی و حماسی با باورهای عرفانی هماهنگی و همسویی کامل دارد چرا که هر دو آدمی را به زندگی پاکتر و والاتر دعوت می کنند. جبهه های جنگ در نظر سید حسن حسینی مکانی برای هر دو جهاد اصغر و اکبر است . جهاد اصغر سازنده ی جدال رزمندگان با دشمن بعثی و جهاد اکبر مهیا کننده ی رویارویی آنان با "من" و "نفس" آنان است . بیشتر اشعار سید حسن حسینی اشعاری تشجیعی با روحیه حماسی و یا اشعاری عرفانی است که در آنها نیز عناصر حماسی در جهت نشان دادن نبرد مابین سالک و نفس حضوری فعال دارد و شاهر با استفاده از تمهیداتی به برجسته سازی این عناصر دست زده است . این جستار عناصر حماسی را در زوایای مختلف شعر سید حسن حسینی نمایش می دهد .

کلیدواژه ها: شعر جنگ ، سید حسن حسینی ، حماسه ، عرفان.

مقایسه تطبیقی میان سفرنامه های ناصر خسرو و ابن بطوطه با رویکرد ادبیات سفرنامه ای

عضو هیات علمی دانشگاه مازندران، دکتر حمیدرضا مشایخ

دانشجوی کارشناسی ارشد، سمیه یآوری

برای شناخت ابعاد گوناگون تاریخ و فرهنگ مسلمانان، از مراجعه به منابع فراوان چاره ای نیست. از میان این دست منابع سفرنامه هاست. سفرنامه ها نوعی گزارش است که نویسنده در قالب آن مشاهدات خود را از اوضاع شهرها و سرزمین هایی که بدان مسافرت کرده است شرح می دهد. سفرنامه ابن بطوطه و ناصر خسرو یکی از سفرنامه های قدیم ایران و عرب است که جزو ادبیات سفرنامه ای گماشته می شوند. این مقاله به معرفی سفرنامه ها می پردازد و می گوید: سفرنامه ها حاوی مطالب و اطلاعات مفیدی می باشند و می توان به عنوان یک منبع ارزشمند و مهم به شمار آورد. همچنین این مقاله به معرفی ابن بطوطه و ناصر خسرو می پردازد و از زندگانی، سال شمار، شخصیت، تألیفات آن دو سخن می گوید و به مقایسه دو اثر با یکدیگر پرداخته و درباره تأثیر آن دو بر ادبیات می نویسد. در پایان اشاره می شود که هر دو سفرنامه از لحاظ فرم و و شکل جزو سفرنامه های منثور و از لحاظ نوع و ژانر جزو سفرنامه های واقعی و از لحاظ انگیزه جزو سفرنامه های سیاحتی محسوب می شوند.

کلیدواژه ها: ادبیات، سفرنامه، ابن بطوطه، ناصر خسرو.

نکته ای در تصحیح فیه ما فیه

رحمان مشتاق مهر

استاد دانشگاه تربیت معلم آذربایجان

مولانا در میان بزرگان ادب فارسی، این بخت را داشت که نخستین مصححان آثارش، در روزگار خود شایسته ترین فرد ممکن برای این کار بودند و با تصحیح انتقادی آثار او فرصت را از دست متفنان و متن بازان گرفتند. نیکلسون با تصحیح مثنوی و شادروان فروزانفر با تصحیح فیه ما فیه و دیوان کبیر، حق بزرگی بر گردن مولانا دوستان و مولوی پژوهان نهادند. بعد از این تصحیحات، جز چاپ عکسی نسخه مثنوی مؤرخ ۶۷۷ و نسخه دیوان کبیر مؤرخ ۷۷۰ - ۷۶۸ موزه مولانا در قونیه، کار مهمی در عرصه تصحیح آثار مولانا صورت نگرفته است. وقتی شرح کریم زمانی بر فیه ما فیه را با نسخه استاد فروزانفر مقابله می کردم، به نکته ای برخوردیم که گمان می کنم یادآوری آن در فهم عباراتی از فیه ما فیه و تصحیح نهایی متن آن، سودمند باشد. متن فیه ما فیه در تصحیح فروزانفر چنین است:

محبّت در حقّ باری در همه عالم و خلایق از گبر و جهود و ترسا و جمله موجودات کامین است. کسی موجد خود را چون دوست ندارد؟ دوستی درو کامین است الا موانع آن را محجوب می‌دارد. چون موانع برخیزد، آن محبّت ظاهر گردد. چه جای موجودات که عدم در جوش است به توقع آنکه ایشان را موجود گرداند! عدمها همچنانکه چهار شخص پیش پادشاهی صف زده‌اند. هر یکی می خواهد و منتظر که پادشاه منصب را به وی مخصوص گرداند و هر یکی از دیگری شرمنده؛ زیرا توقع او منافی آن دیگر است پس عدمها چون از حق متوقع ایجادند صف زده که مرا هست کن و سبق ایجاد خود می خواهند از باری، پس از همدگر شرمنده‌اند. اکنون چون عدمها چنین باشند موجودات چون باشند؟ «و اِنْ مِنْ شَيْءٍ اِلَّا مُسَبِّحٌ بِحَمْدِهِ» عجب نیست این عجب است که «و اِنْ مِنْ لَاشَيْءٍ اِلَّا مُسَبِّحٌ بِحَمْدِهِ»؛ شعر: کفر و دین هر دودر رهت پویان / وحده لاشریک له گویان (مولانا ۱۳۶۳، فروزانفر ص ۲۰۶)

عبارتهای آخر در شرح زمانی بدین صورت آمده است: اکنون چون عدمها چنین باشند موجودات چون

باشند؟!

«و إن من شئء إلا یُسبِحُ بِحَمْدِهِ» عجب نیست، این عجب است که «وإن من شئء یُسبِحُ بِحَمْدِهِ». (مولانا ۱۳۹۰، زمانی ص ۵۴۵) وقتی اختلاف دو متن را دیدم، اگرچه احتمال دادم که تفاوت متن در «شرح زمانی» نتیجه خطای مطبعی باشد، به تعلیقات مراجعه کردم. فروزانفر تعلیقی نداشت و توضیح زمانی (...تعجب در این است که موجودات تسبیح خدا نگویند) با جریان متن تناسبی نداشت. بعد از دقت در متن دریافتم که صورت درست عبارات آخر چنین باید باشد: «وإن من شئء إلا یُسبِحُ بِحَمْدِهِ» عجب نیست، این عجب است که «وإن من لا شئء إلا یُسبِحُ بِحَمْدِهِ». یعنی تسبیح موجودات عجیب نیست بلکه تسبیح معدومها (که برای آمدن به عرضه وجود لحظه شماری می کنند) شگفت است. این نوع دستکاری هنرمندانه در متن آیه یا حدیث برای بیان نکته ای تازه و غریب در سبک مولانا سابقه دارد. این مقاله متضمن بحث در پشتوانه های قرائت پیشنهادی از نسخه های خطی معتبر فیه ما فیه و شواهد سبکی در آثار مولاناست.

کلید واژها: مولانا، فیه ما فیه، فروزانفر، تصحیح، نسخ خطی، کریم زمانی، توفیق سبحانی، سبک شناسی.

کاربست اشکال هنجارگریزی با تأکید بر آثار شاعران نوگرای معاصر

دکتر آرش مشفق

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب

نازیلا یخدانساز

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب

یکی از دستاوردهای مهم شعر امروز هنجارگریزی و انحراف از نُرم زبان معیار است و یکی از سرگدهایی است که شاعران نوگرای معاصر در موارد فراوانی از اشعار خود از آن بهره گرفته و بدین وسیله توانسته‌اند زیبایی کلام و زبان شعری‌شان را غنا و توسعه بخشند. زبان هنجارمند، اسباب برقراری ارتباط و انتقال پیام است و لزوم مابینت زبان ادبی و به ویژه شعر با آن نه تنها محل تردید نبوده بلکه در انگاره‌های صورت گرایانه درجه انحراف از معیار قراردادی و رایج، مبین بارز «ادبیت» شعر و همچنین قوت و زیبایی آن می‌باشد. نخستین گام رسمی برای استفاده از این شگرد در ایران، توسط «نیما یوشیج» برداشته شد و سپس به دنبال وی شاعران بزرگی مانند «احمد شاملو»، «سیمین بهبهانی»، «مهدی اخوان ثالث»، «سهراب سپهری»، «منوچهر آتشی»، «فروغ فرخزاد» و «محمد رضا شفیعی کدکنی» و... در این شیوه هنرنمایی کرده‌اند. لازم به ذکر است که هنجارگریزی، همیشه موجب برجسته سازی کلام نمی‌گردد و باید طوری در اثر گنجانده شود که موجبات مخالفت قیاس صرف و نحو را فراهم نکند. پژوهش حاضر ناظر به بررسی این مؤلفه و پردازش و طبقه بندی نموده‌های آن از جمله هنجارگریزی معنایی، هنجارگریزی واژگانی و هنجارگریزی نحوی، هنجارگریزی آوایی، هنجارگریزی سبکی، هنجارگریزی نوشتاری و هنجارگریزی گویشی می‌باشد.

کلید واژه‌ها: شعر معاصر، شاعران نوگرای معاصر، آشنایی زدایی، هنجارگریزی، برجسته سازی.

نوستالوژی شعر خاقانی

دکتر محمد امیر مشهدی

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی ، دانشگاه سیستان و بلوچستان

میثم سنجری بنستانی

دانشجوی کارشناسی ارشد ، رشته زبان و ادبیات فارسی

نوستالوژی به عنوان یکی از جنبه های روانی انسان در طبیعت آدمی نهفته است که به طور ناخودآگاه در شاعر نویسنده یانقاش و... بروز می کند و این یک احساس طبیعی و غریزی در میان انسانهاست. از جمله شاعرانی که نوستالوژی در شعرش به وضوح دیده می شود خاقانی شروانی است که در سراسر سخنان و اشعارش نوعی سرخوردگی زهرآلود پیداست و در جای جای اشعارش از یاد جوانی از دست دادن عزیزان و خانواده ، دوری از وطن ، وضعیت زندگی ، حسودان و... سخن به میان آورده است. در این مقاله کوشش شده است که ابتدا پیرامون واژه نوستالوژی و تاثیر آن بر ادبیات سخن گفته شود و سپس به بررسی زمینه های نوستالوژی خاقانی همراه با شواهدی از دیوان شعرش پردازیم .

کلید واژه ها: نوستالوژی ، خاقانی ، ادبیات ، روانشناسی.

بررسی سبک‌شناسی غزلیات دیوان افسر کرمانی

دکتر محمدا میر مشهدی

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

احسان خانی سومار

دانشجوی ارشد زبان و ادبیات فارسی

توجه افراطی برخی از شاعران سبک هندی به خیال‌بندی در شعر و تأکید شاعران این سبک بر مضمون‌آفرینی که لازمه‌ی آن توجیه و تجسم امور عقلی توسط امور حسی، که به نوعی ایجاد ارتباط و شباهت بین امری معقول (مشبه) و امری محسوس (مشبه‌به) بود موجب می‌شد تا شعر این دوره دچار پیچیدگی و ابهام گردد. در پایان حیات سبک هندی و در نقطه‌ی مقابل این سبک، شعر فارسی وارد مرحله‌ای شد که در دوره‌بندی شعر به سبک یا نهضت بازگشت ادبی معروف است. از مشخصه‌های اصلی شعر بازگشت ادبی تقلید از اسلوب شعری شاعران قدیم جهت پیرایش شعر از قید تعقید و بند نازک خیالی است. افسر کرمانی از شاعران معتدل (نیمه‌دوم) قرن سیزده و از موافقان نهضت ادبی بازگشت است. او در شعر پیرو اصول کهن شعر و بیش از دیگر قدا تحت تأثیر حافظ و سعدی است. این پژوهش به دنبال بررسی سبک‌شناسی دیوان افسر کرمانی در سه سطح زبانی، فکری و ادبی است. طبق بررسی‌های انجام شده زبان نرم و بدوراز تعقید افسر و درآمیختگی معشوق زمینی و آسمانی در چند غزل او و نیز توجه نسبتاً زیاد شاعر به صنایع ادبی از جمله استفاده از تشبیهات محسوس در جهت فهم آسان کلام، شعر او را تا حد زیادی به شعر سبک عراقی نزدیک می‌کند.

کلیدواژه ها: شعر فارسی، افسر کرمانی، سبک‌شناسی، زبانی، فکری، ادبی.

سیمای گلها در غزل ابن حسام خوسفی

دکتر محمد امیر مشهدی

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

مریم میری

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

در گذر از شاهراه ادب فارسی، با اندیشه های والا و ماندگاری مواجه می شویم که نه تنها روح و جانی تازه به ساحت فرهنگ و ادب کهن این سامان بخشیده اند، بلکه به مدد اعتقاد پاک و قریحه ی لطیف و نوجوی خویش، جلوه هایی ناب و شگفت، به سیمای ادبیات متعالی فارسی ارزانی داشته اند. مولانا محمد بن حسام خوسفی، شاعری است آئینی و از نخستین حماسه سازان عرصه ی دین و اعتقاد، که در قرن نهم می زیسته است. وی از بزرگترین پردازشگران شعر مذهبی است که در مضامین و قالبهای متنوع طبع آزمایی کرده است. از آن میان غزلیات نغز و دلکش اوست که حاوی زیباترین تصاویر و تعابیر خیال انگیز و شاعرانه است. حضور طبیعت در سخن ابن حسام بسیار پر رنگ و قابل توجه است. به ویژه سیمای گل، این شاه بیت غزل آفرینش که با طنازی و دلربایی در نازک خیالیهای شاعر می شکوفد و می تراود. نقاب سنبل، بنفشه ی سر درگریان، کلاه لاله که از نم باران بهره برده و البته چشم خمار نرگسهای دیار خوسف (زادگاه شاعر در خراسان جنوبی)، دم به دم الهام بخش اوست. گل، این عروس طبیعت گاه غنچه ی دل تنگ شاعر و گاه جلوه ای از عارض یار و زمانی حکایت خون جگر و داغ دلی است ناشی از جفا و هجران. در این پژوهش نگرشی به سیمای گلها و جایگاه خاص آن در غزل ابن حسام خوسفی، با توجه به نگاه منحصر به فرد و بدیع شاعر در این خصوص خواهیم داشت.

کلید واژه ها: شعر فارسی، سبک عراقی، غزل، ابن حسام خوسفی، گلها.

سهم علامه اقبال لاهوری در پیوند میان ایران و پاکستان و مسلمانان جهان

دکتر رضا مصطفوی سبزواری

استاد دانشگاه علامه طباطبائی

فرهنگ و تمدن چشمگیر ایران زمین و وجود دانشمندان و هنرمندان و از همه مهمتر شعر و ادب این سرزمین کهنسال سبب گردیده تا مشتاقان زیادی در سراسر جهان داشته باشد. دکتر محمد اقبال لاهوری شاعر شهیر و متفکر نامدار پاکستان یکی از آن گروه دوستداران ایران زمین بوده که جاذبه‌های علمی ایران او را به سوی خود کشانیده است؛ علامه اقبال اگرچه هرگز به ایران نیامده اما زبان فارسی را به نیکی فراگرفته و ادبیات غنی آنرا خوانده و سخت تحت تأثیر آن قرار گرفته است. او اگرچه بر همن زاده‌هندی بود، اما عاشق و دلباخته ایران شد و اگرچه زبان مادریش اردو بود ولی گفتار دری را «شیرین‌تر» می‌دانست و در شعرش سخت تأثیر شاعران ایران بود تا آنجا که گاه اشعار آنانرا نیز تضمین می‌کرد. علاوه بر تأثرات ادبی «تعقل فلسفی» ایرانیان را برجسته‌ترین امتیاز آنان می‌داشت و این عشق و علاقه او به ایران تابدان پایه بود که حتی موضوع پایان نامه خود را در دانشگاه مونیخ «سیر فلسفه در ایران» انتخاب کرد و به اخذ درجه دکتری نائل گشت. علامه اقبال برای وحدت مسلمانان تلاش بسیار کرد تا با شعار توحید، یک جامعه مسلمان و متحد اسلامی تشکیل دهند و قدرت مسلمان را در گرو وحدت آنان می‌دانست.

کلید واژه ها: علامه اقبال، ایران، شعر و ادب فارسی، وحدت اسلامی، فلسفه ایرانی.

روش شناسی ترجمه کنایه در ترجمه های معزی، آیتی، صفارزاده

سید محمد رضی مصطفوی نیا

عضو هیات علمی دانشگاه قم

مهدی شهیدی

عضو هیات علمی دانشگاه اصول دین

بی شک، قرآن کریم افزون بر این که یک کتاب مقدس دینی است که در مقام هدایت بشر و تشریح راه و روش زندگی برتر است تا آدمی را به سعادت دنیا و آخرت رهنمون سازد، یک شاهکار ادبی نیز هست که ضمن بهره گیری از فصیح ترین و بلیغ ترین اسلوب های بیانی عصر خود، این اسلوب ها را به کمال رسانده است. روشن است که فهم قرآن کریم و به عبارت دیگر فهم صحیح قرآن کریم در گرو آشنایی بهتر و بیشتر با اسلوب های ادبی رایج در عصر نزول است، یکی از اسلوب های ادبی که در قرآن به کار رفته است، اسلوب کنایه است. نظر به اهمیت این عنصر بیانی در قرآن کریم و جایگاه آن در شیوه ارائه مقصود، این پژوهش با عنوان بررسی ترجمه کنایه در ترجمه های قرآنی (معزی، آیتی و صفارزاده) تدوین شده است. در این نوشتار ضمن بیان روش ترجمه کنایه، مصادیق کنایه را از لابه لای کتب بلاغت و تفسیر استخراج نموده و در چالشی بی غرض به بررسی ترجمه تعبیر کنایی در ترجمه های این عزیزان پرداخته و نتایج حاصل از این پژوهش را در جداولی مخصوص ارائه نموده ایم. نتایج تحقیق (الف: در بسیاری از موارد مترجمان در انتقال ساز و کار بلاغی زبان مبدا به لحاظ ویژگیهای زبان هدف، ناتوانند. ب: کنایه در تمام زبانهای دنیا وجود دارد ولی کنایه های زبان عربی با کنایه های زبان فارسی عمدتاً مطابقت نمادین ندارند. بنابراین در صورت امکان، بهترین ترجمه برای تعبیر کنایی، ترجمه کنایی است تا ضمن انتقال تمام و کمال مفهوم مورد نظر به زبان مقصد دارای جاذبه های بلاغی نیز باشد. در غیر این صورت باید به ترجمه معنایی روی آورد و حتی الامکان از ترجمه تحت اللفظی اجتناب کرد. در همین راستا، تسلط و اشراف مترجم به بلاغت به عنوان یکی از علوم پیش نیاز ترجمه و آشنایی وی با فرهنگ زبان مبدا و زبان مقصد ضروری به نظر می رسد.

کلیدواژه ها: ترجمه، کنایه، معزی، آیتی، صفارزاده.

اهمیت حرکت ادبیات به سمت فلسفه یا بالعکس؟

زهرا مظفری

از بدو پیدایش و شکل گیری ادبیات و هنر در میان ملت‌های اولیه تا به امروز، این دغدغه مطرح بوده است که پیوند ادبیات با سایر نحله‌های فکری (و در قرن اخیر با رشته‌های نوپای علوم انسانی نظیر جامعه‌شناسی، روان‌کاوی، فلسفه، سیاست و مذهب) چگونه بوده است؟ برای نمونه شعر فارسی رابطه‌ی دیرین و مستحکم خود را با نهضت‌های عرفانی-تصوفی و گاه با نگرش‌های فلسفی همچون مشاء و اشراق، آشکار ساخته است. در ادامه‌ی این جریان، تأویل‌ها و تفسیرهای متفکرین گذشته و حال، از شعر و داستان کمتر ادبیات را به صورت آزاد رها ساخته است. اما نکته‌ای که امروزه در ادبیات فارسی وجود دارد و در راستای تعالی ادبیات می‌توان آن را یک دغدغه‌ی مهم انگاشت، این است که آیا ادبیات فارسی توانسته است که رابطه‌ای ولو اندک با اندیشه‌ی فلسفی و تفکر انتقادی (که نقطه‌ی عطف آن در آرای متفکران قرن بیستم متبلور شده) داشته باشد؟ یا همچنان به روابط زیرپوستی یا آشکار خود با نگرش‌های عرفانی در قالب رومانسیسم خام و احساس‌گری ادامه می‌دهد؟ برای پاسخ به این پرسش مقاله‌ی حاضر می‌کوشد ظرفیت‌های شعر فارسی را در جهت این تعامل بررسی نماید. اگر پاسخ، مثبت باشد، پرسش مهم دیگری نیز نباید بی‌جواب بماند. آیا شعر و در کل ادبیات فارسی همان طور که در بیشتر اوقات به استقبال و همراهی عرفان رفته است، می‌تواند به استقبال تفکر فلسفی و انتقادی گام بردارد یا این تفکر فلسفی است که باید ظرفیت‌های خود را به قصد پیوند با ادبیات بگشاید؟

کلیدواژه‌ها: شعر رمانتیک، فلسفه، منظر انتقادی، مدرنیسم، الگوی ادبی .

بررسی گونه های برجسته سازی قاعده افزایی در اشعار رحیم معینی کرمانشاهی

سولماز مظفری

برجسته سازی را نشانگر کاربرد نامتعارف یک رسانه و خودنمایی آن در مقابل پس زمینه ای از پاسخ های خودکار دانسته اند که « پلی میان عینیت نسبی توصیف زبان شناختی و ذهنیت نسبی داوری ادبی » برقرار می سازد، این قابلیت هنری که به صورت قاعده افزایی و قاعده گاهی نمود می یابد، مورد توجه بسیاری از خالقان آثار قرار می گیرد که می خواهند خودکاری زبان را با شگردهای برجسته سازی دگرگون سازند. یکی از این خالقان « رحیم معینی کرمانشاهی » است که این روند را در سروده های خود از جمله مجموعه ی « ای شمع ها بسوزید » اعمال نموده است. در این جستار سعی گردیده به برخی از شگردهای برجستگی زبان (Foregrounding Devices) در سروده های وی با توجه به مجموعه شعر « ای شمع ها بسوزید » اشاره شده، فرآیند گونه های برجسته سازی زبانی آن مورد واکاوی و بررسی قرار گیرد. امید که مورد قبول افتد.

کلید واژه ها: برجسته سازی، قاعده افزایی، رحیم معینی کرمانشاهی، شعر، ای شمع ها بسوزید.

در آمدی بر چند آرایه‌ی فرمالیستی در شعر بیدل دهلوی

حمیده مظفری

صائب کمالی ثابتی

نقد فرمالیستی (شکل‌گرایانه) یکی از رویکردهای نوین در قرن گذشته به آثار ادبی بوده است که در آن اهتمام زیادی به بررسی شگردهای زبانی در متون می‌شد. نحوه‌های بررسی فرمالیستی نه تنها ویژه‌ی متون جدید نبوده است، بلکه به عقیده‌ی بسیاری از مبتدعان فرمالیسم، در رویکرد به متون گذشته است که آرایه‌ها و شگردهای فرمالیستی شکل ابتدایی و اصلی خود را بروز می‌دهند. در این مقاله به پیگیری و شناسایی برخی از آرایه‌ها (صناعات) مورد نظر فرمالیسم در غزل‌های "بیدل دهلوی" پرداخته شده است. با توضیحی مقدماتی درباره‌ی تاریخچه‌ی فرمالیسم، آرای ادبی این منظر، مختصات سبک هندی و جایگاه شعر بیدل در میان شعرای این مکتب و نیز مسائلی درباره‌ی واجد اهمیت بودن شعر بیدل به منظور بررسی فرمالیستی ذکر می‌شود. ارتباط آرای فرمالیست‌ها با زیبایی‌شناسی سنتی (بدیع)، به پیوند زدن توضیحات اولیه با تنه‌ی اصلی مقاله کمک می‌کند. در این مقاله سعی بر این بوده است که از این‌همانی کردن مطلق بدیع سنتی با آرای فرمالیسم اجتناب شود و تنها رویکرد به نقاط تلاقی آنها مورد تحلیل قرار گیرد. مقاله در ادامه به برخی ساز و کارهای فرمالیستی در غزل‌های بیدل پرداخته و در این راستا، تکامل و برجسته شدن تمهیداتی که فرمالیسم آنها را جوهر ادبیت متن می‌داند، نسبت به دیگر شاعران سبک هندی (اصفهانی) نشان می‌دهد. آشنایی‌زدایی، پارادوکس، برجسته‌سازی و چرخش‌های استعاره‌ای از این موارد هستند.

کلیدواژه‌ها: فرمالیسم، سبک هندی، بیدل دهلوی، استعاره، آشنایی‌زدایی، برجسته‌سازی، پارادوکس.

پژوهشی درباره‌ی سنت داستان نویسی در ایران

حمیده مظفری

صائب کمالی ثابتی

مقاله‌ی حاضر بر آن است که طی یک فرآیند منسجم سنت داستان نویسی را در ادبیات ایران واکاوی نماید. بدین منظور ابتدا نیاز است تا مختصراً ماهیت آنچه سنت داستان یا رمان می‌نامیم، تشریح گردد. پس از نیل به این مقصود، مسئله‌ی مهم این است که نقد و نظر برخی از صاحب‌نظران ادبیات و فلسفه را در ایران که با دلایل مهمی معتقدند ادبیات فارسی، فاقد سنت منسجم داستان و رمان نویسی است، بررسی نماییم. پرسش اینجاست که آیا این فقدان (البته در صورت اثبات) همواره باقی خواهد ماند یا می‌توان از راه‌هایی نظیر رویکرد بیشتر به ترجمه، تقلید، انضمامی سازی و نیز بررسی بیشتر درباره‌ی نقاط عطف و محوری قسمتی از ادبیات جهانی که دارای منابع وسیعی از سنت رمان نویسی هستند، قدمی به سمت ایجاد سنت داستانی برداشت؟ برای اهتمام هر چه بیشتر پیرامون این موضوع، نظر داشتن به تلاش‌های آغازین ادبیات فارسی در اشکال کلاسیک و جدید آن در باب داستان، بسیار ضروری است. این موارد تاریخی شاید بالقوه می‌توانستند که این سنت را از آنچه امروزه باقی مانده است، رونق بیشتری ببخشند. پس ضروری است که به نقاط گسست یا عقب‌گرد و نیز ارتباط تفکر تاریخی و گفتمان حاکم بر آن، با ادبیات فارسی و خصوصاً نثر نگاری آن نظری دقیق معطوف گردد. متن حاضر، می‌کوشد اولاً آسیب‌ها و ثانیاً راهکارها و پیشنهادها را در این ساحت ارائه نماید.

کلید واژه‌ها: سنت داستان، رمان، روایت، تصویر ادبی، تخیل.

زبان شعر، اصول و لوازم آن

علیرضا مظفری

با وجود آنکه زبان شعر از مدتها قبل مورد توجه نظریه پردازان ادبی و زبان‌شناسان قرار گرفته است اما به نظر می‌رسد که هنوز می‌توان نکته‌های ناگفته‌ای در این خصوص مطرح نمود یا دست کم گفته‌های گذشتگان را از منظری تازه تر مورد مذاقه قرار داد. آنچه در این مقاله مورد بحث قرار خواهد گرفت نحوه جریان زبان شعر از ذهن شاعر و رابطه‌ای است که زبان شعر با واقعیت یا حقایق بیرون از ذهن شاعر دارد. بر اساس یافته‌های نویسنده مقاله باید به تفاوتی اساسی میان ذهن شاعر و غیر شاعر باور داشت. این تفاوت اساسی در نحوه چیدمان بخشهای مختلف از ذهن آنهاست و درست همین تفاوت ذهنی سبب تمایز شاعر از غیر شاعر می‌گردد. در ذهن غیر شاعر از جمله دانشمندان علوم عقلی محل ذخیره معانی و صور مقدم بر جایگاه زبانی آنهاست و همین امر سبب می‌شود که غیر شاعر اول به درکی از معانی و صور دست می‌یابد و سپس آنها را بوسیله ساختارهای زبانی خود به عین منتقل می‌کند؛ یعنی زبان برای این گروه حکم وسیله و ابزاری برای بیان صور و معنی مدرک می‌یابد اما چون در ذهن شاعران جایگاه زبان مقدم بر جایگاه ذخیره معانی و صور است شاعران ابتدا زبان خود را به فعلیت در می‌آورند و سپس معانی و صور با آن همراهی می‌کند. دقیق تر بگوییم رابطه زبان با صور و معانی ذهن شاعر، درست مانند رابطه رود و خس و خاشاکی است که به لحاظ قرار گرفتن در مسیر رود با آن همراهی می‌کند؛ همین ویژگی ذهنی است که زبان را برای شاعران نه ابزار و محکوم بلکه حاکم و غایت قرار داده است. ویژگی مهم زبان شعر و تفاوت آن با زبان علم آن است که زبان علم در پی خلق عین حقیقت با وضوح در روابط نامرئی آنهاست در حالی که زبان شعر - و با توسع زبان هنر - می‌کوشد المثنای حقایق را براساس قاعده‌های ادراکی خود یاز آفرینی کند و این ویژگی همان است که ارسطو در رساله فن شعر از آن با عنوان خاصیت «حقیقت نمایی» سخن گفته است.

کلیدواژه: زبان، شعر، صور و معانی.

آفرین و نفرین در اساطیرهند

فرزانه مظفریان

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزآباد، گروه زبان و ادبیات

فارسی، فیروزآباد، ایران

اسطوره، بیانی نمادین از تجربیات انسانی است. در واقع نشان دهنده ی ارزش های روحانی جامعه است. ازین رو هر جامعه ای اسطوره های خاص خود را دارد که نشان گر ارزش های فرهنگی و روحانی قوم مورد نظر است. سرزمین پر رمز و راز هندوستان، گستره ی اسطوره هاست که با توجه به شرایط جغرافیایی و طبیعت خاص این سرزمین سرشار از فلسفه های عمیق کیهان شناختی است. وبزرگی خاص و قابل توجه در این داستان های اسطوره ای حضور پر رنگ آفرین و نفرین است. نفرین از مقولاتی است که به تمام طبقات جامعه مربوط می شود و بی توجه به شخص نفرین کننده ، مورد پذیرش نیز قرار می گیرد اما آفرین خاص برهمنان و خدایان است نوشتار حاضر به بررسی و تحلیل این دو مقوله در داستان های هندوان بویژه دو حماسه ی سترگ مهابهارات و رامایانا می پردازد.

کلیدواژه ها: اسطوره، مذهب، نفرین، آفرین، برهمن.

الهام‌پذیری شاعران معاصر از اسطوره «سیزیف»

(مطالعه مورد پژوهانه؛ مهدی اخوان ثالث – عبد الوهاب بیاتی)

دکتر یحیی معروف دانشیار گروه عربی دانشگاه رازی کرمانشاه

پیمان صالحی دانشجوی دکترای زبان و ادبیات عرب دانشگاه رازی

یکی از مهمترین منابع الهام‌بخش شاعران معاصر فارسی و عربی «اسطوره سیزیف» است. در افسانه‌های یونان باستان؛ چنین آمده که «سیزیف» به خاطر سرپیچی و مخالفت با خدایان، محکوم شد و مجازات او این بود که سنگ بزرگی را از شیب تند کوهی تا قلّه آن بغلتاند و آنجا به حکم سرنوشتی محتوم، سنگ از دستش رها شده و برای همیشه مجبور به تکرار آن گردد. اما خوانش متفاوت ادیبان، از این اسطوره و زاویه دید فلسفی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آنان؛ باعث الهام‌پذیریهای گوناگونی از آن شده است. این پژوهش، از میان شاعران معاصر که خوانش سیاسی از این اسطوره داشته‌اند، مهدی اخوان ثالث؛ شاعر برجسته ایرانی، و عبد الوهاب بیاتی؛ شاعر نامدار عراقی را مورد بررسی و تحلیل قرار داده است، و در پی آن است تا پاسخگوی مسائل زیر باشد: ۱- چرا اخوان ثالث و بیاتی از این اسطوره، خوانش سیاسی داشته‌اند؟ ۲- این دو شاعر، برای بیان اهداف خویش، این اسطوره را با چه عناصر دیگری همراه کرده‌اند؟ ۳- آیا این دو شاعر در کاربرد سیاسی خود از این اسطوره، از یکدیگر متأثر شده‌اند؟

کلیدواژه‌ها: مهدی اخوان ثالث، عبد الوهاب بیاتی، اسطوره سیزیف، شعر معاصر، الهام‌پذیری، خوانش سیاسی.

«مضامین مشترک در اشعار خیام نیشابوری و ابراهیم ناجی»

حدیث تنگ‌سیاب مسکن

کارشناس ارشد دانشگاه رازی کرمانشاه

دکتر یحیی معروف

دانشیار گروه عربی دانشگاه رازی کرمانشاه

حکیم خیام نیشابوری از چهره‌های برجسته ادبیات فارسی است که آثارش در خارج از مرزهای ایران مورد توجه قرار گرفته است. ابراهیم ناجی شاعر معاصر عرب بخشی از اشعار خود-رباعیات- را با تأثیر پذیری از رباعیات خیام سروده است. در پژوهش پیش رو به بررسی تطبیقی مفاهیم مرگ، شک و بدبینی و غم و اندوه در اشعار شاعر پارسی‌گوی عمر خیام نیشابوری و ابراهیم ناجی شاعر عرب، و همچنین به تأثیر رباعیات خیام بر ابراهیم ناجی پرداخته شده است. در این گفتار ضمن آنکه شرح مختصری درباره زندگی و آثار دو شاعر ذکر شده، در این مقاله تلاش بر آن است تا به سوالات زیر پاسخ داده شود:

۱- آیا مضامین مشترکی بین اشعار ابراهیم ناجی و خیام وجود دارد؟ ۲- آیا اشعار ابراهیم ناجی می‌تواند متأثر از رباعیات خیام باشد؟

کلید واژه ها: مرگ، بدبینی، اندوه، خیام نیشابوری، ابراهیم ناجی.

«بررسی تطبیقی واژه شب در اشعار اخوان ثالث و نازک الملائکه»

دکتر یحیی معروف

دانشیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه رازی کرمانشاه

گولاله امیرخانی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات عرب دانشگاه رازی کرمانشاه

شاعران و نویسندگان برای بیان مقاصد از زیباترین تکنیک‌ها و روش‌های هنری متناسب بهره می‌گیرند، در این میان، شاعران دستاویزی زیباتر از واژگان نمی‌یابند تا باورهای فکری و دغدغه‌های درونی و اجتماعی خود را بر آن منطبق سازند. هر چند ممکن است واژگانی که به کار می‌برند بارها توسط شاعران دیگر به کار برده شده باشد اما با فن هنری معنایی جدید به آن بخشیده و مقصود و نگاه خود را بیان می‌کنند. واژه شب نیز از معدود واژگانی است که با وجود کاربرد بالا و متفاوتی که در میان شاعران قدیم - که آن را در معنای حقیقی بکار برده اند و دنیای جدید آن را در معنای نمادین به خدمت گرفته‌اند - داشته هر بار، بار معنایی جدید و زیبایی خود را حفظ کرده است. این واژه در شعر اخوان در ابتدا مفهومی رمانتیک داشت، اما به تدریج رنگ سیاسی و اجتماعی به خود گرفت و نمادی برای بیان جهل، استبداد و خفقان جامعه شد. از سوی دیگر همین واژه نزد شاعر نوگرای عراقی نازک الملائکه کاربردی متفاوت به خود گرفت و شب به عنوان پناهگاهی امن برای روح حیران شاعر باقی ماند به گونه‌ای که تا آخر عمر شاعر، رنگ و مفهوم فردی و رمانتیک خود را حفظ می‌کند.

کلید واژه ها: اخوان، نازک الملائکه، شعر معاصر، شب، حزن، رمانتیک.

«آرمان خواهی اخوان ثالث و اَمَل دُنُقُل در آینه اسطوره‌ها»

دکتر یحیی معروف

دانشیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه رازی کرمانشاه

سمیره خسروی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات عرب دانشگاه رازی کرمانشاه

حضور تنگاتنگ اسطوره‌ها در شعر و آمیخته شدن آنها با نوعی لحن حماسی، بیانگر آرمان خواهی شاعرانی است که اسطوره را وسیله‌ای برای بازتاب رؤیاهای جمعی جامعه خود قرار داده‌اند. اخوان ثالث و امل دنقل جزء آن دسته از شاعرانی هستند که از جادوی اسطوره‌ها و نقش اثر بخش آن در تحولات اجتماعی غفلت نورزیده و از سرچشمه‌های جوشان فرهنگ و هویت ملی خود به خوبی سود برده‌اند. شعر آنها عرصه ظهور اسطوره‌ها با کارکرد اجتماعی - سیاسی است و بر آن است تا روحیه بیداری و مقاومت را در جان افسرده و سرخورده ملت‌ها زنده کند؛ تا آنها از این طریق با توجه و تأمل بیشتری به آینده بنگرند. این مقاله به بررسی تطبیقی اشعار اخوان ثالث و امل دنقل در زمینه به کارگیری اسطوره‌ها بر مبنای مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی می‌پردازد.

کلید واژه‌ها: اسطوره‌ها، مهدی اخوان ثالث، اَمَل دُنُقُل.

مانی و مانویّت در ادبیات و عرفان

فاطمه معصومی مهوار

فارغ التحصیل کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

مانی در سال ۲۱۶ میلادی در بابل متولد شد. پدرش «پاتیگ»، «پتک» یا «پاپک» از همدانیان ایرانی نژاد بود که به بابل مهاجرت کرده و به فرقه ای مذهبی به نام معتسله درآمده بود. مانی نیز از دوران کودکی در میان همین فرقه رشد کرده و بالیده بود، ولی در بیست و چهار سالگی این فرقه را تکفیر کرد و آیین مانوی را بنیان نهاد. طبق روایات، فرشته ای به نام «توم»، (همزاد ایزدیش) در سن دوازده سالگی برای اولین بار، با اوسخن گفت و مکاشفه دوّم وی در سن بیست و چهار سالگی رخ داد. آموزه های مانوی اختلاطی تحوّل یافته از آیین زردشتی، گنوسی و تاحدودی آیین بودا است. مانی در پنجاهمین سال پادشاهی شاپور، از چین به ایران آمد و ادّعای پیغمبری کرد. شاپور از ابتدا به وی بدگمان بود و مناظره ای را برای مانی و موبدان ترتیب داد که مانی در این مناظره شکست خورد و شاپور دستور داد او را بیرون بردند و پوستش را کردند و پراز کاه کردند و وی را بر دروازه شهر آویختند و مردم بر او خاک پاشیدند. پس از مرگ مانی، آیین وی به سرعت در سراسر جهان متمدن از ترکستان چین گرفته تا شمال افریقا و بیزانس و شبه جزیره بالکان، گسترش یافت و تأثیر آن در بیشتر ادیان جهان مشهود است. اما این آیین و پیروانش در ایران به دنبال آشوب اعراب مسلمان از میان رفت. از ویژگی های این آیین جنبه عرفانی آن است به عقیده مانی، دانش و معرفت شرط رستگاری بشر است. و نیز از مهمترین شاهکارهای مانی هنر نگارگری اوست، وی برای توصیف سرزمین روشنی و قلمرو ظلمت از این ابتکار مدد جسته است. کتاب ارژنگ او شرح نگارین اسطوره نور و ظلمت است. اگرچه آیین مانوی دیگر منسوخ شده و پیروان کمی از آن برجای مانده، اما از آن جهت که این آیین برخاسته از سرزمین مادری ماست و نقش بسزایی را در عرفان دارد برای ما حائز اهمیّت است. در این مقاله اشاره ای به زندگی، آیین و عرفان مانی پیامبر شده است.

کلید واژه ها: مانی، آیین مانوی، ادبیات، عرفان

آداب و رسوم، سنت ها و آیین ها در شعر اخوان ثالث

حسن معقول

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

ایران دوستی اخوان و عشق او به میهن، فقط به خاطر گذشته ی این سرزمین، داستان ها و افسانه های پیشین آن نیست ؛ او ایران را با همه ی وجود و با تمام جلوه هایش می پرستد. او از گونه های مختلف فرهنگ عامه در جای جای شعرش بهره برده و بدین سان شعرش را بسیار خواستنی تر نموده است؛ در این مقاله کوشیده شده است تا جلوه های بازتاب آداب و رسوم و آیین های مردمی در شعر اخوان نشان داده شود.

کلید واژه ها: اخوان ثالث، فولکلور، فرهنگ عامه، آداب و رسوم، آیین ها و جشن ها.

بررسی طنز موقعیت در نمایش‌نامه‌ی آی باکلاه، آی بی کلاه

سولماز معینی

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

احمد رضی

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان

طنز یکی از گونه‌های ادبی با اهمیت در دوره معاصر است که به دو نوع کلامی و غیر کلامی قابل تقسیم است. اغلب پژوهشگران ادبی به بحث درباره‌ی طنز کلامی پرداخته‌اند و کمتر به طنز غیرکلامی توجه کرده‌اند. طنز موقعیت، یکی از انواع طنز غیرکلامی است که می‌تواند آمیزه‌ای از رفتار، موقعیت، صحنه و گفتار نیز باشد، اما محوریت در این گونه از طنز، بر موقعیت ایجاد کننده آن استوار است و بقیه عناصر برای تولید طنز در خدمت موقعیت قرار می‌گیرند. در صورتی که طنز محصول صناعات بیانی نباشد، بلکه محصول نوع ساخت و پرداخت و برآمده از فضا سازی و نوع معماری اثر باشد، آن را طنز موقعیت می‌نامند. طنز موقعیت در آثار نمایشی، به‌ویژه در تئاتر و نمایشهای تلویزیونی و سینمایی کاربرد فراوان دارد. اصولاً جلوه این گونه طنز در نمایش‌نامه‌ها و فیلم‌نامه‌ها به دلیل حاکمیت منطق دراماتیک در آنها بیشتر است. نمایش‌نامه‌ی آی باکلاه، آی بی کلاه، اثر غلامحسین ساعدی یکی از نمایش‌نامه‌های موفق دهه‌ی چهل است که در یک موقعیت متناقض طنزآلود شکل می‌گیرد و با زبان طنز برخی مسائل اجتماعی و روانی را به نقد می‌کشد. در این نمایش‌نامه حرکات، گفتار، صحنه، کشمکش و شخصیت‌ها در تضاد و تناقض باهم قرار می‌گیرند و فضاهای وارونه و کمیک ایجاد می‌کنند.

کلید واژه‌ها: طنز موقعیت، نمایش‌نامه، ادبیات نمایشی، تناقض موقعیتی.

پدیده ی انضمام در زبان فارسی

صدیقه سادات مقداری- استادیار دانشگاه پیام نور

خدیجه صیادی- دانشجوی کارشناسی ارشد زبانشناسی

انضمام (incorporation) یکی از فرایندهای واژه سازی در زبان فارسی است که برای ساختن فعل مرکب به کار می رود. منضم شدن یکی از موضوع های فعل به موجب آن تغییر ظرفیت فعل می شود. در این تحقیق، به توصیف فرایند انضمام، ویژگی ها، ساختار، مقوله، انواع و سیر تحول آن پرداخته می شود. هم چنین مطالعه ساختار فعل در حوزه صرف (مطالعه ساختمان درونی واژه)، مطالعه نقش و کارکرد فعل در حوزه نحو مورد توجه واقع شده است.

کلیدواژه ها: انضمامی، غیر انضمامی، مرکب انضمامی، شفافیت معنایی، تیرگی معنایی.

بررسی تطبیقی درون‌مایه‌ی مناظرات احمد شوقی و پروین اعتصامی

حسن مقیاسی

سمیرا فراهانی

مناظره از جمله فنون ادبی است که در ادبیات فارسی - گذشته و معاصر - میان ادیبان و سخنوران معمول بوده است. در ادبیات فارسی «پروین اعتصامی» (۱۳۲۰-۱۲۸۵ ه.ش) از جمله شاعرانی است که در این فن پیشگام و پیشرو بوده و هر چند که شاعران پیش از وی نیز در این عرصه گام نهاده‌اند؛ اما فراوانی و نوع مناظرات پروین از جهت سادگی، روانی و استحکام و ساختار منحصر به فرد کلام وی موجب شده است تا مناظرات او برجسته‌تر و ماندگارتر از دیگر شاعران در عرصه‌ی ادبیات فارسی نمود یابد. ویژگی بارز مناظرات پروین بهره‌مندی از صنعت تشخیص است که در آن هنرمندانه میان اشیاء، حیوانات و یا حتی مفاهیم حسی و عقلی رابطه برقرار می‌سازد و آن‌ها را دو به دو به گفتگوی با یکدیگر می‌نشانند. درون‌مایه و محور اصلی مناظره‌های پروین پند و اندرز، حکمت، مفاهیم اخلاقی و اجتماعی - انتقادی است که در آن‌ها غرض اصلی خود را از زبان اشیاء و یا اشخاص بازگو می‌کند. از همتایان مناظره‌پرداز پروین اعتصامی در ادبیات عربی می‌توان به «احمد شوقی» (۱۹۳۲-۱۸۶۸ م) اشاره کرد. وی هم‌چون پروین با بهره‌گیری از صنعت جان‌بخشی، از زبان حیوانات مفاهیم و غرض نهایی خود را بازگو می‌کند. فحوا و درون‌مایه‌ی مناظرات شوقی را می‌توان در دو گروه جای داد: یکی بیان مفاهیم اخلاقی و حکمت‌آمیز و دیگر وطنیات و اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی. از جمله تفاوت‌های موجود میان مناظرات احمد شوقی و پروین اعتصامی آن است که صحنه‌ی مناظرات احمد شوقی تنها از زبان حیوانات به تصویر کشیده می‌شود؛ حال آنکه طرفین مناظرات پروین تنوع بیشتری دارد و در آن‌ها پروین هم از زبان حیوانات و هم از زبان اشیاء بی‌جان چون «نخ و سوزن»، «گوهر و سنگ»، «نیزه و کمان» و... صورت نهایی کلام خود را شکل می‌دهد. آنچه در این مقاله بدان پرداخته می‌شود بررسی عناصر و درون‌مایه‌های مناظرات این دو شاعر برجسته‌ی عربی و فارسی است.

کلیدواژه‌ها: ادبیات تطبیقی، مناظره، احمد شوقی، پروین اعتصامی.

بررسی ساز و کارهای مترجمان قرآن در ترجمه تمییز

حسن مقیاسی

مهدی مقدسی نیا

عالیه عباسی

تمییز به عنوان یکی از عناصر نحوی، نکره منصوبی است که در آخر جمله به قصد گسترش معنا، به تکاپو انداختن ذهن مخاطب، مبالغه و تأکید می‌آید و در نقش یک متمم معنایی، از یک کلمه یا یک جمله رفع ابهام می‌کند. پرسشی که پژوهش پیش رو در صدد پاسخگویی به آن است، شیوه برخورد مترجمان با این پدیده زبانی است و در راستای پاسخگویی به پرسش فوق، سه ترجمه از قرآن در عصر کنونی یعنی ترجمه های آقایان انصاریان، برزی و بروجردی مورد کنکاش قرار گرفت. بررسی‌ها نشان می‌دهد از آنجایی که برای چنین ساختاری در دستور زبان فارسی ساختار نحوی مشابه و مشخصی وجود ندارد مترجمان گاهی در انتقال معنای آن به زبان فارسی دچار لغزش می‌شوند. شاید بتوان گفت شایع‌ترین آن نادیده گرفتن نقش تمییز و ترجمه آن به صورت مبتدا، فاعل یا مفعول می‌باشد که در این صورت از ارزش بلاغی تمییز کاسته می‌شود. هیچ کدام از مترجمان یاد شده از لغزش ترجمه تمییز برکنار نبوده‌اند و عملکرد واحدی در ترجمه این ساختار نحوی نداشته‌اند؛ به طوری که گاهی آیه ای را درست و آیه ی دیگر را نادرست ترجمه کرده‌اند.

کلید واژه ها: تمییز، ترجمه قرآن، نقد ترجمه، انصاریان، برزی، بروجردی.

بررسی انسجام دستوری در مطبوعات

ژاله مکارمی

ماندانا طائبی

امروزه مطبوعات به عنوان یکی از قدرتمندترین رسانه‌ها، در انتقال اطلاعات و گسترش اخبار در زمینه‌های مختلف، نقش مهمی ایفا می‌کند و روزانه افراد زیادی برای آگاهی از آخرین و جدیدترین اخبار از این وسیله‌ی ارتباط جمعی بهره می‌گیرند. مسلماً آنچه در تیترو روزنامه‌ها و مطبوعات به عنوان متن خبری و نوشتار اطلاع‌رسانی به کار گرفته می‌شود، از نظر شیوه‌ی ساختاری و بار اطلاعاتی، اهمیت ویژه‌ای دارد که نه تنها در جهت اطلاع‌رسانی، بلکه در راستای جذب خواننده برای پیگیری و خواندن متن آن نیز مؤثر است. بررسی ساختار دستوری تیترو روزنامه و رابطه‌ی آن با متن مربوطه و همچنین، انسجام و اختصار بکار رفته در آن، به منظور مجذوب ساختن خواننده برای آگاهی بیشتر وی از متن نقش مهمی دارد. با توجه به اهمیت این موضوع، مقاله‌ی حاضر با رویکردی زبانشناختی به بررسی انسجام دستوری در تیتروهای اصلی یکی از پرتیراژترین روزنامه‌های اصفهان می‌پردازد. چارچوب زبانشناختی به کار گرفته شده، الگوی هالیدی و حسن (۱۹۷۶) است که در آن انسجام دستوری به سه شیوه‌ی ارجاع، جایگزینی و حذف حاصل می‌شود. هدف این مقاله در گام اول، بررسی ساختار تیتروهای روزنامه و انسجام دستوری بکار رفته در آنها و در مرحله‌ی بعد، اشاره به لزوم بازبینی و دقت زبانشناسانه‌ی بیشتر در نوشتار تیتروهاست که امروزه شاید، آنچنان که باید، مورد توجه واقع نشده است.

کلیدواژه‌ها: تیترو روزنامه، انسجام دستوری، ارجاع، جایگزینی، حذف.

جلوه خیام در جهان معاصر عرب

مریم شعبانزاده

دکترای زبان و ادبیات فارسی

عظیمه ملازهی

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

خیامشاعر، فیلسوف، ریاضیدان و منجم ایرانی است که اندیشه هایش در فراسوی مرزها طنین شگرف و تاثیر عمیقی نهاده است به گونه ای که بسیاری از اندیشمندان معاصر جهان، خود را وامدار خرد خیام دانسته اند توجه اندیشمندان عرب به خیام، بخصوص شعرای عرب، تا حدی است که فقط دکتر یوسف بکار حدود ۵۶ ترجمه از رباعیات خیام را به عربی ذکر می نماید و کل ابیات ترجمه شده شاعر را به عربی ۴۲۰۵ رباعی بر شمرده است. از دیدگاه ادبیات تطبیقی این تاثیر گذاری بی مانند، بهترین نشانه جولان و سیلان فرهنگ و تمدن و نبوغ ایرانی است که جهانیان را معطوف به خویشتن نموده است. نگارندگان در این مقاله بر آنند تا به بررسی اشعار برخی از شعرای مشهور جهان عرب که متأثر از خیام سروده شده است یا اندیشه های خیامی بر آن ساطعه افکنده است بپردازد.

کلیدواژه ها: خیام، ادبیات عرب، معاصر.

بررسی نشانه شناسانه ی کنش انسانی حیوانات در مرزبان نامه

نسرین علی اکبری

معصومه منتشلو

نوشین غریبی

مرزبان نامه یکی از آثار تمثیلی زبان فارسی است که فابل نامیده می شود. در این اثر حیوانات کنشگران اصلی حکایت ها هستند. حیوانات این اثر به گونه ای شخصیت پردازی شده اند که اعمال و رفتارهای انسانی از آن ها سر می زند. در این مقاله کوشش شده است میان کنش های حیوانی و انسانی حیوانات بر اساس علم نشانه شناسی تمایز قائل شده و رفتارهای انسان گون تبیین گردد. بر این اساس حیوانات کنشگر دسته بندی شده اند و منش های آن ها نیز رده بندی شده است. تمهیدات نشانگر که سبب ساز جنبه ی انسانی این حیوانات شده است توضیح و سپس رفتارهای انسانی حیوانات تشریح شده است. به عنوان مثال در دو حکایت از باب دوم و ششم آهو حضور دارد، در این دو داستان بر ایند نشانه های متن این است که کنش آهو انسان گون است و او در حکایت اول نقش انسانی را که گرفتار است و یاریگری ندارد بازی می کند. و در دومی نقش انسانی که نماینده ی یکی از اقشار جامعه است و اهل گفتگو و مفاوضه است را ایفا می کند.

کلیدواژه ها: مرزبان نامه، نشانه شناسی، کنش، فابل، انسان گون.

بررسی نیرنگ جا به جایی در ادب فارسی و غرب

ایمان منسوب بصیری

حسن زیاری

ساختار جامعه و رسوم و عادات رایج در آن، همواره در ادب هر سرزمینی بازتاب دارد تا حدی که می توان مضامین مکرر ادبی (لایت موتیف) را به نوعی بازتاب فرهنگ رایج هر اجتماع در قالب ادبی دانست. مضامین مکرر ادبی در میان اقوام مختلف گاه به سبب ریشه داشتن در آبخورهای همگون یا یکسان و بعضاً از حیث توازی سنن، شباهت های چشمگیری به یکدیگر دارند که می توان با جستجو در کهن ترین منابع و دنبال کردن سیر تکثیر یک درون مایه؛ شیوه های انعکاس آن را در ادب کلاسیک اقوامی که از دیربگام با هم در داد و ستد فرهنگی بوده اند بررسیید. در مقاله حاضر سعی بر آن است که یکی از ترفندهای شایع در عرصه ادب غرب و ایران که در فرهنگ کهن میان رودان و روایات سامی دیرین نیز به چشم می آید سخن رود: ترفند جابه جایی به معنی تعویض عاشق یا معشوق از روی عمد یا از سر اتفاق یا تلبیس شخصیت ها، یکی از مضامین بارز بسیاری از متون برجسته نظم و نثر در نظام ادبی شایع در منطقه ای گسترده از جهان است که از ایران کهن تا دورترین مرزهای امپراتوری روم را در بر می گیرد و حوزه میان رودان در پیوند میان این دو حوزه نقش اساسی داشته است.

کلیدواژه ها: ترفند تعویض، ماسکراد، عهد قدیم، نظامی، بوکاچو.

«پل» یکی از اصطلاحات رمزی و تمثیلی در مصیبت نامه عطار

علی محمد مؤذنی

سیبکه اسفندیار

عطار نیشابوری (۵۵۳-۶۲۷ق) در مثنوی مصیبت نامه و در جهت نمایاندن صفات و مقامات طریقت در مسیر کمالی سالک، از انبوه تصاویر یا واژگان رمزی مدد جسته و در این راه، هر یک از کائنات آسمان و زمین را به عنوان رمزی از معانی عرفانی- اخلاقی مورد تأکید و توجه قرار داده است. در این مقاله به بررسی «پل» به عنوان یکی از رمزهای پنهان در منظومه سترگ عرفانی مصیبت نامه پرداخته می شود تا از طریق بررسی و طبقه بندی تصویر «پل» در سطح رمز و تمثیل، و ارایه پیوند میان این تصویر با مفاهیم خاص به عنوان تصویری فرارونده، نگرش بنیادین عطار در پس آن تبیین شود که در مصیبت نامه دارای معنایی دو سویه از دنیا و آخرت می باشد.

کلیدواژه ها: پل، تصویر زبانی، تصویر مجازی، تمثیل، رمز.

ساختار ترکیب بلاغی در شاهنامه‌ی فردوسی

رسول موسوی

در این مقاله سعی شده است خلّاقیت هنری فردوسی در حوزه‌ی ترکیب سازی که یکی از وجوه بلاغی و زیبا شناختی شاهنامه است مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد و ماهیت شعری این اثر حماسی مشخص شود. فردوسی علاوه بر احیای زبان فارسی در تکامل هنری و زیباشناختی این زبان نیز نقش مؤثری داشته است. این شاعر حماسی از ظرفیت های بلاغی و ابزارهای بیان هنری برای اعتلای زبان به شیوه های گوناگون بهره جسته است. یکی از این شیوه ها ساخت ترکیب های بلاغی است که سبب تصویرآفرینی و ایجاد شبکه های تصویری فشرده در متن شاهنامه شده است. نویسنده‌ی مقاله کوشیده است تا به شیوه‌ی مستند بخشی از توانایی هنری استاد توس را در حوزه‌ی صور خیال به ویژه ساخت ترکیب بلاغی نشان دهد. پژوهش حاضر از مقوله جستارهای ادبی است و به طور ضمنی گوشه‌هایی از نقد فنی و سبک شناسی شاهنامه را نیز در بر دارد.

کلید واژه ها: ترکیب بلاغی - صور خیال - استعاره - تشبیه - شاهنامه.

شاعرانه‌های کلیله و دمنه

دکتر سید کاظم موسوی

طوبی عزیزی علویجه

وحید بازوبندی

کلیله و دمنه از زیباترین آثار نثر فارسی به شیوه فنی است. از خصوصیات ذاتی نثر فنی، آراسته بودن به انواع زینت‌های کلام و آرایش‌های لفظی است. واژه‌های ساده به مدد آرایه‌های ادبی باعث می‌شود که نثر این کتاب شباهت‌های بسیاری به شعر پیدا کند و کلام تا آنجا به شعر نزدیک شود که گاه نثر بودن آن به دست فراموشی سپرده شود. وجود استعاره‌های دلنشین و تشبیهات زیبا در کلیله و دمنه پدیدآورنده ایماژها و تصویرهایی است که نظیر آن در برترین و والاترین نمونه‌های شعری ادبیات فارسی دیده می‌شود. وجود جملاتی با وزن عروضی کامل و یا نیمه کامل از دیگر ویژگی‌های شعری این نثر است. در این مقاله سعی شده است عناصر شعری کلیله و دمنه مورد بررسی قرار گیرد.

کلید واژه ها: کلیله و دمنه، نثر فنی، شعر، وجوه شعری.

بررسی «جریان سیال ذهن» در داستان ماهان از هفت پیکر نظامی

دکتر سید کاظم موسوی*

زهرا هاتف الحسینی*

«جریان سیال ذهن» پیش از آنکه تکنیکی در داستان نویسی مدرن محسوب شود، اصطلاحی روانشناسانه بود که «ویلیام جیمز» روانشناس امریکایی، در باب چگونگی شکل گیری خاطرات، افکار، رویاها و احساسات درونی انسان به کار برد. بعدها نویسندگانی که بنیان خلق آثار خود را ذهن آدمی قرار دادند و به دنیای درونی و اندیشه ها و عواطف فردی او روی آوردند، از این اندیشه ها سود بردند و جریان سیال ذهن را به عنوان شیوه ای از داستان نویسی به کار گرفتند. حوزه هایی که جریان سیال ذهن با آن سر و کار دارد به طور کلی: ذهن و واقعیت ذهنی، حالت ها و نمودهای حیات درونی و خویشتن حقیقی انسان همچون: افکار، احساسات، تخیلات و رویاها و... زمان حسی و زبان پیچیده ای است که با زبان معمولی و روزمره ای که به طور عادی استفاده می شود، تفاوت دارد. از آنجا که از یک سو هفت پیکر نظامی گنجوی در قلمرو داستان پردازی شاهکاری تلقی می شود که از دیدگاه های مختلف، قابلیت تأویل های گوناگون را دارد و از سوی دیگر، در سر تا سر آن به شرح کامل و اصیل تجربه های انسانی پرداخته شده و هستی درونی آدمی با تمامی افعال و نمودهای آن مورد توجه قرار گرفته است، در این مقاله کوشش شده است تا با تکیه بر بعضی از عناصر «جریان سیال ذهن» و برجسته سازی آن ها، به افسانه ماهان در هفت پیکر نظامی پرداخته شود و قرائت جدیدی از این داستان ارائه گردد.

کلیدواژه ها: جریان سیال ذهن، دنیای درونی، زمان حسی، زبان سمبولیک، هفت پیکر نظامی.

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

مقایسه ی ساختار و زبان داستان های مشترک مثنوی و حدیقه سنایی

دکتر سید کاظم موسوی

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

غلامحسین مددی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

فخری زارعی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

مولوی از داستان پردازان بزرگ ادب فارسی است که برای انتقال مفاهیم عرفانی از تمثیل و داستان کمک می گیرد. داستان های مثنوی نسبت به دیگر آثار داستانی - عرفانی برتری هایی دارد که دست یابی به این برتری ها با مقایسه ی آن ها ممکن می گردد. مقایسه، از راه های پروراندن معانی است که به روشن شدن مفاهیم کمک می کند و بیان وجوه اشتراک و افتراق دو اثر وجه تمایز آن ها را نسبت به یکدیگر بهتر نشان می دهد. حدیقه ی سنایی از منابع داستان های مثنوی است که با مقایسه میان داستان های مشترک این دو اثر توانایی مولوی نسبت به سنایی در چگونگی پردازش داستان، کاربرد عناصر داستانی، به کارگیری عناصر زیبا شناختی، استفاده هدفمند از واژگان و دقت نظر در گزینش آن ها نمایان می گردد. در این پژوهش سعی شده است با اشاره به این ویژگی ها ارزش های ادبی آشکار و نهان در ژرف ساخت مثنوی معنوی نشان داده شود.

کلید واژه ها: مثنوی، حدیقه الحقیقه، داستان، ساختار و زبان.

نمود اساطیری حیوان و صورت های پیکرگردانی شده ی آن در شاهنامه

دکتر سید کاظم موسوی

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

غلامحسین مددی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

فخری زارعی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

شاهنامه آینه ی تمام نمای فرهنگ کهن ایرانیان است. بازتاب بسیاری از باورهای کهن در این اثر ارزش ویژه ای به آن می بخشد. بسیاری از داستان های شاهنامه بازتابی از روایات اساطیری است؛ و شخصیت ها و حیواناتی که در این داستان ها ست صورت دگرگون شده ی ایزدان اساطیری هستند. مقایسه ی ویژگی مشترک و عملکرد فرا انسانی شخصیت ها و حیوانات شاهنامه با ایزدان و شخصیت های اساطیری مبین این موضوع است. پژوهش حاضر ضمن مقایسه ی نمود حیوانات در اساطیر ایران و غیر ایرانی به بررسی تقدس و نقش ماورای و ایزدگونگی آن ها در شاهنامه پرداخته می شود. بسیاری از ابیات شاهنامه بیانگر آن است که ایرانیان به دلیل برخورداری از روح کمال جوی و دریافت نیروی ماورای در پدیده های طبیعی و حیوانات، در ادواری به پرستش آن ها روی آورده اند که این موضوع خود نشان دیرینگی فرهنگ و تمدن ایران و پیدایش ابتدای دین در میان اقوام ایرانیست.

کلید واژه ها: اساطیر، شاهنامه، طبیعت و حیوان.

بررسی عنصرگفت وگو درداستان پردازی فردوسی

دکتر سید کاظم موسوی

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

غلامحسین مددی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

فخری زارعی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

شاهنامه فردوسی که به عنوان یکی از بزرگ ترین حماسه های جهان در عرصه ی ادبیات مطرح است، به درستی بیانگر تعریف حماسه است. داستانی-روایی بودن که از عناصر مهم تعریف حماسه است به درستی زمینه ارائه ی مفاهیم و اهداف فردوسی است. جایگاه تأثیرگذار عناصر داستان در داستان های شاهنامه بیانگر آگاهی فردوسی از چگونگی ارائه ی داستان های شاهنامه است. پیوند استوار و مؤثر عناصر داستان از ویژگی های برجسته ی داستانی در این اثر بی همتا است. گفت وگو که یکی از عناصر و عوامل داستانی در ادبیات داستانی معاصر است در شاهنامه نیز به گونه ای شایسته در تنه ی داستان ها قرار گرفته است. تک گویی درونی، گفت وگوهای دوسویه، گفت وشنودهای یک سویه مکتوب، گفت و گوی تمثیلی- اسنادی، گفت وکنش... از انواع و اقسام گفت و گو در داستان سیاوش است. در این مقاله به عنصر گفت و گو و نقش آن در داستان سیاوش پرداخته شده است.

کلید واژه ها: شاهنامه، داستان، عناصر داستان، گفت وگو.

بررسی عنصر شخصیت در داستان سیاوش

دکتر سید کاظم موسوی

غلامحسین مددی

فخری زارعی

شاهنامه ی فردوسی گنجینه ی بی بها و گران سنگ زبان و ادبیات فارسی است . شاهنامه پژوهان ، در حوزه ی زبان و محتوای شاهنامه ، تحقیقات بسیار گسترده ای انجام داده اند . این که شاهنامه از نظر طبقه بندی ادبی جزو کدام نوع ادبی قرار می گیرد و ویژگی های صورت و محتوایی کدام نوع ادبی را بیش تر در خود دارد ، می تواند پرسشی نو و قابل طرح در زمینه ی شاهنامه پژوهی باشد . اشاره ی مکرر و صریح فردوسی به داستانی بودن شاهنامه و روایی بودن این اثر می تواند نگرشی از دید داستان نویسی و عناصر موجود در آن به روی خوانندگان این اثر بگشاید ؛ اگرچه به احتمال زیاد شالوده و چهار چوب داستان های شاهنامه از پیش طرح ریزی شده و در اختیار فردوسی قرار گرفته است ؛ پرورش شخصیت ها ، روابط علت و معلولی قوی میان حوادث ، فضا سازی ، صحنه پردازی ، گفت و گوهای متنوع و متناسب با وضعیت موجود ، کشمکش های مختلف و بهره گیری او از اغلب عناصر داستانی ، شاهنامه را مجموعه ای بسیار منسجم و کارآمد در زمینه ی داستان پردازی قرار داده است . عنصر «شخصیت» از عناصر مهم داستان پردازی است . این عنصر متناسب با موضوع و مطابق با اصول و تکنیک های داستان پردازی نوین در گستره ی داستان های شاهنامه حضور دارد . پردازش هر شخصیت به گونه ای موثر، سبب ایجاد ارتباط عمیق تر میان مخاطب و داستان می گردد؛ تا جایی که شخصیت ها از دنیای اسطوره ای و حماسی اغراق آمیز خارج می شوند و با تصویری زنده ، ملموس و مطابق با عالم واقع ، در برابر مخاطب متصور می شوند . در این مقاله این عنصر در داستان « سیاوش » مورد بررسی قرار می گیرد .

کلید واژه ها: فردوسی ، داستان ، عناصر داستان ، شخصیت.

نقد و تحلیل شخصیت و شیوه‌های پرداخت آن در رمان ترکه‌های درخت آلبالو

دکتر سیده زهرا موسوی

استادیار زبان و ادبیان فارسی

دکتر محسن ذوالفقاری

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک

تبیین جایگاه شخصیتها و شیوه پرداخت آنها در رمان ترکه‌های درخت آلبالو، موضوع اصلی مقاله حاضر است. نشان دادن خصائص آثار ذی ربط به دفاع مقدس که خود دوره‌ای مهم از ادوار شعر و نثر فارسی است از سویی و تبیین عناصر ساختاری رمانهای مرتبط به ادبیات مقاومت با تأکید بر عنصر شخصیت و شیوه‌های پرداخت شخصیت از سوی دیگر؛ بویژه رمان ترکه‌های درخت آلبالو که تا کنون از این حیث بررسی نشده است، ضروری به نظر می‌رسد. دسته‌بندی طیف‌های مختلف شخصیتی و بیان خصائص آنها، تبیین شیوه پرداخت مستقیم یا غیرمستقیم شخصیت‌ها، استفاده از توصیف ظاهری، معرفی در قالب گفتگوها و نشان دادن شخصیت‌ها در رفتار و کردارشان و نوع نامگذاری شخصیتها از جمله رویکردهایی است که در رمان مزبور بررسی و تحلیل شده است. تحلیل سیرت شخصیت‌ها، ثبات یا عدم ثبات در اسیرت، سادگی و بغرنجی شخصیتها از جمله رویکردهای مقاله حاضر می‌باشد که حاصل آن را در بخش نتیجه مقاله آورده‌ایم.

کلیدواژه‌ها: ترکه‌های درخت آلبالو، رمان، ادبیات داستانی، دفاع مقدس، شخصیت پردازی.

بررسی سبک ساختارگرایانه ادبیات محض در منشآت منیر لاهوری

مهرالسادات موسوی

مقاله ی پیش رو جستار و تاملی در منشآت ابوالبرکات لاهوری متخلص به منیر، نثر نویس نوآور قرن یازدهم در سرزمین هند است. برآیند بررسی آثار مثنوی منیر با رویکرد تبیین گستره ی جغرافیایی زبان فارسی در قرن یازدهم، موید دو نظریه تواند بود: نخست آنکه منیر با شناخت ارزش های زبانشناختی و کاربرد سبک ادبیات محض در منشآت و درک تواناییهای بالقوه ی زبان غنی فارسی، با بهره گیری از بیشترین واژگان فارسی توانست، طرحی نو دراندازد. ددیگر آنکه آثار منیر منطبق بر پیشرفته ترین مولفه های سبک ساختارگرایانه ایی است که در قرن بیستم از سوی زبانشناسان ارائه گردیده است. شاید نثر ویژه ی منیر در سازه های منشآت، مناظره و مرثی، دیباچه نویسی و تمثیل که همه مثنوی است بتواند ارائه کننده و موید این فرضیه باشد که هرادیی زبانشناس است، لیکن هرزبانشناسی ادیب نیست.

کلید واژه ها: سبک ساختارگرایایی، ادبیات محض، پارناس، باروک.

بررسی هنجار شکنی‌هایی دستوری در شعر معاصر با نگاهی به اشعار سهراب سپهری

انسیه موسویان

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی

در این مقاله نخست ضمن ارائه تعریف شعر از دیدگاه صورت‌گرایان و بیان تفاوت زبان شعر با زبان علم و یا زبان نرم و هنجار (رسمی و معیار) با زبان شعر به هنجار شکنی‌هایی که موجب برجستگی زبان و نزدیک شدن آن به شعر می‌شود، اشاره شده و سپس به ارتباط قواعد دستور زبان با شعر پرداخته شده- است. در ادامه ضمن مروری بر هنجار شکنی‌های دستوری در شعر کهن و ذکر نمونه‌هایی از شعر شاعران کلاسیک، تفاوت این هنجار شکنی‌های دستوری در شعر معاصر بیان گردیده‌است. بخش بعدی که مهم‌ترین و اصلی‌ترین بخش مقاله است، به بررسی شعرهای سهراب سپهری در هشت کتاب پرداخته و جنبه‌های مختلف هنجار شکنی‌های دستوری در این شعرها را که سبب برجستگی در شعر شده، بیان نموده است. سپهری یکی از ارائه دهندگان راه نیما یوشیج است. که صاحب سبک و زبان خاص خود می‌باشد. این هنجار شکنی‌ها در بخش‌های مختلفی بررسی و دسته بندی شده‌اند از جمله: کاربرد فعل لازم در معنای متعدی و بالاعکس، جابجایی صفت و موصوف، انحراف صفت، ابتکار در بکارگیری صفت تفضیلی، ترکیب سازی.

کلید واژه‌ها: زبان شعر، دستور زبان، هنجار شکنی، سهراب سپهری.

بررسی روند شکل گیری جریان ارتجاع ادبی شعر در دوره ی پهلوی اوّل

شهربانو موسی زاده

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی و دبیر مدارس سبزوار

در میان جریان های متداول در دوره ی پهلوی اوّل، یعنی مشروطه گرایان مایوس، سنتی پردازان نوگرا، نوپردازان افراطی و نوگرایان نیمایی، جریان «ارتجاع ادبی» از جریان های برجسته ی منطبق با معیارهای استبدادی این دوره به شمار می رود که تاکنون کمتر کاویده شده است. برای این اساس، یکی از موضوعات مهم در عصر رضاخانی حرکت ارتجاعی شعر به سوی سنت های ادبی است. در این عصر، انسداد سیاسی - اجتماعی از یک سو به خاموشی شاعران پرشور مشروطیت و انفعال آنان منجر واز دیگر سو، باعث ظهور جریان های منحط و مرتجع شعری شد. در این دوره، به علت اعمال حاکمیت و نظارت شدید بر مطبوعات، زمینه چندان برای رشد و بالندگی شعر فراهم نیست و شعر حرکت ارتجاعی به سوی سنت دارد. شاعران این جریان، غالباً شاعرانی بودند که در انجمن های ادبی «ایران» و «حکیم نظامی» و نشریات آن روزگار حضور داشتند و به آفاق شعروبینش هنری نو چندان توجهی نداشتند. همچنین از لحاظ پشتوانه ی علمی، فرهنگی و ادبی چندان غنی نبودند و ذهن، زبان و اندیشه های شاعرانه آنان غالباً پیرو اسلوب و هنجارهای شعر قدیم و مبانی کلاسیک بود و تحول در خورتوجهی در شعرشان مشاهده نمی شود. این مقاله می کوشد ضمن برشمردن مفهوم جریان شناسی ادبی که یکی از ضرورت های پژوهش علمی در عرصه ی ادبیات معاصر فارسی به شمار می رود به عوامل تاثیر گذار درون متنی و برون متنی در شکل گیری جریان «ارتجاع ادبی» در دوره ی پهلوی اوّل، ویژگی های این جریان، شاعران برجسته ی آن، درون مایه های شعری، ساختار واژگانی و نحوی زبان این شاعران، کاربرد صور خیال و تاثیرات احتمالی این شاعران بر روند شعری در پی آن پردازد.

کلیدواژه ها: شعر دوره ی پهلوی اول، ارتجاع ادبی، سنت ادبی، جریان های شعری.

بررسی ساختارهای گفتمان مدار در دو روزنامه ی خاطرات اعتمادالسلطنه و وقایع اتفاقیه براساس نظریه ی هاج و کرس و فاوولر

ثریا مؤمنی

روزنامه ی خاطرات اعتمادالسلطنه، خاطرات شخصی و روزانه ی محمدحسن خان صنیع الدوله معروف به اعتمادالسلطنه، وزیرانطباعات اواخر دوره ی ناصر است. روزنامه ی وقایع اتفاقیه از جمله روزنامه های رسمی زمان ناصرالدین شاه است که در سال ۱۲۶۷ هجری قمری پنجشنبه ها در تهران درشش صفحه به طبع می رسید و منتشر می شد. مسئول این روزنامه اعتمادالسلطنه است. اما از آنجایی که مخاطب دو روزنامه متفاوت است نثر آن دو تفاوت های زیادی باهم دارد. آنچه در دو روزنامه کاملاً مشهود است این است که زبان، ابزار قدرت و در اختیار صاحبان منصب و قدرت است. چیدمان کلام، استفاده از الگوهای نحوی خاص و بهره گیری از عناصر مختلف زبانی و به کار بردن واژگان حوزه ای خاص نشان می دهد که نویسنده یا نویسندگان این دو روزنامه نسبت به آنچه می نویسند حالت سرسپردگی دارند و کاملاً تحت تأثیر قدرت هستند و از طریق الگوهای زبانی که تولید می کنند، هم چنان به تداوم این وضعیت یعنی فاصله ی زیاد قدرت بین طبقه ی حاکم و مردم کمک می کنند. مخصوصاً در روزنامه ی وقایع که هر هفته چاپ و منتشر می شود و دولت علیه نظارت مستقیم دارد این کارکردهای زبانی آشکارتر است. در روزنامه ی خاطرات نیز اگرچه در آن زمان مخاطبی نداشته باز همان حالت قدرت زدگی که حتی به تملق و چاپلوسی هم می رسد به چشم می خورد. در این مقاله ساختارهای گفتمان مدار در دو روزنامه ی مذکور با الهام از نظریه ی هاج و کرس (۱۹۷۹) و فاوولر (۱۹۹۱) و براساس چهار مؤلفه ی زیر بررسی شده است:

الف) انتخاب لغات و تعبیرات خاص (نام دهی)

ب) فرایند اسم سازی به منظور کتمان زمان و شیوه ی عمل، ابهام سازی یا ساده جلوه دادن یک عمل پیچیده.

ج) به کارگیری مجهول در برابر معلوم و یا برعکس

د) بهره گیری از الگوهای متفاوت جمله

کلیدواژه ها: روزنامه ی خاطرات اعتمادالسلطنه و وقایع اتفاقیه، زبان، قدرت، نحو، گفتمان.

واژگان فارسی در گویش عامیانه قطر

حمیدرضا مهاجرانی

ایران به عنوان مهد زبان جاودانه و همیشگی پارسی وارث دو تمدن کهن ایرانی و تمدن والای اسلامی است که بر خلاف بسیاری از سرزمین های اسلامی با زبان اصل خود به پر معنا ترین شکلی تمدن اسلام را به جهانیان معرفی نمود. حضور ایرانیان مقیم در کشور های عرب حوزه خلیج فارس از سویی و نیز ارتباط تاریخی و فرهنگی ریشه دار بین آنها از سوی دیگر باعث شده که جای جای این سرزمین ها حضور فرهنگ و آداب و رسوم و سنن و عادات و اخلاق ایرانی را به خود پذیرا گردد. از جمله حضور فرهنگ ایران در این کشورها رسوخ و نفوذ واژگان و ترکیبات فارسی اعم از اسمی و فعلی و ترکیبات اضافی و وصفی در گویش عامیانه آنها از یک سو و ضرب المثلهای کهن آنها از سوی دیگر است که نمودی ملموس یافته است. در میان این کشورها؛ کشور قطر مثالی روشن جهت اثبات این مدعا می باشد که در گویش و لهجه عامیانه آنها این واژگان به وضوح دیده و شنیده می شود تا جایی که می توان با گشتاری در میان مردم اصیل و کهنه سواد سرزمین قطر اعم از قبایل و محلات اصیل و قدیمی و حتی قهوه خانه ها و محله های پر رفت و آمد و از همه مهمتر با نشست و حضور در میان اصیل ترین و قدیمترین ساکنان این سرزمین که به بدویان معروفند این واژگان و ترکیبات بکار بسته شده در گویش را مشاهده نمود و شنید. ما در این تحقیق مختصر با کنکاش در پاره ای از این واژگان که البته در مواردی صورت تغییر شکل یافته اصل واژگان می باشد و مورد غور رسی قرار دادن آنها فهرستی مختصر از این واژگان را در برابر دیدگان خواننده قرار خواهیم داد و به بحث و کنکاش واژه شناختی در خصوص اصل آن خواهیم نشست. لازم به ذکر است که در این پژوهش علاوه بر استفاده از شیوه اسنادی و کتابخانه ای و مراجعه به منابع معتبر و دست اول واژگان شناختی و لغتنامه به روش تحقیق میدانی و حضور در محلات و مناطق و قبایل و گفتار با مردم عمل شده است.

کلید واژه ها: مشترکات فرهنگی قطر ایران زبان فارسی زبان عربی گویش محلی قطر.

بدخوانی‌های دیوان خاقانی شروانی

سعید مهدوی‌فر

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز

از دیرباز دشواری و دیریابی یکی از خصوصیات سخن خاقانی بوده‌است. به جهت این امر و همچنین به دلیل نوآیینی و غرابت بسیاری از تعابیر، تصاویر و مضامین دیوان خاقانی چندان غریب به نظر نمی‌رسد که بدخوانی‌هایی در اشعار شاعر روی دهد. با این وجود به این حقیقت باید اذعان داشت که گاه در خاقانی پژوهی‌های معاصران این بدخوانی‌ها بیش از حد جایز است، به طوری که می‌توان این امر را یکی کاستی‌ها تلاش‌های برخی از ایشان دانست. این کاستی به نوبه‌ی خود نه تنها سبب وارد شدن برخی از تحریفات و تصحیفات در دیوان خاقانی شده، بلکه شارحان و خاقانی‌پژوان را نیز در گزارش و تحلیل سخن به بیراهه کشانده‌است. حال آنکه پژوهشگر می‌تواند با تأمل بیشتر در اشعار، شواهد، زبان و نیز سبک شاعر به مقدار قابل توجهی این بدخوانی‌ها را کاهش دهد. برآنیم تا با برآوردن این مهم به تبیین و تصحیح نمونه‌وار مواردی از این بدخوانی‌ها پردازیم.

کلیدواژه‌ها: دیوان خاقانی، دشواری، مضامین و تعابیر غریب، ضبط فاسد، شرح نادرست.

«سبک انوری در ساخت تلمیح بر اساس نظریه‌ی فرمالیستها»

سید محسن مهدی نیا چوبی

احمد خلیلی

تلمیح (*allusion*) یکی از نمودهای هنجارگریزی معنایی است که در محور همنشینی و مجاورت بر اساس ترکیب شکل میگیرد؛ یعنی شاعر با قرار دادن دو یا چند واژه، در محور افقی (همنشینی) در یک مصراع یا یک بیت، تلمیح میسازد که یکی از گونه‌های بارز ایجاز و کوتاه سخنی هم به حساب میآید. شاعر بجای اینکه داستان یا حادثه‌ای را بازگو کند به دو یا سه واژه بسنده میکند و کلّ ماجرا را به ذهن خواننده میآورد. هر شاعر از بکار بردن تلمیح در شعر خود، اهدافی دارد چون تأثیر بیشتر سخن بر خواننده، آشنا کردن مخاطب با عناصر تلمیحی و اما در دیوان انوری کارکردی دیگرگونه دارد. فرض بر اینست که انوری در دیوان خود عموماً برای بزرگداشت ممدوح خود و رسیدن به مراد خویش (صله) از تلمیح بهره میگیرد. در این مقاله ما در پی اثبات این فرضیه و آشکار نمودن کارکردهای بلاغی و هنری تلمیح هستیم. پرسش اصلی این پژوهش اینست که آیا کاربرد تلمیح در دیوان انوری به اندازه‌ای است که بتوان آنها را جزء ویژگی سبکی شاعر بحساب آورد؟ در مرحله‌ی بعدی این سوال مطرح میشود که خواست شاعر از بکار بردن عناصر تلمیحی چیست؟

کلید واژه‌ها: انوری، تلمیح، آشنایی‌زدایی، هنجارشکنی، اغراق.

بررسی ارزشنگ و هنر نقاشی نزد مانی و مانویان، بر پایه‌ی آراء بیان‌الادیان و بازتاب آن در ادبیات فارسی

ناهید مهر افروز

اسماعیل پور

بیان‌الادیان یکی از کتب بازمانده‌ی نثر فارسی در دوره‌ی اول است که در زمینه‌ی ادیان و فرق و نحله‌های فکری مختلف، تألیف شده‌است. یکی از نحله‌های فکری که در این کتاب در مورد آن بحث شده، کیش مانی است. مانی را پیامبر نقاش و اعجازش را تصویرگری و نقاشی دانسته‌اند. ابوالمعالی نیز در کتاب *بیان‌الادیان* بیشتر در خصوص هنر نقاشی مانی سخن گفته‌است. علاوه بر این، شهرت مانی در ادبیات منظوم و منثور بعد از اسلام با عنوان مانی نگارگر و نقاش، دلیل برجسته بودن و اهمیت کار وی در این زمینه‌است. در ادبیات منظوم و منثور فارسی، بازتاب این چهره از مانی دیده می‌شود، بویژه در آثار شاعران فارسی زبان که به مناسبت‌های مختلف از ارزشنگ مانی نام برده‌اند و در اشعار خویش از تناسبات و تصاویر متناسب با این قضیه استفاده کرده‌اند. در این مقاله با بررسی آراء بیان‌الادیان در زمینه‌ی مانویت و هنر نقاشی مانی، به بررسی آراء مانویان در مورد هنر و ریشه‌های هنر مانوی و بحث در خصوص ارزشنگ و هنر نقاشی او می‌پردازیم و بازتاب این هنر را در اشعار برخی از شاعران فارسی زبان مثل: فرخی، منوچهری، سعدی، حافظ و ... را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

کلید واژه‌ها: مانی، هنرمانی، ارزشنگ، بیان‌الادیان، نقاشی مانوی.

به کارگیری روش طبیعی - واژگانی در تدوین کتاب آموزش واژگان فارسی به زبان آموزان غیر فارسی زبان

معصومه مهربانی

آنچه در اینجا از آن به روش طبیعی تعبیر می‌شود، تلفیقی است از یافته‌های روانشناسی زبان و نظریه‌های آموزش درباره یادگیری زبان دوم. در این پژوهش سه جنبه از فراگیری زبان دوم مورد تأکید خواهد بود: یادگیری جمله به عنوان واحد معنایی گسترده، یادگیری فعل فعل به عنوان واحد معنایی و پردازشی پایه و یادگیری واژگان عام در قالب حوزه‌های معنایی. تأکید بر یادگیری جمله از آن جهت است که جمله غالباً بر خلاف لغت دارای یک معنای واقعی است و یادگیری آن دقیقتر، سریعتر و راحتتر است. با یادگیری جمله معانی لغات، حروف و حتی برخی از قواعد دستوری پایه نیز به طور غیر مستقیم آموخته می‌شوند. جملات به خاطر سپرده شده به هنگام شنیده شدن نیز سرعت پردازش می‌شوند و نیز می‌توان شیوه ساخت آن را به جملات دیگر تسری داد. تأکید بر این افعال نیز به این دلیل است که افعال معنای گزاره‌ای را شکل می‌دهند و از طریق مشارکان معنایی و متمم‌های نحوی خود اطلاعات نحوی و معنایی موجود در جمله را پیش بینی می‌کنند. سازماندهی کردن واژگان نیز در قالب حوزه‌های معنایی یادگیری واژگان را تسریع می‌کند. بدین معنی که می‌توان واژگان فارسی را در قالب خانواده‌های معنایی دسته بندی کرد و آموزش داد. این مقاله که بر مبنای اصول فوق به گزارش درآمده است، با مقدمه‌ای بر اهداف پژوهش حاضر آغاز و سپس با مروری بر پژوهش‌های مرتبط ادامه می‌یابد. در بخش اصلی مقاله مثال‌های ملموس و نمونه‌های عینی از شیوه‌های تدوین کتاب آموزش واژگان فارسی مناسب برای زبان آموز غیر فارسی زبان با استفاده از این روش ارائه می‌شود. با به کارگیری سه اصلی که در بالا ذکر آن رفت، کتاب‌های آموزشی تدوین می‌شوند که جامع هستند و قابلیت بسط به سطوح پایه تا پیشرفته را خواهند داشت.

کلید واژه‌ها: آموزش زبان، روش طبیعی، فعل، جمله، حوزه‌های معنایی.

نخستین اثر پذیرای های ادب فارسی و عربی از یکدیگر

امیر مومنی هزاوه

ارتباط ایرانیان و اعراب و پیوند زبان و ادبیات فارسی و عربی با یکدیگر از دیر باز وجود داشته است. این روابط پس از پذیرش اسلام از سوی ایرانیان و سپس فتح ایران به دست اعراب بسیار بیشتر و عمیق تر شد و زمینه را برای تأثیر پذیری ادب پارسی و عربی از یکدیگر فراهم آورد. بر این اساس در این مقاله حاضر ضمن مروری مختصر بر سابقه روابط ایرانیان و اعراب، نخستین تأثیر پذیری های ادب فارسی و عربی از یکدیگر به اختصار بررسی خواهد شد. تأثیر فارسی بر عربی و عوامل آن شامل: نیاز اعراب به مفاهیم جدید، ترجمه آثار پهلوی به زبان عربی، عربی آموختن ایرانیان، فارسی آموختن ادبیات عرب و تأثیر پذیری بر ادبیات فارسی و نتایج آن شامل: ورود مفردات و ترکیبات عربی در فارسی، تغییر خط فارسی، تأثیر نثر و شعر عربی بر نثر و شعر فارسی از مقالاتی است که در مقاله حاضر بررسی می شود.

کلید واژه ها: ادب فارسی، ادب عربی، تأثیر ادب فارسی بر عربی، تأثیر ادب فارسی بر ادب عربی.

سیر و سلوک و آفات و موانع آن از نظر مولانا در مثنوی معنوی

دکتر محمد میر

استادیار دانشگاه زابل

ملیحه صحرانورد

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه زابل

حماسه ی بزرگ روحانی بشریت و تفسیر عرفانی و شاعرانه ی قرآن کریم - مثنوی معنوی - کتاب تعلیم طریقت از گذرگاه شریعت به منظور رهایی از تهدید نفس اماره - اعدا عدوک نفسک التی بین جنییک - و عدم تقید به عالم حس برای نیل به حقیقت می باشد. عنقای قاف معرفت - مولوی - با توجه به مضامین عالی قرآن کریم - «وَيُزَكِّيهِمْ وَيَعْلَمُ لَهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ...» - و احادیث - «من عرف نفسه فقد عرف ربه» - و اهمیتی که به اخلاق و تربیت انسان قایل است، چون شیخ تربیت و معلم و مشفق سیراب شده از آبشخور صاف و زلال تعالیم اسلامی، کوشیده است تا با تأویل و تفسیر آیات، احادیث و داستانهای پیامبران و بیان رموز اخلاق شرعی در قالب قصص و تمثیلات اخلاقی - تربیتی، آفات و موانع سیر و سلوک از جمله: خودبینی، سبب اندیشی، اعتقاد به جبر، کبر و انانیت، حسد و ... را با بیانی بسیار شیوا، دلپسند، حکیمانه و مستند به مضامین منشور انسان ساز اسلام - قرآن کریم - معرفی نماید. این عزیز عرش نشین در شرح منظوم قرآن پهلوی و فقه الله الاکبر - مثنوی معنوی - که بر اثر جذبه ی شوق و شور عرفانی وی بیان شده است، طلب وصل و رسیدن انسان به مرحله ی کمال تا معراج روح را که غایت اطوار نفس و موجب ترقی آن به کمال مرتبه ی نفس مطمئنه می باشد، در گرو تمسک به شریعت و سیر در طریقت در پرتو نور شریعت - به عنوان عوامل تهذیب و ترویض نفس و از بین برنده ی حجابها - و گذر از آفات معرفتی دانسته و با بیان و تعلیم آسیب ها و ذکر موانع سیر و سلوک، خواسته است تا انسان را از خود بیرون آورده و ضمن به تعادل آوردن نفس و پرورش استعدادهای خفته ی انسانی و رسیدن به موت اختیاری و حیات طیبه، از وی انسان کاملی بسازد. در این مقاله سیر و سلوک و آفات و موانع آن از نظر شمس تابناک آسمان عشق و معرفت - مولوی - در درخشان ترین سیمای ذوق و اندیشه ی انسانی - مثنوی معنوی - مورد بررسی قرار گرفته است.

کلید واژه ها: قرآن، احادیث، مثنوی معنوی، مولوی، سیر و سلوک، آفات و موانع.

انتقاد مولانا از قشرهای جامعه در مثنوی معنوی

دکتر محمد میر

استادیار دانشگاه زابل

زهره بهمدی

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه زابل

یکی از بزرگترین گنجینه‌های معنوی دنیا که در آن به مباحث انسان شناسی و رابطه‌ی انسان در نظام آفرینش با خدا، خود و طبیعت - به عنوان اصولی‌ترین و جذاب‌ترین موضوعات مثنوی معنوی - و مسایل اجتماعی و جایگاه و مسوولیت قشرهای برتر و تأثیرگذار در جامعه توجه زیادی شده، مثنوی معنوی است که حکیم و عارف عاشق و آگاه - مولوی - آن را آیینی تمام‌نمای اوضاع اجتماعی روزگار خویش و تمام اعصار در حیات بشر ساخته است. توجه عمیق، ریشه‌ای و بنیادی گوهر یکتای دریای معرفت و ابدیت - مولوی - به مسائل اجتماعی و بیان پند و اندرز و دستورات الهی به اقشار برتر و انتظارات و انتقادهایی که کاروان سالار قافله‌ی اندیشه و تخیل بشر - مولانا - در زمینه‌های اجتماعی از اقشار مختلف به شیوه‌ی غیرمستقیم و در قالب حکایات و بیان تمثیل‌های زیبا، جذاب و تأثیرگذار دارد، این گنجینه‌ی معارف و حقایق - مثنوی معنوی - را راهنما و منشور بسیار جامع و کاملی جهت شناخت اقشار و تأثیر آنها بر جامعه در طول حیات بشر قرار داده است. در این مقاله انتقاد مولانا از قشرهای مهم جامعه از جمله: پادشاهان، صوفیان، علما، فقها، قاضیان و ... در عالی‌ترین مولود ذهن و قاد و اندیشه‌ی عمیق بشری - مثنوی معنوی - مورد بررسی قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها: مولوی، مثنوی معنوی، اقشار مهم، اجتماع، انتقاد.

«انسان‌گرایی اسلامی در قصاید ناصر خسرو»

مصطفی میردار رضایی

در مکتب اومانیسم، انسان جای خدا را می‌گیرد. در حقیقت انسان قهرمان این مکتب است و در آن نشانی از خدا و خدایان دیده نمی‌شود. اومانیسم جهان‌منهای خدا و به قول نیچه: «خود خدای خویش» بودن است. اگرچه اصول این مکتب در طول تاریخ به انحای مختلف دیده می‌شود، ظهور و بروز و حضور این مکتب به صورت خاص و رسمی، و نه اسمی، پس از رنسانس است. حال که اومانیسم درست در مقابل مذهب و خدا می‌ایستد و بی‌خدایی را ترویج می‌کند، اومانیسم اسلامی دیگر چیست؟! اسلام که خدا در مرکز و محور آن است چگونه به مساله‌ی انسان می‌پردازد؟ در اسلام و کلام خداوندش (قرآن) انسان از خاک پست آفریده شده است، اما از روح پروردگارش نیز سرشار می‌شود. یک مخلوق دو بعدی! انسان همان اقتدار و اختیار اومانیستی را دارد، با این تفاوت که جانشین خدا و مسئول اعمال، رفتار و افعال نیک و بد خویش است. این جستار پس از معرفی مکتب اومانیسم و تشریح اومانیسم اسلامی، به نقد، بررسی و تبیین نقش انسان و میزان اراده و اختیار او در جهان هستی، جایگاهش در مقایسه با دیگر مخلوقات و مسئول بودنش در قبال رفتار و اعمال و افعال خود، در دیوان و نظرگاه حکیم ناصر خسرو می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: اومانیسم، اومانیسم اسلامی، ناصر خسرو، خرد و طاعت، اراده و اختیار.

بررسی عوامل انسجامی در کتاب زبان انگلیسی اول دبیرستان

دکتر مهین ناز میردهقان

استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی

مرضیه سادات مظاهری

دانشجوی کارشناسی ارشد آرفا، دانشگاه شهید بهشتی

تحلیل گفتمان که تحلیل زبان در کاربرد آن است امروزه از اهمیتی قابل توجه در بازخوانی و بررسی متون مختلف ادبی و آموزشی در زبان‌شناسی برخوردار می‌باشد، و در مفهومی کلی در کاربرد زبان در سطحی بالاتر از جمله و توجه به تاثیر فرهنگ و بافت بر زبان به کار برده می‌شود. امروزه تحلیل گفتمان به صورتی فزاینده در تحقیقات زبان‌شناسی کاربردی، یادگیری و تدریس زبان دوم به ایفای نقشی زمینه‌ای پرداخته و در تحلیل‌های نوشتاری و گفتاری، به ویژه در متون زبان‌شناسی و ادبی، مورد توجه قرار گرفته است. در این راستا پژوهش‌های داخلی توسط طارمی و رحمانی (۱۳۷۹)، احمدی (۱۳۸۰)، آقا گل زاده (۱۳۸۱)، یارمحمدی (۱۳۸۳)، میردهقان (۱۳۸۹) در میان سایرین قابل ذکر می‌باشد. همچنین پژوهش‌هایی در زمینه بررسی کتب درسی مدارس و آموزشگاه‌ها به انجام رسیده که در آن میان کمبود پژوهش‌های نقش‌گرایانه بر کتاب زبان انگلیسی اول دبیرستان مشهود است. بر همین اساس پژوهش حاضر با هدف ارائه تحلیلی توصیفی در گفتمان این کتاب به بررسی داده‌های زبانی از متون درک مطلب تمامی ۹ درس این کتاب پرداخته است. انجام این مهم بر مبنای چارچوب نظری نقش‌گرای هلیدی و حسن (۱۹۷۶) و با استخراج عوامل انسجامی "دستوری" (ارجاع {شخصی، اشاره‌ای، مقایسه‌ای}، حذف)، "واژگانی" (تکرار، تضاد، باهم‌آیی، هم‌معنایی)، و "پیوندی" (ادات ربط افزایشی، ادات ربط زمانی، انسجام تقابلی و انسجام شرطی) و با تحلیل آماری آنان در متون درک مطلب کتاب مذکور به انجام رسیده، که در طی جداولی مجزا در مقاله ارائه شده است. میزان فراوانی عوامل انسجامی موجود، که خود موجبات تسهیل درک دانش‌آموزان را از این متون به همراه دارد، نمایانگر حضور گسترده عوامل انسجامی مذکور باوجود عدم توجه نویسندگان کتاب به مباحث نقش‌گرایی است. پژوهش حاضر همچنین با تاکید بر کاربرد و اهمیت انسجام واژگانی در متون آموزشی زبان انگلیسی اول دبیرستان مدارس ایران به بررسی میزان کاربرد هر یک از عوامل انسجامی در کتاب آموزشی مورد بررسی پرداخته است.

کلید واژه‌ها: انسجام، تحلیل گفتمان، نقش‌گرایی، متون آموزشی، درک مطلب.

تحلیلی بر کتاب آموزش فارسی به فارسی جامعه‌المصطفی بر اساس رویکرد تکلیف محور (کتاب‌های ششم و هفتم و کتب کار)

دکتر مهین ناز میردهقان

استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی

طاهره عبداللهی پارسا

دانشجوی کارشناسی ارشد آرفا، دانشگاه شهید بهشتی

علی عبداللهی پارسا

مدرس الکترونیک، دانشگاه پیام نور

تحلیل کتاب‌های آموزشی زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان بر مبنای رویکردهای آموزش زبان از نقشی اساسی در تبیین نقاط قوت و ضعف آنان و برنامه‌ریزی برای تدوین کتاب‌های جدید ایفا می‌نماید. در این ارتباط رویکرد تکلیف‌محور، با جایگزین‌سازی رویکرد فرهنگی و رفتاری در آموزش زبانی به جای رویکرد ابزاری، برنامه‌های درسی را مبتنی بر فعالیت‌ها و نیازهای واقعی زبانی و تکالیف را به صورت فعالیت‌هایی واقعی می‌داند که بر مبنای نیازها طراحی می‌شوند و موجبات توانش گفتمانی و تعامل زبان‌آموزان در خارج از کلاس را فراهم می‌آورد. بر این مبنا پژوهش حاضر بر آن است تا بر اساس مولفه‌های رویکرد تکلیف‌محور (نونان، ۲۰۰۸) به تحلیل کتاب‌های ششم و هفتم "آموزش فارسی به فارسی" در دانشگاه بین‌المللی المصطفی (جامعه‌المصطفی العالمیه) همراه با کتب کار هر یک پردازد. جامعه‌المصطفی، به عنوان نهادی آموزشی-پژوهشی در علوم اسلامی و انسانی برای متقاضیان غیرایرانی، از مراکز شایان توجه در آموزش زبان فارسی در راستای گسترش فرهنگ اسلامی و ایرانی است. در رسیدن به اهداف تحقیق، فعالیت‌های دو کتاب آموزشی و دو کتاب کار مورد بررسی از سه منظر "جایگاه فعالیت" (مشمول بر: تکالیف پیش از خواندن، حین خواندن و پس از خواندن)، "نوع پردازش" (به صورت پردازش: بالا به پایین، پردازش تعاملی، پردازش پایین به بالا)، و "شکل فعالیت" در چهارچوب تکلیف‌محور تحلیل و با استفاده از جداول و نمودارهایی مجزا ارائه و مورد مقایسه قرار گرفته شده‌اند. تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS به انجام رسیده است. نتایج تحقیق ضمن ارائه نقاط قوت کتب مورد بررسی، نمایانگر نقاط ضعفی همانند کاربرد شیوه سنتی در طراحی دروس، عدم بهره‌گیری کافی از مولفه‌های رویکرد تکلیف‌محور، عدم استفاده از تکالیف پیش از خواندن و حین -

خواندن، عدم توجه به عوامل موثر بر انگیزه زبان آموزان در طراحی شکل فعالیت‌هاست، که به عدم ایجاد ارتباط مناسب میان محیط کلاس و محیط طبیعی می‌انجامد. از سویی دیگر فعالیت‌های مزبور، با تاکید بر دو مهارت خواندن و نوشتن، تعامل لازم با دیگر فعالیت‌ها به ویژه در تقویت مهارت شنیدن و صحبت کردن را ایجاد نمی‌نماید. پژوهش حاضر در تلاش است تا با بهره‌گیری از رویکردهای نوین زبان‌شناختی، و با ارائه راهکارهای موثر در بهبود مشکلات مذکور در طی مقاله، بتواند گامی باشد در راستای بهبود شیوه‌های تهیه و تدوین کتب آموزشی زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان در میهن اسلامی مان ایران.

کلیدواژه‌ها: تکلیف محور، رویکرد سنتی، تکالیف، طرح دروس، توانش گفتمان.

نگاهی به دوربندی تاریخ ادبیات ایران

دکتر میرزاملّا احمد

تاجیکستان

ادبیات ایران (به مفهوم وسیع تاریخی اش) یکی از قدیمیترین و غنیترین ادبیاتهای عالم بوده، سنتها و ارزشهای خاص دارد، که در درازنای تاریخ چندین هزارساله صورت گرفته‌اند. هرچند تحقیق این ادبیات در قرون وسطی از طریق تذکره و رساله‌های گوناگون و از قرن ۱۹ در اروپا با روش علمی شروع شده است، ولی متأسفانه، هنوز مسئله‌های زیاد آن مورد بحث و تحقیق جدی قرار نگرفته‌اند و به طور گوناگون توضیح می‌یابند. از جمله همین گونه مسئله‌های بحث‌انگیز دوربندی تاریخ ادبیات مذکور می‌باشد. در منابع تاریخی و ادبی امثال تذکره و رساله‌ها و کتب و دستوره‌های زیاد تاریخ ادبیات، که دانشمندان ایرانی و تاجیک و اروپایی نوشته‌اند، دوره بندی ادبیات به طور گوناگون صورت گرفته است. در نخستین تذکره تا امروز بر جای مانده ادبیات فارس و تاجیک «لباب‌الالباب» محمد عوفی بخارایی دوره بندی عملی تاریخ ادبیات را می‌توان مشاهده کرد. در قسمت اول تذکره دسته‌بندی ادیبان از روی طبقات، یعنی سلاطین، ملوک، امرا، علما، فضلا و غیره صورت گرفته است. سپس روش منسوبیت به خواندانه‌های حکمران چون سلاله‌های آل طاهر، آل لیث، آل سامان، آل ناصر و آل سلجوق استفاده شده است. در تذکره‌های قرون بعد روشهای گوناگون دسته‌بندی ادیبان صورت گرفته است، امثال زمان تاریخی («تذکره الشعر ا» دولتشاه سمرقندی، «خلاصه‌الاشعار و زبده‌الافکار» تقی‌الدین کاشانی، «تذکره ندرت» دانشورخان...)، جغرافیایی یا مکانی («آتشکده» آذر، «مقالات الشعرا» قانع، «طبقه ای» «تحفه سامی» سام میرزای صفوی، «انجمن خاقان» فاضل خان گروسی...)، موضوع و انواع ادبی («تذکره میخانه» ملّا عبدالنبی قزوینی، «خلاصه‌الکلام» خلیل، «ریاض العارفین» رضاقلی خان هدایت، «تذکره‌الخواتین» ملک‌الکتاب شیرازی، «بوستان الصنایع» ا شهره...، الفبایی «ریاض الشعرا» واله، «انجمن‌آرا» اختر، «کلمات الشعرا» سرخوش، «تذکره حسینی» میرحسین دوست، «خزانه عامره» آ زاد بلگیری، «صحوف ابراهیمی» خلیلخانی... و غیره. در بعضی تذکره‌ها کاربرد چند روش دسته‌بندی را می‌توان دید. مثلاً در «آتشکده» آذر روش زمانی و مکانی (جغرافیایی)، «سفینه‌المحمود» محمود میرزای قاجار روش طبقه ایی و جغرافیایی، کاربرد شده است. همین گونه دوره بندی را در آثار محققان معاصر نیز می‌توان مشاهده کرد. گروهی از دانشمندان امثال شبلی نعمانی، صدرالدین عینی، ملک الشعرا بهار، ذبیح‌الله صفا، ا. س.

برآگینسکی از روی زمان تاریخی، گروه دوم امثال ادوارد براون، حسین فریور به نسبت سلاله‌ها، گروه دیگر چون هرمان اته، زین‌العابدین معتمن بر مبنی موضوعات و احمد تفضلی بر اساس زبان تاریخ ادبیات را دوربندی کرده‌اند. مسئله دوره بندی تاریخ ادبیات فارس و تاجیک را به طور جداگانه و علمی بار اوّل محققان روس اس. براگینسکی و ان. بالدریف مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. همچنین زین‌العابدین معتمن، نکهت سعیدی، اسدالله حبیب، محمود فتوحی، عبدالنبی ستارزاده راجع به مسئله دوره بندی تاریخ ادبیات فارسی توقف نموده‌اند. از جمله اس. براگینسکی دوره بندی تاریخ ادبیات را بر مبنی قرن‌ها پیشنهاد نموده، «دوربندی سلاله ای را کاملاً کهنه شده» می‌حسابد. به نظر ما دوره بندی تاریخ ادبیات فارس و تاجیک را فقط بر مبنی قرن‌ها انجام دادن کافی نمی‌باشد. زیرا حادثه و پدیده‌های مهم ادبی نه همیشه با دوره‌های تاریخی مستقماً سازگاری دارند. بنا بر این برای دوره بندی تاریخ ادبیات باید قبل از همه عامل‌های تشکّل دهنده هر دوره ادبیات را به طور مشخص تعیین کرد. این عامل‌ها برای هر ادبیات یا دوره‌های آن می‌توانند متفاوت باشند. در تشکّل دوره ادبیات گاه زبان، گاه محیط سیاسی و اجتماعی و گاه محیط فرهنگی یا عوامل دیگر اساسی و حل‌کننده می‌باشند. به این ترتیب به نظر ما در دوره بندی تاریخ ادبیات ایران یا فارس و تاجیک استفاده کردن روش جامع و به اعتبار گرفتن معیار و عامل‌های گوناگونی، که در تشکّل و رشد حیات ادبی اثر گذاشته‌اند، ضرور می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: ادبیات ایران، دوره بندی، تذکره، روش تاریخی، روش جامع.

تحلیل معناشناختی واژگان فارسی در شعر رؤبه بن عجاج

دکتر سید محمود میرزایی الحسینی

تأثیر و تأثر میان دو زبان فارسی و عربی یکی از مباحث مهم و قابل توجه در ادبیات تطبیقی (ادب سنجشی) به شمار می آید. بررسی واژگان معرب فارسی در دواوین شاعران عرب سیر نفوذ اندیشه و فرهنگ و تمدن ایرانی را در زبان و فرهنگ و ادب عربی به خوبی نمایان می سازد. در این مقاله سعی شده است تا با مطالعه ی دقیق و مکرر دیوان رؤبه بن عجاج شاعر دوره اموی، واژگان فارسی به کار رفته در دیوان شعر نامبرده (که تعدادشان به ۳۰ واژه می رسد) بر اساس پژوهش های معرب پژوهان و لغت شناسان عرب و ایرانی بررسی گردد. در این مقاله ابتدا به «واژه شناسی» واژگان پرداخته شده و سپس به «تحولات معنایی» و تغییرات بوجود آمده در صامت ها و مصوت های واژگان معرب اشاره شده و در پایان «حوزه های معنایی» آن ها بررسی و تحلیل گردیده است.

کلید واژه ها: رؤبه بن عجاج، شعر عربی دوره اموی، تحلیل معناشناختی، ادبیات تطبیقی.

معرفی کهن ترین نسخه خطی کتابخانه گنج بخش در طب

علی (پدرام) میرزایی

نسخه های خطی بازگوینده گذشته درخشان تمدن و فرهنگ و زبان است. احیای نسخه های خطی فارسی گشودن و ورق زدن برگ های زرین تاریخ و تمدن ایران و زبان فارسی است. کتابخانه گنج بخش اسلام آباد، بزرگ ترین ثروت ایران را در خارج از کشور در خود نهفته دارد. در این کتابخانه گنج هایی نهان شده است که پس از زدودن گرد و غبار زمانه درخشش آنها چشم را خیره و انسان را مسحور می کند. یکی از این گنجینه های فراموش شده کتابی در طب از قرن ششم یا اوایل قرن هفتم است که با شماره ۱۵۵۹۷ در این گنج خانه نهان مانده است. اول و آخر این نسخه افتادگی دارد، یک طرف آن جلد ندارد. نسخه دارای ۲۶۶ صفحه است، از صفحه ۲۳۷ کتاب دیگری در طب به متن اصلی افزوده شده است. متن اصلی نسخه ۲۳۶ صفحه آغازین اثر را شامل می شود که با خط نسخ تحریری قدیم نوشته شده است. طول کتاب ۱۷/۵ و عرض آن ۱۲/۵ است (تقریباً رقی). هر صفحه ۱۱ سطر دارد و طول هر سطر ۱۰ سانتیمتر است. در هر صفحه حدود ۷۰ کلمه درج شده است. در این مقاله سعی می شود تا اهم ویژگی های این نسخه منحصر به فرد شناسانده شود تا بتوان بیش از پیش به توانایی های زبان علمی زبان فارسی پی برد و از سویی دیگر واژگان کهن از یاد رفته معرفی و معنا شوند و غنای زبانی بیشتر گردد.

کلید واژه ها: نسخه خطی، زبان فارسی، طب، گنج بخش.

تجلی ایهام در دستور

فروغ میرزایی

شعر زبان زیبایی آفرینی، زیباشناختی و احساس است. یکی از موارد زیبایی آفرینی در شعر دو معنایی بودن واژگان است و این دو بعدی بودن، سخن را بدیع و شگفت‌انگیز خواهد نمود. ایهام زیباترین و هنری‌ترین آرایه درونی است که سخنور با به کارگیری آن دو معنای متفاوت را در سخن خویش گنجانده است و ذهن خواننده را به تکاپو در دریافت مقصود خود وا می‌دارد. شگفت‌انگیز بودن ایهام تا بدان جاست که گاه واژه دارای ایهام دو نقش دستوری متفاوت را هم‌زمان در یک بیت برعهده می‌گیرد. در مقاله حاضر با استخراج برخی ابیات که آرایه ایهام در آنها به کار رفته، به نمایاندن و شرح دو معنای واژه موردنظر پرداخته شده و سپس نقش‌های دستوری متفاوت که در آن شعر پذیرفته است بیان و دسته‌بندی شده است.

کلید واژه‌ها: زیباشناختی، ایهام، نقش دستوری، آرایه درونی، دگرسازی.

برخی از فرایندهای واجی در لهجه اصفهانی در چارچوب نظریه واج‌شناسی زایا

عاطفه سادات میرسعیدی

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان (اصفهان)

رها زارعی فرد

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد جهرم

«گوش»^۱ و «لهجه»^۲ بخش جدانشدنی از زبان را تشکیل می‌دهند، لذا تحلیل دقیق هر یک از گویش‌ها و لهجه‌ها می‌تواند ارزشمند باشد. در این راستا مقایسه هر گویش یا لهجه^۱ از نظر آوایی، واژگانی، ساختواری، و نحو با زبان معیار بخش عمده و کلیدی تحلیل را شامل می‌شود. در این رابطه بررسی فرایندهای آوایی و واجی موجود در لهجه‌های مختلف زبان فارسی امریست که همواره مورد توجه و علاقه استادان و دانشجویان زبان‌شناسی بوده است. مقاله حاضر، تفاوت‌های واجی موجود میان «لهجه اصفهانی» و فارسی معیار را مورد بررسی قرار می‌دهد و به تحلیل فرایندهای واجی^۳ و تنظیم قواعد واجی^۴ براساس مشخصه‌های ممیز^۵ در چارچوب نظریه «واج‌شناسی زایا»^۶ و «مدل معیار»^۷ می‌پردازد. بدین منظور، داده‌های لازم از طریق ضبط گفتار عادی اصفهانی‌زبانان و نیز استفاده از آنچه توسط دیگر زبان‌شناسان جمع‌آوری شده، به دست آمده، با فارسی معیار مقایسه شده است. تحلیل و بررسی حاضر اهمیت کاربرد مشخصه‌های ممیز را از یک سو و برتری واج‌شناسی زایا را از سوی دیگر نشان می‌دهد، بدین صورت که با استفاده از مشخصه‌های ممیز می‌توان به تنظیم دقیق‌تر قواعد واجی دست یافت و از طرفی با کاربرد مدل معیار واج‌شناسی زایا می‌توان به دانش واجی ناخودآگاه یک زبانمند بومی با لهجه خاص پی برد. نتایج این تحقیق می‌تواند در انجام تحلیل‌های بعدی لهجه اصفهانی مؤثر واقع شود.

کلیدواژه‌ها: فرایندهای واجی، قواعد واجی، مشخصه‌های ممیز، واج‌شناسی زایا، مدل معیار، ابدال^۸، همگونی^۹، ناهمگونی^{۱۰}، حذف^{۱۱}، اضافه^{۱۲}، قلب^{۱۳}.

۱- dialect

۲- accent

۳- phonological processes

۴- phonological rules

۵- distinctive features

۶- Generative Phonology

۷- Standard Model

۸- sound alternation

۹- assimilation

۱۰- dissimilation

۱۱- deletion

۱۲- consonant epenthesis

۱۳- metathesis

جلوه های نور و رنگ در مثنوی

دکتر جلیل مشیدی

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک

طاهره میرهاشمی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک

مولوی انسانی دگر اندیش است که هستی را با دید خاص خود می نگرد. دگر اندیشی مولانا از نگاه پدیدار شناسانه وی نشأت می گیرد که به موجب آن برای شناخت راستین امور، باید ذهن را از هرگونه پیش داوری و جانبداری خالی کرد به موجب همین طرز اندیشه، مولوی نسبت به همه پدیده های هستی نظری نسبی و به دور از تعصب دارد؛ این نسبی گرایی منجر به ارائه نظرات متغیری درباره عناصر هستی شده است که رنگ یکی از آنهاست. در این پژوهش، بر آنیم تا با مروری بر مثنوی به نگرش مولانا نسبت به این پدیده بپردازیم و با توجه به این که نور شرط اصلی و لازم برای دیدن رنگ است، به آن نیز خواهیم پرداخت.

کلید واژه ها: مولوی، مثنوی، رنگ، نور.

بررسی مفهوم آتش در دین زرتشت و دیوان حافظ

دکتر اشرف میکاییلی

استادیار دانشگاه محقق اردبیلی

جمیله سهرابی

دانشجوی کارشناسی ارشد

آتش و نور، در همه ی مذاهب مظهر خداوند است. خدا در اسلام، نور آسمانها و زمین است. «اللَّهُ نُورٌ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ» (نور/۳۵). آتش هم در دین زرتشت، و هم در دیوان حافظ، نماینده ی فروغ مینوی است که در دل هر کس جلوه ای دارد و برای زندگی و آبادانی، او را گرما و نور می بخشد. آتش علاوه بر اینکه نماد و رمزی از خداوند متعال است، دارای دو نقش مثبت و منفی نیز می باشد. در دیوان حافظ، این واژه بیش از هشتاد بار به کار رفته است که در بسیاری از موارد، نقاط مشترک فراوانی با دین زرتشت دارد، که بیشتر از همه شاعران، حافظ، از آموزه های زرتشتی تاثیر گرفته است. البته ریشه ی همه ادیان یکی است و خدا در رأس امور قرار دارد. بنابراین، در این پژوهش سعی بر آن است که به بررسی مفهوم آتش در دین زرتشت و دیوان حافظ پرداخته و وجوه اشتراک و افتراق آنها نیز بیان گردد.

کلید واژه ها: دین - آتش - دین زرتشت - دیوان حافظ.

گونه های ترسیم حیوانات در دیوان رودکی

مهدی ناصحی

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

محبوبه شادپی

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی

تمام داستان های طبیعت و بخش عمده ای از طبیعت یعنی حیوانات در میان ملل با سابقه نظیر هند و یونان و ایران یافته می شود این ملت ها به دلیل ریشه داشتن تحولات ذهنی خود، بیش از جوامع نوپا به طبیعت به عنوان عمق هستی، نگریسته اند. اولین اسطوره ها، اولین داستان های مربوط به طبیعت و به طور اخص اولین جلوه های تشخیص بخشی به جانوران نیز به آنان تعلق دارد. انگیزه پرداختن به این موضوع هم در این مقاله، نشان دادن خلاقیت شعری رودکی در ترسیم چهره حیوانات است. تا کنون مجموعه مدوئی که موقعیت جانورن را در شعر و ادب و فرهنگ فارسی، یک جا تکمیل و عرضه کند، فراهم نیامده است. به ویژه این که پژوهشی هم در توصیف حیوانات دیوان رودکی صورت نگرفته است. در این نوشتار مدخل ها بر اساس حروف الفبا تنظیم شده است و اگر مدخلی با دو نام یا بیشتر شهرت داشته، بر اساس نام معروف تر در فهرست قرار گرفته است و سایر اسامی در خلال متن قید شده است. در آغاز ریشه واژگانی، سپس نوشتارهای اوستایی و نوشتارهای پهلوی، ذکر گردیده است، پس از آن به تحلیل و بررسی نقش زیبایی شناسی و نشان دادن جلوه های گوناگون جانوران در حوزه خیال و تصویر پردازی های متنوع دیوان رودکی سمرقندی پرداخته شده است. جنبه های تشبیه و سایر آرایه های ادبی که بر پایه تشبیه بنا شده و ترکیب های وصفی به این بخش مربوط می شود. به ابیاتی که در وصف حیوانات است و حکم مثل سائر پیدا کرده، نیز توجه شده است. نتیجه ای که از این مقاله حاصل می شود علاوه بر قدرت بیان رودکی در پردازش و معرفی خصوصیات جانوران، آن هم در دوره های آغازین شعر، بسامد بالای نام حیوانات است و می تواند مبین این نکته باشد که اگر آثار کامل او به دست ما می رسید مجموعه ای رنگارنگ از حیات حیوانات پیش رویمان قرار داشت.

کلید واژه ها: دیوان رودکی، خلاقیت هنری، طبیعت، خصوصیات حیوانات، گونه های توصیف، نقش

زیبایی شناسی

تعامل گویش‌های فارسیِ مرزی ایران و افغانستان

محمدامین ناصح

دانشگاه بیرجند

دو کشور ایران و افغانستان با بیش از ۴۰۰ کیلومتر نوار مرزی مشترک (از حوالی تایباد در خراسان رضوی تا نهبندان در خراسان جنوبی) از گذشته تا کنون علاوه بر روابط تجاری حاصل از همجواری، تعاملات زبانی و گویشی متنوع و در خور توجهی در حوزه‌های مختلف زبانی (اقوام هزاره فارسی‌زبان و نیز بعضاً اقوام پشتوزبان) داشته‌اند که کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است و طبعاً نقشه گویشی که در آن، مرز این گویش‌ها مشخص شده باشد، وجود ندارد. حضور انگلیسی‌ها در مجاورت مستعمرات خود در شبه‌قاره در سده‌های اخیر و نیز استقرار اردوگاه‌های دولت انگلیس در این نواحی به موازات جنگ جهانی و همچنین عواملی چون جنگ فرسایشی در افغانستان و از سویی کاهش فرصت‌های شغلی و افزایش مهاجرت در دهه‌های اخیر، ضرب‌آهنگ تحولات گویشی و داد و ستد زبانی را در این خطه شتاب بخشیده است. نگارنده در این مقاله بر آن است تا با بهره‌گیری از الگوهای رده‌شناسی منطقه‌ای (Aerial Typology) به بررسی تطبیقی منتخبی از گویش‌های مرزی استان‌های خراسان رضوی و جنوبی از جمله بیرجندی، نهبندانی، قاینی، خوافی، جامی و تایبادی (بخشی از گویش‌های قُهستان قدیم) از یک سو و گویش‌های فارسی افغانستان (به‌ویژه هرات) پرداخته و کیفیت تعامل این گویش‌ها را در نگاه کلان مورد مطالعه قرار دهد. لازم به ذکر است که داده‌های مورد استفاده در این پژوهش، از طریق مراجعه مستقیم پژوهنده به محل و به‌وسیله مصاحبه با گویش‌وران بومی و تکمیل پرسشنامه مربوط گردآوری شده است. از بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود میان گویش‌های فارسی مورد اشاره، می‌توان به نظام غالب رده‌شناختی این گویش‌ها دست یافت و دلایل احتمالی برخی از تفاوت‌های دستوری را ردیابی و گمانه‌زنی کرد و نهایتاً گام دیگری در راستای شناخت بهتر جغرافیای زبان فارسی و تعاملات زبانی و گویشی آن برداشت.

کلیدواژه‌ها: رده‌شناسی منطقه‌ای، مرز زبانی، گویش‌های فارسی افغانستان، جنوب خراسان، قرض‌گیری واژگانی.

دلایلی چند بر توارث گویش بهدینی از صورت جنوبی فارسی میانه ساسانی

فریبا ناصری کوهبنانی

کارشناسی ارشد

در دوره پیش از اسلام به جای گونه ای واحد و رسمی از زبان، ما با سیلان صوری چندگانه از زبان های ایرانی رو به رو هستیم. در دوره ساسانیان نیز زبان ها و گویش های متعددی در نواحی وسیعی از ایران موجود بوده اما زبان رسمی این سلسله که ما آن را فارسی میانه ساسانی می خوانیم مسلماً خود زیر شاخه هایی یافته است به ویژه که به دو شاخه اصلی تر در شمال (دری) و جنوب (پهلوی) منشعب شده است. شاخه جنوبی فارسی میانه ساسانی خود نیز در اواخر دوره ساسانی و قرون اولیه اسلام به گونه هایی متفاوت تقسیم شد. آثار مکتوب زرتشتی (به خط اصطلاحاً پهلوی) در قرون اولیه اسلامی را می توان -به دلیل خصایص مشابه اش- وارث همین گونه زبانی دانست و آثار زبانی این گونه را که به پهلوی به کتابت درآمده، می توان امروزه در گویش رایج بهدینان یزد و کرمان دید. هدف نوشتار پیش رو همانا آوردن شواهد و ادله ای چند در زمینه آواشناسی، واژگان و ساختار از دو گویش بهدینان کرمان و یزد و قیاس و تقابل آن دو با صورت جنوبی فارسی میانه ساسانی است که نهایتاً اثبات می کند گویش بهدینان، دنباله زبان فارسی میانه ساسانی در جنوب است که در طی ۳-۴ سده پس از اسلام آثاری از آن به خط رایج آن دوره (پهلوی) نگاشته و گردآوری شده است.

کلیدواژه ها: گویش بهدینان یزد و کرمان، زبان فارسی میانه ساسانی، آثار مکتوب زرتشتی، خط پهلوی، خصایص آواشناسی و زبان شناسی.

بررسی اصلی‌ترین جلوه‌های ادبیات غنایی در سه منظومه‌ی نظامی (خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، هفت‌پیکر)

فرشته ناصری

دکتر عبدالحسین فرزاد

دکتر امیرحسین ماحوزی

ادبیات جهان در بردارنده‌ی بخش بزرگی از احساسات و تفکرات انسانی است که تمامی وجوه زندگی فردی و اجتماعی آن را در بر می‌گیرد. ادبیات حماسی، پایداری، غنایی، عرفانی و... همگی اشاره به مجموعه‌ای بزرگ از متون دارند که هر یک به فراخور موضوع، حقایقی از تمدن بشری را در بردارند. نظامی، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین و تواناترین شاعران عرصه‌ی ادب فارسی، بی‌تردید نماینده‌ی بی‌چون و چرای ادبیات غنایی است که پنج‌گانه‌ی بی‌بدیش الگوی شاعران و ادبای زیادی قرار گرفته است. در میان آثار وی، سه مجموعه‌ی «خسرو و شیرین»، «لیلی و مجنون» و اثر قدرتمند و داستانی «هفت‌پیکر» جزء مهم‌ترین آثار غنایی ادبیات فارسی به شمار می‌روند. که به دلیل ویژگی‌های زیبایی‌شناسانه و جلوه‌های آشکار عشق، زن، بزم و طرب و موسیقی در آن‌ها، جزوی از این گنجینه محسوب می‌شود. بررسی ویژگی‌های ادبیات غنایی، به عنوان یکی از اصلی‌ترین شاخه‌های ادبیات جهان و کاویدن آن‌ها در سه منظومه‌ی مذکور نشان می‌دهد که این شاعر توانا و چیره‌دست ایرانی چگونه و تا چه اندازه توانسته است حق این نوع ادبی (غنایی) را به خوبی ادا کند. در این مقاله به بیان محوری‌ترین ویژگی‌های ادبیات غنایی که در سه منظومه‌ی نظامی به کار گرفته شده و مطرح گشته است می‌پردازیم.

کلید واژه‌ها: نظامی، ادبیات غنایی، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، هفت‌پیکر.

از خوانش سایه‌های متن تا گشایش لایه های فهم

قاسم نامدار

کارشناس ارشد ادبیات فارسی دانشگاه

انسیه سلطانی

کارشناس ادبیات فارسی دانشگاه تربیت معلم تبریز

ادبیات شکوهمند فارسی و متون ارزشمند آن علاوه بر مفاهیم ارزشمند صاحب‌رو ساخت‌های دامنه‌داری است. از جمله مقوله‌ی مهمی که دانش‌پژوهان رشته‌ی ادبیات به خصوص دانش‌آموزان و دانشجویان و به صورت عام‌تر فارسی‌زبانان با آن مواجه‌اند خوانش و قرائت متون قدیم و جدید است. خوانش متون در سایه‌ی حساسیت‌های مثبت اهل زبان آثار کارگشایی با خود دارد به گونه‌ای که بازتاب تأثیرگذار آن در سایر درس‌ها و گرایش‌های علم‌قابل مشاهده است. مقصود از واژه‌ی خوانش در این مقاله روخوانی و روان‌خوانی متن‌های فارسی در حوزه‌های علمی و ادبی به گونه‌ای صحیح است. بنابراین ابتدا به واکاوی اهمیت خوانش متن و لزوم آموختن متن خوانی صحیح می‌پردازد و سپس در پی این است که اثبات کند آیا برای خوانش صحیح معیارهایی می‌توان جستجو کرد؟ در ادامه به این پرسش می‌اندیشد که گشایش‌های منتج شده از چنین خوانش در چه شمایی قابل مشاهده است. نتایج حاصل از مقاله‌ی حاضر در موارد زیر خلاصه می‌شود.

- متون متنوع ادبیات فارسی از جمله سرمایه‌های گرانبه‌ای ما فارسی‌زبانان است.
- قرائت صحیح، معیارهای به خصوصی دارد که با رعایت آنها می‌توان به اهداف صاحب‌اثر دست یافت.
- خوانش متون ضمن نمایان‌دورنمای اندیشه‌ی خود فواید گسترده‌ای برای خواننده دارد.
- قرائت صحیح و فکر مسلط بر اثر با فهم مخاطب رابطه‌ای تنگاتنگ دارند.

کلیدواژه‌ها: نظم و نثر، متن‌خوانی، فارسی‌زبانان، متون فارسی، خوانش.

مولانا و خواب سور رئالیستی

سمیه نبوی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز

اعظم حسینی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز

دنیای خواب با تمام راز و رمزهایش از دیرباز، ذهن انسان را به خود مشغول کرده و هر کس از بعدی به این مسأله نگریسته و سخن گفته است؛ روانشناسی از زاویه‌ای، و ادیب از منظری جداگانه به دنیای خواب نگریسته‌اند؛ گه گاه نگاه‌های متفاوت در یک نقطه‌ی مشترک تلاقی می‌یابند و باز از هم می‌گریزند. از میان مکاتب ادبی، سوررئالیسم بر اهمیت خواب در شناخت جهان و در پی بردن به واقعیت - گاه بسیار بیشتر از بیداری - تاکید دارد؛ در عرفان اسلامی نیز - به ویژه عرفان مولانا - خواب به عنوان یک منبع الهام مورد توجه است؛ نگاه مولانا به خواب و شیوه‌ی بیان او گاه به سوررئالیست‌ها نزدیک می‌شود. مقاله‌ی حاضر، اشاره‌ای گذرا به برخی تلاقیگاه‌ها و گریز گاه‌های نگاه این دو مکتب (مولانا و سوررئالیسم) به خواب است. یافته‌های پژوهش نشان داد که در نگاه سور رئالیست‌ها، خواب و واقعیت می‌توانند در فرا واقعیت یکی شوند و گاه شیوه‌ی داستان پردازی مولانا به این نظر بسیار نزدیک می‌شود؛ گاه در داستان‌های مولانا، مرز میان خواب و بیداری شکسته می‌شود و هر دو یکی می‌شوند. هم‌چنان که از نظر سوررئالیست‌ها، خواب و بیداری می‌توانند هر دو تعبیر و جزئی از یک واقعیت کلی‌تر در زندگی باشند، از نظر مولانا نیز این دو در عرض یا تداوم هم جریان دارند؛ گاه بیداری تعبیر خواب است و گاه، خواب، تعبیر بیداری فرد. خواب برای مولانانیز مثل سور رئالیست‌ها، نشانه‌ای است که گاه واضح و گاه مبهم، مسیر زندگی فرد را مشخص می‌سازد.

کلید واژه‌ها: خواب، سوررئالیسم، مکتب ادبی، مولانا.

کارکرد نظریه تحلیل روایی گرماس در بررسی داستانی از مثنوی (داستان پادشاه جهود که نصرانیان را می کشت از بهر تعصب)

دکتر علیرضا نبی لو

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم

در این مقاله داستان «پادشاه جهود که نصرانیان را می کشت از بهر تعصب» از مثنوی مولوی انتخاب شده و پس از بیان مقدماتی درباره ساختار روایی، این داستان با توجه به نظریه گرماس تحلیل شده است. گرماس از روایت شناسان ساختارگرایی است که با طرح نظریه کنشگران روایت و جفت های متقابل در آنها و زنجیره های روایی، شیوه نویسی را در بررسی و تحلیل روایت پدید آورد و الگوی مورد نظر او با توجه به تمرکز بر روابط حاکم میان شخصیت های روایت، سازگاری خوبی با بسیاری از انواع داستانی زبان و ادبیات فارسی دارد. در این پژوهش ضمن معرفی نظریه او، سعی شده است داستانی از مثنوی با این نظریه تحلیل شود تا نظام مندی روایی مثنوی و طرز روایتگری مولانا بهتر نمایان شود. چنان که دیده خواهد شد در این داستان شش کنشگر مورد نظر گرماس عبارتند از: فرستنده: پادشاه جهود، فاعل: وزیر، هدف: حفظ دین یهود و ممانعت از نشر دین عیسوی، یاریگر: نصارا و ۱۲ امیر، رقیب: دین عیسی و تفکرات مسیحی، گیرنده: پادشاه جهود و سایر یهودیان. هر کدام از کنشگرها نقش مهمی در پیشبرد روایت دارند و کانون مرکزی روایت، وزیر و حفظ دین یهود و ایجاد شکست در دین عیسی است و سایر کنشگرهای دخیل در روایت، حول این دو کنشگر می چرخند. از سوی دیگر در این روایت سه زنجیره روایی اجرایی، انفصالی و پیمانی قابل ترسیم است که به ترتیب از کوشش ها و نزاع ها، رفتن ها و برگشتن ها، عهد و پیمان ها و قول و قرارهای حاکم بر این داستان حکایت می کنند. این بررسی نشان می دهد که داستان مذکور از ساختار و زنجیره روایتی جامع و منظمی برخوردار است.

کلیدواژه ها: داستان پادشاه جهود، روایت، گرماس، کنشگر، زنجیره های روایتی، ساختار.

فرهنگ الفبایی کنایه در کلیله و دمنه

سلما نتنج

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

زهرا جوکار تنگ کرمی

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

این مقاله که تحت عنوان فرهنگ الفبایی کنایه در کلیله و دمنه گرد آوری شده است . و به بررسی نحوه به کار گیری کنایات و انواع آن در کتاب کلیله و دمنه می پردازد . از آنجا که کتاب کلیله و دمنه به نثر فنی نوشته شده است. می توان انواع کنایه را در آن مشاهده کرد در این فرهنگ الفبایی، کنایه و انواع آن از لحاظ نوع مکنی عنه ، از نظر وضوح و خفا مورد بررسی قرار می گیرد.

کلیدواژه ها: کلیله و دمنه، فرهنگ، کنایه.

فرهنگ الفبایی استعاره در کلیله و دمنه

سلما نتنج

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

زهرا جوکار تنگ کرمی

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

این مقاله که تحت عنوان فرهنگ الفبایی استعاره در کلیله و دمنه گرد آوری شده است . و به بررسی نحوه به کار گیری استعاره و انواع آن در کتاب کلیله و دمنه می پردازد . از آنجا که کتاب کلیله و دمنه به نثر فنی نوشته شده است. می توان انواع استعاره را در آن مشاهده کرد. که در این فرهنگ می توان : فرهنگ الفبایی استعاره تمثیلیه (استعاره مرکب) فرهنگ الفبایی مستعارمنه، فرهنگ الفبایی استعاره مکنیه و انواع آن ، از لحاظ جامع ، از لحاظ وضوح و خفا، فرهنگ الفبایی استعاره مصرحه و انواع آن ، از لحاظ جامع ، از لحاظ وضوح و خفافرهنگ الفبایی استعاره تهکمییه ، از لحاظ جامع ، از لحاظ وضوح و خفا، فرهنگ الفبایی مستعارله را مشاهده کرد. که در مقاله بدان می پردازیم.

کلیدواژه ها: کلیله و دمنه، فرهنگ، کنایه.

شیوه روایت‌گری داستان موسی و شبان در مثنوی مولوی و زیر متن‌های آن بر اساس نظریه ژنت

فاطمه نجاتی خالقی

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد

عبدالله رادمرد

عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی مشهد

نظریه روایت شعبه ای فعال از نظریه‌ی ادبی بوده است و مطالعه‌ی ادبی بر ساختار روایی متکی است، که جامع ترین و قائم به ذات ترین چارچوبی که تاکنون برای تحلیل متون روایی پیشنهاد شده ریشه در گفتمان روایی (narrative Discourse) ژرار ژنت دارد. به دلیل آن که ادبیات داستانی کهن پارسی با داشتن روایات منظومی همچون مولوی سرشار از جلوه های گوناگون کاربرد روایت است بر این عقیده شدیم برای نشان دادن چگونگی شیوه روایتگری راویان آنان به مقایسه میان داستان موسی و شبان که میان تفسیر ابوالفتوح، عقد الفرید، شرح نهج البلاغه و حلیه الاولیا که در حکم ماخذ مثنوی است، مشترک می‌باشد براساس نظریه‌ی ژنت پردازیم. فرض مسلم ما این است که مولوی از روش های داستان پردازی بیشتری از راویان دیگر استفاده کرده است وی از طریق ارزش گذاری مکرر در روایت خویش به اصلاح نظام ارزشی شخصیت از طریق کنش و گفتار پرداخته و همچنین عنصر زمان در روایت مولوی پویاتر از روایت دیگر است. در روایات تفسیر ابوالفتوح و حلیه الاولیا با نوع جدیدی از بسامد آشنا شدیم که تعریفی برای این نوع از بسامد در نظریه ژنت نیامده است.

کلیدواژه ها: روایت شناسی، ژنت و داستان موسی و شبان.

سعیدا نقشبندی یزدی و سبک هندی

دکتر محمد رضا نجاریان

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی - دانشگاه یزد

فاطمه بهاری فر

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

سعید نقشبندی یزدی متخلص به سعیدا از شاعران یزدی تبار قرن یازدهم هجری قمری و معاصر شاه سلیمان صفوی است که با تخیل قوی و اندیشه ژرف خود نغمه سبک هندی را به گوش جان ها خوش نواخت:

نگفته هیچ کس بر وزن ابروی تو مصراعی مگر خط کند بر پشت لب تضمین ابرو را

(دیوان، ص ۱۵)

از ویژگی های شعر سعیدا، سعی در رقت فکر و خیال، مضمون آفرینی، ترکیبات بدیع، غرابت در تشبیهات و استعارات، تکرار قافیه و ایراد نکات باریک و به اصطلاح خودش «معنی بیگانه» است.

معنی بیگانه خواهد آشنا شد ز آب چشم سیر خواهم کرد آخر خارخار خویش را

(دیوان، ص ۷)

از آنجا که سبک و زبان سعیدا آمیخته ای از ویژگی های سبکی و ادبی دوره پیش از او و سبک هندی است و بسیاری از ویژگی های سبک هندی که با واژه «کثرت» شاخص شده است در دیوان او در حد تعادل وجود دارد؛ نگارندگان برآنند تا جایگاه شاعر را در سبک هندی تبیین کنند.

کلید واژه ها: سعیدا نقشبندی، سبک هندی، شعر فارسی، مضمون آفرینی، تکرار.

ویژگی‌های ادبی و جایگاه تاریخی مناقب‌نامه‌های عرفانی

بهمن نزهت

استاد یار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه

مناقب‌نامه‌های عرفانی از لحاظ نوع شناسی یکی از انواع برجسته ادب فارسی هستند که در عرفان و ادب فارسی به کمال رسیده و به عنوان کتاب راهنمای مشایخ بزرگ عرفان اسلامی سندی معتبر قلمداد شده‌اند. نمونه عالی و مقتضی که مناقب‌نامه‌های عرفانی آن را سرمشق خود قرار داده‌اند، کتبی است که در سیرت حضرت نبی اکرم (ص) به نگارش در آمده‌اند و در آن سخنان و اعمال و رفتار و خوی و خصلت حضرت را به تفصیل بیان نموده‌اند. مناقب‌نامه‌ها نیز به تقلید از این سیره نویسی شکل گرفته و سعی شده تا ابعاد واقعی عرفان اسلامی در رابطه با مشایخ بزرگ عرفان تشریح و تبیین شود. اهمیت و افادت مناقب‌نامه‌ها به عنوان منبع بسیار مهم و درجه اول محرز و مسلم است و تا حدودی معضلات تاریخ ادبیات عرفانی را حل می‌کند. محتوا و سبک این رساله‌های فارسی هم به لحاظ روش کار و هم به سبب تعالیم و آموزه‌های عرفانی که با زبان و بیان خاصی روایت شده‌اند، وضع شاخصی دارد. از این میان مناقب اوحد الدین کرمانیو مناقب العارفین احمد افلاکی را از آثار برجسته عرفان و ادب فارسی می‌توان قلمداد کرد. با مقایسه این دو مناقب‌نامه تحولاتی که در خلال سده‌های هفتم و هشتم در دو مکتب مهم عرفانی روی داده است، آشکار می‌شود. هدف اصلی ما در این جا مطالعه و بررسی محتوا و ویژگی‌های نوع ادبی مناقب‌نامه‌ها و برجسته ساختن جنبه‌هایی از آن است که در عرصه مطالعات عرفانی و نحوه رشد و گسترش عرفان اسلامی می‌تواند مورد توجه واقع شود.

کلید واژه‌ها: افلاکی، اوحد الدین کرمانی، عرفان اسلامی، مناقب العارفین، مناقب‌نامه، مولوی.

مطالعه و بررسی نوع ادبی تذکره الاولیاء در عرفان و ادب فارسی با تأکید بر «تذکره الاولیاء» عطار

دکتر بهمن نزهت

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه

مدینه مهدوی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه

تذکره‌الاولیاءها از باارزش‌ترین و مهم‌ترین آثار تاریخی و معنوی یک ملت است. این تذکره‌ها در فرهنگ و ادب اسلامی ابتدا به زبان عربی و به صورت بسیار روشمند و منسجم تألیف یافت و سپس در ادب فارسی نیز متداول شد و طبقات الصوفیه خواجه عبدالله انصاری، تذکره‌الاولیای عطار نیشابوری و نفحات-الانس جامی نمونه‌های عالی آن در ادب فارسی است. آثار یاد شده در حقیقت از اهم منابع عرفانی هستند که گاهی به عنوان یک منبع متقن و موثق دیدگاه‌ها و فرقه‌های گوناگون عرفانی را معرفی می‌کنند و گاهی نیز به صورت یک منبع مهم تاریخی سرگذشت عرفا و برخی از جزئیات زندگی آنان را در خود حفظ کرده‌اند. سنت تألیف مجموعه‌های حاوی سخنان اولیاء ریشه در کار سترگی دارد که از قرن دوم هجری برای گرد آوری افعال و اقوال (احادیث) پیامبر (ص) و صحابه آن حضرت آغاز شد. تذکره‌الاولیاء عطار کتابی فراهم آمده از حکایات و اقوال عارفان و مشایخ بزرگ صوفیه است که هم دیدگاه‌ها و تعالیم و آموزه‌های عرفانی عرفا را در خود حفظ نموده و هم جزئیات زندگی آنان را به زیبایی به تصویر کشیده است. این کتاب یک اثر ادبی-عرفانی بسیار شیوا و ارزشمندی است که مؤلف آن شاعر بزرگ عرفان و ادب فارسی است که دارای مثنوی‌های عرفانی نیز می‌باشد. این کتاب بیانگر لحظات و آنات زندگانی و تجارب عرفانی اولیا و عرفای مشهوری است که عطار آن را با اسلوب بیان خاص خود و با شیوه شاعرانه تألیف کرده است. در حقیقت می‌توان گفت که نوع ادبی تذکره‌الاولیاء، در عرفان و ادب فارسی با این اثر عطار آغاز می‌شود. در حقیقت در این اثر داستان‌های زندگی عرفا و اولیا با حکایات و روایات اسلامی عجین شده است و عطار آنها را با قوه خیال خود به زیبایی پرورده و بیان نموده است. در این مقاله برای شناخت جنبه‌های مهم نوع ادبی تذکره‌الاولیاء، ریشه آن را در زبان عربی و در آثار سلمی و در زبان غربی از بیوگرافی تا هاگیوگرافی بررسی نموده‌ایم. در ادامه برای روشن شدن چگونگی این سیر، در

ضمن بررسی طبقات الصوفیه و نفحات الانس، ویژگی های هر یک از این آثار بیان شده است؛ سپس به بررسی ویژگی های تذکره الاولیاء عطار پرداخته شده است.

کلیدواژه ها: تذکره الاولیاء، طبقات الصوفیه، نفحات الانس، عرفان و تصوف اسلامی، نوع ادبی.

بررسی قهرمان و قربانی در سنت ادبی ایران، با رویکردی فمینیستی به کتاب کلیله و دمنه

اکرم نظری

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان

سیده مانلی هاشمیان

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

در ادبیات کلاسیک ایران، زنستیزی به عنوان رسمی شایع همه آثار ادبی را شامل شده است. تقابل دوتایی قهرمان-قربانی در فرهنگ لغت مردسالار، نشان از نگاه جنسیتی به مقوله شخصیت‌انگاری افراد جامعه است. این دید، در داستان‌پردازی‌های ادبی ما نیز رسوخ پیدا کرده و الهام‌بخش خالقان آثار درباره پرورش شخصیت‌های اول داستان‌شان بوده است. هنگامی که زنان به عنوان شخصیت اول و قهرمان داستان معرفی می‌شوند، در واقع نقش قربانی را ایفا می‌کنند؛ چرا که مترادف‌های ارائه شده از مفهوم زنانگی در کلیه آثار ادبی همواره منفی، کنش‌پذیر و ضعیف بوده است. در اینگونه داستان‌ها زنان به صورت قهرمانی کامیاب تا پایان روایت به جلوه‌گری، فریب‌کاری و خیانت مشغول می‌شوند و چهره‌ای که از مردان این داستان‌ها ارائه می‌شود، فردی مظلوم و فریب‌خورده است که مورد ستم جنسی ضعیف قرار گرفته است. در اثر کلیله و دمنه موارد زیادی از شخصیت‌پردازی‌های زنانه نمود یافته است که با تحلیل شخصیت زنان در نقش قهرمان و قربانی و با توجه به ارزش‌گذاری‌های ارائه شده نسبت به زن، می‌توان دید جامعه ادبی ایران را نسبت به این جنس در آن دوره مورد نقد و بررسی قرار داد. در این اثر به بررسی این موضوع که مردان چگونه زنان را می‌سازند، پرداختیم و از این رهگذر دریافتیم این دنیای مطلوب مردان است که شخصیت زنان را می‌آفریند.

کلیدواژه‌ها: ادبیات کلاسیک ایران، داستان، قهرمان، قربانی، زن، شخصیت‌پردازی.

قراءت فمینیستی قصه های پریان در ایران

اکرم نظری

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان

محبوبه حسن زاده یزد نیا

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

قصه ها و افسانه ها نقشی مهم در روند اجتماعی شدن افراد دارند. از آنجا که این قصه ها در بی زمانی رخ می دهند و همواره در آنها از قهرمانانی خاص تجلیل می شود، می توان به ناخودآگاه جمعی قوم نسبتشان داد. در این خاطرات اسطوره ای، از اهداف، آرمان ها و تابوهایی سخن به میان آمده است که شاخصی مهم برای تعیین هنجارهای یک جامعه محسوب می شوند. نظر به جامعه مورد خطاب این قصه ها، ظرافت اهمیت آنها را بیشتر می کند؛ چرا که مهمترین مخاطبان این نوع ادبی کودکان هستند که با شنیدن و به خاطر سپردن قصه هایی غالباً تکراری، از اصول، عقاید و عرف اصلی جامعه مطلع می شوند و در بزرگسالی همین آموخته ها را به کار می گیرند. اینان همان دختران و پسرانی هستند که مردان و زنان آینده و آموزگاران فرهنگ به نسل پسین می شوند. از این رو بررسی محتوای این قصه ها امری ضروری می نماید. افسانه هایی که بنا به خواست سنت مردسالار، زنانی منزوی، مطیع و پله ای برای تکامل مردان به اجتماع هدیه نموده اند. در این پژوهش، ساختار محتوایی قصه های ایرانی از دید نقد فمینیستی مورد بازخوانی قرار می گیرد تا از این رهگذر دید غالب جامعه کهن به مردسالاری بهتر شناسانده شود.

کلیدواژه ها: قصه های پریان، اجتماع، مرد سالاری، فمینیستی، ایران.

شخصیت و شخصیت پردازی در داستان گاو غلامحسین ساعدی

عبدالناصر نظریانی

علی علی زاده اصل

شخصیت ها از مهمترین عناصر در ساختار داستان به شمار می روند. برای اینکه شخصیت ها خوب شناخته شوند، نیاز به شخصیت پردازی هست. شخصیت پردازی به دو طریق مستقیم و غیر مستقیم انجام می شود. در شخصیت پردازی غیر مستقیم خواننده به طور ناخود آگاه با شخصیت ها آشنا می شود و در موقعیت های مختلف جنبه های متفاوتی از شخصیت ها را می بیند. شخصیت پردازی غیر مستقیم از چهار طریق انجام می شود. شخصیت پردازی از طریق رفتار، گفت و گو، نام و محیط. اینگونه شخصیت پردازی باعث می شود شخصیت ها بهتر در ذهن مخاطب بماند و همان طور که داستان جلو می رود شخصیت ها آشکارتر می شوند. در این مقاله با نقد و بررسی داستان گاو غلامحسین ساعدی از مجموعه عزاداران بیل و انواع شخصیت پردازی غیر مستقیم، به این نتیجه می رسیم؛ از آنجایی که غلامحسین ساعدی نمایشنامه نویس بوده است، از روش شخصیت پردازی غیر مستقیم بیشتر استفاده کرده است. در یک کلام می توان گفت ساعدی تا حدودی ویژگی های نمایشنامه را در داستان هایش آورده است.

کلید واژه ها: داستان کوتاه، داستان گاو، شخصیت، شخصیت پردازی، روانشناختی، غلامحسین ساعدی.

بررسی شخصیت کودک و نوجوان در آثار داستانی هوشنگ مرادی کرمانی

عبدالناصر نظریانی

عضو هیات علمی دانشگاه ارومیه

علی علی زاده اصل

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

اکثر شخصیت های اصلی آثار داستانی هوشنگ مرادی کرمانی کودک و نوجوان هستند؛ اگر چه ایفای نقش این شخصیت ها بر عهده مردان گذاشته شده است. این امر نشان می دهد که نویسنده ترجیح داده بیشتر از شخصیت های اصلی و فرعی مرد استفاده کند. شخصیت در عناصر داستانی به ایستا و پویا، ساده و جامع، اصلی و فرعی تقسیم بندی می شود. شخصیت عنصر اصلی تشکیل دهنده ی داستان است. در این مقاله شخصیت ها هم از لحاظ عناصر داستانی و هم از لحاظ روانشناسی شخصیت، خصوصیات اخلاقی و روانی، رفتار با افراد و گروه های مختلف از قبیل: رفتار با خانواده، خویشاوندان، همسایگان، معلم، موجودات زنده و بی جان و...، وصف جسمانی، وصف لباس، وصف خانه، رفتارهای اقتصادی، باورهای مذهبی و باورهای خرافی شخصیت ها مورد ارزیابی قرار گرفته است. بررسی ها نشان می دهد که نویسنده به خصوصیات اخلاقی و خانواده اهمیت بیشتری قائل است. از آنجایی که این داستان ها به صورت ناخود آگاه در تربیت کودک و نوجوان تاثیر می گذارد، سعی کرده ایم تا با بسط کامل رفتار شخصیت های داستانی نویسنده، تاثیر آنها بر خوانندگان، افزون تر و نمایان تر گردد.

کلید واژه ها: ادبیات داستانی، هوشنگ مرادی کرمانی، شخصیت، کودک و نوجوان.

مختصات زبانی استعاره در شعر معاصر

دکتر عفت نقابی

استادیار دانشگاه تربیت معلم تهران

سیده مینا مصطفوی

در این مقاله برآنیم که مختصات زبانی استعاره در شعر امروز را در شعر پنج شاعر برجسته ی معاصر : نیما، اخوان، شاملو، نادریپور و سپهری بررسی نماییم. به همین جهت ابتدا به کاربرد انواع واژه های عامیانه، فرنگی، کهنه و نو در حوزه ی استعاره پرداخته و سپس ساختارهای نحوی استعاره را در انواع ترکیبات وصفی اعم از ترکیبات وصفی مقلوب، اضافی - وصفی، ترکیبات نو و صفت های متعدد برای یک موصوف بررسی نموده ایم. و در پایان از انواع استعاره ی تبعیه در شعر معاصر سخن گفته و کاربرد برجسته ی آن را در شعر معاصر توضیح داده و به ساختار استعاره ی نوینی در شعر امروز اشاره کرده ایم.

کلید واژه ها: استعاره، مختصات زبانی استعاره، شعر معاصر، ساختارهای نحوی استعاره.

متناقض نما (پارادوکس) در اشعار شفیعی کدکنی

فاطمه نگاری

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

یکی از امکانات زبان برای برجسته سازی که با شکستن هنجار زبان و عادت ستیزی باعث ایجاد لذت هنری میشود، متناقض نما (paradox) می باشد. متناقض نما به وسیله ی آشنایی زدایی، ابهام، دویعدی بودن، برجستگی معنا و ایجاز در کلام زیبایی می آفریند. شفیعی کدکنی یکی از شاعران معاصر است که به کارکرد های زبان اهمیتی ویژه می دهد. در اشعار وی عناصر زیبایی شناختی فراوانی وجود دارد و یکی از این عناصر متناقض نماست. هدف هر شاعر از آفرینش تصاویر متناقض نما تأکید بر اهمیت محتوایی تصویر خلق شده است. با توجه به ذهن خلاق شفیعی، یکی از اهداف ایجاد این نوع از تصویر به غیر از زیبایی کلام اهمیت دادن به بافت معنایی و محتوایی شعر است. این نوع تصویر یک و نیم درصد از کل تصاویر شعری او را تشکیل می دهد. در اشعار شفیعی، متناقض نمایی در حوزه هایی چون تشبیه، استعاره، عناصر زبانی شکل گرفته است. مقاله حاضر، متناقض نمایی را در دو مقوله ی ساختمان متناقض نمایی و حوزه های شکل گیری آن در اشعار شفیعی کدکنی بررسی می نماید. ساختمان متناقض نمایی در اشعار وی به سه صورت است: به صورت ترکیب، میان عناصر یک جمله، و متناقض نمایی میان دو جمله.

کلید واژه ها: متناقض نما (پارادوکس)، شعر، شفیعی کدکنی.

نادانی و نمودهای آن در قابوس نامه

زهرا نوحی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

نادانی به معنای عدم بهره مندی از نعمت عقل ، خرد و دانش است. این مفهوم همواره در دین مبین اسلام حائز اهمیت بوده است و ادیبان ، حکیمان و دانشمندان نیز به پیروی از خداوند تبارک و تعالی و اولیای الهی در باب این موضوع بسیار سخن رانده اند. یکی از این ادیبان عنصرالمعالی کیکاوس بن اسکندر است که با به کارگیری آیات ، احادیث و روایات در اثر خویش ، قابوس نامه به آن بسیار توجه نموده است. وی تلاش کرده تا در قالب ارشاد و موعظه، فرزند خویش، و در واقع تمامی فرزندان ایران زمین را از تاریکی جهل و نادانی بر حذر و به روشنایی عقل و دانایی رهنمون سازد. این پژوهش تلاشی است برای تعیین و بررسی مقوله ی نادانی و نمودهای آن در قابوس نامه که در چند محور مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرد.

کلید واژه : عنصرالمعالی ، قابوس نامه ، نادانی ، نمودهای نادانی ، جهل

"مطالعه ی تطبیقی تلفیق عرفان و عشق نفسانی در اشعار مولانا و جان دان"

صغری نوده

کارشناس ارشد دانشگاه شیراز

شباهت افکار و اشعار مولانا و جان دان خود را در ایماژها، صنایع ادبی و زبان این دو شاعر که در مقایسه با شاعران قبل و بعد از خود بسیار برجسته و متمایز هستند، نشان می دهد. ایماژهای عاشقانه و نفسانی متداول به کار رفته در اشعار این دو شاعر و در مقابل زبان غیرمتداول شعر این دو، به واقع شیوه ای برای شرح رویکرد عاشقانه ی جویای حق به سوی حق است. چنین تلفیقی از عشق نفسانی و عرفان نه در فلسفه ی اسلامی و نه در نوع نصرانی آن غیر متداول نیست. در فلسفه ی اسلامی-ایرانی جست و جوی حق با عشق یکسان انگاشته شده است. در اشعار عاشقانه ی مولانا مخاطب با نگاهی تمثیلی به عشق به عنوان رابطه ای زمینی بین عاشق و معشوق ابدی رو به رو است؛ این همان عشقی است که مولانا به وسیله ی آن سعی بر روشن کردن رابطه ی عمیق فلسفی دوستدار حق و خود حق دارد. جان دان نیز در اشعار الهی خود رابطه ی بین جویای حق و خود حق را از طریق عشق نفسانی به تصویر کشیده است. او به عشق زمینی به عنوان تجلی عشق الهی می نگرد و به گونه ای افلاطونی، به واسطه ی عشق زمینی به سوی عشق فرای زمینی اوج می گیرد. از این رو، پژوهش حاضر به بررسی مفهوم عشق که عموماً به گونه ای تمثیلی در اشعار فلسفی و الهی مولانا و جان دان ارائه شده و همینطور اشعاری که هر یک از این دو شاعر در آن ها از طریق تقابل عشق زمینی و عشق الهی، تقارب این دو را به تصویر می کشند، می پردازد.

کلید واژه ها: عرفان، عشق نفسانی، رویکرد تمثیلی به عشق، مولانا، جان دان.

شیادها در شاهنامه: بررسی نقش کهن الگویانه یرستم و اکوان دیو

صغری نوده

کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز

شخصیت شیاد (trickster) در آثار ادبی ساختاری کهن الگویانه است که نقش یک نسخه ی وفادار از خودآگاه تمایز نیافته ی انسان را بازی می کند که متناظر با روحی است که به تازگی از مرحله ی حیوانی عبور کرده است. شیاد یک شخصیت فریبکار و گریزپای است که همواره در حال فریب مخالفان خود است و همواره یک قدم نیز از آن ها پیش است. به علاوه، او در همه آن در حال گریز از حصار محدودیت هایی است که او را به بند می کشند. شخصیت شیاد در تعریف یونگ، ساختاری درونی از روح انسان است که با پا فراتر نهادن از محدودیت های زمینی در مقابل نیروهای الهی به طغیان بر می خیزد. ویژگی های ذکر شده را می توان در شخصیت اکوان دیو و همینطور در شخصیت رستم در شاهنامه یافت. اکوان دیو، که نامش (به معنی بدنهاد) ریشه در نام دیوی به نام اکومن دارد، با انحراف ها و عصیان هایش نمونه ی کاملی از شخصیت کهن الگویانه ی شیاد در شاهنامه است. از طرف دیگر، رستم با ماهیت دوگانه اش، (یعنی با داشتن هم ویژگی های انسانی و هم ویژگی های اهریمنی) نمونه ی خوبی از کهن الگوی شیاد در شاهنامه است. او شخصیت شیادی را در شاهنامه بازی می کند که با استفاده از ابزاری جادویی چون ببر بیان و امثال آن، که عموماً کهن الگوی شیاد از آن ها بهره می برد، همواره در نبرد با رقبای خود جام پیروزی را بر سر می برد. پژوهش حاضر، با تکیه بر نبرد رستم و اکوان دیو، به عنوان نبردی بین دو شیاد که نیرنگ های مختلفی بر روی یکدیگر پیاده می کنند، به بررسی ویژگی های شیاد، به عنوان یک کهن الگو، در این دو شخصیت شاهنامه می پردازد.

کلید واژه ها: یونگ، کهن الگو، شیاد، اکوان دیو، رستم، شاهنامه، فردوسی.

گفتگومندی باختینی: کنش کلام ها در شعر مهدی اخوان ثالث

صغری نوده

کارشناسی ارشد ادبیات انگلیسی، دانشگاه شیراز

علیرضا انوشیروانی

دانشیار دانشگاه شیراز

میخائیل باختین به ادبیات به عنوان محیطی گفتگومند می نگرد که در آن فرد، از طریق آنچه که او دیگرزبانی می نامد، می تواند مجموعه ای از کلام افراد مختلف- شامل کلام نویسنده، کلام راوی، و کلام شخصیت ها- به همراه مجموعه ای از زبانهای افراد متفاوت که به صورت هنرمندانه ای کنار هم چیده شده اند را بیابد. ادبیات، از نظر باختین، متشکل از لایه های مختلف یک زبان شامل گویش افراد مختلف، رفتار خاص یک گروه، و زبان نسلهها و گروههای مختلف سنی یک جامعه می باشد. در میان این صداها که از لایه های مختلف جامعه سر بر می آورند، خواننده با دید هایی چند گانه، که در این شرایط با آن روبرو میشود، آشنا می گردد که در نهایت منجر به درک عمیق تر او از متن می شود. رد پای از چنین نوع متنی در آثار مهدی اخوان ثالث، به ویژه در دهمین مجموعه شعر او یعنی *زندگی می گوید: اما باز باید زیست*، که در آن شعرها عمدتاً به صورت داستانی نوشته شده اند، قابل مشاهده است. اخوان ثالث از طریق استفاده از صدای افراد متعلق به گروههای مختلف اجتماعی در شعرش که در یک رابطه ی گفتگومند در کنار هم قرار می گیرند و نظرات و دیدگاه های خود را به اشتراک می گذارند، یک متن گفتگومند را به وجود می آورد. بنابراین، هدف این مقاله بررسی گفتگومندی در اشعار مهدی اخوان ثالث در مجموعه شعر *زندگیمی گوید: اما باز باید زیست* از طریق تئوری گفتگومندی باختین است.

کلید واژه ها: مهدی اخوان ثالث، *زندگی می گوید: اما باز باید زیست*، میخائیل باختین، دیگرزبانی، گفتگومندی، کنش کلام ها.

« حیات اجتماعی مردم عصر صفوی از خلال اشعار طالب آملی »

دکتر کبری نودهی

استادیار زبان و ادبیات فارسی و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان، گرگان، ایران.

دکتر تقی امینی مفرد

استادیار زبان و ادبیات فارسی و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان، گرگان، ایران.

آثار ادبی - اعم از نظم و نثر - از مهم ترین منابع شناسایی و آگاهی یافتن از زندگی اجتماعی مردم و جنبه های گوناگون آن نظیر: آداب و رسوم، سنتها، باورها، عقاید و... است. در حقیقت، ادبیات هر سرزمین و ملتی به منزله آینه ای است که می توان تصویر زندگی گذشته و حال آن ملت را به روشنیدر آن به تماشا نشست. با بررسی دقیق و همه جانبه آثار ادبی هر دوره می توان تاریخ جامعه آن عصر را بازسازی نمود که بی تردید چنین بازسازی به دور از شائبه ها و ابهامات و غرض ورزی هایی است که کم و بیش گریبانگیر تاریخ نگاری بوده و مطالب آن نیز به نسبت کتاب های تاریخی نوشته شده در همان عصر تا حد زیادی قابل اعتماد خواهد بود. طالب آملی از شاعران نامدار سبک اصفهانی (هندی) سده دهم و یازدهم هجری است که در خلال آثار خود و با توجه به فراز و فرودهایی که در زندگی شخصی خویش تجربه کرده، تصویری گویا و روشن از چگونگی زندگی مردم روزگار خویش به دست داده است. به عبارت دیگر، بررسی اشعار طالب آملی اطلاعات ذیقیمتی را درباره جنبه های مختلف زندگی مردم عصر ویدر اختیار خوانندگان قرار می دهد به گونه ای که با مطالعه آن می توان تا اندازه ای به ساختار اجتماعی آن دوره پی برد. در این مقاله کوشش شده تا گوشه هایی از این عادات و آداب و رسوم و باورهای مردم عصر صفوی را از خلال اشعار طالب آملی به خوانندگان شناسانده شود.

کلید واژه ها: طالب، آداب و رسوم، اشعار، جامعه، مردم.

تصویر خورشید در غزلیات صائب تبریزی

دکتر الیاس نورایی

عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه

زینب ابراهیمیان

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

تخیل اساسی ترین عنصر سازنده شعر است که موجب نمایاندن اعمال، افکار، ایده‌ها و بیان اندیشه و تجربه حسی و فراحسی از راه زبان می‌شود. هر شاعر به فراخور استعداد خود در ابداع تصاویر زیبا و بکر توانسته‌است، توانایی زبان را به نمایش بگذارد و زمینه ورود خوانندگان را به عوالم ایده‌آل و آرمانی از صور خیال و احساسات بی‌شائبه فراهم کند. صائب تبریزی که سرآمد سبک هندی به شمار می‌رود، از تخیل در تصویرآفرینی پدیده‌های طبیعی به ویژه خورشید بهره فراوانی برده‌است. از آن روکه سبک هندی، سبک نوآوری و ابتکار در تصاویر شعری می‌باشد، و صائب نماینده‌ی به حق این سبک به شمار می‌رود. درصدد برآمدیم تا تصاویر شعری صائب که با تکیه بر خورشید آفریده‌است، بررسی کنیم.

کلید واژه‌ها: صائب تبریزی، خورشید، تشبیه، استعاره، کنایه، ایهام، تمثیل.

تحلیل نگرش علامه محمد اقبال لاهوری به پیامبر خاتم(ص) و پیام ایشان

دکتر الیاس نورایی

عضو هیئت علمی گروه ادبیات دانشگاه رازی کرمانشاه

فروغ مرادیان

کارشناس ارشد الهیات و معارف اسلامی، مدرس دانشگاه

هیچ شاعری در جهان اسلام یافت نمی شود که در وصف رسول اکرم (ص) و خاندان او ابراز عشق و محبت نکرده باشد. هریک از شعرا از دیدگاه خود در وصف پیامبر(ص) شعری و نغمه ای سروده اند، بعضی از شاعران که جنبه‌ی عرفانی قوی تری داشته‌اند از جهات عرفانی و آنکه از جنبه‌ی سیاسی دقیق تر بوده است، از جهت سیاست و هرکدام از ظن خود یار او شده و در عظمت وی سخن گفته و شعر سروده‌اند. اقبال لاهوری شاعری است پارسی گوی که در شبه قاره هند توانست با اشعار دلنشین و عرفانیش و با توجه به شناخت کافی از اسلام، مبشر دین مبین اسلام باشد و در شناساندن دین اسلام و خاندان نبوت قدمهایی را بردارد. ایشان از نوادر شاعرانی است که در چندین جهت و از ابعاد گوناگون در شأن رسول اکرم(ص) سخن گفته است؛ به گونه‌ای که در جای جای دیوان، او به بهانه‌های مختلف به وصف جمال، کمال، سیرت، بصیرت، رسالت و نبوت و قول و فعل و سیره‌ی خاتم الانبیاء(ص) پرداخته است. در این نوشتار سعی شده است تا با بررسی آثار علامه اقبال لاهوری به تحلیل نگرش علامه محمد اقبال لاهوری به پیامبر خاتم(ص) و پیام ایشان پرداخته شود لذا در لابه لای آثار اقبال غور شده و هر جا سخن از وجود رسول اکرم(ص) شده است، به شرح و بسط آن پرداخته ایم.

کلیدواژه ها: اقبال لاهوری، پیامبر خاتم(ص)، اسلام، دین.

تأملی در سیر قافیه و ردیف پارسی

دکتر وحیده نوروززاده چگینی

دانش آموخته‌ی دکتری زبان و ادبیات فارسی

قافیه و ردیف از مهمترین لوازم شعر فارسی هستند که پس از وزن، نقش بسیاری در غنای موسیقی شعر دارند. قافیه و ردیف نشان از فکر و اندیشه‌ی شاعر دارند و عامل حفظ وحدت احساسات و حالات او هستند. از آنجایی که شاعران ایرانی علاوه بر محتوای شعر به ظاهر و ساختار بیرونی آن نیز توجه بسیار داشتند، قافیه و به خصوص ردیف، روند رو به رشدی پیدا کرد تا حدی که در قرن‌های ششم و هفتم شاهد انسجام و استحکام ردیف در شعر فارسی و به خصوص قصیده هستیم. در این مقاله که به بررسی قافیه و ردیف در شعر فارسی می پردازد، ۵۰ قصیده‌ی اول دیوان شعرای مهم هر قرن انتخاب شده است که بسامد قافیه و ردیف را در آن دوره مشخص می کند. علاوه بر این، سیر و تحول انواع ردیف یکی دیگر از موضوعات مورد بررسی ماست که در طول مقاله به آن خواهیم پرداخت.

کلید واژه ها: قافیه ، ردیف ، بسامد قافیه و ردیف ، انواع ردیف، قصیده.

بررسی تأثیر پذیری جمیل صدقی زهاوی از خیام نیشابوری

دکتر وحیده نوروززاده چگینی

دانش آموخته‌ی دکتری زبان و ادبیات فارسی

الهام مریمی

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

ادبیات تطبیقی امروزه یکی از رشته‌های مطرح در حوزه‌ی ادبیات ملل مختلف به حساب می‌آید که در درک بیشتر مفاهیم اشعار، تأثیر و تأثر شاعران از هم و بررسی ادبیات با نگاه فرا ملی کمک چشمگیری می‌کند. در این میان، دو ادب فارسی و عربی با وجوه مشترک فراوان سهم بسزایی در پیاده سازی مؤلفه‌های ادبیات تطبیقی در آثار خود دارند؛ به ویژه این که شاعران و نویسندگان هر دو ادب در ارائه‌ی افکار و آراء، مشابه و منطبق برهم عمل کرده‌اند. بر همین اساس در این مقاله تلاش کردیم که به بررسی افکار دو شاعر بزرگ ایران و عراق، خیام و جمیل صدقی زهاوی پردازیم و از آنجایی که صدقی زهاوی، رباعیات خیام را ترجمه کرده است، به موارد تأثیر پذیری او از مضامین فکری نهفته در اشعار خیام اشاره می‌کنیم. برای این مهم، با معرفی مختصری از دو شاعر و افکار آنها به بررسی جلوه‌هایی از تأثیر پذیری صدقی زهاوی از خیام می‌پردازیم.

کلید واژه ها: خیام ، جمیل صدقی زهاوی ، مرگ و بی وفایی دنیا ، پوچ گرایی ، جبرگرایی، حیرت ، لذت پرستی و خوش باشی

بررسی تطبیقی تصویر مرگ در شعر فروغ فرخ زاد و نازک الملائکه

دکتر علی نوروزی

استادیار دانشگاه فردوسی مشهد گروه زبان و ادبیات

یسرا رابحی

دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات تطبیقی دانشگاه فردوسی مشهد

هدف این مقاله بررسی تطبیقی استعاره ی مفهومی مرگ در دیوان فروغ فرخزاد و نازک الملائکه می باشد. روش کار براساس نظریه استعاره مفهومی از نظرگاه زبان شناس غربی جرج لیکاف است. ابتدا با بررسی شعرهای هر دو شاعر استعاره های مفهومی مرگ را تعیین می کنیم، سپس به تطبیق آنها از نظر اینکه زبان شاعر تا چه حد توانسته از زبان استعاری روزمره فراتر رفته و موفق به خلق استعارات تازه تر و شاعرانه تری شده است می پردازیم. در آخر به این نتیجه می رسیم که فروغ فرخزاد، توفیق بیشتری در خلق زبان شاعرانه و ناب در حوزه ی استعاره ی مفهومی مرگ داشته است.

کلید واژه ها: استعاره ی مفهومی، مرگ، فروغ فرخزاد، نازک الملائکه.

تصویر پردازی واژه «باد» در ارتباط با مضمون عشق در شعر فروغ فرخزاد

زهرا نوری

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه

با مطالعه دقیق دیوان شعر فروغ فرخزاد این نکته قابل تأمل است که فرخزاد در اشعاری که مضمون عشق دارد مخصوصاً در دوره دوم شاعری، مکرراً از واژه باد استفاده نموده و تصویرهای شاعرانه زیبایی از این واژه ساخته است. مهم این است که ارتباط منسجم و معنا داری بین این تصویر پردازی ها با مضمون عشق وجود دارد؛ نگارنده در این مقاله سعی نموده است با ارائه نمونه های شعری، چگونگی تصویرپردازی، ارتباط معنادار و نمادین واژه باد را با مضمون عشق در دیوان فرخزاد بررسی نماید.

کلید واژه ها: باد، عشق، شعر، فرخزاد.

بررسی داستان «زنی که مردش را گم کرد» صادق هدایت بر مبنای مکتب ناتورالیسم

زهرا نوری

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه

زهرا نجفی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه

صادق هدایت از نویسندگان برجسته و صاحب سبک در عرصه ادبیات داستانی معاصر است که آثار تأثیر گذاری در ادبیات معاصر خلق کرده است در این مقاله داستان کوتاه «زنی که مردش را گم کرد» از آثار این نویسنده از لحاظ بینش و نگرش هدایت بر مبنای مکتب ناتورالیسم مورد بررسی و کاوش قرار گرفته است و با مشخص نمودن موارد جزئی اصول و ویژگی های مکتب ناتورالیسم، بیان شده است که هدایت تا چه حد از عقاید ناتورالیست ها در این داستان پیروی کرده و تا چه اندازه از عقاید آنها دور بوده است.

کلید واژه ها: داستان، ناتورالیسم، هدایت، زن.

تأثیر فصوص الحکم ابن عربی بر آثار عراقی

دکتر محمدعلی نوری (خوش رودباری)

مدرّس و مدیر گروه ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان مازندران

مرکز تربیت معلم دکتر شریعتی ساری (معین)

اندیشه های ابن عربی با یک واسطه یعنی صدرالدین قونوی به فخر الدین عراقی رسید. آن چنان که مشهور است او لمعات خود را در اثنای درس فصوص قونوی نوشت. استادش هم بعد از خواندن آن گفت: مقصود صاحب فصوص جز این نیست. جالب توجه است که تاج الدین حسین خوارزمی شارح معروف فصوص به تأثیر پذیری عراقی از ابن عربی پی برد و در مواضع متعددی از اثر خود، شواهدی را از آثار عراقی دالّ بر موضوع مذکور، نقل کرد. عراقی در زمینه حرکت حبّی و عشق، اعیان ثابته، خلع و لبس، انسان کامل، خیال و بویژه وحدت وجود و آثار منتج از آن یقیناً از اندیشه های ابن عربی متأثر شده است. این تأثیر در کلام عراقی کاملاً واضح و مبرهن است و گاه غیر مستقیم و پوشیده است. چرا که عراقی با زبان شعر سخن می گوید.

کلید واژه ها: ابن عربی، عراقی، حرکت حبّی، عشق، اعیان ثابته، انسان کامل، خیال، خلع، لبس، وحدت وجود، تمثیل.

واقع گرایی (رنالیسم) کودکان در داستان های هوشنگ مرادی کرمانی

مطالعه‌ی موردی داستان های «بچه های قالی باف خانه»، «مشت بر پوست» و «خمره»

* محمود نوریان محمدی

* دکتر محمد حسینیایی

* دکتر اکبر شامیان ساروکلابی

این پژوهش، ضمن بحثی اجمالی درباره‌ی نقش مکتب واقع گرایی در ادبیات کودک، به نقد و تحلیل درون مایه‌های واقع گرایی در داستان های هوشنگ مرادی کرمانی اختصاص دارد. مرادی کرمانی درون مایه‌های داستان هایش را از واقعیات و مسائل روزمره‌ی زندگی برگرفته و آن‌ها را با مهارت نویسندگی‌اش آمیخته است. دوران کودکی وی نیز در شکل‌گیری داستان‌های مذکور نقش به‌سزایی داشته است. در داستان‌های او نه تنها شخصیت، مکان و زمان بسیار عینی و ملموس توصیف شده‌اند، بلکه بازتاب مشکلات کودکان نیز از واقعیات‌های بطن جامعه نشأت گرفته است. نگارنده در این مقاله با استفاده از روش تحلیل محتوا نشان داده است که درون مایه‌های استخراج شده در داستان‌های مرادی کرمانی شامل معضلات اقتصادی، نابرابری‌های اجتماعی، مشکلات آموزشی و تربیتی است و البته فقر از مهم‌ترین و پرکاربردترین آن‌هاست. مرادی کرمانی در سه داستان «بچه‌های قالی باف خانه»، «خمره» و «مشت بر پوست» توجهی ویژه به دوران کودکی و مشکلات و مسائل آن داشته است. گرچه ساختار این داستان‌ها مبتنی بر واقع گرایی اجتماعی است اما نویسنده گاهی واقع گرایی انتقادی را نیز با آن درآمیخته است.

کلیدواژه‌ها: واقع گرایی (رنالیسم)، تحلیل محتوا، ادبیات کودک و نوجوان، داستان‌های هوشنگ مرادی کرمانی.

* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه بیرجند mnurian1364@gmail.com

* استادیار دانشگاه بیرجند mohammadhoseinaei@yahoo.com

* استادیار دانشگاه بیرجند ashamiyan85@gmail.com

خدا، طبیعت، کودکی و مرگ در اشعار هنری وان و سهراب سپهری

آزاده نیرومند

مربی و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد دورود

هنری وان، شاعر قرن هفدهمی و متافیزیک انگلستان، و سهراب سپهری، شاعر معاصر ایرانی، دو شاعری هستند که هرچند از نظر زمانی، زبانی و فرهنگی هیچ گونه آشنایی و قرابتی با یکدیگر ندارند، اما از نظر نگاه به پدیده های گوناگون و اندیشه و عقاید، اشتراکات بسیاری دارند. این شاعران، از نظر عرفانی، دیدگاه خاص خود به آفریننده جهان هستی، طبیعت، ارتباط انسان با خدا و مقوله ی مرگ از عقایدی مشابه برخوردارند. هردو شاعر به عرفان طبیعت روی آورده و سخن از سایه ابدیت و نزدیکی به خدا در دوران کودکی می گویند. یگانگی اندیشه و اشتراکات ذهنی وان و سپهری، همچنین در خصوص نزدیکی طبیعت و کودک به واقعیت های روحانی قابل تعمق و بررسی است.

کلید واژه ها: خدا، کودکی، طبیعت، مرگ، هنری وان، سهراب سپهری

همه هیچ اند هیچ، اوست که اوست
(مطالعه‌ای تطبیقی میان اندیشه‌ی وحدت وجود
فخرالدین عراقی و عارف آلمانی، مایستر اکهارت)

دکتر محمدیوسف نیری

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز

شیرین رزمجو بختیاری

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی

گرایش ادبیات عرفانی دانشگاه شیراز

وحدت وجود تعبیری است که عرفا از تجارب شهودی وحدت خود داشته‌اند. هرچند اکهارت از نظریه‌پردازان وحدت وجود در عرفان مسیحی است و عراقی وحدت را با بیان شیفته‌وار و ذوقی-هنری خود تبیین نموده است، اما اشتراکاتی بین این دو در زبان و تعبیرها یافت می‌شود. عراقی یکی از پیروان و مبلغان راستین ابن‌عربی در ایران، با تکیه بر پیشینه‌ی ذوقی وحدت وجود در بین عرفای اولیه است. اکهارت نیز عارف پرشور آلمانی و نظریه‌پرداز وحدت وجود در عرفان مسیحی است. در این پژوهش با تکیه بر آرای مایستر اکهارت و فخرالدین عراقی در باب وحدت وجود به برخی وجوه اشتراک آن دو به قرار زیر پرداخته‌ایم: ۱- نقش محبت و معرفت در اتحاد با خدا؛ ۲- تمثیل‌هایی به منظور تبیین وحدت وجود؛ ۳- متناقض‌نما و شطح؛ ۴- حجاب و Little Point (=دقیقه). عرفان اسلامی و مسیحی هر دو، برگرفته از ادیان توحیدی است، بنابراین وحدت به عنوان مفهومی بنیادی در هر دو مکتب مطرح شده است که نشأت گرفته از فطرت انسانی و اندیشه‌ی توحیدی است، هرچند ممکن است تفاوت‌هایی در تعبیر و بیان این مفهوم وجود داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: وحدت وجود، اکهارت، عراقی، محبت، تمثیل، متناقض‌نما، شطح، وحدت شهود، تعبیر، تجربه، حجاب.

حجاب روی تو هم روی توست در همه حال (مطالعه‌ی تطبیقی نظریه‌ی «الحجاب» عرفان اسلامی و «مایا» در کیش هندو)

دکتر محمد یوسف نیری

استاد بخش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز

الهام خلیلی جهرمی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز

نظریه‌ی الحجاب، یکی از برجسته‌ترین آموزه‌های عرفان اسلامی است که بیان‌کننده‌ی چگونگی ارتباط خداوند با خلق است. این نظریه در عرفان و ادبیات با بیانی شیوا و تمثیل‌هایی گویا و رسا تبیین شده‌است. مفهوم این آموزه در کیش هندو به «مایا» تعبیر می‌شود که اشتراک‌های فراوانی با نظریه‌ی «الحجاب» دارد. از آن‌جا که منشأ عرفان، فطرت و دل حق جوی بشر است، این وجوه مشترکی که بین عرفان‌های اقوام مختلف دیده می‌شود، خواننده را خواه ناخواه متوجه این امر می‌سازد که دل آدمیان که خلاصه‌ی عالم است به آسانی از جغرافیای بیرون می‌گذرد و در جغرافیای درون به یگانگی و وحدت می‌رسد. در این پژوهش با توجه به متون ادبی و عرفانی به تعریف «حجاب» پرداختیم و از میان بزرگان عرفان و ادب دو نماینده‌ی شایسته را برگزیده‌ایم؛ یکی قاضی سعید قمی و دیگری عین‌القضات و اندیشه، نگاه و بیان این دو بزرگ را در مورد نظریه‌ی «الحجاب» مطرح نموده‌ایم. سپس در مکتب ودانتای عاری از ثنویت هند، نیروی خلاقه و استتار «مایا»، داستان «نارادا» و ویژگی‌ها و تمثیل‌های «مایا» را بررسی نمودیم و در نهایت وجوه مشترک «مایا» و «حجاب» را ارزیابی کرده‌ایم.

کلید واژه‌ها: نظریه‌ی «الحجاب»، قاضی سعید قمی، عین‌القضات، مکتب ودانتا، نیروی استتار «مایا»، نیروی خلاقه‌ی «مایا».

نوستالوژی در شعر حسین پناهی

یوسف نیک روز

استادیار گروه ادبیات فارسی دانشگاه یاسوج

فرزانه محمدی

دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات فارسی دانشگاه یاسوج

یکی از مباحث مهم روانشناسی "نوستالوژی" یا غم غربت است که ارتباط قومی با حافظه و خاطره داشته و به طور ناخودآگاه در ذهن شاعر یا نویسنده بروز کرده و متجلی می شود نوستالوژی راحسرت گذشته های شیرین و تقابل زمان حال با این گذشته ها دانسته اند. مفهوم نوستالوژی، تاریخی به قدمت هبوط حضرت آدم (ع) دارد و از دیرباز درون مایه ی بسیاری از آثار ادبی در بر می گرفته است. حسین پناهی از جمله شاعران معاصر بوده است که چون دوران شیرین کودکی و نوجوانی خود را در میان عشایر و روستاییان ساده دل گذرانده و با آداب و رسوم زندگی روستایی و عشایری پرورش یافته بود، اندوهی عمیق به علت دوری از سرزمین مادری و حسرت گذشته های خوش از دست رفته، در شعرش به صورتی برجسته و مستمر موج می زد. همچنین با توجه به این که حسین پناهی بیشترین دوران زندگی اش را در شهر پرازدحام تهران گذراند، پیوسته با خویشتن خویش به خلوت می نشست و با تفکر در هستی و زندگی بشر، در حسرت دوران زندگی آدم (ع) در بهشت و آرزوی بازگشت به دوران نخستین بشر و روزگار دوری از آلودگی و ناپاکی، حزن و اندوه دائم و همیشگی بر وجود او سایه افکنده بود که این موضوع مهم هم در جای جای آثار وی به اشکال مختلف آمده است.

کلید واژه ها: نوستالوژی (غم غربت)، حسین پناهی، شعر معاصر، روان شناسی.

نگاهی نو به صنعت تشخیص بر اساس زبان حال (آنیمیسیم) و بافت موقعیتی کلام

یوسف نیک روز

استاد یار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یاسوج

تاکنون در همه ی کتب بیان سنتی ، صنعت تشخیص (انسان مدارانه) را نسبت دادن و اضافه کردن خصوصیات ، صفات ، اعضا و عواطف انسانی (جانوری) به اشیا و مظاهر طبیعت و امور انتزاعی و موجودات بی جان دانسته اند . به این معنی که شاعر یا نویسنده در این موجودات تصرف کرده و از رهگذر نیروی تخیل خویش بدان ها خصوصیت انسانی از قبیل حیات ، حرکت و جنبش و احساسات مختلف بخشیده است . در حالی که در بیان جدید بر اساس زبان حال (آنیمیسیم) ، همه ی موجودات و پدیده ها (جماد ، نبات و حیوان) همچون انسان ، زنده و پویا و گویا هستند و از احساسات و عواطف خاصی برخوردارند . این تفکر هم در فرهنگ انسان باستان و هم در قرآن و احادیث و آثار شاعران و نویسندگان فارسی زبان بازتابی وسیع داشته است . بنابراین قدرت تخیل شاعر و نویسنده در نسبت دادن و بخشیدن صفات انسانی به سایر موجودات و امور انتزاعی نیست بلکه در برقراری پیوند عمیق احساس و عاطفه خود با عواطف پنهان و به ظاهر خاموش سایر موجودات نقش برجسته ای داشته است . به عبارتی این شاعرو نویسنده نیست که این گونه صفات را به موجودات نسبت داده و بخشیده است بلکه هنر مهم شاعر درک و شناخت این گونه احساسات و خصوصیات موجودات است که آن را با زبانی شیوا و رسا و پراز احساس بیان می کند . همچنین یکی از معیارهای مهم شناخت و تمییز صنعت تشخیص از غیر آن که دارای احساسات و عواطف و برخی اعضا و ابزار انسانی بوده ، بافت موقعیتی کلام است ، یعنی از بافت کلی و ترکیب مجموع اجزای کلام در هندسه شعرو معنا و مفهوم و قرائن موجود در عبارت می توان صنعت تشخیص را از غیر آن مشخص و معلوم ساخت . البته تفصیل و شواهد آن در متن خواهد آمد.

کلیدواژه ها: استعاره مکنیه ، تشخیص ، زبان حال ، آنیمیسیم ، بافت موقعیتی کلام.

بررسی نقش نقال به عنوان «راوی» در طومار جامع نقالان معروف به «هفت لشکر»

عاطفه نیکخواه

یدالله جلالی پندری

هنر نقالی به عنوان کهن‌ترین و ریشه‌دارترین، نوع ادبی (ژانر) در نمایش‌های عامیانه، شکل یافته کنش و روایت «نقال» است. این تأثر عامیانه که در بستر ارتباطی مستقیم میان گوینده و شنونده و در نتیجه همذات‌پنداری آنان شکل می‌گیرد؛ محملی مناسب را برای روایتگری نقال و حرکت میان روایت - صحنه، نقال - قهرمان رقم خواهد زد. حضور نقال به عنوان راوی در بعضی صحنه‌سازی‌های روایت، از جایگاه ویژه‌ای در هدایت بیننده و افزایش ظرفیت هنر نمایشی وی برخوردار است. بر این اساس، «طومارها» به عنوان مأخذ نقالان برای داستان‌گویی دارای قابلیت‌های خاصی برای ارائه هنر نمایشی نقال است. «هفت لشکر» نیز از جمله «طومار جامع نقالان» در عهد قاجار است که زمان کتابت آن به سال ۱۲۹۲ هجری قمری بر می‌گردد؛ و در اصل نام یکی از نبردها/ روایت‌های مشهور نقالی است که از روی شهرت بر یکی از طومارهای جامع نقالان اطلاق شده است. بنابراین در این پژوهش کوشش شده، به عملکرد روایتی نقال در کنار بازیگری و نقش مهم و تأثیرگذار وی به عنوان راوی در جریان روایت در کتاب «طومار جامع نقالان» پرداخته شود. از آنجا که حضور نقال به عنوان راوی، وی را در حفظ چارچوب روایتش و در واقع فاصله میان «روایت» و «بازی» یاری خواهد کرد؛ تمهیداتی از جمله تغییر صحنه و کاربرد روایت‌های موازی و گه‌گاه تودرتو، در کنار برخورداری از راوی بی‌طرف (زاویه دید نمایشی) در صحنه‌های رزم، استفاده از برش‌های میان نقل از طریق اشعار گوناگون متناسب با روایت و همچنین تغییر لحن کلام در ارتباط با روایت راوی از جمله شگردهای موردبررسی در داستانسرایی نقال است. استفاده از زاویه دید نمایشی در بطن روایت دانای کل، به عنوان شگردی غیرمفسرانه، امکان تغییر صحنه و استفاده از روایت‌های موازی را برای رفت و آمد نقال از «روایت به بازی» و از «بازی به روایت» بیش از پیش فراهم می‌سازد. در زمینه برش‌های میان نقل نیز، حضور راوی و فاصله گرفتن از قهرمان‌ها، به همذات‌پنداری هرچه بیشتر خواننده با شخصیت‌ها منجر شده و در نهایت، کاربرد لحن متناسب با روایت از جانب نقال در کنار بازیگری وی به حفظ تعادل میان بازیگری - روایت و خلق فضا و صحنه-های حماسی انجامیده است.

کلیدواژه‌ها: نقالی، نقال، راوی، طومار جامع نقالان معروف به «هفت لشکر»، شاهنامه.

مقایسه هجویه های خاقانی و انوری

دکتر محمدحسین نیکداراصل

استادیار دانشگاه یاسوج

اله جهاننیده

دانشجوی کارشناسی ارشد

قرن ششم هجری از دورانهای پر بار شعر فارسی است، انوری و خاقانی هر دو در این عصر می زیسته‌اند. در این قرن، موضوعات شعری تنوع یافته و شاعران در انواع شعر هنرنمایی کرده و آثاری به جای گذارده‌اند. یکی از این مضامین هجو است. در این مقاله ابتدا به بررسی نوع، انگیزه و دلایل هجو در میان قطعات خاقانی و انوری پرداخته شده، سپس شواهدی از انواع هجو و شخصیت مورد هجا واقع شده آورده شده است. در بخش بعد به نظر دو شاعر درباره‌ی هجا، هجوگویی و بسامد به کارگیری واژه‌های تابو پرداخته شده و در پایان بسامد صفات ضد اخلاقی، نهادهای حیوانی و پیشروی و جرأت هر دو شاعر در انتخاب شخصی که مورد هجا قرار می‌گیرد، بررسی شده و سپس به نتیجه‌گیری پرداخته شده است. این مقاله که به شیوه‌ی سندکاوی، اطلاعات خود را فراهم کرده، براساس روش معمول در تحقیقات ادبی به شیوه‌ی کتابخانه‌ای عمل و به گونه‌ی تحلیلی و توصیفی ارائه کرده و جامعه‌ی پژوهش، دیوان انوری و دیوان خاقانی است.

کلید واژه‌ها: انوری، خاقانی، هجو، شعر فارسی.

درد دین در شعر اقبال لاهوری (شاعری از شبه قاره هند)

یوسف نیک روز

استادیار و عضو هیات علمی گروه ادبیات فارسی

دانشگاه یاسوج

بی تردید شناخت اندیشه ، آرمان و اهداف اقبال لاهوری نه برای افراد عادی و عامی که برای روشنفکران و اقبال پژوهان تاکنون امکان پذیر نبوده است ، بنابراین واکاوی لایه های ناشناخته و عمیق شخصیت وی در زمینه های مختلف ، ضروری و اجتناب ناپذیر می نماید . پژوهش حاضر در جهت شناساندن بخشی از اندیشه ایشان با عنوان "درد دین" فراهم شده است . اقبال دانشمندی اندیشمند ، فیلسوفی اسلام شناس ، روشنفکری منتقد و شاعری معتقد است که با درک زمان ، پیوسته درد دین داشته و مسلمانان را به بیداری ، خود باوری ، زمان شناسی ، تحرک و شکوفایی در همه ی جنبه های فردی و اجتماعی و عرصه های علمی ، سیاسی ، فرهنگی و اعتقادی دعوت می کرده است . چراکه عصر اقبال مصادف با تاریک ترین دوره هایی است که کشورهای اسلامی از سده هفتم به بعد به خود دیده است . در آن اغلب کشور های اسلامی به نوعی تحت استعمار و استثمار غرب بوده و مسلمانان با تقلید از مظاهر فریبنده و ظاهر فریب غرب به بن بست فکری و واخوردگی دینی و انفعال سیاسی و رکود علمی در آمده بودند از این رو اقبال درد مندانه آنان را به بازگشت به خویشتن خویش و کسب علوم و مهارت های متنوع و به خصوص دین باوری همراه بالندگی و ترقی توصیه می نمود .

اقبال ضمن پاسداشت جوهره ی دین که همان قرآن و سنت ها و باورها ی ریشه دار است آن را به موازات ضروریات زمان ، معرفی می کند و معتقد است که احتجاجات برخی فقها و ملاها که اغلب مبتنی بر خرافات و تحجر بوده و تاویلات متصوفه که براساس تفکرات یونانی به خصوص نوافلاطونی و پلوتینوس است و همچنین استدلالات فلاسفه که صرفاً جنبه ی نظری و تئوری داشته و از حقیقت دین فاصله دارد ، نقشی در اصلاح امور زندگی فردی و اجتماعی جامعه اسلامی جهت پیشبرد اهداف آن ندارد و باید از آنان دوری کرد . به نظر اقبال آموزه های دینی که بسیار زیبا ، با نشاط ، کامل و شادی بخش است باید پیوسته پویا ، نوگرا و هماهنگ با زمان و زمانه باشد و نباید آنها را در قید قالب ها و مفاهیم کهن و صرفاً سستی و خشک و بی روح محبوس و محدود کرد تا مانعی برای شکوفایی و رونق

به روز جامعه شود.، از این رو این مهم در بخش اعظمی از سرودها و نوشته ها و گفتارهای اقبال دیده می شود که تفصیل آن در متن خواهد آمد .

کلیدواژه ها: درد ، دین ، شعر، اقبال لاهوری.

بررسی موسیقی شعر محمد علی بهمنی

دکتر عبدالله واثق عباسی

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

آمنه دهقانی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

صدیقه تقوی اصل

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

موسیقی یکی از عناصر سازنده شعر است که کلام را برجسته می‌سازد و سبب تمایز زبان نظم از نثر می‌گردد. ابزار آفرینش موسیقی شعر از سه بعد قابل بررسی است: وزن عروضی، قافیه و ردیف و تکرارهای آوایی درون ابیات. تأثیر موسیقی کلام در نفوس غیر قابل انکار است. از همین روی شعر برای تأثیرگذاری به موسیقی نیازمند است. محمد علی بهمنی یکی از برجستگان و ناموران غزل‌سرای معاصر است که با سرودن غزل‌های نیمه سنتی گامی مهم در مسیر شعر معاصر برداشته است. او از جمله شاعران معاصرست که تاکنون بررسی دقیقی در شعرش صورت نگرفته است. مقاله‌ی حاضر عنصر موسیقی (بیرونی، درونی، کناری) را در اشعار بهمنی تبیین و تحلیل کرده و به این نتیجه رسیده است که؛ موسیقی شعر او، همچون آئینه‌ای از روح حساس و لطیف اوست. بهمنی در انتخاب آهنگ و وزن مناسب برای غزلیات خود بسیار موفق عمل کرده است، که این هماهنگی اوزان کاملاً محسوس است. پرکاربردترین وزن در اشعار او بحر مجتث و مضارع است. قافیه و ردیف‌های شعری او اگر چه معمولی اند، اما به گونه‌ای به کار گرفته شده که به تکمیل موسیقی و زیبایی شعر کمک شایانی نموده است. همچنین موسیقی حاصل واج‌آرایی، تکرار، جناس و ... در شعر او گوشنوازی می‌کند. بنابراین تکرارها، خصوصاً تکرار واژه، در موسیقی آفرینی شعر شاعر نقش کارآمدی داشته و خوشنوازی را با هماهنگی و نظم خاصی همراه ساخته است.

کلیدواژه‌ها: موسیقی، شعر، محمد علی بهمنی، عروض و قافیه، ردیف، بدیع.

نمود فرهنگ در تاریخ بیهقی

دکتر مهوش واحد دوست *

رویدادگشایی *

نمود انسجام اجتماعی حاکم بر جامعه سده های گذشته در نوشته های نویسندگان و سروده های شاعران اندیشمندی ایرانی، بررسی این آثار ارزشمند را از ابعاد مختلف از جمله بعد جامعه شناسانه، بطور قوی می طلبد. یکی از این آثار والا تاریخ بیهقی است. زر نوشته ای غنی و ماندگار که با قلم توانای ابوالفضل بیهقی، دبیر شایسته چهارسلطان غزنوی، بر اوراق تاریخ، بطور جاودانه حک گردیده است. در این مقاله بر آنیم که برجستگی های فرهنگی این کتاب ادبی جاذب را از بعد جامعه شناسی، برجسته ساخته و بررسی نماییم. برخی از این ابعاد، عبارتند از: نهاد سیاست، رهبری، نظارت و کنترل، جرایم، ضمانت های اجرایی، سلسله مراتب، جنگ، که در این کتاب به مصادیق آن از قبیل: "توقیع پادشاه برنامه، گشاد نامه ها، پیشنهاد همه پرسی، مشرف نهانی گماشتن، طریقه سنگسار کردن مجرم، سرگشتگان را بر سه پایه نهادن، به چوب بستن فراشان، درجه نشستن و ایستادن در حضور پادشاه، منجنیق بر کار کردن و جنگ ریشاریش و ... " بر می خوریم. همچنین هنجارها و آیین و رسوم متعدد از جمله مراسم جشن های مهرگان، فطر، نوروز و ... و آیین خنیاگری، رسوم خلعت دادن و خلعت پوشیدن، رکاب بوسیدن، اسب خواستن، طرز استقبال از خلیفه، خدمت کردن پادشاه، خوازه زدن در مراسم پیشباز، شکار پره و ... موجود می باشد که در طبقه هنجارها جای گرفته است. نیز مواردی از قبیل ازدواج: "جامه دامادی خداوند زاده در عقد نکاح و عروسی"، تعلیم و تربیت: "آموختن قرآن در دبیرستان و ریاضت های جوانان"، جایگاه زنان: "فریفتن زنان از روی نصیحت"، مناسک گذر: "تطهیر کردن فرزند" و ... به چشم می خورد که نشانگر غنای تاریخ بیهقی از نهاد های جامعه شناسی می باشد که در این مقاله بحث و بررسی شده است.

کلیدواژه ها: جامعه شناسی، تاریخ بیهقی، نهاد، فرهنگ.

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ارومیه

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور تبریز

بررسی صور خیال شعر قیصر امین پور از منظر اصطلاحات عامیانه

علی واسو جویباری

دبیر ادبیات فارسی شهرستان جویبار و دانشجوی دکترای دانشگاه تاجیکستان

قیصر امین پور از شاعران برجسته‌ی دهه‌های اخیر است که اشعارش در میان شعر دوستان، با اقبال رو به رو شده است. کاربرد اصطلاحات عامه در این امر، سهم به سزایی داشته، در حالی که این موضوع، از نظر محققان و پژوهندگان دور مانده است. از شگردهای امین پور، به کارگیری اصطلاحات عامیانه، برای ایجاد و آفرینش صور خیال و ارتقای سطح شعری است. توجه شاعر به اصطلاحات عامیانه و مردمی برای تاثیرگذاری و ارتباط هرچه بیش تر با مخاطب اشعارش، جلوه ای خاص دارد. شاعر با استفاده از تعبیر و اصطلاحات عامه و پرکاربرد امروزی، ایهام های زیبایی را خلق کرده، که ایهام های لطیف حافظ را فرا یاد می آورد، به کارگیری هنرمندانه و هوشمندانه‌ی این اصطلاحات عامه، در جهت آفرینش صور خیال، از نکات قابل تامل شعر اوست که در این مقاله به آن پرداخته می شود.

کلیدواژه ها: صورخیال، اصطلاحات عامه، قیصر امین پور.

توحید معرفت شناسانه در دیدگاه بهاء‌الولد و مولویر اساسی مثنوی و معارف

بتول واعظ*

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی

این مقاله، پژوهشی است درباره دیدگاه های معرفت شناسانه مولوی و بهاء‌الولد، در زمینه توحید، وحدت وجود، بحث ذات و صفات و اسماء خداوند و بیان جنبه‌های مشابه و متفاوت اندیشه آنان. در بخش نخست مقاله مفهوم توحید و اصطلاح وحدت وجود در مکتب برخی از عرفای مشهور بیان شده است، سپس خدانشناسی معرفت شناسانه مولوی و بهاء‌الولد در مورد معنای توحید، تفاوت توحیدی انسان ها به دلیل اختلاف نظرگاه های آنان، فنای ذاتی، بحث رؤیت، مظاهر معرفت و جلوه های حق به عنوان یکی از ابزارهای معرفت توحیدی، مقوله عشق، طلب و ... مورد بررسی، تحلیل و مقایسه قرار گرفته است. در بخش سوم مقاله، دیدگاه های این دو عارف بزرگ درباره ذات و صفات و افعال خداوند بیان شده و اختلاف و اشتراک دیدگاه های آنان در زمینه خلق باواسطه یا بی واسطه خداوند، فاعل حقیقی بودن خداوند، عین ذات بودن صفات خداوند یا عارض بودن صفات بر ذات، علت ناپذیری افعال خداوند، به بحث گذاشته شده است.

کلید واژه ها: بهاء‌الولد، مولوی، توحید، وحدت وجود، ذات و صفات و اسماء خداوند، فنای ذاتی، رؤیت

مکتب کلاسیسم در ایران و غرب

بتول واعظ

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی

رقیه کاردل ایلواری

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی

خاستگاه مکاتب ادبی چون کلاسیسم، رمانتیسم، رئالیسم، ناتورالیسم و را باید در جامعه ی غرب (به ویژه فرانسه ی قرن نوزده) و جهان بینی فلسفی، سیاسی و اجتماعی خاص آن جستجو کرد. آنچه به نام مکاتب ادبی در ادبیات ایران میشناسیم نسخه ی بدلی از اصل غربی آن است زیرا هیچگاه دو بینش فکری مختلف و دو زمینه ی اجتماعی - سیاسی متفاوت به یک نتیجه ی همسان منجر نمیشود. مقایسه ی تطبیقی مکتب کلاسیسم در غرب با نمونه ی شرقی آن یعنی مکتب یا دوره ی کلاسیک در ادبیات ایران در زمینه هایی چون نگرشهای سیاسی - اجتماعی، انواع ادبی، بینش فلسفی و رویکردهای ادبی قابل بررسی است که البته به معنای مقایسه و تطبیق کامل این دو جریان در ادب ایران و غرب نیست بلکه این تطبیق بیشتر حالت مصداقی دارد که اغلب در سطح باقی میماند و گاه در زمینه ی مسائل فوق به عمق و ژرفا هم میرسد. در این مقاله سعی بر این است که به این سوالات پاسخ داده شود: ۱. آیا دوره ی کلاسیک در جامعه ی سیاسی، اجتماعی و ادبی ایران با دوره و جریان کلاسیسم در غرب شباهت دارد؟ ۲. وجوه افتراق و اختلاف دوره ی کلاسیک در غرب و ایران بر چه معیارها و مبناهایی استوار است؟ ۳. آیا این مقایسه تطبیقی نوعی قیاس مع الفارق است یا خیر.

کلیدواژه ها: مکتب ادبی، دوره ی کلاسیک، جریان کلاسیسم، ادبیات تطبیقی.

گیسو نشانه‌ی علویان و بازتاب آن در ادبیات پارسی

بتول واعظ

استادیار گروه زبان و ادب پارسی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران

رقیه کاردل ایلواری

کارشناس ارشد زبان و ادب پارسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران

نوشتار حاضر به بررسی تاریخچه‌ی گیسو، معانی لغوی، اصطلاحی و عرفانی آن و سیر تحول معنای گیسو در شعر شاعران پارسی زبان به ویژه ناصر خسرو که شاعری علوی مذهب است، می‌پردازد. در این مقاله بر آن بوده‌ایم به بحث نشانه‌شناختی گیسو که هم در شعر شرعی و زهدگرای فارسی (اشعار ناصر خسرو) و هم در اشعار عارفانه و هم در نزد قلندریان و صوفیان به صورت یک اصطلاح یا نشانه به کار رفته‌است، بپردازیم. و نشان دهیم که گیسو و بلندی آن در هر دوره‌ای و در نزد هر فرقه‌ای با توجه به زیرساخت‌های متفاوت فرهنگی، دینی، اجتماعی و سیاسی دارای معنا و مفهومی متفاوت بوده‌است.

کلید واژه‌ها: ناصرخسرو، علویان، شیعیان، فاطمیان، قلندریان، گیسو

بررسی مناسک حج در شعر خاقانی

مرادعلی واعظی

در چشم انداز ادب فارسی ، منظره شکوهمند حج از زیبایی و جذابیت خاصی برخوردار است ، اگرچه این فریضه الهی در آثار بیشتر شاعران و نویسندگان ادب فارسی به اشکال گوناگون به نمایش گذاشته شده است، اما شعر خاقانی با شعر همه شاعران متفاوت می باشد . او بیش از همه شاعران به کعبه و مکه و مناسک حج نظر داشته و به جرات می توان گفت که این فریضه الهی در ادب فارسی در آینه ی شعر هیچ شاعری به اندازه شعر خاقانی نمود نداشته است . با توجه به این که در خاقانی دارای اشعار سروده های فراوانی در زمینه حج می باشد ، نگارنده مقاله پس از بررسی اجمالی مناسک حج ، در صدد آن است که روشن سازد شاعر بلند پایه شروان حج و مناسک آن را چگونه در شعر خود نمود بخشیده است . ارادت خاقانی به حج و اعمال آن ، به قدری زیاد است که از سرصفای دل و ژرفای باطن به توصیف این فریضه الهی پرداخته و فراتر از یک مسلمان معتقد ، در آینه شعرش، تصاویر بکر و زیبا از حج و مناسک آن ارئه داده .

کلید واژه : خاقانی ، مناسک حج، حجرالاسود، زمزم.

حیوانات در ضرب المثل‌های چینی و فارسی

خانم وانگ زینگ رینگ*

ضرب المثل، یکی از فرمهای زبان است که هم از فرهنگ تأثیر می پذیرد، و هم در فرهنگ تأثیر می گذارد. به روشنی پیداست که انواع حیوانات در متون ادبی، بویژه در ضرب المثل‌های زبان فارسی و چینی به کار می روند؛ اما کاربرد و معانی آنها یکسان نیست. از این رو تمرکز این تحقیق، مبتنی بر این سؤال اصلی است که علت تفاوت کاربرد حیوانات در ضرب المثل‌های چینی و فارسی چیست؟ بر اساس مطالعات صورت گرفته، درباره کاربرد و علت این تفاوت، از جمله آنها، تأثیرات فرهنگی و جغرافیایی بر یک زبان را می شود پیدا کرد. در این مقاله کاربرد حیوانات در امثال، در دو زبان چینی و فارسی و اهمیت آنها در زندگی روزمره، و اینکه حیوانات مختلف در ضرب المثلها چگونه به کار برده می شوند، بررسی خواهد شد.

کلید واژه ها : ضرب المثل‌های چینی، فارسی، اژدها، شیر، اسب، توتم.

بررسی نگرش کردزبانان منطقه ی کرمانشاه نسبت به زوال گویش کردی کرمانشاهی

سبا ولی زاده

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، گروه زبان شناسی همگانی فارس، ایران

نسترن توکلی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، گروه زبان شناسی همگانی، فارس، ایران

در سال های اخیر کاربرد زبان کردی در منطقه ی کرمانشاه تا حدودی کاهش یافته است. عوامل اجتماعی و فرهنگی متعددی در این امر دخیل هستند. از این رو پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و با رویکردی جامعه شناختی بر مبنای دو متغیر جنس و سن به بررسی نگرش کردزبانان منطقه ی کرمانشاه به گویش کردی کرمانشاهی در حوزه های مختلف اجتماعی و فرهنگی پرداخته است. داده های این پژوهش عمدتاً میدانی و برگرفته از سی عدد پرسش نامه می باشد که به طور مساوی توسط زنان و مردان کردزبان منطقه ی مورد تحقیق در چهار گروه سنی پانزده تا سی، سی تا چهل و پنج، چهل و پنج تا شصت و شصت و بالا پاسخ داده شده است. بنابر فرض نگارنده گویش کردی کرمانشاهی رو به زوال است. تحلیل های این پژوهش همراستا با این فرض نشان دهنده ی تغییر زبان از زبان کردی به سوی زبان فارسی است.

کلید واژه ها: گویش شناسی، جامعه شناسی زبان، گویش کردی کرمانشاهی، نگرش گویشوران، زوال زبانی.

بررسی و تحلیل آرایه تشخیصی در مثنوی هفت پیکر

حمید ولی زاده*

جواد صدیقی*

هفت پیکر چهارمین منظومه از خمسه نظامی گنجوی است که تعداد ابیات آن بالغ بر پنج هزار بیت می شود، این مثنوی شامل تعاریف و توصیفات متنوعی است که از سویی به طبیعت و عناصر گوناگون طبیعی مربوط می شود و از سوی دیگر وصف شخصیت های داستانی و محافل بزم و رزم و نظایر آن را در بر می گیرد. وقتی از منظومه های داستانی ممتاز و عالی سخنی به میان می آید، نمی توان از هفت پیکر یادی نکرد. در این مقاله پژوهشی که به صورت توصیفی-تحلیلی به سامان رسیده است، سعی نگارنده بر آن است تا بخشی از این توصیف ها را که شامل انواع گل ها و درختان می شود با نظر به عناصر سازنده آنها مورد بررسی و مطالعه و تحقیق قرار دهد.

کلیدواژه ها: نظامی، هفت پیکر، توصیف، گل ها و درختان.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

مقایسه تطبیقی اشعار کمال خجندی با شاعران طراز اول (حافظ، سعدی، خیام)

حمید ولی زاده

زبان اشعار کمال خجندی - استاد بلا منازع سخن سرایی - شیوا، دلکش و دلنواز است؛ آن سان که توانسته با استفاده از این شگرد خاص زبانی خود، حکمت‌های عالی مرتبه را با روانی و خوش آهنگی - به دلیل خصوصیت‌های بدیع - در ذهن مخاطبانش جای دهد. در این مقاله - سعی نگارنده بر آن است که اندکی از اشعار کمال را با شاعران دیگر مقایسه و اندکی هم از ویژگی های اشعار او را بررسی کند.

کلیدواژه ها: کمال خجندی، سعدی، حافظ، خیام، فولکلور، کنایه.

نوستالژی در مثنوی معنوی مولوی (دفتر دوم)

حمید ولی زاده

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

نوستالژی یک اصطلاح روان‌شناسی است، به معنای رفتاری که ناخودآگاه در میان شاعر یا نویسنده بروز کرده و متجلی می‌شود. نوستالژی یعنی حسّ دلتنگی و حسرت انسان‌ها به گذشته و به آن چیزهایی که در زمان حال آنها را از دست داده اند. تقریباً تمامی نویسندگان و شاعران به نحوی از انحاء در آثار خود به نوستالژی و دلتنگی‌های حاصل از آن به طُرُق گوناگون اشاره کرده‌اند. موضوع این مقاله بررسی نوستالژی در مثنوی معنوی مولوی (دفتر دوم) می‌باشد. از آنجایی که این موضوع تا به حال چندان مورد توجّه محققان و پژوهشگران واقع نشده، می‌تواند منجر به شناخت بیشتر جنبه‌های عرفانی شخصیت مولوی شده و نتایج عرفانی زیبایی را در برداشته باشد.

کلید واژه‌ها: مثنوی معنوی، نوستالژی، مولوی.

بررسی منشأ شخصیتِ رمان «اهل غرق» از «منیرو روانی پور» و مقایسه‌ی آن با رمان «صد سال تنهایی» از «گابریل گارسیا مارکز»

رقیه وهابی دریاکناری

کارشناسی ارشد دانشگاه زبان و ادبیات فارسی علامه طباطبایی، تهران

نمونه‌های اولیه‌ای در ذهن هر نویسنده وجود دارد که به نوعی ذهن نویسنده را برای خلق یک یا چند شخصیت برمی‌انگیزد. نویسنده با استفاده از این ابزارها و مواد خام و البته نیروی تخیلش دست به آفرینش شخصیت‌های داستانی‌اش می‌زند. روانی پور در نگارش رمان «اهل غرق» و آفرینش شخصیت‌های اصلی داستانی‌اش از «پروتوتایپ ادبی» بهره برده است. مقاله‌ی حاضر، درباره‌ی تأثیرپذیری رمان «اهل غرق» «منیرو روانی پور»، از رمان «صد سال تنهایی» «گابریل گارسیا مارکز» است. هر دو اثر به سبک «رنالیسم جادویی» نگاشته شده‌اند. روانی پور، از شیوه‌ی فضاسازی و شخصیت پردازی مارکز در «صد سال تنهایی» استفاده کرده است. بدین منظور، سعی شده است این تأثیرات با ذکر شواهد بررسی شود. در ابتدای مقاله توضیحات مختصری در مورد «رنالیسم جادویی» و پیشگامان این سبک داده شده است. سپس خلاصه‌ی این دو رمان ارائه می‌گردد. در بخش سوم مقاله، مشترکات این دو رمان به تفصیل بررسی می‌شود؛ که شامل: مقایسه‌ی شخصیت‌های اصلی هر دو اثر، مکان وقوع حوادث، ورود مظاهر تمدن، مضمون واحد و زاویه‌دید مشترک است.

کلید واژه‌ها: رمان، رنالیسم جادویی، پروتوتایپ، شخصیت؛ اهل غرق؛ صد سال تنهایی.

مقایسه ی ضرب المثل های مربوط به صبر در ادبیات فارسی و عربی

محمد ویسی

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس

مَثَل به منزله ی واعظی شیرین زبان و ناصحی مهربان است که انسان را با زبانی دلچسب و ملایم به پیروی از اخلاق حسنه و ترک اعمال نکوهیده دعوت می کند. هر مثل نتیجه ی تجارب و خلاصه ی افکار و آرای صدها اندیشمند مجرب است که آن را در موجزترین و فصیح ترین قالب به مخاطبان عرضه داشته اند. یکی از امثال مهم و ارزشمندی که در میان دو فرهنگ فارسی و عربی شواهد زیادی برای آن ذکر شده است، صبر می باشد. اهمیت صبر تا بدانجا است که مرتبه ی آن را نسبت به ایمان همچو سر دانسته اند نسبت به بدن. با وجود اشتراکات زبانی و فکری فراوان حاصل از مجاورت و همزیستی میان دو فرهنگ فارسی و عربی، با مقایسه ی این مثل در ادبیات این دو زبان به پاره ای از تمایزات ظریف بر می خوریم. این تمایزات ما را به تفاوت در نوع نگرش و جهانبینی خاص هر فرهنگ می رساند. تمایزاتی همچون تفاوت در شیوه ی بیان، نوع وجوه افعال، شیوه خاص تصویرپردازی و همچنین جایگاه و دایره ی شمول مَثَل مورد نظر. این در حالی است که با ورود اسلام، هر دو فرهنگ غنی تر می شوند و زبان ها نیز پا به پای اشتراکات فرهنگی متعالی و به هم نزدیک تر می شود.

کلیدواژه ها: صبر، مَثَل، ادبیات فارسی، ادبیات عربی، ادبیات تطبیقی.

خیام تاریخی خیام نیشابوری

مریم هاشمی

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

مقاله حاضر بر این است که به شناخت عمر خیام از طریق تحقیق در آثار دیگران دست پیدا کند. این آثار هم شامل آثار تاریخی است که ممکن است معاصرین خیام و یا کسانی دیگر چند سال بعد از او نوشته باشند و هم آثاری که در عصر حاضر نوشته شده اند. در این تحقیق سخنان کسانی مورد بررسی قرار گرفته شده که درباره دین و فلسفه خیام فقط به رباعیات او نگاه انداخته اند و درباره او از دید خود قضاوت کرده اند. بنابراین به دو دسته موافقان و مخالفان خیام تقسیم می شوند.

کلیدواژه ها: خیام ، فلسفه ، شک ، باده ، عقل ، عقاید.

بررسی مضامین مشترک بین مکتب «سورنالیسم»

و ماهیت «عشق» در منظومه های غنایی فارسی

دکتر سید مرتضی هاشمی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان*

الهام سیدان: دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی*

سورنالیسم نهضتی ادبی - هنری است که در اوایل سده بیستم در اروپا شکل گرفت و در واقع عصیانی بر علیه مظاهر تمدن بود. سورنالیست‌ها به جستجوی راه رستگاری و رهایی از زندگی عادی و روزمره دنیوی برآمدند و رستگاری را در لحظه های نابی جستجو کردند که انسان در آن به مرحله ای فراتر از خویشتن می‌رسد. بسیاری از ویژگی های آثار سورنالیستی و تعاریفی که از این مکتب ارائه می‌دهند به صورت متعالی تر و در پیوند با حقیقت برتر، با مفهوم و ماهیت عشق پیوند می‌خورد. برخی از وقایع و تصاویری که در آثار غنایی فارسی مشاهده می‌شود، شبیه اصولی است که سورنالیست‌ها برای آثار خود برشمرده‌اند. از جمله این اصول می‌توان به جنون و دیوانگی، بیان طنزآمیز و پارادوکسی، تضاد و تناقض، بیان امر شگفت، رسیدن به نقطه علیا و تصادف میان دنیای واقعی و ذهنی اشاره کرد. این پژوهش با رویکرد بررسی تطبیقی بر آن است که به بررسی و تبیین عناصر مشترک میان مکتب سورنالیسم اروپایی و عشق در منظومه های غنایی با تکیه بر آثار غنایی نظامی گنجوی (لیلی و مجنون و خسرو و شیرین) و مقلدان وی از جمله جامی و امیرخسرو دهلوی - با محوریت لیلی و مجنون - بپردازد. بیان ویژگی های مشترک بین سورنالیسم به عنوان یکی از مکتب‌ها و نظریه های ادبی ادبیات مدرن و ماهیت عشق در منظومه های غنایی کهن و سنتی، نه تنها شباهت‌ها و یکسانی های آنان را آشکار می‌کند، بلکه ما را به این حقیقت رهنمون می‌شود که آزادی و رهایی از حقیقت عقلانی که سورنالیست‌ها با ابزارهای متفاوت در پی رسیدن به آن بوده‌اند، در قالب حقیقتی متعالی تحت عنوان «عشق» در منظومه های غنایی فارسی مشاهده می‌شود.

کلیدواژه ها: عشق، سورنالیسم، آثار غنایی، نظامی، جامی.

* m.hashemi@ltr.ui.ac.ir

* elhamsaiedan@yahoo.com

تأثیر پذیری غلامحسین ساعدی در عزاداران بیل از نقاب مرگ سرخ ادگار آلن پو

لیلا هاشمیان

نرگس بیات

تأثیر پذیری از مباحث مرتبط با ادبیات تطبیقی است که در هر دوره، بنا بر شرایط خاص اتفاق می افتد. ادبیات داستانی ما نیز تحت تأثیر ترجمه و رفت و آمدهای نویسندگان و عواملی از این نوع، از ادبیات برون مرزی تأثیر گرفته است. این تأثیر پذیری ها با نخستین آشنایی های نویسندگان ایرانی با غرب و آثار ادبی آن اتفاق افتاد. جمال زاده، هدایت و چوبک نخستین کسانی بودند که با آثار ادبی خارجی آشنا شدند و از آثار فاکنر، کافکا، ادگار آلن پو، موپاسان، همینگوی، چخوف و ... در نوشتن داستان بهره بردند. اما این تقلیدها، تقلیدهایی صرف نبود، بلکه نویسندگان ما شیوه ای در پیش گرفتند که بعداً سبک خاص آنان شد. غلامحسین ساعدی، نمایش نامه نویس و داستان نویس دهه ی ۴۰ و ۵۰ نیز از این تأثیرپذیری ها بی نصیب نمانده و تحت تأثیر مستقیم و غیر مستقیم مکتب های هنری و ادبیات برون مرزی قرار گرفته است. در این مقاله، تلاش می شود تا تأثیر پذیری ساعدی در مجموعه ی عزاداران بیل از داستان نقاب مرگ سرخ ادگار آلن پو، رنجامه نویس بزرگ سده ی نوزدهم آمریکا نمایانده شود. ابتدا گوشه هایی از زندگی آلن پو و ساعدی و شیوه ی داستان نویسی آن ها ارائه می شود و پس از معرفی دو داستان و مقایسه ی سبک آن ها، زمینه های مشترک، پیدا و بررسی می شوند.

کلیدواژه ها: ادبیات تطبیقی، تأثیرپذیری، نقاب مرگ سرخ، عزاداران بیل.

بررسی عنصر گفت‌وگو در گلستان سعدی (بر مبنای تأثیر آن در سیمای اهل معرفت)

مرضیه هرمزدی*

دکتر ابراهیم رنجبر*

با قدری تسامح می‌توان گلستان سعدی را در ردیف آثار داستانی قرار داد. با وجود این در مورد ظرایف هنری آن از دیدگاه بررسی عناصر داستانی توجه کافی نشده است. اکثر حکایات گلستان داستان‌های بسیار کوتاه‌اند که در خدمت مقاصد نویسندگانه به کار گرفته شده‌اند. سعدی حکایات را برای تبیین نظریات حکیمانه‌ی خود در خصوص سیاست مدن، سیاست منزل و سیاست نفس به کار گرفته است. بدین جهت می‌توان تمام مؤلفه‌های حکایت را نادیده گرفت و تنها مضمون (درون‌مایه) آن را معتبر داشت و از آن نتیجه‌ای اجتماعی یا اخلاقی گرفت. بدین جهت مضمون پررنگ‌ترین عنصر حکایات گلستان است. هیچ یک از عناصر داستان به اندازه‌ی عنصر «گفت‌وگو» به سر و سامان یافتن مضمون کمک نکرده است. در این نوشته تأثیر این عنصر را در ساختار حکایات گلستان و در مطالعه‌ی موردی آن، ترسیم سیمای اهل معرفت، بررسی کرده‌ایم. سعدی برای معرفی سیمای این قشر مهم اجتماعی به جای رفتارهای داستانی، از گفتار استفاده کرده است. خصال پسندیده و الگووار این قشر از اوصاف ناپسند این‌ها، بسیار بیشتر است. گویی سعدی سعی کرده است که با تصفیه‌ی صوفی‌نمایان، از سیمای این قشر الگویی برای مدیریت جامعه در قلمرو سیاست مدن، سیاست نفس و سیاست منزل ارائه کند.

کلید واژه‌ها: اهل معرفت، عنصر گفت‌وگو، گلستان سعدی.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی [۰۹۱۱۳۴۷۳۰۲۳] - hormozdi@yaho.com

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی ranjbar_i@yahoo.com

بنیادهای متافیزیک نور و ظلمت در اندیشه ی شیخ اشراق

حجت الله همتی

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بهبهان، گروه زبان و ادبیات فارسی، ایران، بهبهان

نور و ظلمت دو اصل رمزی است که سهروردی نظام فلسفه ی خویش را بر آن استوار داشته است. سهروردی در تبیین نظریات هستی شناختی خود و تشریح مسائل مختلف در رابطه با نظام آفرینش و نیز کیفیت صدور عالم از جانب حضرت باری و دیگر مسائل بنیادین حوزه ی اندیشه های جهان شناسی، از فلسفه ی "نور" بهره می برد. در این نظام فلسفی، علم الهی که از سنخ نور است منشأ ایجاد عالم هستی از ناحیه ی نورالانوار است و مراتب نور از بالا به پایین به منزله ی مراتب و جلوه های فاعلیت حضرت حق است که معلومیت آن با مظهریت و نوریت آن یکی است. در نتیجه از منظر سهروردی آفرینش جهان از پرتو نورالانوار خواهد بود. بدین ترتیب نظام هستی شناسی سهروردی مبتنی بر تجلی انوار است. حضرت احدیت، مطلق نور و نور مطلق است و سایر انوار به حسب قرب و بعدشان نسبت بدوست که شدت و ضعف نورشان معین گشته است. و تقریباً بر این پایه کلیه ی نظریات بنیادین خود در جهت تفسیر و تبیین دیدگاههای هستی شناختی خویش را مطرح می نماید. بر همین اساس در این جستار پیشینه ی بنیاد های متافیزیک نور و هستی شناسی نور و ظلمت در اندیشه ی سهروردی، چون رابطه ی نور و وجود و مقایسه ی احکام نور و احکام وجود، تقسیمات نور و سایر احکام مربوط به نور و ظلمت در اندیشه ی سهروردی تبیین می گردد.

کلید واژه ها: سهروردی، نور، نورالانوار، ظلمت، وجود.

تحلیل روان‌شناختی ویژگی‌های زنان در کلیله و دمنه

دکتر محمد یآوری*

استاد یار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی

زینب برزگرماهر

کارشناس ارشد ادبیات فارسی

کلیله و دمنه مشتمل بر داستان‌هایی است که منعکس‌کننده‌ی فرهنگ رایج در دوره‌ی پیدایش، تدوین و نگارش مطالب آن می‌باشد. از جمله شخصیت‌های مطرح در این داستان‌ها شخصیت زنان است که در اکثر این داستان‌ها به گونه‌ای ایفای نقش کرده و به نحو بارزی ویژگی‌های متفاوتی را از خود به منصفی ظهور می‌رسانند. در این مقاله ویژگی‌های زنان در کلیله و دمنه ذیل شش عنوان اصلی "همکاری، مسائل جنسی، پاکدامنی زن و بد بینی مرد، منطوق و استدلال، ازدواج، حمیت" طبقه بندی شده و با آوردن داستان‌های مربوط به هر یک از عناوین مذکور به تحلیل ویژگی‌های زنان از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: زن، کلیله و دمنه، شخصیت پردازی، تحلیل روان‌شناسی.

بررسی داستان تنگسیر از دیدگاه نقد جامعه شناختی

عطیه یگانه

کارشناس ارشد ادبیات فارسی

این مقاله در بستر جامعه شناسی ادبیات به بررسی داستان تنگسیر می پردازد. در نقد جامعه شناختی، آثار از منظر مفاهیمی چون ایدئولوژی، آگاهی ممکن و شخصیت نوعی بررسی می شوند. تنگسیر دارای قابلیت هایی است که می توان آن را از دیدگاه این نقد بررسی کرد. تنگسیر مهم ترین اثر چوبک است که داستانی ساده و روستایی دارد. سال انتشار آن (۱۳۴۲) در تأثیرگذاری ایدئولوژی داستان که ظلم ستیزی است، اثر بسزایی دارد. شخصیت اصلی تنگسیر، «زایر محمد»، به خوبی با ویژگی های «قهرمان نوعی» قابل بررسی است. او به تدریج و در خلال داستان از یک روستایی ساده بدل به قهرمان می شود. به گونه ای که نامش نیز به «شیر محمد» تغییر می کند. در نقد جامعه شناختی، نظریه پردازان بسیاری مطرحند. اما در این مقاله بیشتر به نظریات گلدمن و لوکاچ پرداخته شده است.

کلیدواژه ها: نقد جامعه شناختی، آگاهی ممکن، شخصیت نوعی، ایدئولوژی، گلدمن، لوکاچ.

بررسی سیر شرح نگاری بر مثنوی گلشن راز شیخ محمود شبستری توسط شارحین ترک تبار

ابوالفضل مرادی (رستا)

دانشگاه قم

دوکتور عالیه یلماز

دانشگاه سلیمان دمیرل ترکیه

این پژوهش بر آن است با بررسی نسخه های خطی موجود در قرن هشتم هجری به بعد، شرحهای فارسی که شارحین به زبان فارسی بر مثنوی گرانقدر شیخ محمود شبستری نوشته اند همچون بابانعمت الله نخجوانی و احمد بن موسی و دیگران، سیر تطور و چگونگی آن را به ثبت رسانده و سپس با شرحهایی که به زبان ترکی بر شرح گلشن راز نوشته شده است مقایسه نماید. این پژوهش میتواند تأثیر آراء و افکار شیخ محمود شبستری بر ادبیات عرفانی و تصوف آناتولی آسیای صغیر مشخص نماید.

کلیدواژه ها: گلشن راز، شیخ محمود شبستری، عرفان، شرح گلشن راز، تصوف، زبان ترکی.

حکمت، هوس، کمال گرایی در ناخودآگاه نظامی

دکتر فرزانه یوسف قنبری

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول

سعید ظهیری

دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی واحد دزفول

حکمت و هوس که دو مقوله کاملاً متضادند در نظر نظامی گنجه ای ارتباط تنگاتنگی با هاتف و فرخ سروش آسمانی پیدا می کنند. در نظر او هاتف است که سبب شده حکمت و وعظ را با هوسنامه جا به جا کند. اما آیا فقط فرخ سروش آسمانی است که سبب می شود پس از مخزن الاسرار به خسرو و شیرین روی آورد یا عوامل دیگری نیز در این چرخش دخیلند؟ ناخودآگاهی که در روان شناسی تحلیلی مد نظر است نیروی بالقوه ای است که می تواند جهت دهنده بسیاری از اعمال و کردار آدمی باشد هر چند به ظاهر بخواهیم این حرکات را مانند نظامی به عوامل ماورایی ارتباط دهیم. پس ناخودآگاه نظامی تأثیر بسزایی در چرخش او از مخزن الاسرار به خسرو و شیرین داشته است و نمی توان آن را نادیده انگاشت. نظامی ناخودآگاه به دنبال قبول عامه است و البته همین خواسته نوعی عذاب وجدان برایش به ارمغان آورده است او برای کاهش این فشار به سروش و هاتف و القائنات او روی می آورد و این گونه است که خواسته ناخودآگاه نظامی ارتباط تنگاتنگی با سروش و القائنات ماورایی پیدا می کند.

کلید واژه ها: نظامی گنجه ای، مخزن الاسرار، هوسنامه، خسرو و شیرین، چرخش شخصیت.

تأثیر رمانتیسم بر تخیل و ایماژپردازی شهریار

دکتر فرزانه یوسف قنبری

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول

ملیحه جام خانه

دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

یکی از وجوه تمایز شعر رمانتیک را در نوع تخیل آن می توان دید. تخیل رمانتیک غالباً رو به سوی افق های مه آلود و مبهم و دور دست دارد، پرواز در فضای وهمناک و ناشناخته را خوش تر دارد و از همین رو از تخیل کلاسیک که رو به افق های روشن و آشنا داشت، فاصله می گیرد. محصول تخیل رمانتیک تصویر عوالم پر رمز و راز و وهم آلود است؛ تخیلی پر شور و سودا زده، حسی - عاطفی که در بطن آن نوعی نوستالژی و حسرت زدگی نسبت به گذشته نهفته است. از این تخیل، شهریار به «تخیل جدید» تعبیر می کند و افسانه نیما را نمونه ای از آن می داند. تخیل شهریار که نقش عمده ای در استقلال و امتیاز شیوه او دارد، حد و مرزی نمی شناسد. حتی بدان پایه که پای از محدوده متعارف شرایط معانی و بیان فراتر می نهد. تخیلی زنجیر گسل و دیوانه. شهریار از نظر وسعت احاطه بر لغات و عبارات و قدرت ایماژپردازی رمانتیک، نه تنها در بین شاعران کلاسیک امروز بلکه در میان گذشتگان هم اگر انصاف را رعایت کنیم، کم نظیر و ممتاز است. ایماژها و تصاویر ساخته شده در شعر شهریار در بسیاری از موارد جنبه روایت و شرح خاطرات دارد و این خاطرات که معمولاً یا به گذشته دور تعلق دارد یا به فضای رؤیا گونه و غیر روزمره، خواننده را در حالتی میان واقعیت و رؤیا غوطه ور می سازد.

کلیدواژه ها: شهریار، رمانتیسم، تخیل، ایماژپردازی.

هنجار‌گریزی های مبتکرانه ی "احمد عزیزی"

دکتر محمد رضا یوسفی

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم استاد زبان و ادبیات فارسی جامعه‌المصطفی العالمیه

رقیه ابراهیمی شهرآباد

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران عضو گروه علمی- تربیتی مؤسسه آموزش عالی

شهیده بنت الهدی

یکی از مهمترین انگیزه های آفرینش در آثار هنری به خصوص آثار ادبی و از جمله شعر، میل به "برهم ریختن" نظم موجود در اجزاء، ارکان، معانی، و واژگان آن است. در این راستا هنرمندان سعی می نمایند با نگاهی جدید به اشیا، نظرات، لغات، و حتی اماکن اطراف خود بنگرند و آن را در لباسی جدید خلاف آنچه دیگران به کار می برند، ارائه دهند. یکی از عواملی که به شعر برخی از شعرا در جنبه های مختلف واژگانی، آوایی، زبانی، نحوی، معنایی، سبکی، و... تشخص می دهد، خارج کردن آن از حالت عادی و ساختارهای جدید و به عبارت بهتر هنجار‌گریزی آنها از نظام و قواعد حاکم بر زبان است. همین امر باعث رستخیز شعر آنها می شود. شاعر هنجار‌گریز ترتیب معمول را برهم می ریزد و ترتیب دیگری را جایگزین آن می کند. مثلاً گاهی از کاربرد لایه ی اصلی زبان در شعر سرباز می زند و ساختارهای گفتار را به کار می برد. گاهی نیز برحسب قیاس، فراتر از قواعد ساخت واژگان در نظام زبان قدم بر می دارد و واژه ای جدید را ساخته، در اشعارش به کار می برد و از این طریق به زبان خویش نوعی تشخص می دهد. هنجار‌گریزی گاهی در قواعد معنایی حاکم بر زبان رخ می دهد و شاعر از رعایت محدوده هم نشینی واژگان می گریزد، نظم آنها را برهم زده معنایی دور از ذهن را ارائه می دهد. او برای نیل به این هدف از آرایه ها و صورخیال بهره می گیرد و پدیده ها را در اثر خود برای مخاطب بیگانه جلوه می دهد. به عبارت دیگر سخن خود را در لباسی مزین عرضه می کند تا مخاطب نیز برای درک معنای سخن نیاز به تلاش فکری بیشتری داشته باشد و شاید همین تلاش فکری باعث زیبا شدن اثر گردد. در تمام این موارد آنچه مهم است؛ این است که شاعر ابتدا ذهن خواننده را به سمتی دیگر می کشد ولی با اشاره ای آن را به اصل باز می گرداند و همین امر باعث شده که هنجار‌گریزی را نوعی ابداع هنری بدانند. یکی از شاعران معاصر که به خوبی توانسته است انواع هنجار‌گریزی را در شعر خویش ارائه دهد، "احمد عزیزی" است. در این مقاله بر آنیم جلوه های مختلف هنجار‌گریزی او را در شعر نشان دهیم.

کلید واژه ها: هنجار‌گریزی، شعر، ابداع ادبی، احمد عزیزی.

